تعلیم و تربیت

از فرمان

شورای ترنت

به کلیساها

پل آیویاکس .Pll V. AND CLEMENT XIII

به سفارش منتشر شد

پس از میلاد

ویرایش رم توسط 1855 .D قانون عمومی دقیقاً بیان شده است.

با تایید اداره ثبت عادی.

نسخه ششم کلیشه ای.

راتسبون

PRIME Library Institute G. J. MANZ

w

w

تعلیم و تربیت

از فرمان

COICIUI T HBHf III

به کلیساها

Pll V. AND CLEMENT XIII. BRIDGE MAX.

به سفارش منتشر شد

پس از میلاد

EDITION OF ROME A. D. 1855 PUBLIC 1URIS واقعیت دقیقاً
بیان شده است.

.PM 0RDINAR1AT0S RATISBONENSI€ تاییدیه

STSRBOTYPE نسخه ششم.

راتسبون

G. J. Manz او اصرار دارد. متوازن مدتها پیش

1905

چاپ می شود.

رگنسبورگ، 26 نوامبر 1904

دکتر فر. لایتنر، وی‌ک.
ژنرال

Tk. براون.

## فهرست مطالب

IV



بخشی از کوارتن

## پاپ کلمنت سیزدهم

به برادران ارجمند، پدرسالاران، اولیاء، اسقف اعظم و اسقف ها.

برادران بزرگوار با سلام و درود و برکت رسولی.

در مزرعه یکشنبه که به مشیت الهی در کشت آن متکبر هستیم، هیچ چیز به اندازه مراقبت از کاشت بذر خوب نیاز به مراقبت مراقب و انرژی مداوم ندارد، البته تعالیم کاتولیک که از مسیح عیسی و رسولان دریافت و به ما تحویل داده شده است. مبادا اگر از تنبلی و سستی نامطمئن غفلت شود، دشمن نوع بشر بر کارگران خفته علف های هرز بکارد. از آنجا انجام می شود، تا در روز برداشت، به جای ذخیره در انبارها، چیزهایی که باید با شعله سوزانده شوند، یافت شوند. و در واقع برای محافظت از ایمانی که زمانی به مقدسین منتقل شد *) مبارک ترین پولس ما را که به تیموتائوس می نویسد، قویاً تشویق می کند که از خوبی ها محافظت کنیم 2) سپرده شده است، زیرا خطرناک 3) زمانی که انسان های شرور 4) و فریبکاران در کلیسای خدا وجود خواهند داشت، با اعمالشان آن وسوسه گران موذی با این وسوسه گران ناجنگ سعی می کنند تا از آن استفاده کنند. حقیقت انجیلی این درست است، اگر، همانطور که اغلب اتفاق می افتد، برخی از نظرات اشتباه در کلیسای خدا به وجود آمده باشد، که در واقع، با جنگیدن در جبهه های مخالف، در آن توطئه می کنند تا خلوص ایمان کاتولیک را به هر طریقی تضعیف کنند. اما پس از آن بسیار دشوار است، با آن احتیاط بین هر دو دشمن ما. مکالمه را متعادل کنید، به طوری که دیده شود که به هیچ یک از آنها پشت نکرده است، بلکه به همان اندازه از هر دو دشمن مسیح اجتناب کرده و آنها را محکوم کرده است. و گاه موضوع به گونه ای است که کذب اهریمنی حقیقت به راحتی خود را با کاذب هایی می پوشاند که با تشبیهی رنگ آمیزی شده اند، در حالی که قوت جملات با کوتاه ترین اضافه یا مبادله خراب می شود و دشمنی که برای رستگاری کار می کرد در یک انتقال ظریف به مرگ تبدیل می شود.

پس از این راه های لغزنده و باریک که به سختی می توانی در آن بایستی و بدون افتادن در آن وارد شوی، باید مؤمنان را برگردانند، مخصوصاً کسانی را که عقل خام تر و ساده تری دارند.

») جود 3. الف) دوم تیم. 1، 14. i (s> ب. 3، 1. 4) شناسه ج. 18.
تعلیمی مخروط ترید.

2

نه گوسفندان را از طریق مکان‌های صعب العبور به چراگاه می‌برند، و
نه جزئیات خاصی، حتی معلمان کاتولیک، به آن‌ها پیشنهاد می‌شود،
بلکه باید مطمئن‌ترین نشانه حقیقت کاتولیک، جهانی بودن،
قدمت و اجماع آموزه‌ها ارائه شود. علاوه بر این، از آنجا که مردم عادی
نمی توانند از کوهی که جلال خداوند در آن فرود می آید بالا بروند، و
مردمی که از آن فراتر می روند برای دیدن هلاک می شوند. معلمانشان در
سراسر مدار باید مرزهایی برای مردم تعیین کنند تا گفتمان فراتر از
چیزهایی که برای رستگاری ضروری است یا مفیدتر است، پرسه
نزند و به قول رسولان وفادار باشند: 2) «خردتر از آنچه باید باشی
مباش، بلکه عاقل باش تا متانت».

هنگامی که پاپ های رومی ما، پیشینیان ما، این را
به خوبی درک کردند، تمام تلاش خود را در این امر به
کار گرفتند تا نه تنها دانه های مسموم خطاهای
نوظهور را با شمشیر کفر بریدند، بلکه برخی از
باورهای زیرپوستی را نیز از بین ببرند، که یا از
ثمره فراوان ایمان در مردم مسیحی جلوگیری می کرد، یا
می توانست به ارواح مؤمنان آسیب برساند. بنابراین،
پس از شورای ترنت، کسانی را که در آن زمان سعی در
پنهان کردن نور کلیسا داشتند، به عنوان بدعت گذار
محکوم کرد و حقیقت کاتولیک را که گویی در غبار
اشتباه از بین رفته بود، به نوری درخشان تر آورد.
زمانی که پیشینیان ما نیز همین را فهمیدند، که این
مجمع مقدس کلیسای جهانی دارای چنان برنامه ای
محتاطانه و چنان استفاده ای از اعتدال بود که از
نظرات مذموم که توسط مقامات پزشکان کلیسا حمایت
می شد، خودداری کرد. از ذهن همان شورای مقدس، آنها می
خواستند کار دیگری انجام شود، که شامل تمام آموزه
هایی باشد که مؤمنان باید به وسیله آن آگاه شوند، و
تا حد امکان از هرگونه خطا به دور باشد. آن کتابی را
که به نام «رومی تعلیم» چاپ کردند و در آن موضوع
تمجید مضاعف کردند. زیرا حتی در آنجا نیز آن آموزه را
آوردند، که در کلیسا رایج است، و به دور از هر گونه
خطر خطا. و آنها پیشنهاد کردند که این را آشکارا یا
شیواترین کلمات به مردم برسانند، بنابراین از
دستور خداوند مسیح که به رسولان دستور داد اطاعت
کردند. تشخیص تاریکی از واقعی دشوار است. زیرا
می‌دانستند که پیش و پس از آن کسانی بوده‌اند که از
آنانی که غذا می‌دهند و خردمند دعوت می‌کنند

«) مثال 19، 12. ») روم. 12، 3. ») مت. 10، 27. ) Cant. 1. 6

و علم نوید مراتع غنی‌تری می‌دهد که بسیاری به آن‌ها می‌روند، زیرا آب‌های دزدیده شده شیرین‌تر است و نان پنهان شیرین‌تر. پس مبادا کلیسا به دنبال دسته‌هایی از اعضایی که خود سرگردان هستند، از حقیقت اطمینان ثابتی نداشته باشند، گمراه شود، و همیشه یاد می‌گیرند 2) و هرگز به شناخت حقیقت نمی‌رسند. بنابراین آنها پیشنهاد کردند که آنچه را که فقط برای رستگاری ضروری و مفیدتر است، به مردم مسیحی تحویل دهند، که به وضوح در تعالیم رومی توضیح داده شده است، و به وضوح توضیح داده شده است.

درست است که این کتاب که بدون زحمت و کوشش نوشته شده و با رضایت همه مورد تأیید قرار گرفته و با بالاترین تمجیدها دریافت شده است، در این زمانه تقریباً عشق به تازگی را از دست کشیشان می لرزاند، وقتی او سایر تعلیمات و تعالیم دیگر را به هیچ وجه قابل قیاس با رومی نیست. که از آن دو شر پدید آمده است: دوم اینکه به همان شیوه آموزش رضایت تقریباً سلب شده است و نوعی رسوایی به کوچولوهایی که خود به نظر می رسد دیگر در سرزمین لبیک نیستند عرضه شده است3) و همین کلمات; دوم، اینکه از دلایل مختلف و گوناگون برای انتقال حقیقت کاتولیک، منازعات و رقابت ها به وجود آمد، در حالی که یکی خود را پیرو آپولون، دیگری از قیفا، دیگری از پولس، انفکاک عقاید و اختلافات بزرگ نامید. با تلخی اختلافات او، ما هیچ چیز را برای کاهش جلال خدا مهلک تر نمی دانیم، و هیچ فاجعه آمیزی برای خاموش کردن میوه هایی که برای مؤمنان درست است که از انضباط مسیحی دریافت کنند، نیست. و به این ترتیب، برای اینکه بتوانیم سرانجام این شر مضاعف را از کلیسا حذف کنیم، ما را به بازگشت به آنجا سوق دادند، از آنجا که برخی با اندکی نصیحت محتاطانه، برخی نیز با غرور رهبری می‌شدند تا بتوانند خود را در کلیسا به‌عنوان عاقل‌تر نشان دهند، مدت‌ها بود که مردم مؤمن را ترک کرده بودند. و ما در نظر گرفتیم که همان تعلیمات رومی را دوباره به شبانان ارواح بسط دهیم. از آنجایی که به چه دلیل زمانی ایمان کاتولیک تایید می شد و در آموزه کلیسا که ستون حقیقت است، 4) اذهان مؤمنان تقویت می شود، اکنون آنها تا آنجا که ممکن است از نظرات جدید که نه با اجماع و نه با قدمت پشتیبانی می شوند، دور شده اند. و برای اینکه کتاب محتمل‌تر شود و لکه‌هایی که بر اثر تقصیر آثار به وجود آمده اصلاح شود، مطابق نمونه آن، که سنت پیوس پنجم، سلف ما، با حکم شورای سنت ترنتین، اهتمام داشتیم که دوباره در شهر آلما با تمام دقت چاپ کنیم، که به زودی موعظه عامه پسند به فرمان پیوس مجدداً به فرمان پیوس تبدیل شد و دوباره منتشر شد. چاپ شده در نوع ما

بنابراین، در این سخت ترین زمان جمهوری مسیحی

Prov. 9، 17. s) H. Tim. 3، 7. «) 15 ،3 تیم. 1 ( .1 ،11 پیدایش

4

عنایت ما برای رفع تقلبات عقاید نادرست و استقرار آموزه‌های صحیح و سالم، مناسب‌ترین پشتوانه را فراهم می‌آورد و عنایت شما برادران بزرگوار است که در جهت استقبال مؤمنان تلاش کنید. و از این رو این کتاب را که به عنوان قاعده ایمان کاتولیک و نظم مسیحی، به طوری که حتی در مورد دکترینی که باید صادر شود، «ممکن است رضایت همگان حاصل شود، پاپ های رومی برای مقاصد کشیشان اراده کردند، اکنون به شما برادران ارجمند شدیداً توصیه می کنیم، و شما را قویا در خداوند تشویق می کنیم که به همه مردمی که حقیقت را مورد توجه گربه ها قرار می دهند، آگاه شوید. تا هم وحدت علم و هم انسجام محفوظ بماند، زیرا این وظیفه شماست که آرامش همه را مطالعه کنید، که به طور خلاصه، بخشهای یک اسقف است که پس باید چشمش به آن دوخته شود، مبادا کسی که به خاطر افتخاراتش با افتخار رفتار کند، انشعابات ایجاد کند.

با این حال، اگر کسانی که قرار است آن‌ها را به مخاطبان ارائه و توضیح دهند، خودشان صلاحیت آموزش کمتری داشته باشند، این کتاب‌ها سود چندانی نخواهد داشت. بنابراین بسیار مهم است که مردانی برای این وظیفه که آموزه های مسیحی را به مردم منتقل کنند انتخاب شوند، نه تنها دارای دانش مقدسات باشند، بلکه بسیار بیشتر با فروتنی و میل به تقدیس روح و غیرت در امور خیریه باشند. زیرا کل نظم و انضباط مسیحی نه در فراوانی کلمات، نه در زیرکی بحث و نه در میل به ستایش و جلال، بلکه در فروتنی واقعی و داوطلبانه است. زیرا کسانی هستند که دانش بیشتر آنها را برمی انگیزد، اما آنها را از جمع بقیه جدا می کند، و هر چه خردمندتر باشند، بیشتر فریب قوت همفکری را می خورند، که با حکمت کلام خدا به آنها توصیه می شود: "در میان ما نمک داشته باشید و بین خود صلح داشته باشید." زیرا نمک حکمت را باید به گونه ای داشت که محبت همسایه را محفوظ می داشت و ناتوانی ها را چاشنی می کرد. اما اگر از جست و جوی خرد، از مراقبت حتی برای همسایگان، به اختلاف روی بیاورند، نمکی بدون آرامش دارند، نه هدیه ای از فضیلت، بلکه دلیلی برای لعنت. و هر چه عاقلتر باشند بدتر توهین می کنند. که در واقع جمله یعقوب رسول در آن کلمات او را محکوم می کند: "اگر غیرت تلخ دارید2) و در دل های شما نزاع رخ می دهد، خود را تمجید نکنید و در برابر حق دروغگو باشید." زیرا این حکمت از بالا نزول نیست، بلکه زمینی، حیوانی، شیطانی است. زیرا هر جا که غیرت و ستیز باشد، ناپایداری و هر کار نادرستی وجود دارد. که حکمت بالا و پایین است;

>) علامت گذاری کنید. 9، 40. ج) یاس. 3، 14

5

قوی، پر از رحمت و میوه های خوب، قضاوت نکردن، بدون رقابت.

از این رو، در حالی که با فروتنی دل و رنج روح از خدا می خواهیم که فضل و رحمت خود را بر کوشش و کوشش ما عطا کند، تا اختلاف باعث ناراحتی مردم مؤمن نگردد، و در پیوند صلح و نیکوکاری روح، همه ما یکدل باشیم و عیسی را تسبیح کنیم، خداوند را ستایش کنیم.
برادران ارجمند، با یک بوسه مقدس؛ ما با محبت به همه شما و به همین ترتیب به همه وفاداران کلیساهایتان برکت رسولی می دهیم.

در قلعه گاندولف در روز چهاردهم داده شده است. ژوئن 1860 در سومین سال سلطنت ما

## مقدمه

### پرداختن به نیاز، اختیار و وظیفه کشیشان در کلیسا و نکات اصلی دکترین مسیحی.

1. مردی که به قوت خود رها شده باشد، نمی تواند به خرد واقعی و روش های خاص دستیابی به سعادت دست یابد.
دلیل عقل و شعور انسان همین است که در عین حال که خود با کوشش و کوشش فراوان بسیاری از چیزهای دیگر را که مربوط به معرفت الهی است تحقیق و شناخت کرده است، ولی بخش اعظمی از آنها که رستگاری ابدی به آن عنایت شده است، که انسان به خاطر نخستین علت آفریده شده و به صورت و شباهت خداوند آفریده شده است، هرگز قادر به شناخت و یا دیدن طبیعت منور از نور نشده است. « چیزهای نامرئی» خدا، همانطور که رسول تعلیم می دهد، توسط مخلوقات جهان دیده می شود و با چیزهایی که ساخته شده است، درک می شوند. و قدرت و الوهیت ابدی او: «درست است، آن «راز» که از اعصار و نسل‌ها پنهان بوده است، «به اندازه‌ای از هوش بشری فراتر می‌رود که، اگر به قدیسان نازل نشده بود، کسانی که خدا می‌خواست با عطای ایمان، ثروت جلال این راز را در میان امت‌ها به انسان بشناساند، که همان مسیح است، بدون هیچ تلاشی برای آن کار.

### II. از کجا تصور می شود مقام بسیار بزرگ از ایمان.

حال وقتی «ایمان از سمع» متصور شد، معلوم می شود که کار و خدمت یک معلم مشروع و مؤمن تا چه اندازه برای رسیدن به رستگاری ابدی ضروری بوده است; اگر به راستی گفته شد 4) چگونه بدون واعظ می شنوند؟ و به راستی که از همان آغاز جهان، مهربان ترین و مهربان ترین خدا از قومش غایب نبود، بلکه به انحاء و جهات فراوان5) با پدران در انبیا سخن می گفت و مطابق شرایط روزگار، راه مشخص و مستقیمی را به سوی سعادت بهشتی به آنان نشان می داد.

### III. مسیح به این دنیا آمد تا ایمانی را که رسولان و جانشینان آنها بعداً تبلیغ کردند، آموزش دهد.

اما از آنجایی که پیشگویی کرده بود که خود را معلم عدالت به نور امتها خواهد کرد (6) تا نجات او تا اقصی نقاط زمین باشد، سرانجام در پسر7 با ما صحبت کرد، که او نیز با صدایی که از آسمان نازل شده بود از جلال باشکوه، دستور داد که همه فرمانروایان او را بشنوند و اطاعت کنند. اما پس از آن Fi-

روم 10، 14. 15. «) عبری. 1، 1 (* 17. ,.107 1 ,1 .P e Rtro.m(* .II .6 (2 « ،1 .2 . C1o,l (.H.e b ra«

7 پیشگفتار. او به دیگران رسولان، به دیگران پیامبران، و دیگران کشیشان و معلمانی داد که کلام را اعلام می کنند، مبادا مانند بچه های کوچک ما را به خود ببرد، با هر باد آموزه ای پرت شود، به پایه ایمان بچسبیم و با هم ساخته شویم. خدا در روح القدس.

زندگی

استوار

IV. چگونه باید سخنان کشیشان کلیسا را دریافت کرد.

و مبادا کسی که کلام خدا را از خادمان کلیسا شنید، آن را به عنوان کلام انسانها بپذیرد، اما، همانطور که حقیقت دارد، مسیح، خود نجات دهنده ما تصمیم گرفت که چنین را به خدمت آنها نسبت داد، که بگوید: "هر که شما را می شنود، مرا می شنود و آن که شما را رد می کند، مرا طرد می کند." اما نه در مورد کسانی بود که گفتمان با آنها برگزار شد، بلکه او خواستار حقیقت در مورد همه کسانی بود که جانشینی را از دفتر تدریس می کردند و به آنها قول داده بود که تا عصر با او باشد. 5 با ایمانی که قبلا آشکار شده است، امروز نیز لازم است که شبانان کلام خدا را موعظه کنند. اما در از آنجا که این موعظه کلام الهی هرگز نباید در کلیسا قطع شود، پس قطعاً در این باید با اهتمام و تقوای بیشتری توضیح داده شود، تا مؤمنان با عطای سالم و بیفاسد به عنوان خوراک زندگی، تغذیه و شوند. برای انبیای دروغین 6) به دنیا رفتند که خداوند در آنها می فرماید7: "من پیامبرانی نفرستادم و آنها دویدند، با آنها صحبت نکردم و نبوت کردند" تا با عقاید مختلف و بیگانگان قلب مسیحیان را منحرف کنند. در این زمینه، بی تقوای آنان، مجهز به تمام هنرهای شیطان، چنان پیشرفت کرده است که مهار آن با هیچ هدف مشخصی تقریباً غیرممکن به نظر می رسد. و مگر اینکه به آن وعده عالی نجات دهنده خود تکیه کنیم، که کرد که خود را بر چنین پایه استوار کلیسای خود قرار داده است، که دروازه های جهنم هرگز نمی توانند بر آن غلبه کنند: باید از ترسید که مبادا در این زمان، در محاصره دشمنان بسیار از هر وسوسه شود و توسط ابزارهای بسیار مورد حمله قرار گیرد، سقوط کند. زیرا از شرافتمندانهترین استانها که زمانی با تقوا و تقدیس دین راستین و کاتولیک را که از بزرگان خود دریافت کرده بودند، حفظ میکردند، اما اکنون در ترک راه راست به بیراهه رفتهاند، و از این جهت آشکارا به پرستش میپردازند، زیرا تا آنجا که ممکن است از آموزههای پدران مسیحی دور شدهاند. جمهوری را می توان یافت، جایی که این آفت سعی در مخفیانه ندارد

کلام قدرتی

همچنین تنها

مشروع

پایان

حقیقت،

زمان

تأیید

مورد

تأیید

این طرف،

پرهیزگاری

خزیدن

آن را

>) افس 4، 11. 14. *) افس. 2، 22. *) I. پایان نامه. 2، 13. *) 16، 10. L ne. «) مت. 28، 20. «) I.
Jo. 4، 1.') Jer. 23، 21. 8) 18، 16. مت. «) 9، 13. عبری.

6. تعلیمات de -potispsriamvuamr e h asetruedtiuceir u nCth.r istianorum

برای کسانی که به خود پیشنهاد می کردند که عقل مؤمنان را به فساد بکشانند،
وقتی فهمیدند به هیچ وجه نمی شود، باید با همه در مقابلشان صحبت کنند و سخنان
زهرآگین در گوششان بریزند: همین را به دلیل دیگری حمله کردند و خطاهای بی تقوا را بسیار
راحت تر و گسترده تر منتشر کردند. زیرا علاوه بر آن مجلدات عظیمی که با آنها سعی در
براندازی مذهب کاتولیک داشتند (که اما با اهتمام و اهتمام زیاد نمی‌توانستند از آن محافظت
کنند، زیرا حاوی بدعت آشکار بودند) جزوه‌های بی‌پایانی نیز نوشتند که وقتی ظاهر تقوا را
پیش روی خود قرار می‌دادند، به آسانی توسط ذهن‌های بی‌احتیاط ساده می‌خورد. VII.
و .Pestilentiburse n pdsuemu d os.p r soypnhoedtuas r urme ct ev o cstiabtuusi t
مکتوب ملاقات کرد

از این رو، پدران مجمع جهانی ترنت، از آنجایی که بیش از همه مایل بودند داروی
مفیدی را برای این شر مهلک به کار ببرند، کافی ندانستند که سران جدی تر دکترین
کاتولیک در برابر بدعت های زمان ما تصمیم بگیرند، بلکه لازم می دانستند که این کار
را برای خود انجام دهند تا برخی فرمول ها و روش های معینی را که در آیین های دین مسیحی
ایجاد می شود، به دست آورند. resesnett.u r، به آنها چوپان مشروع و معلم

rVoHntJv:mf isct Niiest cu etasiusocent eo srf,iut ia ttn,eo ,v eu tpmoi sa tmc a ttooeetc c hudimoscemtnruiimcn ia ep ac soCnthcoirrliiisbitu به عنوان opp.

در واقع، بسیاری هنوز با ستایش فراوان از تقوا و تعالیم به این نوع نگارش مشغولند،
اما با این حال پدران فکر می کردند که مهمتر از همه این است که کتابی توسط مرجع شورای
مقدس چاپ شود که از آن کشیشان یا همه کسانی که وظیفه تعلیم بر آنها محول شده است،
بخواهند و احکام خاصی را برای تعالی مؤمنان بخواهند و صادر کنند، تا خداوند یکی باشد،
همانگونه که ایمان یکی باشد، همان طور که ایمان یکی باشد. انتقال ایمان، و برای همه وظایف
تقوا در تربیت مردم مسیحی.

9 عقاید این دین دقیقاً جهانی نیستند

بنابراین، اگرچه چیزهای زیادی به نظر می رسد که متعلق به این دلیل است، اما هیچ کس
فکر نمی کند که هدف مجمع مقدس این بوده است، که همه جزمات ایمان مسیحی باید در یک کتاب
درک و به تفصیل توضیح داده شود، که معمولاً توسط کسانی انجام می شود که مؤسسه و
تعلیم کل دین را انجام می دهند.

برای این کار تقریباً بی نهایت کار می شد، و واضح است که این
طرح کمتر مناسب بود. اما از آنجایی که او متعهد شد که به
کشیشان و موبدان و اولیای ارواح در آگاهی از آن اموری که بیشتر از
همه مشخصه‌های منصب شبانی است و با اسارت مؤمنان تطبیق
می‌دهد، آموزش دهد، می‌خواست تنها چیزهایی را وارد می‌کند که
می‌تواند به مطالعه شبانان پرهیزکار در این امر کمک کند، اگر آن‌ها
در بحث سخت‌تر الهی نبودند. با توجه به این موارد، قبل از اینکه
به بررسی دقیق آنها بپردازیم، که در آن مجموع این آموزه آمده است:
نظم مستقر امور ایجاب می کند که چند چیز بیان شود، که چوپانان
باید آنها را در نظر بگیرند، و در وهله اول آنها را در برابر چشمان خود
قرار دهند، تا بدانند که به چه هدفی، به طور مثال، همه برنامه ها،
کارها و مطالعات آنها باید به راحتی ارجاع داده شود و با کدام توافق
به چه چیزی دست می یابند.

10. هنگامی که شبانان ارواح در اینجا متعهد می شوند تا آموزش ببینند، آنچه برای آنها مهم است،
این است که بتوانند به درستی منصب خود را انجام دهند، باید در نظر گرفته شود.

بنابراین، به نظر می رسد اولین چیز این است که آنها باید
همیشه به یاد داشته باشند که تمام دانش مرد مسیحی باید در
این سر گنجانده شود، یا بهتر است بگوییم، همانطور که منجی ما
می گوید: "این زندگی جاودانی است، تا آنها فقط تو را خدای حقیقی
و که عیسی مسیح را فرستاده ای بشناسند." در بهشت که باید
در آن نجات پیدا کنیم. همانا او کفاره گناهان ماست. اما چون می
دانیم که در این امر، اگر اوامر او را رعایت کنیم، بیشترین ارتباط را
با آنچه گفتیم دارد، تا در عین حال نشان دهد که زندگی مؤمنان در
بطالت و تنبلی نیست، تا ما نیز راه برویم و از نیکی و تقوا و
ایمان با کوشش کامل پیروی کنیم. , صدقه , فروتنی ; زیرا او خود
را سپرد 7) تا ما را از هر گناهی نجات دهد و قومی را مورد قبول او قرار
دهد که پیرو کارهای نیکی باشد که رسول به شبانان دستور می
دهد تا صحبت کنند و توصیه کنند. اما هنگامی که پروردگار و
منجی ما نه تنها گفت، بلکه با مثال خود نشان داد که شریعت و
انبیا به محبت بستگی دارند، رسول تأیید کرد که صدقه پایان
فرمان و کامل بودن شریعت است 9) : مشکوک

') ببینید. 17، 3 .2)). کور. 2، 2 .") عمل 4، 12. «) I. Jo. 2، 6 (3. 6) Ir Jo. ?، 3. 6 •)
تیم. 1، 5.1، 3 .I. Mat. 22، 40. «) T it. 2، 14. 15. ) تیم. 2، 22 II

هیچ کس نمی تواند بگوید که باید به این امر به عنوان یک وظیفه اصلی با جدیت تمام توجه کرد تا مردم مؤمن به عشق بیکران خداوند نسبت به ما برانگیخته شوند و با شعله ور شدن در آتش الهی به آن عالی ترین و کامل ترین خیری که تمسک به آن سعادت مستحکم و واقعی است برانگیخته شود. او به وضوح احساس می کند که کسی که می تواند این جمله را از پیامبر (1) بگوید: "در بهشت برای من چیست و در زمین از شما چه خواستم؟" البته این راه عالی‌تر است که همان رسول نشان داد 2) هنگامی که تمام جنبه‌های تعلیم و تعلیم خود را به خیریه هدایت کرد که هرگز شکست نمی‌خورد. زیرا خواه به چیزی پیشنهاد شود که به آن ایمان بیاوریم، یا به آن امید داشته باشیم، یا به آن عمل کنیم، محبت پروردگار ما باید همیشه در آن مورد ستایش قرار گیرد، تا هرکسی ببیند که همه کارهای فضیلت کامل مسیحی منشأ خود را از منبع دیگری جز عشق نشات می دهد، و به هدف دیگری جز عشق اشاره نمی شود.

XI. برای کشیش ها کافی نیست که به تعلیم بین این دو پایان نگاه کنند، بلکه باید خود را با تسخیر هر یک وفق دهند.

اما از آنجایی که در هر موضوعی که آموزش داده شود، اهمیت زیادی دارد، خواه شما چیزی را به این طریق یا به آن طریق آموزش دهید، در واقع این امر باید در آموزش مردم مسیحی بیشترین اهمیت را در نظر گرفت. زیرا سن، استعداد، آداب و احوال شنوندگان باید رعایت شود، تا کسی که منصب تعلیم را انجام می‌دهد، همه را برای همه انجام دهد، تا همه چیز را برای مسیح منتفع کند، و خود را وفادار نشان دهد. گمان نشود که مردان از یک نوع به ایمان خود متعهدند، تا همه مؤمنان به یک اندازه بتوانند فرمول معین و معینی از تعلیم را تربیت کنند و آنها را به تقوای واقعی تربیت کنند. افزایش 8)، "تا زمانی که همه ما در وحدت ایمان، و شناخت پسر خدا، در انسان کامل، به اندازه دوران پری مسیح ملاقات کنیم." اما رسول در خود به همه گفت که این را رعایت کنند، زیرا گفت: 9) که او بدهکار یونانیان و بربرها، خردمندان و نادانان است. تا کسانی که به این خدمت دعوت می شوند بفهمند که در بیان اسرار ایمان و احکام زندگی، تعلیم باید با حساسیت و هوش شنوندگان منطبق شود تا وقتی

• ) ص. 72، 25. الف) اول قرن. 12، 31. *) اول کور. 9، 19. 22. 4) اول کور. 4، 1. 2. 5) مت 25، 23. «) اول پطرس 2، 2. i) عبری. 5، 12. اول کور. 3، 2. «) اف. 4، 13. 9) روم. 1، 14

دلهای‌شان را چون حواس تربیت شده از غذای معنوی پر کنند، مبادا
در این میان کوچولوها را از گرسنگی هلاک کنند تا نان طلبان و
کسی نباشد که آنها را بشکند. در واقع نباید علاقه کسي به
تعليم را به تأخير انداخت، زيرا گاهي لازم است كه شنونده را
به احكام آن چيزهايي كه سبک تر و فروتن تر به نظر مي رسد و
معمولاً بدون دردسر انجام نمي دهند، تعليم داد، به ويژه از سوي
كساني كه ذهنشان به تفكر در امور متعالي مشغول است. زیرا
اگر همان حکمت پدر ابدی به زمین فرود آمد تا در جسم فروتنی ما
احکام زندگی بهشتی را به ما تحویل دهد، که محبت مسیح او را
برانگیخت که در میان برادرانش کوچک شود و مانند پرستاری
که فرزندان خود را به طمع همسایگان خود پرورش دهد و به طمع
خود بپروراند. ?eAtpioasmt o launsi mtaemst a tturra3dJe,r e
او انجیل خود را نمی خواهد، بلکه انجیل خدا را می خواهد وقتی e

خدا حضور مشهود خود را برای ما می آورد، کشیش ها کلام او را از
کتاب مقدس و سنت ها می گیرند.

اما هر نظام آموزه‌ای که قرار است به مؤمنان ابلاغ شود، در
کلام خدا آمده است، که در کتب مقدس و روایات توزیع شده است.
بنابراین، در مراقبه این چیزها، شبانان شب و روز مشغول خواهند
بود، و آن پند پولس الهی را که به تیموتائوس نوشته شده
است، به خاطر بیاورند، همه کسانی که مسئول مراقبت از ارواح
هستند، فکر خواهند کرد که متعلق به آنهاست. و این پند
بدین صورت است4: «توجه به درس و نصیحت و تعلیم» "زیرا
هست" 5) "تمام کتاب مقدس الهام گرفته شده از الهی است،
برای تعلیم، توبیخ، سرزنش، برای تربیت در عدالت مفید است،
تا مرد خدا کامل و مجهز برای کار نیک باشد." اما از آنجایی که
چیزهایی که از طریق الهی تحویل داده شده بسیار و متنوع است،
به طوری که نمی توان آنها را نه در ذهن و نه حتی در ذهن به
آسانی درک کرد، که نمی توان آن را به آسانی در حافظه نگه داشت،
به طوری که وقتی فرصت تعلیم فراهم شد، توضیح آنها آماده
و سریع باشد: بزرگان ما با خردمندانه همه این نیرو و دلیل آموزه
های نجات دهنده را تقسیم کردند: دکالوگ، نماز یکشنبه; زیرا
همه چیزهایی که باید در نظم و انضباط ایمان مسیحی رعایت
شود، خواه مربوط به معرفت خدا باشد، خواه مربوط به خلقت و
حکومت جهان، یا به رستگاری نسل بشر، یا به پاداش نیکوکاران
و مجازات های بد، در آموزه نمادها آمده است. اما چه نشانه ها و به
عنوان ابزار کسب فیض الهی، این هفت 1 T7h (.»sa- 3، 16. رن 4، 4.
*) I. 7 ،2 .پایان نامه. ") I. 4 .8 ،2 (تز. I. 6 .13 ،4 (تایر. n، تیم.

دکترین مصلوب شدن گنجانده شده است. حال اما آنچه به قوانینی که غایت آن صدقه است در دکالوگ شرح داده شده است. به طور خلاصه، هر آنچه را که می توان آرزو کرد، امیدوار بود و از انسانها سعادتمند خواست، که در دعای خداوند درک می شود. از این رو، پس از توضیح این چهار آیه متداول کتاب مقدس، تقریباً چیزی برای درک آنها که باید توسط انسان مسیحی آموخته شود، نمی توان آرزو کرد.

سیزدهم با این روش، کشیشان توضیح انجیل را با شرح تعلیم ترکیب خواهند کرد.

و از این رو چنین پنداشته شد که به کشیشان توصیه شود، هر گاه نوبت به عمل می‌رسد، که وقتی کسی از انجیل یا هر مکان دیگری از کتاب آسمانی را تفسیر می‌کنند، بفهمند که نظر آن مکان، هر که باشد، در ذیل یکی از آن چهار سر که ذکر کردیم، قرار می‌گیرد که باید به آن پناه ببرند، گویی به منبع آموزه آن، که نیاز به توضیح دارد. به عنوان مثال، اگر قرار باشد انجیل یکشنبه اول ظهور توضیح داده شود: «در خورشید و ماه و غیره نشانه هایی خواهد بود» که مربوط به آن دلیل است، در آن مقاله نمادین آمده است: «او برای داوری زندگان و مردگان می آید». که از آنجا گرفته شده، کشیش با یک کار به مردم مؤمن و نماد انجیلی می آموزد. از این رو در هر کار تعلیم و تفسیر، این عادت را حفظ می کند که همه چیز را به آن چهار کلاس اول هدایت کند، که گفتیم تمام نیرو و آموزه کتب آسمانی به آن اشاره شده است. و او آن نظم تعلیم را به کار خواهد گرفت که هم با افراد و هم با زمان تطبیق داده می شود. ما، با پیروی از اقتدار پدران، که در آغاز مسیح خداوند، و تعلیم انسانها در تربیت او، با آموزه ایمان شروع کردیم، شایسته دانستیم که ابتدا آنچه را که مربوط به ایمان است توضیح دهیم.

CATEOIIism

از فرمان

شورای ترنت

بخش اول

OAPUT I

درباره ایمان و نماد وفادار.

1- ایمان در این مکان چیست و چه ضرورتی برای رستگاری دارد؟

اما از آنجایی که معنای ایمان در نامه های الهی بسیار است، ما در اینجا از آن سخن می گوییم که به اقتضای آن با آنچه از جانب خداوند نازل شده کاملاً موافقیم. اکنون که این امر برای رسیدن به رستگاری ضروری است، هیچکس به حق شک نخواهد کرد، به ویژه هنگامی که نوشته شده است: "بدون ایمان، رضایت خدا محال است." زیرا از آنجایی که غایتی که برای سعادت انسان به او پیشنهاد میشود، بالاتر از آن است که ذهن انسان آن را درک کند، لازم بود که او از خداوند آن را دریافت کند. اما این معرفت چیزی جز ایمان نیست، فضیلت آن ما را قادر می سازد آنچه را که از جانب خدا نازل شده است و توسط اقتدار مقدس ترین کلیسای مادر تأیید شده است بپذیریم. زیرا هیچ شکی برای مؤمنان در کسانی که مؤلف آنها خداست که همان حقیقت است رخ نمی دهد. از اینجا میفهمیم که بین این ایمانی که به خدا داریم و ایمانی که برای نویسندگان تاریخ بشریت به کار میبریم، چقدر وجود دارد. اما ایمان، گرچه بسیار باز است، و از نظر بزرگی و منزلت متفاوت است [زیرا در حروف مقدس 3 چنین است]: «کم ایمان، چرا شک کردی؟» و «ایمان شما بزرگ است»، و 4)، «ایمان ما را زیاد کن»، نیز 5)، «ایمان بدون اعمال مرده است»، و 6)، «ایمانی که از طریق صدقه عمل میکند»]: با این حال از یک نوع است، و همان نیرو و دلیل تعریف در درجات مختلف ایمان صدق میکند. اما اینکه چقدر مثمر ثمر است و چه فایده ای ممکن است از آن ببریم در توضیح مقالات گفته خواهد شد.

II. چه زمانی و به چه دلیل دوازده سر ایمان توسط رسولان تحویل داده شد.

بنابراین، اولین چیزهایی که مردان مسیحی باید رعایت کنند، مواردی است که رهبران و معلمان ایمان رسول مقدس، روح الاهی هستند.

») عبری. 11، 6. *) جو. 14، 6. *) مت. 14، 31. 15، 28. *) لوقا 17، 5. ») Gal .J ac. 2، 20. «) 6 ،5

آنها با الهام از این آیین، دوازده ماده نماد را جدا کردند. زیرا هنگامی که فرمان (1) را از جانب خداوند دریافت کردند که از طرف او به تمام جهان بروند و انجیل را به هر موجودی موعظه کنند: مسیحیان تصمیم گرفتند که فرمول ایمان را بنویسند، یعنی اینکه همه یک چیز را احساس کنند و بگویند، 2) و در میان کسانی که آنها را به اتحاد فراخواندند، نفاق و انشعابی وجود نداشته باشد، بلکه در یک عقیده و ایمان کامل باشند.

III. نمادی که از آن گفته شد.

و مسیحیان این مسلک ایمان و امید را که توسط خودشان ساخته شده بود، نماد رسولان نامیدند، یا به این دلیل که از نظرات مختلفی که هر یک مشترکاً به آن کمک کرده بودند، ادغام شده بود، یا به این دلیل که از آن به عنوان نوعی یادداشت و رمز عبور استفاده می کردند، که به وسیله آن فراریان و برادران دروغین فرعی که انجیل را جعل می کردند، می توانستند به راحتی توسط کسانی که انجیل را تقلب می کردند، خود را در درون خود قرار دهند.

IV. ضرورت این نماد چیست و به چند قسمت تقسیم می شود. من به خدا ایمان دارم. از آنجا که در دین مسیح چیزهای زیادی به مؤمنان پیشنهاد می شود که ایمان آنها، فردی یا جهانی، ایمان یقینی و راسخ لازم است، پس درست است که اولین و ضروری باید مورد باور همه قرار گیرد که اساس و مجموع حقیقت در مورد وحدت ذات الهی و تمایز سه شخص و افعال آنها که به دلیل تعالیم خاص من به آنها نسبت داده شده است، است. کشیش به طور مختصر در اعتقادنامه رسولان درک خواهد شد. زیرا همان گونه که گذشتگان ما که با تقوا و دقت به این موضوع پرداخته اند، به نظر می رسد که به سه قسمت اصلی تقسیم شده است، به طوری که در یکی، اول شخص ذات الهی و کار شگفت انگیز آفرینش شرح داده شده است. در دیگری، شخص دوم، و رمز و راز رستگاری انسان; در سوم شخص، سر و سرچشمه قداست ما در جملات گوناگون و به جا آمده است. اکنون آن جملات را پس از یک تشبیه خاص که اغلب پدرانمان استفاده می کنند، مقاله می نامیم. زیرا همانطور که اعضای بدن با اشیاء متمایز می شوند، در این اعتراف به ایمان نیز هر آنچه را که باید به طور متمایز و جدا از دیگری باور کنیم، به درستی و به درستی مقاله می نامیم.

') M 10 ،1. در. 28، 19. مارک. 16، 15. اول کور. 1، 10 (

## C A P U T II

### در اولین ماده نماد.

من به خدای پدر قادر مطلق، خالق آسمان و زمین ایمان دارم.

L مقاله اول به اختصار توضیح داده شده است.

این جمله بر اساس این کلمات است: من به یقین ایمان دارم و بدون هیچ شکی به خدای پدر اعتراف می کنم، یعنی اولین شخص تثلیث که به قدرت مطلق خود آسمان و زمین و هر آنچه را در کره زمین و آسمان موجود است از هیچ آفرید و هنگامی که آفریده شد محافظت می کند و حکومت می کند. من نه تنها او را قلباً ایمان می‌آورم و با زبان به او اعتراف می‌کنم، بلکه با بیشترین غیرت و تقوا برای او به عنوان عالی‌ترین و کامل‌ترین خیر دفاع می‌کنم. بنابراین این خلاصه ای از مقاله اول است. اما از آنجایی که اسرار بزرگ تقریباً در هر کلمه نهفته است، اکنون باید توسط کشیش با دقت بیشتری بررسی شود، تا تا آنجا که خداوند اجازه می دهد، مردم مؤمن بتوانند با ترس و لرز به جلال عظمت او فکر کنند. II. کلمه باور به چه معناست؟

بنابراین، کلمه ایمان به این مکان به معنای اندیشیدن، اندیشیدن، اندیشیدن نیست، بلکه همان گونه که حروف مقدس می آموزند، دارای قوت رضایت حتمی است که به وسیله آن، ذهن قاطعانه و پیوسته به خداوند رضایت می دهد که اسرار او را می گشاید. از این رو او معتقد است (در مورد توضیح این قطعه) که چیزی برای او بدون هیچ شک و شبهه ای مسلم و متقاعد شده است. همچنین کسی نباید گمان کند که علم ایمان کمتر یقینی است، زیرا چیزهایی که ایمان به ما پیشنهاد می کند که ایمان بیاوریم درک نمی شوند. در واقع، نور الهی، آن گونه که ما آن را درک می کنیم، اگرچه برای اشیا شفافیت ایجاد نمی کند، اما به ما اجازه نمی دهد در این چیزها شک کنیم. زیرا خدایی که گفت نور باید از تاریکی بدرخشد، خودش در دلهای ما می درخشد تا انجیل از ما پنهان نشود، چنانکه از هلاک شدگان است.

III. آنچه در نماد ذکر شده است، به طور کنجکاوانه مورد بررسی قرار نمی گیرد، بلکه صرفاً باید ادعا می شود.

اما اکنون از آنچه گفته شد چنین برمی‌آید که کسی که دارای این علم آسمانی ایمان است، آزاد است که با کنجکاوی تحقیق کند. زیرا خداوند هنگامی که ما را به ایمان امر کرد، به ما پیشنهاد نکرد که احکام الهی را بررسی کنیم و دلیل و علت آنها را بررسی کنیم، بلکه ایمانی غیرقابل تغییر فرمان داد که ذهن را قادر می سازد در شناخت حقیقت ابدی آرام گیرد. و قبل از آن رسول شهادت می دهد: " خدا همه صادق است") اول قرن. 4، 6. 3. ") روم 3، i.

اما مرد دروغگو است، «اگر انسان متکبر و گستاخی باشد، به مرد جدی و عاقلی که ادعای چیزی می‌کند ایمان نمی‌آورد، بلکه اصرار می‌ورزد که آنچه می‌گوید با دلایل یا شاهدان ثابت شود: آیا این عجول بودن و این همه حماقت، شنیدن صدای خدا بوده است که دلایل بهشت را بخواهد، پس باید به او عمل کرد؟ نه تنها با ابهام، بلکه با تمایل به نشان دادن.

IV. برای رستگاری ایمان داشتن کافی نیست، بلکه اقرار به ایمان نیز لازم است.

علاوه بر این، کشیش این حقیقت را بیاموزد که هر که می گوید: «ایمان دارم»، علاوه بر اعلام رضایت باطنی ذهنش، که یک عمل درونی ایمانی است، باید آنچه را که در ذهن خود با یک پیشه علنی ایمان در ذهن خود حبس کرده است، پیش روی خود بیاورد، آشکارا اعتراف کند و آن را با نهایت غیرت تبلیغ کند. زیرا بر مؤمنان لازم است که آن روحیه را داشته باشند که پیامبر فرمود: « به خاطر آنچه گفتم ایمان آوردم». به تقلید از رسولان که به رهبران مردم پاسخ دادند: «ما نمی توانیم آنچه را دیده ایم و شنیده ایم بگوییم». تا با آن صدای عالی پولس الهی بیدار شوم. همچنین، که صدق این جمله را بیش از همه تأیید می کند: 5: «با قلب به حق ایمان می آید، اما با زبان برای نجات اعتراف می شود».

V. تعالی ایمان مسیحی.

به سوی خدا از همین جا می‌توانیم به کرامت و تعالی حکمت مسیحی پی ببریم و از آن نیکی الهی را که به او عطا شده است مدیونیم تا بی‌درنگ به معرفت عالی‌ترین و پسندیده‌ترین چیزها، مانند پله‌های ایمان، صعود کنیم.

6. حکمت مسیحی درباره خدا چقدر با دانش فلسفی اشیاء الهی تفاوت دارد.

زیرا در این فلسفه مسیحی و حکمت این عصر بسیار با یکدیگر تفاوت دارند، زیرا فلسفه دوم، در واقع، تنها به وسیله نور طبیعی از تأثیرات و از آنهایی که با حواس درک می شوند، هدایت می شوند، و به تدریج پیشرفت می کنند، تنها پس از تلاش های طولانی است که در نهایت چیزهای نامرئی خدا در نظر گرفته می شود، و علت اول همه چیز را می شناسد، و مؤلف را می فهمد. از طرف دیگر آنقدر لبه ذهن انسان را تیز کرده است که می تواند بدون هیچ تلاشی به بهشت نفوذ کند و عظمت الهی را در درجه اول خود منبع ابدی نور بررسی کند و سپس به چیزهایی که در زیر آن قرار دارد بنگرد. که ما برای برگزاری آن فراخوانده شده ایم

5 ص 115، 11. *) ص. 115، 10. 8) اعمال رسولان. 4، 20. «) روم. 1، 1B. رام 10، 10

بریس «به نور تحسین برانگیز» که در رأس رسولان قرار دارد، بیایید آن را با بزرگترین شادی روح تجربه کنیم و «مؤمنان 2) از شادی وصف ناپذیری شادی کنیم. بنابراین، به درستی، مؤمنان ابتدا اظهار می کنند که به خدا ایمان دارند، که عظمت او، طبق نظر ارمیا 3)، ما می گوییم "نامفهوم". "زیرا نور، همانطور که رسول می فرماید4)، "در غیر قابل دسترس ساکن است، که هیچ کس آن را ندیده، اما نمی تواند ببیند. زیرا هنگامی که او با موسی 6 صحبت کرد: "انسان مرا نخواهد دید و زنده نخواهد ماند." زیرا برای اینکه ذهن ما به خدایی برسد که هیچ چیز متعالی تر از آن نیست، باید کاملاً از حواس انتزاع شود که طبیعتاً در این زندگی توانایی آن را نداریم. اما اگر چه اینها چنین است، «خداوند خود را بی شاهد نگذاشته است، چنانکه رسول می فرماید، نیکوکاری، باران و فصل های پربار از آسمان می دهد، و دل های مردم را پر از غذا و شادی می کند». این باعث شد که فلاسفه هیچ چیز را از خداوند طرد نکنند و آنچه را که جسمانی است و آنچه ملموس و مضاف است از او دور کنند. قدرت کامل و فراوانی همه کالاها را نیز به او بخشیدند تا از او، گویی از منبعی دائمی و پایان ناپذیر خیر و مهربانی، همه مخلوقات و طبیعت ها کالاهای کامل دریافت کنند. او را حکیم و مؤلف و دوستدار حق و عادل و نیکوکار و نامهای دیگر نامیدند که بالاترین و کمال مطلق در آن است. گفتند که قدرت بیکران و بیکرانش، همه جا را پر کرده و به همه چیز مربوط می شود. این به مراتب بهتر و برجسته تر از حروف الهی است، مانند آن قطعه 7: "روح خداست." مورد 8): "کامل باشید، همانطور که پدر آسمانی شما کامل است." سپس 9): «همه چیز برهنه و به چشم او باز است». اوج غنای حکمت و معرفت خدا ». سپس 11): «خداوند » : (etyllud10 حق است؛ ک و 12): «من راه و حق و حیات هستم. علاوه بر این 13): " دست راست تو پر از عدالت است." سرانجام 14): «دست خود را باز کن و هر حیوانی را از برکت پر کن». سرانجام 15) از روح تو به کجا بروم و از چهره تو به کجا بگریزم؟ و: "اگر به بهشت بالا رفتم، تو آنجا هستی، اگر به جهنم فرود آمدم، تو اینجای. اگر زود بال بگیرم و در انتهای دریا ساکن شوم و غیره." و 16) خداوند می گوید آیا آسمان و زمین را پر نمی کنم؟ این چیزها عالی و عالی است که با حجیت کتب مقدس در باب ذات خداوند سازگار است و پیامدهای واقعیات حاصل از تحقیق فیلسوف است.

تیم. 6، 16. «) خروج. 33، 20. «) اعمال .I (* .جر. 3؟، 12 (8 .8 ،1 .I. Pet (* .حیوان خانگی. 2، 9 .I (' رسولان. 14، 16.') ایو. 4، 24. 8) مت. 5، 48. «) عبری. 4، 13. >°) رورا. 11، 33. ") روم 3، 4. ") آیو. 14، 6. 3') ص. 47، 11. 14) ص. 144، 16. ™) صص. 138، 7. 8. 9. '«) جر. 23، 24

آنها می دانستند گرچه در آن ما نیز به ضرورت تعالیم آسمانی پی می بریم، اگر ملاحظه کنیم که فقط برای انجام این کار نیست، همانطور که در بالا گفته شد، تا چیزهایی که فقط خردمندان با مطالعه طولانی به دست آورده اند، فوراً آشکار شود و برای مردان بی ادب و بی تجربه نیز به آسانی در دسترس باشد. اما علم به اشیاء، که با تأدیب ایمان به دست میآید، بسیار یقینیتر و پاکتر از هرگونه خطا است، تا اینکه ذهن خود چیزها را که با استدلالهای علم بشری درک میکند، درک کند. اما چقدر بهتر است که معرفت به معبود الهی مورد توجه قرار گیرد که نور ایمان راه را نه عموماً برای تدبر در همه طبیعت، بلکه مخصوصاً برای مؤمنان باز کرده است؟ این در مقالات نماد آمده است که وحدت ذات الهی و تمایز سه شخص را برای ما آشکار می کند و همچنین اینکه خود خداوند غایت نهایی انسان است که از او می توان انتظار به دست آوردن سعادت بهشتی و ابدی را داشت. اگر به راستی ما از پولس الهی آموختهایم، خداوند پاداش کسانی است که جویا میشوند. چقدر این چیزها عالی است و آیا از نوع خود چیزهای خوبی است که دانش بشری می توانست به آنها بپردازد، خیلی پیش از همان رسول 2) اشعیا پیامبر در این سخنان نشان داد 3: «از اول نه شنیدند و نه گوششان درک کرد، خدایا غیر از تو چشم آنچه را برای منتظران تو آماده کرده ای ندیده است».

VII. باید اعتراف کرد که یک خداست، نه خدایان متعدد.

اما با توجه به آنچه گفتیم، باید پذیرفت که یک خدا وجود دارد، نه خدایان متعدد. زیرا ما نزد خداوند عالی ترین خیر و کمال را نسبت می دهیم، نمی توان آن را که بالاترین و مطلق ترین است در بسیاری یافت. اما اگر کسی چیزی در اوج کم داشته باشد، به همین دلیل ناقص است. بنابراین ذات خدا نیز به او تعلق ندارد. و این در بسیاری از متون ادب مقدس تأیید شده است، زیرا نوشته شده است: «به اسرائیل بشنوید، یهوه خدای ما، خدا یکی است.» این فراتر از فرمان خداوند است 5): "هیچ خدای غریبی پیش من نخواهید داشت." سپس از طریق پیامبر غالباً به ما یادآوری می کند: «من اول و من آخرم و بدون من خدایی نیست». رسول نیز آشکارا شهادت می دهد 7: یک پروردگار، یک ایمان، یک تعمید.

هشتم. نام خدا گاهی بر ذات مخلوق داده می شود، اما

به راستی که گاهی اوقات حروف مقدس خداوند را نیز بر طبیعتهای مخلوق نیز تحمیل نمیکنیم.

») عبری. 11, 6. s) اول کور. 2، 9. ») عیسی. 64، 4. *) تثنیه 6، 4. 6) پیش 20، 4. «) عیسی. 6 ,U. )
E ph. 4، 5

آنها بزهای قربانی و قضات را خدا می نامیدند، و این رسم غیریهودیان نبود که ابلهانه و بی شرمانه خدایان بسیاری را برای خود اختراع کردند. اما با عادت خاصی به صحبت می‌خواستند به فضیلت یا کارکرد عالی اشاره کنند که از سوی مقام خدا به آنها اعطا شده بود. بنابراین، ایمان مسیحی معتقد است و اقرار می کند که خداوند در ذات، جوهر و ذات یکی است، همان گونه که برای تأیید حقیقت در نماد شورای مکائن گفته شد; اما با صعود حتی عمیق تر، او یک چیز را به گونه ای درک می کند که به وحدت در تثلیث و تثلیث در وحدت می رسد، که اکنون باید شروع به گفتن راز کنیم.

9 خدا به معنای عام در همه مردم، اما در معنای خاص مسیحیان، پدر نامیده می شود.

زیرا در نماد آمده است: "پدر؛" اما از آنجایی که صدای پدر به یک دلیل به خدا نسبت داده نمی شود، ابتدا اعلام خواهد شد که معنای صحیح تر این قطعه است. برخی نیز که ایمان در تاریکی‌های‌شان روشنایی نمی‌آورد، خدا را جوهری ابدی می‌دانستند که اشیا از آن سرچشمه می‌گرفتند و به مشیت او همه چیز اداره می‌شد و نظم و حالت خود را حفظ می‌کرد. پس از انسانها او را پدر نامیدند که خانواده از او تکثیر می شود و به نصیحت و فرمان او اداره می شوند. همین نام در حروف مقدس نیز به کار رفته است، هنگامی که از خدا صحبت می کردند، نشان می دادند که خلقت جهان، قدرت و مشیت شگفت انگیز به او نسبت داده شده است. زیرا ما 1 می خوانیم: "آیا خود پدر شما نیست که شما را تصاحب کرد و شما را ساخت و آفرید؟" و جای دیگر2): "آیا پدر یکی از همه ما نیست؟ آیا خدای واحد ما را نیافریده است؟" اما بسیار بیشتر و با نامی خاص، به ویژه در کتب عهد جدید، خدا را پدر مسیحیان می نامند که «روح بندگی در ترس را دریافت نکرد، بلکه روح فرزندخواندگی فرزندان خدا را دریافت کرد که در آن فریاد می زنند: ابا، پدر». برای آن « صدقه4) پدر به ما داده است تا ما پسران خدا خوانده شویم و باشیم؛ گویی پسران5)، و وارثان، وارثان خدا، اما وارثان مشترک مسیح که نخست‌زاده است. بنابراین، چه به علت مشترک خلقت و مشیت بنگرید، چه به علت اصلی فرزندخواندگی معنوی، مؤمنان اظهار می کنند که معتقدند خدای پدر بر حق است.

ی) تثنیه 32، 6. ») مال. 2، 10. ») I. Jo. 8، 1. 6 (*) Eom. 8، 15. روم. 8، 17 •) روم. 8، 29. Hsbr. 2، 11

از این صدای پدر که اسرار باید جمع شود، و از تمایز اشخاص در X. الهی.

درست است، علاوه بر آن عقایدی که توضیح دادیم، کشیش خواهد آموخت که شنیدن نام پدر، ذهن را به اسرار بالاتر می برد. زیرا آنچه در آن نور دست نیافتنی که خداوند در آن ساکن است، پنهان و پنهان تر است و عقل و شعور بشری نتوانسته است به آن دست یابد یا حتی نمی تواند به آن مشکوک شود، آیات الهی با کلام پدر شروع به آشکار شدن برای ما می کنند. حال این نام نشان می دهد که در ذات واحد الوهیت نه تنها باید به یک شخص، بلکه به تمایز اشخاص اعتقاد داشت. زیرا در یک الوهیت سه شخص وجود دارد: پدری که از هیچ کس زاده نشده است. از پسری که قبل از همه اعصار از پدر زاده شد. روح القدس که از ابدیت از پدر و پسر سرچشمه می گیرد. اما پدر اولین شخص در جوهر واحد الوهیت است که با پسر یگانه و روح القدس خود خدای واحد و خداوند واحد است. نه در تکینگی یک شخص، بلکه در تثلیث یک جوهر. اما اکنون این سه شخص، در حالی که فکر کردن به چیزهای متفاوت یا ناهمگون در آنها اشتباه است، تنها با ویژگی هایشان قابل تشخیص هستند. همانا پدر متولد شده است. پسری که از پدر متولد شده است. روح القدس از هر دو سرچشمه می گیرد. و لذا به عین ذات و جوهر سه شخص اقرار می کنیم تا در اقرار به معبود حقیقی و ازلی قائل شویم که ملک در اشخاص و وحدت در ذات و تساوی در تثلیث تقوا و مقدس باشد. زیرا وقتی می گوییم پدر شخص اول است، نباید این گونه تلقی شود، درست مثل اینکه به چیزی در تثلیث قبل یا بعد، بزرگتر یا کمتر فکر کنیم. زیرا این بی تقوای از ذهن مؤمنان غایب است، زیرا دین مسیحی همان ابدیت، همان عظمت شکوه را در سه نفر پیش بینی می کند. ولی از این جهت چون او اصل بدون آغاز است، حقاً و بدون هیچ تردیدی تصدیق می کنیم که او اول شخص است; که در واقع به عنوان یک خاصیت پدر متمایز می شود، به طوری که این به ویژه به آن شخص تعلق دارد، که او پسر را از ازل زاییده است. زیرا هنگامی که در این اعتراف نامهای ترکیبی خدا و پدر را تلفظ می کنیم، برای ما نشان می دهد که خدا همیشه در همان زمان پدر بوده است. درست است، از آنجایی که ما می‌توانیم خطرناک‌تر از آگاهی و توضیح این عمیق‌ترین و سخت‌ترین چیزها درگیر باشیم، یا سخت‌تر اشتباه کنیم: بگذارید کشیش تعلیم دهد که اصطلاحات ذاتی و شخصی، که با آن این راز دلالت می‌کند، باید از نظر دینی حفظ شود، و اجازه دهید مؤمنان بدانند که در ذات وحدت وجود دارد، اما در فرد تمایز وجود دارد. اما این موارد را می توان با دقت بیشتری جستجو کرد

وقتی آن کلمه را به یاد می آوریم، لازم است: "کسی که در جستجوی عظمت باشد، جلال بر او ستم خواهد کرد."  زیرا به اندازه کافی باید دید که ما از طریق ایمان مطمئن بوده ایم و به کاوش رسیده ایم، که توسط خدا تعلیم داده ایم، که نپذیرفتن با موعظه های او حماقت

و بدبختی بسیار است: او می گوید: «به همه امت ها تعلیم دهید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید. باز هم، 3: «پدر و

سه نفر هستند که گواه هستند. روح، و این سه یکی هستند.» او دائماً دعا می کند و به خدا و پدری که همه چیز را از هیچ آفرید، دعا می کند، و 4) همه چیز را به نرمی تنظیم می کند، که به ما فرزندان خدا

قدرت داد، 5) که راز تثلیث را برای ذهن انسان آشکار کرد؛ او بدون وقفه دعا می کند، کسی که به این چیزها ایمان می آورد تا روزی که به فیض ابدی برسد. سزاوار دیدن خلاقیت خدای پدر باشد که با نگاه کردن به خود و درک خود، پسری برابر و برابر با خود به دنیا

می آورد، به این ترتیب عشق به نیکوکاری که روح القدس است که از پدر و پسر سرچشمه می گیرد، مولود و مولود را به وسیله ی سه گانه و غیرقابل تفکیک به یکدیگر متصل می کند افراد کاملاً متمایز هستند

قادر متعال.

XI. بسم الله تعالی در اینجا منظورمان چیست؟

حروف مقدّس معمولاً قدرت عالی و عظمت عظیم خداوند را با نام

های متعدد توضیح می دهند تا نشان دهند که مقدس ترین خدا را باید با چه دین و تقوای پرستش کرد.  اما اول از همه اجازه دهید

کشیش تدریس کند، که غالباً قدرت قادر مطلق به او داده می شود.

زیرا خود او درباره خود می‌گوید: «من پروردگار متعال هستم».  و باز یعقوب، چون پسرانش را نزد یوسف فرستاد، چنین دعا کرد: «و خدای من او را بر شما مماشات قرار دهد».  سپس در آخرالزمان8 نوشته شده است: «خداوندی که هست و بود و خواهد آمد، قادر مطلق» و در جای دیگر9: «روز بزرگ خداوند متعال» نامیده می شود.  گاهی اوقات با چند کلمه به معنای یکسان استفاده می شود.  و از آن است آنچه گفته می شود 10 : «لِمَا لا يَكَنْلَمَ اللّٰهَ بِاللّٰهِ مَعْمَلَ ».  "آیا دست

پروردگار ضعیف است؟"  مورد 12): «زیرا تابع توست، هر گاه بخواهی، می‌توانی» و چیزهای دیگر از همین نوع.  از آن، در اشکال مختلف گفتار، آنچه به وضوح با یک کلام حق تعالی فهمیده می

شود، درک می شود.  اکنون با این نام می‌فهمیم که هیچ چیز وجود ندارد، چیزی در ذهن و اندیشه نمی‌توان تصور کرد، که خدا به طور مؤثر

•) Prov. 25، 27. 1 ،8. خرد. *) 7. 5، آیو. 1) 3. 19، 28. مت. الف) "*) l o. 1، 12. «) 1 ،17 پیدایش. '
) پیدایش 43، 14. ») مکاشفه 1،8. ») مکاشفه 16، 14. '«) لوقا 1، 37. 11، 23. *<) حکمت. 12، 18

نمی توان اپی‌لاسیون کرد Etenira نه تنها قدرت تأثیرگذاری بر این چیزها را دارد، که اگرچه آنها بزرگترین هستند، اما به نوعی در اندیشه ما قرار می گیرند. اما چیزهای بزرگتری نیز در قدرت او وجود دارد که ذهن و هوش انسان نمی تواند آنها را تصور کند.

XII. اگرچه خداوند قادر مطلق است، اما نمی توان او را به گناه فریب داد.
و در واقع، چون خدا می تواند همه کارها را انجام دهد، نمی تواند دروغ بگوید، یا فریب دهد، یا فریب بخورد، یا گناه کند، یا هلاک شود، یا از چیزی غافل باشد. زیرا این چیزها در آن طبیعت قرار می گیرند که عملش ناقص است. اما خدایی که فعل او همیشه کامل‌ترین است، بنابراین گفته می‌شود که قادر نیست، زیرا آن قدرت ضعف است، نه قدرت برتر و بی‌پایان همه چیزهایی که او دارد. بنابراین ما معتقدیم که خداوند قادر مطلق است، به طوری که فکر می کنیم همه چیز از او دور است که با ذات کامل او ارتباط و سازگاری ندارد. سیزدهم چرا با کنار گذاشتن نامهای دیگری که در مورد خداوند گفته می شود، فقط قدرت مطلق در سمبولو ذکر شده است که فایده ایمان اوست.

اما اجازه دهید کشیش آنچه را که با دقت و عاقلانه انجام شده است نشان دهد تا با کنار گذاشتن نامهای دیگری که در مورد خدا گفته می شود، این چیزی که باید به آن ایمان داشته باشیم در یک نماد بیان شود. زیرا وقتی خداوند را قادر مطلق می‌دانیم، باید در عین حال اقرار کنیم که او به همه چیز علم دارد و همه چیز نیز تابع فرمانروایی و فرمانروایی اوست. اما از آنجایی که ما شک نداریم که همه چیز از عهده او بر می آید، این کاملاً نتیجه دارد که سایر موارد را نیز در مورد او بررسی کنیم. که اگر کمبود داشته باشند، نمی توانیم به طور کامل بفهمیم که او از چه جهت قادر مطلق است. علاوه بر این، هیچ چیز آنقدر در تقویت ایمان و امید ما مؤثر نیست که گویی در قلب خود محکم نگه داشته ایم که هیچ کاری از دست خدا بر نمی آید. زیرا عقل بشری پس از درک معرفت خداوند متعال، بدون هیچ تردیدی، به هر چه که به آینده، هر چند بزرگ و تحسین برانگیز و فراتر از نظم و ترتیب امور، لازم باشد، به آسانی به آن رضایت می دهد. بلکه هر چه اوادی‌های الهی را بزرگ‌تر می‌آموزند، راحت‌تر فکر می‌کند که باید به آنها ایمان داد. اما اگر انتظار خوبی وجود داشته باشد، ذهن هرگز از بزرگی چیزی که انتظار دارد خرد نمی‌شود، بلکه خود را بالا می‌برد و خود را تأیید می‌کند، و اغلب فکر می‌کند که چیزی نیست که خدای متعال قادر به انجام آن نباشد. از این رو، چه زمانی که مجبور به انجام کارهای قابل تحسینی برای استفاده و نفع همسایگان خود می شویم، یا زمانی که می خواهیم با دعا از خداوند چیزی به دست آوریم، باید به ویژه با این ایمان تقویت شویم. زیرا خداوند خود به دیگری تعلیم داد، زمانی که رسول

23 قسمت 1. فصل 11. 23 او در اعتراض به کفر با حجاب ها می گفت: "

اگر مانند دانه خردل ایمان داشته باشی به این کوه می گویی: از اینجا به آنجا حرکت کن و حرکت خواهد کرد و هیچ چیز برایت غیر ممکن نخواهد

بود." از سوی دیگر، یعقوب قدیس بدین ترتیب شهادت می دهد: "کسی که در ایمان تزلزل می کند، چیزی نمی خواهد؛ زیرا کسی که متزلزل می شود، مانند موجی از دریا است که باد آن را به حرکت در می آورد و پرتاب می کند. بنابراین، آن انسان ارزشی برای دریافت چیزی از خداوند ندارد."

علاوه بر این، این ایمان ما را به راحتی و فواید بسیاری می رساند و قبل از هر چیز ما را در تمام حیا و فروتنی قرار می دهد. زیرا شاهزاده رسولان 3 چنین می گوید: "خود را زیر دست توانا خدا فروتن کنید." او

همچنین به ما هشدار می‌دهد که در جایی که ترسی نیست نگران نباشیم، بلکه از خدای یگانه ای بترسیم که خود ما و همه چیز در

اختیار او هستیم. زیرا نجات دهنده ما می گوید: "من به شما نشان

خواهم داد که از چه کسی باید بترسید. از کسی بترسید که پس از کشتن، قدرت فرستادن به جهنم را دارد." سپس از این ایمان برای

شناخت و تجلیل از مزایای عظیم خدا برای خود استفاده می کنیم. زیرا کسی که به خدای قادر مطلق می اندیشد، نمی تواند دلش آنقدر ناسپاس باشد که غالباً فریاد بزند: "کسی که توانا است کارهای

بزرگی برای من انجام داده است."

چهاردهم کلمه قادر مطلق در اینجا آنقدر به پدر نسبت داده نمی شود که در مورد پسر یا روح القدس نیز گفته نشود.

اما از آنجا که ما در این مقاله پدر را قادر مطلق می خوانیم، هیچ کس نباید به این اشتباه سوق داده شود که این نام برای

او ادای احترام است، به طوری که برای پسر و روح القدس مشترک نباشد. زیرا همانطور که می گوییم خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس سه خدا نیستند، بلکه خدای واحد هستند، به همان اندازه اعتراف می کنیم که پدر و پسر و روح القدس قادر مطلق

هستند و در عین حال سه نفر قادر مطلق نیستند، بلکه یک قادر مطلق هستند. اما در واقع، به دلیل خاصی، پدر را که سرچشمه همه مبدأ است، به این نام می‌خوانیم، همانطور که به پسر که کلام ابدی پدر است، حکمت و به روح‌القدس که محبت

هر دو است، حکمت نسبت می‌دهیم. اگرچه این نامها و نامهای دیگر از این قبیل معمولاً توسط قانون مذهب کاتولیک در سه نفر گفته می شود. خالق آسمان و زمین.

15خداوند با چه توافقی و به چه دلیلی آسمان و زمین را آفرید. چقدر لازم بود که معرفت خداوند متعال کمی زودتر به

دست مؤمنان برسد، از آنچه اکنون در مورد آفرینش جهان توضیح داده خواهد شد، می توان دریافت. زیرا معجزه چنین کاری آسانتر قابل باور است، زیرا جایی برای شک در قدرت عظیم خالق باقی

نمی ماند. زیرا خدا از ما- i) مت. 17، 19. الف) جائو. 1، 6. 7. » (I. Pet.

5، 6. 4) لوقا 12، 5. ») لوقا 1، 49.

جهان از موادی ساخته شده است، اما او آن را از هیچ آفریده است. او نه به زور و نه به اجبار مجبور نبود، بلکه با اراده و اراده خود آن را تأسیس کرد. و در واقع هیچ دلیل دیگری او را به کار آفرینش وادار نمی کرد، مگر اینکه بتواند نیکی خود را به چیزهایی که توسط او ساخته شده بود منتقل کند. زیرا فطرت خدا که خود پر برکت است، به هیچ چیز نیاز ندارد، چنانکه داوود می گوید: «به خداوند گفتم تو خدای من هستی، زیرا به اموال من نیازی نداری». و همان گونه که نیکویی خود او را به انجام هر کاری که می‌خواهد سوق داد: از هیچ نمونه و شکلی پیروی نکرد که وقتی همه چیز را آفرید، بیرون از خودش قرار گرفت. درست است، چون الگوی همه چیز در شعور الهی نهفته است، هنرمند اعظم این را در خود می‌نگرد و از آن تقلید می‌کند، با بالاترین خرد و قدرت بی‌پایانی که مخصوص خود اوست، در آغاز جهان اشیا را پدید آورد. زیرا «او» 3) «گفت و آنها ساخته شدند؛ فرمان داد و آفریدند». 16 منظور از آسمان و زمین در این مکان چیست؟

درست است که به نام آسمان و زمین باید همه آنچه را که آسمان و زمین تشکیل می دهد درک کنیم. زیرا پیامبر علاوه بر آسمانها که آن را «عمل انگشتان خود» نامیده است، 4) شکوه و جلال خورشید و ماه و ستارگان زینت یافته را نیز اضافه کرده است، و 5) تا «در نشانه ها و زمان ها و روزها و سال ها باشند»، پس گوی های آسمان ها را در مسیر معین و ثابتی تنظیم کرد، به گونه ای که هیچ چیز متحرک تر از آن متحرک تر از آن دیده نشود.

17 از خلقت آسمانهای روحانی، یعنی فرشتگان. علاوه بر این، او خود ماهیت روحانی و فرشتگان بی‌شماری را که خدا را خدمت می‌کردند و از هیچ یاری می‌کردند، آفرید، و سپس آنها را افزایش داد و به موهبت شگفت‌انگیز فیض و قدرت او آراست. زیرا از آنجایی که در نوشته های الهی آمده است که شیطان «در حق نماند:» روشن است که او و بقیه فرشتگان بیابان از آغاز تولدشان دارای فیض بودند. از چه کسانی در آگوستین 7 چنین است: با حسن نیت، یعنی با عشق پاکدامنی که بدان پای‌بندند، فرشتگان را آفرید و در عین حال طبیعت را در آنها آفرید و فیض بخشید. بنابراین، بدون اراده خوب، این عشق خداست، هرگز نباید باور کنیم که فرشتگان مقدس وجود داشته اند.» اما در مورد معرفت، شهادت نامه های مقدس وجود دارد: «ای خداوند، پادشاه من، حکیم هستی، همانطور که فرشته خدا حکمت دارد، تا همه چیز را در زمین بفهمی.» سرانجام، داوود الهی با آن کلمات قدرت به آنها می دهد.

(' .Gen. 1، 14. «) Jo.. 8، 44 (* .4 ،8 ص. *) .5 ،148 ص. (* .Ps. 113، 3 (« .2 ،15 ص. ('
II. Reg. 14، 20. ») Ps. 102، 20 (« .9 ،12 از شهر خدا

حفظ کن و به قول او عمل کن.» و به همین دلیل فضایل و
لشکرهای خداوند اغلب در حروف مقدس الف نامیده می شود. اما اگرچه
همه آنها به عطای ای آسمانی آراسته شده اند، اما اکثریت کسانی
که از خدای پدر و مادر و خالق خود کوتاهی کرده اند، از آن بالاترین
کرسی ها پریشان شده و در تاریک ترین زندان ابدی محبوس شده
اند و در تاریک ترین زندان های زمین محبوس شده اند و در تاریک
ترین زندان های زمین محبوس شده اند. به این ترتیب می نویسد 2)
: او آنها را به تارتاروس سپرد تا شکنجه شوند تا برای داوری
محفوظ بماند. 18 از آفرینش زمین.

اما به راستی که زمین نیز بر استواری خود بنا شده است، 3)
خداوند به قول خود فرمان داد که در وسط جهان بایستد و کوهها را
بالا برود و دشتها را در مکانی که برای آنها بنا کرده بود فرود آورد.
و مبادا نیروی آب آن را غرق کند، مرزی قرار داد که از آن عبور نکنند و
روی زمین را بپوشانند. سپس نه تنها درختان را با انواع گیاهان
و گلها، بلکه با انواع بی شمار موجودات زنده پوشانده و آراسته
کرد، همانطور که قبلاً آبها و هوا را پر می کرد، همچنین زمینها را
نیز پر می کرد.

19 از خلقت انسان.

سرانجام، از لجن زمین، انسان را چنان متأثر و متأثر از بدن
آفرید که نه به نیروی ذات خود، بلکه به لطف الهی، فناناپذیر
و غیرقابل تحمل شد. اما در مورد روح، او آن را به صورت و شباهت
خود شکل داد و به او اختیار داد. بعلاوه تمام حرکات ذهن و امیال در
خود را به گونه ای کنترل می کرد که هرگز با حکم عقل منطبق
نشوند. سپس موهبت تحسین برانگیز عدالت اولیه را به او
اضافه کرد و سپس خواست که بر بقیه زندگان ریاست کنند. که
در واقع برای کشیشان از تاریخ مقدس پیدایش برای نهاد مؤمنان
آسان خواهد بود.

20 با نام آسمان و زمین همه چیز مرئی و نادیدنی درک می شود.

پس این سخنان در مورد خلقت عالم و آسمانها و زمین قابل
فهم است که پیامبر همه آنها را به اختصار در این کلمات بیان
کرده است: «السموات و الارض از آن شماست، شما عالم زمین و تمام
آن را بنا نهادید». اما به طور خلاصه تر، پدران شورای نیقیه، با
افزودن این دو کلمه به نماد، به معنای "مرئی و نامرئی" بودند.
زیرا هر چیز که در مجموع اشیاء گنجانده شده باشد و ما اقرار کنیم
که آفریده خداست، یا در حواس قرار می گیرند، و

i) 1 (2 .3 ،6 .عیسی .6 ،58 .8 ،45 .10 ،23 .ص I. Pet. 2، 4. «) 12 ،88 .ص «) .8 .5 ،103 .ص

آنها را مرئی می نامند و یا می توان آنها را با ذهن و هوش که با نام نامرئی مشخص می شود درک کرد.

XXI چیزهایی که به قدرت خداوند آفریده شده است، نمی توانند در این سوی حکومت و مشیت او بایستند.

در واقع لازم نیست باور کنیم که خداوند خالق و عامل همه چیز است، به طوری که فکر کنیم با یک اثر کامل و مطلق، چیزهایی که توسط او انجام شده است می توانند بدون قدرت بی پایان او به حیات خود ادامه دهند. زیرا همانطور که همه چیز به وسیله قدرت عالی، حکمت و خیر آفریدگار به وجود آمده است، همچنین اگر مشیت همیشگی او بر چیزهایی که آفریده شده است حضور نداشته باشد و آنها را با همان قدرتی که از ابتدا با آن تثبیت شده اند حفظ کند، بلافاصله به هیچ باز می گردند. و کتاب آسمانی این را روشن می‌کند که می‌فرماید: «چگونه چیزی باقی می‌ماند، مگر اینکه شما آن را می‌خواهید، یا آنچه را نخوانده‌اید حفظ می‌شود؟»

22 خداوند به وسیله حکومت خود، قدرت علل ثانویه را ساقط نمی کند.

اما خداوند نه تنها از همه چیزهایی که به مشیت اوست محافظت می کند و اداره می کند، بلکه حتی آن چیزهایی که حرکت می کنند و کاری انجام می دهند، آنها را با نیرویی درونی به حرکت و عمل وا می دارد، به طوری که اگرچه مانع کارآمدی علل ثانویه نمی شود، اما وقتی پنهان ترین قدرت او به هر یک از آنها مربوط می شود، از آنها جلوگیری می کند، و چون انسان عاقل به تمام چیزها می رسد: به آرامی." از این رو، هنگامی که به آتنیان خدایی را که جاهلان او را می پرستیدند، رسول خدا می گوید: «او از هر یک از ما دور نیست، زیرا در او زندگی می کنیم و حرکت می کنیم و وجود داریم».

23 آفرینش اشیا را نباید تنها به پدر نسبت داد.

و اگر یادآوری کنیم که کار آفرینش در همه افراد تثلیث مقدس و فردی مشترک است، در توضیح مقاله اول کافی است. زیرا در این مکان، از تعالیم رسولان، ما پدر را به عنوان خالق آسمان و زمین می شناسیم. در کتاب مقدس در مورد پسر 4 می خوانیم: "همه چیز به وسیله او ساخته شد" و از روح القدس 5: "روح خدا بر آبها حرکت کرد." و در جای دیگر 6): «به قول خداوند آسمان استوار شدند و تمام قوتشان به روح دهان اوست.

«) Ps'.) 3 S2a,p . 6. 11، 26. 1،3 آیو. *) 28. 27. 17، اعمال رسولان. «) 1. 8، خرد. الف) Gen. 1, 2

27


## فصل سوم.
## در مورد مقاله دوم

و در عیسی مسیح، پسر یگانه او، خداوند ما. I. در مقاله دوم و
در مورد سودمندی حرفه خود.

این که از ایمان و اعتراف این مقاله به نسل بشر منفعت شگفت انگیز و فراوانی وجود دارد، و شهادت سنت یوحنا نشان می دهد 1) : "هر که اعتراف کند که عیسی پسر خداست، خدا در او می ماند و او در خدا" و منادی سعادت را اعلام می کند، که "شاهزاده ی بی گناه از جانب مسیح خداوند هستند). تو ای سیمون باریونا، زیرا گوشت و خون بر تو آشکار نشد، بلکه پدر من که در آسمان است.» زیرا این استوارترین پایه نجات و رستگاری ماست.

II. از آنجایی که عظمت منفعت مطرح شده در این مقاله مشخص است.

اما از آنجا که ثمره تحسین برانگیز این فایده عمدتاً تباهی شادترین حالتی است که خدا برای اولین بار در آن قرار داده بود: بگذارید کشیش خود را وقف این مراقبت کند تا مؤمنان علت مصائب و مصائب رایج را بدانند. زیرا وقتی آدم از اطاعت خدا افتاد و فرمان را زیر پا گذاشت: «از هر درخت باغ بخورید، اما از درخت معرفت خیر و شر نخورید، زیرا هر روزی که از آن بخورید حتماً خواهید مرد». علاوه بر آن مصیبت بر او وارد شد تا قداست و عدالتی را که در آن مستقر شده بود از دست بدهد و بقیه دچار بلاهایی شوند که مجمع مقدس ترنت بیشتر توضیح داد. به همین دلیل ذکر می کند که گناه و کیفر گناه در یک آدم نبوده، بلکه از او به عنوان از بذر و علت تا همه آیندگان ادامه یافته است.

III. هیچ کس جز مسیح نمی تواند نسل بشر را بازگرداند.

بنابراین، هنگامی که نژاد ما از بالاترین درجه حیثیت سقوط کرد، به هیچ وجه نمی‌توانست از آنجا برداشته شود، و به وسیله قوای انسان‌ها یا فرشتگان به جایگاه قبلی خود بازگردد. از این رو بقیه تکیه گاه تباهی ها و بدی ها بود، تا قدرت بی پایان پسر خدا، که در اثر ضعف جسم ما به وجود آمده، قدرت بی پایان گناه را از بین ببرد و ما را در خون خود با خدا آشتی دهد. IV. بدون ایمان رستگاری، هیچ کس هرگز نمی تواند نجات یابد، و بنابراین مسیح اغلب از آغاز جهان پیشگویی شده بود.

اما ایمان و اعتراف به این رستگاری برای انسان برای رسیدن به رستگاری لازم است و همیشه چنین بوده است، همانطور که <) 15 ،4 .I. lo.

i) 17 ،16 .مت. «) Gen. 2, 16. 17.

خداوند در آغاز پیشگویی کرد؛ زیرا در آن لعنت نسل بشر، که بلافاصله به دنبال گناه آمد، امید به رستگاری نیز در آن کلمات نشان داده شد، که با آن آسیب خود شیطان، که قرار بود با رهایی انسانها انجام دهد، محکوم شد.

---

پاشنه خود را بپوش» و پس از آن بارها همین قول را تأیید کرد و بیش از هر چیز به افرادی که می خواست به آنها خیرخواهی خاصی نشان دهد، معنای بزرگتر برنامه خود را بیان کرد؛ اما از جمله، هنگامی که بارها این راز را به ایلخانی ابراهیم بیان می کرد، در زمانی که او با اطاعت از اوامر خدا می خواست گفت: «خداوند را از تو تقبیح کن، با صراحت بیشتری اعلام کرد. این کار را انجام داد و به تنها پسرت رحم نکرد، تو را برکت خواهم داد و ذریت تو را مانند ستارگان آسمان و مانند شنی که در ساحل است زیاد خواهم کرد. دروازه‌های دشمنانت ذریت تو را خواهند داشت و تمامی امت‌های زمین در ذریت تو برکت خواهند یافت، زیرا تو از صدای من اطاعت کردی.» از این کلمات به راحتی می‌توان دریافت که آینده از نسل ابراهیم خواهد آمد، که نجات همه را از هیولاترین ظلم شیطان به ارمغان خواهد آورد. پس از آن، خداوند، تا یاد همان وعده حفظ شود، همان عهد را با یعقوب، نوه ابراهیم، بست، زیرا هنگامی که در خواب نردبانی را دید که بر زمین ایستاده بود و بالای آن آسمان را لمس می کرد، و فرشتگان خدا از طریق آن بالا و پایین می رفتند، چنانکه خود کتاب مقدس نیز به خداوند شهادت می داد: من خداوند، خدای پدرت ابراهیم و خدای اسحاق هستم. زمینی را که در آن می خوابی و بذر تو را به تو خواهم داد. و دانه تو مانند غبار زمین خواهد بود. تو به شرق و غرب و شمال و جنوب پراکنده خواهی شد و همه اقوام زمین در تو و نسل تو متبرک خواهند شد.» و پس از آن نیز خداوند از تجدید همان خاطرات وعده خود و برانگیختن انتظار منجی در نسل ابراهیم و در بسیاری از مردان دیگر بازماند؛ اگر یهودیان به دین خود بهتر شناخته شوند مردم حتی به چیزهای احمقانه اشاره داشتند و مردم پیشگویی کردند که آن نجات دهنده و نجات دهنده ما مسیح عیسی چه چیزهای خوبی را برای ما به ارمغان خواهد آورد و برخی از انبیا که ذهنشان با نور آسمانی، تولد پسر خدا، کارهای شگفت انگیزی که انسان زاده شده انجام داد، و تعلیم می دهد.

Gen. 8, 15. *) Gen. 22, 16, 17. «) Gen. 28, 12. دنباله.

آداب و رسوم و مرگ و معاد و بقیه اسرار آن و همه اینها را آشکارا تعلیم می داد، گویی در آن زمان حضور داشتند، به مردم اعلام می کرد که اگر تفاوت زمان آینده و زمان گذشته از بین برود، چیزی بین نبوت انبیا و موعظه رسولان و بین ایمان پدرسالاران قدیم و ایلخانانمان چیزی نبینیم. اما اکنون به نظر می رسد در مورد تک تک قسمت های مقاله گفته شود.

V. در مورد آسیب نام، و اینکه آن را به درستی شایسته مسیح است.

عیسی نام خاص کسی است که خدا و انسان است که به معنای نجات دهنده است. نه تصادفاً یا به قضاوت و اراده مردم، بلکه با نصیحت و فرمان خداوند که بر او تحمیل شده است. زیرا فرشته چنین به مادر مریم اعلام کرد: "اینک در شکم خود حامله می شوی و پسری خواهی آورد و نام او را عیسی خواهی گذاشت." و سپس یوسف نه تنها به داماد باکره دستور داد که کودک را به این نام صدا کند، بلکه توضیح داد که چرا باید او را به این نام بگذارند. زیرا می گوید: «یوسف، پسر داوود، نترس که مریم را به همسری خود بگیری، زیرا آنچه در او متولد شده از روح القدس است، او پسری به دنیا خواهد آورد و نام او را عیسی خواهی گذاشت، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد.»

VI. این به همین دلیل نیست که چرا باید نام یکسانی برای افراد خاص داده شود.

و به راستی که در نامه های الهی با این نام بسیار بودند; زیرا همین نام به پسر ناو، که جانشین موسی شد، داده شد و قومی را که موسی از مصر آزاد کرد به سرزمین موعود که از او انکار شده بود، هدایت کرد. پسر کشیش نیز به همین نام خوانده می شد. اما واقعاً چه‌قدر ما نجات‌دهنده‌ی خود را به این نام بدانیم که نور، آزادی و رستگاری را نه به هیچ قومی، بلکه به همه‌ی انسان‌ها در هر اعصار خواهد داد، نه تحت ستم قحطی، نه تحت سلطه مصر یا بابل، بلکه در سایه مرگ نشسته، و در بند شدیدترین بندهای گناه و شیطانی که حق و حق را به دست آورده و برای آنها به دست آورده است. آنها را با خدای پدر آشتی داد؟ در آنها می بینیم که مسیح خداوند ترسیم شده است، که نژاد بشر از آن برکاتی که از آنها صحبت کردیم پر شده است. بعلاوه، نام‌های فوق الذکر که از نظر الهی بر پسر خدا تحمیل می‌شوند، به همین نام یعنی عیسی اشاره دارند. زیرا در حالی که نجات‌های دیگری که او می‌خواست به ما بدهد تا حدی به آن می‌رسند، این قدرت و دلیل کل نجات بشر پیچیده است.

ط) این 1، 31. 2) مت. 1، 20. 21.

VII. معنی نام مسیح چیست و چند دلیل با عیسی ما مطابقت دارد.

عیسی نیز نامی است که به نام مسیح افزوده شده است که به معنای مسح شده است و نامی شرافت و وظیفه است که مختص یک چیز نیست، بلکه مشترک بسیاری است. زیرا آن پدران باستانی ما که مسیحیان، کاهنان و پادشاهان نامیده می‌شدند، و خدا دستور داده بود که به خاطر شأن مقامشان مسح شوند. زیرا کاهنان کسانی هستند که مردم را با دعاهای مداوم به خدا می سپارند و برای خدا قربانی می کنند و برای مردم شفاعت می کنند. اما حکومت مردم به آنها سپرده شده است و اقتدار قوانین برای محافظت از جان بی‌گناهان و انتقام از جسارت مجرمان متعلق به آنهاست. بنابراین، از آنجایی که به نظر می‌رسد هر دوی این وظایف نشان‌دهنده عظمت خداوند در سرزمین‌ها است، بنابراین، کسانی که برای انجام یک کار سلطنتی یا کاهنی انتخاب می‌شدند، با مرهم مسح می‌شدند.
همچنین رسم بر این بود که پیامبرانی را مسح می کردند که مفسران و فرستادگان خدای جاودانه اسرار بهشتی را به روی ما می گشودند و ما را تشویق می کردند تا با احکام و پیشگویی های سودمند آینده آداب خود را اصلاح کنیم. اما به راستی، هنگامی که نجات دهنده ما عیسی مسیح به جهان آمد، بخش ها و مناصب سه شخص، پیامبر، کاهن، و پادشاه را بر عهده گرفت، و به همین دلایل، مسیح برای انجام آن مناصب فراخوانده شد، و مسح شد، نه در واقع به واسطه کار هیچ انسانی، بلکه به وسیله قدرت پدر آسمانی، نه با مسح زمینی، بلکه با روغن روحانی. از آنجایی که پری و فیض روح القدس، و فراوانی بیشتر از همه عطایا، بیش از هر طبیعت آفریده دیگری که می تواند داشته باشد، در مقدس ترین روح او ریخته شد. و پیامبر این را به وضوح نشان می دهد، هنگامی که به خود فدیه X می فرماید: «تو عدل را دوست می داشتی و از گناه بیزاری می جستی؛ پس خداوند، خدای تو، تو را به روغن شادی در برابر یارانت مسح کرد». همان‌طور که اشعیا در آن سخنان بسیار آشکارتر نشان داد: "روح خداوند بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است، او مرا فرستاده تا حلیمان را موعظه کنم." بنابراین، عیسی مسیح برترین پیامبر و معلمی بود که اراده خدا را به ما آموخت و جهان از تعلیم او دانش پدر آسمانی را دریافت کرد. که این نام برازنده‌تر و ممتازتر است، زیرا همه کسانی که شایسته نام پیامبر بودند، شاگرد او بودند و به همین دلیل مبعوث شدند تا این پیامبر را که قرار بود برای نجات همه بیاید، پیشگویی کنند. مسیح نیز یک کاهن بود، نه حتی از آن ترتیبی که در لاویان قدیم کاهنان از قبیله برخاستند، بلکه از او،

') ص. 44، 8. 2) است. 61، 1

که حضرت داود از آن سرود: «تو کاهنی در مرتبه دوم ملکی‌صدق هستی». استدلالی که رسول 2) آن را به عبرانیان نوشت با دقت دنبال شد. اما ما مسیح را نه تنها به عنوان خدا، بلکه به عنوان انسان و شریک طبیعت خود می شناسیم، او را به عنوان پادشاه نیز می شناسیم. که فرشته شهادت داد 3: "او در خاندان یعقوب تا ابد سلطنت خواهد کرد و سلطنت او پایانی نخواهد داشت." در واقع، پادشاهی مسیح روحانی و ابدی است که از روی زمین آغاز می شود و در آسمان تکمیل می شود. و در واقع مناصب پادشاه با مشیت تحسین برانگیز او به کلیسا انجام می شود. خودش بر آن حکومت می کند. او خود را از تهاجمات و دام های دشمنان حفظ می کند. او خودش قوانین را برای او وضع می کند; او نه تنها قداست و عدالت می بخشد، بلکه توانایی و قدرت استقامت را نیز فراهم می کند. و اگر چه خوب و بد در حدود این پادشاهی وجود دارد و به حدی است که همه مردم به حق متعلق به آن هستند، اما کسانی که بالاترین خوبی ها و خیرات پادشاه ما را بیش از همه کسانی که به دستورات او زندگی می کنند یک زندگی کامل و بی گناه را تجربه می کنند. در واقع این پادشاهی از طریق حقوق موروثی یا انسانی به او نرسید، اگرچه او نژاد را از برجسته ترین پادشاهان رهبری می کرد: اما او یک پادشاه بود زیرا خداوند هر قدرت، وسعت و کرامتی را که طبیعت انسان می توانست در آن مرد قرار دهد، قرار داد. بنابراین او پادشاهی تمام جهان را تسلیم کرد، و این پادشاهی به طور کامل و کامل آغاز شد

## تنها پسرش.

هشتم. به موجب آن توافق باید ایمان بیاوریم و عیسی مسیح، پسر یگانه خدا را اعتراف کنیم.

در این کلمات به مؤمنان پیشنهاد می شود که اسرار عمیق تر عیسی را باور کنند و آنها را تحقیر کنند. البته او پسر خدا و خدای حقیقی است، همانطور که او پدری است که او را از ازل به دنیا آورد. علاوه بر این، ما او را به عنوان دومین شخص تثلیث الهی، کاملاً برابر با دو نفر دیگر می‌شناسیم. زیرا هیچ چیز عجیب و غریب و غیرمشابهی در اشخاص الهی نباید وجود داشته باشد یا توسط ذهن تصور شود، تا زمانی که ما یک ذات، اراده و قدرت همه را تصدیق کنیم. که، در حالی که در روایات کتاب مقدس برای بسیاری روشن است، با شهادت قدیس یوحنا 5 به وضوح نشان داده شده است: "در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و خدا کلمه بود." اما وقتی می شنویم که عیسی پسر خداست، هیچ چیز زمینی یا فانی نباید در مورد تولد او فکر کنیم. تولد واقعی، که توسط آن پدر از ازل، پسر را به دنیا آورد، به هیچ وجه توسط عقل قابل درک و درک کامل نیست.

') ص. 109، 4. الف) عبری. 5، 6. ») لوقا 1 ( 32. 33. ») اول قرن. 15، 26. ») آیو. 1، 1

ما می توانیم، باید دائماً ایمان داشته باشیم و باید با نهایت تقوای نفس عبادت کنیم. و گویی از شگفتی راز شگفت زده شده است که با پیامبر بگوید: «چه کسی از نسل او خبر خواهد داد؟» پس باید باور داشت که پسر از همان طبیعت، از همان قدرت و حکمت با تاترها است، همانطور که در نماد نیقیه به طور مفصل اعتراف می کنیم. زیرا می گوید: "و در عیسی مسیح پسر یگانه او و مولود پدر قبل از همه اعصار، خدا از خدا، نور از نور، خدای راستین از خدای حقیقی، زاده شده، ساخته نشده، هم ذات پدر، که همه چیز بوسیله او ساخته شد."

9 به ترتیب نسل ابدی، برگرفته از تشبیه چیزهای آفریده شده، و بر اساس تولد مضاعف و پسری مسیح.

اما از میان تمام تشبیهاتی که برای نشان دادن شیوه استدلال نسل ابدی ارائه می شود، به نظر می رسد آنچه از اندیشه ذهن ما گرفته شده است به موضوع نزدیکتر می شود. بنابراین سنت جان پسر خود را کلمه می نامد. زیرا همان گونه که ذهن ما، خود را به نحوی معین درک می کند، تصویری از خود می سازد که متکلمان آن را «کلمه» نامیده اند: پس خداوند، از آنجایی که انسان ها را می توان با الهی مقایسه کرد، هنگامی که خود را می فهمد، کلام ابدی را تولید می کند. اگرچه ارزش آن را دارد که آنچه را که ایمان پیشنهاد میکند، در نظر گرفت و با ذهنی صادقانه باور کرد و اعتراف کرد که عیسی مسیح خدای حقیقی و انسان حقیقی است، در واقع به عنوان خدا، قبل از اعصار تمام اعصار از پدر متولد شده است. به عنوان مردی که در زمان مریم باکره متولد شد. و اگرچه ما تولد دوگانه او را می شناسیم، اما هنوز معتقدیم که او یک پسر است. زیرا یک نفر است که فطرت الهی و انسانی در او متحد است. . 10. چگونه مسیح برادرش را دوست دارد یا ندارد

و در مورد نسل الهی، او هیچ برادر و هم وارثی ندارد، زیرا او تنها پسر پدر است، اما ما انسانها ساخته و دستان او هستیم. اما اگر تولد انسان را در نظر بگیریم، او نه تنها بسیاری را به نام برادر می خواند، بلکه جای برادران را نیز می گیرد تا همراه او به شکوه میراث پدری دست یابند. آنها کسانی هستند که مسیح خداوند را با ایمان پذیرفته اند، و ایمانی را که به نام آن سود می برند، "در حقیقت و در مناصب صدقه انجام می دهند؛ بنابراین او توسط رسول "نخست زاده در میان بسیاری از برادران" خوانده می شود.

XI. مسیح بر اساس هر دو طبیعت، خداوند ما نامیده می شود.

چیزهای زیادی در مورد منجی ما در نامه های مقدس آمده است که برخی از آنها مانند خدا و برخی دیگر مانند انسان است که با آنها موافق است 0 عیسی. 53، 8. 2)

عیسی. 64، 8. «) عبری. 2، 12. «) رام 8، 29.

روشن است، زیرا او از طبیعت های مختلف خواص متفاوت آنها را دریافت کرده است. بنابراین ما واقعاً می گوییم که مسیح قادر مطلق، ابدی و نامتناهی است که او از ذات الهی برخوردار است. باز هم در مورد او می گوییم که رنج کشید، مرد، و دوباره زنده شد، که هیچ کس در ذات انسان شکی ندارد. اما در کنار اینها چیزهای دیگری مطابق با هر دو فطرت است، مانند این که در این مکان که می گوییم پروردگار ما. بنابراین، اگر این نام به هر دو ذات اطلاق شود، پروردگار ما باید با شایستگی موعظه شود. زیرا همانطور که خود خدا ابدی است، پدر نیز ابدی است. همچنین خداوند همه چیز به همان اندازه پدر است. و همانطور که او و پدر خدای دیگری نیستند، بلکه به وضوح خدای یکسانی هستند: همچنین او و پدر خداوند یک و دیگری نیستند. اما او همچنین به دلایل بسیاری به درستی پروردگار ما خوانده می شود، زیرا او یک مرد است. و اول از همه، از آنجا که او خود نجات دهنده ما بود و ما را از گناهانمان نجات داد، او این قدرت را به حق دریافت کرد تا واقعاً پروردگار ما باشد و نامیده شود. زیرا رسول چنین تعلیم می دهد: "او خود را فروتن کرد و تا مرگ و مرگ صلیب مطیع شد و به همین دلیل خدا نیز او را تعالی بخشید و نامی را که بالاتر از هر نامی است به او داد تا هر زانوی بهشت و زمین و جهنم در نام عیسی تعظیم کند و هر زبانی اعتراف کند که خداوند عیسی مسیح خدا در جهان است." و خود او پس از قیامت 2: «کلّی اختیار در آسمان و زمین به من داده شده است». همچنین به همین دلیل است که پروردگار خوانده می شود، زیرا در یک شخص دو طبیعت الهی و انسانی با هم متحد می شوند; زیرا با این اتحاد تحسین برانگیز او شایستگی این را داشت که اگرچه برای ما نمرده بود، اما به عنوان خداوند، در واقع مشترک همه چیزهایی که پایه گذاری شده است، و به ویژه مؤمنانی که به او توجه دارند و با نهایت غیرت به او خدمت می کنند، ثابت شود.

## XII. مسیحیان باید خود را به طور کامل به عیسی مسیح، حاکم تاریکی تسلیم کنند.

پس آنچه باقی می‌ماند این است که کشیش مردم مؤمن را به این دلیل تشویق کند تا بدانند که این عادل‌ترین و بالاتر از همه مردم است که ما که نام خود را از او می‌گیریم و مسیحی خوانده می‌شویم و چه فوایدی برای ما به ارمغان آورده است، نمی‌توانیم نادیده بگیریم، به دلیل اصلی که همه اینها را با ایمان به منصب او می‌فهمیم، که این عادلانه است نجات دهنده و برای خداوند برای همیشه. و در واقع، هنگامی که ما با تعمید آغاز شدیم، آن را در برابر درهای کلیسا اقرار کردیم. ما اعلام کردیم

فیل. 2، 8 - 11. ') مت. 28، 18.

تعلیم و تربیت، Conc.

زیرا ما باید شیطان و جهان را کنار بگذاریم و خود را کاملاً تسلیم عیسی مسیح کنیم. اما اگر برای پیوستن به ارتش مسیحی، با چنین مسلک مقدس و موقری خود را وقف پروردگارمان کرده باشیم: اگر پس از ورود به کلیسا، اراده و قوانین خدا را بشناسیم، شایسته چه مجازاتی خواهیم بود. آیا پس از دریافت فیض مقدسات، بر اساس احکام و قوانین جهان و شیطان زندگی کرده‌ایم، درست مثل اینکه وقتی با غسل تعمید شسته شدیم، نام جهان و شیطان را داده‌ایم، نه مسیح خداوند و نجات دهنده؟ اما مشعل‌های عشقی که چنین اراده‌ای مهربان و متمایل به خداوند نسبت به ما دارد، دلش را نمی‌سوزاند، که با اینکه ما را تحت سلطه و قدرت خود دارد، گویی برده‌هایی هستند که با خون خود فدیه شده‌اند، اما با آن محبت عجین شده‌اند، «تا ما را غلام نخواند، بلکه دوست، بلکه برادر بداند؟ » (یوحنا 15، 14.) مطمئناً این عادلانه ترین دلیل است، و نمی دانم که آیا این بزرگترین دلیل است که چرا ما باید دائماً او را به عنوان پروردگار خود بشناسیم، به او احترام بگذاریم و پرستش کنیم.

## فصل چهارم. در مورد مقاله سوم.

که از روح القدس آبستن شد که از مریم باکره متولد شد. 1. اصل سوم ایمان آنچه را که مؤمنان باید باور کنند، بیان می کند.

در واقع، مؤمنان از آنچه در مقاله قبل اعلام شد می‌توانند بفهمند که نسل بشر مورد لطف و عنایتی بزرگ و منحصر به فرد خداوند قرار گرفته است که ما را از بردگی ظالم‌ترین ظالمان به آزادی نجات داده است. اما به راستی اگر نقشه و دلیلی را که بیش از هر چیز می‌خواست آن را انجام دهد، پیش چشم خود قرار دهیم، قطعاً هیچ چیز درخشان‌تر و باشکوه‌تر از احسان و خیر الهی در ما دیده نمی‌شود. بنابراین، کشیش عظمت راز او را که اغلب به ما پیشنهاد می کنند که آن را فصل اصلی نامه مقدس نجات خود بدانیم، از توضیح مقاله سوم که معنای آن را به ما می آموزد ایمان بیاوریم و اعتراف کنیم، نشان خواهد داد که خود عیسی مسیح، تنها خداوند ما، پسر خدا، که بدن انسان را برای ما در رحم مادر، بلکه نه مانند سایر انسان ها، که در رحم مادر بود، بلکه از جنس بدن خود گرفت. طبیعت با نیروی روح القدس تصور شد تا همان خدای دائمی که از ازل بود انسان شود که قبلا نبود. اکنون که این سخنان باید تا این حد پذیرفته شود، از اعتراف شورای مقدس قسطنطنیه به وضوح مشاهده می شود. زیرا می گوید: «چه کسی به خاطر ما

مردان، و برای نجات ما از آسمان نازل شد. 3e5t او از روح القدس از مریم باکره متجسد شد و انسان شد.» و این را نیز یحیی انجیل قدیس توضیح داد، گویی که معرفت این راز عالی را از سینه خداوند منجی بیرون آورده بود؛ زیرا وقتی ماهیت کلام الهی را با آن کلمات اعلام کرد، در ابتدا کلام بود، و کلام با خدا به پایان رسید. کلمه جسم
') : „ شد و در میان ما ساکن شد.»

II. از طریق تولد موقت هیچ خلط طبیعت در مسیح وجود نداشت.

زیرا کلام که فرض ذات الهی است، فطرت انسانی را به گونه ای فرض کرد که فرضیه و شخص ذات الهی و انسانی یکی بود. که توسط آن انجام شد، که اتحاد بسیار شگفت انگیزی اعمال و خواص هر دو طبیعت را حفظ کرد. و همانطور که در سنت لئو 2 است، آن مجوس پاپ: "بگذارید نه فرودستی در تمجید از بین برود، و نه گمان از برتری کاسته شود."

III. روح القدس به تنهایی کار تجسم را کامل نکرد.

اما از آنجایی که توضیح کلمات نباید حذف شود، بگذارید کشیش تعلیم دهد که وقتی می گوییم پسر خدا با قدرت روح القدس آبستن شد، این یک شخص از تثلیث الهی راز تجسم را کامل نکرد. زیرا اگرچه یک پسر ذات انسانی را به خود گرفت، اما همه اشخاص تثلیث الهی، پدر، پسر و روح القدس، نویسندگان این راز بودند. در واقع، آن قاعده ایمان مسیحی باید رعایت شود: این که هر آنچه خدا خارج از خود در اشیاء مخلوق انجام می دهد، در سه شخص مشترک است، و هیچ یک بیش از دیگری عمل نمی کند، یا یکی بدون دیگری عمل نمی کند. حال که یک نفر از دیگری سرچشمه می گیرد، این یک چیز نمی تواند برای همه مشترک باشد. زیرا پسر تنها از پدر زاییده می شود، روح القدس از پدر و پسر سرچشمه می گیرد. اما هر چه از آنها خارج از آنها حاصل شود، این سه شخص بدون هیچ تبعیضی عمل می کنند و از این نوع تجسم پسر خدا باید در نظر گرفته شود. به هر حال این چیزها ممکن است چنین باشد، اما حروف مقدس آنها که در همه افراد مشترک است، معمولاً دیگری را به دیگران نسبت می دهند. همانطور که آنها قدرت برتر همه چیز را به پدر، حکمت را به پسر، و عشق را به روح القدس نسبت می دهند. و از آنجا که راز تجسم الهی بیانگر مهربانی منحصر به فرد و بیکران خداوند نسبت به ماست، به همین دلیل این کار به گونه ای خاص به روح القدس نسبت داده می شود.

") یوحنا 1، 1. U. *) سرم 21. ج 2.

IV. همه چیزهای بالاتر از نظم طبیعت در تصور مسیح ساخته نشدند،
بلکه بیشتر آنها.

در این رمز و راز متوجه می شویم که برخی چیزها بالاتر از نظم طبیعت هستند، برخی چیزها تحت تاثیر نیروی طبیعت قرار گرفته اند. زیرا ما معتقدیم که بدن مسیح از خالص ترین خون مادر باکره تشکیل شده است. آن چیزی که هم از نظم طبیعت و هم از شعور انسان فراتر می رود این است که همزمان با موافقت مریم مقدس با کلام فرشته گفت: اینک من کنیز خداوند هستم، بگذار طبق قول تو با من شود. بلافاصله مقدس ترین بدن مسیح شکل گرفت و روح عقل به آن ملحق شد و بنابراین در همان لحظه او خدای کامل و انسان کامل بود. اما اینکه این یک کار جدید و تحسین برانگیز روح القدس بود، هیچکس نمی تواند شک کند، زیرا، مطابق با نظم طبیعت، هیچ جسمی نمی تواند توسط روح انسان آگاه شود، مگر در مدت زمان معین. اما پس از آن چیزی می آید که در خور تحسین است، که همان گونه که روح ابتدا با بدن متحد شد، خود الوهیت نیز با جسم و روح متحد شد. بنابراین بدن در همان زمان شکل گرفت و جان گرفت و الوهیت به جسم و روح پیوست. از این جا نتیجه می شود که در همان برهه زمانی خدا کامل بود و انسان کامل بود و مقدس ترین باکره واقعاً و به درستی مادر خدا و انسان نامیده می شد، زیرا او خدا و انسان را در یک لحظه آبستن کرد. و این را فرشته بر او دلالت کرد، هنگامی که گفت: "اینک تو در شکم خود آبستن خواهی شد و پسری خواهی زایید و نام او را عیسی خواهی خواند، این بزرگ خواهد بود و پسر اعلی نامیده خواهد شد" و واقعه آنچه را که اشعیا پیشگویی کرده بود تایید کرد: "اینک باکره آبستن شده و پسری خواهد زایید." الیزابت نیز هنگامی که لقاح پسر خدا را که از روح القدس پر شده بود فهمید، با این کلمات اظهار داشت: "این از کجا به من رسید که مادر خداوند نزد من بیاید؟" اما همانطور که بدن مسیح از خون پاک ترین و کامل ترین باکره، بدون هیچ کاری از انسان، همانطور که قبلاً گفتیم، بلکه تنها با قدرت روح القدس شکل گرفت: همچنین، هنگامی که او برای اولین بار آبستن شد، روح او فراوان ترین ذخایر روح خدا و تمام فراوانی کاریزما را دریافت کرد. زیرا خداوند روح را مانند سایر مردانی که به قدوسیت و فیض آراسته شدهاند، نمیدهد، همانطور که جان 5 شهادت میدهد، «بلکه تمام فیض را چنان به وفور در روح او میریزد، که6) «ما از کمال او دریافت کردهایم».

لوقا 1، 31. 32. *) عیسی. 7، 14. «) لوقا 1، 43. *) آیو. 8، 84 (•. 88، 1 .1.9 c u, 1L ( Io.> (»

### V. مسیح را نمی توان پسر خوانده خدا نامید.

با این حال، خواندن پسر خوانده خدا جایز نیست، هر چقدر هم که او روحی داشته باشد که به وسیله آن مردان مقدس فرزندخواندگی فرزندان خدا را به دست می آورند. زیرا از آنجایی که او ذاتاً پسر خداست، به هیچ وجه نمی توان تصور کرد که فیض یا نام فرزندخواندگی به او تعلق می گیرد.

### 6. در مورد بخش اول adrutimc u lsii t به خصوص مراقبه چطور؟

اینها چیزهایی است که به نظر می رسید درباره راز شگفت انگیز لقاح توضیح داده شده است، که برای اینکه ثمرات نجات دهنده از آن به ما سرازیر شود، مؤمنان باید قبل از هر چیز به خاطرشان تکرار کنند و اغلب با ذهن خود فکر کنند که این خدا بود که جسم انسان را به خود گرفت. اما انسان به همین دلیل آفریده شد که برای ما جایز نیست که با عقل به آن دست یابیم، چه رسد به توضیح با کلمات. به خاطر او، سرانجام، او اراده کرد که انسان شود، تا ما مردان دوباره به عنوان پسران خدا متولد شویم. هنگامی که آنها به دقت به این چیزها توجه کردند، بگذارید همه اسرار مندرج در این مقاله را با قلبی متواضع و وفادار باور کنند و ستایش کنند. و نه عجیب و غریب، که به ندرت می تواند بدون خطر انجام شود، آنها مایل به تحقیق و بررسی دقیق نیستند.

### متولد مریم باکره.

### VII. مسیح از مریم باکره متولد شد؟

این قسمت دوم این مقاله است که در آن کشیش با دقت توضیح می دهد، زیرا ایمانداران باید باور داشته باشند که خداوند عیسی نه تنها با قدرت روح القدس آبستن شده است، بلکه از مریم باکره نیز متولد شده و به نور بیرون آورده شده است. صدای فرشته که برای اولین بار شادترین خبر را به جهان آورد، بیان می کند که ایمان کدام راز باید با شادی و دلپذیری فکر کرد.

زیرا او گفت: "اینک، من شما را به شادی بزرگی که برای همه مردم خواهد بود، مژده می دهم." و از آن آواز نظامی آسمانی: «سبحان الله فی الاعلا و فی الارض سلام الحسنین» آنچه فرشتگان سرودند به راحتی قابل درک است. از آنجا نیز تحقق آن وعده بزرگ خدا به ابراهیم آغاز شد که به او گفته شد، 2) که روزی همه امت ها در نسل او برکت خواهند یافت. برای مریم که ما واقعاً او را به عنوان مادر خدا موعظه می کنیم و می پرستیم، زیرا او آن شخص را به دنیا آورد که در عین حال خدا و انسان بود، او از نسل داوود پادشاه بود.

### هشتم. مسیح بر اساس سیر معمول طبیعت متولد نشد.

اما همانطور که خود مفهوم کاملاً بر نظم طبیعت غلبه می کند، در طلوع نیز نمی توان به چیزی فکر کرد که الهی نباشد. لوقا 2، 10. 14. الف)

پیدایش 22، 18

علاوه بر این، از آنجایی که هیچ چیز شگفت‌انگیزی نمی‌توان گفت یا فکر کرد، او از مادری متولد شده است، بدون اینکه از باکرگی مادر کاسته شود. و چگونه پس از آن از قبر بسته و مهر شده بیرون آمد و با درهای بسته نزد شاگردان وارد شد. یا، مبادا از چیزهایی که هر روز می بینیم در طبیعت رخ می دهد دور شود، به نحوی که پرتوهای خورشید به ماده بتنی شیشه نفوذ می کند، و در عین حال نمی شکند یا به هیچ بخشی آسیب نمی رساند. من می گویم به همین ترتیب، و به نحوی بالاتر، عیسی مسیح از شکم مادرش بدون از دست دادن باکرگی مادری بیرون آمد، به خاطر فساد ناپذیر او و ما باکرگی جاودان را با بزرگ ترین ستایش جشن می گیریم، که با قدرت روح القدس، که در لقاح و تولد پسر آنچنان حضور داشت، به او باکره داد. 9. مسیح به درستی آدم دوم و مریم حوا دوم نامیده می شود.

گاهی مرسوم است که رسول مسیح عیسی را «آدم جدید» می‌خواند و او را با آدم اول مقایسه می‌کند. زیرا همانطور که در اولی همه انسانها می میرند، در دومی هم همه زنده می شوند و همانطور که آدم که به شرایط طبیعی تعلق دارد والد نوع بشر بود، مسیح نیز صاحب فیض و جلال است. به این ترتیب مادر باکره را نیز با حوا مقایسه می کنیم، به طوری که حوای دوم که مریم است با حوای اول مطابقت دارد. همانطور که به قول آدم، یعنی مسیح، اولین آدم را نشان دادیم که پاسخ دهد. زیرا حوا، چون به مار ایمان داشت، نفرین و مرگ را بر نسل بشر آورد. و مریم پس از ایمان به فرشته، به لطف خدا متأثر شد تا برکت و حیات به مردم برسد. ما به خاطر حوا فرزندان خشم به دنیا آمدیم 3): از مریم عیسی مسیح را دریافت کردیم که به واسطه او به عنوان فرزندان فیض دوباره تولید شدیم. به حوا گفته شد: با درد بچه زایید. مریم با این قانون آزاد شد، به طوری که با حفظ یکپارچگی عفت باکره خود، عیسی، پسر خدا را بدون هیچ احساس درد، همانطور که قبلاً گفته شد، به دنیا آورد.

X. با چه چهره‌ها و پیشگویی‌های خاصی آیین‌های عبادت و تولد مسیح مشخص می‌شود.

بنابراین، از آنجا که مقدسات این تصور و تولد بسیار بزرگ و قابل تحسین است، بر اساس مشیت الهی است که باید توسط شخصیت ها و اوادیوم بسیار مورد توجه قرار گیرد. چرا پزشکان مقدس متوجه شدند که بسیاری از مطالبی که در آیات مختلف کتاب مقدس می خوانیم به اینجا تعلق دارد. مخصوصاً آن دروازه معبد که حزقیال 5) آن را بست

<< 20، 19. الف) اول کور. 15، 21. روم. 5، 12 - 14. 3) اف. 2, 3. « ) s .Gen. 3, 16) Ez. 44, 2

او همچنین دید: "سنگ بی دست از کوه بریده شد"، همانطور که در دانیال 1 آمده است، "که کوهی بزرگ شد و تمام زمین را پر کرد." سپس 2): «عصای هارون که در میان عصای امیران اسرائیل جوانه زد؛ و بوته 3) که موسی آن را در حال سوختن دید و نسوخت. انجیل مقدس با کلمات زیادی تاریخ تولد مسیح را شرح داد. در مورد این موضوع، وقتی آن درس در دسترس کشیش باشد، دیگر چیزی برای گفتن وجود ندارد.

XI. راز تجسم غالباً باید برای مردم تأکید شود و از مراقبه آن چه سودی می توان گرفت.

و باید در حق او کرد که این اسرار، که «برای آموزه ما نوشته شده»، در دل و ذهن مؤمنان بچسبد، قبل از هر چیز، تا با بزرگداشت این نعمت بزرگ، لطفی را به خداوندی که آنها را تألیف کرده است، برگردانند. سپس این نمونه عالی و منحصر به فرد تواضع را در برابر چشمانشان قرار دهند تا از آن تقلید کنند. زیرا چه چیزی می تواند برای ما مفیدتر و برای سرکوب غرور و تعالی ذهن ما مفیدتر باشد تا اینکه اغلب فکر کنیم که خدا باید چنان خود را فروتن کند تا جلال خود را با مردم تقسیم کند و ضعف و سستی انسان را به خود بگیرد. خدا انسان شود و آن عظمت اعلای و بی نهایت را به انسان خدمت کند، «که ستون های آسمان با تکان دادن او»، همانطور که کتاب مقدس می فرماید، «ج می لرزد و می لرزد، «و آیا او در زمین متولد شد6»، که فرشتگان در آسمان او را می پرستند؟ پس وقتی خدا این کارها را به خاطر ما انجام می دهد، من می گویم که برای اطاعت از او چه کنیم؟ با چه شادی و اشتیاق باید همه واجبات تواضع را دوست بداریم و در آغوش بگیریم و انجام دهیم؟ بگذارید مؤمنان ببینند که مسیح در حال ظهور چه آموزه‌های مفیدی را به ما آموزش می‌دهد، قبل از اینکه شروع به بر زبان آوردن صدایی کند. او نیازمند به دنیا می آید. او در مسافرخانه ای غریب به دنیا می آید. او در یک آخور پست به دنیا آمده است. در اواسط زمستان متولد می شود. زیرا لوقا قدیس باب 7 چنین می نویسد: "وقتی آنها آنجا بودند، روزها برای او پر شد و او پسر اول خود را به دنیا آورد و او را در قنداق پیچید و در آخور گذاشت، زیرا جایی برای او در مسافرخانه نبود." آیا انجیل می تواند تمام عظمت و شکوه آسمان و زمین را با کلماتی فروتن تر بیان کند؟ به راستی نمی نویسد که در مسافرخانه جا نبود، بلکه برای او نبود که می گوید: «دنیای زمین و تمام آن از آن من است». مبشّر دیگری نیز شهادت می‌دهد: «خودش آمد و خود او را نپذیرفت». هنگامی که مؤمنان این چیزها را در برابر چشمان خود قرار دادند، بگذارید فکر کنند

») دن. 2, 34.') شماره 17، 8. «) مثال. 3، 2. >) روم. 15، 4. ») شغل. 26، 11. •) پی. 96، 8. ' ) لو. 2، 6، 7. «) ص. 49، 12. •) آی‌و. 1، 11

که او حاضر بود از فروتنی و شکنندگی طبیعت ما رنج ببرد تا نسل بشر در بالاترین درجه کرامت قرار گیرد. زیرا همین یک چیز به اندازه کافی حیثیت و کرامت انسان را که از عنایت الهی به او عطا شده بود، روشن می کند که او انسان بود که همان خدای حقیقی و کامل است. تا اکنون بتوانیم به خود ببالیم که پسر خدا دهان و گوشت ماست، که برای آن ارواح مبارک ترین مجاز نیست. "زیرا هیچ جا" همانطور که در رسول 1 آمده است، "او فرشتگان را گرفت، بلکه از دانه."

nAobsrtarhoa e m a laop p reevheennidaitt,. جایی که او در آنجا به دنیا آمده بود کم بود: با این حال، وقتی او دیگر در جسم به دنیا نمی آید، نمی تواند جایی در قلب ما پیدا کند که در روح متولد شود. زیرا او به شدت میل به قدرت ما دارد، زیرا او به شدت از قدرت میل می کند. از روح القدس بالاتر از نظم طبیعت، او انسان شد و متولد شد، و خود مقدس و قدوس بود: بنابراین ما باید "نه از خون 2) و نه از اراده جسمانی، بلکه از خدا" و سپس، به عنوان یک مخلوق جدید، " در تازگی روح گام برداریم"، تا از آن قداست و یکپارچگی ذهنی محافظت کنیم، زیرا این روحیه که بیشتر توسط انسانها بیان شده است تصویری از لقاح و تولد این پسر مقدس خدا که ما با قلبی وفادار به آن ایمان داریم و با اعتقاد به "حکمت خدا در راز پنهان" مشکوک هستیم و می پرستیم.

## فصل پنجم

## در مورد مقاله چهارم

او در زمان پونتیوس پیلاطس رنج کشید، مصلوب شد، درگذشت و به خاک سپرده شد. ط. لزوم دانستن مقاله چهارم و نظر آن.

آگاهی از این مقاله چقدر ضروری است و کشیش چقدر باید مراقب باشد که مؤمنان بارها خاطره مصیبت خداوند را در دل خود تکرار کنند، به رسول می آموزد که "شاهد می دهد که جز عیسی مسیح چیز دیگری نمی دانست و او مصلوب شد." از این رو در این موضوع باید تمام مطالعه و کار به کار گرفته شود تا هر چه بیشتر روشن شود و مؤمنان که از بزرگداشت این نعمت بزرگ به وجد آمده اند، همه خود را به دیدن محبت و خیر خدا نسبت به ما معطوف کنند. بنابراین، ایمان در قسمت اول مقاله (زیرا دومی بعداً گفته خواهد شد) باعث می شود باور کنیم که مسیح خداوند

») عبری. 2، 16. *) آیو. 1، 13. ») روم. 6، 4 گال. 6، 15. «) اول کور. 2، 7. ») اول کور. 2، 2

هنگامی که پونتیوس پیلاطس به دستور تیبریوس سزار، استان یهودیه را اداره کرد، او را به صلیب میخکوب کردند.

## II. روح مسیح در عذاب بود.

و هیچ کس نمی تواند شک کند که روح او، از نظر پایین، از آن شکنجه ها مبرا نبوده است. از آنجا که او واقعاً ماهیت انسانی را به خود گرفته بود، لازم است اعتراف کنیم که او نیز شدیدترین درد را در قلب خود احساس می کرد. از این رو فرمود: «نفس من تا سرحد مرگ غمگین است». زیرا اگرچه طبیعت انسانی به شخص الهی ملحق شده بود، اما به دلیل آن اتحاد، او تلخی شور را احساس می کرد، اگر در یک شخص عیسی مسیح، خصوصیات هر دو طبیعت، الهی و انسانی، حفظ می شد، و بنابراین، آنچه قابل عبور و فانی بود، قابل عبور و فانی باقی می ماند، اگر آن اتحاد رخ نمی داد. با این حال، مجدداً، آنچه غیرقابل تحمل و فناناپذیر بود، چنانکه ما ماهیت الهی را درک می کنیم، دارایی خود را حفظ کرد.

## III. چرا در نمادی که مسیح، فرمانروای یهودا، تحت آن رنج برد، بیان شده است.

اما آنچه را که در این مکان با دقت مشاهده میکنیم، یعنی اینکه عیسی مسیح در زمانی که پونتیوس پیلاطس استان یهودیه را تصاحب میکرد، رنج میبرد، کشیش تعلیم خواهد داد که این امر در آن موضوع اتفاق افتاده است، زیرا اگر زمان آن چیزی که به انجام رسید، با قطعیت توصیف میشد، آگاهی از یک چیز بزرگ و بسیار ضروری برای همه میتوانست کاوشاتر باشد، که میخوانیم پولس نیز انجام داده است. و همچنین، زیرا در آن کلمات اعلام شده است که پیشبینی منجی با نتیجه تأیید شد: او میگوید: «او را میفروشند، به ملتها برای تمسخر، تمسخر، و مصلوب کردن». IV. این اتفاق تصادفی نبود که مسیح بر روی چوب صلیب مرگ را تحمل کرد.

اما اینکه او بیش از هر چیز بر درخت صلیب مرگ را تحمل کرد، این را نیز باید به تدبیر الهی نسبت داد تا البته از جایی که مرگ برخاست، زندگی دوباره طلوع کند. زیرا مار که اولین پاروس ها را در چوب شکست داد، توسط مسیح در چوب صلیب شکست خورد. دلایل متعددی را می توان برای این موضوع بیان کرد، که پدران مقدس به طور گسترده تری دنبال کردند تا نشان دهند که منجی ما بیش از هر چیز متحمل مرگ صلیب شده است. در واقع کافی است کشیش به مومنان یادآوری کند، در صورتی که معتقدند، این نوع مرگ توسط ناجی انتخاب شده است، که در واقع برای رستگاری نوع بشر مناسب تر است. برای شما سازگارتر به نظر می رسد

ط) مت. 26، 38. مارک. 14، 34. *) 1 تیم. 6، 13. ») مت. 20، 19

مطمئناً هیچ کس نمی توانست پست تر و بی ارزش تر از آن روز باشد. زیرا نه تنها در میان غیریهودیان مجازات صلیب نفرین شده و پر از رسوایی و رسوایی است، بلکه حتی در شریعت موسی « مردی که به درخت آویزان می شود ملعون خوانده می شود».

V. تاریخ مصائب مسیح باید بیشتر برای مردم تکرار شود.

در واقع، کشیش تاریخ این مقاله را که بشارتگران مقدس با دقت بیشتری توضیح داده اند، نمی گذراند تا مؤمنان حداقل بالاترین فصل های راز آن را که برای تأیید حقیقت ایمان ما ضروری به نظر می رسد، بدانند. زیرا بر این ماده، به عنوان یک پایه، دین و ایمان مسیحی معینی استوار است و هر چیز دیگری به درستی بر این اساس استوار است. زیرا اگر چیز دیگری برای ذهن و شعور انسان مشکل ایجاد کند، قطعاً راز صلیب را باید از همه سخت‌تر دانست، و ما به سختی می‌توانیم آن را درک کنیم که نجات ما به خود صلیب و به کسی بستگی دارد که برای ما به آن درخت بسته شده است. اما در این مورد، همانطور که رسول تعلیم می دهد، مشیت عالی خداوند قابل تحسین است. زیرا «از آنجا که جهان در حکمت خدا خدا را از طریق حکمت نشناخت، خدا را با حماقت موعظه خشنود کرد تا مؤمنان را نجات دهد». چرا جای تعجب نیست که آیا پیامبران قبل از آمدن مسیح، و رسولان پس از مرگ و رستاخیز او، این همه تلاش کردند تا مردم را متقاعد کنند که او نجات دهنده جهان است، و آنها را به قدرت و اطاعت مصلوب تقلیل دهند؟ از این رو خداوند، از آنجایی که هیچ چیز به اندازه راز صلیب از عقل بشری حذف نشده بود، بلافاصله پس از گناه هرگز از مرگ پسرش، هم از طریق چهره ها و هم از طریق اوادیوم انبیا، متوقف نشد. و برای دستیابی به چند چهره، ابتدا هابیل که به حسادت برادرش کشته شد، سپس قربانی اسحاق، و همچنین بره ای که یهودیان هنگام بیرون آمدن از سرزمین مصر قربانی کردند، و مار برنزی که موسی در بیابان بلند کرد، تصویر مصائب و مرگ مسیح را نشان داد. اما آنچه مربوط به انبیاء است و اینکه چه تعداد در این باره نبوت کرده اند بسیار مشهورتر از آن است که در این جا توضیح داده شود. اما فراتر از بقیه، برای نادیده گرفتن داوود، که تمام اسرار اصلی رستگاری ما را در مزامیر خلاصه کرده است، سخنان اشعیا آنقدر آشکار و واضح است که به درستی می توان گفت که او به جای اینکه آینده را پیش بینی کند، آنچه را که اتفاق افتاده توضیح داده است.

') تثنیه 21، 23. 5 (2 .13 ،3 .Gal قرن. 1، 21

مرده و دفن شده.

6. این بند، مرده و دفن شده، دلالت بر آن دارد که باور شود. با این کلمات کشیش این اعتقاد را توضیح خواهد داد که عیسی مسیح پس از مصلوب شدن، واقعاً مرد و دفن شد. بی دلیل نیست که مؤمنان به طور جداگانه به این موضوع اعتقاد دارند، زیرا کسانی نبودند که منکر مرگ او بر روی صلیب شوند. از این رو، این تعلیم ایمان رسول اکرم را به درستی مخالف خطا دانستند که در صحت مقاله آن جای تردیدی برای ما باقی نمانده است. زیرا همه انجیلیان موافقند: "عیسی روح را تسلیم کرد." علاوه بر این، از آنجایی که مسیح یک انسان واقعی و کامل بود، میتوانست واقعاً بمیرد. اما انسان زمانی می میرد که روح از بدن جدا شود. بنابراین، وقتی می گوییم عیسی مرده، مقصود این است که روح او از بدنش جدا شده است; با این حال ما اجازه نمی دهیم که الوهیت از بدن جدا شود. بلکه دائماً معتقدیم و اعتراف می کنیم که وقتی روح او از بدنش جدا شد، الوهیت او همیشه هم با بدنش در مقبره و هم به روح او در عالم اموات متحد می شد. برای پسر خدا مناسب بود که بمیرد، "تا با مرگ او را که قدرت مرگ را در اختیار داشت، یعنی شیطان، نابود کند و کسانی را که تمام زندگی خود را تحت بردگی قرار داده بودند از ترس مرگ رهایی بخشد."

VII. مسیح ناخواسته و از روی اجبار دچار مرگ نشد.

اما این در مسیح خداوند منحصر به فرد بود، که او در آن زمان مرد، زمانی که خود تصمیم به مردن گرفته بود، و با مرگی که نه به قدرت دیگری، بلکه داوطلبانه درگذشت. و نه تنها مرگ، بلکه مکان و زماني را که در آن خواهد مرد، براي خود تعيين كرد. زیرا اشعیا باب 2 را چنین مینویسد: "او پیشکش شد، زیرا خودش خواست." و همان پروردگار پیش از شهوت درباره خود می فرماید3: « نفس من انفسهم لا یغذب یغذا لا یقیماً ولکن من انفسهم ؛ من قدرت دارم که آن را بگذارم و باز هم قدرت دارم». و در مورد زمان و مکانی که هیرودیس در کمین جان خود نشست، خود گفت: «به آن روباه بگو، اینک دیوها و شفاهای کامل را امروز و فردا بیرون میرانم و در روز سوم هلاک میشوم، اما امروز و فردا و فردای آن روز باید راه بروم، زیرا لازم نیست پیامبری در خارج از بیتالمقدس هلاک شود». از این رو او ناخواسته یا از روی اجبار هیچ کاری نکرد، بلکه با کمال میل خود را عرضه کرد و به دیدار دشمنانش رفت و گفت: من هستم و به میل خود تمام آن مجازات ها را متحمل شد که به ناحق و ظالمانه بر او تاثیر گذاشتند، در واقع چیزی که عقل ما را برانگیزد.

') ایلبر. 2، 14. 15. ») است. 53، 7. ») آیو. 10، 17. 18. 4) لوقا 13، 82. 83. ») 5 ،18 .I o.

وقتی همه مجازات ها و شکنجه هایش را با ملاحظه در نظر بگیریم، می تواند قدرت داشته باشد. زیرا اگر کسی به خاطر ما تمام دردها را متحمل شود، نه دردهایی را که خودش به میل خود متحمل می‌شود، بلکه از آن‌هایی که نمی‌تواند از آنها دوری کند، در واقع این امر از نظر ما در جایگاه بزرگی قرار نخواهد گرفت. درست است، اگر فقط به نام ما او با کمال میل از مرگ رنج می برد که می توانست از آن بگریزد: مطمئناً این نوع صدقه به گونه ای است که او تمام امکان نه تنها بخشش، بلکه همچنین داشتن فیض را حتی برای خوشایندترین آنها از بین می برد. که از آن صدقه عالی و خارق العاده عیسی مسیح و شایستگی الهی و بیکران او در ما قابل مشاهده است.

هشتم. چرا باید بگوییم که مسیح نه تنها مرده، بلکه دفن شده است؟

در واقع، که اعتراف می کنیم که او دفن شده است، این در واقع جزء مقاله نیست، به طوری که علاوه بر مواردی که قبلاً در مورد مرگ گفته شد، دشواری جدیدی دارد. زیرا اگر باور کنیم که مسیح مرده است، به راحتی می‌توانیم قانع شویم که او دفن شده است. اما اولاً به این اضافه می شود که در مرگ کمتر تردید شود، زیرا اگر ثابت کنیم که جسد او دفن شده است، بزرگ ترین دلیل بر مرده است. آنگاه معجزه رستاخیز با وضوح بیشتری اعلام و درخشیده شود. ما فقط به این باور نداریم که جسد مسیح دفن شده است، بلکه به ویژه با اعتقاد به این کلمات مطرح می شود که خدا دفن شده است، همانطور که به درستی از قاعده ایمان کاتولیک نیز می گوییم که خدا مرده و از باکره متولد شده است. زیرا از آنجایی که الوهیت هرگز از بدنی که در قبر دفن شده بود جدا نشد، ما به درستی اطمینان داریم که خدا دفن شده است.

۹ چیزهای مربوط به مرگ و دفن مسیح باید بیشتر رعایت شود.

و در مورد نوع و محل دفن، مطالبی که مبشرین مقدس گفته اند برای کاهن کافی است. اما اولاً باید دو چیز را رعایت کرد: دوم اینکه بدن مسیح در مقبره به هیچ وجه فاسد نشده بود، که پیامبر در مورد آن چنین پیشگویی کرده بود 1: "نگذارید قدوس خود فساد ببیند. الف دوم این است که به همه بخشهای این مقاله مربوط می شود، یعنی دفن، حتی مصائب و مرگ مسیح عیسی، هر چند که همه اینها به عنوان یک انسان، به عنوان یک انسان، عذاب نمی کشند، بلکه به عنوان یک انسان، به خاطر انسان هستند که به خدا دچار می شوند. همچنین به خاطر آن شخص که در عین حال کامل است به خداوند نسبت داده می شود.

>) پا 15. 10. اعمال رسولان. 2، 27. 81.

45 قسمت 1. فصل پنجم. X 45. با چه دلیلی باید به نفع مصائب مسیح فکر کرد؟ با دانستن این چیزها در مورد مصائب و مرگ مسیح، کشیش توضیح خواهد داد، که مؤمنان حداقل می توانند از آن تامل کنند، اگر نتوان آن را درک کرد. و اولین چیزی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که او کیست که از این همه رنج می برد. و در واقع ما نمی توانیم شأن او را با هیچ کلمه ای توضیح دهیم یا در ذهن خود درک کنیم. سنت جان می گوید که «کلمه» «آنچه نزد خدا بود» است. رسول آن را با عبارات باشکوهی این گونه توصیف می کند2: «او کسی است که خداوند او را وارث جهان قرار داد و به وسیله او قرون و اعصار را نیز به وجود آورد که جلال جلال و مظهر جوهر اوست که همه چیز را به قول قدرت خود تحمل می کند». پس در اینجا، «پاکسازی گناهان را می نشیند، به دست راست جلالت در بالا می نشیند». خالق برای کسانی که خودش آفریده رنج می برد. خداوند برای بندگان خود رنج می برد. او رنج می برد که فرشتگان، انسان ها، آسمان ها و عناصر آفریده شده اند، او، من می گویم، در او3)، که همه چیز توسط او و از اوست. از این رو جای تعجب نیست که آیا تمام ساختمان تحت تأثیر این همه عذاب ذهنی متزلزل شده است. زیرا همانطور که کتاب مقدس می گوید: "زمین 4) حرکت کرد و صخره ها پاره شد، تاریکی5) نیز بر تمام زمین ایجاد شد و خورشید تاریک شد. اما اگر حتی چیزهای گنگ و بی معنی بر شور خالق خود درخشیدند، بگذارید مؤمنان بیندیشند که با اشک های او این ساختمان زنده است.

XI. زیرا مسیح مرگ افراطی را اراده کرد، و آنچه باید در مورد کسانی که به مسیحیت اقرار می کنند فکر کرد، در گناهان آلوده هستند.

حال اما باید علل رنج را نیز بیان کرد تا عظمت و قدرت صدقه الهی نسبت به ما بیش از پیش نمایان شود. پس اگر کسی بپرسد که چه شد که پسر خدا سخت ترین رنج را متحمل شد، درمی یابد که غیر از فساد ارثی والدین اولیاء، رذیلت ها و گناهانی که انسان ها از آغاز جهان تا امروز به آن اعتراف کرده اند و تا آخر عصر به آن اعتراف خواهند کرد، ممکن بوده است. زیرا پسر خدا، نجات دهنده ما، این را در مصائب و مرگ خود دید تا گناهان همه اعصار را بازخرید و محو کند و برای آنها رضایت فراوان و انباشته برای پدر ایجاد کند. این نیز بر شأن موضوع می افزاید، که نه تنها مسیح برای گناهکاران، بلکه برای کسانی که نویسندگان و خادمان تمام مجازات هایی بودند که او متحمل شد، رنج کشید. که رسول به ما یادآوری می کند و بدین ترتیب به عبرانیان می نویسد

45 ((»' I Io.. P 1«،t r 1.. 2 ,* ) 5 H. hebr. 1, 2. 3. s) Rom. 11، 36. «) 23 لو. (» .51 ،27 .مت، U.

بنس 1): «به یاد بیاورید که چنین تناقضی را از گناهکاران علیه خود تحمل کرد، تا از ناتوانی نفس خود خسته نشوید». و با این عیب قضاوت می شود که همه کسانی که غالباً به گناه می لغزند، دستگیر می شوند. زیرا زمانی که گناهان ما مسیح خداوند را به مجازات صلیب وادار کرد: مطمئناً کسانی که در گناهان و جنایات غوطه ور می شوند، باز هم 2) آنچه در خودشان است، «پسر خدا را به صلیب می کشند و آن را آشکار می کنند». در واقع، این جنایت در ما شدیدتر از یهودیان دیده می شود، زیرا آنها، همانطور که همان رسول شهادت می دهد: «اگر می دانستند، هرگز پروردگار جلال را مصلوب نمی کردند»، اما ما اقرار می کنیم که او را می شناسیم، و در عین حال با انکار اعمال خود، دیده می شود که با خشونت دست بر او می گذاریم.

XII. مسیح نیز توسط پدر و خودش مورد خیانت قرار گرفت.

اما نامه‌های مقدس گواهی می‌دهند که مسیح به‌وسیله پدر نیز به‌عنوان خداوند تسلیم شد. زیرا او در اشعیا 4 می گوید: "به دلیل شرارت مردم او را زدم." و اندکی قبل از همین پیامبر، وقتی خداوند را گرفتار بلاها و زخمها و پر از روح خدا دید، گفت: «همه مثل گوسفند گمراه شدیم، هرکس به راه خود روی آورد و خداوند گناه همه ما را در او قرار داد». در مورد پسر نوشته شده است: "اگر جان خود را در راه گناه ببخشد، بذری با عمر طولانی خواهد دید." اما رسول همین مطلب را با کلمات جدی‌تر بیان می‌کند، هرچند می‌خواست نشان دهد که چقدر برای ما جایز است که از رحمت و خیر بی‌کران خداوند امیدوار باشیم. زیرا او می‌گوید: «کسی که حتی پسر خود را هم دریغ نکرد، بلکه او را برای همه ما تسلیم کرد، چگونه با او همه چیز را به ما نداد؟»

سیزدهم مسیح واقعاً تلخی شکنجه ها را در جسم و روح خود احساس کرد.

حال از این قرار است که کشیش باید بیاموزد که تلخی شور چقدر بزرگ بود. اگرچه اگر در نظر داشته باشیم 8) "عرق خداوند مانند قطرات خونی شد که به زمین می ریزد، هنگامی که او عذاب ها و عذاب های روح خود را که قرار بود اندکی بعد متحمل می شد درک کرد، همه به راحتی از آن خواهند فهمید، هیچ چیز نمی توانست به آن درد اضافه کند. زیرا اگر فکر شرارت های قریب الوقوع اینقدر تلخ بود، اما عرق خون هنوز چه می شود؟ عمیقاً تحت تأثیر دردهای روحی و جسمی قرار گرفت و برای اولین بار هیچ عضوی از بدن او نبود که سخت ترین مجازات ها را تحمل نکند.

') عبری. 12، 3. 2) عبری. 6، 6. ») اول کور. 2، 8. *) است. 53، 8. *) من بجد. I bii (8 .O .v. ج.
10.') روم. 8، 32. •) لو. 22، U.

زیرا پا و تنه هر دو را به صلیب میخکوب کردند، سر را با خار سوراخ کردند و با چوب زدند، صورت را تف آغشته کردند، سیلی را بریدند، تمام بدن را با تازیانه زدند. علاوه بر این، مردان از هر نوع و گروهی «با هم جمع شدند» تا در برابر خداوند و مسیح او بایستند. زیرا غیریهودیان و یهودیان محرک، مؤلف و وزیر شور و اشتیاق بودند. یهودا به او خیانت کرد، پطرس او را انکار کرد و دیگران او را ترک کردند. حالا روی خود صلیب تلخی می خواهیم یا شرم یا هر دو؟ و مسلماً هیچ نوع مرگی، چه شرمآورتر و چه دردناکتر، نمیتوان تصور کرد که در آن تنها گناهکارترین و شریرترین افراد متاثر شوند، و در آن احساس بزرگترین درد و شکنجه با طول مدت مرگ شدیدتر شود. اما ساختار و عادت بدن مسیح عیسی بر عظمت مجازاتها افزود. که در واقع، هنگامی که با قدرت روح القدس شکل گرفت، بسیار کامل تر و معتدل تر از بدن انسان های دیگر بود. و بنابراین او همچنین قدرت احساس شدیدتری داشت و تمام آن شکنجه ها را شدیدتر متحمل شد. اما آنچه مربوط به عمیق ترین درد روح است، هیچ کس نمی تواند شک کند که در مسیح عالی بود. برای مردان مقدس، هر کس که اعدام ها و شکنجه ها را تحمل می کرد، تسلی الهی به روح آنها کم نمی شد که به موجب آن می توانستند در هنگام شادابی، نیروی شکنجه ها را با متانت تحمل کنند. زیرا رسول میگوید: «از رنجهای خود برای شما شادی میکنم و آنچه را که در رنجهای مسیح وجود دارد در بدن خود برای بدن او که کلیسا است پر میکنم». و در جای دیگر3): "من از تسلی و شادی بی اندازه در تمام مصیبت ما پر شده ام." یروم مسیح خداوند جام تلخ ترین شوری را که نوشید، بدون شیرینی آمیخته با آن تلطیف کرد. به دلیل ماهیت انسانی که به خود گرفته بود، به خود اجازه داد که تمام شکنجه ها را احساس کند، نه به غیر از این که اگر یک انسان بود، نه حتی خدا.

چهاردهم که بیش از هر چیز، منافع و کالاهایی را برای نژاد مسیحی مصائب مسیح به ارمغان آورده است.

تنها چیزی که باقی می ماند این است که مزایا و فوایدی که از اشتیاق پروردگار به دست آورده ایم توسط کشیش به طور دقیق توضیح داده شود. پس اول، اشتیاق خداوند رهایی از گناه بود. زیرا همانطور که در سنت جان 4 آمده است: "او ما را دوست داشت و ما را از گناهان ما در خون خود شست." و رسول می فرماید: «شما را زنده کرد و تمام گناهانتان را به شما داد و آنچه را که بر ضد ما بود محو کرد و امضای فرمان را که مخالف ما بود.

') ص. 2، 2. ») سرهنگ 1، 24. 5) دوم. کور. 7، 4. «) مکاشفه 1، 5. ») سرهنگ 2، 13

و او را از وسط گرفت و به صلیب می‌خکوب کرد.» سپس ما را از ظلم شیاطین رهانید؛ زیرا خداوند خود می‌گوید: «اکنون داوری جهان است، اکنون حاکم این جهان بیرون رانده خواهد شد، و من، اگر از روی زمین بلند شوم، همه چیز را به سوی خود خواهم کشید.» او همچنین جریمه‌ای را که به خاطر قربانی ما بود، پرداخت نمی‌کرد. او با مهربانی و پسندیده‌تر در نزد خدا، ما را با پدر آشتی داد، و او را به ما بازگرداند، و سرانجام، چون گناهان ما را بردارد، راه دسترسی به آسمان‌ها را نیز به روی ما گشود، که توسط گناه عمومی نسل بشر مسدود شده بود، و این همان چیزی است که رسول در آن سخنان قدیم گفته بود برای کسانی که پیش از مرگ کاهن اعظم بازگشت به کشورشان ممنوع بود، این بدان معنا بود که هیچ کس، با وجود اینکه عادلانه و با تقوا زندگی کرده بود، نباید اجازه دسترسی به کشور آسمانی را داشته باشد، پیش از آن که آن کشیش ابدی، مسیح عیسی، بمیرد. ایمان، امید و صدقه، شریک اشتیاق او می شوند.

15 از این رو، اشتیاق مسیح این قدرت را داشت که چنین چیزهای خوبی را برای ما به ارمغان آورد.

اما کشیش تعلیم خواهد داد که همه این خیرات بزرگ و الهی از شوق خداوند به ما رسیده است. اول از همه، زیرا این یک رضایت کامل و کامل است که عیسی مسیح برای گناهان ما به روشی شگفت انگیز به خدای پدر پرداخت. و در واقع بهایی که او برای ما پرداخت با بدهی های ما برابر و برابر نبود. در واقع، آنها بسیار فراتر از آنها بودند. سپس قربانی بسیار مورد قبول خدا بود، زیرا وقتی پسر او را بر قربانگاه صلیب تقدیم کرد، خشم و خشم پدر را کاملا فرونشانید. و رسول این نام را به کار برد که فرمود: « مسیح ما را دوست داشت و خود را برای ما به عنوان پیشکش و قربانی، طعمی شیرین برای خدا داد». علاوه بر این، رستگاری، که در اعتقادنامه رسولان 5 ذکر شده است: "شما با طلا یا نقره فاسد از رفتار بیهوده سنت پدری خود بازخرید نشدید، بلکه با خون گرانبها، مانند خون بره بی لک و بی آلایش مسیح نجات یافتید." و رسول تعلیم می دهد: "مسیح ما را از نفرین شریعت نجات داد و برای ما نفرین شد."

16 در مصائب مسیح نمونه هایی از تمام فضایل وجود دارد.

اما علاوه بر این مزایای بسیار زیاد، که یا > آیو. 12، 81. *) عبری.

Gal. 3، 13 (• .18 ،1 .پت Bph. 5، 2. «) 5 (* .25 ،85 .شماره «) .19 .10

ما به بزرگ‌ترین چیز دست یافته‌ایم، این که در این اشتیاق، روشن‌ترین نمونه‌های همه فضایل را داریم. زیرا هم بردباری و هم فروتنی و هم انفاق فوق‌العاده و هم فروتنی و هم اطاعت و هم بالاترین ثبات فکری، نه تنها در تحمل مصائب به خاطر عدالت، بلکه در مرگ، به گونه‌ای نشان می‌دهد که می‌توانیم به راستی بگوییم که منجی ما، هر چه از احکام زندگی به ما یاد داد، در تمام این روزها در تمام دوران پیشگوی خود با کلمات بیان کرده است. و این چیزها به اختصار در مورد مفیدترین مصائب و مرگ مسیح خداوند گفته شده است. کاش این اسرار دائماً در ذهن ما می چرخید تا ما یاد بگیریم که رنج بکشیم و بمیریم و با خداوند دفن شویم. تا پس از دور انداختن تمام پلیدی گناه و قیام به زندگی جدید با او، سرانجام شایسته فیض و رحمت او باشیم که در ملکوت و جلال آسمانی شریک شویم.

## فصل ششم

### در مقاله پنجم.

### او به جهنم فرود آمد و در روز سوم از مردگان برخاست.

T. بخش اول این مقاله نحوه درک آن است.

در واقع، بسیار مهم است که ما جلال دفن خداوندمان عیسی مسیح را بدانیم که همین الان در مورد آن صحبت کردیم. اما دانستن پیروزی‌های درخشانی که او از شیطان مغلوب و کرسی‌های غارت شده جهان زیرین به ارمغان آورد، برای مردم مؤمن بیشتر جالب است. که ما باید در همان زمان از قیامت صحبت کنیم. این مکان، اگرچه ممکن است به درستی به خودی خود به طور جداگانه برخورد شود، اما ما به پیروی از مقام پدران مقدس، به این فکر کرده ایم که آن را با هبوط به جهنم مرتبط کنیم. بنابراین، در بخش اول آن، به ما پیشنهاد می‌شود که باور کنیم کبریستوس قبلاً مرده بود، روح او به عالم اموات فرود آمد و تا زمانی که بدنش در مقبره بود در آنجا باقی ماند. و با این سخنان ما در عین حال اطمینان داریم که همان شخص مسیح در آن زمان و در عالم اموات بوده و در قبر دراز کشیده است. این، وقتی می گوییم، برای هیچ کس نباید تعجب آور باشد، زیرا، همانطور که اغلب قبلاً آموزش داده ایم، اگرچه روح از بدن خارج شده است، اما الوهیت هرگز نه از روح و نه از بدن جدا نشده است.

II. آنچه در اینجا باید با اصطلاح جهنم فهمید.

اما از آنجایی که می تواند در توضیح مقاله نور زیادی ایجاد کند، اگر کشیش ابتدا آنچه را که باید در این مکان با کلمه عالم اموات فهمیده می شود آموزش دهد، توصیه می شود که عالم اموات در این مکان باشد.

4 تعلیم، خلاصه، ترید.

به گور برده نشوند، چنانکه برخی گمان کرده اند که ظالمانه کمتر از بی دینی نیست. زیرا در مقاله فوق به ما آموختند که مسیح خداوند دفن شده است، و دلیلی وجود ندارد که همین امر توسط رسولان مقدس در سخنانی دیگر و در واقع مبهم‌تر، که با ایمان بیان می‌شود، تکرار شود. اما نام عالم اموات دلالت بر آن ظروف پنهانی دارد که ارواح در آنها محبوس هستند و به سعادت بهشتی نرسیده اند. در واقع حروف مقدس در بسیاری از جاها از این کلمه استفاده کرده اند. زیرا در رسول 1 می خوانیم: "به نام عیسی هر زانوی آسمانی و زمینی و جهنمی خم شد" و در اعمال رسولان D. پطرس شهادت می دهد: 2): مسیح خداوند "پس از دردهای جهنم" برخاسته است.

III. چه بسیار جاهایی که ارواح خارج از سعادت مستقر شده و پس از مرگ در آن حبس می شوند.

با این حال، این ظروف همه از یک نوع نیستند. زیرا این مخوف ترین و تاریک ترین زندان است که در آن ارواح لعنت شده با ارواح ناپاک به وسیله آتش همیشگی و خاموش نشدنی که آن را جهنم و پرتگاه و به معنای واقعی آن جهنم نیز می گویند عذاب می دهد. علاوه بر این، آتش برزخی وجود دارد که ارواح پرهیزگاران را که برای مدت معینی در عذاب هستند، کفاره می‌دهند تا وارد سرزمین ابدی شوند که هیچ چیز آلوده به آن وارد نمی‌شود. و حقیقت این آموزه، که شورای مقدس اعلام می کند که با شهادت کتاب مقدس و سنت رسولی تأیید می شود، باید با کشیش با دقت بیشتر و بیشتر مورد بحث قرار گیرد، زیرا ما در آن زمان هایی هستیم که مردان از آموزه های صحیح حمایت نمی کنند. سومین و آخرین نوع سرپناه وجود دارد که در آن ارواح مقدسین قبل از آمدن مسیح خداوند پذیرفته شدند و در آنجا بدون هیچ احساس درد و با حمایت امید مبارک رستگاری، از اقامتگاهی آرام برخوردار شدند. از این میان، ارواح پرهیزگارانی که در آغوش ابراهیم منتظر منجی بودند، توسط مسیح خداوند در حال نزول به عالم اموات تحویل داده شدند. IV. روح مسیح نه تنها در قدرت، بلکه در واقعیت به جهنم فرود آمد.

در واقع نمی توان تصور کرد که او بدین ترتیب به عالم اموات فرود آمد، که تنها قدرت و فضیلت او، حتی روحش، به او رسید. اما کاملاً ضروری است که باور کنیم که خود روح در واقعیت و حضور به عالم اموات فرود آمده است، که ثابت ترین گواهی داوود در مورد آن وجود دارد: "نفس مرا به عنوان قربانی ترک نخواهی کرد."

فیل. 2، 10. ») اعمال رسولان. 2، 24. ») مت. 10، *خ. اینجا 16. 22. 11 ،9 .Ap. *) ص. 15، H>_

51 قسمت اول. فصل ششم. V 51. با هبوط او به جهنم، هیچ چیز از شأن مسیح سلب نشد.

درست است، اگرچه مسیح به عالم اموات فرود آمد، اما چیزی از قدرت عالی او سلب نشد. و شکوه و جلال قداست او با هیچ لکه‌ای پاشیده نشد، بلکه با این حقیقت، هر آنچه در مورد قداست او تجلیل شده بود، واقعاً صادق بود، و اینکه او پسر خدا بود، همانطور که قبلاً توسط بسیاری از اعجوبه‌ها اعلام کرده بود، آشکارا ثابت شد. اگر دلایل آمدن مسیح و سایر مردان به آن مکان ها را با هم مقایسه کنیم، این را به راحتی درک خواهیم کرد. زیرا بقیه اسیر شده بودند. اما خود او، در میان آزادگان و فاتحان «مرده»، نزد دیمون‌های بی‌تحرک فرود آمد، که توسط آن‌ها زندانی شدند و برای آسیب‌دیدگی در بند بودند. بعلاوه، همه کسانی که فرود آمده بودند، تا حدی با سخت ترین مجازات ها شکنجه شدند، و بخشی برای اینکه در یک درد دیگر به زندان بیفتند، و در عین حال از چشم خدا و امید به جلال مبارکی که در انتظار بودند، محروم شدند، با حلق آویز کردن شکنجه شدند. اما مسیح خداوند نازل شد، نه برای اینکه رنجی ببیند، بلکه برای اینکه انسانهای مقدس و عادل را از مصیبت بد آن حضانت رهایی بخشد و ثمره اشتیاق خود را به آنها بدهد. وقتی او به جهنم فرود آمد، مطلقاً هیچ چیزی از حیثیت و قدرت عالی او کاسته نشد.

6. به این دلایل مسیح مایل بود به جهنم فرود آید. پس از توضیح این چیزها، تعلیم داده خواهد شد که به همین دلیل، مسیح خداوند به عالم اموات فرود آمد تا با نجات غنائم شیاطین، آن پدران مقدس و بقیه پارسایان را که از زندان آزاد شده بودند، با خود به بهشت بیاورد. که توسط او به طرز تحسین برانگیزی و با شکوه فراوان انجام شد. زیرا مشاهده او به یکباره درخشان ترین نور را برای اسیران به ارمغان آورد و روح آنها را سرشار از شادی و شادی بی اندازه کرد. او همچنین مطلوب ترین خوشبختی را که در رؤیت خداوند است به او عطا کرد. هنگامی که این کار انجام شد، تأیید شد که او با آن سخنان به دزد قول داده بود: «امروز در بهشت با من خواهی بود». به راستی که هوشع از مدتها پیش این نجات پرهیزگاران را اینگونه پیش بینی کرده بود: " من مرگ تو خواهم بود، ای مرگ! من لقمه تو خواهم بود در جهنم!" زکریا نبی نیز بر این دلالت داشت که فرمود: «شما نیز اسیران خود را به خون وصیت خود از دریاچه ای که در آن آب نیست آزاد کردید». این همان چیزی است که رسول در آن کلمات بیان می کند: "با تضعیف حکومت ها و قدرت ها، آنها را با اطمینان و آشکارا پیروزمندانه در خود آورد." اما برای اینکه بتوانیم قدرت این راز را بهتر درک کنیم، باید غالباً آن را در خاطره تکرار کنیم، مردان وارسته، نه تنها کسانی که پس از ظهور خداوند به نور آورده شدند، بلکه کسانی که پس از آدم پیش از او بودند، یا کسانی که

') ص. 87، G. ») لوقا 23، 43. ») 14 ،13 .Os. *) زک. 9، 11. ») سرهنگ 2، 15

52 تعلیمات رومی 52 تا پایان عصر آینده، که آنها نجات را از طریق فیض اشتیاق او به دست آوردند. بنابراین، قبل از اینکه بمیرد و دوباره زنده شود، درهای بهشت هرگز به روی کسی گشوده نشد. امّا ارواح پرهیزگاران پس از گذشتن از زندگان، یا به آغوش ابراهیم برده می‌شوند، یا چنان که اکنون نیز برای کسانی که باید چیزی برایشان رفیق و ادا شود، در آتش برزخ کفاره می‌شوند. همچنین به همین دلیل است که مسیح خداوند به عالم اموات نزول خواهد کرد، تا در آنجا نیز مانند در آسمان و زمین، قدرت و اقتدار خود را اعلام کند، و به طور مطلق، (1) به نام او هر زانوی آسمانی، زمینی و جهنمی خم شود. آیا او ارواح نجات یافته را به سعادت منتقل می کند؟

## VII. معنی قسمت دوم مقاله پنجم.

قسمت دوم مقاله در ادامه آمده است که در آن توضیح داده می شود که کشیش چقدر باید کار کند، این سخنان رسول روشن می کند: "به یاد داشته باشید که خداوند عیسی مسیح از مردگان برخاست. زیرا آنچه تیموتائوس دستور می دهد، جای تردید نیست که همین فرمان به بقیه نگهبانان ارواح نیز داده شده است. و جمله مقاله این است: پس از مسیح در روز صلیب و روز جمعه روح او در روز صلیب تسلیم شد. در همان روز در شام، جسد خداوند توسط شاگردانش به خاک سپرده شد، که با اجازه رئیس پیلاطس از صلیب، بنای یادبود جدیدی را به باغ مجاور آوردند: در روز سوم پس از مرگ او، که یکشنبه بود، صبح زود روح او به بدنش ملحق شد، و بدین ترتیب او که در آن سه روز مرده بود، به زندگی بازگشت و دوباره از آن خارج شده بود.

هشتم. مسیح نه با قدرت دیگری، مانند سایر انسانها، بلکه با قدرت خود قیام کرد.

اما با کلام رستاخیز ما نباید فقط این را بفهمیم که مسیح از مردگان برخاسته است که برای بسیاری دیگر مشترک بود. بلکه با قدرت و قدرت خود که در او بجا و منحصر به فرد بود دوباره قیام کرد. زیرا طبیعت نه رنج می‌کشد و نه به هیچ انسانی اعطا می‌شود که بتواند با قدرت خود خود را از مرگ به زندگی بازگرداند. اما این فقط به قدرت عالی خداوند اختصاص دارد، همانطور که از آن سخنان رسول 3 می فهمیم: "اگرچه او به دلیل ناتوانی مصلوب شد، اما به قدرت خدا زندگی می کند." که نه از بدن مسیح در مقبره و نه از

> (فیل. 2، 10. » II. تیم 2، 8. 8) 13، 4 H. Cor.

 روح وقتی که به عالم اموات هبوط
کرده بود جدا شده بود، نیروی الهی هم در بدن وجود داشت که به وسیله آن روح می توانست دوباره متحد شود و هم در روح که به وسیله آن می توانست دوباره به بدن بازگردد و به وسیله آن اجازه یافت که مردانگی خود را زنده کند و از مردگان برخیزد. اما داوود که از روح خدا پر شده بود با این سخنان پیشگویی کرد *: "او دست راست و بازوی مقدس خود را نجات داد." آن گاه خود خداوند با شهادت لفظی خود تصدیق کرد8: «جان خود را می سپارم تا دوباره آن را بگیرم و قدرت دارم که آن را بگذارم و باز هم قدرت دارم». جوداکیس نیز برای تأیید صحت این آموزه گفت: «این معبد را حل کنید تا سه روز دیگر آن را برپا کنم». در واقع، اگرچه آنها فهمیدند که معبد با شکوه از سنگ ساخته شده است، با این حال، همانطور که کلام کتاب مقدس در همان مکان بیان می کند، از معبد بدن خود صحبت کرد. اگرچه در کتاب مقدس 4) گاهی اوقات می خوانیم که مسیح خداوند توسط پدر برانگیخته شد، اما این به او به عنوان یک مرد اطلاق می شود. همانطور که آنها دوباره به همان خدا نگاه می کنند، که به وسیله آن نشان می دهد که او دوباره با قدرت خود برخاست.

9 چگونه می توان مسیح را نخست زاده مردگان نامید، در حالی که معلوم است که دیگران قبل از او برخاسته اند؟

اما این نکته اصلی مسیح نیز بود که او اولین کسی بود که تحت تأثیر این لطف الهی رستاخیز قرار گرفت. زیرا در کتاب مقدس او را هم «نخست زاده ۵) از مردگان» و هم «نخست زاده ۶) مردگان می نامند. و همانطور که در رسول 7 آمده است: "مسیح از مردگان برخاست به عنوان اولین ثمره خفتگان؛ زیرا در حقیقت به وسیله انسان مرگ است و به وسیله انسان رستاخیز مردگان است و همانطور که در آدم همه می میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. اما هرکس به ترتیب خود: مسیح اولین ثمره است، سپس آنها که مسیح هستند." این سخنان باید به عنوان اشاره به رستاخیز کامل تعبیر شود که به وسیله آن ما با دور شدن کامل از همه نیازهای مردن، به زندگی جاودانه برمی خوریم. و در آن کلاس مسیح خداوند مقام اول را اشغال می کند. زیرا اگر از رستاخیز صحبت کنیم، یعنی از بازگشت به زندگی، که ضرورت مردن دوباره به آن اضافه شده است: قبل از مسیح، بسیاری دیگر از مردگان برخاسته بودند، که با این وجود، همه با این شرط که باید دوباره بمیرند، زنده شدند. اما مسیح خداوند پس از انقیاد و ستم مرگ دوباره زنده شد، به طوری که دیگر نمی توانست بمیرد، که در واقع با آن شهادت آشکار تأیید می شود: "مسیح که از مردگان برمی خیزد، دیگر نمی میرد؛ مرگ دیگر بر او مسلط نخواهد شد."

«) ص. 97، 2. ») آیو. 10، 17. 18. 8) آیو. 2، 19، *) اعمال رسولان. 2، 24. 3، 15. کوم. 8، 11 «)
سرهنگ 1، 18. 6) مکاشفه 1، 5.') اول کور. 15، 20-23. 8) رام 9 ,G.

10. مسیح چگونه و به چه دلیل رستاخیز خود را در روز سوم به تأخیر انداخت؟

آنچه به مقاله اضافه شده است؛ "در روز سوم" کشیش باید توضیح دهد، مبادا وفاداران تصور کنند که کل سه روز دومیوس در قبر بوده است. زیرا از آنجا که او یک روز کاملا طبیعی و بخشی از روز قبل و بعد از آن در قبر گذاشته شد، به همین دلیل است که به درستی گفته می شود که او سه روز در قبر خوابید و در روز سوم از مردگان برخاست. زیرا برای اعلام الوهیت خود نمی خواست قیامت را به آخر زمان موکول کند; اما باز هم برای اینکه باور کنیم که او واقعاً گاو است و واقعاً مرده است، بلافاصله پس از مرگش این کار را نکرد، بلکه در روز سوم زنده شد. که به نظر می رسید زمان کافی برای اثبات مرگ واقعی باشد.

XI. چرا پدران سینود قسطنطنیه این بند را به این مقاله اضافه کردند: «طبق نوشته ها».

پدران اولین سینود قسطنطنیه در این مکان افزودند: «طبق کتب مقدس» که در واقع به نماد ایمان مورد قبول رسول ترجمه کردند، زیرا راز رستاخیز بسیار ضروری است، همانطور که همان رسول در آن کلمات تعلیم داد: «اگر مسیح قیام نکرده است، موعظه ما نیز پوچ است، ایمان شما خالی است». و: "اگر مسیح قیام نکرده است، ایمان شما بیهوده است، زیرا هنوز در گناهان خود هستید." بنابراین، هنگامی که دی. آگوستین ایمان این مقاله را تحسین کرد، چنین نوشت: "ایمان آوردن به خاطر مردن مسیح عالی نیست؛ هم مشرکان و هم یهودیان و هم همه ناصالحان این را باور دارند، همه به این اعتقاد دارند که او مرده است. ایمان مسیحیان رستاخیز مسیح است؛ ما این را بزرگ می دانیم، زیرا معتقدیم که او قیام کرده است." از اینجا به این نتیجه رسید که خداوند بیشتر از همه در مورد رستاخیز خود صحبت کرد و تقریباً هرگز از شور و اشتیاق خود با شاگردان بدون صحبت از رستاخیز صحبت نکرد. از این رو هنگامی که او 3 گفت: "پسر انسان به امت ها تسلیم خواهد شد، و مورد تمسخر قرار خواهد گرفت، تازیانه زده خواهد شد، و آب دهان بر او خواهد خورد، و پس از اینکه او را تازیانه زدند، او را خواهند کشت." و هنگامی که یهودیان از او خواستند که تعالیم خود را با نشانه و معجزه ای تأیید کند، او پاسخ داد: «هیچ نشانه ای جز نشان یونس پیامبر به آنها داده نخواهد شد، زیرا همانطور که یونس سه روز و سه شب در شکم نهنگ بود، آینده نیز تأیید کرد: «سه روز و سه شب پسر انسان در دل زمین خواهد بود». با این حال، برای درک بهتر قوه و معنای این مقاله، نیاز به بررسی و درک سه چیز داریم

در ص. 120. 3) لوقا 18، 32 متر مربع. •) مت. 12، 39 متر مربع (2 .17 .14 ،15 .L Cor (')

آنها عبارتند از: اول از همه، چرا لازم بود مسیح را زنده کنیم. پس غایت و هدف قیامت چیست و چه سود و فوایدی از آن نصیب ما می شود.

## 11/. به چه دلایلی لازم بود مسیح دوباره برخیزد؟

پس در مورد اولی لازم بود که او را زنده کرد تا عدل خدا نشان داده شود که از آن بزرگ کردنش شایسته تر بود که برای اطاعت از او افسرده و متاثر از هر رسوایی بود. رسول این دلیل را وقتی به فیلیپیان گفت: "او خود را فروتن کرد و تا مرگ و مرگ صلیب مطیع شد و به همین دلیل خدا نیز او را تعالی بخشید." علاوه بر این، تا ایمان ما تقویت شود، بدون آن عدالت انسان ثابت نمی شود. زیرا این باید بزرگترین استدلال باشد که مسیح پسر خدا بود که با قدرت خود از مردگان برخاست. آنگاه امید ما تغذیه و تداوم یابد. زیرا هنگامی که مسیح قیام کرد، به امید قطعی تکیه می کنیم که ما نیز دوباره برخیزیم، زیرا لازم نیست اعضا به وضعیت سر خود برسند. زیرا به نظر می رسد که رسول با نوشتن به قرنتیان 2) و تسالونیکیان استدلال خود را به این ترتیب پایان می دهد. و پطرس، شاهزاده رسولان، چنین گفته است: «متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که برحسب رحمت عظیم خود، ما را از طریق رستاخیز عیسی مسیح از مردگان به میراثی فسادناپذیر، به امیدی زنده تبدیل کرد.» سرانجام، باید آموخت که رستاخیز خداوند به همین دلیل ضروری بود تا راز رستگاری و رستگاری ما تکمیل شود. زیرا مسیح با مرگ خود ما را از گناهانمان آزاد کرد. اما در رستاخیز خود کالاهای اصلی را که با گناه از دست داده بودیم به ما بازگرداند. چرا در رسول 4 آمده است: " مسیح به خاطر گناهان ما تسلیم شد و برای عادل شمرده شدن ما دوباره برخاست." به طوری که برای رستگاری نسل بشر چیزی کم نمی شد، همانطور که باید بمیرد، لازم بود که دوباره برخیزد.

## 10 III. بگذارید این همراهان از رستاخیز مسیح به سوی مردم بازگردند.

در واقع، از آنچه تاکنون گفته شد، می توان دریافت که رستاخیز مسیح خداوند چقدر برای مؤمنان سود آورده است. زیرا در رستاخیز می دانیم که خدا جاودانه، پر از جلال، بر مرگ و شیطان پیروز است. که مسیح عیسی را باید بدون هیچ شکی باور کرد و اعتراف کرد. «سنت سپس رستاخیز مسیح برای ما نیز رستاخیز بدن را پدید آورد، و چون علت مؤثر راز او بود،

فیل. 2، 8. 9. الف) 1 قرن. 15، 12. دنباله. I. Thes. 4، 12-14. «) اول پطرس 1، 3. 4. *) روم. 4، 25

و همچنین به این دلیل که همه ما باید به الگوی خداوند برسیم.
زیرا در مورد رستاخیز بدن، رسول چنین شهادت می دهد: «به وسیله
انسان مرگ و به وسیله انسان رستاخیز مردگان». زیرا هر کاری که
خدا در راز رستگاری ما انجام داد، از انسانیت مسیح به عنوان ابزاری
کارآمد برای همه چیز استفاده کرد. بنابراین رستاخیز او نوعی
ابزار برای ایجاد رستاخیز ما بود. در واقع می توان گفت که این یک
نمونه است، زیرا رستاخیز مسیح خداوند کامل ترین از همه است. و
همانطور که بدن قیام مسیح به جلال جاودانه تغییر یافت،
بدنهای ما نیز که قبلاً ضعیف و فانی بودند، به جلال بازگردانده
شده و به جاودانگی آراسته خواهند شد. زیرا همانطور که رسول
تعلیم می دهد: "ما منتظر نجات دهنده خود، خداوندمان عیسی مسیح
هستیم، که بدن فروتنی ما را که برای بدن جلال خود ساخته شده
است، اصلاح خواهد کرد. این را می توان در مورد روح مرده در گناهان
نیز گفت، که نمونه رستاخیز مسیح در عهد بیان شده است، همان
رسولی که مرده را در آن سخنان مسیح نشان می دهد. بیایید ما نیز
در تازگی زندگی قدم برداریم. ما خواهیم بود." و پس از چند وقفه
گفت: "با دانستن اینکه مسیح از مردگان برخاسته، دیگر نمی
میرد. مرگ دیگر بر او حکومت نخواهد کرد. زیرا آن چیزی که به گناه
مرد، یک بار مرد. اما آنچه زنده است برای خدا زنده است. پس شما نیز
در نظر می گیرید که واقعاً برای گناه مرده اید، اما برای خدا در مسیح
عیسی زنده اید.» چهاردهم. نمونه هایی از رستاخیز مسیح باید
برداشت شود.

بنابراین ما باید دو مثال از رستاخیز مسیح بخواهیم. دوم این که
پس از شستن لکه های گناه، نوع جدیدی از زندگی را پایه گذاری کنیم
که در آن تمامیت شخصیت، معصومیت، قداست، حیا، عدالت، احسان و
فروتنی در آن بدرخشد. نکته دوم این است که ما باید طوری زندگی را
ادامه دهیم که به یاری پروردگار از مسیر عدالتی که یک بار وارد شده ایم
دور نشویم. در واقع سخنان رسول فقط این را نشان نمی دهد که رستاخیز
مسیح به عنوان نمونه ای از رستاخیز در برابر ما قرار داده شده است: اما
آنها همچنین اعلام می کنند که او به ما قدرتی می دهد تا دوباره زنده
شویم و به ما نیرو و روح خواهد داد تا بتوانیم در قدوسیت و عدالت ادامه
دهیم و احکام خدا را حفظ کنیم. من چگونه از مرگ او نه تنها با گناهان
meoxreimapmluurm: ciatpai m euisu,s rseesdu r rveicrttiuot' مردن
e ma d e ituisatmi t ihaamu rciomnusse, q u qeunad a mp ec
cnaotbiiss affering a mp ec cnaotbiiss affers power, toly,
andlylyorly) . 15، 21. «) 11-9 ،6 رام *) دنباله ،4 ،6 .روم (« .20 ،3 .فیل.

اجازه دهید در وضعیت زندگی که به آن بالا می رویم قدم برداریم. زیرا خداوند این را بیش از هر چیز با رستاخیز خود انجام داد، تا کسانی از ما که قبلاً با او در گناهان و در این دنیا مرده بودیم، نیز با او به یک نهاد و نظم جدید زندگی برخیزیم. 15 از این نشانه‌ها به این نتیجه می‌رسد که شخصی با روح دوباره با مسیح برخاست.

رسول مهم ترین نشانه های این رستاخیز را به ما یادآوری می کند.

زیرا وقتی می‌گوید: «اگر با مسیح برخاسته‌اید، به دنبال چیزهای بالا بروید، جایی که مسیح در دست راست خدا نشسته است»، به وضوح نشان می‌دهد که کسانی که می‌خواهند زندگی، افتخارات، اوقات فراغت و ثروت داشته باشند، بیش از همه در آنجا، جایی که مسیح است، واقعاً با مسیح قیام کرده‌اند. هنگامی که 2 می افزاید: "چیزهای بالا در ذهن هستند، نه چیزهای بالای زمین: او این علامت دوم را نیز به کار برد که به وسیله آن می توانیم تشخیص دهیم که آیا واقعاً با مسیح قیام کرده ایم یا نه. زیرا همانطور که ذوق عادت دارد نشان دهنده محبت و سلامت بدن باشد، بنابراین اگر "هرچه 3) صادق است، هر آنچه فروتن است، هر آنچه عادل است، هر آنچه که در چیزهای مقدس و مقد س است، پسندیده است." درونی‌ترین حس ذهن: این می‌تواند بزرگ‌ترین استدلال باشد، کسی که به این ترتیب تحت تأثیر قرار می‌گیرد که همراه با مسیح عیسی به یک زندگی جدید و روحانی برخاست.

فصل هفتم. در

مقاله ششم.

او به آسمان بالا می رود، در دست راست خدای پدر قادر متعال می نشیند.

ط».تعالی این ماده و حکم قسمت اول.

حضرت داوود هنگامی که به معراج پر برکت و شکوه پروردگار و سرشار از روح خداوند می اندیشید، همه را به جشن گرفتن پیروزی او با بیشترین شادی و سرور دعوت می کند، وقتی می فرماید 4: «ای جمیع امتها کف بزنید، با صدای شادی به درگاه خداوند شادی کنید: خداوند در شادی بالا می رود». کشیش از اینجا درمی‌یابد که این راز باید با بیشترین کوشش توضیح داده شود و باید با جدیت از آن مراقبت کند تا مؤمنان نه تنها با ایمان و فکر آن را درک کنند، بلکه تا آنجا که ممکن است در بیان آن با اعمال و زندگی خود و یاری خداوند بکوشند. بنابراین، با توجه به توضیح مبحث ششم که در آن بیش از هر چیز به این راز الهی پرداخته شده است، لازم است از قسمت اول آن شروع کنیم و قوه و معنای آن چیست، باز شود. زیرا کسانی که به مسیح عیسی ایمان دارند بدون آن نیز چنین می کنند

•) کل. 3، 1. 2) سرهنگ 3، 2. 8) فیل 4، 8. *) ص. 6 .2 ،4C

ما باید بدون هیچ شکی باور کنیم که او که قبلاً راز رستگاری ما را کامل کرده و کامل کرده است، زیرا او یک انسان است، به جسم و روح به آسمان عروج کرد. زیرا همانگونه که خدا هست هرگز از او غایب نبوده است تا همه جا را از الوهیت خود پر کند. 27. مسیح نه تنها با قدرت الوهیت، بلکه با قدرت بشریت عروج کرد.

اما اجازه دهید او بیاموزد که او با قدرت خود عروج کرد، نه با قدرت دیگری، مانند الیاس 1)، که "در ارابه ای از آتش به آسمان بالا رفت." یا حبقوق 2) پیامبر یا فیلیپ 3) شماس که به وسیله نیروي الهی از طریق هوا حمل می شد و در فضاهای دور زمین نفوذ می کرد. در واقع، او نه تنها به عنوان خدا با قدرت یک الوهیت غالب، بلکه به عنوان یک انسان به آسمان ها عروج کرد. زیرا اگرچه این کار با نیروی طبیعی انجام نمی شد، اما آن قدرتی که روح مبارک مسیح به آن تعلق گرفت، می توانست بدن را هر طور که می خواست حرکت دهد. اما بدنی که قبلاً جلال یافته بود به راحتی با فرمان روح متحرک برابر بود. و به همین دلیل، به عنوان خدا، و به عنوان انسان، ما معتقدیم که مسیح با قدرت خود به آسمان صعود کرد.

III. به این معنا که مسیح در قسمت آخر مقاله در دست راست خدای پدر نشسته است.

در قسمت دیگر این مقاله آمده است: "او در دست راست خدای پدر می نشیند." در آن جا که ما عواطف انسانی و اعضایی را که با فهم ما تطبیق داده اند به خداوند نسبت می دهیم، تربیع، یعنی تغییر کلمه، در حروف الهی متداول است. زیرا از آنجایی که روح وجود دارد، نمی توان هیچ چیز جسمانی در آن تصور کرد. اما از آنجایی که ما فکر میکنیم که در امور بشری به کسی که در دست راست قرار میگیرد، احترام بیشتری داده میشود، و همین امر را به چیزهای آسمانی نیز منتقل میکنند تا جلال مسیح را توضیح دهد، تا آنچه که انسان قبل از همه به دست آورده است، اعتراف میکنیم که او در دست راست پدر است. اکنون نشستن در این مکان به معنای موقعیت و شکل بدن نیست، بلکه بیانگر مالکیت استوار و پایدار قدرت و جلال سلطنتی است که او از پدر دریافت کرده است. که رسول در آیه 4 می فرماید: «او را از مردگان برانگیخت و او را در آسمانها به دست راست او بر همه حکومتها و قدرتها و قدرتها و فرمانرواییها و هر نامی که نامیده می شود نه تنها در این جهان، بلکه در آینده نیز قرار داد و همه چیز را زیر پای او نهاد». از کدام کلمات چنین بر می آید که این جلال آنقدر خاص و منحصر به پروردگار است که نمی تواند متعلق به هیچ طبیعت مخلوقی دیگری باشد. چرا در جاي دیگر گواهي داده شده 5) : «اما به کدام یك از فرشتگان یك وقت فرمود: به دست راست من بنشین؟

اعمال رسولان. 8، 39. *) اف. 1، 20، دنباله 6) عبری 1، 13 (3 .U, 35 .دن (*. IV. Reg. 2, 11

اوهریست بیشتر در بین مردم تکرار شود؟

اما کشیش با پیروی از تاریخ معراج که قدیس لوقا انجیل به ترتیبی قابل تحسین در اعمال رسولان شرح داده است، معنای مقاله را به طور گسترده تر توضیح خواهد داد. در توضیح آن ابتدا ملاحظه خواهد شد که همه اسرار دیگر مربوط به معراج به عنوان غایت است و کمال و تبرئه همه در آن است. زیرا همانطور که از تجسم خداوند همه اسرار دین ما آغاز می شود، زیارت او نیز با معراج او پایان می یابد. علاوه بر این، سرهای دیگر نماد که متعلق به مسیح خداوند است، نهایت فروتنی و تحقیر او را نشان می دهد. زیرا هیچ چیز پست تر و فروتن تر از این نمی توان تصور کرد که پسر خدا ماهیت انسانی و ضعف را برای ما فرض کرد و حاضر بود رنج بکشد و بمیرد. اما این درست است که ما اعتراف می کنیم که در مقاله قبل او از مردگان برخاست و اکنون که به آسمان عروج کرده است و در دست راست خدای پدر نشسته است، نمی توان چیزی را با شکوه تر یا تحسین برانگیزتر گفت تا جلال اعلا و عظمت الهی او را اعلام کند.

V. چرا مسیح به آسمان عروج کرد و پادشاهی خود را بر روی زمین برقرار نکرد.

پس از توضیح این چیزها، لازم است به طور دقیق تعلیم داده شود، که به خاطر آن مسیح خداوند به آسمان ها صعود کرد. دلیل اول صعود آن این است که بدن او که در رستاخیز جلال جاودانگی به او بخشیده شده بود، نباید برای مکان این سکونتگاه زمینی و تاریک، بلکه بالاترین و باشکوه ترین منزلگاه بهشت باشد، و در واقع نه تنها برای اینکه بتواند تخت جلال و سلطنت خود را تصاحب کند که به وسیله خون خود به دست آورده بود، بلکه به وسیله خون خود به دست آورده بود: برای رستگاری ما، تا بتواند با خود واقعیت ثابت کند "که پادشاهی او از این جهان نیست". زیرا پادشاهی های جهان زمینی و زودگذر هستند و بر ثروت فراوان و قدرت جسم متکی هستند. اما پادشاهی مسیح زمینی نبود، آنطور که یهودیان انتظار داشتند، بلکه روحانی و ابدی بود. او همچنین هنگامی که در بهشت نشسته بود نشان داد که ثروت و ثروت او معنوی است. در واقع، در این پادشاهی، کسانی باید ثروتمندتر و ثروتمندتر در وفور همه کالاها در نظر گرفته شوند، کسانی که با کوشش بیشتری به دنبال چیزهایی هستند که از آن خداست. برای سنت جیمز 2) گواهی می دهد که خداوند "فقیران این جهان، ثروتمندان در ایمان و وارثان ملکوتی را که خدا به کوشاان وعده داده است" انتخاب کرده است. اما پروردگار ما نیز میخواست این را در هنگام عروج به آسمان انجام دهد، تا ما همانطور که او در ذهن او صعود کرد، و

V) Jas. 2. 5 .36 ،18 .آیو ('

ما با میل ادامه خواهیم داد. زیرا همانطور که با مرگ و رستاخیز خود برای ما نمونه ای از مردن و قیام در روح به جا گذاشت: با عروج خود نیز به ما تعلیم و تعلیم می دهد تا هنگامی که در زمین قرار گرفتیم خود را از نظر اندیشه به آسمان تشبیه کنیم و اقرار کنیم که غریبیم1) و مهاجر روی زمین و جویای کشور و اهل بیت و اهل بیت و اهل بیت خود باشیم. زیرا «ما» همان طور که رسول می گوید «تبدیل در آسمان هاست».

در واقع، داود الهی، مفسر رسول 4) قبلاً با این کلمات قدرت و عظمت نعمتهای غیرقابل توضیحی را که لطف خدا بر ما نازل می کند، سروده بود: 5: زیرا در روز دهم روح القدس را عطا کرد که به قدرت و فراوانی آن انبوه مؤمنان را تکمیل کرد، و به راستی که به شما وعده داده شده است. من می روم، زیرا اگر من نروم، پارکلیت نزد شما نخواهد آمد. او همچنین طبق جمله 7) رسول به آسمان عروج می کند، "تا چهره خدا اکنون برای ما ظاهر شود" و او بتواند منصب وکالت را نزد پدر انجام دهد. سنت جان گفت: «فرزندان من، من این چیزها را برای شما می نویسم تا گناه نکنید، اما حتی اگر کسی گناه کند، ما نزد پدر وکیل داریم، عیسی مسیح عادل، و او کفاره گناهان ما است.» و در واقع هیچ چیز نیست که مؤمنان از آن لذت و لذت بیشتری ببرند، از این که عیسی مسیح حامی علت و شفیع نجات ما منصوب شد، که فیض و اقتدار او نزد پدر ابدی برتر است. او به طور خلاصه «مکانی را برای ما آماده کرد»، که همچنین قول داده بود که انجام دهد، و به نام همه ما، خود عیسی مسیح، رئیس، در اختیار جلال آسمانی قرار گرفت. زیرا هنگامی که به آسمان عروج کرد، درهایی را که با گناه آدم بسته شده بود، گشود و راهی را برای ما مستحکم ساخت که از طریق آن به سعادت بهشتی برسیم. همانطور که در شام برای شاگردان آینده را پیشگویی کرده بود. برای اینکه نتیجه امر را به روشنی تأیید کند، ارواح پرهیزگارانی را که از جهنم نجات داده بود، با خود به سرای سعادت ابدی معرفی کرد.

VII. آسایشی که مسیح با عروج خود برای ما به ارمغان آورد. این فراوانی تحسین برانگیز هدایای آسمانی با آن سلسله امتیازات مفید به دست آمد. برای اولین بار، بزرگترین انباشت شایستگی ایمان ما آمد. برای ایمان دوباره

•) عبری. 11، 13. 8) افس. 2، 19. ») فیل. 3، 20. 4) افس. 4، 8. *) I o. 16، 7 («) 19، 67. p3. (' عبری. 9، 24. ») 1، 2. Io. I. *<) من 2، 14. o

61 قسمت اول. فصل هفتم. 61 چیزهایی است که زیر نظر نمی افتند و از عقل و شعور انسان دور می شوند. بنابراین، اگر خداوند از ما دور نمی شد، شایستگی ایمان ما کاهش می یافت. در واقع، خوشا به حال کسانی که مسیح خداوند را ندیده و ایمان نیاورده اند. زیرا از آنجایی که معتقدیم مسیح به عنوان یک انسان به آسمان صعود کرد و طبیعت انسانی را در دست راست خدای پدر قرار داد، امیدواریم که ما نیز اعضای او به آنجا صعود کنیم و با سر خود در آنجا متحد شویم. که خود خداوند در این سخنان شهادت داد: "من پدری را که به من بخشیده‌ای می‌خواهم که در آنجا باشم و آنها با من باشند." سپس ما نیز به این بزرگ ترین منفعت رسیدیم که عشق ما را به آسمان برد و آن را با روح الهی شعله ور ساخت. زیرا به درستی گفته شده است، ج) که قلب ما آنجاست، جایی که گنج ماست.

هشتم. حمل مسیح بر روی زمین برای ما سودی نداشت. و به راستی که اگر مسیح خداوند روی زمین بود، همه افکار ما به جنبه و عادت خود انسان معطوف می شد و به آن مردی می نگریستیم که با این همه منافع بر ما تأثیر می گذارد و با نوعی خیرخواهی زمینی او را تعقیب می کردیم. در واقع، او پس از صعود به آسمان، محبت روحانی ما را برگرداند و باعث شد که او را که اکنون غایب می دانیم، مانند خدا پرستش و دوست داشته شود. اکنون ما این را تا حدی با مثال رسولان درک می کنیم، که در حالی که خداوند حضور داشت، به نظر می رسید که او را با حس انسانی قضاوت می کردند. اما تا حدی توسط شهادت خود خداوند تأیید شد، هنگامی که او گفت: برای شما مصلحت است که من بروم. زیرا آن محبت ناقصی که با آن مسیح عیسی حاضر را محبت کردند، با محبت الهی و آن با آمدن روح القدس کامل می شد. از این رو فوراً می افزاید: "زیرا اگر من نروم، Paraclete نزد شما نخواهد آمد."

9 پس از عروج مسیح، کلیسا بسیار گسترش یافت.

او همچنین می افزاید که در زمین خانه خود، یعنی کلیسا را که به قدرت و هدایت روح القدس اداره می شد، بزرگ کرد، اما پطرس، رئیس رسولان، شبان و رهبر اعظم جهان را در میان مردم رها کرد. اما سپس "برخی را رسولان، برخی پیامبران، برخی مبشران و برخی دیگر را شبان و معلمان داد." و بنابراین، نشستن در دست راست پدر، همیشه هدایای مختلف به یکی و دیگری داده می شود. زیرا رسول شهادت می دهد - i) تا 20، 29. ») آیو. 17، 24. س) مت. 6، 21. «) آیو. 16، 7. ») افس. 4، 11

تصویر 1): "فیض به هر یک از ما بر اساس میزان عطای مسیح داده شده است." سرانجام، همانطور که قبلاً در مورد راز مرگ و معاد آموزش دادیم، در مورد معراج مؤمنان نیز باید چنین فکر کرد. زیرا اگرچه ما نجات و رستگاری خود را مدیون مصائب مسیح هستیم که به واسطه شایستگی خود راه را به سوی بهشت برای صالحان گشود، اما صعود او نه تنها به عنوان الگویی برای ما پیشنهاد شده است که به وسیله آن یاد بگیریم که بلند نگاه کنیم و با روح به آسمان صعود کنیم، بلکه او همچنین قدرت الهی را عطا کرد که با آن می توانیم این کار را انجام دهیم.

## فصل هشتم.

## در مقاله هفتم.

### از آنجا او برای داوری زنده ها و مردگان خواهد آمد.

I. مسیح سه بار در جناب عالی. مزایا و مقاله هفتم

سه مقام و هدیه قابل توجه خداوند ما عیسی مسیح برای تزئین و روشنایی کلیسای او وجود دارد: رستگاری، حمایت و داوری. اما از آنجایی که در مقالات قبل، نسل بشر توسط او با رنج و مرگ نجات یافت، مشخص شد که با عروج او به آسمان نیز، آرمان و حمایت ما برای همیشه تصرف شده است: نتیجه این است که قضاوت او در این مقاله اعلام شده است. دلیل و دلیل آن این است که در آن روز عالی، مسیح خداوند از کل بشریت داوری خواهد شد.

### II. آمدن مسیح دوگانه است.

زیرا نامه‌های مقدس بر دو آمدن پسر خدا گواهی می‌دهند: دوم، زمانی که او به خاطر نجات ما جسم شد و در رحم باکره مرد شد. دیگری، زمانی که در جمع عصر حاضر خواهد شد تا همه مردم را قضاوت کنند. این ظهور در حروف مقدس یوم الله نامیده شده است که رسول در این باره می فرماید: «یوم ربّ یوم یوم اللیل یوم اللیل». و خود منجی 3): "اما از آن روز و ساعت هیچ کس نمی داند." و اقتدار رسول 4) برای داوری عالی کافی است: "همه ما باید در برابر مسند قضاوت مسیح حاضر شویم تا هرکسی بر اساس آنچه انجام داده است، اعم از خوب یا بد، حسابی در مورد کارهای شایسته بدن ارائه دهد." زیرا کتاب مقدس مملو از شهادت هایی است که اینجا و آنجا با کشیشان ملاقات می کنند، نه تنها برای اثبات موضوع، بلکه برای تسلیم آن به چشم مؤمنان، به طوری که،

') اف. 4، 7. 2) 2 ،5 .L Thea. « .) مت. 24، 36. *) II. کور. 5، 10

همانطور که از آغاز جهان، آن روز خداوند، که در آن او بدن انسان را می‌پوشد، همیشه مورد علاقه همه بوده است، زیرا در آن راز امید خود را به رستگاری گذاشته بودند: از این پس، پس از مرگ پسر خدا و عروج او به آسمان، ما آرزوی دومین روز خداوند را داریم با بیشترین امید و امید به آینده (Tit). از جلال خدای بزرگ.»

III. هر بار هر انسان باید در برابر قاضی مسیح تسلیم داوری شود.

ولی برای توضیح موضوع، کاهن محل باید دو مرتبه مراعات کند که لازم است هر کدام در محضر خداوند حاضر شوند و از افکار و اعمال و گفتار و در نهایت از همه انفراد گزارش دهند و در نهایت تسلیم رضایت حاضر قاضی شوند. این اولین بار است که یکی از ما از زندگی می میرد. زیرا او فوراً در برابر کرسی داوری خدا می ایستد و در آنجا از همه عادلانه تر قضاوت می شود، هر کاری که انجام داده، گفته یا فکر کرده است. و به این می گویند قضاوت خصوصی. اما دیگری، زمانی که در یک روز و در یک مکان، همه انسانها با هم در جایگاه داوری بایستند، تا با نگاه و شنیدن همه مردان در هر سنی، هر یک بداند که در مورد آنها چه حکم و داوری شده است. صدور حکم که کمترین جزئی از مجازاتها و مجازاتهای آینده برای مردان بدکار و جنایتکار نیست. اما باز هم پارسا و عادل از آن اجر و ثمره اندکی نخواهند گرفت، آنگاه که معلوم شود هر فردی در این زندگی چه نوع آدمی بوده است. اکنون این حکم کلی قابل تجدیدنظرخواهی است.

IV. چه لزومی داشت که شخص خصوصی را در معرض قضاوت عمومی قرار دهیم؟

که لزوماً باید نشان داده شود که علت آن چه بوده است، چرا علاوه بر قضاوت خصوصی افراد، دومین قضاوت انسان جهانی نیز اعمال شد. زیرا اگر چه فرزندان مردگان گاه از مقلد پدر و مادر خود جان سالم به در می‌برند، بقیه عاشق و اهل کتاب و طلبه و مثال و دعا و عمل هستند که به موجب آنها باید بر ثواب و کیفر مردگان افزود، زیرا این مصیبت و مصیبت که متعلق به اکثریت است، پیش از فرارسیدن روز آخرت تمام نمی‌شود: فقط این بود که همه چیز به درستی یا غلط گفته می‌شد. کاری که جز با قضاوت مشترک همه مردم ممکن نیست. علاوه بر این، از آنجا که آبروی متقیان غالباً جریحه دار می شود، در حالی که متقیان به دلیل بی گناهی مورد ستایش قرار می گیرند، دلیل عدل الهی ایجاب می کند که آبروی عمومی متقین از آسیب مردان نجات یابد.

مجلس و قضاوت مردم سال بهبود می یابد. اما خوب و بد، هر کاری که در زندگی انجام میدهند، تا زمانی که بدون بدن انجام نمیدهند، مطلقاً نتیجه میشود که اعمال خوب یا بد نیز متعلق به بدنهایی است که ابزار اعمالشان بوده است. بنابراین بسیار مناسب بود که پاداشها یا مجازاتهای ناشی از جلال ابدی به بدنها همراه با روحشان داده شود. که در واقع بدون رستاخیز همه انسانها و یا بدون قضاوت عمومی انجام نمی شود. در نهایت، از آنجایی که در امور نامطلوب و فرعی انسان، که گاه به طور فحشا با خیر و شر اتفاق میافتد، باید ثابت میشد که حکمت و عدالت بیپایان خداوند انجام و اداره نمیشود: نه تنها پاداش نیکوکاران، و مجازات بدکاران در جهان آینده، بلکه باید بهواسطه یک عده و عام تصمیم بگیرند که بهطور عمومی و عمومی شناخته شوند ستایش خدای عدل و مشیت را همگان باید به خاطر آن شکایت ناعادلانه ای که حتی انسانهای مقدس گاهی از آن ابراز تأسف می کنند، ستایش کنند، همانطور که مردم عادت داشتند مشاهده کنند که ستمکاران با ثروت و افتخار شکوفا می شوند. برای پیغمبر: « نزدیک بود که پاهایم حرکت کند، قدمهایم ریخته شود، زیرا با دیدن آرامش گناهکاران، بر ستمکاران غبطه می خوردم». و اندکی بعد 2): «اینک گنهکاران و فراوانان در دنیا ثروتی به دست آوردند؛ و گفتم: پس قلبم را بی دلیل عادل ساختم و دستهایم را در میان بیگناهان شستم و تمام روز تازیانه خوردم و سحرگاهان عذابم». و این شکایت مکرر بسیاری بود. بنابراین لازم بود که یک قضاوت کلی انجام شود تا مبادا مردم بگویند: زمینیان به خدایی که در لولاهای بهشت راه می رود اهمیتی ندهند. اکنون این فرمول حقیقت را قانون به عنوان یکی از دوازده ماده ایمان مسیحی تثبیت کرده است تا اگر ذهن آنها در مشیت و عدل خداوند منحرف می شد، به دلیل این آموزه تقویت می شد. علاوه بر این، با قضاوت مقصود، احیای پرهیزگاران، و ترساندن متقیان لازم بود تا با علم به عدل الهی، شکست نخورند و با ترس و انتظار از شر عذاب ابدی بازمانند. از این رو، پروردگار و منجی ما، هنگامی که از روز آخر صحبت کرد، اعلام کرد که زمانی داوری کلی خواهد بود، و نشانه های آن زمان نزدیک را شرح داد، تا وقتی آنها را ببینیم، بفهمیم که پایان جهان نزدیک است. و سپس به آسمان بالا رفت، فرشتگانی را فرستاد که رسولان را تسلیت گفتند و غیبت او را سوگواری کردند و گفتند: «این عیسی که توسط شما به آسمان برده شده است، همانگونه که او را دیدید که به بهشت می رود، خواهد آمد.»

•) ص. 72، 2. «) همان. 12. 13. 14. *\ 14، 22. T0b. *) اعمال رسولان. 1، 11

65 قسمت اول. فصل هشتم. V 65. طبق هر دو ماهیت، قدرت قضاوت نژاد بشر به مسیح نسبت داده شد.

نامه های مقدس اعلام می کنند که این حکم به مسیح خداوند نه تنها به عنوان خدا، بلکه به عنوان انسان نیز داده شد. زیرا اگرچه قدرت قضاوت در همه افراد تثلیث مقدس مشترک است، ما آن را به ویژه به پسر نسبت می دهیم، زیرا همچنین می گوییم که حکمت از آن ماست. و این که انسان در شرف داوری جهان است، گواهی خداوند را تأیید می کند که می فرماید: «همانطور که پدر در خود حیات دارد، پسر را نیز داد تا در خود حیات داشته باشد و به او قدرت داوری داد، زیرا او پسر انسان است».

6. چرا این داوری به پدر یا روح القدس نسبت داده نمی شود؟

اما بسیار مناسب بود که این داوری توسط مسیح خداوند اعمال شود، تا هنگامی که در مورد مردم تصمیم گرفته می شد، قاضی را با چشمان خود ببینند و با گوش های خود جمله ای را که بیان شده است بشنوند و آن داوری را کاملاً با حواس خود درک کنند. و علاوه بر این، بسیار منصفانه بود که آن مرد، که توسط ناعادلانه ترین قضاوت های مردم محکوم شده بود، پس از آن مورد توجه همه قرار گیرد تا به عنوان قاضی همه بنشیند. از این رو، هنگامی که پیشوای رسولان در خانه کرنلیوس، عالی ترین نکات دین مسیحیت را بیان کرد و تعلیم داد که مسیح را یهودیان بر درختی آویختند و کشتند، اما در روز سوم زنده شد، افزود: «و به ما امر کرد که مردم را موعظه کنیم و شهادت دهیم که اوست که از جانب خدا به داوری مردگان و داوری زندگان منصوب شده است».

VII. با این نشانه ها تشخیص داده می شود که قضاوت نهایی قریب الوقوع است.

اما نامه های مقدس اعلام می کنند که این سه نشانه اصلی مقدم بر قضاوت خواهند بود: موعظه انجیل در سراسر جهان، فرار، دجال. زیرا خداوند می‌فرماید: «این انجیل ملکوت در سراسر جهان به عنوان شهادتی برای همه ملت‌ها موعظه می‌شود، و آنگاه به کمال می‌رسد؛ * و رسول به ما هشدار می‌دهد که فریب هیچ‌کس را نخوریم، 4)، «گویا روز خداوند نزدیک است، زیرا اگر اول خروج فرا رسد و مرد ششم، چگونه آشکار نخواهد شد.» قضاوت می شود، s equnuteanqtuiea برای تقریبا همه چیز

اما این قضاوت به چه شکل و دلیلی خواهد بود، برای کشیشان آسان خواهد بود که از کلام دانیال، و همچنین از آموزه های اناجیل مقدس و رسولان بیاموزند. ضمناً حکم صادره توسط هیئت منصفه با دقت بیشتر در این مورد صادر می شود

»جی آی‌و. 5، 26. دنباله. «) Aot. 10، 42 (» مت. 24، 14. *) H. Thess. 2، 8 (*، دنباله

خواهد بود برای مسیح نجات دهنده ما، که با چشمان شاد به پرهیزگارانی که در سمت راست ایستاده اند نگاه می کند، بنابراین با نهایت مهربانی بر آنها داوری خواهد کرد x: "مبارک پدر من بیایید، پادشاهی را به ارث ببرید"، که "از ابتدای جهان" برای شما "آماده شده" است. آنها می فهمند که شنیدن هیچ چیز در این سخنان خوشایندتر نیست، کسانی که آنها را به نکوهش ستمکاران افزوده اند و با دل فکر کرده اند که با این سخنان انسان های وارسته و صالح را از زحمت ها به آرامش فرا می خوانند، از وادی اشک ها به بالاترین شادی، از بدبختی ها تا سعادت همیشگی که با خدمات نیکوکاری به دست آورده اند.

/10 با چه مجازات هایی که ستمکاران از طرف چپ تعیین کرده اند، معلوم می شود در پایین می سپس به کسانی که از آنها ایستند، روی می کند و عدالت خود را بر آنها می ریزد با این کلمات2: « از من لعنت شده به آتش جاودانی که برای شیطان و فرشتگانش آماده شده است بروید». زیرا در آن کلمات پیشین «از من دور شو» به بزرگترین عذابی اشاره دارد که شریران به آن دچار خواهند شد، آنگاه که تا آنجا که ممکن است از چشم خدا دور شوند و هیچ امیدی نتواند آنها را تسلی دهد، شاید روزی که از این همه خیر برخوردار شوند. اما در واقع متکلمان این را مجازات از دست دادن می نامند، زیرا شریران باید همیشه در عالم اموات در پرتو رؤیت الهی مورد محبت قرار گیرند. اما آنچه اضافه می شود: «لعنت» به طرز عجیبی بر مصیبت و مصیبت آنان می افزاید. زیرا اگر هنگامي كه از حضور الهي رانده مي شدند، لااقل شايسته نعمتي به شمار مي رفتند، قطعاً اين مي توانست تسلي بزرگي براي آنان باشد. اما از آنجایی که از آنها انتظاری نمی‌رود که با بهترین حق، بلا را سبک‌تر کنند، پس از بیرون راندن، عدل الهی آنها را با هر لعنتی تعقیب خواهد کرد.

X. در مورد حس مجازات و جامعه محکومین.

سپس چنین می شود: "به آتش ابدی." در واقع متکلمان انواع دیگر مجازات ها را مجازات حواس می نامند: زیرا با حس بدن درک می شود، مانند شلاق و تازیانه یا هر نوع مجازات شدیدتر، که در این میان نمی توان شک کرد که عذاب آتش بیشترین حس درد را ایجاد می کند. از اینجا معلوم می شود که عذاب ملعون با نزدیک شدن به شر به همه مجازات ها اضافه می شود تا جاودانه بماند. و این با کلماتی که در قسمت افراطی این جمله آمده است بیشتر روشن می شود: «کسی که برای شیطان و فرشتگان او آماده شده است». زیرا از آنجایی که به گونه ای تنظیم شده است که اگر در مصیبت های خود شریک و شریکی داشته باشیم که احتیاط و انسان دوستی او را داشته باشیم، همه مشکلات را به آسانی تحمل کنیم. 25، 84. *) مت. 25، 41

شاید بتوانیم با قدرت خود تا حدی به ما کمک کند: سرانجام چه چیزی به بدبختی لعنت شدگان پایان می دهد، که در این همه رنج هرگز اجازه نمی دهند از جامعه منحرف ترین شیاطین جدا شوند؟ و به راستی که خداوند منجی ما این حکم را بر ستمکاران خواهد آورد، تا کسانی که از همه اعمال تقوای واقعی غافل می شوند و گرسنگان و تشنه ها را نه غذا می خورند و نه نوشیدنی، از مهمان پذیرایی نکنند، برهنگان را نپوشانند، و یا از بیماران محبوس در زندان عیادت نکنند.

XI. موضوع قضاوت اغلب باید در گوش مردم مؤمن باشد.

اینها چیزهایی است که شبانان باید اغلب در گوش مردم مؤمن تلقین کنند. زیرا حقیقت این مقاله، که با ایمان تصور شده است، بیشترین قدرت را دارد که امیال کج‌روی روح را مهار کند و انسان‌ها را از گناهان دور کند. چرا در جامعه (7، 40.) آمده است: "در تمام کارهای خود آخرین کارهای خود را به خاطر بسپارید و تا ابد گناه نخواهید کرد." و به یقین کمتر کسی است که در جنایات آنقدر تند و تیزبین باشد که آن فکر او را به مطالعه تقوا بیاد نکند، که روزی در برابر عادل ترین قاضی، از همه او نه تنها آنچه انجام داده و گفته است، بلکه مخفی ترین افکارش نیز حسابرسی داده شود و ممکن است مجبور شود برای شایستگی هایش تاوانی بپردازد. اما انسان عادل بیش از پیش به عدالت پرستی برانگیخته می شود و باید نهایت لذت را به وجود آورد، هر چند که زندگی خود را در تنگنا، بدنامی و صلیب می گذراند، هنگامی که ذهن خود را به آن روز می رساند که پس از کشمکش های دردناک این زندگی، پیروز به همه مردم گوش فرا داده می شود. و هنگامی که او را در سرزمین بهشتی پذیرفتند، تحت تأثیر آن کرامات الهی و در واقع از آن افتخارات جاودانی قرار خواهد گرفت. پس آنچه باقی می‌ماند این است که مؤمنان را تشویق کنیم که بهترین راه زندگی را در پیش گیرند و به هر تقوای عبادتی بپردازند تا با خیالی آسوده در انتظار نزدیک شدن روز بزرگ خداوند باشند و آنچنان که شایسته است، آرزوی فرزندان با نهایت میل داشته باشند.

## فصل نهم

### در مقاله هشتم

من به روح القدس ایمان دارم.

/. چقدر ضرورت و ثمره ایمان به روح القدس زیاد است. تا اینجا آنچه که متعلق به شخص اول و دوم تثلیث مقدس بود، تا آنجا که دلیل برهان ارائه شده است.

به نظر می‌رسید که تقاضا می‌کردند، آنها بیان شده‌اند: اکنون نتیجه می‌شود که آنهایی که به نماد سوم شخص، یعنی روح‌القدس منتقل شده‌اند، توضیح داده می‌شوند. کشیشان تمام اهتمام و اهتمام را به کار خواهند گرفت تا این موضوع را روشن کنند، زیرا برای یک مرد مسیحی جایز نیست که نسبت به این قسمت ناآگاه باشد یا نسبت به آن احساس حق کمتری داشته باشد. چرا رسول اجازه نداد برخی از افسسیان نسبت به شخص روح القدس ناآگاه باشند؟ هنگامی که از او پرسید: «آیا روح القدس را دریافت کرده‌اند یا خیر» که آنها پاسخ دادند: «اگر واقعاً روح‌القدس بود، نمی‌دانستند»، فوراً پرسید: f i dQeuliibbuus s

m avxeirmbei s n esicgensisfaircaivaimt esse; آنها ثمره

اصلی را از آن می‌گیرند، که وقتی با دقت در نظر می‌گیرند، هر آنچه را که با عطای و لطف روح القدس به دست آورده‌اند، نسبت به خود متواضع‌تر و فروتن‌تر می‌شوند و تمام امید خود را به محافظت از خدا می‌بندند، که باید اولین قدم برای یک مرد مسیحی به سوی بالاترین خرد و سعادت باشد.

1/. کلام روح القدس به شخص سوم تثلیث تعلق ندارد تا نتوان آن را به دیگران نسبت داد.

بنابراین، توضیح این مقاله باید از قوه و تصوری که در این مکان تابع کلام روح القدس است آغاز شود. زیرا هنگامی که در مورد پدر و پسر به طور یکسان گفته می شود (زیرا هر دو ارواح و مقدس هستند، اگر به راستی اعتراف کنیم که خدا روح است)، فرشتگان و ارواح پرهیزگاران نیز با این کلمه دلالت می کنند: ما باید مراقب باشیم که مبادا با ابهام کلام مردم به گمراهی کشیده شوند. از این رو، آموزش این امر ضروری است که در این مقاله، نام روح القدس را باید به عنوان شخص سوم تثلیث درک کرد، همانطور که در نامه های مقدس، هم در عهد جدید هرگز و هم در عهد جدید، غالباً آمده است. زیرا داوود دعا می شود 2): "و روح القدس خود را از من مگیر، در کتاب حکمت 3 می خوانیم: "چه کسی معنای تو را خواهد دانست، مگر اینکه حکمت عطا کنی و روح القدس خود را از برترین ها بفرستی؟" و در جای دیگر 4): "او خود آن را در روح القدس آفرید." پسر، و از روح القدس؛» و می خوانیم که مقدس ترین باکره6) «از روح القدس آبستن شد»؛ سپس ما توسط یوحنای تبارک7) به سوی مسیح فرستاده می شویم، «که ما را با روح القدس تعمید می دهد؛» و علاوه بر این، در بسیاری از جاهای دیگر، این کلمه در افسانه ها آمده است.

عمل کنید. 19، 2. دنباله. ») ص. 50، 13. ') 9 ،1 .Eccles (» .17 ،9 .S ap. ص) مت. 28، 19. •) 20 .18 ,1 .Ib.
لوقا 1, 35. <) 33 ،1 .o I. علامت گذاری کنید. 1، 18

 بنابراین، شخص سوم تثلیث، مانند دو نفر دیگر، نباید نام مناسبی داشته باشد.

اما هیچ کس نباید تعجب کند که سوم شخص، مانند اول و دوم، یک اسم خاص نیست. بنابراین، شخص دوم نامی خاص دارد و پسر نامیده می شود، زیرا همان طور که در مقاله های قبلی توضیح داده شد، نسل ابدی او از پدر به درستی به نسل نسبت داده می شود. بنابراین، همانطور که آن تولد با نام نسل نشان داده می شود، بنابراین ما به درستی شخصی را که از پسر نشأت می گیرد، و کسی که از او نشأت می گیرد، پدر می نامیم. حال هنگامی که تولید سوم شخص نامی ندارد، بلکه به آن تنفس و راهپیمایی می گویند: نتیجه آن این است که شخص تولید شده نیز فاقد نام خود است. ولی نشأت او نام خاصی ندارد، زیرا ما ناچاریم اسامی منسوب به خدا را از مخلوقات تغییر دهیم; که در آن ما هیچ روش دیگری را برای ارتباط با ماهیت و جوهر به جز نیروی تولید نمی شناسیم: به همین دلیل اتفاق می افتد که دلیلی که خداوند به وسیله آن به طور کامل با نیروی عشق با خود ارتباط برقرار می کند با یک اصطلاح مناسب قابل بیان نیست. چرا شخص سوم با نام مشترک «روح القدس» خوانده می‌شود، که در واقع ما می‌دانیم که برای او مناسب‌ترین است، زیرا او حیات روحانی را در ما القا می‌کند، و بدون الهام از مقدس‌ترین خدای او، ما نمی‌توانیم کاری شایسته زندگی ابدی انجام دهیم.

## IV. روح القدس خداست، کاملاً با پدر و پسر در قدرت و طبیعت یکسان است.

اما هنگامی که معنای این اصطلاح توضیح داده شود، مردم اولین کسانی خواهند بود که به آنها آموزش داده می شود که روح القدس همان خدای پدر و پسر است، برابر با آنها، به همان اندازه قادر مطلق، ابدی و دارای کمال بی نهایت، عالی ترین خیر و حکیم ترین، و از همان طبیعت پدر و پسر است. این واقعیت که کلمه "در" وقتی می گوییم "من به روح القدس ایمان دارم" به اندازه کافی نشان دهنده خصوصیاتی است که برای بیان قدرت ایمان ما به افراد تثلیث اختصاص داده شده است. و این را ادله آشکار کتب مقدس نیز تأیید می کند. زیرا هنگامی که پطرس قدیس در اعمال رسولان گفته بود: " حنانیا، چرا شیطان قلب تو را وسوسه کرد تا تو را به روح القدس دروغ بگوید؟" او به زودی می گوید: «تو به مردم دروغ نگفتی، بلکه به خدا دروغ گفتی». او را که قبلاً روح القدس خوانده بود، بلافاصله او را خدا می خواند. رسول همچنین به قرنتیان که آنها را خدا خوانده بود به روح القدس تعبیر می کند: «تقسیمات عملیات هستند، اما این همان خداست که همه چیز را در همه کار می کند.

عمل کنید. 5. 3. 4. اول کور. 12. 11 باشد.

سپس می افزاید: «و همه این چیزها یک روح واحد را عمل می کند و به هر کس هر طور که می خواهد تقسیم می کند». علاوه بر این، در اعمال رسولان، آنچه را که پیامبران به خدای واحد نسبت می دهند، به صدای ') : „ روح القدس نسبت می دهد. زیرا اشعیا گفته بود: خداوند را شنیدم که می گفت: «چه کسی را بفرستم؟» به من گفت: برو و به این قوم بگو: دل این قوم را کور کن و گوشهایشان را سنگین کن و چشمانشان را ببند تا با چشمان خود نبینند و با گوشهای خود بشنوند. از نام پسر و روح القدس دستور داده شده است که در غسل تعمید استفاده شود و جای برای شک در حقیقت این راز باقی نمی گذارد. زیرا اگر پدر خدا باشد و پسر خدا باشد، مجبوریم بپذیریم که روح القدس نیز در همان درجه شرافت به آنها ملحق شده است. علاوه بر این، کسی که به نام هر موجود مخلوقی تعمید می گیرد، نمی تواند از آن ثمره ای به دست آورد. "آیا به نام پولس تعمید یافته اید؟" تا نشان دهند که این هیچ فایده ای برای نجات آنها نخواهد داشت. بنابراین، هنگامی که به نام روح القدس تعمید می گیریم، باید اعتراف کنیم که او خداست. اما همین ترتیب سه نفره که الوهیت روح القدس به وسیله آن تأیید می شود، در نامه یوحنا 4 نیز قابل توجه است: «سه نفر در آسمان شهادت می دهند، پدر، کلام و روح القدس، و این سه یکی هستند». سپس از آن ستایش عالی تثلیث مقدس که حمدها و مزامیر الهی با آن خاتمه می یابد: "جلال پدر و پسر و روح القدس." در نهایت، آنچه برای تأیید آن حقیقت بسیار مرتبط است، هر آنچه که ما معتقدیم متعلق به خداست، نامه های مقدس گواهی می دهند که آنها به روح القدس تعلق دارند. چرا آنها به معابد افتخار می کنند، همانطور که رسول می فرماید: "آیا نمی دانید اعضای شما معبد روح القدس هستند؟" همچنین «تقدیس6) و زنده سازی-نم7) و جست و جوی6) اعماق خداوند و به واسطه انبیاء9) باشد.

5. ما قطعاً باید باور داشته باشیم که واژه روح القدس به معنای سومین شخص الوهیت است که به تنهایی وجود دارد.

اما این نیز باید به طور دقیق برای مؤمنان توضیح داده شود، که روح القدس آنقدر خداست که لازم است او را به عنوان شخص ثالث، متمایز از طبیعت الهی از پدر و پسر، و برخواسته از اراده، اعتراف کنیم. زیرا به عنوان شاهدی دیگر از کتاب مقدس

") او 6. 8-10. 2) عمل 28، 25. >) اول کور. 1، 1 3. •») من . اول. 5، 7. «) اول قرن. 6، 19. «»! I. حیوان
ص 138، 7 ,'<>) خانگی. 1. 2. به (?. CA. *) II «. I. Cor. 2، 10. حیوان خانگی 1، 21

71

حذف شده اند، شکل تعمید، که منجی ما تعلیم داد، به وضوح نشان می دهد، "که روح القدس شخص ثالثی است که فی نفسه در ذات الهی وجود دارد و از دیگران متمایز می شود." کلام رسول نیز روشن می کند که می گوید: فیض خداوند ما عیسی مسیح و محبت خدا و مشارکت روح القدس با همه شما باد، آمین. اما همان چیزی را که پدران در شورای اول قسطنطنیه در این مکان برای رد جنون بی شرمانه مقدونیه اضافه کردند، بسیار آشکارتر نشان می دهد: "و در روح القدس، خداوند و حیات بخش، که از پدر و پسر سرچشمه می گیرد، که با پدر و پسر پرستش و جلال می شود، که از طریق پیامبران صحبت می کند." بنابراین، هنگامی که روح القدس را به عنوان خداوند اعتراف می کنند، در آن اعلام می کنند که چقدر او بر فرشتگان که با این وجود شریف ترین ارواح آفریده شده توسط خدا هستند، پیشی می گیرد. زیرا پولس قدیس شهادت می‌دهد که همه آنها «مدیران روح هستند که به خاطر کسانی که میراث نجات را دریافت می‌کنند به خدمت فرستاده شده‌اند». اما آنها آن را حیات بخش می نامند، زیرا روح بیشتر در اتحاد با خدا زندگی می کند تا بدن از اتحاد روح تغذیه و نگهداری شود. اما از آنجا که حروف مقدس این اتحاد روح با خدا را به روح القدس نسبت می دهند، واضح است که روح القدس به درستی روح حیات بخش نامیده می شود. 6. آنها اعلام می کنند که روح القدس از پدر و پسر به عنوان یک اصل سرچشمه می گیرد.

اما آنچه در ادامه می‌آید: «کسی که از پدر و پسر بیرون می‌آید» این است که به مؤمنان بیاموزد که روح‌القدس از پدر و پسر سرچشمه می‌گیرد، گویی از یک آغاز در صفوف ابدی. زیرا این همان چیزی است که حکم کلیسایی که عدول از آن برای مسیحی جایز نیست، به ما پیشنهاد می کند که بدان ایمان بیاوریم و به اعتبار نامه ها و مجالس الهی تأیید می شود. زیرا مسیح خداوند، هنگامی که از روح القدس صحبت کرد، گفت: "او مرا جلال خواهد داد، زیرا از من خواهد گرفت." همین امر از این واقعیت حاصل می شود که در کتب مقدس روح القدس را گاهی روح مسیح و گاهی روح پدر می نامند. گفته می شود که فقط از طرف پدر فرستاده شده است، فقط از طرف پسر، به طوری که به طور مساوی از پدر و پسر خارج شود، به طور مبهم دلالت ندارد. سنت پائولوس 4 می گوید: «کسی که روح مسیح را ندارد، این از او نیست.» و همان روح مسیح را می‌خواند، وقتی به غلاطیان می‌گوید: «خدا روح پسر خود را در دل‌های شما فرستاد که ابا، پدر، ندا می‌دهد.» در سنت متی 6) روح پدر نامیده می شود: "این شما نیستید که صحبت می کنید، بلکه روح پدر شماست." و خداوند در شام گفت: "نقطه ای که من برای شما خواهم فرستاد، روح

(« .6 ،4 .Gal (کور. 13، 13. 2) عبری. 1، 14. ») آیو. 16، 14. *) روم. 8، 9. 5 .tl ('
مت. 10، 20. 15. 26.

کسی که از پدر بیرون آید، برای من شهادت خواهد داد. سپس در جای دیگر تأیید می کند که همان روح القدس توسط پدر فرستاده خواهد شد: "که پدر به نام من خواهد فرستاد." از کدام کلمات ما سیر روح القدس را درک می کنیم، روشن است که از هر دو یکسان است. اینها چیزهایی هستند که از شخص روح القدس رهایی خواهند یافت.

VII. از آنجایی که آثار تثلیث تقسیم نشده است، چرا آثار و عطای‌ای خاصی به روح القدس نسبت داده می شود؟

علاوه بر این، آموزش این امر ضروری خواهد بود که برخی از آثار تحسین برانگیز روح القدس، و برخی عطای‌ای بسیار گسترده وجود دارد، که گفته می شود از او سرچشمه می گیرد و گویی از چشمه همیشگی نیکی سرچشمه می گیرد. زیرا اگر چه کارهای تثلیث قدسی، که در خارج انجام می‌شود، برای سه شخص مشترک است، اما بسیاری از آنها به روح‌القدس نسبت داده می‌شوند، تا بتوانیم بفهمیم که آنها از محبت بی‌نهایت خدا در ما سرچشمه می‌گیرند. زیرا هنگامی که روح القدس از اراده الهی سرچشمه می گیرد که گویی با عشق شعله ور شده است: می توان دید که آن آثاری که به درستی به روح القدس اشاره دارد از محبت خدا نسبت به ما از بالا ناشی می شود. بنابراین از این نتیجه می شود که روح القدس را یک هدیه می نامند. زیرا با کلمه هدیه به آن چیزی دلالت می‌کند که با مهربانی و بلاعوض داده می‌شود، بدون اینکه امیدی به پاداش در ذهن داشته باشد. و از این رو هر خیر و منفعتی که از جانب خداوند به ما عطا شده است ((((((((ما مـا لاَ یـَعـلـَهـُم ْ مـِن ْ عـَلـَیـه ِ) رسول(2) می گوید) باید اذعان کنیم که به اذن و عطای روح القدس با قلبی پرهیزکار و سپاسگزار به ما عطا شده است.

هشتم. تأثیرات روح القدس چه کسی، چه چیزی و چقدر است.

اما اثرات آن بسیار است; زیرا حذف آفرینش جهان و اشاعه و حکومت مخلوقات، که در مقاله اول به آن اشاره کردیم، احیاء به درستی که به روح القدس نسبت داده شده است، اندکی قبل نشان داده شده بود و با شهادت حزقیال تأیید می شود: «روح را به شما خواهم داد و زنده خواهید ماند». اما پیامبر مهمترین و شایسته ترین آثار روح القدس را برمی شمارد: «روح خرد و فهم، روح نصیحت و صلابت، روح علم و تقوا و روح ترس از پروردگار؛ اینها را موهبت های روح القدس می نامند، اما گاهی نام روح القدس را به آنها می دهند. روح القدس در حروف مقدس این صدا ذکر شده است تا بتوانیم قضاوت کنیم که آیا این سوم شخص تثلیث است یا آثار آن.

ه. "18) I s. 11، 2. 3 (> .Ez. 37، 6 (* .I. Cor. 4، 7 (2 .1I9o.. 14، 26) « در مورد تثلیث. 15.

یعنی عملیات؛ زیرا این دو باید با همان فاصله ای که ما معتقدیم خالق با چیزهای آفریده شده تفاوت دارد، متمایز شوند. و این چیزها باید با دقت بیشتری توضیح داده شوند، زیرا از این عطای‌ای روح القدس ما احکام زندگی مسیحی را استخراج می کنیم و می توانیم احساس کنیم که آیا روح القدس در ما وجود دارد یا خیر. اما بالاتر از همه‌ی فراوان‌ترین هدای‌ای دیگر او، این فیض موعظه می‌شود، که ما را صالح می‌سازد، و ما را با روح‌القدس موعود، که ودیعه میراث ماست، مهر می‌کند. زیرا این ذهن ما را با نزدیک‌ترین پیوند عشق به خدا پیوند می‌دهد، که از آن، گویی با بالاترین میل تقوا شعله‌ور شده است، زندگی جدیدی در instoimtiunaemmuus، r aect "vneraet u rsaiemaus) حاصل شده توسط شرکاء الهی، فرزندان 3) خدا می‌شود.

# فصل X. در

## مقاله نهم.

من به کلیسای کاتولیک مقدس، اجتماع قدیسان اعتقاد دارم. 1. به این دلایل بیشترین وقوع

روحانیون چقدر باید اهتمام داشته باشند که حقیقت این ماده نهم را برای مؤمنان توضیح دهند، اگر به طور خاص به دو چیز توجه شود، به راحتی معلوم می شود. برای اولین بار، طبق شهادت St.

Adeu g uCshtriinstoo4 ), l o cPurtio p hseutnate, pqluaunmi us i ne t e oap e rmtuilutso d pel u

ercecsl e seirar,a r qeu a amc depipi, تا در تجسم ساکرامنتو، آنها را دیدند. زیرا مردان فقیر ناخواسته ای وجود نداشتند که به تقلید از میمونی که خود را مرد می پندارد، به تنهایی کاتولیک بودن خود را اعتراف می کردند و کلیسای کاتولیک را در میان خود نه کمتر از شرارت و افتخار تأیید می کردند. آنگاه اگر کسی با عقل استوار این حقیقت را درک کرده باشد، به آسانی از خطر وحشتناک بدعت رهایی خواهد یافت. زیرا اینطور نیست که هر کسی که اولاً در ایمان گناه می کند، بدعت گذار خوانده شود. اما کسی که با بی اعتنایی به اقتدار کلیسا، با ذهنی سرسخت از عقاید غیر خدایی دفاع می کند. پس چون محال است کسی خود را به طاعون بدعت آلوده کند، در صورت ایمان به چیزهایی که در این مقاله مطرح شده است، با کمال احتیاط مراقب باشند. شبانان، به عنوان مؤمنان، با دانستن این راز، باید در حقایق ایمان ادامه دهند و در برابر حیله های دشمن مستحکم شوند. اکنون این مقاله به موارد فوق بستگی دارد، زیرا، همانطور که قبلاً نشان داده شد، روح القدس هر قدیس است

I. 3, 1. *) iu ps. 30 .من <) .i ،1 پیتر .U. «) II .13 ،1 .اف ')

برای اینکه منشأ و خیر ملت باشیم، اکنون اعتراف میکنیم که کلیسا توسط همین قداست داده شده است.

II. چه چیزی به طور خاص با نام کلیسا مشخص شده است، و چه چیزی به طور کلی نشان داده می شود.

و از آنجایی که کلیسا کلمه لاتین را پس از گسترش انجیل از یونانیان وام گرفت و آن را به چیزهای مقدس منتقل کرد: این اصطلاح چه نیرویی دارد، باید کشف کرد. اکنون کلیسا به معنای فراخوانی است. اما نویسندگان بعدی از آن برای مجلس و موعظه استفاده کردند. همچنین واقعاً مهم نیست که آن قوم خدای واقعی وجود داشته باشد یا پرستندگان یک دین دروغین. زیرا در اعمال رسولان درباره مردم افسس نوشته شده است که وقتی کاتب جمعیت را ساکت کرد، گفت: "اما اگر چیز دیگری بخواهید، در کلیسای قانونی می توان آن را تبرئه کرد." او کلیسای محبوب افسوس را که به پرستش دیانا اختصاص داده شده است، مشروع می خواند.

نه تنها مللی که خدا را نمی شناسند، بلکه به مجالس افراد بد و بی دین نیز گاهی کلیسا می گویند. پیامبر می فرماید: «من از کلیسای تهمت گران متنفرم و با بدکاران نمی نشینم». اما پس از آن، طبق عرف رایج کتاب مقدس، این کلمه برای نشان دادن جمهوری مسیحی، و فقط جماعات مؤمنان به کار رفت. یعنی کسانی که با ایمان به نور حق و معرفت خدا دعوت شده اند تا با رد ظلمت های جهل و خطا، خدای واقعی و زنده را با تقوا و مقدس پرستش کنند و با تمام وجود او را بندگی کنند. اما، برای اینکه تمام این چیزها با یک کلمه تکمیل شود، همانطور که آگوستین مقدس می گوید: «کلیسا، مردمی مؤمن است که در سراسر جهان پراکنده شده اند».

III. کدام اسرار باید به ویژه در نام کلیسا ارائه شود.

در واقع، اسرار نورانی در این اصطلاح گنجانده نشده است. در واقع، در فراخوانی که کلیسا بر آن دلالت می کند، مهربانی و شکوه فیض الهی فوراً نمایان می شود و ما می دانیم که کلیسا با سایر امور عمومی بیشتر تفاوت دارد. زیرا اولی مبتنی بر خرد و احتیاط انسانی است، اما دومی توسط عقل و خرد ما از طریق خدا و شراکت او برقرار شده است. روح القدس که قلوب انسانها را می گشاید، اما غیر از این دعوت، غایت برای ما کیست، او که توجه کرده است که چرا زمانی مردم مؤمنی را که تحت شریعت قرار می دادند، « کنیسه» می نامیدند، به این دلیل که برای او جماعتی شده بود

عمل کنید. 19، 39. ») Ps. 25، 5. 3) در ص. 149. *) در ص. 77 و 81

در چارپایانی که جمع شدن برای آنها مناسب تر است، فقط به کالاهای زمینی و گذرا می نگرد. چرا مردم مسیحی به درستی نه کنیسه، بلکه کلیسا نامیده می شوند، زیرا آنها چیزهای زمینی و فانی را تحقیر می کنند و فقط به دنبال چیزهای آسمانی و ابدی هستند.

IV. با این نامها می توان کل مسیحیان را در نوشته های مقدس توصیف کرد.

علاوه بر این، اسامی بسیاری که پر از رمز و راز هستند، به معنای جمهوری مسیحی ترجمه شده است. زیرا هم خانه و هم ساختمان خدا را رسول خوانده است. او به تیموتائوس می گوید: « اگر درنگ کنم، تا بدانی که در خانه خدا که کلیسای خدای زنده، ستون و تکیه گاه حقیقت است، چگونه باید رفتار کنی.» اما خانه را کلیسا می نامند، زیرا مانند یک خانواده است که یک پدر بر خانواده حکومت می کند و در آن اشتراک همه کالاهای روحانی وجود دارد. به آن گله گوسفندان مسیح نیز می گویند که او در و شبان آن است. او را عروس مسیح می نامند: رسول به قرنتیان 3 می گوید: " تو را به یک شوهر نامزد می کنم تا باکره ای پاک را به مسیح تقدیم کنم." همینطور به افسسیان 4: "ای شوهران، زنان پیر خود را دوست بدارید، همانطور که مسیح نیز کلیسا را دوست داشت." و در مورد ازدواج: «این راز بزرگ است، اما من در مسیح و در کلیسا می گویم.» در نهایت، همانطور که در افسسیان 6) و کولسیان 7 می بینیم، کلیسا "جسم مسیح" نامیده می شود. و این خصوصیات در برانگیختن مؤمنان ارزش زیادی دارد تا خود را مستحق رحمت و نیکی بیکران خداوندی کنند که آنها را برای خلق خدا برگزیده است.

V. دو بخش اصلی کلیسا برشمرده شده است، یکی پیروز و دیگری مبارز.

پس از تشریح این مطالب، لازم است تک تک اجزای کلیسا را برشماریم و تفاوت های آنها را آموزش دهیم تا مردم ماهیت، خواص، مواهب و فیض های کلیسای محبوب خدا را بیشتر درک کنند و به همین دلیل هرگز از ستایش نام مقدس خدا دست برندارند. اکنون دو بخش قدرتمند کلیسا وجود دارد که یکی از آنها پیروز و دیگری مبارز نامیده می شود. پیروزمندترین و شادترین گروه ارواح مبارکه و کسانی است که بر جهان و جسم و شریرترین دیو پیروز شده اند و از گرفتاری های دنیا رها شده و از سعادت ابدی برخوردارند. اما کلیسای مبارز گروهی از همه مؤمنانی است که هنوز روی زمین زندگی می کنند. از این رو جنگجو نامیده می شود، زیرا برای آنها جنگی ابدی با وحشی ترین دشمنان، جهان، جسم، شیطان وجود دارد.

') i. T im. 3، 15. «) 1 ،10 .آیو. *) II. .کور. U، 2. *) 32 ،1 .همان. «) .25 ،5 .اف. «) EpU. 1، i. 18. 24 سرهنگ (').23

76



## 6. کلیسا یکی، مبارز و پیروز است.

بنابراین نباید در نظر گرفت که دو کلیسا وجود دارد. اما همانطور که قبلاً گفتیم دو بخش از یک کلیسا وجود دارد که یکی از آنها قبلاً رفته است و قبلاً سرزمین آسمانی را در اختیار دارد ، دیگری روز به روز ادامه می یابد تا اینکه روزی با منجی ما متحد شود ، در سعادت ابدی آرام گیرد.

## VII. دو طبقه از مردان در کلیسا وجود دارد، خوب و بد.

اکنون در کلیسا دو طبقه از مردان وجود دارد، خوبان و بدکاران. و در واقع، افراد غیر خدا، با شرکت در مراسم های یکسان، به همان ایمانی که نیکوکار است، سود می برند، زیرا زندگی و آداب آنها متفاوت است. اما آنهایی که در کلیسا نیک نامیده می شوند، کسانی هستند که نه تنها با اظهار ایمان و اشتراک در مراسم مقدس، بلکه با روح فیض و نیکوکاری متحد و مقید به یکدیگر هستند، که در مورد آنها گفته می شود: "خداوند کسانی را که از او هستند می شناسد." درست است که حتی چهارپایان نیز می توانند با برخی حدس ها حدس بزنند که از این تعداد از مردان پارسا هستند، اما به هیچ وجه نمی توانند به طور قطعی بدانند. بنابراین، نباید تصور کرد که مسیح نجات دهنده، زمانی که ما را به کلیسا بازگرداند، در مورد این قسمت از کلیسا صحبت کرد و به ما دستور داد که خود را آماده کنیم. زیرا هنگامی که ناشناخته است، به چه کسی می توان یقین داشت، به قضاوت چه کسی باید پناه برد، و از اختیار چه کسی باید اطاعت کرد؟ همانطور که نامه‌های الهی و نوشته‌های انسان‌های مقدس گواهی می‌دهند، کلیسا خوبان و بدکاران را در آغوش می‌گیرد. در چه جمله ای که رسول 3 نوشته است: «یک جسم و یک روح».

## هشتم. کلیسا قابل مشاهده است و خوبی ها و بدی ها را در آغوش خود دارد.

اکنون این کلیسا مشهور است و شهر را با موقعیت آن بر روی کوهی که از هر طرف دیده می شود مقایسه می کنند. زیرا از آنجایی که همه باید به او احترام بگذارند، باید او را بشناسند. همانطور که انجیل در بسیاری از تمثیل ها می آموزد، نه تنها خوبی ها، بلکه بدی ها را نیز شامل می شود. گویی که ملکوت آسمان، یعنی کلیسای مبارز، «مشابه4) با انداختن به دریا است. یا «مزرعه ای» که علف های هرز در آن کاشته می شود. یا "مزرعه" که در آن غلات با کاه است. یا 7) "به ده باکره، تا حدی احمق، تا حدی عاقل." اما حتی خیلی پیش از «کشتی نوح» که نه تنها «پاک» بلکه «حیوانات ناپاک» در آن محصور شده بودند، ممکن است به شکل و شباهت این کلیسا نگاه کنیم. هر چند

(تیم 2، 19. الف) مت. 18، 17. ») اف. 4، 4. «) مت. 13، 47. ') من ب. 24. 9) مت. 8، 12.؟ II. ')
Ib. 25، 1. ه) Geu. 7، 1

که خوب و بد متعلق به کلیسا است، ایمان کاتولیک به طور واقعی و پیوسته تأیید می کند: با این حال، از قواعد یکسان ایمان، باید به مؤمنان توضیح داد که دلیل بسیار متفاوتی برای هر دو طرف وجود دارد. زیرا همانطور که کاه در مزرعه با گندم مخلوط می شود یا گاهی اعضای مرده به طرق مختلف به بدن می پیوندند: در کلیسا نیز شر وجود دارد.

9 که نباید در محدوده مبارزان کلیسا باشد.

در نتیجه فقط سه دسته از مردم از آن مستثنی می شوند: اول کافران، سپس بدعت گذاران و تفرقه داران و در نهایت تکفیر شدگان. در واقع، قومیت‌ها، زیرا هرگز در کلیسا نبوده‌اند، هرگز آن را نمی‌شناختند، و در جامعه مردم مسیحی در هیچ آیین مقدسی شرکت نکرده‌اند. اما بدعت گذاران و تفرقه افکنان، زیرا از نسل کلیسا آمده اند. زیرا آنها به کلیسا نگاه نمی کنند، زیرا فراریان متعلق به ارتشی هستند که از آن فرار کرده اند. با این حال، نباید انکار کرد که آنها در قدرت کلیسا هستند، به طوری که کسانی که توسط آن به قضاوت فراخوانده می شوند مجازات و لعنت می شوند. در نهایت، حتی تکفیر شدگان، زیرا به حکم کلیسا، که از آن مستثنی شده اند، تا زمانی که توبه نکنند، به اجتماع آن تعلق ندارند. اما در مورد بقیه، اگرچه آنها مردانی فقیر و جنایتکار هستند، شکی نیست که باید تا کنون در کلیسا ادامه دهند. و این باید دائماً به مؤمنان تحویل داده شود، تا اگر اتفاق می افتد که زندگی مخالفان کلیسا نامناسب است، با این حال ممکن است خود را متقاعد کنند که در کلیسا هستند و بنابراین نباید چیزی از قدرت آنها سلب شود.

X. تنوع معانی نام کلیسا.

اما همه قسمت‌های کلیسا معمولاً با نام کلیسا مشخص می‌شوند، مانند زمانی که رسول «کلیسا را که از قرنتس، غلاطیه، لائودیسه و تسالونیکی است» نام می‌برد. او همچنین خانواده های خصوصی مؤمنان را «کلیساها» می نامد. زیرا او دستور می دهد که کلیسای خانگی پریسکا و آکویلا نجات یابند. همچنین در جای دیگر 2): "درود بر شما،" او می گوید، "در خداوند بسیاری از آکیلا و پریسیلا با کلیسای خانگی خود." او همچنین هنگام نوشتن برای فیلیمون از همین صدا استفاده می کرد. همچنین به نام کلیسا، فرمانداران و کشیشان آن اشاره شده است. مسیح می‌گوید: «اگر او شما را نشنود، به کلیسا بگویید، که در آن مکان مافوق کلیسا تعیین شده است. اما همچنین مکانی که مردم در آن اجتماع می کنند، چه برای یک موعظه و چه برای اهداف مقدس، کلیسا نامیده می شود. 5) به ویژه در این ماده کلیسا بر کثرت خیر و شر در آن واحد دلالت دارد و نه تنها حاکمان، بلکه بر کسانی که باید اطاعت کنند.

') رام. 16، 3. 6. ») 1. یا. 16، 19. ») فیل. 1، 2. *) مت. 18، 17. ») 5 قرن. 11، 18. 22.

XI. در مورد ویژگی های خلسه واقعی و اول اینکه چرا آن را یکی می نامند.

اما دارایی‌های این کلیسا باید به روی مؤمنان باز شود، که از آن‌ها می‌توان تشخیص داد که از جانب خدا که اتفاقاً در آن متولد و بزرگ شده است، چه لطفی دریافت کرده‌اند. پس اولین خاصیت در نماد پدران توصیف شده است که یکی است. او می گوید: «یکی کبوتر من است، یکی «زیبای من است». اما چنین انبوهی از مردان یکی نامیده می‌شود که با این حال، به دلایلی که توسط رسول به افسسیان 2 نوشته شده است، بسیار گسترده است: "زیرا خداوند موعظه می کند که فقط یک ایمان و یک تعمید وجود دارد." همچنین یک فرمانروا و فرماندار وجود دارد، در واقع مسیح نامرئی، که پدر ابدی او را «سر3» بر تمام کلیسا، که بدن اوست، بخشید. اما کسی که صندلی رومی را به عنوان جانشین قانونی پطرس رسول در دست دارد، قابل مشاهده است.

XII. در مورد رومن پونتیجیس، پایتخت مشهود کلیسای مسیح چه فکری باید کرد؟

که از آن استدلال و نظر همه پدران بود که موافق بودند که این سر مشهود برای ایجاد و حفظ وحدت کلیسا ضروری است. ژروم قدیس به وضوح دید و نوشت، و علیه جوینیانوس 4) در این کلمات: "یکی انتخاب می شود، به طوری که، هنگامی که سر استقرار یافت، مناسبت انشقاق از بین برود." و به دماسوس 5): "حسادت انجام شود، جاه طلبی از بلندی های روم فروکش کند؛ من با جانشین ماهیگیر و شاگرد صلیب صحبت می کنم. من نه اول را شریک می کنم، بلکه مسیح را که در سعادت شما، یعنی کرسی پطرس، به وسیله عشاق پیروی می کند، می شناسم، کلیسایی را می شناسم که بر روی آن صخره ساخته شده است. کشتی، او در سیل حاکم هلاک خواهد شد.» این خیلی زودتر توسط ایرنائوس 6) و سیپریان 7) ثابت شده است که در مورد وحدت کلیسا صحبت می کند، می گوید: "خداوند با پطرس8 صحبت می کند): "من پطرس به تو می گویم که تو پطرس هستی و بر این صخره کلیسای خود را خواهم ساخت." او کلیسا را بر روی یکی می سازد و اگرچه به همه حواریون پس از رستاخیز قدرت مساوی می دهد: "آیا من را فرستاده و را می فرستم. روح القدس را دریافت کنید: "با این حال، او برای F9 آشکار ساختن وحدت، منشأ همان وحدت را با اختیار خود و غیره با یک شروع کرد." Optus Milevitanus سپس می گوید: "نمی توان به شما جهل را نسبت داد، زیرا می دانید که در شهر رم، پطرس اولین کرسی اسقفی برگزار شد که سر همه حواریون در آن نشسته بود.

«) نمی توانم. 6، 8. ») اف. 4، 5. ") اف. 1، 22. *) 1، 26. *) قسمت 15. ") adv. هار. انشقاق دان. 2، 2 '<>) حصیر. 16، 18 (* .2 ،8 .ib 9 .8 ،8

پی‌تر؛ که در آن وحدت کرسی با دعا حفظ می شد تا مبادا سایر حواریون هر کدام برای خود دفاع کنند. که او یک انشقاق و متخلف خواهد بود، که صندلی دیگری را در برابر صندلی مفرد قرار می دهد.

زیرا او گفت: "تو مسیح، پسر خدای زنده هستی" و به نوبه خود شنید که او یک صخره است. زیرا اگرچه او یک صخره بود، اما مانند مسیح صخره ای نبود. زیرا مسیح واقعاً صخره ای غیرقابل حرکت بود، اما پطرس صخره ای استوار بود. زیرا عیسی کرامت خود را به دیگران می بخشد: "او کاهن است و کاهنان می سازد، صخره است و صخره می سازد و آنچه از اوست به بندگانش می دهد." با این حال، در نهایت، سنت آمبروز می گوید: "چون او تنها به همه اعتراف می کند، او را مقدم بر همه قرار می دهند."

سیزدهم چگونه کلیسا، جدا از مسیح، یک سر قابل مشاهده دارد؟

اگر کسی مخالفت کند، کلیسا که به یک سر و داماد، یعنی عیسی مسیح قانع است، دیگر نیازی ندارد: پاسخی آماده وجود دارد. زیرا ما مسیح، خداوند را داریم، نه تنها نویسندۀ مقدسات فردی، بلکه تأمین کننده صمیمی نیز، (زیرا این اوست که تعمید می‌دهد و تبرئه می‌کند، و با این حال، او انسان‌ها را به عنوان خدمتگزاران خارجی تشریفات مقدس می‌سازد)؟ بنابراین، او مردی را که دارای اختیارات خود بود، نایب و وزیر کلیسا کرد، که خود او توسط روح درونی خود اداره می کند. زیرا از آنجایی که یک کلیسای مرئی به سر قابل مشاهده نیاز دارد، بنابراین منجی ما پطرس را به عنوان رئیس و شبان نژاد جهانی مؤمنان منصوب کرد، که او را به فراوانی به او تسلیم کرد تا گوسفندانش را سیر کند، تا کسی که جانشین او شود همان قدرت حکومت و اداره کل کلیسا را داشته باشد.

چهاردهم چرا کلیسا را یکی می نامند، او به دلایل دیگری می پیوندد.

رسول 3) خطاب به قرنتیان می گوید: «علاوه بر این، روح یکی است و یکسان است» که به مؤمنان فیض می بخشد، همانطور که روح به اعضای بدن حیات می بخشد. او به افسسیان توصیه کرد که چه وحدتی را حفظ کنند، می گوید: «مراقب باشید وحدت روح را در پیوند صلح حفظ کنید، یک بدن و یک روح». زیرا همانطور که بدن انسان از اعضاء بسیار تشکیل شده است و آنها از یک روح تغذیه می شوند که بینایی چشم ها، شنوایی گوش ها و سایر حواس را با قوای مختلف تأمین می کند، بدن عرفانی مسیح نیز که کلیسا است از بسیاری از ایمانداران تشکیل شده است. «یک» نیز «امید است» (5) چنانکه همان رسول در همان جا شهادت می دهد که «به سوی آن خوانده شده ایم».

') هومیل. 29. از توبه ") متی 16، 16. ") 1 قرن. 12، 11. 4) افس. 4، &. *) ib. من 1 کور. 9، 10.

زیرا همه ما به یک چیز، یعنی زندگی ابدی و پر برکت امیدواریم. به طور خلاصه، یک ایمان وجود دارد که همه باید آن را نگه دارند و در برابر آنها قرار دهند. رسول می گوید: «نباید در Cvhorbiisst i وجود داشته باشد. از علامت دوم کلیسا که sancahei s mfaidteai به وسیله آن مقدس خوانده می شود.

یکی دیگر از ویژگی های کلیسا این است که باید مقدس باشد. که از امیر رسولان در آن مکان دریافت کردیم2): «اما شما نژادی برگزیده، امت مقدسی هستید». اما از آن جهت مقدس نامیده می شود که تقدیس و تقدیم به خداست; زیرا به این ترتیب بقیه از این نوع، اگرچه جسمانی هستند، اما زمانی که به عبادت الهی دلبستگی و وقف دارند، عادت دارند مقدس خوانده شوند. در شریعت قدیم ظروف، لباس‌ها و محراب‌ها از این نوع هستند. که در آن نخست زادگان همه که تقدیم خدای متعال بودند، قدیسان نامیده می شوند. همچنین برای کسی نباید تعجب آور باشد که کلیسا را مقدس نامید، اگرچه دارای گناهکاران زیادی است. زیرا قدیسان را مؤمنان می نامند که قوم خدا شده اند و خود را با ایمان و تعمید به مسیح تقدیم کرده اند، هر چند در بسیاری چیزها لغزش می کنند و آنچه را که وعده داده اند انجام نمی دهند. همان طور که کسانی که به یک هنر خاص می پردازند، حتی اگر احکام آن هنر را رعایت نکنند، همچنان نام هنرمندان را حفظ می کنند. از این رو D. Paulus 3) قرنتیان را " مقدس و مقدس" می نامد، که در میان آنها واضح است که هیچ یک از آنها وجود نداشته است که او به شدت آنها را به عنوان جسمانی و با نام های حتی شدیدتر مورد سرزنش قرار می دهد. همچنین باید گفت که بدن به سر مقدس، مسیح خداوند، سرچشمه تمام قدوسیت، که جاذبه های روح القدس و غنای خیر الهی از او منتشر می شود، متحد است. بسیار عالی، آگوستین مقدس 4) در تفسیر آن سخنان پیامبر: «من از روح خود محافظت می کنم، زیرا من مقدس هستم»، گفت: «بگذار او جرأت کند، و بدن مسیح، آن مرد نیز جرأت کند، از اقصی نقاط زمین، با سر و زیر سرش گریه کند، و بگوید: من مقدسم، زیرا فیض تقدس گناه و فیض را دریافت کرد. و اندکی بعد: «اگر همه مسیحیان و ایمانداراني که در مسیح تعمید می‌دهند، او را بر تن کرده باشند، چنانکه رسول می‌فرماید: «هر کس در مسیح تعمید یافت، مسیح را بر تن کرد. اگر اعضای بدن او شوند و بگویند مقدس نیستند، سرها خودشان اشتباه می کنند که اعضای آن مقدس است.» همچنین اضافه می شود که کلیسا به تنهایی دارای عبادت مشروع قربانی و استفاده مفید از مقدسات است، که از طریق آن، خداوند به عنوان ابزار مؤثر فیض الهی، قدوسیت واقعی را به ارمغان می آورد، به طوری که هر که در خارج واقعاً مقدس است،

«) L Oor. 1، 10. «) I. Pet. 2، 9. «) I. 27 ،3 گال، »2 ،85 .) در ص. *) 8، 1. ی.

آنها نمی توانند این کلیسا باشند. بنابراین واضح است که کلیسا مقدس و در واقع مقدس است، زیرا بدن مسیح است که توسط او تقدیس می شود و در خون هر یک شسته می شود.

16 به همین دلیل کلیسای مسیح کاتولیک است.

سومین ویژگی کلیسا این است که آن را کاتولیک، یعنی جهانی می نامند; این نام واقعاً به او نسبت داده شده است، زیرا، همانطور که آگوستین قدیس شهادت می دهد، "از طلوع خورشید تا غروب خورشید در شکوه یک ایمان منتشر می شود." زیرا کلیسا با مرزهای یک پادشاهی، یا یک نژاد از مردان، مانند امور عمومی بشری یا مجامع بدعت گذاران، تعریف نمی شد. اما همه مردان، چه بربر و چه سکاها، چه برده و چه آزاد، چه مرد و چه زن، در سینه صدقه قرار می گیرند. چرا 2 نوشته شده است: «ما را به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و قوم به خدا فدیه دادی و ما را برای خدای خود پادشاهی کردی.» داوود در مورد کلیسا می گوید: «از من بخواهید تا قوم ها را به شما می دهم و حدود زمین را به شما می دهم.» بند 4): «رحاب و بابل را از کسانی که مرا می‌شناختند به یاد خواهم آورد و: «مردی در او متولد شد.» به علاوه، همه مؤمنانی که از آدم تا به امروز بوده‌اند و تا زمانی که جهان وجود دارد، ایمان حقیقی خواهند داشت، متعلق به همان کلیسایی هستند که «بر اساس رسولان» و «بر پایه‌ی رسولان و هم از پیامبران یگانه ساخته شده است» تعلق دارند. صلح 6) به کسانی که نزدیک هستند، و به کسانی که از دور خبر دادند، تأسیس و تأسیس شدند. به این دلیل جهانی نیز خوانده می‌شود، که همه کسانی که می‌خواهند نجات ابدی را به دست آورند، باید آن را نگه دارند و در آغوش بگیرند، نه به این دلیل که «وارد کشتی شدند، مبادا در سیل هلاک شوند». پس این قطعی‌ترین قاعده‌ای است که می‌توان بر اساس آن کلیسای واقعی و دروغین قضاوت کرد.

17 به این معنی کلیسای مسیح را رسولی نیز می نامند.

اما ما حقیقت کلیسا را نیز از مبدأ، که فیض آشکار شده از رسولان هدایت می‌کند، می‌شناسیم. در واقع، آموزه او حقیقتی است، نه جدید، و نه برای اولین بار پدید آمده است، بلکه مدتها پیش توسط رسولان منتقل شده و در سراسر جهان گسترش یافته است. از اینجا نتیجه می شود که هیچ کس نمی تواند شک کند که صداهای نافرمان بدعت گذاران از ایمان کلیسای واقعی دور است، وقتی که با آموزه کلیسا که توسط رسولان به این ایمان موعظه شده بود مخالفت شود.

بنابراین، برای اینکه همه بفهمند کلیسای کاتولیک چیست، پدران خدا آن را در نماد اضافه کردند.

') دیر رسیدم. 2 .242 (2 سرهنگ 3، 11. Rev. 5، 9 sqq. «) ص. 3، 8. «) ص. 86، 4. 5. *) Ep. S. 20.
«) Ib. 14. 17. •!) Gen. 7, 8

6 تعلیم، Conc. ترید

آنها فریاد می زنند: "رسولی. در واقع، روح القدس که بر کلیسا ریاست می کند، آن را از طریق هیچ نوع خادمان دیگری اداره نمی کند، مگر از طریق رسول، که روح ابتدا در واقع ادای احترام به رسولان بود، و سپس، در واقع، به لطف عالی ترین مهربانی خدا، همیشه در کلیسا باقی ماند."

## 18 کلیسا در اصول اعتقادی یا اخلاقی خود اشتباه نمی کند

اما همانطور که این موارد گفته شد. کلیسا نمی تواند در تعلیم ایمان و اخلاق اشتباه کند، وقتی روح القدس بر آن اداره می شود: بنابراین همه کسانی که نام کلیسا را به خود می بالند، به عنوان کسانی که توسط روح شیطان هدایت می شوند، باید درگیر بدترین خطاهای اعتقادی و اخلاقی باشند.

19 به چه کسی رئیس tfoi g wardius m bCrharitsat is و غیره. کلیسا در عهد قدیم -

اما از آنجایی که چهره های عهد عتیق قدرت زیادی برای برانگیختن قلب مؤمنان و یادآوری خاطره زیباترین چیزها دارند، برای این منظور رسولان آنها را به دلیل اصلی به کار بردند: کشیشان از آن بخش از آموزه که فواید زیادی دارد نمی گذرند. اما در اینها، «کشتی نوح» معنایی درخشان دارد، که به همین دلیل «به فرمان الهی» ساخته شد، به طوری که جای هیچ شک و شبههای باقی نمیماند، بلکه دلالت بر خود کلیسا دارد، که خدا آنچنان تأسیس کرد، تا هرکس با تعمید وارد آن شود، از خطر مرگ ابدی در امان باشد. اما کسانی که بیرون از آن بودند، مانند کسانی که در کشتی پذیرفته نشدند، از جنایات خود غرق شدند. چهره دیگر آن شهر بزرگ اورشلیم است که کتاب مقدس اغلب با نام آن کلیسای مقدس را نشان می دهد. البته تقدیم قربانی برای خدا فقط در آن کلیسا جایز بود، زیرا فقط در کلیسای خدا، و نه هیچ جای خارج از آن، عبادت واقعی و قربانی واقعی یافت می شود که به هر نحو می تواند خداوند را خشنود کند.

## 20 به همین دلیل، ایمان به کلیسای مسیح متعلق به اصول ایمان است

و همچنین در وهله آخر در مورد کلیسا آموزش داده خواهد شد، به چه دلیل، که ما به کلیسا اعتقاد داریم، مربوط به اصول ایمان است. زیرا حتی اگر کسی با عقل و حواس درک کند که کلیسا، یعنی اجتماع مردانی که به مسیح خداوند وابسته و تقدیس شدهاند، بر روی زمین وجود دارد، به نظر نمیرسد که برای درک این موضوع در ذهن نیازی به ایمان باشد، زیرا نه یهودیان و نه ترکها حتی در آن تردیدی ندارند: با این حال، آن اسرار که تا حدی در ارادت کلیسا توضیح داده شده است، تا حدی در کلیسا اعلام شده است. از نظم، ذهنی که فقط با ایمان روشن شده باشد و با هیچ دلایلی متقاعد نشده باشد، می تواند درک کند.

بنابراین، از آنجا که این مقاله، نه کمتر از سایر مقالات، از قوه و قوت هوش ما فراتر می رود: ما به بهترین حق اعتراف می کنیم که ظهور، کارکردها و منزلت کلیسا را با عقل انسانی نمی دانیم، بلکه به چشم ایمان می نگریم.

XXI این چیزها، چقدر و چقدر بزرگ هستند، دستور داده شده است که باور کنند که در کلیسا وجود دارد.

زیرا انسانها مؤلفان این کلیسا نبودند، بلکه خود خدای فناناپذیر بود که آن را بر محکم ترین صخره بنا کرد، چنانکه پیامبر شهادت می دهد: «اعلی خود آن را بنیان نهاد» به همین دلیل آن را میراث خدا و قوم خدا می نامند. همچنین قدرتی که او دریافت کرد، انسانی نیست، بلکه به وسیله موهبتی الهی اعطا شده است. از این رو، همانطور که نمی توان آن را با قوای طبیعت مقایسه کرد، ما نیز تنها با ایمان می دانیم که کلیدهای ملکوت آسمان در کلیسا است و قدرت بخشش گناهان، تکفیر آنها و تقدیس بدن واقعی مسیح به او داده شده است. سپس شهروندانی که در آن ساکن هستند، "نه 2) برای داشتن یک شهروندی دائمی در اینجا، بلکه به دنبال شهروندی آینده. u لازم است باور کنیم که یک کلیسا، مقدس و کاتولیک وجود دارد.

22 ما نباید مانند کلیسا به خدا ایمان بیاوریم.

زیرا ما آنچنان به سه شخص تثلیث یعنی پدر و پسر و روح القدس ایمان داریم که به آنها ایمان داریم. اکنون، حتی در شکل تغییر یافته گفتار، ما ادعا می کنیم که به کلیسای مقدس ایمان داریم، نه «به» کلیسای مقدس، تا با این شیوه متفاوت گفتار خدا، خالق همه چیز، از مخلوقات متمایز شود، و بتوانیم همه آن چیزهای عالی را که به کلیسا آورده شده است، گزارش کنیم، مزایای حاصل از خیر الهی.

23 بند پایانی این ماده: اجتماع اولیاء. اجتماع مقدسین

هنگامی که یحیی انجیل مقدس در مورد اسرار الهی برای مؤمنان می نوشت که چرا آنها را در آنها تعلیم دهد، این دلیل را آورد: « که شما نیز با ما شراکت داشته باشید و مشارکت ما با پدر و پسرش عیسی مسیح باشد». این جامعه در اجتماع اولیای الهی قرار دارد که در این مقاله به گفتاری از آن می پردازیم. کاش رؤسای کلیساها از کوشش پولس و سایر حواریون در توضیح آن تقلید کنند. زیرا نه تنها نوعی تفسیر از ماده فوق و آموزه فراوان ترین میوه ها است، بلکه بیان می کند که از اسرار موجود در نماد چه استفاده ای باید داشته باشد. زیرا همه چیز به خاطر این امر پنهان است. 86، 5. «) عبری. 13، 14. «) 1، 8 .I. lo

آنها بزرگ هستند و باید درک شوند، تا بتوانیم در این گروه بسیار وسیع
و پربرکت مقدسین پذیرفته شویم، و بتوانیم در پذیرفته شدن
استقامت کنیم، «با شادی شکرگزار خدای پدر، که ما را لایق بخشی از
قدیسان در نور قرار داده است». 24 توضیح این r upma r
tciocmumlauen، یعنی که در آن از قداست تشکیل شده است.

پس اول از همه، باید به مؤمنان آموخت که این مقاله، که قبلاً
در مورد کلیسای یگانه مقدس کاتولیک بیان شد، گویی نوعی
توضیح است. زیرا وحدت روح که توسط آن اداره می شود، باعث می
شود که هر چه در آن آورده شود مشترک باشد. زیرا ثمره تمام
مقدسات متعلق به همه مؤمنان است. آنها به وسیله ی آیین های
مقدس مانند پیوندهای مقدس و مهمتر از همه با تعمید به مسیح
متصل می شوند و به عنوان دری به کلیسا وارد می شوند. اما با این
اشتراک مقدسین، اشتراک مقدسات باید درک شود، همانطور که
پدران به طور نمادین در آن کلمات دلالت می کنند: "من به یک
تعمید اعتماد دارم." اما تعمید، قبل از هر چیز عشای ربانی، و پس از
آن، آداب مقدس دیگر به دنبال دارد. زیرا اگرچه این نام برای همه
مقدسات مناسب است، زیرا آنها ما را به خدا پیوند می‌دهند، و ما را از
او شریک می‌سازند که فیض او را دریافت می‌کنیم، اما این نام برای
مراسم عشای ربانی که باعث این اشتراک می‌شود، مناسب‌تر است.

25 شرکت در کلیسا شایسته است.

اما در کلیسا باید به اشتراک دیگری نیز فکر کرد. زیرا هر
چیزی که با تقوا و قداست به دست یکی برسد، متعلق به همه
است و برای آنکه به آنها منفعت برسد، از طریق صدقه انجام
می‌گیرد که به دنبال آن نیست. این را شهادت قدیس آمبروز تأیید
می کند که در توضیح آن قسمت در مزمور 3: «من شریک همه کسانی
هستم که از تو می ترسند»، بنابراین می گوید: «همانطور که
گفته می شود عضوی در تمام بدن شریک است، من نیز به همه
کسانی که از خدا می ترسند ملحق شده ام». چرا مسیح این شکل
دعا را برای ما تجویز کرد تا بگوییم «نان ما» نه «مال من» و بقیه
نوع آن، نه تنها برای ما، بلکه منتظر رستگاری و سود همگان
هستیم. اما در واقع این ارتباط کالا اغلب در مناسب ترین تشبیه
اعضای بدن انسان در حروف مقدس نشان داده شده است. کرامت دارند
یا به همان اندازه کارکردهای مفید و با وقار انجام می دهند که هیچ
کدام از آن ها نیست، بلکه سود و فایده کل بدن در نظر گرفته
شده است.

در ص 118. گفتار 8. 4) اول کور. 12، 12. دنباله. •') 5 کل. 1، 11. دنباله. ») من کور. 13، 5

یک چیز تحت تأثیر درد قرار می گیرد، دیگران نیز از خویشاوندی و رضایت طبیعت رنج می برند. اگر برعکس، احساس خوبی است، بگذارید آن احساس خوشایند برای همه مشترک باشد. و همین چیزها را می‌توان در کلیسا در نظر گرفت، که در آن، اگرچه اعضا با هم متفاوت هستند، اما با وجود این که سر از بدن مسیح در می‌آید، می‌توان به روح

مسیح تبدیل شد. ') علاوه بر این، هر یک نقش خود را در این کلیسا تعیین کرده اند. زیرا همانطور که در آن برخی از رسولان و برخی دیگر معلمان هستند، همه به خاطر منافع عمومی منصوب شده اند: برای ریاست و تعلیم دیگران، و نیز اطاعت و فرمانبرداری از دیگران است.

26 افراد شریر در کلیسا یکی از کالاهای معنوی هستند.

اما کسانی که زندگی مسیحی خود را در نیکوکاری می گذرانند، عادل و عزیز نزد خدا هستند، از هدایا و کالاهای بسیار اعطا شده از سوی خداوند بهره مند می شوند. اما اعضای مرده، البته مردانی که به جنایات مقید و از فیض خدا بیگانه اند، از این خیر محروم نمی شوند تا دیگر اعضای این بدن نباشند، اما چون مرده اند، ثمره روحانی را که به انسان های عادل و پارسا می رسد، درک نمی کنند. اگرچه، در حالی که در کلیسا هستند، کسانی که با روح زندگی می کنند به آنها کمک می کنند تا فیض و زندگی از دست رفته خود را بازیابند، و آن میوه ها را می گیرند، که در آن شکی نیست که آنها را تجربه کرده اند که به کلی از کلیسا جدا شده اند.

27 Gracia gratis sduantta, c oemtm ucneitear.a هدیه خدا به کل کلیسا

در واقع، آن هدایایی که مردم را نزد خدا عزیز و صالح می کند، رایج نیستند. امّا فیض هایی نیز به صورت بلاعوض داده می شود که از جمله آنها می توان به علم، نبوت، عطای زبانها و معجزات و بقیه از این دست اشاره کرد. هدایایی که حتی به افراد شرور نیز داده می شود، نه برای خصوصی، بلکه به خاطر منافع عمومی، برای ساختن کلیسا. زیرا فیض سلامتی نصیب کسی نمی‌شود که به آن عطا می‌شود، بلکه به بیمار برای مراقبت از بیمار می‌رسد. و بالاخره هیچ چیز در اختیار یک مرد واقعاً مسیحی نیست، که او نباید آن را با بقیه بشریت مشترک بداند. بنابراین آنها باید آماده و آماده باشند تا بدبختی را از بین ببرند. زیرا هر که به چنین کالایی آراسته شود، اگر ببیند که برادرش نیازمند است و نزد او نیامد، او چارهی‌بتائن2mt خداست، snaotnis hcaobnesrtea t,p l aenoes, c (
oqnuvii n icni t uhra.c Qsaunacet niceouaunt a qsaunacet a qsaunaceet یک خوشحالی خاص، و من واقعاً می توانم آن را بگویم3):

') رام. 12، 4. اول کور. 12، 28. افس. 4, 16. 17 ،3 .I. lo. (s. ") ص 83، 2. 3. -5

«ای خداوند صبایوت، خیمه‌های تو چقدر محبوب هستند. و: "خوشا به حال آنها که در خانه تو ساکن هستند، خداوندا."

## فصل یازدهم.

### در مقاله دهم

### بخشش گله

1. چگونه لازم است باور کنیم که در کلیسا بخشش گناهان وجود دارد.

هیچ کس وقتی می بیند که این ماده در مورد آمرزش گناهان در ردیف سایر اصول ایمان قرار گرفته است، شک کند که نه تنها برخی از رازهای الهی را حل می کند، بلکه شامل آنچه برای رسیدن به رستگاری بسیار ضروری است نیز می باشد. زیرا قبلاً اعلام شده بود که بدون ایمان قطعی کسانی که پیشنهاد می‌شود به این نماد اعتقاد داشته باشند، دسترسی به تقوای مسیحی برای هیچ‌کس باز نیست. اما اگر آنچه را که باید به خودی خود برای همگان بدانند، با شهادتی تأیید می شود، کافی است که نجات دهنده ما اندکی قبل از عروج خود به آسمان، هنگامی که فهم را به روی شاگردان گشود، در این مورد شهادت داد، تا آنها کتاب مقدس را درک کنند، او گفت: «مسیح باید رنج بکشد، و گناهکار از مردگان برخاسته و برای آن روز سوم عذاب ') : „ قیام کند و به خاطر گناه و عفو در روز سوم پشیمان شود به نام او به همه ملت‌ها، از اورشلیم شروع می‌شود.» اگر کشیش‌ها به این سخنان توجه کرده بودند، به راحتی می‌فهمیدند، در حالی که بقیه چیزهایی که مربوط به دین است، باید به مؤمنان تحویل داده شود، و سپس، به‌ویژه، که خداوند برای توضیح دقیق این مقاله ضرورت بزرگی بر آنها گذاشته است.

II. در کلیسا قدرت واقعی برای بخشش گناهان وجود دارد.

بنابراین این وظیفه کشیش محله در رابطه با این مکان خواهد بود.

آموزش این که نه تنها بخشش گناهان در کلیسای کاتولیک یافت می شود. که اشعیا باب 2 را پیشگویی کرده بود: "مردمی که در آن ساکن هستند، گناهشان از ایشان گرفته شود." همچنین گفته است که قدرت بخشش گناهان در آن است. اگر کاهنان از آنها به درستی و طبق قوانینی که مسیح خداوند تجویز کرده است استفاده کنند، باید باور کرد که گناهان واقعا بخشیده و بخشیده می شوند.

III. به این دلیل گناهان در کلیسا بخشیده می شوند. اما این عفوها، زمانی که برای اولین بار اظهار ایمان می کنیم و در غسل تعمید مقدس شسته می شویم، آنقدر به ما داده می شود که هیچ چیز یا

») لوقا 24، 46. دنباله. I. 1, 29. است. 53، 5. دنباله. ») 33، 24. آیو. 20، 23

تقصیر باید از بین برود، خواه در اصل عقد بوده باشد یا آنچه به اراده خود ترک یا مرتکب شده باشد، یا با تأدیه جزای نقدی باقی بماند. اما با فیض تعمید هیچ کس از هر ناتوانی طبیعت رها نمی شود. بلکه زمانی که هر کس باید با انگیزه هوسبازی مبارزه کند، که هرگز ما را به گناه تحریک نمی کند: به ندرت کسی را خواهید یافت که یا آنقدر مقاومت کند، یا آنقدر هوشیارانه از سلامتی خود محافظت کند تا بتواند از بلاهای مهلک اجتناب کند.

IV. علاوه بر غسل تعمید، آمرزش گناهان در کلیسا با قدرت کلیدها نشان داده می شود.

بنابراین، هنگامی که لازم بود، باید در کلیسا قدرتی وجود داشته باشد که گناهان را ببخشد، به دلیل دیگری غیر از آیین غسل تعمید: کلیدهای ملکوت آسمان به آنها سپرده شده بود، که برای هر توبه کننده ممکن بود، حتی اگر تا آخرین روز زندگی خود گناه کرده بود، گناهانش بخشیده شود. ما روشن ترین شواهد آن را در نوشته های مقدس داریم; زیرا در سنت متی، خداوند به پطرس چنین صحبت می کند: "کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می دهم و هر چه بر روی زمین ببندی، در آسمان نیز بسته خواهد شد" و "هر چه بر روی زمین بگشایی، در آسمان نیز گشوده خواهد شد." بند دوم: « هر چه در زمین ببندید در آسمان بسته می شود و هر چه در زمین بگشایید در آسمان نیز گشوده می شود». سپس جان قدیس (3) شهادت می دهد که خداوند، هنگامی که در حواریون دمید، گفت: "روح القدس را دریافت کنید، گناهان آنها را می بخشید، آنها آمرزیده می شوند و گناهان آنها را که نگه دارید، حفظ می شوند."

5- قدرت بخشش گناهان محدود به گناهان و اوقات خاصی نیست.

همچنین نباید تصور کرد که این قدرت با انواع خاصی از گناهان تعریف شده است. زیرا هیچ عمل شرورانه ای را نمی توان پذیرفت یا تصور کرد که کلیسای مقدس قدرت بخشش آن را ندارد. از آنجا که هیچ کس آنقدر گستاخ و جنایتکار نبوده است، 4) که اگر واقعاً از خطاهای خود پشیمان شود، امیدی به عفو او نباشد. اما همین قدرت نیز چنان محدود نیست که استفاده از آن فقط در زمان از پیش تعیین شده مجاز باشد. زیرا در هر ساعتی که گناهکار بخواهد سلامتی خود را بازگرداند، نجات دهنده ما تعلیم داد که نباید او را طرد کرد، هنگامی که وقتی شاهزاده رسولان از او پرسیدند که گناهکاران چند بار یا هفت بار باید آمرزیده شوند، او پاسخ داد: "نه هفت بار، بلکه تا هفتاد و هفت بار."

») مت. 16، 19. 2) 18، 18 .Id. «) آیو. 20، 22. *) است. 1، 18- عز. 18، 21. س) مت. 18، 22

6. همه مسیحیان حاضر نیستند گناهان خود را ببخشند

درست است که اگر به وزرای این قدرت الهی نگاه کنیم، کمتر دیده می شود. زیرا خداوند قدرت چنین منصب مقدسی را به همه نداد، بلکه فقط به اسقف ها و کشیشان داد. در مورد اعمال قدرت او نیز باید به همین امر توجه کرد; زیرا به وسیله ی مقدسات، اگر شکل آنها حفظ شود، می توان گناهان را بخشید. در غیر این صورت، هیچ حقی به کلیسا داده نشد که تاوان گناهان کلیسا را بپردازد. از آن نتیجه می‌شود که هم کاهنان و هم آیین‌های مقدس به عنوان ابزاری برای آمرزش گناهان مؤثر هستند، که به وسیله آنها مسیح خداوند، که خود خالق و بخشنده نجات است، آمرزش گناهان و عدالت را در ما به ارمغان می‌آورد.

VII. چقدر عطای c ornecmeiststume.n از دردهای گناهان کلیسا است

اما برای اینکه مومنان نسبت به این موهبت آسمانی که به واسطه رحمت منحصر به فرد خداوند به کلیسا به ما عطا شده، مشکوک تر شوند و با غیرت پرهیزگارانه تر به استفاده و رسیدگی به آن نزدیک شوند، کشیش تلاش خواهد کرد تا کرامت و وسعت این فیض را به نمایش بگذارد. اما از اینجا به وضوح دیده می شود که اگر فضیلت آن بخشش گناهان و صالح ساختن مردم از ظالمان است، به دقت بیان شده باشد. زیرا توافق شده است که این امر با قدرت بی‌پایان و بی‌نهایت خداوند محقق شد، که به اعتقاد ما برای زنده کردن مردگان و در آفرینش جهان ضروری است. اما حتی اگر، همانطور که نظر آگوستین1) تأیید شود، می‌توان آن را کاری بزرگ‌تر تلقی کرد که کسی را از شرور پارسا ساختن، تا ایجاد آسمان و زمین از هیچ، زیرا خود آفرینش تنها می‌تواند از قدرت نامحدود وجود داشته باشد: نتیجه این است که بخشش گناهان بسیار بیشتر به قدرت نامحدود نسبت داده می‌شود.

هشتم. هیچ کدام اما تنها موضوع mDiettuimt. با اختیار خودش گناه می کند

از این رو ما تصدیق می کنیم که سخنان پدران باستان بیش از همه صادق است، که در آنها اعتراف می کنند که گناهان انسان ها توسط خدای یگانه بخشیده شده است، و چنین اثر شگفت انگیزی جز به نیکی و قدرت عالی او به هیچ نویسنده دیگری ارجاع داده نشده است. خود خداوند 2) از طریق پیامبر می فرماید: «من هستم که گناهان شما را محو می کنم». زیرا به نظر می رسد بخشودگی جنایات همان دلیلی است که باید در پول نگهداری شود. بنابراین، همانگونه که پولی که بدهکار است را کسی جز طلبکار نمی‌تواند حواله کند.

ل) در جو. تراکت 72. ») است. 43، 2o.

را بفرست D ')، ,, اگر مقید به گناه هستیم، هر روز برای آمرزش دعا می کنیم
بدهی‌های ما به ما» روشن است که جز او کسی نمی‌تواند بدهی‌های ما را ببخشد.

9 قدرت بخشش گناهان قبل از تولد مسیح به هیچ فانی اعطا نشد.

این مقام تحسین برانگیز و الهی، قبل از اینکه خداوند انسان شود، به هیچ طبیعت مخلوقی داده نشد. اولین نجات دهنده ما، مسیح، به عنوان یک انسان، که همان خدای واقعی بود، این مقام را که از پدر آسمانی واگذار شده بود، دریافت کرد. او گفت: «تا بدانی، چون پسر انسان بر روی زمین قدرت دارد که گناهان را ببخشد، به فلج گفت: برخیز، بار خود را بردار و به خانه خود برو.» از این رو، هنگامی که انسان شد، برای اینکه این آمرزش گناهان را به انسانها عطا کند، قبل از اینکه به آسمان عروج کند، تا برای همیشه در دست راست خدا بنشیند، این قدرت را به اسقف ها و کشیشان در کلیسا اعطا کرد، اگرچه، همانطور که قبلاً آموزش دادیم، مسیح با اختیار خود، دیگران به عنوان خادمان او، گناهان را می بخشند. حال، اگر ما باید چیزهایی را که با قدرت بی‌نهایت انجام می‌شود تحسین کنیم و به آن نگاه کنیم، به خوبی می‌فهمیم که این گرانبهاترین هدیه‌ای است که با مهربانی مسیح خداوند به کلیسا داده شده است.

10. مردم به چه فضیلتی آمرزش گناهان خود را به دست می آورند \

اما همان دلیلی که خدای مهربان ترین پدر جهان تصمیم به محو گناهان جهان گرفته است، ذهن مؤمنان را به شدت برانگیخته خواهد کرد تا در عظمت این خیر تأمل کنند. زیرا او مایل بود تا با خون پسر یگانه خود تاوان جنایات ما را بپردازد، تا مجازات گناهانمان را بپردازد، و عادل در برابر ظالمان محکوم شود، و بی‌گناه برای مجرمان به مرگی دردناک مبتلا شود. پس بیایید با دل فکر کنیم که نه با طلا و نقره فاسد، بلکه با خون گرانبهای بره بی لک و بی آلایش مسیح نجات یافته ایم: بیایید به راحتی تصمیم بگیریم که هیچ چیز سالم تر از این قدرت بخشش گناهان برای ما اتفاق نیفتاده است که نشان دهنده مشیت غیرقابل توضیح خدا و خیرخواهی عالی است. و از این اندیشه باید بزرگترین میوه به همه برسد.

XI. این به وضوح در بزرگی مزایای ارائه شده در کنترل کلیدها مشاهده می شود.

زیرا هر کس که خدا را با هر گناه فانی آزار دهد، هر آنچه که از مرگ و صلیب مسیح به دست آورده است، فوراً ورود به بهشت را که قبلاً توسط سایمت مسدود شده بود، از دست می دهد. 6، 12. «) مت. 9، جی. مارک.

2، 9. «) I. Pet. 3, 18. «) I. Peter, 1, 18. seq

رهنمای ما با شور و شوقش برای همه روشن کرده است، حرام است. در واقع، وقتی به ذهن می‌رسد، نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن بدبختی انسان که ما را عمیقاً نگران کرده است، این کار را انجام دهیم. اما اگر ذهن خود را به این قدرت تحسین برانگیز که از جانب الهی به کلیسا عطا شده است برگردانیم، و با تأیید ایمان این مقاله، به فرصتی که برای هر یک از آنها ارائه می‌شود ایمان داشته باشیم تا با کمک الهی به شرافت سابق خود بازگردد. اما پس از آن مجبوریم با بیشترین شادی و شادی شادی کنیم و خدا را شکر جاودانه به جای آوریم. و به راستی، اگر داروهایی که به وسیله هنر و صنعت پزشکان برای ما تهیه می‌کنند، در هنگام ابتلا به بیماری سخت، معمولاً خوشایند و خوشایند دیده می‌شوند، چه‌قدر باید آن‌ها خوشایندتر باشد که حکمت خداوند برای معالجه‌ی جان‌ها و از این رو برای ترمیم زندگی قرار داده است. هنگامی که، بالاتر از همه، حتی یک امید مشکوک به رستگاری وجود ندارد، به طوری که داروهایی که برای بدن استفاده می شود، اما مطمئن ترین نجات را برای کسانی که می خواهند شفا پیدا کنند، به ارمغان می آورد؟

XII. چرا و چگونه درمان در قدرت کلیدهای کلیسا باید توسط مسیحیان تکرار شود.

بنابراین، آنها وفادار خواهند بود که پس از شناخت شأن چنین مقام عالی و عالی، توصیه کنند که آن را نیز به نفع دینی خود تبدیل کنند. زیرا به سختی می توان انجام داد که کسی که از چیز مفید و ضروری استفاده نمی کند، آن را تحقیر نمی کند، به ویژه که خداوند این قدرت بخشش گناهان را در آن موضوع به کلیسا داده است تا همه از این داروی مفید استفاده کنند. زیرا همانطور که هیچ کس نمی تواند بدون غسل تعمید کفاره دهد، هر که می خواهد فیض غسل تعمید از دست رفته در جنایات مرگبار را باز یابد، باید به آن نوع کفاره، یعنی آیین توبه پناه برد. اما در این مکان مؤمنان باید اندرز داده شوند، مبادا با فراهم کردن چنین امکان وسیعی برای بخشش، که ما اعلام کرده‌ایم با اصطلاح بی‌موقع تعریف می‌شود، گناهشان آسان‌تر یا در توبه کندتر شود. زیرا در دیگری، وقتی ستمکاران و اهانت کنندگان آشکارا گرفتار این قدرت الهی می شوند، بی لیاقت هستند که خداوند رحمت خود را به آنها ارزانی می دارد. اما در مورد دیگر، بسیار باید ترسید که مبادا درگیر مرگ، بیهوده به آمرزش گناهانی که با کندی و به تعویق انداختن آن را سزاوار از دست دادند، اعتراف می کردند.

## فصل دوازدهم.
## در مقاله یازدهم.
## رستاخیز جسم.

/. تا آنجا که گزارش این t iaornteimc.u، شناختی را بررسی کرده اند.

قدرت عظیم این مقاله در تثبیت حقیقت ایمان ما را این واقعیت نشان می دهد که حروف الهی نه تنها برای ایمان آوردن مؤمنان مطرح شده است، بلکه دلایل بسیاری نیز تایید شده است. در واقع، وقتی به سختی شاهد انجام آن در سایر مقالات نماد هستیم، می توان فهمید که این، همانطور که بود، بر محکم ترین پایه امید ما به نجات استوار است. زیرا همانطور که رسول می گوید: "اگر رستاخیز مردگان نباشد، مسیح نیز قیام نکرده است، زیرا اگر مسیح قیام نکرده باشد، موعظه ما پوچ است و ایمان شما نیز پوچ است." کشیش در توضیح آنچه که در جریان است، تلاش و کوششی کمتر از آنچه در سرنگونی بی تقوای بسیاری انجام داده است، نخواهد کرد. زیرا اندکی بعد نشان داده خواهد شد که مزایای بزرگ و عالی از آن دانش به میوه مومنان سرازیر می شود.

II. چرا رسولان رستاخیز انسانها را در اینجا رستاخیز جسم نامیدند؟

اما توجه به این نکته در وهله اول ضروری خواهد بود که معاد انسان در این مقاله، معاد جسم نامیده می شود. این کار بدون دلیل انجام نشد. زیرا رسولان می خواستند آنچه را که باید در نظر گرفته شود، تعلیم دهند که روح فناناپذیر است. چرا هیچ کس نباید تصور کند که همراه با بدن کشته شده است، بلکه هر دو زنده شده اند، زیرا در بسیاری از قسمت های ادبیات مقدس به وضوح ثابت شده است که روح جاودانه است: به همین دلیل فقط زنده شدن بدن در مقاله ذکر شده است. و گرچه اغلب در کتاب مقدس کل انسان گوشت است، همانطور که در اشعیا 2 آمده است: «همه بدن یونجه است» و در سنت یوحنا 3: «و کلمه جسم شد»، به این معناست: با این حال در این مکان کلمه گوشت بدن را اعلام می کند، به طوری که ما می دانیم که تنها از دو قسمت، روح و بدن، که نام دیگر انسان فاسد است، باز می گردد. غبار زمینی که از آن متراکم شده است، در حالی که روح ناپاک می ماند. اما هنگامی که هیچ کس، مگر اینکه مرده باشد، زنده نمی شود، به درستی گفته می شود که روح دوباره زنده می شود. همچنین به منظور رد آن «بدعتاپرست» که در رسول زنده « هیمنئوس و

M 1. Cor. 15، 13. 14. 4 .14 ،1 .اینک « .6 ،40 .است) II. دنباله .17 ،2 .تیم

فیلتی بود" که اظهار داشت که وقتی در کتاب مقدس از معاد صحبت می شود، باید آن را نه جسمانی، بلکه به عنوان یک رستاخیز روحانی در نظر گرفت که به وسیله آن فرد از مرگ گناه به زندگی بی گناهی برمی خیزد. بنابراین، با این کلمات آشکار می شود که خطا برطرف می شود و رستاخیز واقعی

بدن تأیید می شود.

این بخشی از کشیش خواهد بود که این حقیقت را با نمونه هایی برگرفته از عهد عتیق و جدید و از تمام تاریخ کلیسایی نشان دهد. زیرا برخی توسط الیاس و الیشع در عهد عتیق، برخی دیگر به جز کسانی که مسیح خداوند از مرگ برخیزانده بودند، توسط رسولان مقدس و بسیاری دیگر به زندگی بازخوانده شدند. که رستاخیز بسیاری مؤید آموزه این مقاله است. زیرا همانطور که معتقدیم بسیاری از مرگ برخیزانند، باید باور کنیم که همه زنده خواهند شد. علاوه بر این، مهمترین ثمره ای که ما باید از چنین معجزاتی بگیریم این است که نهایت اعتبار را به این مقاله بدهیم. شهادت های زیادی وجود دارد که کشیشانی که به طور متوسط در نوشته های مقدس تسلط دارند به راحتی با آنها روبرو می شوند. اما در عهد عتیق نیز آیات برجسته‌تری وجود دارد که در ایوب خوانده می‌شود، وقتی می‌گوید: "او خدای خود را در جسم خود خواهد دید." و در دانیال 2)، "از کسانی که در خاک زمین می خوابند، برخی برای زندگی ابدی بیدار خواهند شد، و برخی دیگر برای سرزنش ابدی." و در عهد جدید، که متی قدیس 3) در مورد بحثی که خداوند با صدوقیان داشت نقل می کند. علاوه بر این، آنچه انجیلیان در مورد آخرین داوری می گویند. و در اینجا نیز باید به آنچه که (Apo-srtaotlau s r a atdi o nCeo r idnistsheirouist4 و تسالونیکی ها 6) می نویسند، ارجاع داد.

IV. با این تشبیهات ممکن است همان حقیقت ثابت شود.

اما اگر چه این امر با ایمان بسیار مسلم است، اما هنوز هم مفید خواهد بود که با مثالها یا دلایل نشان دهیم که آنچه ایمان برای باور کردن پیشنهاد می کند از طبیعت یا از هوش ذهن انسان بیزار نیست. پس رسول به سئوال پاسخ داد که مردگان را چگونه زنده کرد: ای احمق، آنچه می کاری زنده نمی شود مگر اینکه اول بمیرد و آنچه می کاری بدن نیست که در آینده می کاری، بلکه دانه ای لخت است، مثلاً از گندم یا چیز دیگری، ولی خداوند آن را می دهد که بعداً بدنی می دهد و من می گوید: فساد، در فساد افزایش خواهد یافت." گریگوری نشان می دهد 7) : ') ایوب. 19، 26. ") 2 ،Dan. 12. ") مت. 22، 23. یوحنا 5، 25-29. ) اول قرن. 15، 1: 2. ") اول تز. 4، 13. ") اول کور. 15، 36. بعد. ') اخلاق. کتاب 14. ج 55.

او می‌گوید: «چرا که نور هر روز از چشم‌ها دور می‌شود که گویی می‌میرد، و دوباره به یاد می‌آید که گویی در حال طلوع است، و علف‌های هرز حرارت خود را از دست می‌دهند، و دوباره بازمی‌گردند که گویی بالا می‌آیند، و دانه‌ها با پوسیدگی می‌میرند، و با جوانه زدن دوباره برمی‌خیزند». 5. دلایلی که به وسیله آنها همین حقیقت تأیید می شود.

علاوه بر این، دلایلی که توسط نویسندگان کلیسایی ارائه شده است، ممکن است به اندازه کافی برای اثبات موضوع به نظر برسد. و در وهله اول، از آنجا که ارواح فناناپذیرند و به عنوان بخشی از انسان تمایل طبیعی به بدن انسان دارند، باید جدا از طبیعت، دائماً جدا از بدن خود باقی بمانند. از آنجا که، در واقع، آنچه که با طبیعت مخالف است، و خشونت آمیز است، نمی تواند طولانی مدت باشد. که از آن نیز نتیجه می شود که قیامت بدن باید اصلاح شود. در واقع این همان استدلالی است که منجی ما از آن استفاده کرد، هنگامی که در بحث علیه صدوقیان، از جاودانگی ارواح به رستاخیز اجساد نتیجه گرفت. سپس، گرچه مجازات بدکاران و پاداش نیکوکاران از سوی عادل ترین خدا مطرح شده است، اما بیشترین تعداد آنها قبل از پرداخت کیفرهای لازم، اکثراً بدون هیچ علاقه ای به ثواب فضیلت از زندگی خارج می شوند. کریسوستوم 2) در موعظه خود به مردم انطاکیه به این قسمت بسیار دقت کرد. چرا رسول وقتی در مورد معاد بحث می کرد *) می گوید: "اگر در این زندگی فقط به مسیح امیدوار باشیم، از همه مردم بدبخت تر هستیم." در واقع، هیچ کس فکر نمی کند که این کلمات اشاره به بدبختی روح دارد، که اگرچه فناناپذیر است، اگرچه بدن دوباره برنمی خیزد، اما همچنان می تواند در زندگی آینده از خوشبختی برخوردار شود: آنها واقعاً باید از کل انسان درک شوند. زیرا تا ثواب بدن برای زحماتش داده نشود، لازم است کسانی که مانند رسولان این همه سختی ها و بلاها را در زندگی متحمل شده اند از همه بدبخت تر باشند. اما او همان چیز را بسیار آشکارتر به تسالونیکیان در این کلام 4 تعلیم می دهد: «ما در کلیساهای خدا به خاطر صبر و ایمان شما، در تمام جفاها و مصیبت هایتان که به عنوان نمونه ای از داوری عادلانه خدا متحمل می شوید، جلال می گیریم، تا در ملکوت خدا لایق شوید، اگر کسانی را که عادلانه به خدا مجازات می کنید، جزا می دهید: تو و به تو که عذاب می‌کشی

ل) مت. 22، 31. ») روم. 1. » ) I Cor. 15، 19. *) II. Thes. 1، 4-8

94

او با ما در مکاشفه عیسی خداوند از آسمان همراه با فرشتگان قدرت خود در شعله آتش بود و از کسانی که خدا را نمی شناسند و انجیل خداوند ما عیسی مسیح را اطاعت نمی کنند انتقام می گیرد. مفقود است که معاد بدن لازم است.

6. در این صورت مردی یافت نمی شود که از مرگ و قیامت بی خبر باشد.

علاوه بر این، توضیح دقیق از آموزه رسول، که باید زنده شوند، ضروری خواهد بود. زیرا، در نوشتن به قرنتیان 1: " همانطور که در آدم،" او می گوید، "همه می میرند، همچنین در مسیح همه زنده خواهند شد." بنابراین، با حذف تمام تمایز بین خیر و شر، همه از مردگان برمی خیزند، اگرچه همه شرایط یکسانی ندارند. اما وقتی می‌گوییم «همه»، منظور هم کسانی است که در داوری آینده مرده‌اند و هم کسانی که خواهند مرد. برای این جمله، که تأیید می کند که همه خواهند مرد، به جز هیچ،، کلیسا باید موافقت کند، و خود جمله با حقیقت سازگارتر است، توسط سنت جروم نوشته شده است. سنت آگوستین نیز همین احساس را دارد. همچنین سخنان رسول به تسالونیکیان با این عقیده ناسازگار نیست: «مردگانی که در مسیح هستند، ابتدا برمی خیزند، سپس ما که زنده هستیم، که جا مانده ایم، با آنها در ابرها گرفته می شویم تا مسیح را در هوا ملاقات کنیم». زیرا قدیس آمبروز در توضیح آنها چنین می گوید: "در خود رستاخیز، مرگ خواهد آمد؛ و گویی از طریق خواب، به طوری که روح برگذشته در یک لحظه بازگردانده می شود؛ زیرا هنگامی که آنها را می برند، خواهند مرد؛ به طوری که وقتی به خداوند رسیدند، حضور خداوند ارواح را خواهد پذیرفت، زیرا آنها نمی توانند با خداوند مرده باشند." همان sen- tceinvittiaat e c oDmepi.r obatur of Saint Augustine6) به اعتبار کتاب .VII دقیقاً همان بدنی را که روح انسان در آخرین قضاوت دریافت خواهد کرد.

اما وقتی او مطالب زیادی را بیان می‌کند، مطمئناً متقاعد می‌شویم که همین بدن و بنابراین همان جسم، که خاصیت هر یک است.» 15.') 22.0 2 .C o r. q Le s،

210). I. 5, 29. s) Ep. 119.") de civit. Dei 20, 20. *) I. Thes.

این بود که اگرچه خراب شد و به خاک بازگشت، هنوز باید زنده می شد، این نیز کشیش متعهد می شود که دقیقاً توضیح دهد. این نظر رسول است که می فرماید: «لا یجب هذه مفسد فی الفساد» به روشنی به این بدن شایسته با آن کلمه اشاره می کند. لوب نیز به روشنی درباره او نبوت کرد2: «و در جسم خود» گفت: «خدا را خواهم دید که خود او را خواهم دید و چشمان من و هیچ کس دیگری را نخواهند دید». از خود تعریف معاد نیز همین مطلب جمع مي شود; زیرا رستاخیز، توسط نویسنده دمشق، 3) یادآوری است به حالتی که از آن سقوط کردید. در نهایت، اگر اندکی پیش از این به دلیلی که به قیامت آینده اشاره شد، توجه کنیم، چیزی نیست که ذهن کسی را در این موضوع به شک و تردید وا دارد.

هشتم. به همین دلیل رستاخیز اجسام از نظر الهی نهادینه شده است.

و به همین دلیل تعلیم دادیم که بدنها را بیدار کرد4)، «تا هرکس به حسب کاری که کرده است، چه خوب و چه بد، خواص بدن را گزارش کند». بنابراین، انسان باید از همان بدنی که کارهایش را به خدا یا شیطان خدمت کرده است دوباره برخیزد تا با همان بدن تاج های پیروزی و ثواب به دست آورد یا به بدترین مجازات ها و مجازات ها مبتلا شود.

9 اجسام در چنین زندگی منقبض می شوند نه تغییر شکل

در واقع، نه تنها بدن قیام خواهد کرد، بلکه هر آنچه مربوط به حقیقت آن فطرت، و به زیبایی و زینت انسان است، باید احیا شود. شهادت عالی قدیس آگوستین را در این باره می خوانیم: «محیل پس رذیله در بدن وجود دارد؛ اگر برخی چربی و چاق بیشتری داشته باشند، وزن کل بدن را بر عهده نمی گیرند؛ اما آنچه که بیش از آن شرط باشد، زائد تلقی خواهد شد، و هر چه بیماری یا پیری در بدن انجام داده باشد، به وسیله مسیح اصلاح خواهد شد، زیرا اگر برخی از قدرت الهی به واسطه مسیح، چربی آنها نبود، به واسطه اراده خداوند، چاقی ترمیم خواهد شد. بدن را به ما برگردان، اما آنچه را که در بدبختی این زندگی از ما گرفته شده است.» همین طور در جای دیگر: «مردی موی را که دارد پس نمی گیرد، بلکه آن موهایی را که برازنده است، بر این اساس: «کل موی سرت شمرده است» که به حکمت الهی باید اصلاح شود، «اولاً چون اعضا متعلق به حقیقت فطرت انسان است، همه چیز باید در یک زمان احیا شود. برای کسانی که یا از همان بدو تولد چشمانشان گرفتار چشمانشان شده است یا در اثر بیماری نور خود را از دست داده اند، باید دهانشان را ببندند و کاملاً بخورند و در هر یک از اعضای خود با قلبی کامل و کامل ناتوان شوند.

» ( « d)e M faitd.e o1r0,t h o30d.o x. 4, 27. >) 10 ,5 .کور. .دوم-.
*) de' ) c i Iv.i t C.o r D.e i 1 5 ,2 ? 5, 3 .1 9 -»2)1. Io b .E n c1h9i, r .2 6. 8 9s.e qs.eq

آنها دوباره بلند خواهند شد زیرا در غیر این صورت اشتیاق روح که تمایل به پیوند بدن دارد، به هیچ وجه ارضا نمی شود، اما بدون شک معتقدیم که آرزوی آن در قیامت برآورده می شود. علاوه بر این، کاملاً واضح است که معاد همراه با خلقت در زمره کارهای اصلی خداوند به شمار می رود. بنابراین، همانطور که در آغاز خلقت، همه چیز توسط خداوند کامل شد، در قیامت نیز باید آینده را کاملاً تأیید کنیم.

X. شهدا با اجساد c aitnrtiecgersi s g ersetsaubrugnetn.t es، در آنها ci-

این فقط در مورد شهدا قابل قبول نیست، که آگوستین قدیس چنین شهادت می دهد: "آنها بدون اعضای خود نخواهند بود." زیرا آن مثله نمی تواند نقص بدنی باشد، در غیر این صورت کسانی که سر بریده شده اند باید دوباره بدون سر برخیزند: با این وجود، زخم های شمشیری که بر تمام طلاها و سنگ های قیمتی می درخشد، مانند زخم های مسیح، در آن اندام برجسته می شود.

XI. حتی اجساد مثله شده شریران نیز دست نخورده در اینجا برمی خیزند. این در مورد تقوایان نیز به درستی گفته می شود، هر چند به تقصیر آنها اعضای بدنشان قطع شده باشد. هر چه تعداد اعضا بیشتر باشد، شکنجه دردهایشان تلخ تر خواهد بود. از این رو آن ترمیم اعضا برای خوشبختی آنها نیست، بلکه برای مصیبت و بدبختی است، زیرا شایستگی نه به خود اعضا، بلکه به شخصی که به بدن او ملحق شده اند نسبت داده می شود. برای کسانی که توبه کرده اند، به عنوان پاداش; اما کسانی که آن را تحقیر کرده اند به اعدام باز می گردند. به راستی که اگر موبدان به این امور دقت کنند، هیچ گاه چیزها و جملات فراوانی برای برانگیختن و شعله ور ساختن دلهای مؤمنان به تقوا کم نخواهند داشت تا با اندیشیدن به مصائب و مصائب این زندگی، مشتاقانه در انتظار آن شکوه مبارک قیامت که برای عادل و پرهیزگاران است، باشند. XII. اجساد مردان، پس از برخاستن، همانطور که هستند

اکنون چنین نتیجه می‌شود که اگر به چیزهایی که ماده بدن را تشکیل می‌دهند، مؤمنان می‌توانند بفهمند، اگرچه همان بدن را باید از مردگانی که قبلاً منقرض شده بود، بازخوانی کرد: با این حال در وضعیت بسیار متفاوت و متفاوتی خواهد بود. زیرا اگر بقیه را کنار بگذاریم، اجساد زنده شدگان همگی از این جهت با خودشان تفاوت دارند، که در حالی که قبلاً مشمول قوانین مرگ بودند، پس از زنده شدن، و از بین رفتن تمایز خیر و شر، جاودانه می‌شوند.» 362. ج. 9"

همان گونه که شهادت نوشته های مقدس به ما یادآوری می کند، با پیروزی چشمگیر مسیح، که او از مرگ بازگرداند، چه بازسازی تحسین برانگیزی از طبیعت حاصل شد. زیرا در 1 نوشته شده است: "او مرگ را برای همیشه تسریع خواهد کرد." و در جای دیگر 2): «مَا يَمْتَنِعْ أَيْمَتِ» توضیح می دهد که رسول 3 می فرماید: «می دانم که مرگ از دشمن نابود می شود». و در سنت جان 4 می خوانیم: "مرگ دیگر نخواهد بود." اما بسیار مناسب بود که با شایستگی مسیح خداوند، که به وسیله آن سلطه مرگ سرنگون شد، بر گناه آدم با مسافتی طولانی غلبه شود. همین امر مطابق عدل الهی نیز بود تا نیکوکاران برای همیشه از زندگی سعادتمندانه برخوردار شوند، در حالی که بدها و کیفرهای جاودانه «مرگ می‌جویند و نمی‌یافتند: آرزو می‌کردند بمیرند و مرگ از آنان می‌گریخت». و به راستی که این جاودانگی بین خوبان و بدها مشترک خواهد بود.

سیزدهم بعد از قیامت بدن مبارک با چنین هدایایی آراسته می شود.

علاوه بر این، مقدسین دارای بدن های برجسته و زیور آلات باشکوهی خواهند بود که به موجب آن در آینده بسیار نجیب تر از همیشه خواهند بود. اما چهار چیز اصلی وجود دارد که به آنها وقف گفته می شود، از تعالیم رسول که توسط پدران رعایت شده است. اولین آن بی حوصلگی است، یعنی وظیفه و موهبتی که باعث می شود مصیبت زده دچار هیچ گونه درد و ناراحتی نشود. به هیچ وجه، نه نیروی سرما، نه گرمای شعله، و نه هجوم آب ها، نمی توانند در برابر آنها مقاومت کنند. رسول 6 می گوید: «کاشته می شود، در فساد، در فساد قیام می کند». حال دلیل اینکه علما آن را به جای عدم فساد نامیدند، این بود که ممکن است دلالت کنند بر آنچه که برای بدن شکوهمند است. زیرا بی‌حوصلگی آن‌ها با لعنت‌شدگانی که بدن‌های‌شان فاسد نشدنی است، مشترک نیست، اما می‌تواند گرم شود و از بین برود و تحت تأثیر شکنجه‌های مختلف قرار گیرد. به دنبال آن درخشندگی اجساد اولیای الهی مانند خورشید می درخشد. زیرا نجات دهنده ما در متی قدیس شهادت می دهد: او ادامه می دهد: "عادلان، مانند خورشید در پادشاهی پدرشان خواهند درخشید. " و اینکه احدی در او شک نکند، به مصداق استحاله خود روشن کرد. گاهی رسول این جلال را فقط روشنایی می‌نامد: «او اصلاح می‌کند»، می‌گوید: «جسم خضوع ما به بدن جلال او منظوم است». و باز10): « نیمه فطرت در ذلت، قیام به جلال». قوم اسرائیل تصویر خاصی از این شکوه را در بیابان دیدند، زمانی که

') است. 25، 8. 2) Os. 13، 14 «) اول کور. 15، 26. ") مکاشفه 21، 4. «) مکاشفه 9، 6. <) I. یا.
15، 4L M 13 ،در (>' < 43. ") Ib. 17، 2. 9) Pbil. 3، 21 I. Cor. 15، 43. (<" .

98

از موسی 1) "از گفتگو و حضور خداوند چنان تابان شد که بنی اسرائیل نتوانستند چشم خود را به او خیره کنند. این درخشندگی در واقع نوعی درخشندگی است که از بالاترین

سعادت روح به بدن سرازیر می شود، به طوری که نوعی شراکت در آن سعادت وجود دارد که روح از آن برخوردار است، چگونه خود روح متبرک می شود، زیرا همه این سعادت بخشی از آن است. به همان اندازه که در ابتدا به این موهبت آراسته شده اند، در واقع، تمام بدن مقدسین به یک اندازه غیر قابل عبور خواهند بود، اما آنها درخشندگی یکسانی نخواهند داشت،

زیرا، همانطور که رسول شهادت می دهد: «درخشندگی دیگر خورشید، روشنایی دیگر ماه، و درخشندگی ستارگان دیگر است. زیرا ستاره از نظر درخشندگی با ستاره فرق می‌کند:

رستاخیز مردگان نیز.» با این موهبت ارتباط دارد که آن‌ها چابکی می‌نامند، که به وسیله آن بدن از باری که اکنون با آن فشار می‌آید رها می‌شود و می‌تواند به راحتی در هر جهتی که روح بخواهد حرکت کند، به طوری که هیچ چیز با آن حرکت سریع‌تر نمی‌شود: همانطور که قدیس آگوستین 3) به وضوح در کتاب چرا در شهر خدا تعلیم داد. رسول 5 می فرماید: «در ضعف کاشته می شود، در قوت قیام می کند، اما به اینها چیزی اضافه شده است که به آن لطافت گفته می شود، به موجب آن، بدن تابع اختیار روح می شود و به دستور او در دسترس خواهد بود: که با آن سخنان رسول نشان داده می شود: «بدن حیوانی، تقریباً در این ماده قیام می کند».

اما برای اینکه مؤمنان بدانند که از علم این همه اسرار چه ثمره‌ای می‌توانند درو کنند: قبل از هر چیز باید اعلام کنیم که بیشترین سپاس را از جانب ما بر خداست که این چیزها را از خردمندان پنهان کرده است (7) و آن را برای خردسالان آشکار کرده است. زیرا چه تعداد از مردان، یا از نظر احتیاط برجسته، یا دارای آموزه های منحصر به فرد، نسبت به این حقیقت مسلم کاملاً نابینا بوده اند؟ پس آنچه را که او به ما وحی کرد، که آرزوی فهم او روا نبود، این است که با ستایش همیشگی، عطوفت و رأفت او را گرامی بداریم. سپس آن ثمره بزرگ از مراقبه این مقاله به دست می آید، یعنی در مرگ کسانی که به واسطه رابطه یا خیرخواهی با ما متحد شده اند، به راحتی هم دیگران و هم خود را تسلیت می دهیم. بدیهی است که رسول از این نوع تسلیت استفاده می کرد، زمانی که به تسالونیکیان 8) د

') مثال 34 .29 .2 .7 ،3 .H. Cor) اول کور. 15، 41. ») 18 ،13 .Lib. و 20. 6 معادله. ') دیروز 4id،
1c2a.p. s e 4q0.. lib. 12. 6) 1 43 ،15 .قرن. «) ib. 15، 44.») 25 ،11 .مت. ») I. Thess.

هنگام خواب می نوشت. اما حتی در تمام مصیبت ها و مصیبت های دیگر، فکر رستاخیز آینده بزرگترین تسکین درد را برای ما به ارمغان می آورد، همانطور که با مثال قدیس ایوب آموخته ایم که روح مصیبت زده و اندوهگین خود را با این امید حمایت می کند که روزی خداوند خدای خود را در قیامت خواهد دید. علاوه بر این، این امر برای متقاعد کردن مردم مؤمن که باید با دقت هر چه بیشتر برای داشتن یک زندگی عادلانه، کامل و کاملاً پاک از هر گونه لک گناه، مراقبت کنند، ارزش زیادی خواهد داشت. زیرا اگر گمان می‌کردند که آن ثروت عظیمی که موجب قیامت می‌شود، به آنها پیشنهاد می‌شود، به آسانی جذب کار فضیلت و تقوا می‌شوند. از سوی دیگر، هیچ چیز برای درهم شکستن هوس‌های نفس و بازگرداندن انسان‌ها از جنایاتشان بیشتر از این نخواهد بود که مکرراً بدی‌ها و شکنجه‌هایی را که بدکاران در معرض آن قرار می‌گیرند یادآور شوند و در آن روز آخر به رستاخیز قیامت برسند.

## فصل سیزدهم.
## در مقاله دوازدهم. زندگی ابدی

/. اینکه چرا این بند ایمان در جایگاه آخر قرار گرفته و چقدر مرتبط است، باید مکرر برای مردم توضیح داده شود.

رسولان مقدس، رهبران ما، می خواستند نمادی که جمع ایمان ما در آن است بسته شود و با ماده حیات جاودانی خاتمه یابد، هم به این دلیل که بعد از رستاخیز جسم از مؤمنان جز پاداش زندگی ابدی انتظار دیگری نمی رود، و هم به این دلیل که سعادت کامل و انباشته شده با همه چیز باید همیشه در برابر چشمانمان باشد و ذهن خود را در نظر داشته باشیم. آن را چرا در تعلیم مومنان، کشیشان هرگز از برافروختن اذهان خود با پاداش های زندگی ابدی کوتاهی نمی کنند، به طوری که هر چه، حتی دشوارترین علت نام مسیحی را که به آنها می آموزند، آن را آسان و در نتیجه خوشایند می پندارند، و برای خدمت به خدا آماده تر و با غیرت بیشتر می شوند.

## II. در اینجا زندگی ابدی به چه معناست؟

اما از آنجایی که در زیر این کلمات که در این مکان برای اعلام خوشبختی ما به کار می رود، رازهای بسیاری در نهان پنهان است، باید به گونه ای باز شود که تا جایی که هر کدام

») شغل. 19، 26. دنباله. الف) من 5، 29

بگذار استعداد را تحمل کند تا به روی همه باز باشد.

بنابراین باید به مؤمنان یادآوری کرد که با این کلمات، «حیات ابدی»، بیش از جاودانگی سعادت که آرزوی سعادتمندان را برآورده می‌کند، به جاودانگی زندگی، که حتی شیاطین و مردان شریر نیز به آن معتاد هستند، دلالت نمی‌کند. و این چنین بود که متخصص شریعت فهمید: 1) کسی که در انجیل از خداوند منجی ما پرسید که برای به ارث بردن زندگی جاودان چه باید بکند. گویی می گفت: برای من چه باید کرد تا به جایی برسم که از سعادت کامل برخوردار شوم؟ از این جهت است که حروف مقدس این کلمات را می پذیرند، چنانکه در بسیاری از جاها دیده می شود.

III. چرا آن سعادت عالی با نام زندگی ابدی مشخص شده است؟

اما این سعادت عالی به این نام مهم خوانده شد، مبادا کسی گمان کند که شامل چیزهای جسمانی و فناپذیر است که نمی توانند ابدی باشند. زیرا همین صدای سعادت قادر نبود آنچه را که می خواستند به اندازه کافی توضیح دهد، مخصوصاً از آنجایی که هیچ کمبودی وجود نداشت، آغشته به عقیده پوچ حکمت خاصی، که بالاترین خیر را در چیزهایی قرار می داد که توسط حواس درک می شود. زیرا اینها از بین می‌روند و پیر می‌شوند، اما خوشبختی را نمی‌توان با هیچ دوره زمانی تعریف کرد. بلکه این چیزهای زمینی از سعادت واقعی دور است که تا حد امکان از آن دور می شود که مقید به عشق و آرزوی دنیاست. زیرا مکتوب است: «جهان را دوست نداشته باشید و نه آنچه را که در جهان است. اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در او نیست.» و اندکی بعد: «دنیا می گذرد و لقایش». از این رو، کشیشان اهتمام خواهند داشت که این چیزها را در اذهان مؤمنان جا بیاندازند تا چیزهای فانی را تحقیر کنند و در ذهنشان تلقین نکنند که در این زندگی که ما شهروند نیستیم، بلکه مهاجریم، می توان به سعادت رسید. اگر چه در اینجا ما را نیز به درستی با امید به سعادت می خوانند، اما اگر « انکار4) بی خدایی و امیال دنیوی را انکار کنیم، اما در این دنیا متانت، عادلانه و با تقوا زندگی کردیم، و در انتظار امید مبارک و ظهور جلال خدای بزرگ و نجات دهنده ما عیسی مسیح بودیم. بزرگترین مصیبت‌ها، اما، به‌علاوه، از نیروی این نام، «زندگی ابدی» می‌فهمیم که خوشبختی زمانی که به دست می‌آید نمی‌تواند از دست برود، زیرا برخی به دروغ گمان می‌کنند که خوشبختی از همه خوبی‌ها انباشته می‌شود، که وقتی میل انسان را برآورده می‌کند، لزوماً به زندگی ابدی منتهی می‌شود.

») لوقا 18، 18. *) Tit. 2، 12 «) I. Pet. 2، 11. «) I. Jo. 2، 15. 17. دنباله. 5) Kom. 1، 2 2.

شامل؛ زیرا انسان خوشبخت نمی تواند بسیار بخواهد که بتواند از آن کالاهایی که برای همیشه به دست آورده است بهره مند شود. بنابراین، مگر آن که آن تصرف ثابت و یقینی باشد، باید به بزرگترین شکنجه خوف عذاب شود.

IV. خوشبختی ابدی را نمی توان با کلمات یا ذهن انسان درک کرد.

درست است که سعادت سعادتمندانی که در دیار بهشتی زندگی می کنند چقدر است و فقط آنها می توانند آن را درک کنند و هیچ کس دیگری، همین کلمات به اندازه کافی نشان می دهد که ما به آن زندگی شاد می گوییم. زیرا وقتی از آن نام برای اشاره به چیزی استفاده می کنیم که در بسیاری دیگر مشترک است، به راحتی می فهمیم که صدای مناسبی وجود ندارد که با آن آن چیز به وضوح بیان شود. بنابراین، هنگامی که خوشبختی در آن کلماتی که به درستی به سعادتمندان تعلق ندارد از همه کسانی که دائماً زندگی می کنند، بیان می شود: این ممکن است برای ما دلیلی باشد که چیزی بالاتر و عالی تر از آن وجود دارد که بتوانیم ماهیت آن را کاملاً با کلمات خود بیان کنیم. زیرا اگرچه نامهای آسمانی بسیار دیگری در نوشته های مقدس به این سعادت داده شده است، مانند: پادشاهی خدا، مسیح، آسمانها، بهشت، شهر مقدس، اورشلیم جدید، خانه پدر، اما روشن است که هیچ یک از اینها برای توضیح عظمت آن کافی نیست. چرا کشیشان نباید فرصتی را که در این مکان در اختیارشان قرار می‌دهد، وفادار به چنین پاداش‌های فراوانی که به نام حیات جاودان اعلام می‌شود، دعوت به تقوا، عدالت و همه وظایف

دین مسیحیت کنند. زیرا بدیهی است که زندگی معمولاً از بزرگترین کالاهایی است که طبیعت میل دارد. اما این مهم ترین خیر، وقتی می گوییم زندگی ابدی، خوشبختی تعریف می شود. اما اگر این زندگی کوتاه و مصیبت بار، که دستخوش این همه بدبختی و مصیبت است، که به معنای واقعی تر آن را مرگ می نامند، هیچ چیز را نمی توان دوست داشت، عزیزتر و دلپذیرتر: سرانجام، با چه جدیت فکری، با چه فشاری باید به دنبال آن زندگی ابدی باشیم، که پس از گذشت از همه بدی ها، نسبت کامل و مطلقی از همه خوبی ها ترکیب شده است؟

5. سعادت عبارت است از محرومیت از همه بدی ها و کسب همه خوبی ها.

زیرا همانطور که پدران مقدس فرموده اند، سعادت زندگی ابدی باید با رهایی از همه بدی ها و دستیابی به خیر تعریف شود. شهادات کتب آسمانی در مورد بدی ها بسیار واضح است; زیرا در آخرالزمان نوشته شده است: «دیگر نه گرسنه می‌شوند و نه تشنه می‌شوند، نه خورشید بر آنها می‌بارد و نه گرما»، فریاد می‌زند 2: «Apoc. 7. 16. Ib. 21, 4.

خداوند هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهد کرد و دیگر مرگ و ماتم و گریه و درد نخواهد بود، زیرا آنها اولین کسانی بودند که رفتند. اکنون، در واقع، به نظر می‌رسد که شکوه بی‌پایان مبارک و انواع بی‌شمار شادی و لذت در آینده است. عظمت جلال او چون عقل ما نمی تواند آن را درک کند یا به هیچ وجه نمی تواند در دل ما نفوذ کند، لازم است در آن وارد شویم، یعنی در شادی پروردگار، تا آرزوی ذهن احاطه شده در آن را برآورده کنیم.

6. سعادتمندان به ویژه از این نوع کالاها برخوردار خواهند شد.

و اگر چه همانطور که آگوستین 2) می نویسد، به نظر می رسد که شمردن بدی هایی که باید دوست داشته باشیم، آسان تر از خوبی ها و لذت هایی است که باید از آنها لذت ببریم، اما باید کار کرد، تا چیزهایی که ممکن است مؤمنان را با میل به دستیابی به آن سعادت عالی برانگیزد، به طور مختصر و واضح توضیح داده شود. اما لازم است قبل از هر چیز از آن تمایزی که از جدی ترین نویسندگان اشیای الهی دریافت کرده ایم استفاده کنیم. زیرا آنها ثابت می کنند که دو نوع خیر وجود دارد که یکی از آنها به ذات خوشبختی تعلق دارد و دیگری از خود خوشبختی ناشی می شود. چرا دومی را ضروری و دومی را لوازم جانبی برای آموزش نامیدند؟

VII. تشکیل شده است. اولین سعادت ابدی essednitniiasl i sc a uesta که در آن

و به راستی سعادت جامد، که ممکن است آن را با نامی مشترک بنامیم، در این است که خداوند را ببینیم و از جمال او که سرچشمه و اصل همه خوبی ها و کمالات است، لذت ببریم. مسیح خداوند گفت: «این است حیات جاودانی، تا تو را تنها خدای حقیقی و عیسی مسیحی را که فرستادی بشناسند.» به نظر می‌رسد که قدیس جان این جمله را تفسیر می‌کند، وقتی می‌گوید: "ای عزیز، اکنون ما فرزندان خدا هستیم و هنوز آنچه خواهیم بود ظاهر نشده است. می‌دانیم که وقتی او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود، زیرا او را آنگونه که هست خواهیم دید." زیرا به این معناست که سعادت از این دو چیز آشکار می شود: هم اینکه خدا را آن گونه که در ذات و جوهر او هست ببینیم و هم اینکه شبیه خدا شویم. برای کسانی که از آن لذت می برند، اگرچه جوهره مناسب خود را حفظ می کنند، اما شکلی تحسین برانگیز و تقریباً الهی به خود می گیرند، به طوری که به عنوان خدایان دیده می شوند تا انسان.

هشتم. خوشا به حال شیوه هایی که در آن صورت و ذات خدا را می پوشانند.

حال این که چرا چنین است، از آنجا معلوم می شود که هر چیز یا از جهت ذات خود، یا از تشبیه و ط) مت. 25، 21. 2) سرم.

I. lo. 3، 2 (* .3 ،17 آیو. ث) 127.

خیلی خوب شناخته شده است. اما از آنجا که هیچ چیز مانند خدا نیست که به کمک تشبیه او به شناخت کامل او دست یابیم، پس هیچ کس مجاز نیست ماهیت و ذات او را ببیند، مگر اینکه همین ذات الهی به ما ملحق شود. و این همان چیزی است که کلام رسول دلالت می کند: «اکنون در یک معما از آینه بینیم، سپس رو در رو». زیرا آنچه او می گوید «در راز» توسط قدیس آگوستین تعبیر می شود. این نیز قدیس دیونیسیوس3) به وضوح نشان می‌دهد، وقتی او تأیید می‌کند که برتری‌ها را نمی‌توان با هیچ تشبیهی از فرودست‌ها درک کرد. زیرا ماهیت و جوهر را نمی توان از تشبیه جسم مادی که فاقد جسم است، شناخت، زیرا به ویژه لازم است که تشبیهات اشیاء نسبت به خود چیزهایی که به تصویر آنها اشاره می کنند کمتر عینی و معنوی باشند. همانطور که ما به راحتی در دانش همه چیز تجربه می کنیم. زیرا نمی‌توان تشبیه مخلوق را به پاکی و معنویت خود خدا یافت: برای این است که بتوانیم ذات الهی را از هیچ تشبیهی کاملاً درک کنیم. علاوه بر این، همه چیزهای مخلوق محدود به حدود خاصی از کمال هستند. اما خداوند نامتناهی است و تشبیه هیچ مخلوقی نمی تواند عظمت او را در برگیرد. بر این اساس، آن یک دلیل برای شناخت جوهر الهی باقی می‌ماند تا خود را با ما متحد کند و به نحوی باورنکردنی هوش ما را به سطحی بالاتر برساند و بدین ترتیب ما را برای تأمل در ظاهر ماهیت آن مناسب می‌یابد.

9 سعادتمندان با نور جلال منور می‌شوند و همه باید با تمام امید به دیدن خدا برانگیخته شوند.

اما ما این را با نور جلال به دست خواهیم آورد، زمانی که با روشنایی آن روشنایی، خدا را "نور4) حقیقت را در نورش ببینیم. زیرا سعادتمندان همیشه به خدای حاضر نگاه خواهند کرد. با این موهبت بزرگ‌ترین و بزرگ‌ترین، شریکان ذات الهی متأثر می‌شوند و از سعادت واقعی و استوار برخوردار می‌شوند. که باید آنچنان باور داشته باشیم که در نماد پدران نیز تعریف شده است، که باید با امید یقینی در انتظار مهربانی خداوند نسبت به ما باشد. زیرا او می گوید: "من منتظر رستاخیز مردگان و زندگی جهان آینده هستم."

10 نحوه اتحاد انسان با خدا در خوشبختی با فضیلت توضیح داده شده است.

این چیزها به وضوح الهی هستند و نمی توان آنها را با هیچ کلمه ای توضیح داد یا با افکار ما درک کرد. درست است هر چند دیگر

') I. Coi. 13، 12. 2) از «. 9، 15. از تثلیث div. 10 ،35. ص (* .1 .اسم ج.

چگونه می توان تصویر این شادی را حتی در چیزهایی که توسط حواس درک می شود مشاهده کرد. زیرا همانگونه که آهن که با آتش بهم می زند، آتش را آبستن می کند، و اگرچه ماده آن تغییر نمی کند، اما ظاهراً جسم دیگری است، البته آتش. پس برای این که مطلب را در چند کلمه خلاصه کنیم، باید آن سعادت متعالی و مطلق را که ما آن را ذاتی می نامیم، در نزد خداوند تثبیت شود. زیرا او که بهترین و کاملترین خدا را دارد، برای خوشبختی کامل چه چیزی کم دارد؟

XI. کالاهای حادثی که بر نعمت ها احاطه شده اند چیست؟

اما درست است که زیورهای مشترکی برای همه سعادتمندان وجود دارد که از آنجایی که کمتر از عقل بشری حذف می شوند، بیشتر قلب ما را به حرکت در می آورند و به هیجان می آورند. از این نوع هستند که به نظر می رسد رسول رومیان آنها را درک می کند *: "جلال و عزت و سلام برای همه نیکوکاران". زیرا نه تنها از جلال سعادت برخوردار میشویم، نه تنها چیزی که نشان میدهیم برای خوشبختی ضروری است، یا با ماهیت آن مرتبط است، بلکه از دانش روشن و آشکاری که هر یک از کرامت استثنایی و عالی دیگری خواهد داشت، آشکار است. اما آن افتخاری که خداوند به آنها عطا میکند چقدر بزرگ است، در حالی که دیگر آنها را بندگان نمیانامند، بلکه دوست میخوانند، برادر و پسر خدا؟ چرا ناجی ما با محبت آمیزترین و شریف ترین کلمات از برگزیدگان خود متوسل خواهد شد. تا او به درستی فریاد بزند 4: "خدایا دوستانت بسیار محترم هستند." اما آنها همچنین با ستایش مسیح خداوند در حضور پدر آسمانی و فرشتگان او جشن خواهند گرفت. بعلاوه، اگر این میل، که در بین همه انسانها مشترک است، از افتخار ناشی شود، که در میان مردانی که در حکمت برتر هستند، به وجود آید، آنها بیش از همه شاهدان فضیلت آنها خواهند بود.

XII. کسانی که اعمال خیر به آنها رسید. در آن صندلی های ابدی

شمارش تمام لذت هایی که با آنها جلال سعادت انباشته می شود، بی پایان خواهد بود و حتی پایانی هم نخواهد داشت. روم 2، 10. «) 15 .Jo.

14. و 20، 17. رورا. 8، 14. «) مت. 25، 34. 4) ص. 138، 17

105

ما می توانیم آنها را حمل کنیم. با این حال، مؤمنان باید به این متقاعد شوند، که هر چیز خوشایندی که در این زندگی برای ما اتفاق بیفتد یا حتی آرزو کنیم، خواه مربوط به معرفت ذهن باشد یا نگرش کامل بدن، به وسیله نیروهای همه این چیزها زندگی پر برکت بهشتی در اطراف جاری خواهد شد. اگر چه رسول تصدیق می کند که این کار به طور کلی انجام می شود، «آنچه چشم دیده یا گوش شنیده یا در قلب انسان وارد شده است». زیرا بدنی که قبلاً ضخیم و محکم بود، هنگامی که در بهشت به وسیله فناپذیری لاغر و روحانی از بین برود، دیگر نیازی به تغذیه نخواهد داشت. و روح علوفه جلال ابدی که صاحب آن ضیافت بزرگ به صورت «گذرا» به همه می‌فرستد، از نهایت لذت سیر خواهد شد. اما چه کسی می تواند بخواهد لباس های گرانبها یا زیورهای سلطنتی بدن را بخواهد که هیچ یک از این چیزها به کار نرود، 3) و لباس جاودانگی و شکوه بپوشند و به تاجی از جلال ابدی آراسته شوند؟ اما اگر داشتن یک خانه بزرگ و باشکوه نیز متعلق به سعادت انسان است: چه چیزی را می توان خود بهشت دانست که از هر سو با محبت خدا بررسی می شود یا بیشتر یا باشکوه؟ چرا پیغمبر هنگامی که زیبایی خانه خود را در برابر دیدگانش قرار داد و در آرزوی رسیدن به آن کرسی های مبارک سوخت 4) : «چه حبیب است خیمه گاه تو ای پروردگار لشکریان، جان من در بارگاه های پروردگار شهوت و ناتوانی دارد، دل و جسمم در خدای زنده شادی می کنند».

سیزدهم سعادتمندان از این طرف دچار ثواب نمی شوند.

خداوند می‌گوید: «در خانه‌ی پدرم، عمارت‌های بسیاری وجود دارد» که در آن‌ها پاداش‌های بزرگ‌تر و کمتری داده می‌شود، آن‌گونه که هر یک از آنها شایستگی دارد. «زیرا آن که کم کار می‌کند کم درو می‌کند و هر که در برکت می‌کارد برکات را درو می‌کند، از این رو نه تنها مؤمنان را به آن شادی بیدار می‌کنند، بلکه مکرراً به آنها هشدار می‌دهند که دلیل دستیابی به آن همین است، تا مسلح به ایمان و نیکوکاری، و استقامت در دعا و نیایش‌ها و نیکی‌های خود در تمام خدمات مقدس خود به کار گیرند. بدین ترتیب رحمت خداوندی خواهد بود که خود را برای آن جلال مبارک برای دلسوزان آماده کرده باشد تا روزی آنچه از پیامبر(ص) فرموده است تحقق یابد: «قوم من در زیبایی آرامش و در پناهگاه های امانت و در آرامشی غنی خواهند نشست».

>) من کور. 2، 9. الف) لوقا 12، 37. 3) اول قرن. 9، 25. II. تیم 4، 5. مکاشفه 7، 9. «) 83 .Ps، 2. *) آیو. 14، 2. ب) II. کور. 9، 6.') است. 32، 18

## تعلیم و تربیت

## بخش دوم

### فصل اول. از

### آیین های مقدس در کلیسا.

/. آموزش آداب مقدس ابتدا باید توسط کشیش مورد توجه قرار گیرد.

از آنجایی که هر بخش از آموزه های مسیحی دانش و کوشش و نیز نظم و انضباط مقدس را که هم به فرمان خدا ضروری است و هم بسیار مفید است را رد می کند، کشیش قدرت و انرژی منحصر به فردی می طلبد تا با ادراک دقیق و مکرر خود چنین مؤمنانی فرار کنند که عالی ترین و مقدس ترین چیزها را می توان به گونه ای عاقلانه و با وقار از روحانیان به آنها افاضه کرد. قاعده حرام 1): « آنچه را که مقدس است به سگ ندهید و مرواریدهای خود را در برابر خوک افکنید».

### 2. اصطلاح مقدس به چه معناست؟

بنابراین، از آنجایی که در ابتدا باید به طور کلی به کل عتبات بپردازیم، لازم است از قوه و مفهوم خود اسم شروع کنیم و معنای مبهم آن را توضیح دهیم تا معنای این کلمه در این مکان آسانتر قابل درک باشد. از این رو باید به وفاداران آموزش داده شود که نام مراسم مقدس، که مربوط به موضوع مورد بحث است، توسط اهانت‌کنندگان متفاوت از نویسندگان مقدس دریافت می‌شود. زیرا نویسندگان دیگر می‌خواستند این تعهد با نام مراسم مقدس مشخص شود، که به موجب آن اعضای هیئت منصفه به نوعی بند بندگی مقید می‌شوند، که از آن سوگند، که سربازان به وسیله آن به خود قول می‌دهند که خدمت صادقانه به جمهوری داشته باشند، یک آیین نظامی است. و به نظر می رسد که بیشترین معنای این کلمه در میان آنها همین بوده است. درست است که در میان پدران لاتین، که چیزهای الهی را به صورت مکتوب تحویل داده اند، نام مقدس چیز مقدسی را اعلام می کند که در نهان پنهان است، همانطور که یونانیان از کلمه راز برای دلالت بر همان چیز استفاده می کردند. اما ما می‌دانیم که صدای مراسم مقدس باید به این معنا باشد، وقتی برای افسسیان نوشته شده است: "تا او راز اراده خود را به ما بشناساند." سپس به تیموتائوس 3): راز تقوا بزرگ است; علاوه بر این، در کتاب حکمت 4: "آنها رازهای خدا را نمی دانستند."

در این مکانها و در بسیاری از جاهای دیگر او 7، 6. 2) اف. 1، 9. 3) 1 تیم. 3، 16. *) خرد. 2، 22. اف. 5، 22

بیایید توجه کنیم که یک راز معنایی جز یک امر مقدس، پنهان و پنهان ندارد.

III. نورنن از مقدسات قدیمی ترین ترتیب توسط پدران برای نشان دادن نشانه های مقدس بود.

از این رو، پزشکان لاتین فکر می کردند که برخی از نشانه ها تابع حواس هستند، که در عین حال بیانگر لطفی هستند که بر آن اثر می گذارند، و به قولی در برابر چشم ها قرار می گیرند، به راحتی می توان آنها را مقدس نامید. و در واقع هیچ کس فکر نمی کند که این اصطلاح اخیراً وارد کلیسا شده است. زیرا هر کس قدیس ژروم و آگوستین را خوانده باشد، به راحتی می بیند که نویسندگان باستانی دین ما اغلب از نام یک آیین مقدس برای اشاره به موضوعی که در آن صحبت می کنیم استفاده می کردند، اما گاهی اوقات از یک نماد یا نشانه ای عرفانی یا صدای نشانه ای مقدس استفاده می کردند. و بگذارید این چیزها در مورد نام آیین مقدس گفته شود. که با شریعت قدیم نیز مطابقت دارد، که در مورد آن نیازی به دادن احکام به کشیشان نیست، زیرا آنها توسط شریعت و فیض انجیل از بین رفته اند.

IV. مقدس کاتولیک مشخص شده است msecnritputmo.r چه چیزی است که به درستی توسط

ولی در کنار تصور اسمی که تاکنون اعلام شده است، باید قوت و ماهیت آن را نیز به دقت مورد بررسی قرار داد و آنچه را که مقدس است برای مؤمنان آشکار کرد. زیرا هیچ کس نمی تواند شک کند که مقدسات از آن دسته چیزهایی هستند که نجات و عدالت با آنها مقایسه می شود. اما اگرچه دلایل زیادی وجود دارد که برای توضیح این موضوع مناسب و مناسب به نظر می‌رسد، هیچ یک آن را واضح‌تر و واضح‌تر از تعریف ارائه‌شده توسط دی. آگوستین نشان نمی‌دهد، که از آن زمان تمام پزشکان مکتب از آن پیروی کرده‌اند. او می‌گوید: «عزت نشانه امری مقدس است» یا به عبارت دیگر در همین جمله گفته شد: «عزیز نشانه مرئی فیض است که برای توجیه ما نهاده شده است». 5- تقسیم امور معقول. که با نام علامت فهمیده می شود

برای اینکه این تعریف واضحتر شود، هر یک از اجزای آن برای شبانان توضیح داده می شود و ابتدا باید آموزش داد که همه چیزها دو گونه است که با حواس درک می شود. به همین دلیل دیگران اختراع شدند تا بر چیزی دلالت کنند. قرار نبود دیگران دلالت بر چیز دیگری داشته باشند، بلکه فقط به خاطر خودشان انجام می‌شدند، که در این تعداد تقریباً همه چیزهایی که

') o. 84. 1 .ج. clt. 1. 2) درباره CW. 5 ،10 دی

آنها را طبیعت تشکیل می دهند، می توان آنها را در نظر گرفت، اما در طبقه قبلی، اصطلاحات اشیاء، نوشتار، بنرها، تصاویر، شیپورها و چیزهای دیگر از این دست به وفور قرار می گیرند. زیرا اگر قوه دلالت را از اصطلاحات کنار بگذارید، به نظر می رسد که دلیل وضع شروط حذف شده است. بنابراین اینها به درستی علائم نامیده می شوند. زیرا آگوستین قدیس شهادت می دهد که این نشانه ای است که علاوه بر چیزی که به حواس معترض است، ما را نیز وادار می کند که علم دیگری را از خود بگیریم، همانطور که از ردپایی که بر روی زمین نقش می بندد، به راحتی می دانیم که شخصی از کنار آن گذر کرده است که ردپای او نمایان است.

VI. نشان داده می‌شود که چگونه می‌بایست به مقدسات زایدن دلالت کرد. چون این چیزها چنین است، معلوم می شود که راز مربوط به این دسته از امور است که برای دلالت وضع شده اند; زیرا او آنچه را که خداوند با قدرت خود در روح ما انجام می دهد، که با حس قابل درک نیست، با یک نوع و شبیه به ما اعلام می کند. برای غسل تعمید (تا آنچه با مثال تعلیم داده می شود بهتر شناخته شود) وقتی با استفاده از کلمات خاص و جدی از بیرون با آب شسته می شویم، این نشان می دهد که به نیروی روح القدس هر لکه و خواری گناه را در درون شسته ام، و روح ما با آن هدیه شکوهمند عدالت آسمانی افزایش یافته و آراسته شده است. و در عین حال، شستن بدن، همانطور که بعداً در جای خود توضیح داده خواهد شد، آنچه را که دلالت می کند در ذهن ایجاد می کند.

VII. همین امر از کتب مقدس نیز نشان داده شده است.

اما از کتاب مقدس نیز به وضوح دریافت شده است که مراسم مقدس باید در میان نشانه ها شمرده شود. زیرا رسول در مورد ختنه می نویسد، آیین شریعت قدیم، که به ابراهیم، پدر همه ادیان داده شد، بنابراین به رومیان 2 می نویسد: "و او علامت ختنه، مهر عدالت ایمان را دریافت کرد." و در جای دیگر، هنگامی که تأیید می کند3) که همه ما که «در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم»، ممکن است بدانیم که تعمید معنای این امر را دارد، البته همانطور که همان رسول می فرماید4، «که با تعمید در مرگ با او دفن شدیم». و اگر مردم مؤمن بفهمند که مقدسات متعلق به آیات است، فایده چندانی نخواهد داشت. زیرا این گونه خواهد بود که آنچه به وسیله آنها دلالت، حاوی و اثر می شود، راحتتر خود را متقاعد می کند که آنها مقدس و اوج هستند، و با علم به حرمت آنها، بیشتر به عبادت و تجلیل از رحمت الهی نسبت به ما هیجان زده می شود.

## هشتم. چند نوع نشانه وجود دارد؟

حال نتیجه می شود که آن واژه های «مقدس» که جزء دوم تعریف است توضیح داده می شود. که در واقع و به راحتی ) از دکتر. مسیح 2،

1. الف) روم. 4، 11. «) 4. 11 .ib 6، 3. 4) ib

که می توان آن را انجام داد، ما باید آن چیزی را که قدیس آگوستین (S. Augustine) به طور دقیق و ظریف در مورد انواع نشانه ها مورد بحث قرار داد، کمی عمیق تر تکرار کنیم. زیرا نشانه‌های خاصی را طبیعی می‌گویند که علاوه بر خودشان، در ذهن ما علم چیز دیگری (که در همه نشانه‌ها مشترک است، همانطور که قبلاً نشان داده شد) ایجاد می‌کنند، مانند دود، که فوراً آتش از آن وجود دارد. و علامت را باید از این جهت نشانه طبیعی نامید، زیرا دود به خودی خود به معنای آتش نیست، بلکه استفاده از اشیاء باعث می شود که اگر فقط دود را ببیند، ماهیت و قدرت آتشی را که هنوز پنهان است، در زیر آن در ذهن و اندیشه درک کند. اما برخی از نشانه‌ها طبیعت نیستند، بلکه توسط انسان تنظیم و ابداع می‌شوند تا با یکدیگر گفتگو کنند و احساسات خود را برای دیگران توضیح دهند و از سوی دیگر نظرات و نقشه‌های دیگران را بدانند. حالا هر چقدر هم که اینها متنوع و چندگانه باشند، می‌توانیم از این حقیقت مشاهده کنیم که برخی متعلق به حواس چشم، و بیشتر به حس گوش، و بقیه به حواس دیگر تعلق دارند. زیرا وقتی به چیزی اشاره می‌کنیم و مثلاً با برافراشتن پرچم، او را اعلام می‌کنیم: کاملاً واضح است که آن معنا فقط به چشم اطلاق می‌شود، همان‌طور که صدای شیپور، فلوت یا غنایی که نه تنها برای شادی ریخته می‌شود، بلکه عموماً به منظور دلالت، اشاره به قاضی دارد. در این معنای خاص کلماتی نیز گرفته می شود که بیشترین قدرت را برای بیان درونی ترین افکار روح دارند. 9 از معیارهایی که خدا هم در عهد قدیم و هم در عهد جدید وضع کرده است.

اما علاوه بر آن نشانه‌هایی که قبلاً گفته‌ایم با رضایت و اراده مردم ثابت شده‌اند، نشانه‌های دیگری نیز وجود دارد که خداوند داده است، اما همگی اتفاق نظر دارند که یک نوع از آنها وجود ندارد. زیرا نشانه های دیگری را خداوند به همین دلیل به مردم توصیه کرده است تا دلالت یا یادآوری کنند. از این دست، تطهیر شریعت، 2) نان فطیر، و بسیاری چیزهای دیگر که متعلق به مراسم عبادت موزاییک بود. اما خداوند دیگرانی را نهاد که نه تنها قدرت دلالت، بلکه تأثیرگذاری نیز داشتند. و به وضوح به نظر می رسد که مقدسات شریعت جدید باید در این دسته اخیر از علائم شماره گذاری شوند. زیرا آنها نشانه های الهی هستند، نه توسط انسان ها، که ما مطمئن هستیم که در درون خود اثربخشی هر چیز مقدسی را که آنها اعلام می کنند دارند.

10. امر قدسی را از چه جهت باید در تعریف مقدس فهمید. اما همانطور که نشان دادیم نشانه‌ها دارای تنوع چندگانه هستند، امور مقدس نیز نباید یک نوع در نظر گرفته شوند.

') از در مسیح 2, 1. دنباله. 2) مثال 12، 15. 84، 18.

اما در تعریفی که از مقدسات ارائه شده است، نویسندگان اشیاء الهی فیض امر مقدس را به نام خدا نشان می دهند که ما را مقدس می کند و ما را به عادت به همه فضایل الهی مجهز می کند. زیرا آنها به درستی فکر می کردند که جذابیت مناسب یک امر مقدس را باید به این فیض نسبت داد، زیرا روح ما به واسطه فیض آن به خدا مخفی و متحد می شود.

XI. تعریفی غنی تر از مراسم مقدس و اینکه بر اساس چه دلایلی با سایر نشانه های مقدس تفاوت دارد.

از این رو، برای توضیح واضح تر چیستی راز، باید تعلیم داده شود که امری است تابع حواس، که از نهاد خداوند، هم قدرت دلالت دارد و هم بر حقانیت و عدالت. که از آن نتیجه می شود، تا هرکسی به راحتی بفهمد، که تصاویر مقدسین، صلیب ها، و چیزهای دیگر از این نوع، اگرچه نشانه هایی از چیزهای مقدس هستند، به این دلیل مقدس نیستند. اینک آموزه این حقیقت با مثال همه ی مقدسات به راحتی قابل اثبات خواهد بود، اگر، همانطور که قبلاً به تعمید یادآوری کردیم، هنگامی که گفتیم این شست و شوی رسمی بدن نشانه است و کارایی یک امر مقدس را دارد که در باطن به نیروی روح القدس انجام می شود، بخواهد در مقدسات دیگر نیز همین کار را انجام دهد.

XII. آداب مقدس فقط یک چیز را نشان نمی دهند، بلکه بر بسیاری دلالت دارند. اما حالا با این نشانه های عرفانی که از طرف خدا نهادینه شده است. همچنین به ویژه مناسب است که از نظر نهاد خداوند، نه یک چیز خاص، بلکه چندین مورد را در یک زمان دلالت می کند. ما ممکن است تشخیص دهیم که در هر یک از مقدسات، که نه تنها قدوسیت و عدالت ما را اعلام می کند، بلکه دو چیز دیگر را که بسیار با خود قدوسیت مرتبط است، یعنی اشتیاق مسیح نجات دهنده، که مایه قدوسیت است، و زندگی ابدی و سعادت بهشتی، که قدوسیت ما باید به آن اشاره شود، به عنوان یک غایت است. در واقع، در حالی که در همه ی آداب مقدس دیده می شود، معلمان مقدس به درستی تعلیم دادند که هر یک از مقدسات دارای قدرت معنایی سه گانه است، هم به این دلیل که خاطره ای از گذشته را به ارمغان می آورد، و هم به این دلیل که قضاوت می کند و حال دیگری را نشان می دهد و هم به این دلیل که آینده ای دیگر را پیش بینی می کند. همچنین نباید تصور کرد که این امر به گونه ای توسط آنها تعلیم داده شده است که با شهادت کتاب مقدس ثابت نشود. زیرا وقتی رسول میگوید: «هر که در مسیح عیسی تعمید مییابد، ما در مرگ او تعمید مییابیم»، به وضوح نشان میدهد که تعمید باید نشانهای باشد که مصائب و مرگ خداوند را به ما یادآوری میکند. سپس وقتی می گوید 2:

i) 2 .3 ،6 رام) ib. 4.

"زیرا ما از طریق تعمید به مرگ با او دفن شدیم، تا همانطور که مسیح به واسطه جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در زندگی تازه قدم برداریم." وظیفه اش به ما محول شده است که در تأسیس زندگی جدید، همه وظایف تقوای واقعی را به آسانی و با دلی مشتاق انجام دهیم. در نهایت وقتی 1 اضافه می کند: «زیرا اگر ما را در مثل مرگ او کاشته اند، در قیامت هم زمان خواهیم بود».

سیزدهم آیین مقدس فقط یک چیز فعلی را مشخص نمی کند، بلکه چندین چیز را مشخص می کند.

اما در کنار این مواردی که ذکر کردیم، انواع و اقسام دلالت نیز غالباً پیش می‌آید، به‌طوری که آئین مقدس نه تنها یک امر فعلی، بلکه چند مورد را نشان نمی‌دهد. اما برای کسانی که به مقدس ترین راز عشای ربانی می نگرند به راحتی می توانند درک کنند که با آن پیش گویی های بدن و خون واقعی خداوند دلالت می کند و همچنین فیض را که هنگام شرکت در اسرار مقدس آن را با ناپاکی درک نمی کنند. بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد، شبانان نمی توانند فاقد استدلال باشند که نشان دهند قدرت الوهیت چقدر زیاد است، چقدر معجزات اسرارآمیز در مقدسات شریعت جدید یافت می شود، تا همگان را متقاعد کنند که باید آنها را با بالاترین دین پرستش و پذیرفت.

چهاردهم چرا باید آداب مقدس در میان مسیحیان نهادینه شود؟

درست است که هیچ چیز را نمی توان برای آموزش استفاده صحیح از مقدسات مناسب تر از توضیح دقیق دلایلی که چرا باید عتبات عالیات نهادینه می شد، دید. اما معمولاً چند چیز برشمرده می شود که اولین آن ضعف عقل انسان است; زیرا می بینیم که طبیعت به گونه ای مرتب شده است که هیچ کس اجازه ندارد به دانش چیزهایی که توسط ذهن و هوش درک می شود، بخواهد، مگر به وسیله چیزهایی که توسط برخی حس ها درک می شود. برای اینکه ما بتوانیم چیزهایی را که توسط قدرت پنهان خداوند حاصل می‌شود، آسان‌تر درک کنیم، همان سازنده اعلای همه چیز، عاقلانه‌ترین حالت خود را با نشانه‌هایی که در ذیل فهم قرار می‌گیرند، به‌عنوان نشانه‌ای از مهربانی‌اش نسبت به ما نشان داده است. زیرا همانطور که کریزوستوم 2) به وضوح بیان کرد، اگر مردی بدنها را از روی بتنی دوست می داشت، کالاها خود را برهنه به او تقدیم نمی کردند و در پوششی نمی پیچیدند. اما از آنجا که روح به بدن ملحق شده است، برای درک آنها باید از کمک چیزهایی که احساس می شود استفاده کند. اما دلیل دیگری نیز وجود دارد

•) رام. 6، 5. 2) هومیل. 82. در مت.

زیرا ذهن ما به راحتی برای باور چیزهایی که به ما وعده داده شده است تحریک نمی شود. از این رو، خداوند از آغاز جهان، معمولاً آنچه را که قصد انجام آن را داشت، با کلمات بیان می کرد. امّا گاهی که تدبیری می کرد که عظمت آن می توانست ایمان عهد را باطل کند، نشانه های دیگری بر سخنانش می افزود که گاهی ظاهر معجزه می کرد. زیرا هنگامی که خداوند موسی را فرستاد تا قوم بنی اسرائیل را نجات دهد، او در حالی که به یاری خداوند اعتماد نداشت، ترسید که مبادا باری سنگین‌تر از آنچه او تحمل می‌کرد بر دوش او وارد شود، یا اینکه مبادا مردم ایمان خود را بر روایات و سخنان الهی بیفزایند: خداوند وعده خود را با نشانه‌های بسیار تأیید کرد. پس درست همانطور که در عهد عتیق خدا برای شهادت دادن به پایداری چیزی بزرگ که با نشانه ها وعده داده شده بود، انجام داده بود: همچنین در شریعت جدید، نجات دهنده ما مسیح، هنگامی که بخشش گناهان، فیض آسمانی، مشارکت روح القدس را به ما وعده داد، نشانه های خاصی را مشروط به چشم و حواس ما ایجاد کرد، که هرگز نمی توانستیم او را به ایمان خود متعهد کنیم، گویی به آینده او شک می کنیم. وعده می دهد. دلیل سوم این بود که آن داروها، همانطور که سنت آمبروز می نویسد، و داروهای سامری انجیلی 2) برای بازیابی یا محافظت از سلامت روح در دسترس بودند. زیرا قدرتی که از مصائب مسیح سرازیر می‌شود، یعنی فیضی که او در محراب صلیب برای ما به دست آورده است، ما باید از طریق آیین‌های مقدس به درون خود هدایت کنیم، گویی از مجرای خاصی. در غیر این صورت هیچ امیدی برای رستگاری باقی نمی ماند. از این رو خداوند مهربان می‌خواست که مقدسات را در کلیسا ترک کند که به قول و وعده‌اش تأیید شده بود، که بدون شک باید باور کنیم که ثمره اشتیاق او در حقیقت به ما ابلاغ می‌شود، اگر هر یک از ما آن را با تقوا و دین به خود بیاوریم. اما دلیل چهارمی نیز وجود دارد که چرا نهادن مقدسات ممکن است ضروری به نظر برسد، و آن این است که آنها ممکن است نشانه ها و نمادهایی باشند که مؤمنان باید به وسیله آنها ختنه شوند. زیرا، بالاتر از همه، هیچ گروهی از مردان، همانطور که توسط دی. آگوستین نیز نقل شده است، 3) چه به نام دین راست یا دروغین، نباید به عنوان یک بدن متحد شوند، مگر اینکه با عهد و پیمانی از نشانه های آشکار متحد شوند. بنابراین، هر دو عبادت‌های شریعت جدید را انجام می‌دهند، که پرستندگان ایمان مسیحی را از کافر متمایز می‌کنند، و مؤمنان را با پیوند مقدس خاصی با یکدیگر پیوند می‌دهند. علاوه بر این، دلیل بسیار عادلانه دیگری برای نهادینه شدن مراسم مقدس، از آن سخنان رسول *) وجود داشت:

') مثال 3، 10. دنباله. ث) از مقدسات 1، 5. 8 .4 .o) ادامه فاوست 1، 19. ج. 11. *) روم. 10، 10

می‌توان آن را نشان داد: «با قلب به عدالت ایمان می‌آید، اما با زبان برای نجات اعتراف می‌شود». زیرا در آداب مقدس دیده می‌شویم که ایمان خود را در نزد انسانها اعلام می‌کنیم و نشان می‌دهیم. بنابراین، هنگامی که به غسل تعمید نزدیک می شویم، آشکارا شهادت می دهیم که معتقدیم با نیروی آبی که در آیین مقدس با آن شسته می شویم، پاکسازی معنوی روح صورت می گیرد. در این صورت، آداب مقدس قدرت زیادی دارد، نه تنها برای بیدار کردن و اعمال ایمان در روح ما، بلکه برای شعله‌ور ساختن آن خیراتی که باید با آن یکدیگر را دوست داشته باشیم، هنگامی که با اشتراک اسرار مقدس به ما یادآوری می‌شود که با نزدیکترین پیوند متحد شده‌ایم و اعضای یک بدن هستیم. در نهایت آنچه برای تقوای مسیحی بیش از همه باید کرد این است که غرور ذهن انسان را رام و درهم می‌کوبند و ما را به فروتنی می‌کشانند، در حالی که ناگزیریم در برابر عناصر معقول تسلیم شویم تا برای خدمت به ارکان جهان از خدایی که قبلاً به‌طور ناپسند از او طرد شده بودیم اطاعت کنیم. اینها چیزهایی است که بیش از همه، در مورد نام، ماهیت و نهاد مقدس، به مردم مومن منتقل می شود. که پس از تشریح دقیق آنها توسط کشیشان، باید تعلیم داده شود که مقدسات فردی از چه چیزهایی تشکیل شده است، و چه اجزایی دارد، و علاوه بر این، چه آداب و مراسمی به آنها اضافه شده است. 15 طرف به constituendcuesms از Ruianeu.m که sacrament ne-

بنابراین، ابتدا باید توضیح داد که امر معقول که در بالا در تعریف مقدس بیان شد، تنها یکی نیست، اگرچه باید به یک نشانه سازنده اعتقاد داشت. زیرا دو است که هر تسبیح از آن ها ساخته می شود که یکی جنبه ماده دارد و آن را عنصر می گویند و دیگری قوه صورت و کلمه را به اصطلاح رایج می گویند. زیرا به این ترتیب آن را از پدران دریافت کردیم. در این مورد، شهادت قدیس آگوستین در میان همه مشهور و رواج دارد: «کلمه به عنصر نزدیک می‌شود، و تبدیل به یک امر مقدس می‌شود». بنابراین، آنها به نام چیزهای معقول، هم ماده یا عنصر را درک می کنند، مانند این که در آیین غسل تعمید، آب، کریسمس تأیید، و روغن مسح افراطی، که همه در زیر نظر قرار می گیرند; و بعلاوه کلماتی که جنبه شکلی دارند ولی متعلق به حس گوش هستند. اما رسول به وضوح به هر دو اشاره کرد هنگامی که گفت: "مسیح کلیسا را دوست داشت و خود را برای او تسلیم کرد تا او را تقدیس کند و او را با شستشوی آب در کلام زندگی پاک کرد." در کدام مکان موضوع و صورت مقدس بیان می شود.

>) Tracy 80. در Io. 25 ،5. اف) الف.

تعلیم، Conc. ترید 

16 چرا کلمات به عنصر اضافه شدند؟

قرار شد الفاظ بیگانه به این موضوع اضافه شود تا معنای چیزی که در جریان بود بازتر و روشن تر شود. روشن است که کلمات انیره در میان همه نشانه ها بیشترین قوت را دارد و در صورت عدم وجود آنها کاملاً مبهم خواهد بود که موضوع اعجاز بر چه چیز دلالت دارد و نشان مي دهد. زیرا همانطور که در غسل تعمید دیده می شود که آب کمتر از شستن قدرت خنک کنندگی دارد و می تواند نماد هر دو چیز باشد، مگر اینکه کلماتی اضافه شود که آیا این چیزها در غسل تعمید دلالت دارند یا خیر، شاید برخی با حدس و گمان قضاوت کنند، اما هیچ کس جرأت نمی کند آن را با قاطعیت در هیچ موردی تأیید کند. اما وقتی از کلمات استفاده می شود، بلافاصله می فهمیم که آنها قدرت و معنای شستن را دارند.

17 تعالی مقدسات شریعت جدید.

با این حال، در این مورد، عبادات ما از شریعت باستانی مقدسات بسیار عالی است، به طوری که در اجرای آنها هیچ شکل مشخصی مشاهده نشد، که در واقع ما آن را پذیرفته ایم. که توسط آن نیز انجام شد، که آنها بسیار نامشخص و مبهم بودند. امّا کلمات ما به گونهای است که اگر از آن خارج شود، دلیل آن را نمیتوان ثابت کرد و به همین دلیل بسیار روشن است و جای هیچ شک و شبههای باقی نمیگذارد.

15 III. فضیلت و ماهیت مراسم در عتبات عالیات چیست.

تشریفاتی به اینها اضافه میشود که اگرچه بدون گناه حذف نمیشوند، مگر آنکه خود ضرورت آنها را مجبور به انجام آن کند، اما اگر هرگز حذف شوند، چون به ماهیت موضوع دست نمییابند، چیزی از ماهیت واقعی راز نباید کمرنگ شود. و با شایستگی، در واقع، از اولین زمان های کلیسا، همیشه رعایت شده است، به طوری که مراسم مقدس در مراسم رسمی اجرا می شد. اول از همه شایسته بود که او را به پرستش دین نسبت به اسرار مقدس بسپاریم، تا بتوانیم دیده شویم که مقدسات را مقدس می شماریم. بعلاوه، آنچه از مراسم راز تأثیر میگذارد، خود تشریفات بیشتر روشن میسازد و گویی در برابر چشمانشان قرار میگیرد و قداست آن چیزها را عمیقتر در دل مؤمنان میافکند. آنگاه آنان را که به آنها می نگرند و به دقت می نگرند، به تفکر در امور متعالی می کشانند و ایمان و صدقه را در آنان برمی انگیزند; باید دقت و اهتمام بیشتری به خرج داد تا مؤمنان قدرت مراسمی را که به وسیله آن هر یک از مراسم مقدس انجام می شود، بدانند و درک کنند.

19 مقدسات کلیسای کاتولیک چند است؟ از این رو تعداد آداب مقدس نیز توضیح داده شده است که علم به آنها این مزیت را به همراه دارد، زیرا مردم بیشتر هستند.

با تقوا، تمام نیروی روح خود را به ستایش و موعظه ی احسان منحصر به فرد خداوند نسبت به ما می پردازد، که به وسیله آن خواهد فهمید که کمک های بسیاری برای رستگاری و زندگی سعادتمندانه برای ما آماده شده است. بنابراین، مقدسات کلیسای کاتولیک، همانطور که توسط کتاب مقدس ثابت شده است، و به سنت پدران به ما رسیده است، و با اقتدار مجالس تأیید شده است، با عدد هفت تعریف شده است.

## 20 چرا آداب مقدس نباید با عدد بزرگتر یا کوچکتر خاتمه یابد؟

اما اینکه چرا نه بیشتر و نه کمتر، از آن چیزهایی که با تشبیه از حیات طبیعی به حیات معنوی منتقل می‌شوند، به حساب نمی‌آیند، ممکن است با دلیل احتمالی خاصی نشان داده شود. برای انسان برای زنده ماندن، حفظ جان و ترجمه آن از نفع خود و دولت، این هفت مورد ضروری به نظر می رسد، یعنی آشکار شدن، افزایش و تغذیه. اگر به بیماری مبتلا شود، شفا می یابد. ضعف قدرت ترمیم می شود. ثانیاً ، در مورد دولت، که ممکن است هیچ گاه قاضی که به اختیار و فرمان آنها اداره می شود، کم نباشد. و سرانجام، با تکثیر مشروع فرزندان، ممکن است خود و نسل بشر را حفظ کند. همه این چیزها، از آنجایی که به نظر می رسد برای پاسخگویی به آن حیاتی که روح با آن به خدا زندگی می کند، کافی است، شانه ی مقدسات را به راحتی می توان از آنها جمع کرد.

XXI از کتاب مقدس نشان داده شده است که هفت آیین مقدس وجود دارد.

زیرا غسل تعمید اولین درهایی است که با آن در مسیح متولد می شویم. سپس تأییدی که به موجب آن انجام می شود تا به فیض الهی افزایش یافته و تقویت شویم; زیرا که قبلاً توسط رسولان غسل تعمید داده شده اید، همانطور که D. Augustine شهادت می دهد، خداوند می گوید: "در شهر بنشین تا قدرتی از بالا بپوشی." سپس مراسم عشای ربانی، که با آن روح ما تغذیه و پایدار می شود، گویی واقعاً غذای بهشتی است. زیرا سالواتور در مورد او گفته است: "عزیز من واقعاً غذا است و خون من واقعاً نوشیدنی." در مرتبه چهارم توبه قرار می گیرد که با کمک آن سلامتی از دست رفته پس از دریافت زخم های گناه بازیابی می شود. اما بعد از آن مسح افراطی که به وسیله آن باقیات گناهان از بین می رود و فضایل نفس زنده می شود; در واقع، دی جیمز، هنگام صحبت از این مراسم مقدس، چنین شهادت می دهد: "و اگر او در گناه است، او را ببخشند. دستوری که به موجب آن خدمت عمومی در کلیسا به طور پیوسته انجام می شود، و قدرت انجام تمام وظایف مقدس داده می شود. در نهایت، ممکن است ازدواج یک مرد و یک زن غیرقانونی اضافه شود، به طوری که از یک مرد، یک زن بی بند و بار باشد. برای عبادت خدا و حفظ نسل بشر و ممکن است تربیت دینی داشته باشند.

رساله 205. لوقا 24، 49. 1، 8. ") یوحنا 6، 56. ") یعقوب 5، 15.

116 تعالیم رومی 116 XXII. نه وجوب و نه شأن همه ی مقدسات مساوی نیست.

ولی این امر مخصوصاً باید رعایت شود، گرچه همه ي مقدسات در خود قدرت الهی و تحسین برانگیزی دارند، اما همه آنها مساوی نیستند، و ضرورت، یا شأن، یا قدرت دلالت واحد دارند. و از این سه مورد است که اگرچه به یک دلیل نیست، اما گفته می شود که از بقیه ضروری‌تر است. زیرا ناجی اعلام کرد که تعمید برای همه بدون هیچ افزودنی لازم است، در این عبارت 1: " تا زمانی که از آب و روح القدس متولد نشود، نمی تواند به ملکوت خدا وارد شود." اما توبه فقط برای کسانی لازم است که پس از غسل تعمید، مرتکب گناهی می شوند. زیرا آنها نمی توانند از نابودی ابدی بگریزند مگر اینکه به درستی از گناه اعتراف شده خود توبه کنند. علاوه بر این، نظم، اگر برای افراد ایماندار نباشد، برای کل کلیسا کاملاً ضروری است. به درستی که اگر شأن اعیاد در نظر گرفته شود، مراسم عشای ربانی از نظر قداست و تعداد و بزرگی اسرار بسیار برتر از بقیه است. همه این چیزها زمانی آسانتر قابل درک خواهند بود که آن چیزهایی که مربوط به هر یک از مقدسات است در جای خود توضیح داده شود.

23 این اسرار مقدس و الهی از آنها دریافت شده و عمدتاً منتشر شده است.

بعد باید دید این اسرار مقدس و الهی را از چه کسی دریافت کرده ایم. زیرا جای تردید نیست که شأن و منزلت برخی از مناصب فاخری که «خود هدیه» از آن سرچشمه گرفته است، باید تا حد امکان به کرامت و تعالی افزوده شود. اما این سوال نمی تواند توضیح دشواری داشته باشد. زیرا اگر چه این خداست که انسانها را عادل می کند، اما خود هدایای مقدس ابزار شگفت انگیزی برای به دست آوردن عدالت هستند: واضح است که یک خدای واحد در مسیح باید به عنوان نویسنده عادل شمرده شدن و مقدسات شناخته شود. علاوه بر این، آداب مقدس حاوی آن قدرت و کارایی است که به درون ترین روح نفوذ می کند. اما از آنجایی که در قلب و اذهان انسانهای دیگر به قدرت خدای واحد اختصاص دارد، از اینجا نیز مشاهده می‌شود که مقدسات توسط خود خدا از طریق مسیح نهادینه شده است، همانطور که توسط او نیز در درون اعطا می‌شود، و باید با ایمان مطمئن و ثابت برگزار شود. زیرا جان قدیس تأیید می کند که این شهادت را از او دریافت کرده است، وقتی گفت: "کسی که مرا فرستاد تا در آب تعمید دهم، به من گفت: هر که روح را بر او نازل می کند و بر او می ماند، اوست که در روح القدس تعمید می دهد."

>> 3، 5. 2) آیو. 1، 33.

24 باشد که خداوند از این خادمین در اجرای مراسم مقدس استفاده کند.
اما اگر چه خدا نویسنده و خادم مقدسات است، اما او خواست که آنها را در کلیسا نه توسط فرشتگان، بلکه توسط انسانها اداره کنند. زیرا سنت همیشگی پدران مقدّس تأیید میکند که منصب وزراء کمتر از مواد و شکل برای آمادهسازی مراسم مقدس نیست.

25 وزیر نمی تواند با انحراف خود مانع فضیلت فیض مقدس شود.

و در واقع، این خادمان، از آنجایی که در آن کار مقدس، شخص خود را ندارند، بلکه شخص مسیح را بر دوش می کشند، چه خوب و چه بد، از همان شکل و موادی استفاده می کنند که کلیسای کاتولیک همیشه از نهاد مسیح حفظ کرده است، و پیشنهاد می کنند همان کاری را انجام دهند که کلیسا در آن اداره انجام می دهد، واقعاً مقدسات را انجام می دهند و اعطا می کنند، به طوری که بدون ثمره هیچ چیز نمی تواند مانع از دریافت آنها شود. و می خواهند با روح القدس مخالفت کنند. در واقع، آگوستین قدیس، در آن بحث هایی که علیه دوناتیست ها نوشت، به وضوح نشان داد که این عقیده همیشه در کلیسا قطعی بوده و مورد بررسی قرار گرفته است. و اگر دلیل کتاب مقدس را هم بجوییم، خود رسول را بشنویم که به این جملات می گوید: «من» می گوید 2) «کاشتم، آپولو سیراب کرد؛ ولی خدا رشد داد، پس نه آن که می کارد چیزی است و نه آن که آبیاری می کند، بلکه رشد دهنده خداست». از این قسمت به اندازه کافی فهمیده می شود که، همانطور که شرارت کسانی که دستانشان کاشته شده مانع درختان نمی شوند، کسانی که در مسیح به واسطه خدمت انسان های شرور کاشته شده اند، نمی توانند با تقصیر دیگری مرتکب گناه شوند. چرا همانطور که پدران مقدس ما از انجیل یوحنا 3 تعلیم دادند، یهودا چندین اسخریوطی را نیز تعمید داد، اما می خوانیم که هیچ یک از آنها دوباره تعمید نگرفتند، به طوری که D. آگوستین آن را نوشته 4 گذاشت: "یهودا تعمید داد، و بعد از یهودا تعمید نشد، یحیی آن را داد، و او پس از مسیح تعمید داده شد، اما اگر تعمید آن از یحیی بود" که توسط یوحنا داده شد، ما به درستی نه یهودا را بر یحیی ترجیح می دهیم، بلکه تعمید مسیح را که به دست یهودا نیز داده شده است، به تعمید یوحنا نیز ترجیح می دهیم.

26 در مورد کسانی که با وجدان ناپاک به ادای تعزیه می پردازند چه فکری باید کرد؟

در واقع، کشیشان یا سایر خدمتگزاران مقدسات، وقتی این چیزها را می شنوند، فکر نمی کنند که برای خود کافی است، اگر پس از تأمل در اخلاق و پاکی وجدان خود، فقط به این فکر کنند.

ج. 19. الف) اول کور. 3، 6، دنباله 8) 4، 2. «) تراکت. در آیو 5 .5 ،4.1 .o .4 .1 .10 .o .3 .1 <)

آیات مقدس به چه نحوی توسط آنها اجرا می شود. زیرا اگرچه این موضوع باید به دقت مورد توجه قرار گیرد، اما همه چیزهایی که به آن عملکرد مربوط می شود در این مورد قرار نمی گیرند. اما آنها باید همیشه به یاد داشته باشند که مقدسات هرگز نباید قدرت الهی را که در آنهاست از دست بدهند، بلکه کسانی که آنها را به طور ناخالص اجرا می کنند، نابودی و مرگ ابدی را به همراه دارند. زیرا با چیزهای مقدسی که باید بارها و بارها و بارها یادآوری کنیم، باید به شیوه ای مقدس و دینی رفتار کرد. «به گنهکار»، چنانکه در پیامبر آمده است، «خداوند فرمود: چرا حقانیت مرا اعلام می‌کنی و شهادت مرا به دهان می‌گیری، اما از تأدیب بیزاری». اما اگر انسان آلوده به گناه کمتر اجازه دارد به امور الهی بپردازد، او که از بسیاری از جنایات آگاه است و با این حال از انجام اسرار مقدس با دهان آلوده یا گرفتن دست های پلید و سرزنش و دراز کردن و خدمت به دیگران هراسی ندارد، چقدر جرم دارد؟ همانطور که مخصوصاً در سنت دیونیسیوس2 نوشته شده است که نمادهای شیطانی (زیرا او مقدسات را چنین می نامد) حتی مجاز به لمس نیستند. پس وزراء قبل از هرچیز باید حرمت مقدسات را رعایت کنند و به پاکیزه کردن اقامه مقدسات نزدیک شوند و به گونه ای تقوا پیشه کنند که از مداوا و استعمال مکرر آنها با یاری خداوند بیش از پیش به فیض فراوانی دست یابند.

## 27 در مورد دو اثر اصلی آیین های مقدس.

اما اکنون که این مطالب توضیح داده شد، باید آموزش داد که تأثیر قربانی ها چیست; زیرا به نظر می‌رسد که این امر روشنی چندانی برای تعریف مقدس که در بالا ارائه شد، ندارد. از این دو عمدتاً برشمرده شده است. و در واقع جایگاه اصلی به شایستگی توسط آن فیض اشغال شده است، که ما معمولاً توسط معلمان مقدس به نام «توجیه» می خوانیم. زیرا به این ترتیب رسول به ما بسیار آشکارا تعلیم داد، وقتی گفت که مسیح کلیسا را دوست داشت و خود را به خاطر او تسلیم کرد تا او را تقدیس کند و او را با شستشوی آب در کلام زندگی بشوید. اما به موجب توافقی که امری بسیار بزرگ و آنچنان تحسین برانگیز از طریق مراسم مقدس صورت می‌گیرد، که همانطور که حکم قدیس آگوستین4) جشن گرفته شده است، آب بدن را می‌شوید و قلب را لمس می‌کند: در واقع این را عقل و هوش بشری نمی‌توان درک کرد. زیرا باید ثابت شود که هیچ چیز معقولی به دلیل ماهیت خود دارای آن قدرت نیست تا به روح نفوذ کند. اما با پرتو ایمان می دانیم که قدرت خدای متعال در مقدسات موجود است، که به وسیله آن چیزهایی را انجام می دهند که خود چیزهای طبیعی با قدرت خود نمی توانند انجام دهند.

.الف) کلیساها سلسله مراتب ج. 1.3) اف. 5، 25، دنباله. *) تراکت .«0. i'n) PIso.. 49, 16. seq

از این رو، هنگامی که مراسم مقدس آغاز شد، هیچ شکی در این تأثیر در ذهن مؤمنان باقی نمی ماند، خدای مهربان اراده کرد تا آنچه را که در باطن انجام می دادند، با نشانه هایی از معجزات روشن کند، تا بتوانیم دائماً باور کنیم که همان چیزی پیوسته در باطن رخ می دهد، هر چند دور از حواس ما باشد. بنابراین، اجازه دهید از این که آسمان به روی نجات دهنده ما گشوده شد، زمانی که در اردن تعمید یافت، و روح القدس به شکل کبوتر ظاهر شد، تا به ما یادآوری شود که فیض او، هنگامی که در چشمه نجات غوطه ور می شویم، به جان ما تزریق می شود، من می گویم، اجازه دهید تعمید را صرف نظر کنیم (زیرا این نشانه تعمید است) آیا ما نه؟ می خوانیم که هنگامی که رسولان روح القدس را در روز پنطیکاست دریافت کردند، چه زمانی برای موعظه حقیقت ایمان، و خطراتی که برای جلال مسیح با آن مواجه بودند، فعالتر و قوی تر بود، 1) "ناگهان صدایی از آسمان شنیده شد، مانند آمدن روحی نیرومند، که بر آنها آتشی مانند آتش پراکنده شد؟" با توجه به آنچه فهمیده شد، همین روحیه در راز تأیید به ما داده شد و آن قوا به ما اضافه شد که با آن می توانیم به شدت در برابر جسم و دنیا و شیطان یعنی دشمنان ابدی خود مقاومت کرده و مقاومت کنیم. و این معجزات، هر زمان که رسولان این مراسم مقدس را انجام می دادند، برای مدتی در آغاز کلیسای نوپا دیده می شد، تا زمانی که از قبل در ایمان تثبیت و تقویت شده بودند، انجام نشدند.

29 چه قدر برتری رازهای شریعت جدید بر مقدسات شریعت قدیم است.

بنابراین، از آنچه در مورد تأثیر پیشین هدایا، یعنی توجیه فیض نشان داده شد، نیز به روشنی آشکار می‌شود که هدایای شریعت جدید، قدرتی بزرگ‌تر و عالی‌تر از هدایای شریعت قدیم دارند، که وقتی ضعیف بودند2) و عناصر نیازمند، ناپاکان را برای تطهیر نفس تقدیس می‌کردند، نه برای پاک کردن روح. از این رو، به طوری که نشانه ها تنها از چیزهایی است که توسط اسرار ما انجام می شود. امّا در واقع هدایای شریعت جدید که از جانب مسیح سرازیر می‌شود، «کسی که 4) از طریق روح‌القدس خود را بی‌نقص به خدا تقدیم کرد، وجدان ما را از کارهای مرده پاک کرد تا خدای زنده را خدمت کنیم، و بدین ترتیب فیضی را که آنها نشان می‌دهند، به واسطه خون مسیح اعمال می‌کنند. بر این اساس، اگر آنها را با آداب مقدس قدیم مقایسه کنیم، کارآمدتر، از نظر فایده پربارتر و از نظر قداست اوج پذیرتر خواهند بود.

عمل کنید. 2، 2. دنباله. *) Gal, 4, 9. ') عبری. 9، 13. *) عبری. 9، 14

30 چه مقدسات cchhaarraacctteerr.e m چاپ می شود و چیست

اما یکی دیگر از تأثیرات آداب مقدس، که برای همه مشترک نیست، بلکه منحصر به سه مورد، غسل تعمید، تأیید و نظم مقدس است، شخصیتی است که ارواح بر آنها نقش می بندند. زیرا وقتی رسول می فرماید: «خداوند ما را مسح کرد که ما را نیز مُهر کرد و عهد روح را در دل ما قرار داد»، این کلمه «امضا» به طور مبهم شخصیتی را توصیف نمی کند که ویژگی آن امضا کردن و علامت گذاری چیزی است. اکنون شخصیتی مانند علامتی بر روح نقش می بندد که هرگز نمی توان آن را پاک کرد و همیشه به آن پایبند است، که در آگوستین قدیس نوشته شده است: "آیا ممکن است آئین های مقدس مسیحی کمتر از این علامت جسمانی باشد که یک سرباز با آن علامت گذاری می شود؟ زیرا این نقش جدیدی بر سربازی نیست که به خدمت باز می گردد، بلکه آنچه قدیمی شناخته شده است تایید شده است."

31 تأثیر شخصیت چگونه باید باشد و چگونه هدایایی که شخصیت را تحت تأثیر قرار می دهد نباید تکرار شود.

حالا شخصیت این را تضمین میکند، هم برای اینکه ما برای انجام یا انجام کاری مقدس مناسب شویم، و هم برای اینکه برخی از آشنایی توسط یکی دیگر درونی شود. و در واقع ما هر دو ویژگی غسل تعمید را به دست می آوریم، تا بتوانیم برای دریافت آئین های مقدس دیگر مناسب شویم، و به علاوه، مردم مؤمن را از ملت هایی که ایمان را پرستش نمی کنند، متمایز می شوند. اما همین امر را می توان در خصلت تأیید و امر مقدس تشخیص داد; به وسیله دومی که به عنوان سربازان مسیح، برای اعتراف عمومی و دفاع از نام او، و در برابر دشمن ذاتی و شرارت معنوی خود در قلمروهای آسمانی، مسلح و آموزش دیده ایم، و در عین حال از کسانی که اخیراً غسل تعمید گرفتهاند، متمایز میشویم، 3) گویی آنها تازه متولد شدهاند. از سوی دیگر، هم قدرت ترکیبی در ساختن و خدمت به مقدسات را دارد و هم تمایز کسانی را که دارای این قدرت هستند از بقیه گروه مؤمنان نشان می دهد. بنابراین، قانون کلیسای کاتولیک، که به ما آموزش داده می شود، باید رعایت شود، که این سه آیین مقدس باید شخصیت آنها را تحت تأثیر قرار دهد، و هرگز نباید تکرار شوند. 32 به این وسیله شبانان کامل می شوند، به طوری که مردم مقدسات را گرامی می دارند و از آنها به صورت مذهبی استفاده می کنند.

اینها مطالبی است که به طور کلی در مورد عتبات ارائه خواهد شد. در توضیح کدام موضوع، کشیشان با کوشش تمام تلاش خواهند کرد تا دو چیز را به ویژه اهمیت دهند. اول این که مؤمنان بفهمند این چیزهای الهی چقدر عزت و عبادت و تکریم دارند

<) II. 8 .30 ،1 رشد کردن .ج .1 .1 و .در جو .6 .تراکت (ی .دنباله .21 ،1 .کور) I. Pet. 2، 2

شایسته هدایای آسمانی باشید. اما دیگری اینکه چون از سوی خداوند مهربان برای رستگاری مشترک همه معرفی شده اند، از آنها تقوای دینی و دینی استفاده کنند و چنان در آرزوی کمال مسیحی بسوزانند که اگر مدتی از استفاده مفید توبه، به ویژه عشای ربانی، بی بهره باشند، گمان کنند که به خود صدمه زیادی زده اند. شبانان می توانند به راحتی به این چیزها دست یابند، اگر آنچه را که در بالا در مورد الوهیت و ثمره مقدسات گفته شد، در گوش مؤمنان قرار دهند. به علاوه، هنگامی که به آنها خدمت می‌شود، روح‌القدس که به درون قلب ما نفوذ می‌کند مؤثرترین خدای موجود است. سپس، به قدرت تحسین برانگیز و مطمئن در مراقبت از روح مجهز شود. سپس، از طریق او، آن ثروت عظیم از اشتیاق خداوند به ما آورده می شود. در نهایت، اجازه دهید نشان دهند که تمام عمارت مسیحی واقعاً بر پایه بسیار محکم سنگ بنای استوار است، اما اگر از هر طرف با موعظه کلام خدا و استفاده از مقدسات حمایت نشود، باید بسیار ترسید که ممکن است در بخش بزرگی فرو نریزد. زیرا همانطور که ما از طریق اعطای مقدس وارد زندگی می شویم، به همان اندازه به عنوان علوفه از این امر تغذیه، حفظ و افزایش یافته ایم.

# فصل دوم.

## در آیین غسل تعمید

I. چرا تدریس mbcaupltciasrmii به مصلحت است.   اغلب به افراد مومن

در واقع، با توجه به آنچه تاکنون به طور جهانی در مورد مقدسات ارائه شده است، می توان دریافت که چقدر ضروری است که آموزه دین مسیحی را درک کنیم یا به تقوا عمل کنیم تا بفهمیم که کلیسای کاتولیک چه چیزی را برای اعتقاد به هر یک از آنها پیشنهاد می کند. اما اگر کسی رسول را با دقت بیشتری بخواند، بدون شک به این نتیجه خواهد رسید که دانش کامل غسل تعمید از مؤمنان بسیار لازم است، به طوری که نه تنها مکرر، بلکه با سخنان موقر و سرشار از روح خدا، خاطره راز خود را تجدید می کند، الوهیت او را ستایش می کند، و در آن مرگ، تدفین و بازپس گیری مجدد را در برابر چشمان ما قرار می دهد. چرا کشیش ها هرگز فکر نمی کنند که توجه و تلاش کافی برای درمان این آیین مقدس انجام داده اند؟ .II هنگامی که بیش از همه partoucenhdou .s .s ermo در مورد غسل تعمید باید نهادینه شود

اما گذشته از آن روزهایی که طبق رسم پیشینیان، اسرار الهی غسل تعمید باید بیش از هر چیز در روز سبت بیان شود.

122

در عید پاک و پنطیکاست بزرگ، که در آن زمان کلیسا عادت داشت این مراسم را با بزرگترین دین و بزرگترین مراسم جشن بگیرد، در روزهای دیگر نیز از فرصت بحث در این موضوع استفاده می کنند. و این، در وهله اول، ممکن است به عنوان مناسب ترین زمان برای آن موضوع تلقی شود، اگر گاهی اوقات، زمانی که قرار است برای کسی تعمید داده شود، متوجه شوند که انبوهی از مردم مؤمن جمع شده اند. زیرا در آن صورت اگر کمتر جایز باشد که تمام فصول مربوط به این آیین مقدس را دنبال کنیم، حداقل یک یا دو فصل را تعلیم دهیم، وقتی مؤمنان آموزه آن چیزها را که با گوش خود می بینند و در عین حال در مراسم مقدس غسل تعمید بیان می شود، می بینند و با فکری پرهیزگار و پرهیزگار در آنها می اندیشند. از این رو این اتفاق خواهد افتاد که هر کس با یادآوری کارهایی که می بیند در دیگری انجام می شود، تعهدی را که به وسیله آن خود را به خدا بسته بود، به یاد می آورد. و در عین حال به این فکر می کند که آیا باید خود را به گونه ای از زندگی و منش نشان دهد که همان مسلک نام مسیحی وعده می دهد. بنابراین، برای اینکه آنچه باید آموزش داده شود به وضوح توضیح داده شود که ماهیت و ماهیت غسل تعمید چیست، اگر ابتدا معنای خود کلمه توضیح داده شود، باید آن را باز کرد.

III. نام غسل تعمید به درستی نشان دهنده چیست؟

و هیچ کس از این حقیقت غافل نیست که تعمید یک نام یونانی است. که اگرچه در نوشته های مقدس نه تنها بر آن وضویی که مرتبط با مراسم مقدس است، بلکه به هر نوع وضویی که گاه به رنج ترجمه شده است دلالت می کند، اما در میان نویسندگان کلیسا، نه وضوی بدن، بلکه آن چیزی را که با مراسم مقدس مرتبط است، اعلام می کند، و بدون شکل معین کلمات انجام نمی شود. به این معنا در واقع رسولان از نهاد مسیح خداوند بیشتر از همه از آن استفاده می کردند.

IV. به علاوه پدران با این نام ها وضوی مقدس را بیان می کردند.

پدران مقدس نیز نام های دیگری را برای دلالت بر همین مطلب به کار می بردند. زیرا که آن را یک آیین ایمان نامیده اند، زیرا کسانی که آن را دریافت می کنند از کل ایمان دین مسیحی بهره مند می شوند، D. شهادت می دهد. از سوی دیگر، برخی دیگر، چون قلب ما با (Augustine2 ایمانی که در غسل تعمید به آن اعتراف می کنیم، روشن شده است، این آیین مقدس را روشنایی نامیده اند. زیرا حتی رسول 3) چنین می گوید: " روزهای پیشین را به خاطر بیاور که در آن، با روشنگری، مبارزه ای عظیم را تحمل کردی." البته به معنای زمانی است که آنها در آن غسل تعمید گرفتند. کریستوم، علاوه بر این، در دعایی که برای تعمید داشت، همچنین برای تطهیر، زیرا

') II. Esd. 4، 23. 38 ،10 .4 ،7. علامت گذاری کنید. «) Epist. 98، 8. «) 32 ،10. عبری.

با تعمید، خمیر مایه کهنه را پاک کنیم تا آبپاشی جدیدی باشیم. او هم دفن، سپس کاشت و سپس صلیب مسیح را ذکر می کند. دلیل همه این درخواست‌ها را می‌توان از نامه‌ای که به رومی‌ها نوشت، جمع‌آوری کرد. حال اینکه چرا D. Dionysius 1 را اصل مقدس ترین احکام نامیده است، روشن است، زیرا این راز مانند دری است که از آن وارد جامعه زندگی مسیحی می شویم و از آن شروع به اطاعت از احکام الهی می کنیم. و این موارد در مورد نام به اختصار توضیح داده خواهد شد.

## تعریف غسل تعمید چیست؟-V

اما در مورد تعریف موضوع، اگرچه می توان بسیاری از نویسندگان مقدس را نقل کرد، به نظر می رسد که مناسبتر و راحت تر از آن چیزی است که از سخنان خداوند در یوحنا و رسول به افسسیان درک کنیم. زیرا هنگامی که منجی 2) می‌گوید: «مگر از آب و روح‌القدس دوباره متولد نشود، نمی‌تواند به ملکوت خدا وارد شود» و رسول هنگام صحبت از کلیسا3: «پاک کردن آن با شستن آب در کلام»: چنین می‌شود تا به درستی و مناسب تعریف شود، که غسل تعمید تجدید حیات در آب است. زیرا ما ذاتا از آدم، پسر خشم متولد شده‌ایم، اما از طریق تعمید در مسیح، پسر رحمت، دوباره متولد می‌شویم. در واقع 4) "او به مردم قدرت داد تا پسران خدا شوند، به کسانی که به نام او ایمان دارند، که نه از خون، نه از اراده جسم و نه از اراده انسان، بلکه از خدا متولد شدند."

## VI. به این دلیل باید آیین غسل تعمید کامل شود.

اما ماهیت غسل تعمید با هر کلمه‌ای که اتفاقاً توضیح داده شود، باید به مردم آموخت که این امر مقدس با وضو انجام می‌شود، که لزوماً از قول مؤسسه منجی خداوند، از کلمات حتمی و جدی استفاده می‌شود. همانطور که پدران مقدس همیشه تعلیم داده اند. این را آن شهادت بسیار آشکار آگوستین الهی 5 نشان می دهد: "کلام به عنصر نزدیک می شود و به یک امر مقدس تبدیل می شود." اما لازم است او را با دقت بیشتری پند داد، مبادا مؤمنان را به این گمراهی سوق داد، همانطور که معمولاً گفته می‌شود که خود آبی که برای اتمام تعمید در چشمه مقدس نگهداری می‌شود، یک مراسم مقدس است. زیرا در آن صورت باید آیین غسل تعمید گفته شود، هنگامی که ما از آب شستشوی کسی استفاده می کنیم و کلماتی را که خداوند مقرر کرده است، به چیز واقعی اضافه می کنیم. حال، از آنجایی که در ابتدا گفتیم که هدایای مقدس از ماده و صورت تشکیل شده است، به طور کلی با همه مقدسات سروکار داشتیم: بنابراین، آنچه هر دو در غسل تعمید باید باشد، باید توسط کشیشان اعلام شود.

') از کلیساها. زده شود ج. 2. رام 6، 4. اول کور. 5، 7. ») آیو. 3، 5. ») افس. 5، 26. *) آیو. 1، 12، دنباله 5) تراکت. 80.

VII. مواد مناسب غسل تعمید چه باید باشد.

بنابراین، امر یا عنصر این حرمت، هر نوع آب طبیعی است، خواه از دریا باشد، یا رودخانه، یا مرداب، یا چاه و چشمه که معمولاً به آن آب بدون اضافه می گویند. زیرا منجی نیز 1 تعلیم داد: "تا زمانی که از آب و روح القدس زاده نشود، نمی تواند به ملکوت خدا وارد شود؛ و رسول 2) می گوید: کلیسا با شستن آب پاک می شود؛ و در رساله ب. یوحنا 3 می خوانیم: "سه نفر هستند که بر روی زمین شهادت می دهند، روح، آب، و خون دیگر گواهی است."

هشتم. قسمت متی در مورد غسل تعمید آتش توضیح داده شده است.

در واقع، آنچه توسط یحیی تعمید دهنده (4) گفته شده است که خداوند خواهد آمد که «در روح القدس و آتش» تعمید خواهد داد، این در واقع به هیچ وجه به عنوان ماده تعمید قابل درک نیست، بلکه باید به تأثیر درونی روح القدس اشاره کرد، یا حداقل به معجزه ای که در روز پنطیکاست ظاهر شد، زمانی که «ارواح القدس در قالب روح القدس از روح القدس ظاهر شد. آتش"؛ در مورد آن مسیح خداوند ما در جای دیگر پیشگویی کرد 6: "یوحنا در حقیقت با آب تعمید داد، اما من شما را با روح القدس بعد از روزهای زیادی تعمید نخواهم داد."

9 با این ارقام و Propmhoentsitirsa t av.is، آب غسل تعمید باید از بین برود.

درست است که خداوند هم در صورت و هم در روایات انبیا بر همین امر دلالت کرده است. رئیس رسولان در رساله پیشین نشان می دهد که رودخانه ای که جهان به وسیله آن پاک شد، زیرا کینه توزی انسان ها در زمین زیاد بود و هر فکری که دل به بدی می خواست، شکل و شباهت این آب را داشت. و اینکه عبور از دریای سرخ به معنای همان آب بوده است، D. Paulus7) به قرنتیان نوشت و توضیح داد. در این میان وضوی نعمان6) شامی و قدرت شگفت انگیز حوض اثبات9) و خیلی چیزهای دیگر از این دست را که به آسانی می توان در آنها نمادی از این راز را مشاهده کرد، صرف نظر کرد. اکنون هیچکس نمیتواند در پیشبینیها شک کند، مگر در مورد «آن آبهایی که» اشعیا پیامبر سخاوتمندانه همه تشنهها را به آن دعوت میکند، یا حزقیال در روحی که از معبد بیرون میآمد، دید. و بعلاوه، «آن چشمهای که برای خاندان داود و برای ساکنان اورشلیم مهیا شد»، برای شستوشوی گنهکار و حائض، زکریا 12) پیشگویی کرده است، باید به آب غسل تعمید تعلق داشته باشد تا اشاره و بیان شود.

') آیو. 3، 5. ») اف. 5، 26. ») 8 ،5 .Io .I. ') مت. 3، 11. س) اعمال رسولان. 2. 1. °) عمل کنید. <1»,) Z 5.
است. 55، 1. ») بز. 47، 1 ('") Io. 5, 2. 8) IV. Reg. 5, 14. (") 10, 1. Cor1.. ,I .1 3 (.'a c h

125 قسمت دوم. فصل دوم X 125 چرا خدا استفاده از آب را برای انجام غسل تعمید به جای هر ماده دیگری انتخاب کرد.

اما د< ژروم با نوشتن به اقیانوس، تا چه اندازه مطابق با ماهیت و فضیلت غسل تعمید بود که اصل آن را آب نهادینه کرد. اما در مورد این قسمت، شبانان می توانند قبل از هر چیز تعلیم دهند که چون این مراسم مقدس برای همه بدون استثنا برای رسیدن به حیات ضروری بود، بنابراین ماده آب که هرگز در دسترس نیست و همه می توانند به راحتی آن را تهیه کنند، بسیار مناسب بود. سپس آب به ویژه تأثیر غسل تعمید را نشان می دهد. زیرا همانطور که آب کثیفی را می‌شوید، قدرت و کارآیی غسل تعمید نیز که به وسیله آن لکه‌های گناه پاک می‌شود، به بهترین وجه نشان داده می‌شود. اضافه می شود که همانطور که آب برای خنک کردن بدن بسیار مناسب است، شور آرزوها نیز تا حد زیادی با غسل تعمید خاموش می شود. XI. چرا کریسمس به آب ساده و طبیعی اضافه می شود؟

باید توجه داشت که اگرچه آب ساده که هیچ چیز دیگری در آن آمیخته نشده است، ماده مناسبی برای انجام این مراسم مقدس است، یعنی هر زمان که نیاز به تعمید خدمت باشد، اما طبق سنت رسولان، در کلیسای کاتولیک همیشه رعایت شده است که وقتی تعمید در مراسم تشریفاتی انجام می شود، عید مقدس با تعمید نیز به طور واضحی به آن افزوده می شود. همچنین باید به مردم تعلیم داده شود که اگر چه گاهی ممکن است معلوم نباشد که این یا آن آب واقعی است، چنانکه کمال تسبیح اقتضا می کند، با این حال این امر را باید مسلم دانست، که راز غسل تعمید را نمی توان از هیچ ماده ای جز مایع آب طبیعی انجام داد.

XII. بنابراین، شکل کامل غسل تعمید باید به وضوح برای همه مؤمنان در هرزگی توضیح داده شود.

اما از دو قسمتی که تعمید باید شامل آن شود، پس از دیگری، یعنی موضوع به دقت توضیح داده شد، کشیشان با همان دقت تلاش خواهند کرد تا شکل را نیز که دومین جزء ضروری آن است، ارائه دهند. اما در توضیح این راز فکر خواهند کرد که باید با دقت و مطالعه بیشتر آن را شرح داد، زیرا علم به چنین راز مقدسی نه تنها به خودی خود می تواند مؤمنان را بسیار خوشحال کند، که در واقع در همه معارف الهی اتفاق می افتد، بلکه برای استفاده تقریباً روزمره نیز بسیار مطلوب است. زیرا از آنجایی که غالباً زمانها اتفاق می افتد، همانطور که به وضوح در جای خود گفته خواهد شد، که در آن غسل تعمید باید هم توسط افراد دیگر و هم اغلب توسط زنان انجام شود: بنابراین چنین می شود که فحشا

&12

برای همه مؤمنان، چیزهایی که مربوط به ماهیت مقدس است باید شناخته و درک شوند.

سیزدهم که باید شکل کامل و کامل این آیین مقدس باشد. بنابراین، شبانان با کلماتی روشن و آشکار که برای همه قابل درک است، می آموزند که این شکل کامل و مطلق تعمید است: "شما را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید می دهم." زیرا خداوند و نجات دهنده ما به این ترتیب به رسولان در متبایوم دستور داد: "بروید و همه امت ها را تعلیم دهید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید."' از آن کلمه «تعمید»، کلیسای کاتولیک تعلیم داده شده الهی به خوبی دریافت که در قالب این آیین مقدس، عمل وزیر باید بیان شود. که در واقع زمانی اتفاق می افتد که گفته شود: من تو را تعمید می دهم. و از آنجا که علاوه بر وزراء، لازم بود هم به شخص غسل تعمید اشاره شود و هم به علت اصلی که موجب غسل تعمید می شود، به همین دلیل است که ضمیر «تو» و اسامی متمایز اشخاص الهی اضافه می شود، تا صیغه مطلق راز در کلماتی که همین الان بیان شده است، منعقد شود: روح القدس." زیرا این فقط شخص پسر نیست که توسط یوحنا 2 نوشته شده است) "اینجا کسی است که تعمید می دهد"، بلکه همه افراد تثلیث مقدس به طور همزمان برای آیین غسل تعمید کار می کنند. اما این که گفته می شود «بسم» نه «در اسماء»، به روشنی ماهیت و الوهیت تثلیث را اعلام می کند. درواقع در این قسمت نام به اشخاص اطلاق نمی شود; بلکه دلالت بر جوهر و قدرت و قدرت الهی دارد که در سه شخص یکی است.

چهاردهم آیا همه کلمات در قالب غسل تعمید به یک اندازه ضروری هستند؟ اما در این صورت که کامل و کامل نشان دادیم، باید توجه داشت که چیزهایی کاملاً ضروری است که در صورت حذف آن، امر مقدس انجام نمی شود; اما برخی آنقدر ضروری نیستند که اگر مفقود شوند، نظام مقدس وجود ندارد. این کلمه "من" است که نیروی آن در کلمه "تعمید" وجود دارد. نه، در واقع، در کلیساهای یونانی این مرسوم بود که از شیوه‌های مختلف سخن گفتن عبور می‌کردند، به این دلیل که خادمین قضاوت می‌کردند که نباید ذکر شود. از آنجا به این نتیجه رسید که در غسل تعمید اینجا و آنجا از این شکل استفاده می کنند: "بنده مسیح به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید می یابد." با این حال، از نظر و تعریف شورای فلورانس چنین بر می‌آید که توسط چه کسی مراسم مقدس به طور کامل اجرا می‌شود.

') مت. 28، 19. *) آیو. 1، 33.

وقتی این کلمات به اندازه کافی حقیقت غسل تعمید را توضیح دهند، البته وضو، که در واقع انجام می شود.

15 پس از آن رسولان به نام مسیح تعمید دادند.  باید گفت زمانی بود که

iAdp o sqtuoildie1m) iSnp i rniotmuis n es a ntctain t uamff l aDtoum ienois fIeecsiuss e C,
h reixsptli o rbaatputmiz a rneonbti,s باید باشد، به طوری که در آغاز موعظه عیسی مسیح

موعظه تر و مقدس تر به نام کلیسای نوپا شود. قدرت عظیم بیشتر جشن گرفته می شود.  اما پس از آن، با نگاهی عمیق به موضوع، به راحتی می‌فهمیم که هیچ یک از آن بخش‌ها به آن شکلی که توسط خود ناجی تجویز شده است، مطلوب نیست.  زیرا کسی که عیسی مسیح را می‌گوید، در عین حال به شخصیت‌های پدر که توسط او مسح می‌شود و روح‌القدس که توسط او مسح می‌شود اشاره می‌کند.

16 ApoTsrtionliotsat i isn، nnoumniqnuea m C h rbiasptti،z a tsascex،t i sc r aeldiiesn d duuma b uesst . افراد

اگرچه ممکن است برای برخی یا چنین شک و تردیدی پیش بیاید

sfiolriim a s a nAcptoisstsoilmio ruaml i qeute m g r abvaipstisziamvoerruimn t ,
P a tsir u Amm b raousctioir"i)t a teetm Bsae-- که ما می خواهیم، کسانی که تعمید را

به نام عیسی تعبیر کرده اند، که تعمید به نام عیسی مسیح توسط کسانی که توسط عیسی مسیح امضا شده اند، تعمید داده نشده است، بلکه می گویند که تعمید توسط کسانی که توسط عیسی مسیح امضا شده است. که توسط مسیح خداوند منتقل شد، حتی اگر این شکلی که شامل نام‌های متمایز این سه شخص می‌شد، نبود، و به نظر می‌رسد که پولس از این نوع گفتار در نامه به غلاطیان استفاده می‌کرد،

بنابراین، تا اینجای کار، به طور عمده در مورد ماده‌ای که به آن مربوط می‌شد، تعمید داده شد

17 در چه توافقی باید راز این raebgluetnieor.a ساخته شود

زیرا در ساختن این مراسم مقدس باید دلیل وضوی مشروع را نیز رعایت کرد: بنابراین آموزه هر قسمت از آن باید توسط کشیشان بیان شود و باید به اختصار توسط آنها توضیح داده شود که به روش و رسم رایج کلیسا پذیرفته شده است تا تعمید به یکی از سه طریق انجام شود.  زیرا کسانی که قرار است در این مراسم مقدس مشرف شوند یا در آب غوطه ور می شوند یا آب در آنها می ریزند یا با پاشیدن آب غوطه ور می شوند.   اما هر که این آداب را رعایت کند

عمل کنید.  2، 38. و 8، 12. 16. ») اروبر.  از روح.  St. 1, 3. Basius.  از اسپیر.  سنت سی.  12

در آنجا، باید باور داشت که غسل تعمید واقعاً کامل شده است. زیرا آب در غسل تعمید به معنای شستشوی روح است که آن را انجام می دهد. چرا تعمید توسط رسول "شستشو" نامیده می شود؟ اما وضو زمانی که انسان در آب غوطه ور می شود، که ما مدت هاست مشاهده کرده ایم که در کلیسا از اولین بارها مشاهده شده است، بیشتر از ریختن آب که اکنون در استفاده مکرر از آن می بینیم، تأثیر نمی گذارد. یا با پاشیدن، چنانکه گفته می شود پطرس2 انجام داد، هنگامی که «در یک روز» سه هزار مرد را به حقیقت ایمان آورد و آنها را تعمید داد.

18 یک وضو یا سه وضو لازم است.

اما وضو یک بار باشد یا سه مرتبه، گزارش نبیل لازم است. زیرا از رساله دی. گریگوری کبیر به لئاندر به اندازه کافی مشهود است که غسل تعمید واقعاً در کلیسا و قبلاً انجام می شد و اکنون می توان آن را انجام داد. اما آیینی که هر کس در کلیسای خود رعایت می کرد، باید توسط مؤمنان حفظ شود.

19 چرا باید سر به خصوص در اینجا شسته شود؟

و مخصوصاً لازم است توصیه شود که نه هر قسمتی از بدن، بلکه مخصوصاً سر که تمام حواس باطنی و ظاهری در آن شکوفا می شود و در عین حال غسل تعمید دهنده، نه قبل از وضو و نه بعد از وضو، کلمات صیغه را که حاوی صورت است، همزمان با خود وضو بیان کند.

20 آیا مسیح تعمید را قبل یا بعد از مصائب خود بنا نهاد؟

پس از توضیح این چیزها، همچنین مناسب خواهد بود که تعلیم داده شود و به خاطره ایمانداران بازگردانده شود که تعمید، مانند سایر مقدسات، توسط مسیح خداوند برقرار شده است. از این رو، کشیشان مکرراً این را تعلیم و توضیح خواهند داد، که باید به دو زمان مختلف تعمید اشاره کرد، یکی زمانی که ناجی آن را تأسیس کرد، و دیگری زمانی که قانون با دریافت آن تأیید شد. و در مورد اول، سپس مشاهده می شود که این آیین مقدس توسط خداوند برقرار شد، زمانی که او خود، با تعمید توسط یوحنا، قدرت تقدیس آب را داد. زیرا گرگوری قدیس نازیانزوس 3) و آگوستین 4) گواهی می دهند که در آن زمان قدرت تولید آب به زندگی معنوی داده شده بود. و در جای دیگر این گونه نوشته است: "از آنجا که مسیح در آب غوطه ور شد، آب از او همه گناهان را می شوید." و در جای دیگر6): «خداوند تعمید می‌یابد، نه نیاز به پاک شدن، بلکه آبها را با لمس گوشت پاک پاک می‌کند تا قدرت شست‌وشو داشته باشند». و برای آن موضوع می تواند مهم ترین استدلال باشد، آن وقت

») تیت. 7، 5. اف. 5، 26. الف) اعمال رسولان. 2، 41. ») یا. 88. 4) ر.ک. سرم. 136. در برنامه. *) ج ج. آگوست سرین. 135. در برنامه. ه) ib.

مقدس ترین تثلیث که غسل تعمید به نام او انجام می شود، الوهیت فعلی خود را اعلام کرد. "زیرا صدای پدر شنیده شد، شخص پسر حضور داشت و روح القدس به صورت کبوتری نازل شد." به علاوه، «آسمان ها گشوده می شود»، که اکنون اجازه داریم از طریق تعمید به آن صعود کنیم. اما اگر کسی بخواهد بداند که به چه دلیل چنین قدرت الهی توسط خداوند به آبها عطا شده است، این در واقع از درک بشر فراتر است. با این حال، این را می توان به اندازه کافی برای ما درک کرد، که آب برای استفاده مفید غسل تعمید با لمس مقدس ترین و پاک ترین بدن او که توسط خداوند دریافت شد، تقدیس شد. بنابراین، با این حال، باید اعتقاد داشت که این آیین مقدس، حتی اگر قبل از مصائب نهادینه شده بود، قدرت و کارایی را از مصائب به دست آورد، که مانند پایان تمام اعمال مسیح بود.

XXI. هنگامی که قانون تعمید شروع به مقید کردن مردان کرد

اما در مورد دوم نیز، یعنی زمانی که قانون مربوط به تعمید تصویب شد، جای هیچ شکی باقی نمی ماند. زیرا در میان نویسندگان مقدّس، پس از رستاخیز خداوند، هنگامی که به رسولان 2 فرمان داد، توافق شده است: «بروید و جمیع امّتها را تعلیم دهید و آنها را به نام پدر و پسر و روحالقدس تعمید دهید.» که از آن زمان همه افرادی که باید به رستگاری ابدی برسند، شروع به حفظ شریعت تعمید کردند. این از اختیارات شاهزاده رسولان جمع آوری شده است که می گوید: "او ما را از طریق رستاخیز عیسی مسیح از مردگان به یک امید زنده تبدیل کرد." و همان از آن پولس 4) مکان: «او خود را برای او تسلیم کرد تا او را تقدیس کند» (زمانی که از کلیسا صحبت می کرد)، او را با شستشوی آب در کلام پاک می کرد، «ممکن است معلوم شود؛ زیرا به نظر می رسد که هر یک از آنها وظیفه تعمید را به زمانی که پس از مرگ خداوند به وقوع پیوست، بازگرداند، به طوری که هیچ راهی برای شک وجود ندارد، حتی آن سخنان هوییوس از آب زاده شده است. روح، او نمی تواند وارد ملکوت خدا شود.

22 مراسم آیین غسل تعمید باید با احترام فراوان برگزار شود. از این رو، اگر کشیشان به درستی با آنها رفتار کنند، تردیدی وجود ندارد که مؤمنان در این آیین مقدس بیشترین وقار را میشناسند و با بیشترین تقوای نفس عبادت میکنند: به ویژه هنگامی که فکر میکنند آن عالیترین و گستردهترین هدایا، که هنگام تعمید خداوند به عنوان نشانههای معجزه اعلام شد، باید به هر یک از کسانی که دارای قدرت هستند تعمید داده شوند و به آنها تقدیم شود. روح. همانطور که

') مت. 3، 16، دنباله. علامت 1، 9، دنباله. 3، 21. دنباله. *) مت. 28، 19. «) Eph. 5، 25 X ،1 .I. Pet، دنباله. 5) جو. 3، 5

زیرا اگر همانطور که برای پسر الیشع1 اتفاق افتاد، چشمان ما چنان گشوده می شد که می توانستیم به چیزهای بهشتی نگاه کنیم، هیچ کس آنقدر خالی از عقل سلیم تصور نمی شد که اسرار الهی غسل تعمید او را به بزرگترین شگفتی منتقل نمی کرد: چرا فکر نمی کنیم که همین اتفاق بیفتد، در حالی که ثروت این آیین مقدس آنچنان توسط شبانان مؤمن آشکار می شد که اگر شبانان مؤمن نمی توانستند چشمانشان را متذکر شوند. اما با چشمان ذهن که با شکوه ایمان روشن شده است؟

23 چند نوع از مردم می توانند تعمید را انجام دهند؟ حال اما به نظر می رسد که این مراسم مقدس توسط کدام خادمین انجام شود، نه به مصلحت، بلکه لزوماً باید ابلاغ شود تا کسانی که مخصوصاً این منصب به آنها سپرده شده است، اهتمام ورزیده و اهتمام ورزند که به صورت مقدس و دینی به آن رسیدگی کنند. به طوری که هیچ کس، گویی از محدوده خود خارج شده است، نباید نابهنگام به تصرف دیگری درآید یا با افتخار وارد شود، در حالی که رسول به ما یادآوری می کند که در همه چیز نظم را رعایت کنیم. پس به مؤمنان تعلیم داده شود که دستور آنها سه گانه است. و در وهله اول، در واقع، اسقفها و کشیشانی که به آنها داده شده است، قرار میگیرند تا بتوانند این منصب را به حق خود و نه با هیچ قدرت خارقالعادهای انجام دهند. زیرا خداوند در رسولان به آنها دستور داده بود: "برو و تعمید بده." گرچه اسقف ها برای اینکه مجبور نشوند دغدغه مهم تر آموزش مردم را کنار بگذارند، 3) عادت داشتند که خدمت تعمید را به کشیشان بسپارند. اما این واقعیت که کشیشان این وظیفه را به درستی انجام می دهند، به طوری که می توانند حتی در حضور اسقف غسل تعمید را انجام دهند، از تعالیم پدران و عمل کلیسا روشن است. زیرا هنگامی که آنها را برای تقدیس عشای ربانی، که رمز صلح و وحدت است، نهادند، شایسته بود که به آنها قدرت داده شود تا همه آن چیزها را اداره کنند، که به وسیله آن هرکس می تواند لزوماً در این صلح و وحدت شریک شود. اما اگر پدران گاهی میگفتند که حق تعمید بدون عفو اسقف برای کشیشها مجاز نیست، به نظر میرسد که این از آن غسل تعمید فهمیده میشود که مرسوم بود در روزهای خاصی از سال مراسم رسمی را برگزار میکردند. به گفته وزیران، مکان شماسها اشغال شده است، که انجام این مراسم مقدس بدون اجازه اسقف یا کشیش، اکثر اس.اس، مجاز نیست. آنها به احکام پدران شهادت می دهند.

24 که در صورت لزوم، مراسم غسل تعمید را اعطا می کند

آخرین دستور آنها نشست. تی، که با ضرورتی اجباری قادر به تعمید بدون تشریفات رسمی هستند. در این تعداد همه، حتی از مردم، چه مرد و چه زن، هر چه که باشند، هستند

IV. Reg. 6.17.2) 1 17 ،10 اول قرن. 1، 17. 4) اول کور. 14، 40. ») قرن.

بگذارید آنها به فرقه های خود اظهار نظر کنند. زیرا برای یهود نیز و برای کفار و بدعت گذاران، در جایی که ضرورت اقتضا می کند، این تکلیف جایز است. با این حال، در صورتی که برای آنها در نظر گرفته شده بود که این کار را انجام دهند، کاری که کلیسای کاتولیک در آن نوع مدیریت انجام می دهد. و هنگامی که این چیزها توسط بسیاری از احکام پدران و مجالس باستان تأیید شد، انجمن مقدس ترنت برای کسانی که جرأت می‌کنند بگویند تعمید، که بدعت‌گذاران نیز به نام پدر، و پسر، و روح‌القدس انجام می‌دهند، به قصد انجام آنچه تعمید واقعی انجام می‌دهد، تحقیر شد. که در آن ما واقعاً می توانیم عالی ترین نیکی و حکمت پروردگارمان را تحسین کنیم. زیرا هنگامی که این امر مقدس باید توسط همه درک شود، همانطور که او آب را به عنوان ماده آن قرار می دهد، که با آن هیچ چیز مشترک تر از این نیست:

## نه این که مراسم یا مراسم بیشتر حدیبگنا باشد، بلکه کمتر از مراسم مقدس ضروری باشد.

۲۵ چه ترتیبی باید در تعمید توسط وفاداران رعایت شود؟

این درست نیست که این اداره اینقدر بی‌رحمانه به همه اجازه داده شده است، مؤمنان فکر می‌کنند که مناسب‌تر است برخی از دستورات وزیران را ایجاد کنند. برای زن، اگر مرد حضور داشته باشد، مرد غیر روحانی در حضور روحانی و روحانی در حضور کشیش، نباید اجرای غسل تعمید را به عهده بگیرد. Quanquam obste- itrnitceers,
d u qmu a ep r abeaspetnitzea r ea l icqounos u evvierrou,n t,q u ii m

phruoibuas n dsaaec r anmoenn t is u ncto,n fi s-i cciieunmd i v midieirs,

quanotdu r.a lias viri مناسب تر از XXVI. چرا علاوه بر ریوئیس، پ قوطیر ای نبیا پ

تایذهینبته،ا ن تیونر . رمز و راز بازسازی

و در کنار آن خادمانی که همانطور که تا کنون اعلام شده است غسل تعمید را انجام می دهند، نوع دیگری از خادمان نیز وجود دارد که از قدیمی ترین رسم کلیسای کاتولیک برای جشن گرفتن وضو مقدس و پرهیزگار استفاده می شود. آنها اکنون حامی، سابقاً حامی، حامی یا ضامن بودند، با اصطلاحی رایج که نویسندگان چیزهای الهی آن را می‌نامند. در مورد کارکرد آن، از آنجایی که تقریباً به همه افراد غیر روحانی مربوط می شود، کشیش ها باید دقیقاً عمل کنند تا مؤمنان بفهمند که برای انجام صحیح آن چه چیزی ضروری است. اما در وهله اول لازم است توضیح داده شود که دلیل آن چه بوده است، چرا علاوه بر خادمین مراسم مقدس، پدر نیز در غسل تعمید شرکت کرده و ') سس. 7.
فصل غسل تعمید. 4.

 پذیرنده می پیوندند.   اگر به یاد
داشته باشند که غسل تعمید یک تجدید حیات معنوی است که
به موجب آن ما فرزندان خدا به دنیا می آییم، این را همگان خواهند دید
که این کار با بهترین حق انجام شده است.   زیرا دی. پتروس در
مورد او چنین صحبت می کند: "همانطور که نوزادان معقول، بدون
فریب، به شیر طمع می کنند. این را بدانید."   از این رو، پس از
اینکه انسان به این روشنایی معرفی شد، به یک پرستار و مربی
نیاز دارد که با کمک و کار او تربیت شود، و در تعالیم و هنرهای
خوب تربیت شود: همچنین لازم است کسانی که زندگی روحانی را از
چشمه تعمید شروع می کنند، خود را به ایمان و احتیاط متعهد
سازند، که از آن همه پیروان دین مسیحی و پیروان دین و پیروی از آن
پیروی کنند. بنابراین به تدریج در مسیح رشد می کنند تا صوصاً
سرانجام به کمک خداوند به عنوان انسان های کامل قرار می کنند.
برای چوپانانی که مسئولیت مراقبت از کلیساهای عمومی را بر خصوصی
عهده دارند، فرصت زیادی باقی نمانده تا بتوانند آن مراقبت
تربیت فرزندان را با ایمان انجام دهند.   و ما شاهدی عالی از این رسم رهبران
بسیار قدیمی از دیونوسیوس داریم که می گوید: "این به ذهن
الهی ما رسید" (زیرا او رسولان را چنین می خواند) "و تصور می شد
که نوزادان را بر اساس این روش مقدس دریافت کنند، که والدین لبیعی
کودک باید او را به معلمی خاص در خدا به عنوان یک پدر الهی به
عنوان معلمی که باید تحت نظر او و تحت نظر او انفاق کنند،
تحویل دهند. باقی مانده عمرش."   همین نظر مورد تایید مقام
های گیگیوس است. 27 خویشاوندی روحانی که در غسل تعمید
منعقد می‌شود، توصیه‌های مادر را مختل می‌کند و از بین می‌برد.

از این رو کلیسای مقدس عاقلانه ترین حکم را صادر کرده است که
نه تنها کسی که با تعمید یافتگان غسل تعمید می دهد، بلکه گیرنده
ای که با او می پذیرد، و با والدین واقعی اش، به گونه ای وابسته به یشاوندی
باشد که نتوان بین همه اینها پیمان های ازدواج مشروع منعقد کرد و در
وهله اول آنها منحل می شوند. 274 نقش والدین چیست و چه چیزی از
آنها خواسته می شود. علاوه بر این، باید به مؤمنان تعلیم داد که چه
اجزای متعهد است. در واقع، در کلیسا به قدری با این عملکرد
بی‌دقت رفتار می‌شود که فقط نام این کارکرد باقی مانده است. اما به
نظر می رسد که مردان حتی به آنچه که مقدسین در آن هستند، مشکوک
نیستند. بنابراین، کسانی که به طور جهانی این کار را انجام می دهند،
باید همیشه فکر کنند که به این مهم ترین شریعت ملزم هستند، تا
فرزندان روحانی خود را دائماً مورد تحسین قرار دهند، و در مواردی که به شکل
گیری زندگی مسیحی اشاره دارد، باید مراقب باشند که در تمام زندگی خود
را چنین نشان دهند. چه نوع مردمی هستند که بیایند") Pet. 2، 2. «) De .1
eocl. منطقه .100 .ج (8 .7 .ج دیروز V. تلاش.

به طور رسمی مراسم را جشن گرفتند. بیایید بشنویم که قدیس دیونیسیوس در این باره چه می نویسد و سخنان حامی خود را بیان می کند: "من قول می دهم که کودک را هنگامی که به هوش مقدس رسید با نصیحت های مجدانه خود رهبری کنم تا از همه مخالفان چشم پوشی کند، اعتراف کند و به وعده های الهی عمل کند." همینطور آگوستین 2) الهی می فرماید: «اول از مردان و زنانی که در غسل تعمید فرزندانی دریافت کرده اند، به شما توصیه می کنم که بدانید نزد خدا برای کسانی که دیده شده اید از چشمه مقدس دریافت کرده اید، ضامنانی وجود داشته است». و در واقع سزاوارتر آن است که کسی که هر وظیفه ای را بر عهده گرفته است از پیروی مجدانه آن خسته نشود و کسی که خود را مربی و سرپرست دیگری می داند به هیچ وجه نباید او را که زمانی در ایمان و مشتری خود پذیرفته بود ترک کند تا زمانی که بفهمد به زحمات و حمایت او نیاز دارد. اما آنچه را که باید به پسران روحانی تحویل داد، دی. آگوستین در چند کلمه فهمید، وقتی از همین مقام کسانی که آن را دریافت کردند صحبت کرد. زیرا او می گوید: "آنها باید آنها را به حفظ پاکدامنی، عشق به عدالت، حفظ صدقه و مهمتر از همه به آنها یاد دهند که نمادها و نماز یکشنبه و همچنین دکلمه را به آنها بیاموزند که اولین مبانی دین مسیحیت است."

29 هر کس که به نقش تندروی تنبیه کند قابل قبول نیست.

از آنجایی که این موارد چنین است، ما به راحتی میفهمیم که اداره این حفاظت مقدس به نوع بشر نباید واگذار شود. البته به کسانی که یا نمی خواهند آن را صادقانه حمل کنند، یا آن را با پشتکار و دقت انجام نمی دهند. بنابراین غیر از پدر و مادر طبیعی که اجازه انجام این مراقبت را ندارند تا از اینجا بیشتر معلوم شود که این تربیت معنوی چقدر با نفسانیات فاصله دارد، بدعت گذاران، اولاً یهودیان، کافران کاملاً از این خدمت منع می شوند تا کسانی که همیشه به این فکر و مراقبت مشغول هستند، حقیقت دین را با همه دروغ و تقوا پوشانده باشند.

30 تعداد حامیان مالی چقدر باید باشد؟

توسط شورای ترنت4 مقرر شد که چند نفر نباید تعمیدشدگان را از غسل تعمید دریافت کنند، بلکه فقط یک نفر، چه مرد باشد چه زن، یا حداکثر یک و یک نفر; هم به این دلیل که ممکن است نظم انضباط و تعلیم توسط انبوهی از معلمان به هم بخورد، و هم به این دلیل که لازم بود پیش بینی شود که بین تعدادی از این قرابت ها وحدت وجود نداشته باشد، که مانع از انتشار گسترده تر جامعه به دلیل پیوند کمتر مشروع ازدواج بین زن و مرد شود.

') از eccl. زده شود c 50. الف) ج. 105. منطقه. 4 .ib (8 .V. de cons) سس. 24. ج. 20

31 غسل تعمید برای نجات همه ضروری است. 134 اما در حالی

که علم به چیزهای دیگری که تا به حال توضیح داده شده است باید برای مؤمنان مفیدتر تلقی شود، پس هیچ چیز نمی‌تواند ضروری‌تر از این باشد که به آنها تعلیم داده شود که قانون تعمید توسط خداوند برای همه انسان‌ها مقرر شده است، به گونه‌ای که، مگر اینکه از طریق فیض تعمید برای خدا دوباره متولد شوند، بدلیل والدین خود زائد خواهند شد، خواه در ایمان ابدی باشند. بی وفا بنابراین، شبانان اغلب باید آنچه را که در بشارت می‌خواند توضیح دهند: «تا زمانی که از آب و روح‌القدس دوباره متولد نشود، نمی‌تواند به ملکوت خدا وارد شود». 32 نوزادان اصلاً باید تعمید بگیرند.

عقیده و اقتدار مشترک پدران تأیید می کند که شریعت را نه تنها برای بزرگسالان، بلکه برای کودکان خردسال نیز باید درک کرد و کلیسا آن را از سنت رسولی دریافت کرد. علاوه بر این، باید باور داشت که مسیح خداوند نمی‌خواست از راز و فیض غسل تعمید برای کودکان محروم شود، زیرا در مورد آنها گفت: "کوچولوها را تحمل کنید و آنها را از آمدن نزد من منع نکنید، زیرا ملکوت آسمان چنین است، آنها را در آغوش گرفت، آنها را بر آنها گذاشت و آنها را برکت داد." سپس، وقتی می‌خوانیم که «کل خانواده‌ای توسط پولس تعمید داده شد»، کاملاً مشهود است که حتی کودکانی که در میان آنها بودند نیز در چشمه‌ی سلامتی شسته شده‌اند. در مرحله بعد، ختنه، که نمادی از تعمید بود، بیش از همه این رفتار را ستوده است. زیرا هیچ کس نیست که نداند که فرزندان در روز هشتم طبق معمول ختنه شدند. و برای آن‌هایی که ختنه‌ی انسان‌ساز «در ضایع کردن بدن» بدن برای‌شان سود داشت، برای آنها همان تعمید، که «ختنه‌ی ناساخته‌ی مسیح» است، سودمند بود، ۶) روشن است. سرانجام، همانطور که رسول تعلیم می دهد: "اگر با جرم یک مرگ از طریق یکی حکمفرما شود، بسیار بیشتر کسانی که فیض فراوان و عطا و عدالت را دریافت می کنند، در زندگی به وسیله یک عیسی مسیح سلطنت خواهند کرد." بنابراین، از آنجایی که از طریق گناه آدم، فرزندان از ابتدا آسیب دیدند، بسیار بیشتر از طریق خداوند مسیح می توانند فیض و عدالت را به دست آورند تا در زندگی سلطنت کنند. که در واقع بدون غسل تعمید به هیچ وجه قابل انجام نیست. چرا کشیشان تعلیم می‌دهند که اصلاً باید نوزادان را غسل تعمید داد، و سپس باید به تدریج از احکام دین مسیحی برای تقوای واقعی آگاه شود. زیرا همان طور که حکیم 7) به صراحت می فرماید: «جوان راه او را دنبال می کند، حتی وقتی که پیر شود، از آن دور نمی شود».

') آیو. 3، 5. *) مت. 19، 14. 3) علامت گذاری کنید. 10، 16. لوقا 18، 15. «) 2 E ph. 1، 16. 8) i، Cor. 11. سرهنگ 2، 11. ") روم 5، 17. ") پروش. 22. 6.

دریافت می کنند. زیرا ما نباید شک کنیم که آنها رازهای ایمان را هنگامی که شسته می شوند دریافت می کنند. نه به این دلیل که آنها با موافقت ذهن خود ایمان دارند، بلکه به این دلیل که با ایمان والدین خود، اگر والدین با ایمان وفادار باشند، اگر نگوییم کمتر، با ایمان (همانطور که به قول د. آگوستین صحبت می کنیم)، کل جامعه مقدسین استحکام می یابد. زیرا ما به درستی در مورد همه کسانی که با تعمید تقدیم می‌شوند، تقدیم به آن‌ها خوشایند می‌گوییم، و با صدقه‌شان به اشتراک روح‌القدس ملحق می‌شوند.

31 V. تعمید شیرخواران به تعویق نیفتد.

و به مؤمن ترین افراد توصیه می شود که هر چه زودتر فرزندان خود را بدون خطر به کلیسا بیاورند و آنها را با تشریفات رسمی غسل تعمید دهند. زیرا از آنجایی که هیچ وسیله دیگری برای نجات نوزادان وجود ندارد، مگر اینکه غسل تعمید برای آنها فراهم شود، به راحتی می توان درک کرد که کسانی که به خود اجازه می دهند بیش از آنچه ضرورت می خواهد از فیض مقدس محروم شوند، چه عیب جدی دارند. مخصوصاً وقتی که به دلیل ناتوانی سن آنها، خطرات تقریباً نامتناهی زندگی بر دوش آنها گذاشته می شود.

35 اضافه شد که آنها باید قبل از تعمید آموزش ببینند.

اما رسم کلیسای باستانی اعلام می‌دارد که در کسانی که در سنین بالغ هستند و از عقل استفاده کامل دارند، یعنی کسانی که از کافران آمده‌اند، باید دلیل متفاوتی را رعایت کرد. در واقع، ایمان مسیحی باید به آنها پیشنهاد شود، و آنها باید تشویق شوند، وسوسه شوند، و با هر تلاشی به پذیرش آن دعوت شوند. اگر آنها به خداوند خداوند تبدیل شدند، لازم است به آنها هشدار داده شود که آیین غسل تعمید را که توسط کلیسا تجویز شده است، به تعویق نیندازند. زیرا وقتی نوشته شده است: «در روی آوردن به خداوند تأخیر مکن و روز به روز تأخیر مکن.» باید به آنها آموزش داده شود که از طریق غسل تعمید یک تبدیل کامل در نسل جدید ایجاد می شود. علاوه بر این، هر چه دیرتر به غسل تعمید بیایند، باید از استفاده و فیض دیگر مقدساتی که دین مسیحیت به وسیله آنها تزکیه می شود، محروم شوند، زیرا هیچ کس نمی تواند بدون غسل تعمید به آنها دسترسی داشته باشد. سپس از بزرگترین میوه ای که از غسل تعمید دریافت می کنیم محروم شویم، زیرا آب غسل تعمید نه تنها لکه و کثیفی گناهانی را که قبلا مرتکب شده ایم کاملاً پاک می کند، بلکه ما را به فیض الهی زینت می دهد که با کمک و حمایت آن می توانیم حتی در آینده از گناهان دوری کنیم و عدالت و بی گناهی را حفظ کنیم، که جوهر زندگی مسیحی به راحتی در آن قابل درک است.

') رجوع کنید به اوت Eocl. 5، 8 «) ep. 98.

36 نشان داده شده است که تعمید باید برای بزرگسالان به تعویق بیفتد. اما اگر چه این چیزها چنین است، برای کلیسا مرسوم نیست که مراسم غسل تعمید را فوراً به این نژاد از مردان بدهد. اما تصمیم گرفت آن را برای یک زمان مشخص به تعویق بیندازد. زیرا آن تأخیر با خطری که در بالا گفته شد کودکان را تهدید می کند، مرتبط نیست، بلکه برای کسانی که استعداد و غرض و برنامه غسل تعمید و توبه از بد رفتاری را دارند، اگر حادثه ای ناگهانی مانع آنها شود، برای فضل و عدالت کافی است تا کمتر با آب نجات شسته شوند. از سوی دیگر، به نظر می رسد این تاخیر فوایدی را به همراه دارد. اول از همه، از آنجایی که کلیسا باید به دقت مراقب باشد که هیچ کس با ذهنی کاذب و وانمود شده به این مراسم مقدس نزدیک نشود، اراده کسانی که درخواست تعمید می کنند با دقت بیشتری بررسی و درک می شود. به همین دلیل در مجالس باستانی فرمانی می خوانیم که کسانی که از میان یهودیان به مذهب کاتولیک می آیند، قبل از اینکه برای آنها تعمید داده شود، باید چند ماه در زمره کاتخومن باشند. سپس در آموزه ایمان، که آنها باید اقرار کنند، و در نهادهای زندگی مسیحی، آنها باید به طور کامل تر تربیت شوند. علاوه بر این ، عبادت مذهبی بیشتری به مقدسات داده می شود ، اگر فقط در روزهای تعیین شده عید پاک و پنطیکاست مراسم رسمی غسل تعمید را دریافت کنند.

37 همیشه نباید تعمید را به بزرگسالان موکول کرد. اما گاهی اوقات نباید به دلایل عادلانه و ضروری زمان غسل تعمید به تعویق افتاد، گویی خطری برای زندگی وجود دارد، و به ویژه اگر کسانی که اسرار ایمان را کاملاً درک کرده اند، شسته شوند. کاملاً واضح است که او فیلیپ و شاهزاده رسولان را هنگامی که یکی خواجه ملکه کنداس (اعمال رسولان 8، 36، 10، 47) و دیگری کورنلیوس را تعمید داد، بدون هیچ تأخیری، اما بلافاصله، به محض اینکه آنها اقرار به پذیرش ایمان کردند، ساخت.

38 کسانی که قرار است تعمید بگیرند چگونه باید تحت تأثیر قرار گیرند؟ علاوه بر این، باید به مردم آموزش داده شود و نحوه تأثیرگذاری بر کسانی که قرار است تعمید شوند، توضیح داده شود. در وهله اول، لازم است که آنها اراده کنند، و قصدشان این است که غسل تعمید بگیرند. زیرا هنگامی که هر کس در غسل تعمید به گناه بمیرد، و شیوه زندگی و انضباط جدیدی را در پیش بگیرد: شایسته است که تعمید به هیچ کس ناخواسته یا ناخواسته داده نشود، بلکه فقط به کسانی داده شود که به میل خود و با قلبی مشتاق آن را دریافت می کنند. از این رو مشاهده می کنیم که سنت مقدس همیشه این را رعایت کرده است که نباید به کسی تعمید داد، مگر اینکه ابتدا از او پرسیده شده باشد که آیا مایل به تعمید است یا خیر. همچنین نباید تصور کرد که این اراده در کودکان و نوزادان وجود ندارد، زیرا اراده کلیسا که آنها را تضمین می کند نمی تواند مبهم باشد.

 هنگامی که مجنون می تواند یا نمی تواند تعمید یابد.

علاوه بر این، دیوانگان و دیوانگانی که زمانی که عقل سلیم داشتند، پس از آن به جنون افتادند، به طوری که کسانی که در آن زمان اراده ای برای دریافت غسل تعمید ندارند، مگر اینکه جانشان در خطر باشد، نباید غسل تعمید داده شوند. اما وقتی درگیر بحران زندگی می‌شوند، اگر قبل از شروع خشم، معنای اراده او را داده باشند، باید شسته شوند. در غیر این صورت، باید از اجرای تعمید خودداری کنند. و همین قضاوت را باید در مورد کسانی که می خوابند نیز گرفت. اما اگر آنها هرگز در قدرت ذهن نبودند، به طوری که از عقل استفاده نمی کردند، اقتدار و عرف کلیسا به اندازه کافی اعلام می کند که آنها باید در ایمان کلیسا تعمید بگیرند، نه بر خلاف کودکانی که عقل ندارند.

XJj. علاوه بر این، برای دریافت غسل تعمید چه چیزی لازم است.

درست است که علاوه بر اراده غسل تعمید، ایمان نیز به دلیلی که در مورد اراده گفته شد، برای کسب فیض راز ضروری ترین است. همانا پروردگار و نجات دهنده ما تعلیم داد: «هر که ایمان آورد و تعمید گرفت، نجات می‌یابد.» بعد، لازم است که هر یک از جنایات پذیرفته شده و زندگی ناپسند او توبه کند و تصمیم بگیرد که در آینده از همه گناهان دوری کند، در غیر این صورت، کسی که چنین درخواست تعمید می‌کند، به هیچ وجه عادت خود را اصلاح نمی‌کند. به تعمید فیض و فضیلت، به عنوان ذهن و نصیحت آنها، که هرگز از آنجایی که باید تعمید را به این دلیل جستجو کرد، تا 2) بتوانیم مسیح را بپوشیم و با او متحد شویم: واضح است که ما باید با وضو مقدس طرد شویم، که هدف آن استقامت در رذیلت ها و گناهان است، به ویژه به این دلیل که به کلیسا تعلق داریم ما می دانیم که در او خواهد بود، «کسی که 3) در جسم راه برود، نه به وسیله روح، با این حال، آنچه به آیین مقدس مربوط می شود، بدون هیچ تردیدی دلیل کامل آن را به دست می آورد کتاب مقدس می‌فرماید: 4) از او و بقیه رسولان پرسیده بود که چه کنند برای آنها، چنین پاسخ دادند: توبه کنید و هر یک از شما تعمید داده شود، و در جای دیگر: توبه کنید.

>) علامت گذاری کنید. 16، 16. *) Gal. 3، 27 *) روم. 8، 4. *) اعمال رسولان. 2، 37. دنباله.

quit1)، "و توبه کنید تا گناهان شما پاک شود." به همین ترتیب، پولس مبارک، که به رومیان می نویسد، به وضوح نشان می دهد که کسی که تعمید می گیرد باید مطلقاً برای گناهان خود بمیرد. از این رو او ما را تشویق می کند که 3) «اعضای خود را با سلاح گناه به گناه معرفی نکنیم»، بلکه خود را «به عنوان زنده از مردگان» به خدا معرفی کنیم.

41 به همان اندازه که به گفتگو در مورد آنها کمک می کند.

در واقع، اگر مؤمنان غالباً در مورد این چیزها تعمق کرده باشند، ابتدا مجبور خواهند شد که به شدت از خیر عالی خدا شگفت زده شوند، که به کسانی که لایق هیچ چیز نیستند، چنین منفعت منحصر به فرد و الهی از غسل تعمید را که تنها از طریق رحمت او حاصل شده است، عطا می کند. آنگاه وقتی در برابر چشمان خود قرار می دهند که زندگی کسانی که به چنین موهبتی آراسته شده اند چقدر باید بیگانه باشد: به راحتی می فهمند که این نیز قبل از هر چیز مورد نیاز یک مرد مسیحی است، تا بتوانند هر روز زندگی ای را که به این قدر مقدس و دینی پیوند خورده اند مطالعه کنند، گویی که در همان روز غسل تعمید به مقدسات و فیض رسیده اند. با این حال، برای شعله‌ور ساختن دل‌ها به غیرت تقوای واقعی، هیچ چیز موفق‌تر از این نخواهد بود که شبانان در دعای دقیق، آثار غسل تعمید را توضیح دهند.

## 42 تأثیر اصلی غسل تعمید چیست؟

De his igitur, quoniam saepe agendum est, ut fideles magis perspiciant, se in altissimo dignitatis gradu positos esse, nec se ab eo deiici ullis adversarii insidiis vel impetu ullo unquam tempore patiantur: hoc primum tradere oport. orgine contractum، sive a nobis ipsis commissum، quamvis etiam adeo nefarium sit، ut ne cogitari quidem posse videatur، admirabili huius sacra-menti virtute remitti et condonari. Id vero multo ante ab Ezechiele praenunciatum est, per quem Dominus Deus ita lo- quitur4): "Effundam super vos aquam mundam, et mundahi- mini ab omnibus inquinamentis vestris." و رسول پس از برشمردن طولانی گناهان به قرنتیان تسلیم شد: «و این چیزها بودید، اما شسته شده بودید، اما تقدیس می شدید». و واضح است که این آموزه به طور مستمر توسط کلیسای مقدس منتقل شده است. Sanctus enim Augustinus در libro، quem de Baptismo parvulorum conscripsit، این وصیت نامه: "Generante carne tantum contrahitur peccatum originale, regenerante autem spiritu non solum originalium, sed etiam voluntariorum peccatorum fit remissio." و سنت ژروم به اقیانوس، او گفت: "ای مردان، جنایات در غسل تعمید بخشیده می شوند." و اینکه هیچکس نباید بیش از این در این مورد شک کند، پس از تعریف مجالس دیگر، شورای مقدس ترنت نیز از قانون خارج شد. s .19 ،3) روم. 6، 11، دنباله. 3، Ib. 13. 4) Ez. 36، 25 «) 11 ،6 اول کور.

او تصریح کرد که وقتی کفر بر کسانی که جرأت داشتند احساس دیگری داشته باشند، دریغ نکردند که ادعا کنند اگر چه گناهان در غسل تعمید بخشیده می شوند، اما به طور کامل از بین نمی روند یا ریشه کن نمی شوند، بلکه به نحوی تراشیده می شوند، به طوری که ریشه گناهان همچنان در ذهن باقی می ماند.  زیرا، برای استفاده از کلمات همان سینود مقدس، خدا از هیچ چیز در کسانی که دوباره متولد می شوند متنفر نیست، زیرا برای کسانی که واقعاً با مسیح از طریق تعمید در مرگ دفن شده اند، محکومیتی وجود ندارد.  کسانی که بر اساس جسم راه نمی‌روند، بلکه انسان قدیم را کنار می‌گذارند و انسان جدید را که بر اساس خدا آفریده شده است، می‌پوشند، بی‌گناه، بی‌لک، پاک، بی‌آزار و محبوب خدا می‌شوند.

## 43 آیا طمع در تعمید یافته گناه است؟

و در واقع باید اعتراف کرد، همانطور که در همان مکان توسط مرجع همان مجمع حکم شد که شهوت یا شهوت در تعمیدشدگان باقی بماند.  اما واقعا دلیلی برای گناه ندارد.  زیرا از جمله آگوستین الهی 1: "در کوچکان غسل تعمید یافته گناه غرض برطرف می شود، در رنج باقی می ماند."  و همین مطلب در جای دیگر شهادت داده می شود2): «عذاب الطمع فی غسل تعمید ولکن ضعف باقی است».  زیرا طمع که از گناه است، چیزی جز اشتهای نفس نیست که فطرتش با عقل مخالف است; اما کدام حرکت، اگر رضایت اراده یا غفلت نداشته باشد، از ماهیت واقعی گناه دور است.  اما وقتی اس.  پولس 3 ادامه می دهد: "من شهوت را نمی دانستم، مگر اینکه شریعت گفته بود: شهوت نکنید." از این سخنان می خواست نه قدرت شهوت، بلکه رذیلت اراده را بفهمد.  همین دکترین توسط S. گرگوری چنین می‌نویسد: «اگر کسانی هستند که می‌گویند، گناهان ظاهری در غسل تعمید بخشیده می‌شوند: چه چیزی در این موعظه بی‌ایمان‌اثر است؟  و برای نشان دادن این واقعیت، از شهادت نجات دهنده ما استفاده می کند، هنگامی که در سنت یوحنا 5 می گوید: " کسی که شسته می شود به چیزی جز شستن پاهای خود نیاز ندارد، اما تمام جهان چنین است."

## 44 بار دیگر نشان داده می شود که همه گناهان با تعمید از بین می روند.

اما اگر کسی بخواهد به شکل و تصویر دقیق این موضوع نگاه کند، به خود پیشنهاد دهد تا در داستان نعمان 6) جذامی سوریه که هفت بار خود را در آب اردن شست، چنانکه کتاب مقدس شهادت می دهد، چنان از جذام پاک شد که گوشتش مانند گوشت کودک بود.  از این رو، غسل تعمید اثر مناسب همه گناهان است، چه با تقصیر اصلی، چه تقصیر خودمان.

') در مورد گناهان.  آن را سزاوار و منتشر کرد 2، 4. *) Eom. 7، 7 (« .Retract. 1، 15. «) اپیست. Hb. 11.
قسمت. 45. «) آیو. 13، 10. ب) IV. Reg. 5، 1. دنباله.

بگذار آنها باشند، آرامش. که علت آن را پروردگار و نجات دهنده ما به روشن ترین سخنان رئیس رسولان نهاد تا از شهادت های دیگر غافل شویم، او توضیح داد: «توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان تعمید یابد».

45 همانطور که گناه، مجازات هر غسل تعمید نیز بخشیده می شود.

در واقع، در غسل تعمید نه تنها گناهان بخشیده می شود، بلکه همه گناهان و کیفر جنایات نیز به لطف خداوند بخشیده می شود. زیرا اگر چه این امر در همه ی مقدسات مشترک است، اما از طریق آنها قدرت مصائب خداوند مسیح منتقل می شود: اما فقط در مورد تعمید توسط رسول 2 گفته شده است که ما توسط خود مسیح دفن و دفن شده ایم. که از آن کلیسای مقدس همیشه دریافته است که نمی‌توان، بدون بزرگ‌ترین صدمه به آیین مقدس، چنین مناصبی از تقوا را که پدران مقدس آن را آثار رضایت می‌نامیدند، بر کسی که با غسل تعمید کفاره می‌شود، تحمیل کرد. و در واقع آنچه در این مکان صادر می شود برخلاف رسم کلیسای قدیمی است که قبلاً یهودیان را هنگام غسل تعمید دستور می دادند که چهل روز متوالی روزه بگیرند. زیرا آن مؤسسه مربوط به رضایت نبود، بلکه کسانی که غسل تعمید گرفته بودند به همین دلیل توصیه می‌شدند که با احترام به شأن مقدس، مدتی بدون توقف در روزه و نماز تلاش کنند.

44 او به محض تعمید از مجازات های مدنی آزاد نمی شود.

اما گرچه در غسل تعمید، مجازات گناهان باید بخشیده شود، اما از آن دسته از مجازات‌ها که باید توسط احکام مدنی برای برخی جنایات سنگین پرداخت شود، هیچ کس به گونه‌ای آزاد نمی‌شود که کسی که مستحق مرگ است با غسل تعمید از مجازات مقرر در قوانین رهایی یابد. گرچه دین و تقوای امیرانشان باید به شدت مورد ستایش قرار می گرفت، اما آنها از این مشاهدات نیز چشم پوشی کردند تا جلال خداوند در عبادات او برجسته تر شود.

47 مجازات هایی که معمولاً بعد از این زندگی اعمال می شود در غسل تعمید بخشیده می شود.

به علاوه، غسل تعمید پس از گذراندن این زندگی موجب رهایی از تمام مجازات های ناشی از گناه اصلی می شود. در واقع، به دلیل شایستگی مرگ خداوند بود که ما توانستیم به این چیزها برسیم. اما همانطور که در بالا گفته شد با غسل تعمید یاد او را گرامی می داریم. «زیرا اگر همان گونه که رسول می فرماید، ما به مَثَل مرگ او شبیه شدیم، در قیامت در همان حال خواهیم بود».

عمل کنید. 2، 38. 2) روم. 6، 3. 3) Ib. ساعت

اگر کسی بپرسد که چرا بلافاصله پس از غسل تعمید،
حتی در این زندگی فانی، از این ناراحتی ها رها نمی شویم و به آن
مرحله کامل از زندگی که آدم، اولین والد نسل بشر، به قدرت
وضوی مقدس در آن قبل از گناه قرار گرفته بود، منتقل نمی
شویم، پاسخ داده می شود که این کار به دو دلیل عمده انجام شده
است.   اولین مورد این است که ما که با تعمید به بدن مسیح
پیوسته ایم و اعضای آن شده ایم، نباید به اندازه ادای سر خود
قدر و منزلت داشته باشیم.   از این رو، از آنجا که مسیح خداوند از
آغاز ظهور خود، کمال فیض و حقیقت خود را داشت، با این حال، او
ابتدا سستی طبیعت انسانی را که به دست آورده بود، فرو
نگذاشت، بلکه عذاب های شور و مرگ را تحمل کرد، و سپس به
شکوه زندگی جاودانه برخاست: چه کسی می تواند تعجب کند
وقتی مؤمنانی را می بیند که قبلاً فیض عدل او را هنوز به عدل و
انصاف به دست آورده اند. بدن پوسیده و شکننده، به طوری که،
پس از اتمام زحمات بسیار برای مسیح، و مرگ دوباره با مرگ برای
بازخوانی آنها به زندگی، آیا در نهایت شایسته لذت بردن از
زندگی ابدی با مسیح هستند؟   اما دلیل دیگری که پس از غسل
تعمید، ناتوانی بدنی، بیماری، احساس درد و غرض ورزی در ما باقی
می‌ماند، این است که آن را به‌عنوان بذر و ماده فضیلت داشته
باشیم که بعداً از آن میوه جلال فراوان‌تر و پاداش‌های بزرگ‌تر به
دست آوریم.   زیرا هنگامی که همه ناراحتی های زندگی را با قلبی
صبور تحمل می کنیم و عواطف نادرست ذهن خود را تحت فرمان
عقل به یاری الهی تسلیم می کنیم، باید به این امید یقین
تکیه کنیم که اگر نبرد نیکو با رسول انجام داده بودیم (دوم
تیم. 4، 7 بعدی)، مسیر را به پایان می رساندیم، ایمان را نیز حفظ
می کردیم، و همچنین ایمان را به عادلانه روز قضاوت می کردیم، و
خداوند را عادل می دانستیم. عدالتی که محفوظ بود   در واقع، به
نظر می‌رسد که خداوند با بنی‌اسرائیل نیز چنین کرده است، که
اگرچه آنها را از بردگی مصریان به فرعون رهانید و لشکر او در
دریا غرق شدند: با این حال آنها را فوراً به سرزمین مبارک موعود
نیاورد، بلکه ابتدا آنها را در موارد متعدد و گوناگون آموزش داد.  و
پس از آن که آنها را به تصرف سرزمین موعود فرستاد، در واقع
بقیه ساکنان را از محل زادگاهشان پریشان کرد، اما اقوام خاصی را
باقی گذاشت که نتوانستند آنها را نابود کنند، تا هرگز قوم خدا
فرصت رزمی و شجاعت را از دست ندهند.   او به این مطلب اضافه
می کند که اگر با غسل تعمید، علاوه بر مواهب بهشتی که روح
را با آن آراسته می کند، اموال بدن را نیز عطا می کرد، به حق می
توان تردید داشت که بسیاری امکانات زندگی کنونی را بر
امیدهای آینده ترجیح می دهند.

به دنبال جلال، آنها باید به تعمید بیایند. در حالی که نه این نادرستی ها و ابهامات 1) که دیده می شوند، بلکه چیزهای حقیقی و ابدی که دیده نمی شوند، باید همیشه در برابر انسان مسیحی قرار گیرند.

49 در میان بدبختی های این زندگی دوباره متولد شده اند از سرگرمی های محکم روح دلسرد نمی شوند.

اما در این میان شرایط این زندگی پر از بدبختی خالی از لذت و خوشی نیست.

زیرا چه چیزی برای ما که قبلاً با تعمید به مسیح پیوند زده شدهایم خوشایندتر یا مطلوبتر از این است که با صلیب بر روی شانههایمان پیروی کنیم و از هیچ زحمتی خسته نشویم یا از خطرات عقب نمانیم، خیلی کمتر از قبل

maliiiu m v3i)rg i nsituapteirsn alea u rveoacma,ti o anliisi dDoecit ri onamen i et s

tpuradeidoi c actinotneinsd a mcourso, - زیرا آیا برخی کف شهادت خواهند گرفت و برخی دیگر زینت های فضیلت را از جانب خداوند دریافت خواهند کرد؟ این نمرات عالی ستایش به هیچ کس داده نمی شد، مگر اینکه ابتدا خود را در مرحله این زندگی دردناک تربیت کرده بودیم و شکست ناپذیر در نبرد ایستاده بودیم.

ل) با غسل تعمید به جز بخشش گناه و مجازات چه چیز دیگری به انسان عرضه می شود؟

اما برای بازگشت به دعای آثار غسل تعمید، باید توضیح داد که با قدرت این آیین مقدس ما نه تنها از شری که واقعاً بزرگترین است رهایی مییابیم، بلکه خیر و عطایای فوقالعاده نیز بر آن افزوده میشود. زیرا روح ما مملو از فیض الهی است که به وسیله آن عادل و فرزندان خدا و وارثان نجات ابدی شده ایم. زیرا همانطور که نوشته شده است: "هر که ایمان آورد و تعمید یابد، نجات خواهد یافت." و کلیسا را پاک کرد5) با شستن آب در کلام زندگی، رسول شهادت می دهد. اکنون فیض وجود دارد، همانطور که شورای ترنت6) مقرر کرد که مجازات کفر را همه باید باور کنند، نه تنها گناهان را می بخشند، بلکه یک صفت الهی است که در روح وجود دارد و مانند شکوه و نور خاصی است که تمام لکه های روح ما را محو می کند و خود روح ها را زیباتر و شکوهمندتر می کند. و این به وضوح از نوشته های مقدس جمع آوری شده است، 7) که آنها می گویند که فیض ریخته شده است، و آنها معمولا آن را پیمان روح القدس می نامند.

Ll. فیض های خداوند که با غسل تعمید القا می شود، به عنوان فضیلت های فضولی اضافه می شود.

و به آن شريف ترين صفات فضيلتي افزوده مي شود که از فيض الهي در روح دميده مي شود. چرا؟

•)Se's)s . n f> .C o dre. iiu,s t i1f3. . 1 .11 (الف ج o. ' 1) 5، R o 5m.. 53،) P5.h i lI.I. 3C، یا r 0.1 4.1، 2•>2). 21 ،5 افس. «) .16 ،10 مرقس

هنگامی که رسول 1) به تیتوس گفت: "او ما را با شستشوی بازسازی و تجدید روح القدس که به وفور توسط نجات دهنده ما
عیسی مسیح بر ما ریخت، نجات داد" D. Augustinus 2) در توضیح این
کلمات "او فراوان ریخت"، "جای تعجب نیست"، او می گوید: "برای فضیلت و بخشش فراوانی گناه." 51 از طریق تعمید ما با
مسیح ادغام می شویم.

اما اکنون از طریق غسل تعمید، ما با مسیح به عنوان سر به عنوان اعضا متحد و مرتبط شده ایم. پس همانطور که قدرت از سر جاری می شود که به وسیله آن تک تک اعضای بدن برای انجام وظایف مناسب خود حرکت می کنند، همچنین از کمال خداوند مسیح، قدرت و فیض الهی به همه کسانی که عادل هستند منتشر می شود که ما را برای همه وظایف تقوای مسیحی مناسب می کند.

53 اجازه دهید که آنها با جمع آوری فضیلت های بسیار در غسل تعمید، تقوا را به کندی انجام دهند.

برای هیچ کس نباید تعجب آور باشد که وقتی ما به چنین انبوهی از فضایل مجهز و آراسته شدیم، با این حال، بدون سختی و زحمت زیاد، اقدامات خداپسندانه و شرافتمندانه را شروع نکنیم، یا یقیناً آن را کامل نکنیم. زیرا این اتفاق نمی‌افتد زیرا فضیلت‌هایی که خود اعمال از آن سرچشمه می‌گیرد به فیض خدا به ما عطا نشده است، بلکه به این دلیل است که پس از غسل تعمید سخت‌ترین نبرد شهوت با روح باقی می‌ماند، که در آن سزاوار نیست که یک مرد مسیحی با کشمکش ذهن شکسته یا ضعیف شود، زیرا ما باید به بهترین امید اعتماد به حق، هر قدر که یک تمرین روزانه باشد، تکیه کنیم. فقط، هر چه مقدس باشد، همان آسان است و آنها باید زیبا به نظر برسند. بیایید با خوشحالی به این چیزها فکر کنیم، بیایید این کارها را با قلب غیرت انجام دهیم تا خدای صلح با ما باشد.

LIV در غسل تعمید یک شخصیت پاک نشدنی نقش می بندد.

علاوه بر این، با غسل تعمید ما به شخصیتی سپرده می‌شویم که هرگز نمی‌توان آن را از روح پاک کرد. که در این جا بحثی در مورد آن بیشتر نیست، مگر اینکه انتقال به این مکان از آنچه در بالا گفته شد جایز باشد، که در مجموع در مورد اعجازات بحث شد، بسیار مربوط به این بحث است.

55 غسل تعمید نشان داده شده است که هرگز نمی توان آن را تکرار کرد.

اما از آنجایی که کلیسا بر اساس نیرو و ماهیت شخصیت تعیین کرده است که آیین غسل تعمید به هیچ دلیلی نباید تکرار شود: مومنان به طور مکرر و مجدانه در مورد این موضوع توسط شبانان پند می‌گیرند، مبادا هرگز به خطا کشیده شوند. این همان چیزی است که رسول خدا تعلیم می‌دهد و می‌فرماید: «یک پروردگار، یک ایمان، یک با

ط) تیت. 3، 5، دنباله *) براق. ord به 1. o. ») فیل. 4، 8. «) 41 .Eph (6 .12 ،13 .I. Cor، و

سپس هنگامی که رومیان را نصیحت می کند 1) که کسانی که در مسیح از طریق تعمید مرده اند مراقب باشند که جانی را که از او دریافت کرده اند از دست ندهند، وقتی می گوید 2: «زیرا مسیح برای گناه مرد، یک بار مرد:» به نظر می رسد این به وضوح به این معنی است که همانطور که او نمی تواند دوباره بمیرد، برای ما نیز جایز نیست که دوباره از طریق تعمید بمیریم. بنابراین حتی کلیسای مقدس علناً به یک تعمید اعتقاد دارد. اینکه این امر به شدت با ماهیت و دلیل موضوع مطابقت دارد، از این واقعیت فهمیده می شود که تعمید نوعی تجدید حیات معنوی است. بنابراین، همانطور که ما فقط یک بار به وسیله نیروی طبیعی متولد شدیم و به نور بیرون آمدیم، و همانطور که D. Augustine3) می گوید، رحم می تواند تکرار شود: همچنین فقط یک نسل روحانی وجود دارد و تعمید در هیچ زمانی تکرار نمی شود.

LVL lli تکرار non baptistiaz a natbluuru,n t uqru.i شرط معین interpo-

و هیچ کس فکر نمی کند که وقتی کسی را شسته است، با استفاده از چنین فرمول کلماتی که در مورد او معلوم نیست قبلاً تعمید داده شده است، او را تکرار کند: "اگر تعمید یافته اید، دیگر شما را تعمید نمی دهم؛ اما اگر هنوز تعمید نیافته اید، شما را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید می دهم." بنابراین برای mnionni s tirmapriie

diitcereanrdiu،m s eeds t. s ante با افزودن تعمید ad- LVIL غسل

تعمید مشروط همیشه نباید در این طرف از هر گونه تبعیض استفاده شود.

با این حال، در این موضوع، کشیشان باید قدری مراقبت کنند، زیرا تقریباً هر روز، نه بدون بزرگترین جرم مقدس، گناه میشود. زیرا کسانی که فکر می کنند هیچ جنایتی را نمی توان پذیرفت، اگر کسی را بدون گزینش با آن اضافه تعمید دهند، وجود ندارند. بنابراین، اگر نوزادی را نزد آنها بیاورند، فکر می کنند اصلاً نیازی به این نیست که بپرسند آیا او ابتدا شسته شده است یا خیر، اما بلافاصله او را غسل تعمید می دهند. زیرا با وجود اینکه آنها مطمئن شده اند که مراسم مقدس در خانه انجام شده است، اما از تکرار وضو در کلیسا با استفاده از مراسم رسمی با اضافه کردن ابایی ندارند، که در واقع آنها بدون توهین نمی توانند انجام دهند، و آن لکه ای را تحمل می کنند که نویسندگان امور الهی آن را بی نظمی می نامند. زیرا این شکل از غسل تعمید توسط مقام اسکندر پاپ 4) فقط در کسانی مجاز است که پس از بررسی دقیق، شک و تردید وجود دارد که آیا آنها به درستی غسل تعمید را دریافت کرده اند یا خیر. در غیر این صورت، هرگز انجام غسل تعمید دوباره برای کسی، حتی با کمک.

ل) Eom. 6، 2. دنباله. «) ib. 10. 8) تراکت. 11. در یوحنا *) ج. 2. X. do bant 111. 42

واسطه غسل تعمید به انسان اعطا می شود چیست؟

علاوه بر بقیه موارد، آنچه از غسل تعمید به دست می آوریم، همان طور که گفته شد، نهایتی است که به نظر می رسد بقیه به آن اشاره دارند، یعنی اینکه دسترسی به بهشت را که قبلاً به دلیل گناه مسدود شده بود، برای هر یک از ما باز می کند. اما این چیزها را که با قدرت تعمید در ما ایجاد می‌شود، می‌توان به وضوح از مواردی که مقام انجیلی تأیید کرد که در غسل تعمید منجی رخ داده است، درک کرد. در واقع، آسمان ها گشوده شد و روح القدس به شکل کبوتری که بر مسیح خداوند نازل می شد ظاهر شد. که از آن دلالت دارد که به کسانی که تعمید می‌گیرند، رموز الوهیت داده می‌شود، و در بهشت گشوده می‌شود. در واقع نه اینکه آنها در همان زمان غسل تعمید داده شدند، بلکه باید در زمان مناسب تری وارد آن شکوه و جلال شوند، زمانی که با تجربه تمام بدبختی هایی که نمی توانند به زندگی مبارک بیفتند، به جای وضعیت فانی به جاودانگی دست یابند. و اینها ثمره غسل تعمیدند. که اگر واقعاً قدرت راز را در نظر بگیریم، نمی توان شک کرد که به یک اندازه متعلق به همه است. اما اگر محبت هر فرد با چه عقلی به آن گیرنده نزدیک شود، باید در نظر داشت که آیا کم و بیش از فیض و ثمرات بهشتی به شخصی می رسد تا دیگری، باید به طور مطلق پذیرفت.

50 قوت و فایده مراسم غسل تعمید چیست؟

اکنون باقی مانده است که آنچه از دعاها و مناسک و مراسم این مراسم مقدس ارائه می شود به طور واضح و مختصر توضیح داده شود. برای آنچه رسول (اول قرنتیان 14:11) در مورد عطای زبانها هشدار داد، که می گوید بی ثمر است، اگر آنچه برخی می گویند توسط مؤمنان درک نشود: همان را می توان تقریباً به مناسک و مراسم منتقل کرد. زیرا آنها تصویر و نشانه آن چیزهایی را که در آیین مقدس رخ می دهد، در برابر خود دارند. اگر مردم مؤمن از قدرت و قدرت این نشانه ها غافل باشند، فایده تشریفاتی چندانی نخواهد داشت. بنابراین باید به شبانان کارهایی داده شود تا مؤمنان بتوانند آنها را درک کنند، و مطمئن باشند که خود را متقاعد می کنند که اگر کمتر ضروری است، با این حال باید بیشتر آنها را انجام دهند، و باید از افتخارات زیادی برخوردار باشند. به راستی که هم اقتدار آموزنده کسانی که بدون بحث رسولان مقدس بودند و هم پایانی که آرزو داشتند مراسم برای آن استفاده شود، به اندازه کافی به ما می آموزد. زیرا بدین ترتیب روشن است که مراسم مقدس باید با دین و قداست بیشتر برگزار شود و هدایاي باشکوه و عالی را که در آن نهفته است در برابر چشمان قرار داد و برکات خدا را عمیقتر بر دل مؤمنان تأثیر گزارد.

146 تعلیمات دینی 60 $ Eoman 14 بگذارید آداب غسل تعمید

دوگانه باشد.

اما تمام سرودها و دعاهایی که کلیسا در اجرای غسل تعمید به کار می برد، باید به سه سر تقلیل یابد، تا در بیان آنها نظم خاصی توسط کشیشان حفظ شود و آنچه که توسط آنها ارائه شده است، راحت تر در حافظه شنوندگان باقی بماند. و در واقع دسته اولی از آن ها وجود دارد که قبل از نزدیک شدن به چشمه غسل تعمید نگهداری می شوند. دومی از آنها که وقتی به خود چشمه می رسد استفاده می شود: سومی که معمولاً بعد از اتمام غسل تعمید اضافه می شود. 61 در آن زمان آب برای غسل تعمید در مراسم رایج ضروری است

تقدیس شود

اول از همه، پس باید آب آماده شود، که باید برای غسل تعمید استفاده شود. زیرا چشمه غسل تعمید با افزودن روغن مسح عرفانی تقدیس می شود. این کار همیشه مجاز نبوده است، اما طبق عرف پیشینیان، روزهای معینی از اعیاد، که باید به حق همه جشن‌ها و مقدس‌ترین جشن‌ها برگزار شود، پیش‌بینی می‌شود، که در آن‌ها آب برای وضو مقدس آماده می‌شود، و فقط در آن روزها، مگر اینکه ضرورتی مجبور به انجام آن باشد، رسم کلیسا باستان بود. اما اگرچه کلیسا در آن زمان، به دلیل خطرات زندگی مشترک، قضاوت نکرد که این رسم حفظ شود، اما همچنان آن روزهای رسمی عید پاک و پنطیکاست را که باید در آن آب تعمید تقدیم شود، همراه با دین رعایت کرد. 62 چرا آنها به زودی پس از تعمید در کلیسا پذیرفته نمی شوند؟

پس از تقدیس آب، لازم است مراحل دیگری که قبل از غسل تعمید است توضیح داده شود. زیرا کسانی که باید با تعمید آغاز شوند به درهای کلیسا می آورند، یا حتی می آورند، اما از ورود آنها مطلقاً منع می شوند، زیرا لیاقت ورود به خانه خدا را ندارند، قبل از اینکه یوغ پست ترین بندگی را از خود دور کنند و خود را کاملاً وقف مسیح خداوند و عادلانه ترین حکومت او کنند.

62l چرا باید غسل تعمید دهند، چه می خواهند، از آنها خواسته می شود و آموزش می بینند. سپس کشیش از آنها می پرسد که از کلیسا چه می خواهند. پس از آموختن این موضوع، ابتدا آنها را در آموزه ایمان مسیحی که باید در غسل تعمید اقرار کنند، تثبیت کرد. و این با تعلیم تعلیم و تعلیم انجام می شود، رسم نهادی که از دستور خداوند منجی سرچشمه می گیرد، هیچ کس نمی تواند شک کند که خود رسول دستور داد (مت 28، 19): "به تمام جهان بروید و همه امت ها را تعلیم دهید، آنها را به نام پدر و پسر تعمید دهید و به روح القدس همه شما را تعلیم دادم." از این رو ممکن است بدانیم که نباید تعمید انجام داد، حداقل قبل از اینکه بالاترین فصل های دین ما توضیح داده شود.

147 قسمت U. فصل دوم. 147 ب XIV. با این توافق، کلیسای قدیمی باید بی ادب ترها را تعلیم دهد.

زیرا دلیل تعلیم از بسیاری از سؤالات روشن است، اگر کسی که تعلیم میگیرد بالغ بوده است: به سؤال شوندگان، خودش به تنهایی پاسخ میدهد; اما اگر کودک باشد، حامی به درستی به جای او پاسخ می دهد و شرط بندی می کند. 65 جن گیری کیست؟

جن گیری دنبال می شود که با کلمات و دعاهای مقدس و مذهبی برای بیرون راندن شیطان و شکستن و تضعیف قوای او انجام می شود. بر این اساس، کشیش برای بیرون راندن قدرت مار باستانی و به دست آوردن نفس زندگی گمشده، سه بار در صورت کسی که قرار است آغاز شود، نفس میکشد.

66 چرا باید در دهان تعمید داده نمک ریخت؟

در کنار جن گیری، مراسم دیگری نیز وجود دارد که هر کدام به دلیل عرفانی بودن، اهمیت خاص و درخشانی دارند. زیرا هنگامی که نمک در دهان کسی که قرار است به تعمید آورده شود، ریخته می شود، این امر آشکارا نشان می دهد که او آموزه ایمان و عطای فیض را دریافت خواهد کرد تا از فساد گناهان رهایی یابد و طعم کارهای نیک را دریابد و از علوفه حکمت الهی لذت ببرد.

67 مراد از cruacdihsi b istiugmn.u m بسیاری از اعضای بدن چیست؟

علاوه بر این، پیشانی، چشم ها، سینه، شانه ها و گوش ها با علامت صلیب مهر و موم شده اند. همه آنچه را که آنها اعلام می کنند، این است که حس تعمید باید با راز تعمید باز شود و تقویت شود، تا او خدا را پذیرا شود و احکام او را درک کند و حفظ کند.

68 چرا بینی و گوش غسل تعمید به بزاق آغشته شده است.

اما پس از آن، بینی و گوش هایش را به بزاق آغشته می کنند و بلافاصله به چشمه غسل تعمید فرستاده می شود، به طوری که همان طور که «مرد نابینا (یوحنا 9: 6) مبشر که خداوند به او دستور داده چشمانش را با گل سیلوام آغشته بشوید، باز یافت که نور خود را به قدرت درک کنیم. حقیقت آسمانی را درک کنید.»

69 pr oQfueisds i odnoec e faatc t aab r aebn u nilclioa, t qiuoi iblalpa t iSzaatnadnuase , o fsfuerbtiuerc.t a fidei

پس از انجام این کارها، به چشمه غسل تعمید میآیند و در آنجا مراسم و آداب دیگری به کار میرود که شاید بتوانیم جوهره دین مسیحیت را از آنها بشناسیم. زیرا کاهن از او که قرار است غسل تعمید بگیرد، سه بار با کلماتی از پیش تعیین شده می پرسد: "آیا از شیطان و همه کارهایش و تمام شکوه های او چشم پوشی می کنی؟" اما او، یا پدرخوانده اش، به هر سوال

پاسخ می دهد: اعلام می کنم. بنابراین، کسی که می خواهد نام مسیح را بر زبان بیاورد، قبل از هر چیز باید به طور جدی و دینی قول دهد که از شیطان و جهان چشم پوشی کند، و هرگز زمانی نخواهد رسید که هر دو را به عنوان دشمنی هولناک متنفر نکند.

70 روغن تعمید بر سینه و بین شانه‌ها مسح می‌شود. آن مسح به چه معناست؟

پس از آن روغن کاتخومن ها را که باید تعمید دهند بر سینه و بین شانه ها مسح می کنند. در واقع، در سینه، تا به واسطه عطای روح القدس، خطا و جهل را از خود دور کند و ایمان درست را دریافت کند. زیرا «عادل به ایمان زنده می‌شود». اما بین شانه ها، تا فیض روح القدس غفلت و کسالت را از بین ببرد و فعالیت نیکو انجام دهد، زیرا 2) «ایمان بدون اعمال مرده است».

71 چگونه تعمید یافته باید به ایمان خود اقرار کند. سپس در کنار چشمه غسل تعمید، کشیش از او می پرسد: "آیا به خدای پدر قادر مطلق ایمان داری؟" که او پاسخ می دهد: من معتقدم. و به این ترتیب پس از سؤال در مورد بقیه مقالات نماد، ایمان خود را به دین موقر اعلام می کند. البته واضح است که تمام قوت و انضباط شریعت مسیحی در این دو شرط است.

72 چرا از کسی که می‌خواهد در آب نجات غوطه‌ور شود سؤال می‌شود که آیا می‌خواهد تعمید یابد؟

اما هنگامی که اکنون انجام غسل تعمید ضروری است، کشیش از کسی که قرار است غسل تعمید بگیرد می پرسد: آیا او می خواهد تعمید بگیرد؟ و به خود یا به نام او، اگر کودک باشد، با اشاره به حامی خود، فوراً او را با آب نجات بخش به نام پدر و پسر و روح القدس شستشو داد. زیرا همانطور که مردی که از اراده مار اطاعت می کرد به طور شایسته محکوم شد، خداوند نیز می خواست هیچ کس را جز سربازی مشتاق در میان خود ثبت نکند تا با اطاعت داوطلبانه از احکام الهی به رستگاری ابدی دست یابد.

73 از این رو سر تعمیدشدگان به زودی با کریسمس مسح شد.

پس از اتمام غسل تعمید، کشیش با کریسمس بالای سر شخص تعمید یافته می رود تا بفهمد که از آن روز به بعد به عنوان عضوی به مسیح ملحق شده و در بدن او کاشته شده است و به همین دلیل مسیح او را مسیحی می نامد، اما مسیح را مسیح می نامد. اما آنچه کریسمس دلالت می کند را می توان به اندازه کافی از اینها فهمید، که کشیش سپس دعا می کند، آمبروس الهی 3) شهادت می دهد.

•) گال. 3، 11. «) یاس. 2، 26. ») د ساکرام. 2، T. و 3، 1.

149 قسمت دوم. Uaput II 149 74 لباس سفید یا پارچه سفیدی که با آن تعمیدشدگان را می‌دهند، به چه معناست؟

پس از آن کاهن جامه سفیدی به غسل تعمیدشدگان پوشاند و گفت: «لباس سفیدی را که در برابر دادگاه خداوند ما عیسی مسیح بی‌عیب به تن خواهید کرد، بگیرید تا زندگی جاودانی داشته باشید.

اما به نوزادانی که لباس نمی‌پوشند، کفن سفیدی به همین کلمات داده می‌شود. پدران مقدس به آن نماد تعلیم می‌دهند که قیامت نیز از طریق جلال به دنیا آمده‌ایم. جلال و جمال که پس از شستن لکه های گناه، روح به غسل تعمید آراسته می شود و برائت و برائت 75. شمع فروزان را که در دست غسل تعمید می گیرد، چیست؟

و سپس شمعی فروزان به دست او داده می شود، که نشان می دهد ایمان، برافروخته از صدقه ای که در غسل تعمید دریافت کرد، باید با میل به کارهای نیک تغذیه و افزایش یابد.

76 چرا، و چه نوع نامی باید به غسل تعمید داده شود.

در نهایت، نامی بر غسل تعمید داده می شود که باید از کسی گرفته شود که به دلیل تقوا و دین عالی او در زمره اولیای الهی قرار گرفته است. زیرا براحتی اتفاق می افتد که هرکس به تشبیه اسمی به تقلید از فضیلت و حرمت سوق پیدا کند و از آن کس که بخواهد از او تقلید کند به او دعا کند و امیدوار باشد که وکیلی برای دفاع از سلامت روح و جسم نزد او بیاید. از این رو باید آنها را سرزنش کرد که با جدیت نام غیریهودیان و به ویژه کسانی را که شرورتر از همه بودند دنبال می‌کنند و بر کودکان تحمیل می‌کنند تا از آن فهمیده شود که چقدر فکر می‌کنند مطالعه تقوای مسیحی باید انجام شود.

77 مجموع چیزهایی که در مورد اسرار تعمید داده شده است.

اگر کشیشان این راز غسل تعمید را توضیح داده باشند، مشاهده می شود که تقریباً هیچ چیز از آنها حذف نشده است، که باید فکر کرد که بیشترین ارتباط را با این دانش دارد. زیرا نشان داده شده است که نام غسل تعمید به چه معناست، ماهیت و ماهیت آن چیست و همچنین از چه بخشهایی آمده است. گفته شده است که توسط چه کسی ایجاد شده است، وزراء برای انجام مراسم مقدس ضروری هستند، و کسانی که باید به عنوان مربی به کار گرفته شوند تا از ناتوانی غسل تعمید یافتگان حمایت کنند. همچنین به چه کسانی و چگونه باید تعمید برای کسانی که از نظر روحی تحت تأثیر قرار گرفته اند، به اجرا گذاشته شود. فضیلت و کارایی آن چیست؟ و بالاخره کسانی که مناسک و مناسک را رعایت می کنند

150


تا آنجا که سیستم پیشنهادی نیاز داشت، به اندازه کافی توضیح داده شد. شبانان باید به خاطر داشته باشند که همه این چیزها به ویژه به این دلیل باید آموزش داده شود تا مؤمنان دائماً درگیر این مراقبت و فکر باشند تا در کسانی که در آغاز تعمید به آنها بسیار مقدس و دینی گفته اند، ایمان را حفظ کنند و آن زندگی را برقرار کنند که مطابق با مسلک نام مقدس مسیحی است.

## فصل سوم.

## Dc Sacramento Confirmatlonis

ت. چرا امروزه باید فضیلت تایید تا حد امکان توضیح داده شود.

اگر اهتمام شبانان در تبیین راز تایید تائید شده بود، اکنون مسلماً لازم است تا حد امکان آن را تشریح کنیم، زیرا در کلیسای مقدس خدا این آیین مقدس توسط بسیاری کاملاً نادیده گرفته شده است، اما تعداد بسیار کمی هستند که می خواهند از آن ثمره فیض الهی را که باید بدست آورند. از این رو، در مورد ماهیت، قدرت و منزلت این آیین مقدس به وفاداران این گونه آموزش داده می شود، هم در روز پنطیکاست، که در آن روز عمدتاً باید اجرا شود، و هم در روزهای دیگر، زمانی که کشیشان قضاوت می کنند که ممکن است به راحتی انجام شود، تا آنها بفهمند که نه تنها باید مورد غفلت قرار نگرفت، بلکه باید با تقواترین و بزرگ ترین دین آنها را پذیرفت. بدی رخ دهد تا ظاهر شود که این منفعت الهی بیهوده نصیبشان شده است.

II. چرا کلیسا این آیین مقدس را تایید می نامد؟

اما همانطور که ابتدا از نام گرفته شده است، بنابراین باید به تایید کلیسا تعلیم داده شود که این آیین مقدس نامیده شود، زیرا کسی که تعمید می گیرد، هنگامی که توسط اسقف به مسیح مقدس مسح می شود، به آن کلمات موقر اضافه می کند: "من شما را با علامت صلیب امضا می کنم و شما را با مسیح نجات، و اگر نه روح، و نه روح، و نه به نام هول" تایید می کنم. مانع کارآمدی آیین مقدس می شود، او با قدرت فضیلت جدیدی تقویت می شود و بنابراین شروع به سرباز کامل مسیح می کند. III. تائید راز واقعی قانون جدید است.

با این حال، در تأیید، کلیسای کاتولیک همیشه دلیل واقعی و مناسب این مراسم را که ملکیادس، پاپ، و بسیاری دیگر از پاپ های مقدس و باستانی آشکارا اعلام می کنند، تشخیص داده است. و سنت کلمنت2) نمی توانست آموزه حقیقت خود را با جمله ای جدی تر تأیید کند. زیرا او میگوید: «همه باید بدون تاخیر برای تولد دوباره بشتابند» (نامه به اسقف اسپانیا، فصل 2.») قسمت 4، هنر جولای.

سپردن به خدا، و در نهایت توسط اسقف، یعنی درک فیض هفت گانه روح القدس، زیرا در غیر این صورت او نمی تواند یک مسیحی کامل باشد که از روی صدمه و اراده، اما نه از روی ناچاری، از این آیین عبور کرده است، همانطور که ما از B. Peter و سایر حواریون توسط خداوند امر آموزش داده اند. امکان دیدن تصمیمات وجود دارد.

## IV. معلمان مقدسی که این مراسم را به یاد آوردند.

علاوه بر این، او با موافقت با مقامات پدران مقدس، که در میان آنها دیونیسیوس آرئوپاگیت، اسقف آتن، میگوید، به چه دلیل باید این مرهم مقدس را تهیه و استفاده کرد، چنین میگوید: «کاهنان، غسل تعمیدشدگان را در لباس پاکیزهای مناسب میپوشانند تا آنان را نزد پاپ مقدّس هدایت کنند. مرهم، او را در مقدس ترین عشاق شریک می سازد». Eusebius quoque آنقدر به این مراسم مقدس نسبت می دهد که از گفتن این که Caesariensis2) نواتوس بدعت گذار نمی توانست روح القدس را به دست آورد دریغ نمی کند، زیرا هنگامی که در یک بیماری سخت غسل تعمید یافت، مهر کریسمس بر او مهر نشد. اما روشنترین دلیل بر این مطلب از امبروسیوس الهی در آن کتابی است که در مورد مبعوثان نوشته است. سپس توسط آگوستین الهی در کتابهایی که علیه رسائل دوناتیست پتیلیان منتشر کرد4) که هر یک گمان کردند که در صحت این آیین مقدس هیچ شکی وجود ندارد، به طوری که آن را در فرازهایی از کتاب مقدس نیز تعلیم و تأیید کرد. چرا آن سخنان رسول 5: " روح القدس خدا را که در او مهر شده اید غمگین مکن" و دیگری که در مزمور 6 خوانده می شود: "مثل مرهمی بر سر که بر ریش هارون نازل می شود" و همان رسول 7: "محبت خدایی که به وسیله ی روح ما منتشر شده است، منتشر شده است." به مقدسات تایید اشاره شده است.

## V. تفاوت بین تأیید و غسل تعمید چیست؟

اگرچه توسط ملکیادس گفته شده است (8) که غسل تعمید با تأیید ارتباط نزدیکی دارد، اما همان آیین مقدس نیست، بلکه باید به عنوان جدایی دور از دیگری در نظر گرفته شود. زیرا توافق بر این است که انواع فیض که مقدسات فردی می دهند، و تابع حواس آن چیز است، که خود بر فیض دلالت می کند، باعث می شود که ممکن است هدای‌ای مختلف و متفاوتی نیز وجود داشته باشد.

sepaicsrca>.m) . H D یعنی sc p. ae n2c..c le *s). l ihbi.e r2., 1c0. 4 2

( "( " E p chf.. H 4i,s t 3. 0 .E c c«l). P sl.i b .1 3 62, , 4 2 3 ((«' .R coamp.. 75., 5 از.t. l i «b). از p8.. اضافه کنید

در حالی که به لطف غسل تعمید، انسان ها در زندگی جدیدی متولد می شوند، و به آیین تأیید، کسانی که قبلاً متولد شده اند، فرار می کنند، «تخلیه می شوند»، که کوچک بودند: به اندازه کافی فهمیده می شود که تا آنجا که نسل در زندگی طبیعی از رشد دور است، تفاوت بین غسل تعمید که دارای قدرت باززایی است و قدرت ایمان به عنوان فضیلت کامل افزایش می یابد. علاوه بر این، از آنجایی که باید نوع جدید و متمایزی از آیین مقدس ایجاد شود، جایی که روح با دشواری جدیدی روبرو می شود: به راحتی می توان دریافت که همانطور که ما به فیض غسل تعمید برای آگاه کردن ذهن در ایمان نیاز داریم، همچنین بسیار ضروری است که ارواح مؤمنان با فیض دیگری تقویت شوند تا از ترس اعتراف، مرگ یا ترس از مرگ و یا ترس از مرگ یا مجازات واقعی منصرف نشوند. در واقع، هنگامی که کریسمس مقدس تأیید انجام می شود، به وضوح از آن دریافت می شود که ماهیت این آیین مقدس با ماهیت غسل تعمید متفاوت است. چرا ملکیادس 2) پاپ بحران هر دو را با یک سخنرانی دقیق دنبال می کند و چنین می نویسد: "در غسل تعمید، مردی برای خدمت پذیرفته می شود، و در تأیید او برای نبرد مسلح می شود. روح القدس در قالب تعمید، بی گناهی را کمال می بخشد؛ اما با تأیید، کمال را به فیض می رساند. ما بعد از غسل تعمید، بازوهای تأیید را می شستیم و برای مسابقات آماده می شویم. درست است که این موارد نه تنها توسط مجالس دیگر صادر شده است، بلکه به ویژه توسط شورای مقدس ترنت حکم صادر شده است، به طوری که دیگر نه تنها نسبت به آنها احساس متفاوتی داشت، بلکه حتی به هیچ وجه در آنها تردید نکرد.

### 6. نویسنده راز تایید کیست؟

اما از آنجا که در بالا نشان داده شد که چقدر ضروری است که در مورد همه مقدسات، از کجا منشأ گرفته اند، به طور مشترک آموزش داده شود، در مورد تأیید نیز باید چنین شود تا مؤمنان بیشتر تحت تأثیر حرمت این مراسم مقدس قرار گیرند. بنابراین، باید توسط کشیشان توضیح داده شود که مسیح خداوند نه تنها نویسنده آن بود، بلکه همانطور که سنت فابیان3) پاپ روم شهادت می دهد، او دستور داد که آیین کریسمس و کلماتی را که کلیسای کاتولیک در اداره آن به کار می برد. این را در واقع می توان به راحتی توسط کسانی که اعتراف می کنند که تأیید یک راز است ثابت کند، زیرا همه اسرار مقدس فراتر از قوای طبیعت بشری است و غیر از خدا نمی تواند آنها را ایجاد کند. اما اکنون چه اجزایی دارد و اول از همه باید در مورد موضوع گفت.

') من کور. 13، 11. ") در همان قسمت 8) قسمت 2. به اپیزوپ. مشرق

موضوع این راز مقدس چیست؟ .VII

و این را کریسمس می گویند که یونانیان با آن نام پذیرفته اند، گرچه نویسندگان ناسزا به معنای هر مرهمی است، اما کسانی که مطالب الهی را بیان می کنند، با استفاده رایج از گفتار، آن را فقط با آن مرهم تطبیق داده اند که عبارت است از تقدیس رسمی اسقف با روغن و مرهم. انجام می شود. بنابراین، دو چیز مادی که با هم آمیخته شده اند، امر تأیید را فراهم می کنند. این ترکیب از چیزهای مختلف، همانطور که فیض چند جانبه روح القدس را که به کسانی که تأیید می شوند، اعلام می کند، به اندازه کافی عالی بودن خود مقدس را نیز نشان می دهد. اما اینکه این موضوع مربوط به این آیین مقدس است، همان چیزی است که کلیسای مقدس و مجالس برای همیشه تعلیم داده اند، و توسط قدیس دیونیسیوس و بسیاری از پدران مهم دیگر، و اول از همه توسط فابیان پاپ، که شهادت می دهد که حواریون آماده سازی کریسمس را از خداوند دریافت کرده و آن را به ما واگذار کرده اند، منتقل شده است.

هشتم. روغن در امر تایید چه معنایی دارد؟

در واقع نمی توان هیچ موضوع دیگری به جز موضوع کریسمس را مناسب تر برای اعلام آن چیزی دانست که توسط این آیین مقدس انجام می شود. زیرا روغنی که چاق است و ذاتاً باقی می‌ماند و منتشر می‌شود، بیانگر پری فیض است که از طریق روح‌القدس از سر مسیح به دیگران سرازیر می‌شود و می‌ریزد، «مثل ناخوشایند4)، که بر ریش هارون، حتی تا لبه جامه او فرود می‌آید. "خداوند" او را "با روغن شادی در برابر همسرانش مسح کرد". و «از پری ج) همه ما از حق دریافت کرده ایم.

9 مرهم مخلوط با روغن در اینجا چه چیزی را پیشنهاد می کند؟

به راستی، مرهم5 که بوی آن خوشبوتر است، چه معنایی جز این دارد که مؤمنان، هنگامی که در راز تایید به کمال می رسند، شیرینی همه فضایل را می ریزند تا رسولان بگویند: «ما بوی خوش مسیح برای خدا هستیم؟» علاوه بر این، مومیایی دارای آن قدرت است، به طوری که هر چه با آن پوشانده شود، به خود اجازه پوسیدگی نمی دهد. که در واقع برای نشان دادن قدرت این آیین مقدس بسیار مناسب به نظر می رسد، زیرا به وضوح ثابت شده است که ارواح مؤمنان، که توسط فیض آسمانی که در تأیید داده شده است، آماده شده است، به راحتی می توانند از سرایت جنایات محافظت شوند.

X. چرا لازم است که کریسمس توسط اسقف تقدیم شود.

اکنون کریسمس با تشریفات رسمی توسط اسقف تقدیم می شود. زیرا در شام آخر هنگامی که به رسولان روش ساخت کریسمس را توصیه کرد به منجی ما آموخت، پاپ فابیانوس، که بیش از همه به قدوسیت و شکوه شهادت مشهور بود،

•) شورا Laodice ج. 48. کارتاژ 2. ج. 3. اکلس. دیروز ج. 4.8) در همان .ep (* سرب 182، 2. 3. 6) ص. 44، 8. 8) ای‌و. 1. 16. جامعه. 24، 20. II. Cor 8, 15

او ارائه کرد اگرچه، چرا باید چنین می شد، می تواند با دلیل نیز نشان داده شود. در واقع، مسیح در بسیاری از آیین های مقدس دیگر، موضوع آنها را به گونه ای تثبیت کرد که به آن تقدس نیز بخشید. زیرا او نه تنها می خواست که آب عنصری برای تعمید باشد، زیرا گفت: "تا زمانی که از آب و روح القدس متولد نشود، نمی تواند به ملکوت خدا وارد شود." چرا توسط سنت کریزوستوم 2 گفته شد: "به وسیله آن تعمید نمی تواند گناهان مؤمنان را پاک کند، مگر اینکه با لمس بدن خداوند تقدیس شده باشد." بنابراین، چون خداوند این امر تأیید را با استفاده و به کار بردن آن تقدیس نکرده است، لازم است که با دعاهای مقدس و شرعی ترشح شود و تهیه آن به غیر از اسقف که به عنوان وزیر عادی همان مراسم مقدس منصوب می شود، متعلق به دیگری نیست.

## XI. شکل این مراسم مقدس چیست؟

اما قسمت دوم، که از آن مراسم مقدس تشکیل شده است، باید توضیح داده شود، یعنی شکل و کلماتی که برای مسح مقدس به کار می رود. و مومنان را نصیحت می کند که در دریافت این راز مخصوصاً هنگامی که یاد آن می افتند، دل خود را به تقوا و ایمان و دین برانگیزند که مبادا چیزی مانع فیض بهشتی شود. بنابراین، صورت تأیید با این کلمات تکمیل می شود: "من شما را با علامت صلیب امضا می کنم و شما را با کریسمس نجات به نام پدر و پسر و روح القدس تأیید می کنم." اما با این حال، اگر عقل را نیز به حقیقت یادآوری کنیم، همین امر به راحتی قابل اثبات است. در واقع، شکل آیین مقدس باید شامل همه چیزهایی باشد که ماهیت و ماهیت خود آیین مقدس را توضیح می دهد.

## XII. که این شکل کامل این آیین مقدس است، از چه طریقی تأیید می شود.

و بالاتر از همه این سه چیز باید در تأیید رعایت شود: قدرت الهی، که به عنوان علت اصلی در مراسم مقدس عمل می کند. سپس قوت ذهن و روح، که برای نجات از طریق مسح مقدس به مؤمنان داده می شود. سپس علامتی که با آن مشخص شده است که در شرف فرود آمدن به نبرد ارتش مسیحی است. و اول از همه آن کلمات: «به نام پدر و پسر و روح القدس» که در آخرین مکان قرار گرفته است. دیگری «من تو را با کریسمس رستگاری تأیید می کنم» که در وسط قرار دارند. ثالثاً، آنهایی که در ابتدای صورت قرار می گیرند: «من تو را با علامت صلیب امضا می کنم» به اندازه کافی روشن شود. اگرچه، حتی اگر به هیچ دلیلی نتوان ثابت کرد که این شکل واقعی و مطلق این آیین مقدس است، اقتدار کلیسای کاتولیک، که جادوی آن

') آیو. 8، 5. 2) چ. 10. منطقه IV. از معایب

همیشه عقیم بودن را به ما آموخته اند و جایز نیست در این مورد شک کنیم.

سیزدهم وزیر مناسب راز تایید کیست؟

آنها همچنین باید به کشیشان، که به ویژه اداره این مراسم مقدس به آنها سپرده شده است، آموزش دهند. زیرا گرچه بسیارند، مانند پیامبر، که میروند، ولی مبعوث نمیشوند، اما باید به کسانی که وزرای حقیقی و مشروع او هستند خیانت کرد تا مردم مؤمن راز تأیید و فیض را دریافت کنند. بنابراین، حروف مقدس نشان می دهد که فقط اسقف قدرت عادی برای اجرای این مراسم مقدس را دارد. زیرا در اعمال رسولان می خوانیم که وقتی سامره کلام خدا را دریافت کرد، پطرس و یوحنا نزد آنها فرستاده شدند و برای آنها دعا کردند تا روح القدس را دریافت کنند. زیرا هنوز بر هیچ یک از آنها نیامده بود، بلکه آنها فقط تعمید یافته بودند. در این مکان ممکن است ببینیم که کسی که غسل تعمید داده بود، که فقط یک شماس بود، قدرتی برای تأیید نداشت: اما آن مقام برای خادمان کاملتر، یعنی رسولان، محفوظ بود. علاوه بر این، هر جا که متون مقدس این مراسم را ذکر می کنند، می توان همان را مشاهده کرد.

چهاردهم احکام بزرگ پاپ نیز همین را نشان می دهد.

اس اس نیز برای نشان دادن این واقعیت کم نیستند. واضحترین شهادتهای پدران و پاپها، اوربان، اوسبیوس، داماسوس، معصوم و لئو، همانطور که از احکام آنها مشخص است. آگوستین الهی همچنین به شدت از اعمال فاسد مصریان و اسکندریه ها شکایت می کند که کشیشان جرأت انجام مراسم تایید را داشتند. و اینکه این امر واقعا به موجب قانون انجام شده است، به طوری که چنین مقامی به اسقف ها منتقل شده است، کشیشان می توانند با این تشبیه اعلام کنند. زیرا همانطور که در ساختن ساختمانها، اگرچه نجاران، که وزیران پستتری هستند، سیمان، آهک، چوب و بقیه مواد را تهیه و تنظیم میکنند، اما تبرئهی کار به نظر معمار است: همچنین این مراسم مقدس، که به وسیله آن یک بنای روحانی تکمیل میشود، باید توسط کسی جز کاهن اعظم اداره میشد.

15 چرا پدر و مادر خوانده در تأیید فرض می شوند و با تأیید چه خویشاوندی منعقد می شود.

همانطور که نشان داده شد در غسل تعمید یک پدرخوانده نیز اضافه شده است. زیرا اگر کسانی که درگیر یک نبرد گلادیاتوری میشوند به کسی نیاز داشته باشند که با هنر و نصیحت او آموزش ببینند و با آن ضربات و درخواستها و در عین حال نجات خودشان، ممکن است دشمن خود را از بین ببرند.

) جر. 23، 21. *1 اعمال رسولان. 8، 14. «) Ang. در سوال v«t. و شاهد ص. 1. آن 101

تایید، گویی با قوی ترین سلاح ها در مبارزه روحانی پناه گرفته و مستحکم شده اند، که رستگاری ابدی به آن پیشنهاد می شود، فرود می آیند، به رهبر و ناظر نیاز خواهند داشت! پس به درستی برای اجرای این مراسم مقدس نیز باید از پدر و مادر خوانده استناد شود که همان قرابت معنوی با آنها پیوند خورده است که مانع از عهد و پیمان های مشروع ازدواج می شود، همانطور که قبلاً آموزش دادیم که با پدر و مادر خوانده ای که برای غسل تعمید مورد استفاده قرار می گرفتیم.

16 راز تأیید مطلقاً ضروری نیست، اما نباید حذف شود.

اما از آنجایی که اغلب اتفاق می افتد که مؤمنان در دریافت این راز یا از عجله زودهنگام استفاده می کنند یا از نوعی سهل انگاری و تردید آرام می گیرند (برای کسانی که به آن درجه بی تقوایی رسیده اند که جرأت می کنند آن را تحقیر و سرزنش کنند، ما چیزی نداریم که بگوییم): باید برای چوپانان نیز گشوده شود که در چه سنی یا چه سنی و چه سنی مشتاق هستند به آن پایان دهند. برای تایید ضروری است. و قبل از هر چیز باید آموزش داد که این آیین مقدس چنان ضرورتی ندارد که بدون آن هیچ کس نجات پیدا نکند. اگرچه لازم نیست، اما نباید از نظر کسی غافل شود، بلکه باید مراقب بود که مبادا در امر قدوسیت کامل، که به واسطه آن موهبت های الهی این چنین سخاوتمندانه به ما داده می شود، سهل انگاری شود. زیرا آنچه خداوند برای تقدیس همه مشترکات قرار داده است، برای همگان حتی با بیشترین جدیت مطلوب است.

17 نشان داده می شود که آیین تایید توسط همه دریافت می شود.

و به راستی که لوقا قدیس هنگام توصیف آن ریزش شگفت انگیز روح القدس چنین می گوید (اعمال رسولان 2: 2): "و ناگهان صدایی از آسمان آمد، مانند آمدن روحی نیرومند، و تمام خانه را پر کرد."

آنگاه پس از چند جمله: «و همه از روح القدس پر شدند». از چه کلماتی می‌توان فهمید، زیرا آن خانه شکل و شمایل کلیسای مقدس را داشت، که آیین تایید، که آغاز آن از آن روز گرفته شد، متعلق به همه مؤمنان بود. و این نیز به آسانی از دلیل خود راز جمع آوری می شود; برای کسانی که نیاز به رشد معنوی دارند و باید به نگرش کامل دین مسیحیت هدایت شوند، باید با کریسمس مقدس تقویت شوند. اما این به ویژه برای کسی مناسب نیست. زیرا طبیعت مراقب این است که کسانی که در نور به دنیا می آیند بزرگ شوند و به سنی کامل برسند، حتی اگر گاهی به آنچه می خواهند نرسند: بنابراین کلیسای کاتولیک، مادر مشترک همه، مشتاقانه آرزو می کند که در کسانی که با غسل تعمید دوباره احیا شده اند، شکل انسان مسیحی به طور کامل تکمیل شود. شناسه

با این حال، از آنجایی که این امر به وسیله ی راز مسح عرفانی انجام می شود، واضح است که برای همه مؤمنان یکسان است. 18

مسیحیان در چه سنی باید در این آیین مقدس پذیرفته شوند؟

که در آن باید توجه داشت که در واقع می‌تواند بعد از غسل تعمید برای همه اجرا شود، اما با این وجود مصلحت است که این کار را قبل از استفاده از عقل انجام دهیم. بنابراین، اگر دیده شود که سال دوازدهم قابل توقع نیست، بهترین کار این است که این مراسم را به هفتم موکول کنیم. زیرا تأیید برای ضرورت نجات نهادینه نشد، بلکه برای اینکه بتوانیم به وسیله قدرت او به بهترین وجه تجهیز و آماده شویم، زمانی که لازم بود برای ایمان مسیح بجنگیم. که البته هیچ کس قضاوت نمی کند که پسرانی که هنوز از عقل استفاده نمی کنند، برای این نوع مبارزه مناسب هستند.

19 بر این اساس، کسانی که اکنون در سنین بالاتری هستند باید خود را برای این مراسم مقدس آماده کنند.

از اینها چنین برمی‌آید که کسانی که در سنین بزرگسالی تأیید می‌شوند، اگر می‌خواهند فیض و مواهب این راز را کسب کنند، نه تنها باید ایمان و تقوا را برای آنان به ارمغان آورند، بلکه باید از صمیم قلب برای گناهان کبیره‌ای که اعتراف کرده‌اند اندوهگین شوند. در این مورد باید توجه داشت که ابتدا باید به گناهان نیز اعتراف کرد و با تشویق شبانان آنها را به روزه گرفتن و دیگر کارهای تقوا تشویق کرد و یادآور شد که آن رسم ستودنی کلیسای قدیم تجدید شود تا فقط روزه داران این مراسم را انجام دهند. باید تصور کرد که اگر مومنان موهبت ها و آثار شگفت انگیز این راز را درک می کردند، به راحتی می توانستند به این امر متقاعد شوند.

20 که نتایج تایید هستند.

و به این ترتیب کشیشان تعلیم خواهند داد که تأیید این وجه مشترک با سایر مقدسات دارد، به طوری که، مگر اینکه مانعی از جانب کسی که آن را دریافت می کند وجود داشته باشد، فیض تازه ای می دهد. در واقع، نشان داده شده است که این نشانه های مقدس و عرفانی به گونه ای است که بیان کننده و تأثیرگذار بر فیض است; از آن نتیجه می شود که او نیز گناهان را می بخشد و می بخشد، زیرا حتی تصور فیض همراه با گناه برای ما جایز نیست. اما علاوه بر این موارد که باید مشترک با دیگران تلقی شود، اولی به درستی به تأیید نسبت داده می شود که فیض تعمید را کامل می کند. زیرا کسانی که با غسل تعمید مسیحی شده اند، مانند نوزادانی که تازه متولد شده اند، هنوز لطافت و نرمی خاصی دارند و سپس با راز کریسمس در برابر همه حملات جسم، دنیا و شیطان قوی تر می شوند و ذهنشان در ایمان برای اعتراف کاملاً تقویت می شود.

158



و برای تجلیل نام خداوند ما عیسی مسیح، که هیچ کس شک ندارد که خود نام نیز از آن یافت شده است.

نام تأییدیه که از آنجا گرفته شده است XXI.

و همچنین، همانطور که برخی تصور کرده‌اند که به طرز غیر ماهرانه‌ای بیش از غیرقانونی نیست، اصطلاح تأیید از این واقعیت ناشی نمی‌شود که روزی روزگاری کسانی را که در کودکی غسل تعمید داده بودند، وقتی بزرگ شده بودند، نزد اسقف می‌آوردند تا ایمان مسیحی را که در غسل تعمید دریافت کرده بودند تأیید کنند، به طوری که به نظر می‌رسد تأیید با تعمید فرقی ندارد. که در عمل هیچ شهادت اثبات شده ای نمی توان آورد. اما نام آن چیز توسط او تحمیل شده است، زیرا به فضیلت این آیین مقدس، خداوند آنچه را که در غسل تعمید شروع به کار کرد، در ما تأیید می کند و ما را به کمال استحکام مسیحی می رساند. و در واقع نه تنها تأیید می‌کند، بلکه افزایش می‌یابد، که ملکیادس این گونه گواهی می‌دهد: «روح القدس که بر آب‌های غسل تعمید نازل می‌شود، بی‌گناهی را در چشمه پر می‌کند، فیض را در تأیید افزایش می‌دهد». civitate، quoad usque induamini virtute ex alto."

## 22 قدرت تأیید رسولان که برای رسولان اتفاق افتاد

اگر شبانان می خواستند کارآمدی الهی این راز را نشان دهند ( نمی توان شک کرد که این بیشترین قدرت را در برانگیختن قلوب مؤمنان خواهد داشت) برای توضیح آنچه برای خود رسولان آمده است کافی است. کسانی که قبل از مصائب، یا در همان ساعت مصائب، چنان ضعیف و درمانده بودند که وقتی خداوند دستگیر شد، فوراً خود را به فرار انداختند. اما پطرس که به عنوان صخره و پایه کلیسا تعیین شده بود و نهایت ثبات و عظمت ذهن را پیش روی او آورده بود، از صدای زنی به وحشت افتاد، 3) شاگرد عیسی مسیح را نه یک یا دو بار، بلکه بار سوم انکار کرد. و بعد از رستاخیز همگی از ترس یهودیان در خانه محبوس بودند. اما در روز پنطیکاست همه آنها از چنان قدرت روح القدس پر شده بودند، که در حالی که انجیلی را که به آنها متعهد شده بود به طور جسورانه و آزادانه، نه تنها در منطقه یهودیان، بلکه در سراسر جهان پخش می کردند، آنها فکر می کردند که هیچ چیز شادتر از این برای آنها نمی تواند اتفاق بیفتد (اعمال رسولان 5: 41)، که «به خاطر صلیب، عذاب، رنج خواهند برد.»

') Ep. 8 .9* ،24 لوقا .(به تاریخ اسقف M lt، 26، 5G. 19 ،20 .جو (4 دنباله

23 نوی‌سه تأی‌ید چاپ می شود و قابل تکرار نی‌ست. علاوه بر ای‌ن، تای‌ید قدرت مهر زدن به ی‌ک شخصی‌ت را دارد. به موجب آن انجام می شود، که هرگز به هی‌چ دلی‌لی نمی توان آن را تکرار کرد، آنچه در بالا نی‌ز در غسل تعمی‌د مشاهده شد، و آی‌ین مقدس نی‌ز در جای خود با وضوح بی‌شتری توضی‌ح داده خواهد شد. بنابرای‌ن، اگر ای‌ن مطالب به طور مکرر و دقی‌ق توسط شبان توضی‌ح داده شود، به سختی امکان دارد که مؤمنان، با آگاهی از شأن و فای‌ده ای‌ن مراسم مقدس، در دری‌افت آن با نهای‌ت دقت به صورت مقدس و دی‌نی بکوشند. اکنون باقی مانده است که برخی از آداب و مراسمی که کلی‌سای کاتولی‌ک در اجرای ای‌ن مراسم مقدس به کار می برد، بای‌د به اختصار خلاصه شود. کشی‌ش ها بای‌د درک کنند که ای‌ن توضی‌ح چقدر مفی‌د خواهد بود، اگر بخواهند آنچه را که قبلاً در هنگام بحث درباره ای‌ن مکان گفته شد، تکرار کنند.

## 24 پس پی‌شانی کسانی که تأی‌ید می‌شوند به شی‌وه صلی‌ب مسح می‌شود.

بنابرای‌ن کسانی که به کری‌سمس تأی‌ید می شوند بر پی‌شانی خود مسح می شوند. زی‌را روح القدس با ای‌ن راز خود را در قلب مؤمنان می ری‌زد و در آنها قدرت و شجاعت می افزای‌د، مانند روحی‌ات. تا در درگی‌ری مردانه بجنگند و در برابر بدتری‌ن دشمنان مقاومت کنند. از ای‌ن رو اعلام می شود که آنها نبای‌د از اعتراف آزادانه به نام مسی‌ح، بدون هی‌چ ترس و شرم، منصرف شوند، که معمولاً نشانه های تأثی‌رات آن در جلو دی‌ده می شود. علاوه بر ای‌ن، آن علامتی که با آن ی‌ک مسی‌حی از بقی‌ه متمای‌ز می شود، به عنوان ی‌ک سرباز با برخی تمای‌زات از دی‌گران، بای‌د در قسمت برجسته تری از بدن تأثی‌ر می گذاشت. 25 ای‌ن مراسم مقدس در چه زمان خاصی بای‌د اعطا شود؟

اما در دی‌ن رسمی در کلی‌سای خدا نی‌ز حفظ شد، به طوری که ای‌ن مراسم مقدس به وی‌ژه در روز پنطی‌کاست اجرا می شد، زی‌را در ای‌ن روز رسولان به وی‌ژه با قدرت روح القدس تقوی‌ت و تأی‌ید می شدند، و با ی‌ادآوری آن به مؤمنان ی‌ادآوری می شد که چه و چه رازهای‌ی بای‌د در مسح مقدس در نظر گرفته شود.

26 چرا اسقف بای‌د به جای دی‌گری برود و صلح را تأی‌ید کند

سپس کسی که مسح و تقوی‌ت شده است، به طوری که به ی‌اد می آورد که بای‌د مانند ی‌ک ورزشکار قوی آماده باشد تا تمام آنچه را که در خطر است با روحی‌ه ای تسخی‌ر ناپذی‌ر برای نام مسی‌ح تحمل کند، اسقف به آرامی بر گونه اش می زند. سرانجام، صلح به او داده می شود، تا او بفهمد که کمال فی‌ض آسمانی را به دست آورده است و آرامشی « که (فی‌لی‌سی‌ان 4: 7) از هر فهمی برتر است». اما ای‌ن مجموع آنهاست که در مورد راز کری‌سمس بای‌د توسط شبانان توضی‌ح داده شود، نه آنقدر با کلمات و دعا، که با غی‌رت ملتهب تقوا، که به نظر می رسد آنها را در جان و باطن افکار مؤمنان می کارند.

## فصل چهارم.

## از مراسم عشای ربانی.

### 1. چرا باید با اسرار عشای ربانی با بیشترین احترام برخورد و پذیرفت.

همانطور که در میان تمام اسرار مقدسی که خداوند منجی ما آنها را به عنوان مطمئن ترین ابزار فیض الهی به ما توصیه کرد، هیچ چیزی نیست که بتوان آن را با مقدس ترین راز عشای ربانی مقایسه کرد: به همین ترتیب، هیچ ترسی جدی تر از هیچ جنایتی وجود ندارد که خدا از آن بترسد، از این که چیزی مملو از تمام قداست ها، یا به عبارت بهتر، دارای قداست و یا به عبارتی نویسندهٔ مقدس و دارای منشأ مقدس باشد و دارای قداست نباشد. توسط مومنان اما رسول با خردمندانه این را دید و به وضوح در مورد آن به ما هشدار داد. زیرا هنگامی که او اعلام کرد که کسانی که بدن خداوند را قضاوت نمی کنند به چه میزان جنایت مقید هستند، بلافاصله تسلیم شد: "بنابراین بسیاری در میان شما ضعیف و ضعیف هستند و بسیاری می خوابند." به طوری که مردم مؤمن وقتی فهمیدند که باید به این راز آسمانی کرامت های الهی داده شود و ثمرات فراوان فیض را دریافت کنند و از خشم عادلانه خدا در امان بمانند، همه این موارد توسط شبانان با دقت بیشتر توضیح داده می شود که به نظر می رسد بیشتر می توانند عظمت او را نشان دهند.

به همین دلیل و quandsot i teuutcuhma. بگذار مراسم مقدس در

در این مورد، لازم است که پولس، به پیروی از نمونه رسول، که اقرار کرد که خود را به قرنتیان تسلیم کرده است، آنچه از خداوند دریافت کرده بود، قبل از هر چیز برای مؤمنان مؤسسه این آیین مقدس را توضیح دهد. از انجیل به وضوح چنین استنباط شده است. "زیرا هنگامی که خداوند صاحبان خود را دوست داشت، آنها را تا آخر محبت کرد" که از آن محبت به عنوان وعده ای الهی و تحسین برانگیز داد، زیرا می دانست که اکنون ساعتی فرا رسیده است که از این جهان نزد پدر بگذرد، به طوری که هرگز از دنیای خود غیبت نکند، نقشه ای غیرقابل توضیح را به انجام رساند که فراتر از همه نظم و شرایط طبیعت است. در واقع، هنگامی که بره عید را با شاگردان جشن گرفتند، برای اینکه چهره حقیقت، سایه بدن از بین برود، «نان را گرفت و خدا را شکر کرد، برکت داد و شکست و به شاگردانش داد و گفت: بگیرید و بخورید: این بدن من است که برای شما داده میشود: به یاد این جام را به یاد من بکنید. این جام عهد جدیدی در خون من است، هر چند وقت یکبار می نوشید، به یاد من این کار را بکنید.

19. s»e)q. I. CMoarr.c. 11 1,4. 2 922.. » )I. L C o Cro. r.1 1,1 1 2,4. 2 3 s.e.q. ») 28 .» 2 ،26 .مت (4 .1 ،13 .آیو. Lns. 22

از این رو، شأن و تعالی این سحر شگفت انگیز را که نویسندگان مقدس دریافته اند که به هیچ وجه نمی توان آن را انجام داد، به گونه ای که آن را با یک کلمه نشان دهند، سعی کردند آن را به چند نام بیان کنند، زیرا گاهی آن را عشای ربانی می نامند; کدام کلمه را می توانیم در لاتین به عنوان فیض نیک یا شکرگزاری بیان کنیم. و به درستی گفته می شود که فیض نیکو است، هم به این دلیل که زندگی جاودانی را از پیش نشان می دهد، که در مورد آن نوشته شده است: «فیض خدا حیات جاودانی است». و همچنین به این دلیل که حاوی مسیح خداوند است که فیض حقیقی و منشأ همه جذابیت هاست. در واقع، ما عمل شکرگزاری را کمتر به درستی تفسیر نمی کنیم. در واقع، هنگامی که ما این پاک ترین قربانی را قربانی می کنیم، هر روز از خداوند به خاطر تمام مزایایی که به ما عطا کرده است سپاسگزاری می کنیم، و مهمتر از همه به خاطر لطف او به خاطر این خیر عالی که در این مراسم مقدس به ما عطا می کند. اما همین نام نیز به خوبی با چیزهایی که از اعمال مسیح خداوند در نهاد این راز می خوانیم، مطابقت دارد. همانا «نان را گرفت، شکست و شکر کرد». داوود نیز چون در عظمت این راز تامل کرد، پیش از آن که آن آهنگ را بخواند2: «رَبُّ الرَّحمَنُ الرَّحمَنُ عَجَلَ العَجِبهِ فعله فعله فعله فعله فعله فعله فعله فعله فعله و العظره».

IV. از این رو به این مراسم مقدس، اشتراک، راز صلح و نیکوکاری می گویند.

همچنین اغلب با نام قربانی اعلام می شود. راز آن را کمی بعد به طور کامل تر صحبت خواهیم کرد. به آن اشتراک هم می گویند; روشن است که این کلمه از آن مکان رسول گرفته شده است، آنجا که می فرماید 4: "تبر برکت که ما برکت می دهیم، آیا شریک خون مسیح نیست؟ و از نانی که می شکنیم، آیا شریک بدن خداوند نیست؟" زیرا همانطور که دمشق 5 توضیح داد، این آیین مقدس ما را با مسیح متحد می کند، و ما را در جسم و الوهیت او شریک می سازد، و ما را در همان مسیح با یکدیگر آشتی می دهد و متحد می کند، و ما را به عنوان یک بدن متحد می کند. از اینجا به این نتیجه رسید که راز صلح و نیکوکاری نیز گفته شود تا بفهمیم که آنها چقدر بی لیاقت نام مسیحی هستند که دشمنی می کنند و کینه ها و اختلاف ها و اختلاف ها به عنوان وحشتناک ترین آفات مؤمنان باید کاملاً از بین برود، زیرا به ویژه در فداکاری های روزانه دین، ما نباید صلح را بیشتر از شرارت حفظ کنیم.

flde .از ارتد (« .c .R o13m.. 6, 23. *) Pa. UO, 4.') v. 3. ) I Cor. 10، 16( ' من .\

5- به چه دلیل به مراسم سفر و شام یکسان می گویند؟ اما نویسندگان مقدّس به کرّاً از viaticum متوسل می‌شوند، هم به این دلیل که غذای روحانی است که ما را در سرگردانی زندگی‌مان نگه می‌دارد، و هم به این دلیل که قدرت شادی و خوشبختی ابدی را برای ما تضمین می‌کند. بنابراین می بینیم که از نهاد قدیمی کلیسای کاتولیک محفوظ مانده است که هیچ یک از مؤمنان نباید بدون این آیین مقدس زندگی را ترک کنند. و در واقع کهن ترین پدران، به پیروی از قدرت رسولان، گاهی اوقات عشای ربانی را با نام «شام» نیز می نامیدند، که توسط مسیح خداوند در آن راز نجات بخش شام آخر برقرار شد.

6. عشای ربانی را نمی توان با غذا یا نوشیدنی درست کرد یا آن را گرفت. در واقع، مراسم عشای ربانی نیز نباید از غذا یا نوشیدنی تهیه شود یا گرفته شود، زیرا رسم که رسولان به شیوه ای مفید معرفی کرده اند، همانطور که خاطرات نویسان قدیم آشکار کرده اند، برای همیشه سرکوب و حفظ می شد، به طوری که تنها با روزه داری قابل درک است.

VII. مراسم عشای ربانی راز نام واقعی است.

اما با توجه به نام توضیح داده خواهد شد که این یک مراسم مقدس واقعی است و یکی از آن هفت موردی است که کلیسای مقدس همیشه از نظر مذهبی آنها را پرستش کرده و مورد احترام قرار داده است. زیرا هنگامی که جام تقدیس می شود، آن را راز ایمان می نامند. علاوه بر این، برای کنار گذاشتن شهادت‌های جعلی نویسندگان تقریباً مقدس، که همیشه معتقد بودند که این باید در زمره مقدسات واقعی باشد، همین امر از ماهیت و ماهیت آیین مقدس متقاعد می‌شود. زیرا در آن نشانه ها خارجی و تابع حواس هستند. آنگاه معنا و کارایی فیض دارد. نه انجیلیان و نه حواریون جایی برای شک و تردید در مورد نهاد مسیح باقی نمی گذارند. وقتی همه این چیزها برای تأیید صحت راز جمع می شوند، مشاهده می شود که نیازی به استدلال دیگری نیست.

هشتم. چیزهای زیادی در این مراسم مقدس وجود دارد که نام آن را به آن مناسب است.

اما کشیشان باید به دقت مشاهده کنند که در این راز چیزهای زیادی وجود دارد که نویسندگان گاهی نام مقدس را به آن داده اند. زیرا گاهی اوقات هم تقدیس و هم پذیرایی، اما غالباً خود بدن و خون خداوند که در عشای ربانی است، معمولاً یک مراسم مقدس نامیده می شود. زیرا آگوستین می گوید که این آیین مقدس شامل دو چیز است، یعنی شکل مرئی عناصر، و نامرئی در گوشت و خون خداوند ما عیسی مسیح. و به همین ترتیب این راز باید پرستیده شود، ظاهراً قلبی->) 1. ج. 48. اویست. II. از معایب

ما با درک چرک و خون خداوند تأیید می کنیم. اما واضح است که همه اینها کمتر به درستی آداب مقدس خوانده می شوند. اما خود گونه های نان و شراب معنای واقعی و مطلق این نام را دارند.

چگونه مراسم عشای ربانی با همه ی مقدسات دیگر متفاوت است. اما چقدر این راز با بقیه فرق X/ دارد به راحتی قابل جمع آوری است. زیرا سایر مقدسات با استفاده از ماده پاک می شوند، در حالی که اتفاقاً به شخص دیگری ادا می شوند. زیرا زمانی که خود شخص با آب شسته شود، غسل تعمید ماهیت یک آیین را پیدا می کند. اما در حقیقت تقدیس خود مادیات برای کمال عشای ربانی کافی است. زیرا هر دوی اینها از مقدس بودن باز نمی مانند، اگرچه گفته می شود در جعبه هستند. سپس در ساختن دیگر اعجاز، ماده و عنصر به ماهیت دیگر تبدیل نمی شود; در واقع، آب غسل تعمید، یا روغن کریسمس، هنگامی که آن مراسم مقدس انجام می شود، ماهیت قبلی خود را که آب و روغن بود از دست نمی دهد: اما در مراسم عشای ربانی، چیزی که قبل از تقدیس نان و شراب بود، واقعاً ماده بدن و خون خداوند است که با تقدیس کامل می شود. X. جوهر مضاعف عشای ربانی دو آیین را تشکیل نمی دهد.

اگر چه دو عنصر وجود دارد، یعنی نان و شراب، که کل آیین عشای ربانی از آنها ساخته شده است، اما ما اعتراف می کنیم که چندین آئین مقدس وجود ندارد، بلکه تنها یکی وجود دارد، همانطور که توسط اقتدار کلیسا تعلیم داده شده است. زیرا در غیر این صورت، تعداد هفت برابر آیین های مقدس، همانطور که همیشه صادر می شود، و توسط شوراهای لاتران، فلورانس، و تریدنت تعیین می شود، نمی تواند باقی بماند. زیرا هنگامی که به فیض این راز، بدن عرفانی در یک شخص ساخته می شود تا ثواب چیزی که می سازد مطابقت داشته باشد، باید یکی باشد و در واقع یکی باشد، نه به خاطر اینکه فردی است، بلکه به این دلیل که معنای یک چیز واحد دارد. زیرا همانطور که غذا و نوشیدنی که دو چیز متفاوت هستند، فقط برای یک چیز استفاده می‌شوند، یعنی برای بازگرداندن قوای بدن: همچنین تخصیص دو نوع مختلف از آیین مقدس که به معنای غذای روحانی است، که به وسیله آن ذهن‌ها تداوم و شادابی می‌یابند، سازگار است. چرا خداوند منجی گفته است (یوحنا 6:56): "عزیز من واقعاً غذا است و خون من واقعاً نوشیدنی است." اما باید به دقت توضیح داد که راز عشای ربانی به چه معناست تا مؤمنان با چشمان خود به اسرار مقدس نگریستند و در عین حال ذهن خود را با تفکر در امور الهی تغذیه کنند.

که در این آیین مقدس گنجانده شده است. اما سه چیز وجود دارد rerwn معنی .XI که در این آیین مقدس به ما اشاره شده است. اولین مصائب مسیح خداوند است که قبلاً گذشته است. خودش

164 از تعلیمات رومی 164 زیرا او تعلیم داد: 1): «این را به یاد من

انجام دهید» و رسول شهادت داد 2) این است: «هر گاه این نان را بخورید و این جام را بنوشید، مرگ خداوند را تا آمدن او اعلام خواهید کرد». دوم فیض الهی و ملکوتی است که در این راز برای تغذیه و حفظ روح عطا می شود. زیرا همانطور که با غسل تعمید در زندگی جدیدی متولد می شویم، با تأیید تقویت می شویم تا بتوانیم

در برابر شیطان مقاومت کنیم و نام مسیح را علناً اعتراف کنیم: بنابراین ما از طریق مراسم عشای ربانی تغذیه و حمایت می شویم. سوم این است که آینده را پیشگویی می کند، میوه های لذت و شکوه ابدی، که ما در سرزمین آسمانی از وعده خدا دریافت خواهیم کرد. بنابراین، این سه، که با تنوع زمان حال، گذشته و متعاقب به وضوح متمایز می شوند، با اسرار مقدّس به گونه ای دلالت می کنند که کل قدس، اگرچه از گونه های مختلف تشکیل شده است، اما به روشن شدن هر یک از اینها به گونه ای اشاره می شود که گویی معنای یک چیز است. XII. این sacracmoennsteic ra mnadtuesr.i a چیست و چه نوع نانی است؟

اما در وهله اول، شبانان باید موضوع این راز را بدانند، هم برای اینکه خودشان آن را به درستی انجام دهند، و هم برای اینکه مؤمنان یاد کنند که این نماد چیست و در غیرت و اشتیاق به چیزی

که دلالت دارد بسوزند. بنابراین، ماده این مراسم مقدس دو چیز است: نان دوم از گندم ساخته شده است، که ابتدا در مورد آن صحبت خواهیم کرد. در مورد دیگری بعدا صحبت خواهم کرد. زیرا همانطور که انجیلان متی 3)، مرقس 4) و لوقا 6 تعلیم می دهند، مسیح خداوند نان را در دست گرفت، آن را برکت داد و آن را شکست و گفت: "این بدن من است." در یوحنا 6) نجات دهنده ما نیز خود را نان نامید، زیرا گفت: "من نان زنده هستم که از آسمان نازل شده است."

اما از آنجایی که نان ها انواع مختلفی دارند، یا از نظر مواد متفاوتند، مانند زمانی که یکی از گندم، دیگری از جو، یا از سبزیجات و سایر میوه های زمین ساخته شده باشد، یا به این دلیل که کیفیت های متفاوتی به آنها داده شده است (زیرا به یک مخمر اضافه می شود، در حالی که دیگری ممکن است کاملاً فطیر باشد)، در مورد اولی، سخنان نجات دهنده باید از نان باشد. زیرا با استفاده رایج از گفتار، وقتی نان به طور مطلق گفته می شود، کاملاً واضح است که نان از گندم ساخته شده است. این نیز با شکل عهد عتیق توضیح داده شده است. زیرا خداوند دستور داده بود که «نان هدایایی» که به معنای این مراسم مقدس

است، «از خمیرمایه» ساخته شود.

•) Io.> ) 6 L,u c 4.1 . 2 2 ',) 1 L9e.v . s ) 2 4 I,. 5 C. o r. 11، 26. ») 5 .22 ،14 .دریا (' .26 ،26 .مت) Ln. 22، 19

euchvaerniisetnisa escto.n درست می شود، باید فطیر باشد.

اما همانطور که هیچ نانی، جز گندم، نباید برای مراسم مقدس ماده مناسب در نظر گرفته شود (زیرا این سنت رسولی به ما آموخته است، و مرجعیت کلیسای کاتولیک نیز آن را تأیید کرده است): همچنین از کارهایی که مسیح خداوند انجام داد، به راحتی می توان فهمید که باید نان فطیر وجود داشته باشد. زیرا خود او!) « در روز اول نان فطیر»، زمانی که برای یهودیان حلال بود که هیچ خمیرمایه ای در خانه نداشته باشند، این آیین مقدس را تکمیل و برقرار کرد. اما اگر کسی با اقتدار یحیی انجیلی مخالفت کند، که ذکر می کند همه این چیزها «پیش از عید فصح» اتفاق افتاده است، آن استدلال به راحتی برطرف می شود. در واقع، که انجیلان دیگر آن را روز اول فطیر نامیدند، آن را در عصر پنجشنبه، روز عید نان فطیر آغاز کردند، در آن زمان منجی ما عید فصح را جشن گرفت. یوحنا همان روز را روز قبل از عید پاک توصیف می کند، به طوری که فکر می کند دوره روز طبیعی که از شرق خورشید شروع می شود، اولین موردی است که باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین D. همچنین کریزوستوم 3) روز اول نان فطیر را به روزی تعبیر می کند که در آن نان فطیر باید در شام خورده شود. اما تقدیس نان فطیر، تا آنجا که شایسته یکپارچگی و پاکی ذهن است، که مؤمنان باید به این مراسم مقدس بیاورند، به ما توسط رسول تعلیم داده شده است، هنگامی که می‌فرماید: «خمیر مایه کهنه را پاک کنید تا آبپاشی جدیدی باشید، همانطور که فطیر هستید. نه بر خمیرمایه کینه و شرارت، بلکه بر نان فطیر صداقت و راستی.»

چهاردهم نان فطیر مطلقاً برای عشای ربانی ضروری نیست.

امّا آن خصلت را نباید آنقدر ضروری دانست که در صورت کمبود آن نان، نتوان آن را انجام داد. کدام نوع نان ماهیت و نام واقعی و مناسب نان را دارد، اگرچه هیچ کس نمی تواند با اختیارات خصوصی، یا بهتر بگوییم عجولانه، آیین ستودنی کلیسای خود را تغییر دهد. و کاهنان لاتین کمتر اجازه داشتند که این کار را انجام دهند. و کافی است که این مطالب را در مورد موضوع دیگر این آیین مقدس توضیح دهیم. با این حال، باید توجه داشت که چه مقدار از مواد لازم است برای آماده سازی مراسم مقدس استفاده شود، تعریف نشده است، زیرا حتی تعداد معینی از کسانی که می توانند یا باید اسرار مقدس را درک کنند، قابل تعریف نیستند.

*) ج. ' )1 4 81 .Homil (» .1 ,13 ..I1o 4 (.JI I I. 9 1. m1i2s,s ..c1e7l.e b Erx ,2d6e ..M. a tX. در مت. <) 5، 7 .I. Cor.

## 15 چه موادی باید برای تقدیس خون خداوند استفاده شود؟

باید در مورد دیگر موضوع و عنصر این مراسم مقدس گفت.
اکنون شرابی است که از میوه انگور فشرده شده است که کمی آب
به آن راه داده شده است. زیرا خداوند سالواتوره همیشه تعلیم
داده است که در نهاد این مراسم مقدس از شراب استفاده میشده
است، زمانی که خود میگوید: «تا آن روز مانند این دانه انگور
نمینوشم». کریزوستوم در کجا میگوید: «از جن» او گفت: «انگور که
مطمئناً آب نمیآورد»، بهطوری که به نظر میرسید کسانی را که آن
آب را به تنهایی نگه میداشتند در این اسرار استفاده میکرد.

## 16 در مراسم راز باید آب با شراب مخلوط شود.

اما کلیسای خدا همیشه آب را با شراب مخلوط کرده است. اول،
اینکه این کار توسط مسیح خداوند انجام شد، و توسط اقتدار
شوراها و شهادت سنت کیپریان تأیید شده است. آنگاه که یاد
خون و آبی که از پهلویش بیرون آمد با این اذن تجدید شود. و
سپس "آب"، همانطور که در آخرالزمان می خوانیم، مردم را نشان می
دهد، و بنابراین آب مخلوط با شراب نشان دهنده اتحاد مردم مؤمن با
مسیح سر است. و این، از سنت رسولان، کلیسای مقدس همیشه
حفظ کرده است. Non est necessarium absolute^ aquam 17
adhiberi, et minor aquae quam vini quantitas esse debet.

ولی هر چند برای آمیختن آب چنان دلایل جدّی وجود دارد که ترک
آن بدون گناه کبیره جایز نیست، ولی در صورت عدم وجود، می توان
مراسم راز را ثابت کرد. اما کاهنان باید این را رعایت کنند، همانطور
که در اسرار مقدس باید از آب با شراب استفاده شود، همچنین باید
کمی دم کرده شود. زیرا به نظر و داوری نویسندگان کلیسایی، آن
آب به شراب تبدیل می شود. بنابراین، پاپ هونوریوس 5) در مورد
او چنین می نویسد: "سوء استفاده مضر در قسمت های شما
گسترش یافته است، یعنی اینکه مقدار بیشتری از آب در
قربانی استفاده می شود تا شراب؛ در حالی که طبق عرف معقول
کلیسای عمومی، شراب باید بسیار بیشتر از آب مصرف شود."
بنابراین، اینها تنها دو رکن این مراسم مقدس است و به درستی
در احکام متعددی مورد تأیید قرار گرفته است (6) که جایز نیست
غیر از نان و شراب که برخی از آن می ترسیدند عرضه کنند. اما
اکنون باید ببینیم که این دو نماد نان و شراب تا چه اندازه
مناسب هستند تا چیزهایی را که ما معتقدیم و اعتراف میکنیم
به عنوان مقدسات اعلام کنیم.

') مت. 26، 29. مارک. 14، 25. ») هوم. 82. در مت. ') Conc. 63. ep. ترید صندلی 22. ج. 7. *)
مکاشفه 17، 15. 6) ج. 13. celeb de .X. خانم 41 .III. ه) ج. 1. i disi consecr of.

167 قسمت دوم.   فصل 4 167 هجدهم. نمادهای نان و شراب در این مراسم مقدس چقدر چیزها را نشان می دهند.

زیرا قبل از هر چیز برای ما به مسیح اشاره می کنند که زندگی انسان صادق است. زیرا خود خداوند می گوید 1) "عزیز من واقعاً غذا است و خون من واقعاً نوشیدنی است." بنابراین، هنگامی که بدن مسیح خداوند برای کسانی که آیین مقدس او را به شیوه ای پاک و مقدس دریافت می کنند، غذا برای زندگی ابدی فراهم می کند، به درستی از مهمترین چیزهایی تشکیل می شود که این زندگی در آن گنجانده شده است، به طوری که مؤمنان به راحتی می توانند درک کنند که ذهن و روح از اشتراک بدن گرانبها و خون مسیح اشباع شده است. همین عناصر نیز تا حدی در این امر مؤثر است تا انسانها بدانند که حقیقت بدن و خون خداوند در راز است. زیرا همانطور که مشاهده می کنیم که نان و شراب هر روز به وسیله نیروی طبیعت به گوشت و خون انسان تبدیل می شود: با این تشبیه می توانیم راحت تر باور کنیم که ماده نان و شراب به بدن واقعی مسیح و خون واقعی او با برکت آسمانی تبدیل شده است. این تغییر تحسین برانگیز عناصر همچنین به کمک طرح کلی آنچه در روح می گذرد می آورد. زیرا اگرچه هیچ تغییری در نان و شراب از بیرون ظاهر نمی شود، اما جوهر آنها واقعاً به گوشت و خون مسیح می رود: همچنین، اگرچه به نظر می رسد چیزی در ما تغییر نکرده است، اما در درون ما به زندگی تجدید می شود، در حالی که زندگی واقعی راز عشای ربانی را دریافت می کنیم. علاوه بر این چیزها، از آنجایی که بدن واحد کلیسا 2) از اعضای بسیاری تشکیل شده است، این اتحاد به هیچ وجه بیشتر از عناصر نان و شراب می درخشد. زیرا نان از غلات فراوان و شراب از انگور فراوان تهیه می شود. و به این ترتیب آنها اعلام می‌کنند که ما، با وجودی که بسیار هستیم، با پیوندهای این راز الهی بسیار نزدیک به هم پیوند خورده‌ایم و مانند یک بدن می‌شویم.

19 در این شکل نان باید برای تقدیس استفاده شود.

حال به این نتیجه می رسد که نحوه استفاده از نان برای تقدیس مورد بحث قرار می گیرد; در واقع نه به این منظور که این اسرار به مردم مؤمن داده شود، مگر آن که ضرورتی آنها را مجبور کند، (زیرا لازم نیست کسانی که به مقدسات آشنا نشده اند، در این امور آموزش داده شوند)، بلکه کاهنان نباید در انجام مراسم مقدس مرتکب پست ترین گناه جهل به صورت شوند. و به این ترتیب بشارتگران مقدس 3) متی و لوقا و همچنین رسول به ما می آموزند که این شکل این است: "این بدن من است." زیرا نوشته شده است: «عیسی با کسانی که غذا می‌خوردند، نان گرفت و برکت داد و پاره کرد و به شاگردان خود داد و گفت: «بگیرید و بخورید، این بدن من است.»

') ببینید. 6، 56. 3) اول کور. 10، 17. 12، 12. ») مت. 26، 26. لوقا 22، 19. 5 قرن. 11، 24

مسیح خداوند آن را حفظ کرد و همیشه توسط کلیسای کاتولیک مورد استفاده قرار گرفت. در این مرحله ما باید از شهادت های پدران مقدس

که برشمردن آنها بی نهایت است و فرمان شورای فلورانس که برای همه روشن است و به آسانی در دسترس است بگذریم. هنگامی که به

ویژه از آن سخنان منجی 1: "این را به یاد من انجام دهید"، ما نیز همین را بدانیم. زیرا آنچه خداوند دستور داده است که انجام شود، نه تنها باید به آنچه او انجام داده بود، بلکه به آنچه که او گفته بود نیز

اشاره کرد. و باید درک کرد که عمدتاً مربوط به کلماتی است که نه کمتر به منظور تأثیرگذاری بیان شده اند تا دلالت. اما حتی این را

نیز می توان به راحتی با دلیل متقاعد کرد. زیرا این شکلی است که

به وسیله آن دلالت می شود و در این آیین مقدس محقق می شود. حال از آنجایی که این کلمات دلالت می‌کنند و بیان می‌کنند که انجام شده

است، این تبدیل نان به بدن واقعی پروردگار ما است: نتیجه این است که شکل باید در همان کلمات ایجاد شود. در کدام نظر جایز است آنچه را مبشّر گفته است بپذیریم 2) «مبارک» زیرا به نظر می رسد

همینطور فهمیده می شود، مثل اینکه گفته باشد: «نان را گرفت و برکت داد و گفت: این بدن من است».

20 همه کلماتی که کلیسا برای تقدیس به کار می برد ضروری نیست.

زیرا اگر چه مبشّر آن سخنان را آورده است 3: «بگیر و بخور»، معلوم است که دلالت بر تقدیس ماده ندارند، بلکه فقط به کاربرد آن دلالت دارند. از این رو، آنها واقعاً باید توسط کشیش

بیان شوند، اما برای تهیه مراسم مقدس ضروری نیستند. همان گونه که آن اتحاد نیز در تقدیس بدن و خون «برای» پدید می آید.

زیرا در غیر این صورت انجام می شود، به طوری که اگر قرار است این مراسم مقدس برای هیچ کس اجرا نشود، نیازی به انجام آن نیست، یا

نمی توان آن را انجام داد. اما نباید شک کرد که کشیش با تلاوت کلام خداوند بر اساس عرف و مؤسسه کلیسای مقدس، واقعاً مواد مناسب برای نان را پنهان می کند، هر چند بعد از آن اتفاق می افتد که مراسم عشای ربانی هرگز برای کسی برگزار نمی شود.

XXI خون سازی به چه صورت است؟

اکنون در مورد تقدیس شراب که ماده دوم این مراسم مقدس است، به همان دلیلی که در بالا ذکر کردیم، لازم است که کشیش شکلی شناخته شده و قابل درک از آن داشته باشد. بنابراین باید با درک این کلمات به یقین ایمان آورد: "این4) جام خون من است، عهد جدید و جاودان، راز ایمان، که برای شما و برای بسیاری برای آمرزش گناهان ریخته خواهد شد. که •) I. • )

C o Lr.u c .2 , 2 225., 19. «) Mat. 26، 26. «) 14 .مارک .28 ،26 .مت،

24. لوقا 22، 20

از نظر کلمات، در واقع بسیاری از کتاب مقدس جمع آوری شده است، اما برخی از سنت های رسولی در کلیسا حفظ شده است. زیرا آنچه گفته می شود: "این جام است" توسط D. Luka و توسط رسول نوشته شده است. اما آنچه در پی می‌آید: «خون من» یا «خون من عهد جدید، که برای شما و برای بسیاری برای آمرزش گناهان ریخته خواهد شد» بخشی توسط دی. لوقا و قسمتی توسط دی. متی گفته شد. و آن کلمات: «ابدی» و «راز ایمان»، سنت مقدس، مفسر و نگهبان حقیقت کاتولیک، به ما آموخت.

22 نشان داده شده است که این شکل واقعی تقدیس است.

اگر در این مکان به آنچه قبلاً در مورد صیغه تقدیس که برای عنصر نان استعمال می شود نیز توجه شود، هیچکس نمی تواند در این شکل شک کند. زیرا واضح است که شکل این عنصر در آن کلماتی است که دلالت بر ماده شراب تبدیل شده به خون خداوند دارد. بنابراین، وقتی آن کلمات به وضوح این را بیان می کنند، معلوم است که شکل دیگری ایجاد نمی شود. علاوه بر این، آنها میوه های شگفت انگیزی از خون ریخته شده در شور خداوند را بیان می کنند که عمدتاً متعلق به این آیین مقدس است. یک رویکرد برای وراثت ابدی وجود دارد که به حق عهد جدید و ابدی به ما می رسد. رویکرد دوم به عدالت از طریق راز ایمان است; زیرا با ایمان به خون او، خدا عیسی را به عنوان مصلحت‌کننده معرفی کرد تا عادل و عادل‌کننده کسی باشد که با ایمان به عیسی مسیح است. سوم بخشش گناهان است.

23 شکل تقدیس خون توضیح داده شده است.

اما از آنجایی که همین کلمات تقدیس مملو از رمز و راز است و به درستی با موضوع موافق هستند، لازم است در آنها دقت بیشتری شود. اما آنچه گفته می شود: «هذا جام خون من» این گونه است که: این خون من است که در این جام است. اما در جام و کنار آن، در حالی که این خون به عنوان نوشیدنی مؤمنان تقدیس می شود، باید از جام یاد کرد. زیرا به نظر نمی رسد که خون به اندازه کافی نشان دهنده چنین نوشیدنی باشد، مگر اینکه در یک ظرف دریافت شده باشد. سپس چنین می‌شود: «در عهد جدید»، که در واقع برای این منظور اضافه شده است، تا بتوانیم بفهمیم، خون مسیح خداوند یک شکل نبود، همانطور که در عهد عتیق انجام شد (زیرا ما در مورد آن در رسول به عبرانیان می‌خوانیم) که «بدون خون» عهد « نه» تقدیم شده است)، اما در حقیقت و در حقیقت به مردم تحویل داده شد. که مربوط به عهد جدید است. چرا رسول می فرماید: «از این جهت مسیح واسطه عهد جدید است تا کسانی که خوانده می شوند، وعده را با شفاعت در مرگ دریافت کنند») روم. 3، 25. ") عبری 9، 18. *) عبری 9، 15

میراث ابدی اما کلمه: "ابدی" به میراث ابدی اشاره دارد که از طریق مرگ مسیح شاهد ابدی به ما رسید. آنچه اضافه می شود: «راز الایمان» صدق مطلب را منتفی نمی کند. اما آنچه در چشم پنهان است و از حس چشم دورتر است، دلالت بر این دارد که باید با ایمان به آن ایمان آورد. اما معنای این کلمات در این مکان با معنایی که هنگام غسل تعمید دارند متفاوت است. زیرا این حقیقت که ما با ایمان خون مسیح را می بینیم که در پوشش شراب پنهان شده است، راز ایمان نامیده می شود. اما غسل تعمید، از آنجایی که شامل کل مسلک ایمان مسیحی می شود، ما به درستی آن را مقدس ایمان می نامیم، و یونانیان آن را رمز و راز می نامند. اگرچه به دلیل دیگری نیز خون خداوند را راز ایمان می نامیم، یعنی اینکه در آن عقل انسانی بیشترین سختی ها و مشکلات را تجربه می کند، وقتی ایمان به ما پیشنهاد می کند که ایمان بیاوریم که مسیح خداوند، پسر واقعی خدا، در عین حال خدا و انسان، برای ما مرگ را متحمل شد. که در واقع با راز مرگ خونی دلالت دارد. 24 چرا مرگ به ویژه در تقدیس خون ذکر شده است؟

بنابراین، در این مکان، نه در تقدیس بدن، مصائب یکشنبه با این کلمات یاد می شود: "کسی که برای آمرزش گناهان ریخته شود." زیرا خونی که به طور جداگانه تقدیس می شود، به مصیبت پروردگار، و مرگ، و نوع شوری که باید در برابر دیدگان همگان قرار گیرد، نیرو و اهمیت بیشتری دارد. اما کلماتی که اضافه شده است: "برای شما و برای بسیاری" یکی یکی از متی و لوقا گرفته شده است. با این حال، کلیسای مقدس، به دستور روح خدا، به یکدیگر پیوست. اما آنها به ثمره اشتیاق تعلق دارند و فایده آن را اعلام می کنند. زیرا اگر توانایی او را بررسی کنیم، اعتراف خواهیم کرد که خون منجی برای نجات همه ریخته شد. اما اگر ثمره‌ای را که مردم از آن دریافت کرده‌اند در نظر بگیریم، به آسانی متوجه می‌شویم که سودمندی آن نه همه، بلکه فقط برای بسیاری از افراد است. بنابراین، هنگامی که گفت: "برای شما"، یا به کسانی که حاضر بودند، یا کسانی که از میان قوم یهود برگزیده شدند، مانند شاگردان، اشاره کرد، به استثنای یهودا، که با او صحبت می کرد. پس درست بود که نباید «برای همه» گفته شود، زیرا در این مکان فقط ثمره شور بود که میوه نجات را فقط برای برگزیدگان به ارمغان آورد. و در اینجا سخنان رسول آمده است: "مسیح یک بار تقدیم شد تا گناهان بسیاری را بردارد." و آنچه خداوند در یوحنا 3 می گوید: "من

') مت. 26، 28. *) ایلبر 9، 28. ») آیو. 17، 9

من برای آنها دعا می‌کنم، برای دنیا دعا نمی‌کنم، بلکه برای کسانی که به من بخشیده‌ای دعا می‌کنم، زیرا آنها از آن تو هستند.» بسیاری از اسرار دیگر در کلمات این تقدیس نهفته است که شبانان می‌توانند با مراقبه و مطالعه دائمی چیزهای الهی به راحتی به آنها دست یابند و خداوند شخصاً به آنها کمک می‌کند. 25. استفاده از قضاوت مقدس در این معنا به مصلحت نیست.

اما بیایید اکنون به توضیح آن چیزها برگردیم، که چون برای مؤمنان ناشناخته است، به هیچ وجه نباید متعهد شوند. و از آنجایی که رسول به ما یادآوری می‌کند که بزرگترین جنایت را کسانی می‌پذیرند که «(اول قرنتیان 11:29.) بدن خداوند را قضاوت نمی‌کنند:» اجازه دهید کشیش‌ها ابتدا این را بیاموزند که ذهن و عقل باید با دقت تمام از حواس دور شود. زیرا اگر مؤمنان خود را متقاعد کرده باشند که فقط آن چیزهایی در این آیین وجود دارد که آنها را با حواس خود درک می کنند، لزوماً باید به نهایت بی تقوایی کشانده شوند، زیرا آنها قضاوت کرده اند که نان و شراب به تنهایی در مراسم مقدس هستند و چیزی جز ظاهر نان و شراب را با چشم و لمس و بو و مزه درک نمی کنند. بنابراین، باید مراقب بود که ذهن مؤمنان، تا آنجا که ممکن است، از قضاوت حواس کناره‌گیری شود، و برای تأمل در قدرت و قدرت بی‌نهایت خداوند هیجان‌زده شود.

26 آنچه بیش از همه با قدرت تقدیس عرفانی در این مراسم مقدس انجام می شود.

زیرا سه چیز بیشتر قابل تحسین و شک است که ایمان کاتولیک بدون هیچ شکی در کلمات تقدیس که در این مراسم مقدس بیان شده است به آنها اعتقاد دارد و اعتراف می کند. اولین چیز این است که بدن واقعی مسیح خداوند، همان بدنی که از باکره متولد شد و در رحم در دست راست پدر نشسته است، در این آیین مقدس وجود دارد. دیگر اینکه هیچ جوهری از عناصر در آن باقی نمی ماند، هر چند چیزی در نظر راگی بیگانه و دور از حواس ظاهر نمی شود. سوم این که از هر دو به آسانی می توان دریافت، گرچه الفاظ تقدیس بیش از همه بیانگر آن است که حوادثی که یا با چشم دیده می شود یا با حواس دیگر قابل درک است، در واقع به دلیلی عجیب و غیرقابل توضیح، موضوعی ندارد. و ممکن است حوادث نارنجی نان و شراب را مشاهده کرد که به هر حال به هیچ ماده ای پایبند نیستند، بلکه خود وجود دارند. هنگامی که ماده نان و شراب آنقدر به بدن خداوند تبدیل می شود که به کلی ماده نان و شراب نیست.

27 مسلم است که همان بدن مسیح که از مریم باکره متولد شد، در مراسم عشای ربانی موجود است.

با این حال، برای پرداختن به اولی، چوپانان باید سعی کنند توضیح دهند که سخنان منجی ما چقدر واضح و روشن است، که حقیقت بدن او را در آیین مقدس نشان می دهد. زیرا وقتی می گوید: « این بدن من است، این خون من است»، هیچ کس که فقط عقل سلیم دارد، نمی تواند از آنچه ما داریم بی خبر باشد.

باید فهمید، به ویژه وقتی صحبت از طبیعت انسان می شود، که ایمان کاتولیک به هیچ کس اجازه نمی دهد در آنچه واقعاً در مسیح بوده شک کند. همانطور که هیلاریوس مقدس ترین و دانشمندترین مرد) در مورد حقیقت گوشت و خون مسیح بسیار عالی نوشته است، هنگامی که به قول و ایمان خود خداوند، گوشت او واقعاً غذای ما باشد، دیگر جایی برای طفره رفتن باقی نمی ماند. 28 چگونه می توان متقاعد شد که بدن واقعی مسیح در مراسم عشای ربانی است.

علاوه بر این، بخش دیگری وجود دارد که باید توسط کشیشان توسعه یابد، که از آن مشخص است که بدن و خون واقعی خداوند در مراسم عشای ربانی موجود است. زیرا رسول پس از ذکر این نکته که نان و شراب توسط خداوند تقدیس شده و اسرار مقدس بر رسولان او ابلاغ شده است، می افزاید: «اما انسان خود را می آزماید و از آن نان می خورد و از جام می نوشد، زیرا هر که ناشایست بخورد و بیاشامد، برای قضاوت بدن خداوند می خورد و می نوشد.» اما اگر به قول بدعت‌گذاران، در آیین مقدس چیزی جز خاطره و نشانه مصائب مسیح وجود نداشت: چه نیازی بود که مؤمنان را با چنین سخنان سنگین تشویق کنند تا خود را ثابت کنند؟ زیرا رسول با آن صدای قاطع داوری اعلام کرد که جنایتی ناپسند توسط کسی پذیرفته شده است که با گرفتن بدن خداوند که مخفیانه در مراسم عشای ربانی مخفیانه است، آن را از نوع دیگری از غذا متمایز نمی کند. که در بالا نیز در همان رساله رسول با این کلمات به فراوانی توضیح داد: "آیا جام برکتی که ما برکت می‌دهیم، اشتراک خون مسیح نیست؟ و نانی که می‌شکنیم، آیا اشتراک بدن خداوند نیست؟" این کلمات جوهر واقعی بدن و خون مسیح خداوند را نشان می دهد. بنابراین، این آیات کتاب مقدس باید توسط کشیشان توضیح داده شود، و در وهله اول باید به آنها آموزش داده شود که هیچ شک و تردیدی در آنها باقی نمانده است، به ویژه هنگامی که این مقام مقدس کلیسای خدا تفسیر شده است.

29 نظر کلیسای مسیح در مورد معنای کتاب مقدس و حقیقت بدن خداوند در مراسم عشای ربانی، چگونه باید جستجو کرد.

از راه و دلیل دوگانه می توان به اجبار نظر او رسید. اول این است که ما با پدرانی مشورت می کنیم که از آغاز کلیسا و در هر دوره بعدی شکوفا شدند و بهترین شاهدان آموزه های کلیسایی هستند. اما اینها، با بالاترین رضایت، همه آشکارا به حقیقت این جزم خیانت کردند. از آنجایی که ارائه شواهد خاصی از آنها کار پر زحمتی خواهد بود، توجه به چند مورد، یا بهتر بگوییم اشاره، که از آنها می توان به راحتی در مورد بقیه قضاوت کرد، کافی است. بنابراین اولین

') از تثلیث. کتاب 8. *) I Cor. 11، 28. ») اول کور. 10، 16

D. Ambrose ایمان خود را که در کتاب خود در مورد کسانی که در اسرار آغاز شده اند گواهی می دهد، اظهار می دارد که بدن واقعی مسیح در این مراسم مقدس گرفته شده است، همانطور که از باکره گرفته شده است. و این باید با مطمئن ترین ایمان برگزار شود. و در جای دیگر 2) تعلیم می دهد که قبل از تقدیس نان آنجا بود; اما پس از تقدیس بدن مسیح، اجازه دهید شاهد دیگری به نام D. Chrysostom، با ایمان و جاذبه کم بیفزاییم، که در واقع، در حالی که این حقیقت را در بسیاری از جاهای دیگر، به ویژه در موعظه ها، 60. در مورد کسانی که اسرار مقدس را دریافت می کنند، اظهار و تعلیم می دهد. و همچنین موعظه های 44 و 45 در سنت جان; زیرا می فرماید: «خدا را اطاعت کنیم و با خود مخالفت نکنیم، هر چند آنچه گفته می شود با پندار یا چشم ما مخالف باشد، زیرا کلام او خطاناپذیر است، عقل ما به آسانی اغوا می شود». اما آنها در هر بخش با اینها موافقند، که د. آگوستین، سرسخت ترین مدافع دین کاتولیک، همیشه تدریس می کرد و اول از همه عنوان مزمور 33 را توضیح می داد. زیرا او می نویسد: "ممکن است که انسان بتواند خود را در دست بگیرد، و او فقط می تواند مسیح را ملاقات کند؛ زیرا او در دستان خود حمل شد، هنگامی که بدن خود را ستایش کرد و گفت: این بدن من است." و سیریل (علاوه بر ژوستین و ایرنیوس) در این آیین مقدس به قدری واضح در یوحنا جسم واقعی خداوند را تأیید می کند که کلمات او را نمی توان با هیچ تفسیر فریبکارانه و زیرکانه پنهان کرد. اگر شبان‌ها شهادت‌های دیگری از پدران را نیز بخواهند، اضافه کردن قدیسان دیونیسیوس، هیلاری، ژروم، دمشق و تعداد بی‌شماری دیگر آسان خواهد بود، که گران‌ترین نظرات آنها را در این مورد اینجا و آنجا می‌خوانیم که با همت و تلاش معلمان و مردان پارسا گرد هم آمده‌اند.

30 هرگاه در مجالس کلیسا عقیده مخالف محکوم شد.

راه دیگری وجود دارد که در آن می توان قضاوت کلیسای مقدس را در مواردی که مربوط به ایمان است بررسی کرد، یعنی محکومیت آموزه و عقیده مخالف. اما این درست است که حقیقت بدن مسیح در آیین مقدس عشای ربانی همیشه چنان در سراسر کلیسا منتشر و منتشر شده است و با رضایت همه مؤمنان دریافت شده است، که وقتی برنگاریوس پانصد سال پیش جرأت کرد آن را انکار کند، اظهار داشت که این فقط یک نشانه است در آنجا، بلافاصله در شورای Leo IX. او که توسط مقامات احضار شده بود، توسط نظرات همگان محکوم شده بود، او خود بدعت خود را به مظلومان اضافه کرد. که پس از آن، هنگامی که به همان جنون بی تقوا بازگشت، به سه مجلس دیگر، شورای تورونه و دو بومان،

ل) ج. 9. 2) مقدس. 4، 4

دومی که مکلاوس دوم بود. ، دیگری گریگوری هفتم. بزرگترین پاپ ها احضار شدند و او محکوم شد. بی گناه III. در شورای لاتران بسیار آن را تأیید کرد. و پس از آن، توسط انجمن های فلورانس و ترنت، اعتماد همان حقیقت آشکارتر اعلام و تثبیت شد. پس اگر کشیشان با دقت این مطالب را بیان کنند (از کسانی که کور شده از خطاها از نور حقیقت بیزارند) می توانند ضعیفان را تقویت کنند و با شادی و لذت خاصی بر ذهن متقیان تأثیر بگذارند.

31 چگونه تعصب مربوط به حقیقت بدن مسیح در این آیین مقدس در یک نماد گنجانده شده است.

مخصوصاً در مورد مؤمنان، جایز نیست که در میان دیگر اصول ایمان، ایمان این جزم نیز درک شود. زیرا هنگامی که آنها به قدرت والای خداوند در همه چیز ایمان می آورند و اعتراف می کنند، لازم است باور کنند که او در انجام این کار بزرگ که ما آن را تحسین می کنیم و در مراسم عشای ربانی آن را می پرستیم، فاقد قدرت نبوده است. سپس هنگامی که آنها به کلیسای کاتولیک مقدس اعتقاد دارند: لزوماً نتیجه می شود که آنها در همان زمان اعتقاد دارند. همانطور که توضیح دادیم، این حقیقت این آیین مقدس است.

32 Quanta sistt e reicic l mesaiiaees t amtiel i toasntteinsd i tduirg.n itas from this my-

اما به یقین چیزی نمی‌توان بر لذت و ثمره پارسایان افزود، وقتی در شأن این عالی‌ترین راز تأمل می‌کنند. زیرا اولین چیزی که آنها درک می کنند این است که کمال شریعت انجیلی که به آنها داده شده است، چقدر بزرگ است که در واقعیت آن چیزی را داشته باشد که در زمان شریعت موسی فقط در علائم و اشکال بیان شده بود. از این رو توسط دیونوسیوس *) الهی گفته شد که کلیسای ما وسط بین کنیسه و بالاترین اورشلیم است و بنابراین در هر دو شریک است. و مطمئناً مؤمنان هرگز نمی توانند به اندازه کافی از کمال کلیسای مقدس و اوج شکوه آن شگفت زده شوند، زیرا به نظر می رسد فقط یک قدم بین آن و برکت بهشت قرار دارد. زیرا ما این وجه مشترک با آسمانیان داریم که هم مسیح خدا و هم انسان را حاضر داریم. اما هنگامی که یک درجه از آنها فاصله می گیریم، حاضران از بینایی پر برکت برخوردار می شوند، در حالی که او را می ستایم که حاضر است اما از حس چشم ها دور شده و با ایمان راسخ و مستمر در زیر پوشش تحسین برانگیز اسرار مقدس پنهان شده است. علاوه بر این، در این آیین مقدس مسیح، نجات دهنده ما، مؤمنان کامل ترین صدقه را تجربه می کنند. زیرا سزاوار نیکویی او بود که هرگز طبیعتی را که از ما گرفته بود، از ما دور نکند، بلکه تا حد امکان

') از کلیساها. دیروز ج. 5.

او می تواند مایل باشد که با ما باشد. تا دیده شود که در همه زمانها به درستی و به درستی گفته شده است (امثال 8: 31): "لذت من با فرزندان انسان است."

33 استخوانها، اعصاب و هر آنچه که به کمال انسان مربوط می شود، همراه با الوهیت، واقعاً در اینجا حضور دارند.

اما در این مکان، کشیش ها باید توضیح دهند که نه تنها بدن واقعی مسیح، و هر آنچه که مربوط به عقل واقعی بدن است، مانند استخوان ها و اعصاب، بلکه کل مسیح نیز در این آیین مقدس وجود دارد. اما باید تعلیم داد که مسیح نام خدا و انسان است، یعنی نام یک نفر که ذات الهی و انسانی در او متحد است. بنابراین، هر دو جوهر، و پیامدهای هر دو جوهر چیست، الوهیت و کل ماهیت انسانی که از روح و تمام اجزای بدن و همچنین خون تشکیل شده است، در هم تنیده شده است، که همه آنها را باید باور کرد که در آیین مقدس است. زیرا از آنجایی که در بهشت همه بشریت به الوهیت در یک شخص و هیپوستاس متحد می شوند، این اشتباه است که تصور کنیم بدنی که در آیین مقدس است از همان الوهیت جدا شده است.

34 خون، روح و الوهیت در مراسم عشای ربانی مانند بدن مسیح نیست.

با این حال، لازم است که کشیش ها توجه کنند که همه چیز با همان دلیل یا قدرت در این آیین مقدس گنجانده نشده است. زیرا چیزهایی وجود دارد که می گوییم از قدرت و کارآیی تقدیس در مراسم مقدس است; زیرا هنگامی که آن کلمات به هر آنچه دلالت می کنند، نویسندگان اشیاء الهی آن را به تسبیح می خواندند از قوه ی راز، که به صورت کلمات بیان می شود: بنابراین، اگر اتفاق می افتاد که چیزی کاملاً از چیزهای دیگر جدا می شد، تعلیم می دادند که فقط آن شکلی که بر آن دلالت دارد، در مراسم مقدس است، و بقیه به همین ترتیب نیستند. با این حال، برخی از چیزها در آیین مقدس گنجانده شده است، زیرا آنها به چیزهایی که به صورت بیان می شوند ملحق می شوند. زیرا از آنجایی که شکلی که برای تقدیس نان به کار می رود به بدن خداوند دلالت دارد، هنگامی که گفته می شود: "این بدن من است"، خود بدن مسیح خداوند به موجب آیین مقدس در عشای ربانی خواهد بود. اما از آنجا که خون، روح و الوهیت به بدن ملحق شده است، همه این چیزها نیز در آیین مقدس خواهد بود، نه در واقع از قدرت تقدیس، بلکه به عنوان آنچه که به بدن ملحق می شود. و گفته می شود که این چیزها در آیین مقدس از همراهی آنهاست، به همین دلیل روشن است که کل مسیح در آیین مقدس است. زیرا اگر دو چیز با یک چیز واقعی به یکدیگر متصل شوند، در جایی که یکی است، باید دیگری نیز وجود داشته باشد. بنابراین نتیجه می شود که کل مسیح تا اینجا هم در ظاهر نان و هم در ظاهر شراب گنجانده شده است، همانطور که در ظاهر نان نه تنها بدن، بلکه خون و کل آن وجود دارد.

مسیح واقعاً حاضر است، بنابراین، از طرف دیگر، به شکل شراب، نه تنها خون، بلکه بدن، و کل مسیح واقعاً حاضر است.

35 چرا در مراسم عشای ربانی تقدیس مضاعف وجود دارد؟

اما اگر چه برای همه مؤمنان باید مطمئن و متقاعد کننده باشد که چنین باشد، با این حال با بهترین قانون ثابت شده است که این دو تقدیس باید جداگانه انجام شوند. زیرا در وهله اول، به عنوان مصائب خداوند، که در آن خون از بدن جدا شد، بیشتر مرتبط است. به همین دلیل ما به یاد داریم که در تقدیس خون ریخته شد. در مرحله بعد، بسیار موافق این بود که از آنجایی که از راز برای تغذیه روح استفاده می شد، باید به عنوان غذا و نوشیدنی نهادینه شود، که روشن است که غذای کامل بدن از آن تشکیل شده است.

36 تمام مسیح در هر ذره از هر دو گونه حضور دارد.

این را نباید نادیده گرفت که نه تنها در هر دو گونه، بلکه در هر ذره از هر دو گونه، کل مسیح وجود دارد. زیرا آگوستین به این ترتیب نوشته است: "هرکس مسیح خداوند را می پذیرد، و در هر بخشی کل وجود دارد؛ از هر یک کاسته نمی شود، بلکه خود را در هر یک کامل نشان می دهد." و این را می توان به راحتی از اناجیل جمع آوری کرد. زیرا نمی توان باور کرد که هر تکه نان توسط خداوند به شکل کلمات مناسب خود تقدیس شده است، بلکه همه همان نان است که برای آماده سازی اسرار مقدس و برای توزیع به رسولان کافی بود. به نظر می رسد آنچه در مورد جام انجام شد، هنگامی که گفت: «برگیرید و بین خود تقسیم کنید». آنچه تا اینجا توضیح داده شد این است که به شبانان نشان دهیم که بدن و خون واقعی مسیح در آیین عشای ربانی موجود است.

37 پس از تقدیس، هیچ ماده مادی از این آیین باقی نمی ماند.

اکنون، همانطور که هدف دوم بود، آنها نیز یاد خواهند داد که ماده نان و شراب بعد از تقدیس در مراسم مقدس باقی نمی ماند. اما این، اگرچه ممکن است سزاوار بزرگترین تحسین باشد، با این وجود لزوماً با آنچه قبلاً نشان داده شده است مرتبط است. در واقع، اگر بدن واقعی مسیح پس از تقدیس در زیر ظاهر نان و شراب باشد، کاملاً لازم است که قبلاً در آنجا نبوده باشد، یا با تغییر مکان، یا با ایجاد، یا با تبدیل چیز دیگری به آن. اما بدیهی است که امکان ندارد بدن مسیح در آیین مقدس باشد، زیرا از جایی به جای دیگر آمده است. زیرا چنین است که از کرسی های بهشت غایب می شود، زیرا هیچ چیز حرکت نمی کند مگر اینکه جای خود را ترک کند.

•) ر.ک. 77 .75 .O. منطقه. II. از معایب *) لوقا 22، 17

که توسط آن جابجا می شود. اما خلقت بدن مسیح اعتبار کمتری دارد و این حتی نمی تواند به فکر فرو رود. پس باقی می ماند که بدن خداوند در آیین مقدس باشد و نان به او تبدیل شود. بنابراین لازم است که هیچ ماده ای از نان باقی نماند. 38

استحاله‌ای که شوراها تأیید کرده‌اند، مبنایی در کتاب مقدس دارد.

به همین دلیل، پدران و بزرگان ما در شوراهای بزرگ لاتران و فلورانس صحت این ماده را با احکامی آشکار تأیید کردند. اما توسط سینود ترنت 1) به صراحت اینطور تعریف شد: "اگر کسی بگوید که در مراسم مقدس عشای ربانی، ماده نان و شراب باید همراه با بدن و خون خداوند ما عیسی مسیح باقی بماند، بی‌خطر باشد." در واقع، جمع آوری این از شواهد کتاب مقدس آسان بود.

نخست اینکه خداوند خود در مراسم عبادت خود گفت: "این بدن من است." زیرا قدرت کلمه «این» این است که تمام جوهر امر فعلی را نشان می دهد. اما اگر ماده نان باقی می ماند، به هیچ وجه به نظر نمی رسد که به درستی گفته شود: "این بدن من است." سپس مسیح خداوند در یوحنا 2: "نانی که من خواهم داد، گوشت من برای زندگی جهان است." یعنی نان را گوشت او می نامند. و اندکی بعد افزود: «اگر گوشت پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات نخواهید داشت.» و باز می فرماید: «عزیز من واقعاً طعام است و خون من واقعاً نوشیدنی است». از این رو، هنگامی که با این کلمات واضح و روشن، گوشت خود را نان و غذای واقعی و خون خود را نیز نوشیدنی واقعی نامید، به نظر می رسد که به اندازه کافی اعلام کرده بود که هیچ ماده ای از نان و شراب در این مراسم باقی نمانده است.

39- پدران به چه نحوی در این راز به استحاله اذعان داشتند؟

و کسی که آنها را توسعه داده است به راحتی درک می کند که این آموزه همیشه مورد توافق پدران مقدس بوده است. D. quidem Ambrose3) به این ترتیب می نویسد: "شاید شما بگویید: نان من مرسوم است؛ اما این نان قبل از سخنان مقدس، نان است؛ هنگامی که تقدیس فرا می رسد، نان تبدیل به گوشت مسیح می شود." که برای اینکه راحتتر آن را ثابت کند، نمونه ها و تشبیهات گوناگونی را مطرح می کند. اما در جای دیگر4)، وقتی آن کلمات تعبیر می شود: «همه چیز»، هر چه خداوند خواست، در آسمان و زمین انجام داد.

Dlst.l ) I I S.e s dse. 1c3o.n s .d o e u oPhsa.r . 1 3 4e., *6.. ») آیو. (J, 52. ") 4 .1 .از بازی. c. 4. 4) cf. c. 74.

باید داده شود.» و تقریباً در همان کلمات، هیلاری قدیس، با بیان همین عقیده، تعلیم داد که اگرچه از بیرون نان و شراب به نظر می رسد، اما در واقع بدن و خون خداوند است.

اما اجازه دهید کشیشان در این مرحله هشدار دهند که جای تعجب نیست اگر پس از تقدیس نان نیز نامیده شود; زیرا مرسوم است که عشای ربانی را به این نام می نامند، هم به این دلیل که ظاهر نان دارد و هم به این دلیل که همچنان قدرت طبیعی تغذیه و تغذیه بدن را که مناسب نان است، حفظ کرده است. این واقعیت که رسم کتب مقدس این است که به چیزها به گونه ای متوسل شوند که آنها را ظاهر کنند، به اندازه کافی نشان می دهد که در پیدایش 1) گفته شده است که «سه نفر بر ابراهیم ظاهر شدند» که با این حال سه فرشته بودند و «آن دو» که به رسولان ظاهر شدند و به سوی مسیح عروج کردند، فرشته خداوند نامیده شدند.

41 چگونه چنین تبدیل شگفت انگیزی از مواد انجام می شود؟

توضیح این راز کاملاً دشوارتر است، اما شبانانی که در معرفت چیزهای الهی پیشرفته‌تر هستند (برای کسانی که هنوز ضعیف‌تر هستند، باید ترسید، مبادا غرق عظمت موضوع شوند)، سعی خواهند کرد، به قول من، نحوه این تبدیل شگفت‌انگیز را که به گونه‌ای صورت می‌گیرد که تمام جوهر و جوهر الهی به نان و نان الهی تبدیل شود، بیان کنند. تمام جوهر شراب به کل ماده خون مسیح بدون هیچ تغییری از سوی خداوند ما تبدیل می شود. تبدیل شوید زیرا مسیح نه آفریده شده است، نه تغییر یافته و نه افزایش یافته است، بلکه به طور کامل در جوهر خود باقی می ماند. که راز D. Ambrose اعلام می کند: "می بینید،" او گفت، "کلام مسیح چقدر مؤثرتر است. پس اگر در کلام خداوند عیسی این‌قدر نیرو وجود داشته باشد که چیزهایی که نبودند، یعنی جهان، شروع به ایجاد شدن کردند، چقدر مؤثرتر است، آن چیزهایی که بودند، ممکن است باشند و به چیز دیگری تبدیل شوند؟" در این نظر سایر پدران قدیمی و مهم نیز سابقه ای مکتوب از خود به جای گذاشته اند. D. در واقع آگوستین 4): "ما اعتراف می کنیم که قبل از تقدیس، نان و شراب وجود داشته است که طبیعت آنها را تشکیل می دهد، اما پس از تقدیس گوشت و خون مسیح که برکت تقدیس می کند."

eona.<) O*et n ].{ b .1 8i,. 3 1 ..2ج*.) dAec t. o r 1t,h o d2.0 . f i d»e). ر.ک (* .4 ج .4 .1 از مقدس. O. 41. Dlst II. دادن

41 این تبدیل شگفت انگیز را به راحتی «تقلیل» می نامند.

بنابراین، این تبدیل تحسین برانگیز توسط کلیسای مقدس کاتولیک استحاله،
که همان کلیسای مقدس ترنت تعلیم داد، به درستی و به درستی نامیده شد. زیرا نسل
طبیعی که در آن صورت تغییر می‌کند، به درستی و به درستی می‌توان آن را دگرگونی نامید:
زیرا در آیین عشای ربانی، کل جوهر یک چیز به کل جوهر چیز دیگر تبدیل می‌شود، کلمه
استحاله به درستی و خردمندانه توسط بزرگان ما اختراع شد.

43 نحوه استحاله و مکانی که مسیح در این آیین مقدس در آن قرار دارد جالب تر از
این نیست که در مورد آن تحقیق کنید.

اما این بارها توسط پدران مقدس تکرار شده است. زیرا ما نمی توانیم آن را درک کنیم و
نمونه ای از آن را در تغییرات طبیعی یا در خلقت اشیا نداریم. درست است که این چیست،
باید با ایمان شناخته شود. چگونه انجام می شود، ما نباید کنجکاوتر پرس و جو کنیم. در
واقع، شبانان باید در توضیح این راز که چگونه کل بدن مسیح خداوند حتی در کوچکترین
ذره نان وجود دارد، احتیاط کمتری به خرج دهند. زیرا چنین بحث هایی به سختی انجام خواهد
شد. اما با این وجود، هنگامی که خیرات مسیحی این را ایجاب می کند، آنها ابتدا به یاد می
آورند که با آن صدا از قلب مؤمنان محافظت کنند 8): "هر کلمه ای نزد خدا غیرممکن نخواهد بود.
"

44 بدن مسیح در مراسم عشای ربانی مانند یک مکان نیست.

اما سپس اجازه دهید تعلیم دهند که مسیح خداوند در این آیین مقدس نیست. زیرا مکان
از خود چیزها پیروی می کند، زیرا اندازه معینی به آنها داده شده است. اما ما نمی گوییم که
مسیح در آیین مقدس خداوند به این دلیل است، زیرا او بزرگ یا کوچک است، که مربوط به کمیت
است، بلکه به این دلیل که او جوهر است. زیرا ماده نان به ماده مسیح تبدیل می شود، نه به
اندازه یا مقدار. اما هیچ کس شک ندارد که ماده در یک فضای کوچک و بزرگ به یک اندازه وجود دارد.
زیرا هم جوهر هوا و هم کل ماهیت آن باید در بخش کوچکی و همچنین در بخش بزرگی از هوا وجود
داشته باشد و به همین ترتیب کل طبیعت آب در یک کوزه کمتر از رودخانه وجود ندارد.
بنابراین، هنگامی که ماده نان جانشین بدن پروردگار ما می شود، باید پذیرفت که دقیقاً به
همان شکلی است که ماده نان قبل از تقدیس بوده است. اما اینکه این مقدار کمتر از مقدار زیاد
بود یا کمتر هیچ ربطی به موضوع نداشت.

0 سس 13. می تواند. 4.) لو 1، 37

180 Eoman Catechism 180 45. در این راز هیچ ماده ای نیست که حوادث نان و شراب بدان پایبند باشد.

سومین مورد باقی می ماند که به نظر می رسد مهم ترین و تحسین برانگیزترین آن در این مراسم مقدس است، که در واقع با توضیح دو مورد دیگر، می توان تصور کرد که چوپانان می توانند به راحتی با آن کنار بیایند: این که گونه های نان و شراب بدون هیچ موضوعی در این مراسم مقدس حضور دارند. زیرا از آنجایی که قبلاً ثابت شده بود که بدن و خون خداوند واقعاً در آیین مقدس است، به طوری که دیگر هیچ ماده ای از نان و شراب وجود ندارد، زیرا آن حوادث نمی توانند به بدن و خون مسیح بچسبند. این آموزه همیشگی و ثابت کلیسای کاتولیک بوده است، که می‌توان آن را نیز به آسانی با اعتبار آن شهادت‌ها تأیید کرد، که قبلاً به آن آشکار شده بود که هیچ ماده‌ای در مراسم عشای ربانی نان یا شراب وجود ندارد.

46 چرا مسیح انتخاب کرد که بدن و خون خود را در پوشش نان و شراب بدهد؟

اما هیچ چیز بیش از قدردانی و عبادت عظمت این راز تحسین برانگیز، با کنار گذاشتن سؤالات ظریف، شایسته تقوای مؤمنان نیست. و سپس مشیت عالی خداوند را در او بنگریم که اداره مقدس ترین اسرار را در ظاهر نان و شراب قرار داده است. زیرا از آنجایی که برای فطرت معمولی انسانها خوردن غذای گوشت انسان یا خوردن نوشیدنی خون نفرت انگیز است، بسیار حکیمانه باعث شد که مقدس ترین بدن و خون را در پوشش آن چیزها، یعنی نان و شراب، که ما از غذای روزانه و مشترک آنها بیشتر لذت می بریم، به ما عطا کند. اما این دو فایده نیز افزوده می شود که اولی آن این است که ما از تهمت های کافران رهایی می یابیم که اگر دیده می شدیم که در ظاهر خود فال می خوریم، به راحتی نمی توانیم از آن فرار کنیم; دیگر این که، در حالی که ما بدن و خون خداوند را به گونه ای می گیریم که در عین حال آنچه را که واقعاً هست با حواس قابل درک نباشد، این برای افزایش ایمان در روح ما ارزش زیادی دارد. که در واقع، همانطور که عقیده گرگوری قدیس (هوم. 26. در انجیل) رواج یافته است، «در آنجا که عقل بشری آزمایشی را فراهم می کند، هیچ ارزشی ندارد». اما این مطالبی که تا کنون بیان شده جز با احتیاط فراوان برای جلب مخاطب و ضرورت زمان توضیح داده نخواهد شد. 47 آنها که به شایستگی از بدن و خون خداوند شریک شده‌اند، چه نفعی به دست خواهند آورد.

اما آنچه می توان از قدرت و ثمرات تحسین برانگیز این راز گفت، این است که گمان شود هیچ طبقه ای از مؤمنان وجود ندارد که علم به این چیزها به آنها تعلق نگیرد، و نباید آن را برای او ضروری دانست. به منظور استفاده از عشای ربانی

بگذارید مؤمنان مراسم عبادت را درک کنند، به همین دلیل بیش از هر چیز، چیزهایی که در کلمات بسیار در مورد این مراسم مقدس مطرح شده است، باید شناخته شود. اما از آنجایی که مزایا و ثمرات عظیم آن را نمی توان با هیچ دعایی توضیح داد، یک مکان یا مکان دیگر باید مورد توجه شبانان قرار گیرد تا نشان دهند که چقدر فراوانی و فراوانی همه کالاها در آن اسرار مقدس گنجانده شده است. اما اگر با قدرت و ماهیت همه ی مقدسات آشکار شده، عشای ربانی را از چشمه و بقیه را از نهرها تهیه کرده باشند، تا حدی به این طریق به این امر دست خواهند یافت. زیرا حقیقتاً و لزوماً باید گفت که منشأ همه فیوضات است، زیرا در خود منشأ جذابیت‌ها و هدای‌ای آسمانی و نویسنده همه مقدسات، مسیح خداوند، در خود دارد. که از آن به عنوان یک منبع، به سایر مقدسات، هر خیر و کمالی که دارند، حاصل می شود. بنابراین، از این منبع فیض الهی، می توان فراوان ترین هدای‌ای را که در این آیین مقدس به ما داده می شود، به راحتی جمع آوری کرد. 48 آنچه که نان و شراب را به بدن قرض می دهد، مراسم عشای ربانی آن شکوه را برای روح به ارمغان می آورد.

همچنین در صورت توجه به ماهیت نان و شراب که نمادهای این آیین مقدس هستند، به راحتی انجام می شود. برای کسانی که استفاده از نان و شراب برای بدن به ارمغان می آورد، مراسم عشای ربانی همه آنها را برای رستگاری و لذت روح و به نحوی بهتر و کاملتر فراهم می کند. زیرا این راز مانند نان و شراب به ماده ما تبدیل نمی شود. اما ما به گونه‌ای به طبیعت او تبدیل شده‌ایم، تا به درستی به این قسمت از آگوستین منتقل شود: "من برای تو بزرگم؛ رشد کن و مرا خواهی خورد؛ نه مرا به عنوان غذای بدنت به خود تبدیل کنی، بلکه به من تبدیل خواهی شد."

## 49 چگونه فیض با این آیین مقدس اعطا می شود.

اما اگر «فیض 2) و حقیقت از طریق عیسی مسیح ساخته شده است، باید در روح نیز جاری شود، هنگامی که او را به شیوه ای پاک و مقدس پذیرا شود، که در مورد خود گفت: «کسی که گوشت من را می خورد و خون مرا می نوشد در من می ماند و من در او.» برای کسانی که از میل پرهیزکاری و دینی متاثر شده اند، این راز را بپذیرند که به هیچ وجه به خدای خود شک نکنند. به بدن او پیوند زده شده است که گویی اعضای آن زنده هستند، نوشته شده است: " هر که من را بخورد، به خاطر من نیز زنده خواهد شد: "نانی که من خواهم داد، گوشت من است برای زندگی جهان. بنابراین برای او مناسب بود که به شیوه ای شگفت انگیز متحد شود

t, 4.' ) ج. C o 3n. fe;s. 57 ،6 آیو. ») .17 ،1 آیو. 10.) ج. 7. کتاب. *) ib. v. 56 52 و. s\ in i,,.

بدنها از طریق گوشت مقدس و خون گرانبهای او، که ما در برکت حیاتبخش نان و شراب دریافت می کنیم.

وقتی گفته می شود که فیض در مراسم عشای ربانی داده می شود، کشیشان باید به ما یادآوری کنند که نباید اینگونه فهمیده شود، همانطور که لازم نیست کسی که واقعاً این راز را به طور مفید دریافت می کند، قبلاً فیض را دریافت کرده است. زیرا بدیهی است که همانطور که غذای طبیعی برای اجساد مرده هیچ فایده ای ندارد، اسرار مقدس نیز برای روح که با روح زندگی نمی کند فایده ای ندارد. و بنابراین نان و شراب ظاهری مانند نان و شراب دارند، به این معنی که آنها برای یادآوری روح به زندگی ایجاد نشده اند، بلکه برای حفظ آن در زندگی ایجاد شده اند. درست است که این گفته شد، زیرا حتی اولین فیض (که باید به همه تعلق گیرد قبل از اینکه جرأت کنند با دهان خود به عشای ربانی دست بزنند، مبادا بر خود قضاوت کنند و بخورند و بیاشامند) به هیچ کس داده نمی شود مگر اینکه این راز را با میل و میل درک کند. زیرا پایان همه مقدسات و نماد وحدت و اتحاد کلیسایی است. و هیچ کس نمی تواند در خارج از کلیسا فیض کسب کند.

LI. روح با این غذای معنوی چگونه شاداب و افزایش می یابد؟

پس از آنجایی که بدن نه تنها با غذای طبیعی حفظ می شود، بلکه افزایش می یابد و هر روز طعم لذت و شیرینی جدیدی از آن می گیرد، غذای عشای ربانی نیز نه تنها روح را حفظ می کند، بلکه به آن نیرو می بخشد و باعث می شود که روح با لذت چیزهای الهی بیشتر تحریک شود. به همین دلیل به درستی و به درستی گفته شده است که فیض در این راز داده شده است. زیرا طبق قانون می توان "ماننا" را مقایسه کرد که از آن "شیرینی هر طعم" دریافت شد *).

لیل از طریق عشای ربانی گناهان کمتر بخشیده می شود.

اما دلیلی برای شک وجود ندارد که عشای ربانی باید بخشوده شود و گناهان کوچکتر که معمولاً به آنها نفاق می گویند بخشیده شود. زیرا هر آنچه را که روح در شور و شوق از دست داده است، در حالی که در موردی اندکی آزرده خاطر شده است، عشای ربانی همه آن را باز می گرداند و آن عیب های بسیار جزئی را از بین می برد. همانطور که (زیرا به نظر نمی رسد که از تشبیه پیشنهادی دور شویم)، چیزی که هر روز با نیروی گرمای ذاتی از بین می رود و از بین می رود، احساس می کنیم به تدریج با غذای طبیعی اضافه شده و دوباره پر می شود. بنابراین به درستی توسط D. Ambrose2) در مورد این مقدس آسمانی گفته شد: "این نان روزانه به عنوان داروی ناتوانی روزانه گرفته می شود."

") حکمت 16، 20. 2) از ساکریانی. 15 .4 .o.

اما این چیزها را باید از آن گناهانی فهمید که با حس و لذت آن ذهن متحرک نمی شود.

53 با همین آیین مقدس روح از شرارتهای آینده محفوظ می ماند. به علاوه، چه قدرتی در اسرار مقدس است که ما را از جنایات پاک و سالم نگه می دارد و از هجوم وسوسه ها مصون می دارد و مانند طب بهشتی روح را آماده می کند تا مبادا به آسانی به وسیله سم مزاحمتی مهلک آلوده و فاسد شود. و به همین دلیل نیز، همانطور که قبرس الهی شهادت می دهد، 1) زمانی که در گذشته مؤمنان به دلیل اعتراف به نام مسیحی معمولاً توسط ظالمان برای شکنجه و سلاخی ربوده می شدند، تا مبادا در مبارزه نجات بخش شکست خورده از تلخی درد شکست بخورند: این یک رسم قدیمی در کلیسای کاتولیک بود که توسط کلیسای کاتولیک به وسیله خون مقدس به آنها داده می شد. اما شهوت نفس را مهار و سرکوب می کند; زیرا در حالی که آتش صدقه دلها را بیشتر شعله ور می کند، فرونشستن آتش طمع لازم است.

## LIV چگونه از طریق این آیین مقدس دسترسی به جلال ابدی باز می شود.

در نهايت، براي اينكه تمام مزايا و فوايد اين راز در يك كلمه قابل درك باشد، بايد گفت كه عشا مقدس بيش‌ترين قدرت را در كسب جلال جاوداني دارد. زیرا نوشته شده است: "هر که گوشت مرا بخورد و خون مرا بنوشد، حیات جاودانی دارد و من او را در روز آخر زنده خواهم کرد." در واقع، مؤمنان به برکت این راز، در حالی که این زندگی را می گذرانند، از نهایت آرامش و آرامش وجدان برخوردار می شوند. سپس او با فضیلت خود احیا شد، نه بر خلاف الیاس 3)، "که با قوت نان سابسینریک تا ameotnetrenma m D egil o Hroiraemb , e"t bqeuautmi t uedxi nveitma eamsicgernadnadnit . t eHmapeucs oadmvneinai t، توسط کشیش ها به گسترده ترین شکل توضیح داده خواهد شد، اگر آنها متعهد شده باشند که حتی فصل ششم D. John را که در آن تأثیرات چندگانه این آیین مقدس باز می شود، درمان کنند. یا با گذشتن از شگفتی های خداوند مسیح، آنها نشان خواهند داد که ما آنها را برحسب حق و شایستگی سعادتمندترین کسانی می دانیم که فانی را در سقف آنها پذیرفتند، یا با لمس آن جامه یا حاشیه سلامتی خود را به دست آوردند: ما بسیار شادتر و خوشبخت تر هستیم، در روحی که با جلال جاودانه اعطا شده است، او بر دوش نیست و تمام زخم هایش را متحمل نمی شود. فراوان ترین هدایا

## 55 به چند طریق از بدن و خون خداوند شریک خواهیم شد.

حقیقت باید تعلیم داده شود که ثمرات عظیم عشای ربانی را که اخیراً ذکر شد، می توان دریافت. ") epist. 54. «) Io. 6، 55. «) III. Reg. 19، 8 (

و نه تنها یک روش ارتباطی وجود دارد، تا مردم مومن یاد بگیرند که از جذابیت های بهتر الگوبرداری کنند. بنابراین، بزرگان ما، به درستی و خردمندانه، همانطور که در مجمع ترنت می خوانیم، 1) سه دلیل را برای گرفتن این مراسم مقدس تشخیص دادند. زیرا دیگران فقط مراسم راز را دریافت می کنند، مانند گناهکاران، که از دریافت اسرار مقدس با دهان و قلب ناپاک نمی ترسند، که رسول 2) می گوید: "به شایستگی بدن خداوند را بخورید و بنوشید." در مورد اینها، D. Augustine3) چنین می نویسد: «کسی که در مسیح نمی ماند، و مسیح در او نمی ماند، بدون شک گوشت او را از نظر روحی نمی خورد، هر چند او به طور جسمی و ظاهری با دندان هایش رازهای بدن و خون را فشار می دهد». بنابراین، کسانی که از این طریق متاثر می شوند، اسرار مقدس را دریافت می کنند، نه تنها ثمره ای از آنها دریافت نمی کنند، بلکه همانطور که خود رسول (4) شهادت می دهد، "برای خود می خورند و می نوشند." با این حال، گفته می شود که دیگران فقط در روح عشای ربانی می گیرند. آنها کسانی هستند که با میل و نذر، آن نان بهشتی را زنده زنده می خورند، «معلوم از ایمان»، «که به عشق عمل می کند». که از آن، اگر نه همه، مطمئناً بزرگترین ثمرات سودمندی به دست می آید. سرانجام، دیگرانی هستند که عشای ربانی را با راز و روح درک می کنند. کسانی که طبق تعالیم رسولان «از قبل خود را ثابت کرده‌اند» و با آمدن به این سفره الهی، در لباس عروسی خود آراسته شده‌اند، فراوان‌ترین میوه‌ها را از عشای ربانی دریافت می‌کنند که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم. از این رو واضح است که آنها خود را از بزرگترین و بهشتی‌ها محروم می‌کنند، که وقتی می‌توانند برای دریافت راز بدن خداوند نیز آماده باشند، فقط در روح راضی می‌شوند. LVL نشان داده شده است که قبل از نزدیک شدن به عشای ربانی، ذهن باید آماده شود.

اما اکنون باید تعلیم دهیم که چگونه ذهن مؤمنان باید آماده شود، قبل از اینکه به درک مقدس عشای ربانی برسند. و ابتدا، برای روشن ساختن این که این آمادگی بسیار ضروری است، باید منجی خود را مثال بزنیم. زیرا قبل از اینکه او رازهای بدن و خون گرانبهای خود را به رسولان ببخشد، «اگرچه آنها قبلاً پاک بودند، پاهای آنها را شست» تا روشن کند که باید تمام مراقبت ها را انجام داد، مبادا زمانی که می خواهیم اسرار مقدس را درک کنیم، چیزی برای بالاترین صداقت و معصومیت ذهنمان کم نشود. و سپس اجازه دهید مؤمنان بفهمند که چگونه، اگر کسی با ذهنی کاملاً آماده و آماده مراسم عشای ربانی را بپذیرد، به فراوان ترین موهبت های فیض بهشتی آراسته می شود.

(» .I. Cor. II، 29 (» درجان .L Cor. 11, 29. s) tract. 26 (! .8 ج. عشای ربانی. 13. سس. «)
Gal. 5، 6. «) دنباله، 5، 13. آیو. '). 28، 11. اول کور.

ناراحتی ها و ضررها برای پذیرش او. زیرا این ویژگی بهترین و مفیدترین چیزهاست، به طوری که اگر به موقع از آنها استفاده کنیم، سود زیادی می برند. اگر در زمان نامناسب استفاده شوند، خرابی و ویرانی را به همراه خواهند داشت. بنابراین جای تعجب نیست که بزرگ‌ترین و عالی‌ترین هدای‌ای خدا، وقتی با ذهنی سالم دریافت می‌شوند، بزرگترین کمک را برای ما در دستیابی به جلال بهشتی می‌کنند. اما در واقع، وقتی خود را نالایق جلوه دهیم، مرگ ابدی بیاوریم. این را مثال کشتی خداوند تأیید می کند. «زیرا تابوت عهد» که در آن قوم اسرائیل هیچ چیز برتری نداشتند، که خداوند نیز به آنها فواید بزرگ و بی‌شمار داده بود، «فلسطینی‌ها آن را بردند»، بزرگ‌ترین بلا و بلا همراه با رسوایی ابدی را بر سرشان آورد. به همین ترتیب، غذایي كه از راه دهان دريافت مي شود و به معده ي مبتلا كشيده مي شود، بدن را تغذيه و نگه مي دارد; اما کسانی که معمولاً به معده پر از مایعات بد تزریق می شوند، بیماری های جدی ایجاد می کنند.

57 بدین وسیله ذهن باید برای عشای ربانی آماده شود. پس مؤمنان از آن مقدمه اول استفاده کنند تا سفره را از سفره، این مقدّس از سایر ناپسندها، این نان بهشتی را از معمولی تشخیص دهند. و این زمانی اتفاق می افتد که ما با یقین باور کنیم که بدن و خون واقعی خداوندی که فرشتگان در بهشت او را می پرستند، حضور دارد. «در 3) که تکان دادنش ستون های آسمان می لرزد و می لرزد؛ 4) شکوهش پر از آسمان و زمین است». البته این برای «قضاوت بدن خداوند» است که رسول هشدار داد. با این حال، عظمت آن را باید به جای اینکه حقیقت را با کنجکاوی بیشتری در بحث ها جست و جو کرد، ارج نهاد. اما آمادگی دوم کاملاً ضروری است، تا هرکس از خود بپرسد که آیا با دیگران در صلح است یا خیر، آیا همسایگان خود را واقعاً و از صمیم قلب دوست دارد؟ زیرا متی می گوید: «پس اگر هدای‌ای خود را در مذبح تقدیم کردی و در آنجا به خاطر آوردی چون برادرت چیزی علیه تو دارد، هدیه خود را در آنجا پیش قربانگاه بگذار و ابتدا برو تا با برادرت آشتی کنی و سپس بیا و هدیه خود را تقدیم کن.» سپس باید وجدان خود را به دقت بررسی کنیم که مبادا به گناه اولیه آلوده شویم که برای آن باید توبه کنیم تا ابتدا با داروی پشیمانی و اعتراف شسته شود. زیرا توسط مجمع مقدس ترنت تعریف شده است، 7) که هیچ کس که توسط وجدان فانی گناه برانگیخته می شود، اگر به کشیش فرصت داده شده باشد، قبل از اینکه خود را با اعتراف مقدس پاک کند، حتی اگر به نظر می رسد شکسته باشد، نباید مراسم عشای ربانی را دریافت کند. علاوه بر این، در سکوت با ذهن خود فکر کنید.

') I. Reg. 5،l. 5 .مت ه) «2، 11 .اول کور *) .3 ،6 .است 4) .11 ،26 .شغل 3) .8 ،96 .ص 2) دنباله،
23. 2t. •) از .13 سس. Euch. 11 .می تواند.

چقدر ما بی لیاقتیم که این لطف الهی از جانب پروردگار به ما ارزانی شده است. اینکه چرا گفته ی سانتوریون که همان منجی درباره او شهادت داد، «که به اسرائیل این همه ایمان نیافته است» را باید از صمیم قلب گفت. «پروردگارا، من لایق این نیستم که تو زیر سقف من بیایی». اجازه دهید از خود نیز بپرسیم که آیا غصب پطرس برای ما جایز است: "خداوندا، تو می دانی که من تو را دوست دارم." 58 حتی اگر می خواهید برخی از سیستم های بدن را به اشتراک بگذارید، باید آن را مصرف کنید.

درست است که نه تنها آمادگی ذهنی لازم است، بلکه آمادگی جسمانی نیز لازم است. زیرا ما باید ناشتا به سفره مقدس نزدیک شویم، به طوری که حداقل از نیمی از روز قبل تا زمانی که در آن مراسم عشای ربانی می خوانیم، اصلاً چیزی نخوریم و ننوشیم. شأن چنین مراسمی ایجاب می کند که متاهلین چند روز از همبستری با همسران خود پرهیز کنند، مثال «داوود» را یادآوری می کند که «وقتی می خواست از کشیش نان هدیه بگیرد، خود و فرزندانش را سه روز از عرف همسرانش پاک می کرد». اینها عموماً چیزهایی هستند که باید توسط مؤمنان بیشتر رعایت شود تا بتوانند از قبل خود را برای دریافت مفید اسرار مقدس آماده کنند. زیرا موارد معدودی که در این مورد ضروری به نظر می رسد، ممکن است به راحتی به همین موارد تقلیل یابد. 50 همه مسیحیان موظفند حداقل سالی یک بار مراسم عشای ربانی داشته باشند.

اما مبادا ممکن است برخی در درک این راز سست‌تر شوند، زیرا این امر آنها را به انجام چنین آمادگی بسیار سنگین و دشوار می‌کشاند: به مؤمنان باید مکرر یادآوری شود که این قانونی است که به همه پیشنهاد شده است تا بتوانند مراسم عشای ربانی را دریافت کنند. علاوه بر این، کلیسا مقرر کرد که هر کس حداقل سالی یک بار در عید پاک شرکت نکند، باید از کلیسا اخراج شود.

60 هر چند وقت یکبار و در چه زمان هایی باید مراسم عشای ربانی را پذیرفت. با این حال، مؤمنان این را کافی ندانند که با اطاعت از این حکم، تنها یک بار در سال بدن خداوند را دریافت کنند. اما آنها اشتراک عشای ربانی را اغلب تکرار می کنند. اما چه مصلحت این کار در هر ماه باشد چه هفته و چه روز، نمی توان برای همه حکم قطعی تجویز کرد. با این وجود، این مطمئن‌ترین هنجار سنت آگوستین است: «به گونه‌ای زندگی کن که بتوانی هر روز از آن لذت ببری.

•) مت. 8، 10. و 8. *) I o. 21، 17. س) مت. 22، 11. «) S erm. 84 (« I. Reg. 21، 5. در برنامه.

بنابراین، این بخشی از کشیش، وفاداران خواهد بود که مکرراً مورد تشویق قرار گیرند، تا همانطور که فکر می کنند لازم است بدن را با غذا در هر روز تأمین کنند: همچنین نباید مراقبت روح را که هر روز از این آیین مقدس تغذیه و تغذیه می شود، دور بریزند. زیرا واضح است که روح به غذای معنوی کمتر از بدن طبیعی نیاز ندارد. اما تکرار آن فواید بزرگ و الهی در این مکان بسیار مفید خواهد بود که همانطور که قبلاً نشان داده شد از اشتراک مقدس عشای ربانی به دست می آوریم. این نیز رقمی است که باید اضافه شود، زیرا " هر روز لازم بود که قدرت بدن را با ماننا بازیابی کنیم." و به همین ترتیب مقامات پدران مقدس که دریافت مکرر این راز را بسیار توصیه می کنند. زیرا نظر یکی از پدران مقدس آگوستین این نبود: «هر روز گناه کردی، هر روز آن را بگیر». اما اگر کسي دقت کند، به راحتي در مي‌يابد که اين همان معناي تمام پدراني است که در اين مورد نوشته‌اند.

61 نشان داده شده است که رسم اشتراک در کلیسا زمانی رایج بوده است.

و ما از اعمال رسولان 3) می فهمیم که در واقع مدتها پیش بود که مؤمنان هر روز مراسم عشای ربانی را دریافت می کردند. زیرا همه کسانی که در آن زمان به ایمان مسیحی اظهار داشتند از صدقه واقعی و خالصانه آنچنان مشتاق بودند که در حالی که خود را بی وقفه وقف نماز و سایر وظایف تقوا می کردند، روزانه آماده دریافت اسرار مقدس بدن خداوند بودند. پس از آن، آناکلتوس 4) مقدس ترین شهید و پاپ آن رسم را که به نظر می رسید منقطع شده بود، احیا کرد. زیرا او دستور داد که وزرایی که در مراسم عشای ربانی و قربانی شرکت می کردند، آنچه را که او تأیید می کرد توسط رسولان ایجاد شده است، ابلاغ کنند. از دیرباز در کلیسا نیز رسم بر این بود که کشیش پس از قربانی، پس از پذیرایی از مراسم عشای ربانی، به مردم حاضر روی آورد و مؤمنان را با این سخنان به سفره مقدس دعوت کرد: «برادران، بیایید به عشای ربانی؛ از آن زمان به بعد، کسانی که آماده بودند، مقدس ترین اسرار را در دین دریافت کردند. عشای ربانی: توسط فابیانوس بند 5 تأیید شد)، که همه سه بار در سال، در کریسمس خداوند، و در پنطیکاست، که پس از آن توسط بسیاری از شوراها، به ویژه توسط آگاتان اول، تأیید شد، از عشای ربانی شرکت کنند.

•) از 16، 4 .x. دنباله. *) رجوع کنید به شهر گفتار 3) فعل. 2، 4 .2 .* ) epist. 2.5 قسمت به هیلار اپ.

سالها در عید پاک، همه مؤمنان باید بدن مقدس خداوند را دریافت کنند. اما کسانی که از این امر غفلت کرده بودند، از ورود به کلیسا منع شدند. 61 اجرای مراسم عشای ربانی برای کودکانی که هنوز از این سیستم استفاده نمی کنند، مناسب نیست.

اما اگرچه این قانون، که توسط قدرت خدا و کلیسا تأیید شده است، متعلق به همه مؤمنان است، اما هنوز باید آموزش داده شود، مگر کسانی که به دلیل ضعف سن هنوز از عقل استفاده نمی کنند. زیرا اینان نه می‌دانند که چگونه عشای ربانی را از نان ناپسند و معمولی تشخیص دهند و نه می‌توانند تقوای فکری و دینی را برای پذیرفتن آن بیاورند. و این نیز برای نهاد مسیح خداوند بسیار غریب به نظر می رسد. زیرا می فرماید 1: «بگیر و بخور». اما کاملاً واضح است که نوزادان برای دریافت و خوردن مناسب نیستند. در واقع، این رسم قدیمی در برخی مکان‌ها بود که مراسم عشای ربانی را حتی برای نوزادان فراهم می‌کردند. اما با این وجود، هم به دلایلی که قبلاً بیان شد، و هم به دلایل دیگری که بیشتر با تقوای مسیحی سازگار است، مدتهاست که این کار توسط مقامات همان کلیسا متوقف شده است.

## 63 اسرار مقدس را در چه سنی باید به کودکان داد؟

اما در چه سنی اسرار مقدس باید به فرزندان داده شود، هیچ کس نمی تواند بهتر از پدر و کشیش که به گناهان خود اعتراف می کنند، تعیین کند. زیرا این به آنها تعلق دارد که کاوش کنند و بچه ها از آنها بپرسند که آیا از این آیین شگفت انگیز آگاهی دریافت کرده اند و ذوق زده اند یا خیر.

## 64 هر زمان که بخواهد مجنون را به اشتراک بگذارد جایز است.

علاوه بر این، برای دیوانگانی که پس از آن از حس تقوا بیگانه می شوند، به هیچ وجه نیازی به ادای مقدس نیست. ولی اگر قبل از جنون، اراده ای عابدانه و شرعی را در برابرشان قرار داده باشند، طبق فرمان شورای کارتاژ، در آخر عمر، جایز است، 2) بدون ترس از خطر استفراغ، یا از هر اهانت و ناراحتی دیگر، مراسم عشای ربی را به جا آورند.

## 65 غیر مذهبی ها نباید در هر دو گونه شریک شوند.

اما آنچه مربوط به آیین عشای ربانی است، اجازه دهید کشیشان تعلیم دهند که توسط قانون کلیسای مقدس ممنوع است، که هیچ کس، به جز کاهنانی که جسد خداوند را برای قربانی آماده می کنند، نباید بدون اختیار خود کلیسا، مراسم عشای ربانی را تحت هر یک از این شکل ها برگزار کند. زیرا همانطور که مجمع ترنت 3) توضیح داد، اگرچه مسیح خداوند این راز عالی را در شام آخر در گونه نان و شراب برقرار کرد و به رسولان رساند، از این نتیجه نمی شود که این قانون توسط خداوند منجی وضع شده است، به طوری که اسرار مقدس باید برای همه مؤمنان تحت هر دو گونه اجرا می شد. در واقع، همان Do->) مت. 26، 26. 2) مخروط. Sess. 21 (IV. O. 76. 8. فصل

مشترک. 1-3. 1-3 .cau.

کمتر ما، هنگام صحبت از این مراسم مقدس، غالباً فقط جنبه دیگری را ذکر می کند، مانند اینکه می گوید: "اگر کسی از این نان بخورد، تا ابد زنده خواهد ماند" و: "نانی که می دهم گوشت من است برای زندگی دنیا" و: "هر که این نان را بخورد تا ابد زنده خواهد ماند."

66 دلیلی که کلیسا استفاده از گونه دیگری را مجاز دانسته است.

در واقع، واضح است که کلیسا به دلایل بسیار و در واقع بسیار جدی القا شده است، نه تنها این رسم ارتباط را به شکل دوم تأیید می کند، بلکه آن را با اعتبار حکم تأیید می کند. زیرا اولین چیز این بود که بیشتر مراقب باشیم تا مبادا خون خداوند بر زمین ریخته شود. در واقع، اگر لازم بود در جمع کثیری از مردم به او خدمت کنند، به نظر نمی رسید به راحتی از آن اجتناب شود. علاوه بر این، از آنجایی که مراسم عشای ربانی باید در دسترس بیماران باشد، باید بسیار ترسید که مبادا اگر ظاهر شراب بیش از این باقی بماند، بغض کنند. علاوه بر این، بسیاری هستند که به هیچ وجه نمی توانند طعم شراب و حتی بوی آن را تحمل کنند. بنابراین، مبادا آنچه که به خاطر رستگاری روحانی داده شود، به سلامت بدن آسیب برساند، کلیسا با احتیاط بیشتری تأیید کرد که مؤمنان فقط ظاهر نان را دریافت کنند. علاوه بر دلایل دیگر، در چند استان شراب بسیار کم است و نمی توان آن را بدون هزینه زیاد و تنها با طولانی ترین و سخت ترین سفرها از جاهای دیگر حمل کرد. بعد، آنچه از همه مهمتر است، براندازی بدعت کسانی بود که انکار کردند که کل مسیح در هر دو ظاهر است، اما ادعا می کردند که بدن فقط بدون خون در زیر نان، و خون زیر ظاهر شراب است. برای اینکه حقیقت ایمان کاتولیک بیشتر در برابر دیدگان همگان قرار گیرد، با خردمندانه ترین توصیه، نوع دیگری، یعنی اشتراک نان معرفی شد. همچنین گزارش های دیگری نیز توسط کسانی که در مورد این موضوع بحث کردند جمع آوری شده است. که در صورت لزوم ممکن است توسط اهل محله آورده شود. اکنون در مورد وزیر، اگرچه تقریباً هیچ کس نمی تواند این واقعیت را نادیده بگیرد، باید اقدام کرد تا مبادا چیزی که به نظر می رسد مربوط به آموزش این آیین مقدس باشد نادیده گرفته شود.

67 وزیر مناسب این مراسم مقدس، کشیش است.

بنابراین باید گفت که فقط به کشیشان باید قدرت تدارک عشای ربانی و توزیع آن بین مؤمنان داده شود. و آن رسم همیشه در كليسا رعايت مي شد، به طوري كه مردم مؤمن از كاهنان، آداب مقدس را دريافت مي كردند، و خود كاهنان هنگام اداي آيين، با يكديگر ارتباط برقرار مي كردند، مجمع ترنت2) شرايع را توضيح مي دادند، و اين رسم را نشان مي دادند. 6، 52. 59. *) 13 .Sess. از Euch. می تواند. 10.

که گویی برگرفته از سنت رسولی است، باید از نظر دینی حفظ شود، زیرا مسیح خداوند نمونه ای خاص از این موضوع را برای ما به جا گذاشته است، او نیز مقدس ترین بدن خود را تقدیس کرد و با دستان خود به رسولان داد. درست است که برای اینکه به هر نحوی شأن چنین مراسم مقدسی تطبیق داده شود، نه تنها قدرت اجرای آن فقط به کشیشان داده شد، بلکه قانون کلیسا را نیز منع کرد که هیچ کس جرأت دست زدن یا دست زدن به ظروف مقدس، ملحفه ها و سایر وسایلی را که برای آماده سازی جدی آن لازم نیست، جز در مواردی که تقدیس شده باشد، نداشته باشد.

68 مراسم عشای ربانی ممکن است توسط کاهنان بی وجدان تقدیس یا اجرا شود.

از این رو، هم خود کاهنان و هم بقیه مؤمنان می‌توانند بفهمند که چه مقدار دین و قداست باید داشته باشند، کسانی که یا به تقدیس، یا به اجرا درآوردن یا دریافت عشای ربانی نزدیک می‌شوند. با این حال، آنچه قبلاً در مورد بقیه مقدسات گفته شد، این است که اگر چیزهایی که به عقل کامل آنها مربوط می شود به درستی رعایت شود، آنها کمتر توسط افراد بی وجدان انجام می شوند، در آیین عشای ربانی نیز همین امر صادق است. زیرا همه این چیزها با شایستگی خادمان قابل اتکا نیست، بلکه باید باور کرد که با قدرت و قدرت مسیح خداوند انجام می شود. اینها مواردی است که در مورد عشای ربانی توضیح داده خواهد شد، زیرا یک مراسم مقدس است. اکنون آنچه باقی مانده است که گفته شود، زیرا این یک قربانی است، باید توضیح داده شود تا شبانان بفهمند که آنچه در مورد این رمز و راز مهم است، همانطور که مجمع مقدس بزرگ شده است، باید در روزهای یکشنبه و روزهای اعیاد به مردم مؤمن تحویل داده شود. 69 مراسم عشای ربانی، قربانی ویژه عهد جدید، برای الهه بسیار قابل قبول است.

در واقع، این راز نه تنها گنجینه ای از ثروت های بهشتی است که اگر از آن به خوبی استفاده کنیم، می توانیم لطف و محبت خداوند را نسبت به خود به دست آوریم، بلکه در آن دلیل خاصی وجود دارد که به واسطه آن می توانیم به خاطر منافع بی اندازه ای که به ما عطا شده، مقداری فیض را به او برگردانیم. اما به راستی که اگر این قربانی به طور شایسته و حلال قربانی شود، چقدر مقبول و مقبول درگاه خداوند است، از این جمع می شود. زیرا اگر قربانی‌های شریعت قدیم، که در مورد آن نوشته شده است 2): "شما قربانی و قربانی نمی‌خواستید 3)" و باز هم: "اگر قربانی می‌خواستید، قطعاً به شما می‌دادم: از هولوکاست لذت نخواهید برد، " چنان برای خداوند پسندیده بود، همانطور که کتاب مقدس، بوی شیرین را می‌پذیرفت، 4) او و پذیرفته شد: چه امیدی داشته باشیم به آن قربانی، که در آن خود قربانی و تقدیم می شود، که صدای ملکوتی از آن دو بار شنیده شد6): «این پسر محبوب من است که از او خشنود هستم *) ما»ت). s

eSs,s. 17 2.2. 4 .18 ،50 .ص (8 .7 ،39 .ص (2 .فصل 8. از خانم مقدس) Gen. 8، 21

بنابراین، کاهنان با دقت این راز را برای چه کسانی شرح خواهند داد، زیرا هنگامی که مؤمنان برای امر الهی گرد هم می آیند، باید بیاموزند که با دقت و مذهبی در مورد چیزهای مقدسی که در آن شفاعت می کنند، مراقبه کنند.

70 اینها دلایلی است که عشای ربانی توسط مسیح خداوند برقرار شد.

اما در وهله اول تعلیم خواهند داد که عشای ربانی به دو دلیل توسط مسیح برقرار شد. دوم این است که ممکن است غذای بهشتی برای روح ما وجود داشته باشد تا بتوانیم از زندگی معنوی خود محافظت و حفظ کنیم. دیگری، تا کلیسا قربانی دائمی داشته باشد که به وسیله آن گناهان ما جبران شود، و پدر آسمانی، که اغلب از جنایات ما به شدت آزرده می شود، از خشم به رحمت، از شدت مشاهده عادلانه به بخشش منتقل شود. شکل و شباهت این چیز را می توان در بره عید که عادت داشتند به عنوان قربانی و قربانی توسط بنی اسرائیل بخورند، مشاهده می شود. در واقع، هنگامی که نجات دهنده ما می خواست خود را بر روی مذبح صلیب به خدای پدر تقدیم کند، نمی توانست به اندازه زمانی که قربانی مشهودی برای ما گذاشت، که به وسیله آن آن خون یک بار بر روی صلیب، اندکی پس از قربانی شدن، مجدداً بازسازی می شد، که یادش تا پایان کلیسا با بزرگ ترین فایده روزانه در سراسر کلیسا پخش خواهد شد جهان

71 چگونه مراسم مقدس از قربانی جدا می شود؟

حال این دو روش با یکدیگر تفاوت زیادی دارند. زیرا مراسم مقدس با تقدیس کامل می شود. اما تمام قدرت قربانی در اوست تا تقدیم شود. از این رو، مراسم عشای ربانی، در حالی که در جعبه ای قرار می گیرد، یا برای بیمار حمل می شود، ویژگی یک مراسم مقدس دارد، نه قربانی. سپس به عنوان یک مراسم مقدس، برای کسانی که قربانی الهی می‌شوند، موجب شایستگی می‌شود و تمام امتیازات آن را که در بالا ذکر شد، می‌آورد. زیرا این یک فداکاری است، نه تنها از شایستگی، بلکه برای رضایت، که شامل کارایی است. زیرا همانطور که مسیح خداوند در مصائب خود برای ما به دست آورد و راضی کرد، کسانی که این قربانی را که در آن با ما شریک هستند، تقدیم می‌کنند، سزاوار و ثمره اشتیاق خداوند هستند.

72 این قربانی عهد جدید در چه زمانی نهادینه شد؟

اکنون در مورد نهاد این قربانی، شورای مقدس ترنت جایی برای ابهام باقی نگذاشت. زیرا او اعلام کرد که مسیح خداوند آن را در شام آخر بنا نهاده است، و در عین حال کسانی را که این حقیقت و شایستگی را ادعا می کردند، با تحقیر محکوم کرد.

') S ess. و .1 22 فصل oan. 1. 2.

که نباید برای خدا قربانی تقدیم کرد، یا چیزی جز این که مسیح را بخورند نباید تقدیم کرد.

723 قربانی کردن برای اولیای الهی و هیچ موجودی جایز نیست.

در واقع او بدون توضیح دقیق از آن عبور نکرد که نوشته باید برای خدای واحد نوشته شود. زیرا اگرچه کلیسا گاهی اوقات به یاد و احترام قدیسان عزاداری می‌کرد، اما تعلیم می‌داد که قربانی نباید به آنها تقدیم شود، بلکه به خدای یگانه‌ای که مقدسین را با جلال جاودانه تاج گذاشت. چرا کشیش هرگز نمی گوید: "من برای پطرس یا پولس قربانی می کنم." اما در حالی که تنها برای خدا قربانی می‌کند، او را به خاطر پیروزی چشمگیر شهیدان سپاس می‌گوید، و از حمایت آن‌ها به گونه‌ای استدعا می‌کند که شایسته شفاعت ما در آسمان‌ها باشند که یادشان را در زمین گرامی می‌داریم.

74 از این رو آموزه قربانی و کاهنیت شریعت جدید ترسیم می شود.

و این چیزهایی را که کلیسای کاتولیک در مورد حقیقت این قربانی داده است، از سخنان خداوند دریافت کرد، هنگامی که در آن شب گذشته همان اسرار مقدس را به حواریون ستایش کرد، او گفت: "این را انجام دهید"، او گفت 2) "به یاد من." زیرا، همانطور که توسط شورای مقدس تعیین شد، او سپس کاهنانی تأسیس کرد و دستور داد که آنها و کسانی که جانشین آنها در منصب کشیشی می شوند، قربانی کنند و جسد او را تقدیم کنند. و حتی سخنان رسول که به قرنتیان نوشته شده است به اندازه کافی این را نشان می دهد، هنگامی که می گوید: "شما نمی توانید جام خداوند و جام شیاطین را بنوشید، نمی توانید از سفره خداوند و سفره شیاطین شریک شوید." بنابراین سفره شیاطین به معنای قربانگاهی است که بر روی آن قربانی می‌شدند: همچنین (به طوری که رسول پیشنهاد می‌کند که با استدلالی احتمالی نتیجه‌گیری شود) سفره خداوند نمی‌تواند دلالتی جز قربانگاهی داشته باشد که قربانی برای خداوند بر آن انجام شده است. 75 که این قربانی قبلاً به ویژه فقهاء و پیشگویی ها به آنها دلالت می کردند.

اگر از عهد عتیق به دنبال ارقام و روایات این قربانی بگردیم، اولاً ملاکی در مورد آن بسیار آشکارا با این کلمات نبوت کرده است: "از طلوع خورشید تا غروب آن نام من در میان امت ها بزرگ است و در هر مکان قربانی پاکیزه شده و به نام من تقدیم می شود، زیرا خداوند می گوید که نام من در میان امت ها بزرگ است." علاوه بر این، این قربانی، چه قبل از قانون و چه بعد از آن، با انواع قربانی ها پیشی گرفته بود. در واقع، همه چیزهای خوبی که در آن فداکاری ها نشان داده شد، این یک قربانی، همان طور که بود

«) C onc Trid. 11 ،1 مال. «) 21. 20، 10. کور. من. «) دنباله. 24، 11. کور. من «) 8. ج. 22. صندلی

کمال و تبرئه همه پیچیده است. با این وجود، در هیچ موردی نمی‌توانیم
تصویر او را بیشتر از قربانی ملاکصدک ببینیم. برای اینکه خود منجی، با
اعلام اینکه خود را کشیش می‌داند و فرمان ملاکی‌صدق برای همیشه برقرار
است، بدن و خون خود را در شام آخر زیر ادویه‌های نان و شراب به خدای پدر تقدیم
کرد.

76 همان قربانی که بر روی صلیب تقدیم شد، در فضای باز انجام می‌شود.

Unum itaque et idem sacriificium esse، fatemur، et haberi debet، quod in missa peragitur، et quod in cruce oblatum est. همانطور که یک قربانی وجود دارد، یعنی خداوند ما مسیح، که تنها یک بار با خون خود را در قربانگاه صلیب
Neque enim cruenta et incruenta hostia duae sunt hostiae، sed قربانی کرد.
una tantum; قربانی که پس از آن خداوند چنین دستور داد: "این را به یاد من انجام دهید" هر روز در مراسم عشای ربانی برقرار است.

77 est etiam unus utrinque sacerdos.

،nam ministri، qui sacricium faciunt اما یک کاهن وجود دارد، مسیح خداوند.
non suam، sed Christi personam suscipiunt، quum eius corpus et sanguinem conficiunt. Id quod et ipsius consecrationis verbis ostenditur. Neque enim sacerdos inquit: "Hoc est corpus Christi," sed: "Hoc est corpus meum;" شخص vidclicet Christi Domini gerens، panis et vini substantiam in veram eius corporis et sanguinis substantiam convertit.

78 توده، به عنوان ستایش، همچنین قربانی کفاره. با توجه به این موارد، ما باید
بدون هیچ تردیدی آنچه را که مجمع مقدس 2) نیز توضیح داد تعلیم دهیم: که
قربانی مقدس توده نه تنها یک عمل ستایش و شکرگزاری، یا یک یادبود ساده از قربانی
است که بر روی صلیب انجام شد، بلکه واقعاً یک قربانی کفایت کننده است که با آن
خداوند بیشتر مورد رحمت قرار می‌گیرد و به ما عنایت می‌کند. از این رو، اگر با قلبی پاک
و ایمانی شعله ور و متاثر از بدترین درد جنایات خود، این قربانی مقدس را قربانی و
قربانی کنیم: شکی نیست که ما از خداوند "رحمت" خواهیم گرفت. زیرا خداوند آنقدر از
بوی این قربانی خشنود است که با دادن موهبت فیض و توبه، گناهان ما را می بخشد. از
این رو آن دعای کلیسا نیز رسمی است: «به تعداد این قربانی

4، 16».) G 4e)n. 8e c r1e4t،. 1 D8.o m Pisn.. 1 0I9X،. 4p.o s tH e bPre.n t e7c،. 17. ') Sess. عبری (3 .3 .و می تواند .2 22 فصل.

Catechismus، Conus، Trid.

هر چند وقت یکبار که کار نجات ما انجام می شود، مراسم بزرگداشت برگزار می شود.

79 همچنین شامل ثمرات قربانی هایی است که برای مردگان فرستاده می شود. اما سپس کشیش آموخت که قدرت این قربانی است

زیرا بر اساس مسلم ترین سنت رسولان، برای اینها مفیدتر از .beutnita

گناهان، کیفرها، رضایت ها و انواع بلاها و ناراحتی های زندگان نیست.

80 هیچ عزاداری که بر اساس عرف رایج کلیسا برگزار می شود، نباید به طور خصوصی گفته شود.

از این جا به راحتی می توان دریافت که همه توده ها را باید مشترک دانست تا به نفع مشترک و رستگاری همه مؤمنان تعلق داشته باشند. (Conc. Trid. sess. 22. c. 6. can. 8.) 81 این مراسم قربانی تا چه حد تعلق دارد؟

اکنون این قربانی بسیار است و مخصوصاً آداب مهم و مهمی است که هیچ کدام را نباید زائد و پوچ دانست. اما همه به آن میانگرند که عظمت چنین قربانیها بیشتر بدرخشد و مؤمنان با نگاه به اسرار نجات، به تفکر در چیزهای الهی که در آن قربانی نهفته است، هیجان زده شوند. اما در این مورد دیگر چیزی برای گفتن وجود ندارد، هم به این دلیل که به نظر می رسد این استدلال نیاز به توضیح طولانی تری نسبت به مؤسسه پیشنهادی دارد و هم به این دلیل که کاهنان جزوه ها و تفسیرهای تقریبا بی شماری در اختیار خواهند داشت که در این زمینه توسط مردان متدین و دانشمند نوشته شده است. تا اینجا کافی بود که سرهای مهمتر آن چیزهایی را که مربوط به عشای ربانی است، هم به عنوان یک مراسم مقدس و هم به عنوان قربانی توضیح دادم.

## فصل پنجم
## De Focniteiitiae Sacramcnto

/. آموزه توبه باید با دقت و مکرر در گوش مسیحیان اعمال شود.

همان گونه که سستی و ضعف فطرت انسان بر همگان معلوم است و هر کس به راحتی آن را در خود تجربه می کند، هیچ کس نمی تواند از وجوب راز توبه غافل باشد. اما اگر مواظبتی که کشیشان در هر موضوعی باید انجام دهند، از موضوعی که به آن رسیدگی می کنند،

mnaugnnqiutaumd i nien ehtu i upso n dleocrie e xmpeltiicrait i oonpeo r taedte:o odmilniigneon te sf a tfeubtiurmousr , es esoes tubtaa np tstauitmsi ms o a ,

vd imd impracratussro ie; uqnsue ic n a gi teeetnridaarumim pd oeet se ths,to :c q upsooaedcn ria tbmeaenpntttiioas,em u vqse ur aosme m tedol-e

pmctioteeninstst mm ugnumaemtc .e s pnsnunia o piaromees g i e tnanaoe rn T a ret isisdtsee, cn uat sqdi u n ol asat api lsesuisyts n e o mppd ooo ss ntt e ' c) beb

s adasippacttrtiiiussummmm u u m mee,s st scaccassee, qs suaeec cr auisnl ld aat rm Sa .d it HdaieberuruJnoatmn,.y m im 2 aU)gt n os peenentrieemn ti acc oo

nmafbpr ra oocmbtnaa it bunuras,v, i p qouuenin ui dfraooamteie lpiecrefatu g airurmi p erreel:i q uiutma peosstt, saim ifosrstaem t abbaupltaims m ia l

iiqnunaomc e nd-e dtiea m e,i u sm sia l uqtuei s d eads p eproaennietuem. t a Hbauelca m a uctoenmfu g niaotn, a sdi n pea s dtuobrieos tsoorltuem , m s eedis

a rde i r emlaixqiumoes enteiceasms a rfiiadeel e si n ceuxrciiat a rnedopsr e hdeatnPeincd. me yn it a e mD moum t m cidoi vm impnurano gi orspe ed if ra

adpgioiusltsiiit na tts.ii sn e m Q ecumaoosdur e sas uit o n mponrnoinl ua psnstqiuudoainmoe oaoplftifaqrune-am amt. tlbeuotm,n u shvo ec pr a oss at olsruu b

meorvmriaiummmu m s Du epaiore un mib te envniutgilnaniee tr aam te eodmbi lc iiagnmatreuene,tn3ut)me s e, i ns uqqnu-ei پس از آن زمان فکر خواهند کرد.

//. معنای کلمه توبه چقدر متنوع است. اما قبل از اینکه به خود موضوع بپردازیم، ابتدا باید

توضیح داده شود

btpgsvvuaioaatiscnmnisiusa ssis i m ea ep ihcsn rnuts ao_iire emoue et nmsmer edr oire i tosf ntiari oi,cne m ic msiui r innqpag tiiutni.usiuin n fo dtm i un. p cc eDo a amtato t eir uc

Asobrheltn.iaiean tbmis rd.e, eu r n eN meta to, u n Pr nc n,renuao siiltt thlmip iooioul li, emig na ic eilnta ntieueeiue r nmdn muqo i, iat antos midie nto np uaeci

llmtnntilbrteocaiiinvegnmatamua mim i a tt lea ep sovtmdrsni-eeeo-- bnhiasbc i dt oiacm in treuasrt. i o pqnouee in bihutusei tuquuti. pntliriiscs,et ti,tb io aq nu suoemdcn u ean nd

tuaem n p lmsaaaculeecurumil tu, m f une urelisltta از نه طبق خدا; (4) توبه از این نوع آسایش نیست، بلکه مرگ است. دوم توبه است، زمانی که کسی

>) S ess. 14 .و سس. 14. بخش عدالت .ج de uoenit can 2 M«t i« oo *\ s
cap. 8. 5 ،13 لوقا .اشعیا. °)Ez. 34، 1 «. I. 10، 11. P ?) i i!'C 10 یا ٭

او با اعتراف به جنایتی که قبلاً او را خشنود می کرد، درد را نه خدا،

بلکه از خود درک می کند. سوم این است که وقتی ما نه تنها در باطن روح برای جنایتی که مرتکب شده‌ایم اندوهگین می‌شویم، یا نشانه‌ای بیرونی از آن اندوه می‌دهیم، بلکه واقعاً به خاطر خدای یگانه در آن اندوه هستیم. و برای هر یک از اقسام توبه که ذکر شد، کلمه توبه مناسب است. زیرا هنگامی که در حروف مقدس (ل) می خوانیم «توبه به سوی خدا»، واضح است که این باید با ترجمه گفته شود; زیرا حروف مقدس زمانی که اعلام می‌کنند خدا تصمیم گرفته چیزی را تغییر دهد، از آن نوع گفتاری استفاده می‌کنند که با آداب و آداب انسان سازگار است. کاری که به نظر می رسد به هیچ وجه انجام نمی شود جز مردان، که اگر از چیزی توبه کنند، با تمام پشتکار برای تغییر آن تلاش می کنند. بدین ترتیب نوشته شده است: «توبه کرد2) که انسان را ساخته است. و در جای دیگر 3)، "که او شائول را پادشاه کرده بود."

## III. تفاوت معانی توبه چیست؟

درست است که باید بین این معانی توبه تفاوت بزرگی رعایت کنیم. زیرا اولی باید در رذیله قرار گیرد. دیگری محبت خاصی از یک ذهن آشفته و پریشان است. سوم، وقتی به فضیلت مربوط می شود، می گوییم که آن راز است; که معنای مناسب این مکان است. و اولین کاری که باید در مورد آن انجام داد، به عنوان بخشی از فضیلت; نه تنها به این دلیل که مردم مؤمن توسط شبانان به هر نوع فضیلتی آموزش داده می شوند، بلکه به این دلیل که اعمال این فضیلت را به عنوان ماده ای که در آن مراسم توبه انجام می شود، ارائه می دهند. و مگر اینکه ابتدا قدرت توبه به درستی درک شود، باید قدرت مقدس را نیز نادیده گرفت.

## IV. توبه باطنی چیست؟

از این رو، آنها اولین کسانی هستند که مؤمنان را نصیحت و نصیحت می کنند تا با تمام تلاش و کوشش در نهایت توبه نفس، که ما آن را فضیلت می نامیم، کار کنند. بدون آن چیزی که به صورت خارجی به کار می رود کاربرد بسیار کمی خواهد داشت. اما عمیق ترین توبه آن است که وقتی از صمیم قلب به سوی خدا روی می آوریم و از جنایات خود بیزار و متنفریم. در عین حال، اصلاح عادت ناپسند زندگی و آداب فاسد برای ما مسلم و عمدی است، نه بدون امید به آمرزش از رحمت خداوند. اما این درد و اندوه که مزاحمت و محبت است و بسیاری آن را شور می نامند، گویی همراهی برای کراهت گناهان است. از این رو در چند تن از پدران مقدس تعریف توبه با این نوع شکنجه بیان شده است.

Gen. 6, 6. «) I. Reg. 15، 11 (الف .18. .8 ،26 .جر .45 ،105 .ص (')

## 5- ایمان جزء توبه نیست.

به درستی که ایمان باید در توبه کننده مقدم بر توبه باشد. زیرا کسی که ایمان ندارد نمی تواند به خدا روی آورد. از این جا نتیجه می شود که به هیچ وجه نمی توان آن را جزء توبه نامید. (Conc. Trid. sess. 14. c. 3. can. 4. depoen.) VI. بیشتر توبه نفس را باید فضیلت دانست.

اما این که این درونی ترین توبه، همانطور که قبلاً گفتیم، متعلق به فضیلت است، با احکام فراوانی که در مورد توبه صادر شده است، به وضوح نشان داده شده است. زیرا قانون فقط به اعمالی دستور می دهد که با شجاعت انجام شوند. علاوه بر این، هیچ کس نمی تواند بدون تأسف انکار کند که چه زمانی، به چه نحو و تا چه اندازه فضیلت وجود دارد. اما فضیلت شعر تضمین می کند که این کار به درستی انجام شود. زیرا گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که از جرایم پذیرفته شده، مردان درد کمتری نسبت به آن دریافت می‌کنند. زیرا همانطور که سلیمان نوشته است، عده‌ای هستند که وقتی بدی می‌کنند خوشحال می‌شوند. اما باز، دیگران چنان خود را به غم و اندوه و بیماری می سپردند که حتی از رستگاری به کلی ناامید می شوند. مانند قابیل شاید دیده شود که گفت: گناه من بزرگتر از آن است که من مستحق عفو باشم. و قطعاً یهودا که "به توبه منجر شد" جان و جان خود را با دار زدن از دست داد. برای اینکه بتوانیم در رنج خود را حفظ کنیم، نیروی توبه به ما کمک می کند.

VII. کسی که واقعا توبه می کند چه احساسی باید داشته باشد؟

اما همین را می توان از چیزهایی نیز استنباط کرد که توبه کننده واقعی از گناه خود به عنوان غایت برای خود پیشنهاد می کند. اما هدف اول از این کار، از بین بردن گناه، و زدودن هر عیب و لکه ای از روح است. دیگر این است که برای جنایاتی که مرتکب شده است، خدا را راضی کند. واضح است که منظور از عدالت است. زیرا اگر چه دلیل صحیح عدالت نمی تواند بین خدا و انسانها دخالت کند، اما وقتی آنها از یکدیگر فاصله دارند، اما آشکار است که نوعی عدالت وجود دارد، مانند بین پدر و فرزند، بین ارباب و بندگان. سوم این که انسان به رحمت خداوندی که به سبب کراهت گناه دچار انحراف و کینه او می شود بازگردد. اما همه این موارد به اندازه کافی روشن می کند که توبه باید به عنوان فضیلت تلقی شود. هشتم. به چه کسی، فضیلت توبه

اما باید آموزش دهیم که عروج به این قدرت الهی با چه مراحلی جایز است. پس اول رحمت خدا بر ما سبقت گرفت و دلهای ما را به سوی خود معطوف کرد; که وقتی پیغمبر دعا کرد4): «ما را تبدیل کن»، گفت: «پروردگارا به») مصداق. 2:14.

شما، و ما تبدیل خواهیم شد tt سپس، با روشن شدن این نور، با
ایمان با قلب خود به سوی خدا گرایش داریم. "زیرا هر که به خدا
نزدیک شود باید ایمان بیاورد" همانطور که رسول 1) گواهی می دهد "
زیرا او هست و او پاداش جویندگان است." علاوه بر این، احساس
ترس به دنبال دارد و با تلخی مجازات های پیشنهادی، ذهن از
گناهان دور می شود. و این سخنان اشعیا 2) ظاهراً به این اشاره دارد: «
چنانکه زنی که آبستن میشود، چون نزدیک زایمان است، از درد ندا
میدهد که ما آفریده شدهایم». سپس امید به دست آوردن رحمت از
جانب خداوند به وجود می آید که به وسیله آن در صدد اصلاح
زندگی و آداب خود برآییم. سرانجام، دل ما با صدقه شعله ور می شود،
که از آن ترس سخاوتمندانه در خور فرزندان صادق و ساده است. و
به این ترتیب، از ترس یک چیز، مبادا در هر امری به عظمت خداوند
لطمه ای وارد کنیم، عادت به گناه را کاملاً ترک می کنیم. پس با
این مراحل به عالی ترین فضیلت توبه می رسیم.

9 ثمره اصلی فضیلت توبه چیست؟

که باید آن را فضیلتی الهی و ملکوتی دانست، یعنی نامه
های مقدس ملکوت آسمان را به او نوید می دهد. زیرا در سنت
متبائوم3) نوشته شده است: «توبه کن، زیرا ملکوت آسمان فرا
رسیده است». و در حزقیال 4: "اگر شریر از تمام گناهان خود که
مرتکب شده است توبه کند و همه احکام مرا نگاه دارد و قضاوت و
عدالت کند، زنده خواهد ماند." و در جای دیگر 5) : « من مرگ شریر را
نمی خواهم، بلکه آن شریر از راه خود بازگردد و زنده بماند». روشن
است که این را باید از زندگی ابدی و پربرکت فهمید. X. آنچه باید
در مورد توبه خارجی تصور شود، و به چه دلیل مسیح اراده
کرد که آن را در شمار مقدسات گنجانده شود.

ما باید در مورد توبه بیرونی تعلیم دهیم، که آن چیزی است
که نظام مقدس در آن است، و برخی از چیزهای خارجی تابع حواس
هستند، که به وسیله آن چیزهایی که در باطن در روح اتفاق می
افتد آشکار می شوند. اما در وهله اول باید برای مؤمنان توضیح
داده شود که چرا چنین شد که مسیح خداوند خواست توبه را در
تعداد آداب مقدس گنجانده باشد. و اصلاً علت این امر این بود که
خداوند به ما وعده بخشش گناهان را داده بود که فرمود: «اگر
ستمکاران توبه کنند و غیره». باید کمتر شک کنیم زیرا
وابستگی شدید به توبه درونی در ذهن ضروری است، زیرا هر کس
باید به عدالت از قضاوت خود در کاری که انجام می دهد بترسد.
برای اینکه خداوند در این دغدغه ما را یاری کند، آیین توبه را برپا
کرد تا به وسیله آن اعتماد کنیم که گناهان ما با بخشودگی
کشیش و وجدان ما بخشیده شده است.

') عبری. 11، 6. ») است. Ez. 33 (*. Ez. 18، 21. «) Matt. 4، 17. 3j 2G, 17، ج«

ایمان، که به دلیل فضیلت مقدسات است، صلح آمیزتر می شود. زیرا صدای کشیشی که به طور مشروع گناهان ما را می بخشد، نباید به گونه ای دیگر به جز صدای مسیح خداوند که به فلج شده گفت: "اطمینان داشته باش، پسرم، گناهانت بخشیده شده است." تأسیس شد، که با قدرت و کارایی آن خون مسیح

که به سوی ما جاری می شود، گناهان پذیرفته شده پس از غسل تعمید را پاک می کند، و بنابراین ما پیشنهاد می کنیم که سود حاصل از آشتی را به آن نجات دهنده خود گزارش دهیم. XI. بدین وسیله توبه راز واقعی شریعت جدید است.

در واقع، کشیشان به آسانی نشان خواهند داد که توبه یک آیین مقدس است. زیرا غسل تعمید یک مراسم مقدس است، زیرا همه گناهان را محو می‌کند، و بالاتر از همه آن‌چه در ابتدا مرتکب شده است: به همین ترتیب، توبه، که تمام گناهانی را که با اراده یا عمل پس از غسل تعمید انجام می‌شود، از بین می‌برد، باید به درستی و به درستی یک آیین مقدس گفته شود. آنگاه آن چه که سر است، وقتی آن کارهایی که در خارج هم توسط توبه کننده و هم توسط کشیش انجام می شود، آنچه را که در باطن در روح انجام می شود، بیان می کند: چه کسی منکر این است که توبه دارای ماهیت واقعی و شایسته ی مقدس است؟ به راستی که مراسم مقدس نشانه امری مقدس است، اما گناهکار که توبه می کند، با نشانه های اشیا و کلمات به وضوح بیان می کند که ذهن خود را از ذلت گناه دور کرده است. و همینطور از چیزهایی که کشیش حمل می کند و می گوید، به راحتی رحمت خدا را در بخشش گناهان می دانیم. اگرچه این سخنان ناجی به وضوح نشان می دهد: "من کلیدهای ملکوت آسمان را به شما خواهم داد - و هر آنچه را که بر روی زمین باز کنید، باز خواهد شد و من من هستم cefifaictiat.. حواله دادن

XII. آیین توبه ممکن است تکرار شود.

در واقع، این تنها مؤمنان نیستند که باید آموزش داده شوند که توبه را باید در زمره مقدسات به حساب آورد، بلکه آنهایی هستند که می توانند تکرار شوند. زیرا وقتی از پطرس پرسید که آیا باید هفت بار آمرزش گناه داده شود، خداوند پاسخ داد: "به شما نمی گویم تا هفت بار، بلکه تا هفتاد بار هفت بار." بنابراین، اگر باید با چنین افرادی که به نظر می‌رسد نسبت به رحمت و فضل الهی بی‌اعتماد هستند، برخورد کنیم، باید ذهن آنها را تقویت کرد و به امید فیض الهی ارتقا داد. در واقع، این امر به راحتی قابل پیگیری خواهد بود، هم با پرداختن به این قسمت و هم با موارد دیگر، که در کتب مقدسه به وفور با آن مواجه خواهد شد، و همچنین با آن استدلال ها و استدلال ها.

') مت. 9، 2. 2) مت. fi, 19. Conc. ترید صندلی 14. ج. 1 قوطی 1. از شعر. »جی مت. 8، 28

تیس، که درخواست آن از کتاب قدیس کریسوسطوم در مورد افتادگان و کتاب امبروز در مورد توبه جایز است.

سیزدهم موضوع و کیفیت توبه.

حال، از آنجایی که هیچ چیز نباید برای مردم مؤمن بیشتر از موضوع این مراسم مقدس شناخته شود: باید آموخت که این مراسم مقدس از این جهت با دیگران تفاوت دارد، که موضوع سایر عتبات امری طبیعی یا حاصل هنر است. اما از راز توبه، اعمال توبه‌کننده، به‌طور کلي، مادي است، يعني پشيماني، اقرار و رضایت، همانطور که مجمع ترنت اعلام کرد. که در توبه کنندگان برای یکپارچگی راز و گذشت کامل و کامل از گناهان توسط نهاد خداوند لازم است، به این معنا جزء توبه نامیده می شوند. در واقع، این اعمال توسط مجمع مقدس «گویا ماده» نیستند، زیرا ماهیت ماده حقیقی را ندارند. اما به این دلیل که آنها از آن نوع ماده ای نیستند که در خارج به کار رود، مانند آب در غسل تعمید و کریسمس در تأیید. اما آنچه توسط دیگران گفته شده است، که خود گناهان موضوع این آیین مقدس هستند، اگر دقت کنیم، چیزی کاملا ً متفاوت نخواهد بود. زیرا همانطور که می گوییم ماده آتش چوب است که با نیروی آتش سوزانده می شود، بنابراین گناهانی که با توبه پاک می شوند به درستی ماده این مراسم مقدس نامیده می شوند.

چهاردهم رسم توبه به چه صورت است؟

اما تبیین صورت نباید از نظر کشیشان نادیده گرفته شود، زیرا آگاهی از آن ذهن مؤمنان را برای درک فیض این مراسم مقدس که مجموع دین است، به هیجان می آورد. حالا یک شکل وجود دارد: "من تو را تبرئه می کنم." که ما نه تنها از آن کلمات می‌توانیم جمع آوری کنیم: «هر چه بر روی زمین بگشایید، در آسمان نیز گشوده خواهد شد. و از آنجا که اعطای مقدس دلالت بر آن چیزی دارد که تأثیر می گذارد، و آن کلمات: « من از تو می بخشم»، نشان می دهد که بخشش گناهان با اجرای این مراسم انجام می شود، واضح است که این شکل کامل مثبت گرایی است. زیرا گناهان مانند زنجیرند، 3) که ارواح به وسیله آنها بسته می شوند و با راز توبه از آن باز می گردند. در واقع، این حقیقت توسط کشیش، حتی در مورد آن مردی که به زور شدیدترین پشیمانی، آمرزش گناهان را از خدا دریافت کرده، عهد اعتراف کرده است، کمتر بیان می شود. 15 با این میوه دعاهای دیگری نیز به شکل مقدس اضافه می شود.

علاوه بر این، دعاهای متعددی اضافه می شود، نه لزوماً به صورت، بلکه برای حذف دعاهایی که ممکن است مانع از قدرت و کارآیی مراسم مقدس برای گناهی شود که به آن انجام می شود. ") سه". 14. از مجازات فصل. 8. 4..!) 13 18. 8) است. 5، 18

 چقدر قدرت کاهنان مسیح در قضاوت جذام گناه با قدرت کاهنان شریعت قدیم متفاوت است.

بنابراین، گناهکاران باید از خدا سپاسگزاری کنند که این همه قدرت را به کشیشان در کلیسا داده است. زیرا، همانطور که قبلاً در شریعت قدیم، کاهنان فقط با شهادت خود مبنی بر اینکه شخصی از جذام رهایی یافته است، انکار می‌کردند: اکنون در کلیسا این قدرت فقط به کاهنان داده می‌شود تا اعلام کنند که کسی از گناهان پاک شده است، اما در حقیقت به عنوان خادمین خدا تبرئه می‌شوند. آنچه را که خود خداوند، پدیدآورنده و مولد فیض و عدالت، انجام می دهد.

## 17 توبه‌کنندگان با چه عادت و با کدام آداب عمل خود را ستودند.

اما مؤمنان همچنین آداب و رسومی را که برای این مراسم مقدس به کار می‌رود، با جدیت انجام خواهند داد. زیرا به این ترتیب اتفاق می‌افتد که آنچه را که از طریق این مراسم مقدس به دست آورده‌اند، محکم‌تر در ذهنشان می‌ماند، البته که به عنوان بندگان با مهربان‌ترین پروردگار، یا بهتر است بگوییم به‌عنوان فرزندان با بهترین والدین آشتی کنند، و در عین حال راحت‌تر خواهند فهمید که چه‌کار باید بکنند که می‌خواهند (و همه باید بخواهند) تا خود را شکرگزار و متذکر چنین لطفی باشند. زیرا کسی که از گناهکاران توبه می کند، با ذهنی فروتنانه و فروتنانه خود را به پای کشیش می اندازد، تا وقتی این چنین متواضعانه رفتار می کند، به راحتی تشخیص دهد که ریشه های غرور باید ریشه کن شود، که همه جنایاتی که از بین می روند، منشأ آن بوده و زاده شده اند. اما در کشیش که به عنوان قاضی مشروع در او می نشیند، شخص و قدرت مسیح خداوند باید مورد احترام قرار گیرد. برای کاهن، مانند دیگران، در اجرای آیین توبه، منصب مسیح انجام می شود. سپس در حال توبه، گناهان خود را به گونه ای بر می شمرد که اعتراف می کند که شایسته بزرگ ترین و دردناک ترین تذکر است و برای همه گناهانش طلب آمرزش می کند. البته تمام شواهد مطمئن از قدمت آن از سنت دیونیسیوس 2) 18 .h. مردان به خصوص کدام میوه ها را باید از راز توبه بگیرند.

اما مطمئناً هیچ چیز به این اندازه برای مؤمنان سود نخواهد داشت و هیچ چیز برای آنها اشتیاق بیشتری برای انجام توبه ایجاد نمی کند، به اندازه اگر کشیش محله توضیح دهد که ما چقدر باید از آن بهره مند شویم. زیرا آنها خواهند فهمید که واقعاً می توان در مورد توبه گفت که ریشه های آن تلخ است، اما میوه های آن بسیار شیرین است. پس تمام قدرت توبه در اوست تا ما را به فیض الهی باز گرداند و در صمیمانه ترین دوستی با او پیوند دهد. اما این آشتی گاه در مردان متدین اتفاق می افتد که این راز را به صورت مقدس و مذهبی و با وجدان عالی درک می کنند.

لو 13. 3. *) ر.ک. دلو. آر. 1 8 § .ep.

صلح و آرامش با بالاترین لذت روحی به دست خواهد آمد.  زیرا هیچ جنایتی آنقدر سنگین و فجیع وجود ندارد که نه یک بار، بلکه بارها و بارها با آیین توبه از بین نرود.  خداوند در این مورد از طریق پیامبر می فرماید: «اگر فاسق از تمام گناهان خود توبه کند و احکام مرا نگاه دارد و قضاوت و عدالت کند زنده می شود و نمی میرد، من تمام گناهان او را به یاد نمی آورم».  و یوحنای قدیس 2): "اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او وفادار و عادل است تا گناهان ما را ببخشد" و کمی بعد 3: "اگر کسی گناه کند" او هیچ گونه گناهی را نمی پذیرد، "ما یک وکیل نزد پدر داریم، عیسی مسیح عادل، و او کفاره گناهان ما است، و نه تنها برای تمام جهان، بلکه همچنین."

19 به همین دلیل برخی از گناهان نابخشودنی هستند.  اما آنچه در کتاب مقدس می خوانیم این است که برخی از مردم رحمت خداوند را دریافت نکردند، اگرچه شدیداً آن را می خواستند.  پدران ملاقات می کنند و به نظر می رسد که آنها تأیید می کنند که برخی از گناهان قابل بخشش هستند: آنها باید به گونه ای تفسیر شوند که درک کنیم که گرفتن بخشش بسیار دشوار است.  زیرا همان گونه که به بیماری می گویند که درمان ناپذیر است، زیرا بیمار آنقدر تحت تأثیر قرار می گیرد که از قدرت شفابخش متنفر است، همچنین نوعی گناه وجود دارد که نه بخشیده می شود و نه بخشیده می شود، زیرا داروی مناسب برای نجات، یعنی لطف خدا را دفع می کند.  آگوستین 4 در این جمله می‌گوید: «آنقدر زوال آن گناه بزرگ است که پس از تصدیق خداوند به فیض مسیح، شخصی به برادری حمله کند و با مشعل حسد در برابر همین فیض برانگیخته شود، به گونه‌ای که نتواند به خضوع و تواضع تضرع دست یابد، حتی اگر به اجبار اعتراف به گناه کند».

20 هیچ کس نمی تواند از این توبه آمرزش گناهان را بگیرد.

اما برای بازگشت به توبه، این قدرت به قدری برای او خاص است که گناهان را محو می کند، به طوری که بدون توبه به هیچ وجه کسب و حتی امید به بخشش گناهان جایز نیست.  زیرا نوشته شده است: "اگر توبه کرده باشید، همه شما نیز هلاک خواهید شد."  این را پروردگار گناهان کبیره و کبیره‌تر گفته است، هر چند از نوعی باشد

montle) Ezc.. 2 21.8، 2«1).  L suce.q.  13،») 3.I.  1،9 اینجا.  ') ib.  2، 1. دنباله.  <) lib.  1. از اره Dom.  در حال حاضر

به عنوان نوعی توبه، نیاز به گناهان سبکتری دارند که به آن گناه می گویند. زیرا آگوستین مقدس می گوید: «اگرچه توبه خاصی وجود دارد که هر روز در کلیسا برای گناهان کفر انجام می شود، اگر گناهان کینه توز بدون توبه بخشیده شود، قطعاً بیهوده خواهد بود».

## XXI اجزاء لاینفک توبه چند است.

اما از آنجایی که سخن گفتن عمومی از چیزهایی که به نحوی عملی میاشوند کافی نیست، کشیشاها مواظب خواهند بود که آن چیزها را به تفصیل تحویل دهند، که دلیل واقعی و مفید توبه را میاتوان برای مؤمنان فهمید. اکنون مخصوصاً این امر مقدس است که علاوه بر امر و صورتی که در همه اعترافات مشترك است، آن قسمتها را نیز که قبلاً گفتیم دارای يك توبه كامل و كامل است، يعنی پشيمانی، اقرار و رضايت; که D. Chrysostom2 با این عبارات صحبت می کند: "توبه گناهکار را وادار می کند که با میل و رغبت به همه چیز عذاب بکشد، در قلب او پشیمانی است، در دهان او اعتراف است، در کار او تمام فروتنی یا رضایت ثمربخش است." و به این اجزاء گفته می شود که برای تشکیل یک کل لازم است، زیرا همان گونه که بدن انسان از چند عضو، دست، پا، چشم و سایر اجزاء تشکیل شده است که اگر جزئی از آنها ناقص باشد، به درستی ناقص است، اما اگر هیچ یک از آنها ناقص نباشد، کامل است. رضایت، اجازه دهید او نزدیک شود، چیزی که برای پرش به کمال کاملاً ضروری است. از این رو، این اجزا به قدری با یکدیگر مرتبط هستند که نقض اقرار و رضایت شامل برنامه و هدف می شود; اقرار عبارت است از تخلّف و اراده به ارضا، اما رضایت مقدم بر دو دیگر است.

## 22 این سه بخش توبه چگونه به هم مرتبط هستند؟

حال می توان دلیل این سه قسمت را بیان کرد که گناهان در ذهن، در گفتار و در عمل به خدا انجام می شود. از این رو، پسندیده بود که با تسلیم کردن خود به کلیدهای کلیسا، که به وسیله آن چیزهایی که مقدس ترین خدای خدا توسط ما مورد تجاوز قرار گرفته بود، ما نیز سعی کنیم خشم او را به وسیله آن آرام سازیم و از او آمرزش گناهان را بگیریم. اما همین را می توان با استدلال دیگری نیز تأیید کرد. در واقع، توبه نوعی جبران گناهان اراده است که به خواست کسی که تجاوز می کند و به خواست خدایی که گناه به او منتهی می شود، ایجاد می شود. اوت 2G5 .ep. گفتار 351. ج. 3. الف)

هوا 1. توبه

ارسال شد، تأسیس شد. از این رو، اراده جبران نیز لازم است، که عمدتاً در آن تخطی است، و لازم است که توبه‌کننده در برابر قضاوت کاهن تسلیم شود، تا کسی که شخص خدا را می‌پوشد، مجازاتی برای بزرگی جنایاتش تعیین کند. که هم دلیل و هم وجوب اقرار و رضایت از آن دیده می شود.

## 23 دقیقاً نقض در این مورد چیست؟

اما از آنجایی که نیرو و ماهیت این بخش ها باید به مؤمنان واگذار شود: ابتدا باید از نقض شروع کنیم و آن را با جدیت توضیح دهیم. زیرا در هیچ زمانی، وقتی گناهان گذشته به خاطر ما باز می گردند، یا زمانی که به چیزی برخورد می کنیم، نباید دل از پشیمانی در امان بماند. پدران در شورای ترنت این را چنین تعریف می کنند: «پشیمانی درد روح و بیزاری از گناهی است که به قصد گناه نکردن در مورد بقیه انجام می شود». و اندکی بعد در معرض حرکت ندامت قرار می گیرد: «در پایان برای آمرزش گناهان آماده می شود، در صورتی که با امانت رحمت الهی و نذر انجام بقیه که لازمه دریافت صحیح این مراسم است، متحد شود». پس مؤمن از این تعریف می‌فهمد که نیروی ندامت تنها در وجود او قرار نمی‌گیرد تا کسی از گناه دست بردارد، یا قصد دارد نوع جدیدی از زندگی را ایجاد کند، یا از قبل آن را به وجود آورده است، بلکه در وهله اول باید نفرت و کفاره زندگی بد را انجام داد. این، در واقع، تا حد زیادی توسط فریادهای پدران مقدس تأیید می شود، که ما اغلب آنها را در نوشته های مقدس فراوان می خوانیم. داوود می‌گوید: «در ناله‌هایم زحمت کشیدم، هر شب بسترم را می‌شویم» و «خداوند صدای گریه‌ام را شنید». و بار دیگر 3) : "تمام سالهایم را در تلخی جان به یاد تو خواهم آورد." که قطعا و صداهای مشابه دیگر نوعی نفرت شدید از زندگی گذشته و بیزاری از گناهان را بیان می کرد.

## 24 چرا پدران شورا از آن به عنوان قلب شکسته یاد کردند؟

اکنون که شکستگی با درد تعریف می شود، باید به مؤمنان هشدار داد که فکر نکنند که درد با حس فیزیکی درک می شود. زیرا شکستن عمل اراده است. و آگوستین4) شهادت می دهد که درد توبه همراه است نه توبه. درست است که پدران با اصطلاح بیزاری از گناه و نفرت از درد دلالت می کردند. و چون حروف مقدّس آن را به این صورت به کار می برند، داوود5 می گوید: «تا کی در جان خود برنامه ریزی کنم، در تمام روز درد دل کنم؟» و نیز به این دلیل که درد در قسمت پایین روح که دارای قوه ی غضب است، از همان معصیت ناشی می شود.

*> Pa'.) 1S2e,s s .2. 14. 351 سرم. «) 15. 38، است. الف) 9. 7. 6، ص. «) 4، ج .از شعر. o. 1.

ناخوشایند نیست شکستگی با درد تعریف شود که باعث درد می
شود و برای ابراز آن توبه کنندگان نیز عادت به تعویض لباس
دارند. که خداوند در قدیس متی درباره آنها می گوید: "وای بر تو
کوروزایین، وای بر تو بتسعیدا! زیرا اگر فضیلت هایی که در تو
انجام شد در صور و صیدا انجام می شد، آنها یک بار در گونی و خاکستر
توبه می کردند." 25 چرا انزجار از گناه معمولاً توسط
متکلمان به عنوان نقض آن استفاده می شود؟

Kecte autem contritionpiesl le tnuorm. در کراهت گناه، که
از آن صحبت می کنیم، برای دلالت بر نیروی درد تحمیل شده است;
به قیاس از چیزهای مادی که اندک اندک با سنگ یا مواد سخت له می
شود، گرفته می شود تا با این عبارت توضیح داده شود، دلهای ما
که از غرور سخت شده، به نیروی توبه کبود و شکسته می شود.
از این رو، هیچ دردی، چه از مرگ پدر و مادر یا فرزند و چه از مصیبت
دیگر، این نامیده نمی شود، بلکه نام خاص آن درد است که ما را از
دست دادن لطف و عصمت خداوند متاثر می سازد. 26 علاوه بر این
cvloacraarbii d isso le aeta.d em بیزاری از گناه

درست است که همین امر معمولاً با اصطلاحات دیگری نیز
توضیح داده می شود; زیرا به آن شکسته شدن قلب نیز گفته
می شود، زیرا نام قلب اغلب توسط حروف مقدس برای اراده
استفاده می شود. پدران مقد س به آن پشیمانی دل نیز می‌گویند،
که ترجیح می‌دادند کتاب‌هایی را که در مورد پشیمانی دل نوشته
شده است بنویسند. همان‌طور که زخم‌های متورم را با چاقو برش
می‌دهند تا ویروس محصور در آن بیرون بیاید: قلب‌ها نیز چنان
بریده می‌شوند که گویی با اسکنه پشیمانی می‌برند تا ویروس
کشنده گناه دفع شود. از این رو نیز شکافتن دل را یوئیل ندا داد
3) پیامبر فرمود: با تمام وجود در روزه و گریه و ماتم به سوی من
بازگردید و دل های خود را شکافت.

25 چرا غم گناهان، از جمله یوغ شکسته شدن، باید بزرگترین و
شدیدترین باشد.

در واقع با این دلایل به راحتی می توان نشان داد که
بزرگترین و بزرگترین درد را باید از گناهانی که مرتکب شده اند
گرفت تا بزرگتر از آن تصور نشود. زیرا از آنجایی که انفاق،
پشیمانی کامل است، که از ترس کودکان ناشی می شود: روشن است
که همان حالت انفاق و پشیمانی باید برقرار شود. اما از آنجایی که
صدقه ای که ما با آن خدا را دوست داریم کامل ترین محبت است: از
این رو به صورت شکستگی انجام می شود

') مت. 11، 21. *) شغل 1، 5. ص. 4، 3. مت. 5، 28. جوئل 2، 12. 13.

باید با شدیدترین درد روح همراه باشد. زیرا از آنجایی که خدا باید بیش از همه مورد محبت قرار گیرد، باید از چیزهایی که بیش از همه ما را از خدا دور می کند متنفر باشیم. که در آن نیز باید توجه داشت که عظمت نوع انفاق و ندامت در نوشته های مقدس آمده است. در مورد صدقه گفته شده است: "خداوند، خدای خود را با تمام قلب خود دوست بدارید." باز هم در مورد پشیمانی، خداوند از طریق پیامبر 2 فریاد می زند: «با تمام دل توبه کنید». بعلاوه، اگر همانگونه که خدا برترین خیر در میان همه چیزهایی است که باید دوست داشته شوند، گناه نیز بالاترین شر در میان همه چیزهایی است که انسان باید از آنها متنفر باشد: به این دلیل که اعتراف می کنیم که باید خدا را عالی دوست داشت، لازم است که همان نفرت عالی از گناه ما را فرا گیرد. در واقع، کلام خداوند به وضوح به ما می آموزد که محبت خدا باید مقدم بر همه چیز باشد، به طوری که گناه کردن حتی برای نجات جان جایز نیست: «کسی که پدر یا مادر را بیشتر از من دوست دارد، لایق من نیست». و 4): «هر کس بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد». اما این را نیز باید ملاحظه کرد که همان گونه که برنارد 5) شهادت می دهد، برای انفاق هیچ غایت و روشی مقرر نشده است، (زیرا روش دوست داشتن خدا، دوست داشتن او بدون روش است): پس هیچ روشی برای کراهت از گناه تعریف نشده است. علاوه بر این، بگذارید نه تنها بزرگترین، بلکه شدیدترین و بسیار کامل باشد، و همه تنبلی و تنبلی را حذف کنید. در واقع، در سفر تثنیه 6) نوشته شده است: "هنگامی که خداوند، خدای خود را بجویی، او را خواهی یافت، اما اگر با تمام دل و با تمام ناراحتی روحت بجویی. و در ارمیا 7: "مرا می جویی و مرا خواهی یافت، چون با تمام دلت مرا بخواهی و از تو پیدا خواهم شد، خداوند می گوید." 28 پشیمانی از صدق نمیگذرد، حتی اگر درد معقول گناهان برطرف نشده باشد.

اما اگر به ما اجازه داده شود که به کمتر از آن دست یابیم تا کامل باشد، باز هم می تواند تخلف واقعی و مؤثر باشد. زیرا غالباً از طریق تمرین حاصل می شود که چیزهایی که تابع حواس هستند بیش از چیزهای معنوی بر ما تأثیر می گذارند. از این رو برخی گاهی از مرگ فرزندانشان احساس درد بیشتری می کنند تا از ذلت گناه. اگر اشک درد به نتیجه نرسد باید همین قضاوت را کرد. که با این حال، بسیار مورد پسند و ستوده در توبه هستند. برای نظر سنت آگوستین8) عالی است. او گفت: «در تو هیچ صدقه مسیحی نیست، اگر بر بدنی که از آن عزاداری کنی

«) دوم. 6، 5. «) جوئل 2، 12. :() مت. 10، 37. «) شناسه. 16، 25. «) lib. عشق خدا ج. 1. u)
.Jer. 29، 13. 14. «) serrn. 65 o. 6 ('.29 ،4 .تثنیه

ماتم نگیرید.» و در اینجا به آن سخنان منجی ما که در بالا نقل شده است مراجعه کنید: «وای بر تو کاروزاین، وای بر تو بتسایدا! زیرا اگر فضیلت‌هایی که در تو انجام شد در صور و صیدا انجام می‌شد، روزی در خاکستر و گونی توبه می‌کردند.» اگرچه معروف‌ترین نمونه‌های نینویان، داوود، گناهکار، و امیر رسولان، همگی با اشک‌های فراوان از خداوند طلب آمرزش کردند، اما گناهانشان آمرزش یافت.

29 گناهان کبیره را باید به تفصیل در تجاوز خود منفور کرد.

اما بیش از همه، باید مؤمنان تشویق و هشدار داده شوند، تا برای هر جنایت فانی، درد مناسب پشیمانی اعمال شود.

از جان من.» در واقع تأمل در تمام سالها، تکان دادن گناهان است تا از دل غمگین شویم. اما در حزقیال3) آنچه را که نوشته شده است می خوانیم: «اگر فاسق از همه گناهانش توبه کرده باشد، زنده خواهد ماند.» 30 گاهی برای بیزاری از گناهان خود کافی است.

با این حال، مؤمنان در این امر نباید از احسان و بخشش عالی خداوند مأیوس شوند. زیرا او که بیشتر آرزوی نجات ماست، در عفو و بخشش ما تأخیر نمی‌کند، بلکه گناهکار را با محبت پدرانه در آغوش می‌کشد، در عین حال که خود را جمع کرده و از گناهان او به طور کلی متنفر است، و در فرصتی دیگر، اگر فرصتی داشته باشد، می‌خواهد هر یک را در ذهن خود یادآوری و بیزاری کند و به سوی خداوند متوسل شود. زیرا به واسطه پیامبر به ما دستور می دهد که امیدوار باشیم، وقتی می فرماید: هر روز که از بی تقوای خود برگردد، بی تقوای ستمکار به او ضرری نمی رساند.

31 این چیزها قبل از هر چیز برای جدایی واقعی ضروری است.

بنابراین، از اینها می توان آنچه را که برای یک پشیمانی واقعی ضروری است، جمع آوری کرد. در مورد آن باید به مردم ایمان را به درستی آموخت تا هرکس بفهمد چه دلیلی می تواند آن را مقایسه کند و قاعده ای داشته باشد که به موجب آن حکم کند که چقدر از کمال فضیلت خود فاصله دارد. زیرا قبل از هر چیز لازم است که از همه گناهانی که اعتراف کرده ایم متنفر باشیم و اندوهگین شویم، مبادا اگر فقط به چیزهایی اندوهگین باشیم، دروغ و ساختگی باشد و هیچ توبه ای از ما دریافت نشود. زیرا همانطور که توسط سنت جیمز6) رسول گفته شد

») مت. 11، 21. 2) lib (« .21 ،Ez. 18) «. 15 ،Ig. 38. از حق و باطل توبه خواهند کرد. ه. 14.6)
Ez. 33، 12. «) 10 ،2. جائو.

 208

عبارت است از: "کسی که تمام شریعت را نگه داشته است، اما در یک نقطه لغزش می کند: او در همه مقصر شده است." نکته دیگر این است که خود نقض اراده ترکیبی برای اقرار و رضایت دارد; که بعداً در جای خود به آن پرداخته خواهد شد. سوم این که توبه کننده برای بهبود زندگی خود فکر ثابت و پایداری داشته باشد.

اما پیامبر به وضوح این را در این کلمات به ما آموخت: «اگر مرد ستمکار از تمام گناهان خود توبه کند و همه اوامر مرا نگه دارد و قضاوت و عدالت کند، زنده میشود و نمیمیرد، من تمام گناهان او را به یاد نمیآورم». و اندکی بعد: «هنگامی که کافر از بی تقوای خود بازگردد و به قضاوت و عدالت بپردازد، نفس خود را زنده می کند». و پس از چند الفاظ 3): «توبه کنید»، می فرماید: «و از همه گناهان خود توبه کنید، و ظلم به زوال شما نمی رسد، همه گناهان خود را که در آن تجاوز کرده اید، دور بریزید و برای خود دلی تازه و روحی تازه بسازید». مسیح خداوند برای زنی که در زنا گرفتار شده بود نیز همین را مقرر کرد. گفت: برو و دیگر گناه نکن. همچنین به فلج که در حوض آزمایش شیر داده بود، گفت: «اینک، خوب شدی، دیگر گناه نکن».

32 نشان داده شده است که درد ناشی از گناه گذشته، و اجتناب از آن در آینده، برای هدف پشیمانی ضروری است.
اما خود طبیعت و عقل نیز به روشنی نشان می دهد که این دو در وهله اول برای رخنه لازم هستند; یعنی درد گناه پذیرفته شده و غرض و انذار که مبادا چنین چیزی در . p oster متعهد است. زیرا کسی که میخواهد با دوستی که به او صدمهای وارد شده است آشتی کند و باید از این که به او ظلم و اهانت شده پشیمان باشد و بقیهی وقت را با احتیاط تأمین کند که مبادا ظاهراً دوستی را ترک کرده باشد. که دو باید اطاعت همراه داشته باشند. زیرا بر انسان واجب است که از شریعتی که تابع آن است، چه طبیعی، چه الهی و چه انسانی، اطاعت کند. بنابراین اگر توبهکننده چیزی را به زور یا تقلب از دیگری گرفته باشد، باید آن را اعاده کند. و نیز با جبران هر منفعت یا وظیفه ای که با عمل مذکور حیثیت یا جان او را تضییع کرده است. زیرا در گفتار همگان به خوبی استفاده می شود، که در سنت آگوستین6 می خوانیم: "گناه بخشیده نمی شود، مگر اینکه آنچه برداشته شده است، بازگردانده شود."

33 اگر میخواهیم خودمان را اغراق کنیم، باید دیگران را اغوا کنیم. در واقع، در میان بقیه، که عمدتاً به نقض تعلق دارند، نباید کمتر مراقب باشیم و مراقبت کنیم، زیرا

>) E z. 18. 21. 22. «) 11 ،8 آیو. *) 31. 30، ج ('.27 .ج. «) I o. f>، 1 4. •) 6 .ج .153 از ص.،

هر صدمه ای که از دیگری خوردی، بخشیده و بخشیده شود. زیرا خداوند و ناجی ما چنین هشدار می دهد و نکوهش می کند: "اگر شما گناهان مردم را ببخشید، پدر آسمانی شما نیز تقصیرات شما را خواهد بخشید، اما اگر شما مردم را نبخشید، پدر شما نیز گناهان شما را نخواهد بخشید." اینها مواردی است که مؤمنان باید در رخنه رعایت کنند. مابقی را که چوپانان به راحتی می توانند برای این منظور جمع آوری کنند، واقعاً کارآمد خواهد بود، تا ندامت در نوع خود کاملتر و مطلق تر باشد. اما نباید آنها را آنقدر ضروری دانست که بدون آنها دلیل توبه واقعی و مفید را نمی توان اثبات کرد.

## 34 نیروی شکست و کاربرد مناسب چیست؟

اما از آنجایی که برای کشیشان تعلیم آنچه به ظاهر مربوط به رستگاری است، کافی نیست، مگر اینکه آنها نیز با تمام دقت و انرژی تلاش کنند، تا مؤمنان بتوانند زندگی و اعمال خود را به همان دلیلی که برای آنها مقرر شده است هدایت کنند: بیان مکرر نیرو و فایده پشیمانی بسیار مفید خواهد بود. زیرا در حالی که بسیاری از کارهای تقوا، مانند احسان به فقرا، روزه، نماز و سایر کارهای مقدس و شریف از این دست، گاهی به تقصیر مردمی که از آنها سر می زند، از جانب خداوند رد می شود، یقیناً خود معصیت هرگز مورد قبول و پسند او نیست. زیرا پیامبر می فرمایند 2: «خدایا به دل شکسته و متواضع به حقارت نگاه نخواهی کرد.» و حتی به محض اینکه آن را در ذهن خود تصور کردیم، آمرزش گناهان از جانب خداوند به ما عطا شد، در جایی دیگر از قول همان پیامبر می فرماید 3: «قالم ْ أَعرَفوا منْ ظلمَ منْ خلبَ وَ أَغفرُ العصیمِ». و ما به شکل این موضوع در «ده جذامی» (4) توجه می کنیم، که کسانی که توسط منجی ما نزد کاهنان فرستاده شده بودند، قبل از اینکه به آنها برسند، از جذام رهایی یافتند. از این جا ممکن است بدانیم که قدرت پشیمانی واقعی، که در بالا در مورد آن صحبت کردیم، این است که بتوانیم به موجب آن فوراً از خداوند عفو همه گناهان خود را دریافت کنیم. V 30. با این حساب پایان نقض فرا خواهد رسید.

اگر کشیشان روشی را ارائه کرده باشند که به وسیله آن هرکسی بتواند خود را برای شکستن تربیت کند، برای بیداری اذهان مؤمنان نیز بسیار مؤثر خواهد بود. اما باید هشدار داد که همه باید مرتباً وجدان خود را تکان دهند تا ببینند آیا دستورات الهی را رعایت کرده اند یا تحریم های کلیسایی. اما اگر کسی بداند که مرتکب جرمی شده است، فوراً خود را متهم می کند و از خداوند طلب بخشش می کند و برای اعتراف و رضایت به او مهلت می دهد.

*) مت. ج، 14. 15. مارو. 11، 26. الف) ص. 80، 19. ») ص. 31، 5. «) لوقا 17، 14

کاتشیسم، کونو. ترید

درخواست می کند و قبل از هر چیز از رحمت الهی می خواهد که او را یاری کند تا در آینده به همان گناهانی که از اعترافش عمیقاً پشیمان است نپذیرد. علاوه بر این، باید مراقب اتوبوس بود تا بیشترین نفرت مؤمنان نسبت به گناهان برانگیخته شود، هم به این دلیل که بزرگ ترین زشت و ننگ است و هم بدترین ضرر و زیان را برای ما به ارمغان می آورد. زیرا مهربانی خداوندی که از او بزرگترین کالاها را دریافت کرده‌ایم و از او انتظار و به‌دست آوردن چیزهای بسیار بزرگتر جایز بود، ما را از خود بیگانه می‌کند و به ما می‌آموزد که دائماً در شکنجه‌های بزرگترین دردها و مرگ ابدی متحمل شویم. خیلی برای نقض؛ اکنون به اعتراف می رسیم که قسمت دیگر توبه است.

## 36 اقرار چه اهمیتی دارد و چقدر نهاد آن برای نجات مسیحیان ضروری است.

کشیش ها تا چه اندازه باید در توضیح آن دقت و اهتمام داشته باشند: آنها به راحتی می توانند از این واقعیت بفهمند که تقریباً همه متقیان متقاعد شده اند که آنچه در این زمان تقدس، تقوا و دین در کلیسا به لطف خدا حفظ شده است، باید تا حد زیادی به اعتراف نسبت داده شود، به طوری که هیچ کس تعجب نکند که گربه ای را که از طریق ایمان کاملاً متجاوز بر ایمان انسان متجاوز می کند، غافلگیر شود. وزرای بی تقوای او و اقمار او برای حمله با تمام قوا به این دژ فضیلت مسیحی، تلاشی است ابتدا، بنابراین، باید بیاموزیم که نهاد اعتراف برای ما بسیار مفید و بسیار ضروری بود. زیرا برای اعطای این، گناهان باید با پشیمانی محو شوند: چه کسی نداند که باید آنقدر شدید، تند و تند باشد که تلخی درد را با عظمت جنایات برابر و مقایسه کرد؟ اما از آنجایی که عده کمی به این مرحله رسیدند، اتفاقاً از این طریق می‌توان به بخشش گناهان نیز امیدوار بود. از این رو لازم بود که پروردگار مهربان با دلیل آسان تری برای نجات مشترک مردم مشورت کند. در واقع او با تدبیر شگفت انگیزی که کلیدهای ملکوت آسمان را به کلیسا تحویل داد، انجام داد.

## 37 اقرار نقض را کامل می کند.

در واقع، دکترین ایمان کاتولیک باید توسط همه باور شود و دائماً تأیید شود. اگر کسی در ذهنش آنقدر متاثر شود که از گناهانی که مرتکب شده است پشیمان شود، در عین حال تصمیم می گیرد که در آینده گناه نکند، حتی اگر چنین اندوهی بر او اثر نگذارد، که می تواند برای گرفتن بخشش کافی باشد، اما برای او، هنگامی که گناهان خود را به درستی نزد کشیش اعتراف کرد، تمام جنایاتش بخشیده و بخشوده می شود، به طوری که با قدرت ما بسیار مورد عذرخواهی قرار گرفت. ای پدران که ورود به بهشت با کلیدهای کلیسا باز می شود. زمانی که شورای فلو

rentino1) .این حکم را بخوانیم که اثر انحراف، رفع گناه است
علاوه بر این، ممکن است از این مطلب بیاموزیم که اعتراف چه سود بزرگی دارد، برای کسانی که عادات زندگیشان فاسد است، هیچ چیز آنچنان مفیدی برای اصلاح آدابشان تجربه نمی کنیم، گویی گاهی افکار پنهان ذهن، همه اعمال و گفتار خود را برای دوستي عاقل و وفادار آشکار می کنند، که می تواند با اعمال و نصیحت به آنها کمک کند. از این رو، به همین دلیل، برای کسانی که وجدان جنایات خود رانده شده اند، می توان سودمندترین تصور کرد که بیماری ها و زخم های روح خود را به روی کشیش، به عنوان جانشین مسیح خداوند، که سخت ترین قانون سکوت دائمی به او پیشنهاد شده است، بگشایند. زیرا فوراً داروهایی را برای خود خواهند یافت که نه تنها بیماری کنونی را معالجه میکنند، بلکه با تهیه این گونهها قدرت ملکوتی خاصی بر روح دارند، به طوری که در آینده بازگشت به این نوع بیماری و رذیلت آسان نخواهد بود. در واقع، آن مزیت اقرار را که بسیار به اجتماع و اتحاد زندگی مربوط می شود، نباید نادیده گرفت. زیرا مسلم است که اگر اعتراف مقدس را از نظم و انضباط مسیحی خارج کنید، همه چیز پر از جنایات پنهان و پلید خواهد بود که بعدها و جنایات شدیدتر دیگر، مردانی که عادت به گناه فاسد شده اند، از ارتکاب آشکار آن هراسی نخواهند داشت. همانا صداقت اقرار به تجاوز به شهوات و فحشا افسار گسیخته و بی تقوایی را مهار می کند. اما اکنون با بهره مندی از اعتراف، شرح که ماهیت و نیروی آن است، باید به چوپانان تحویل داده شود.

## 38 شرح و ماهیت اعتراف مقدس.

بنابراین آنها آن را متهم کردن به گناهانی میدانند که از جنس مقدسات است که انجام میشود تا به قدرت کلیدها آمرزش پیدا کنیم. اکنون این اتهام به درستی گفته می شود که گناهان را نباید به گونه ای ذکر کرد، گویی می خواهیم جنایات خود را نشان دهیم، همانطور که کسانی که از انجام بدی خوشحال می شوند، انجام می دهند. یا اصلاً روایت کنیم تا بتوانیم رویدادی را برای لذت مخاطب بیکار توضیح دهیم. اما آنها را باید با چنان روحیه اتهامی برشمرد که ما بخواهیم آنها را در خودمان نیز اثبات کنیم. اما ما به خاطر استغفار به گناهان خود اعتراف می کنیم، زیرا این حکم با دادگاه های امور مالی که در آن ها مجازات و مجازات برای اقرار تعیین می شود، نه رفع گناه و گذشت از خطا، بسیار متفاوت است. تقریباً به همین عقیده، هر چند با الفاظ متفاوت، به نظر مي رسد اقدس الهي، اقرار را تعریف کرده اند؛ همانطور که آگوستین مقدس می گوید: "اعتراف آن است که به وسیله آن بیماری پنهانی به امید بخشش گشوده می شود." و گرگوری 8): «اعتراف کراهت از گناهان است». ') در فرمان یوجین چهارم.

«) ر.ک. سخنرانی 29 اوت 5 .o. *>) ج ج. گرگ. مرد 40. اینچ

که هر دو، آنچه در تعریف فوق آمده است، به راحتی می توان به آن اشاره کرد.

39 به همین دلیل، و زمانی که اعتراف توسط مسیح برقرار شد. اما اکنون، کاری که بیش از همه باید انجام شود، کشیشان

خواهند آموخت و بدون هیچ شکی به مؤمنان خواهند رساند که این آیین مقدس توسط مسیح خداوند برقرار شد، که همه چیز را به

خوبی و به خاطر نجات واحد ما، به دلیل خیر و رحمت عالی خود، برقرار کرد. زیرا پس از رستاخیز، هنگامی که رسولان در یک جا جمع

شدند، دمید و گفت: «روح القدس را بپذیرید، گناهان آن‌ها را می‌بخشید، آنها آمرزیده می‌شوند، و گناهان آنها را حفظ می‌کنید،

حفظ می‌شوند.»

40 از کدام قسمت‌های دیگر کتاب مقدس چنین استنباط می‌شود که اعتراف توسط مسیح تأسیس شده است.

و به نظر می‌رسد که خداوند به همین امر اشاره می‌کند،

هنگامی که به رسولان وظیفه داد تا ایلعازار را که از مردگان برخاسته بود، از بندهایی که با آنها بسته شده بود آزاد کنند.

زیرا آگوستین قدیس این قسمت را چنین تفسیر می‌کند: او می‌گوید:

«آن‌ها اکنون می‌توانند پیشرفت بیشتری داشته باشند، برای اعتراف‌کنندگانی که جنایت را برای آنها می‌بخشند، امان بدهند.

خداوند، یعنی از طریق همان حواریون ایلعازار، که قبلاً آنها را برانگیخته بود، به شاگردان پیشنهاد داد که فدیه‌ای را که به

آنها داده شده بود، بازخرید کنند.» آنها باید نشان دهند.» و آنها باید تحت داوری خود قرار گیرند. 41 به چه نحو از سخنان خداوند چنین استنباط می شود که لزوماً باید به کاهن اعتراف کرد و این که داوران جانشینان رسولان هستند.

بنابراین، هنگامی که خداوند قدرت بخشش و حفظ گناهان را به

کاهنان داد، واضح است که خود آنها نیز قضات آن موضوع بودند. اما از آنجا که، همانطور که شورای سنت ترنت 5) خردمندانه توصیه کرده است،

باید در مورد هر موضوعی قضاوت واقعی کرد و روش عدالت را نمی توان در تکرار جنایات و مجازات ها حفظ کرد، مگر اینکه علت آن به وضوح شناخته و درک شود: از اینجا نتیجه می شود که تمام گناهان توبه کنندگان باید یک به یک برای کاهنان آشکار شود. بنابراین کشیشان

این چیزها را که توسط شورای سنت ترنت مقرر شده است و به طور مداوم توسط کلیسای کاتولیک صادر شده است، آموزش خواهند داد. زیرا اگر مقدس ترین پدران را با دقت بخوانیم، هرگز به آشکارترین شهادت ها نخواهیم رسید، که به وسیله آنها بتوانیم تأیید کنیم که این

آیین مقدس توسط مسیح خداوند نهادینه شده است، و قانون اعتراف مقدس، که آنها آن را exomologesin و exagoreusin با اصطلاح یونانی می نامند، باید به عنوان انجیلی پذیرفته شود. اما اگر حتی تستای

قدیمی

') آیو. 20، 22. 23. >) آیو. 11، 44. 3) Lib. از حق و باطل توبه خواهند کرد. ه. 10. *) لوقا 17. 14. 6) سس. 14. توبه می کنند از فصل. 5.

اگر به جست و جوی چهره های ذهن بپردازیم، به نظر می رسد آن انواع قربانی هایی که توسط کاهنان برای کفاره گناهان انواع مختلف انجام می شد، بدون شک متعلق به اعتراف به گناهان است.

42 با این میوه، کلیسا مراسم خاصی را به اعتراف مقدس اضافه کرده است.

اما همانطور که باید به وفاداران آموزش داده شود که این اعتراف توسط خداوند منجی برقرار شده است، همچنین لازم است به آنها هشدار داده شود که برخی از مناسک و مراسم رسمی توسط اقتدار کلیسا اضافه شده است. که هر چند اشاره ای به دلیل راز ندارند، لیکن شأن آن را بیشتر در برابر دیدگان خود قرار می دهند و دلهای متورم از تقوای اقرار کنندگان را برای کسب فیض الهی آسانتر آماده می سازند. زیرا هنگامی که خود را به پای کشیش باز می اندازیم، با صورت های خود به زمین می افتیم، دست های دعای خود را دراز می کنیم و نشانه های دیگری از فروتنی مسیحی ارائه می دهیم، که برای مقصود مقدس ضروری نیست، به گناهان خود اعتراف می کنیم: از این موارد به وضوح درک می کنیم که هم نیروی آسمانی باید در راز شناخته شود، و هم این که از ما بیشترین رحمت و رحمت را کسب کنیم. مبتلا شدن

43 کسانی که در معرض گناهان کبیره هستند نمی توانند سلامت خود را از این اعتراف به دست آورند.

در واقع، هیچ کس فکر نخواهد کرد که اعتراف واقعاً توسط خداوند ایجاد شده است، اما هنوز به گونه ای است که او اعلام نکرده است که استفاده از آن ضروری است. در واقع، مؤمنان به این نتیجه می‌رسند که لازم است کسی که تحت ستم گناه فانی است، با راز اعتراف به زندگی روحانی فراخوانده شود. در واقع ما می‌بینیم که خداوند در زیباترین ترجمه آن را به وضوح نشان می‌دهد، زمانی که او قدرت اجرای این مراسم مقدس را کلید ملکوت آسمان نامید. زیرا همانطور که هیچ کس نمی تواند بدون اعمال کسی که کلیدها به او سپرده شده است وارد شود، بنابراین ما می دانیم که هیچ کس را به بهشت نمی پذیرند مگر اینکه درها توسط کاهنان که خداوند کلیدهای ایمان را به آنها داده است باز کنند. زیرا در غیر این صورت مشاهده می شود که مطلقاً از کلیدها در کلیسا استفاده نمی شود و کسی که قدرت کلید به او داده شده است، اگر راه دیگری برای ورود باز باشد، بیهوده مانع از ورود کسی به بهشت می شود. اما این را قدیس آگوستین 1 به وضوح تشخیص داد که گفت: "کسی با خود نگوید من در خفا نزد خداوند توبه می کنم، خدایی که مرا می بخشد می داند که در قلبم چه می کنم. آیا بی دلیل نیست که گفته می شود آنچه در زمین است در آسمان گشوده می شود؟ و به همین عقیده سنت آمبروز2) هنگامی که در حال براندازی بدعت نواتیان بود که فقط در خداوند قدرت داشتند، کتابی مکتوب در مورد توبه به جای گذاشت.

') گفتار 392. ج. 3. 2) از شعر. 2 .I.

آنها ادعا می کردند که بخشش گناهان را حفظ می کنند.

## 44 در چه سنی و در چه زمانی از سال باید اعتراف کرد.

اما از آنجا که هیچ شکی وجود ندارد که قانون اعتراف توسط خود خداوند وضع و وضع شده است، بنابراین باید دید چه کسی در چه سنی و در چه زمانی از سال باید از او اطاعت کند. بنابراین، اولاً از قانون شورای لاتران که ابتدای آن عبارت است از: «همه از هر دو جنس» چنین برمی‌آید که هیچ کس قبل از آن سنی که بتواند از عقل استفاده کند، مقید به قانون اقرار نیست. با این حال، آن سن با تعداد مشخصی از سال ها تعریف نمی شود، اما به نظر می رسد که به طور جهانی تعیین می شود: از آن زمان به کودک اعتراف نشان داده می شود، زمانی که او قدرت تشخیص خوب و بد را دارد و فریب می تواند در ذهن او بیفتد. زیرا هنگامی که کسی به آن دوره از زندگی رسید که در آن باید نجات ابدی را مورد بررسی قرار داد، ابتدا باید گناهان خود را نزد کاهن اعتراف کند، زیرا هیچ کس که توسط وجدان جنایات خود تحت ستم قرار گرفته است، اجازه ندارد به راه دیگری امید به نجات داشته باشد. اما در چه زمانی لازم است که اعتراف کنیم، طبق آن قانون، که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم، کلیسای مقدس حکم کرده است. زیرا او به همه مؤمنان دستور می دهد که حداقل سالی یک بار به گناهان خود اعتراف کنند.

## 45 هر بار مسیحیان باید از این فایده استفاده کنند.

اگر واقعاً در نظر بگیریم که دلیل رستگاری ما چه می‌خواهد، قطعاً هرگاه در خطر مرگ قرار می‌گیریم، یا سعی می‌کنیم به اموری بپردازیم که رسیدگی به آن برای شخص آلوده به گناهان مناسب نیست، مانند زمانی که ما مقدسات را انجام می‌دهیم یا درک می‌کنیم: اعتراف نباید به این اندازه حذف شود. و همین امر را باید به طور مطلق حفظ کرد، تا زمانی که می ترسیم مبادا در فراموشی هر عیب و نقصی که پذیرفته ایم گرفتار شویم. زیرا ما نمی‌توانیم به گناهانی که به یاد نمی‌آوریم اعتراف کنیم و از خداوند آمرزش گناهان را بگیریم، مگر اینکه راز توبه با اعتراف آنها را محو کند.

## 46 همه گناهان باید با جزئیات در اعتراف آشکار شود.

اما از آنجایی که در اقرار باید موارد زیادی رعایت شود که برخی از آنها مربوط به فطرت قربانی است و برخی دیگر نیز قابل انکار نیست: باید به طور دقیق با آنها برخورد کرد. زیرا جزوه ها و تفسیرها کم نیست که از آنها به راحتی بتوان توضیحی برای همه این مطالب یافت. و اینکه اولاً کشیشان تعلیم دهند که در اقرار دقت شود تا کامل و مطلق باشد; و تمام گناهان فانی باید برای کشیش آشکار شود. برای ') conc. لات تلویزیون ج. 21.

گناهان کفرآمیز که ما را از فیض خدا دور نمی کند و اغلب در آنها می لغزیم، گرچه به درستی و سودمندی به آنها اعتراف می کنیم، همانطور که عمل تقوا نشان می دهد: با این حال آنها بدون گناه از بین می روند، و می توان آنها را به دلایل بسیاری جبران کرد. اما گناهان کبیره، همانطور که قبلاً گفتیم، باید به صورت جداگانه برشمرد، هر چند که حتی در مخفی ترین وجه پنهان باشد و از آن دست باشد، که فقط در دو فصل آخر دکالوگ از آن نهی شده است. زیرا اغلب اتفاق می افتد که آنها روح را شدیدتر از آنهایی که مردم عادت دارند آشکارا و آشکارا گناه می کنند زخمی کنند. این در واقع همان چیزی است که توسط شورای مقدس تریدنتین تعریف شده است و همیشه توسط کلیسای کاتولیک صادر شده است، همانطور که شهادت پدران مقدس اعلام می کند. زیرا در قدیس آمبروز) به این صورت است: "هیچ کس را نمی توان از گناه عادل کرد مگر اینکه به گناه خود اعتراف کرده باشد." سنت ژروم نیز به وضوح همین را در کتاب جامعه تأیید می کند. زیرا می فرماید: «اگر مار کسی را پنهانی نیش بزند و او را به زهر گناه آلوده کند، بدون آن که کسی بداند، اگر سکوت کند و توبه نکند و نخواهد زخم خود را نزد برادر یا معلمی اقرار کند، معلمی که زبانی برای شفا دارد، سودی نمی برد». بعلاوه، قدیس سیپریان در موعظه خود در مورد افتادگان، این را آشکارا با این عبارات تعلیم می دهد: «اگرچه هیچ فداکاری و تهمتی در بند نیست، چون به آن فکر کرده اند، دردناک و به سادگی آن را نزد کاهنان خدا اعتراف می کنند، وجدان شناسی می کنند، سنگینی جان خود را به خاطر زخم های کوچک می کشند.» در نهایت، این صدای و نظر مشترک همه معلمان کلیسا است.

47 شرایط گناه، در حالی که شخص اعتراف می کند، باید آشکار شود.

اما در اعتراف به این که باید نهایت دقت و اهتمام را به کار گرفت که معمولاً در جدی ترین امور به آن توجه می کنیم و همه مطالعه باید به آن اختصاص یابد تا زخم های روح را مرهم و ریشه گناه را ریشه کن کنیم. لازم نیست فقط گناهان سخت را با گفتن آنها توضیح دهیم، بلکه باید گناهانی را که بر هر گناهی احاطه دارند و انحراف را بسیار زیاد یا کاهش می دهند. زیرا برخی از اوضاع و احوال آنقدر سنگین است که دلیل گناه کبیره فقط در آنها است. بنابراین، همه این موارد همیشه باید تأیید شوند. زیرا اگر کسی مردی را بکشد، باید توضیح داده شود که آیا او مبتدی مقدس بوده یا ناسزا. همچنین اگر به عنوان زن یا یکی از خویشاوندان یا با نذری با زنی غیر از قانون نکاح جماع کرده باشد، باید آن را بگشاید. برای اینها

') lib. 10 .فصل 2.14) ج .از پاراد.

آنها طبقات گربه ها را تشکیل می دهند، به طوری که اولی در واقع صرفاً زنا، دومی زنا، سومی زنا با محارم، چهارمی توهین آمیز توسط معلمان چیزهای الهی است. دزدی نیز جزء گناهان است; اما اگر کسی یک سکه طلا بدزدد، گناه کوچکتر از کسی که صد یا دویست یا مقدار زیادی طلا دزدیده است، مخصوصاً کسی که مال مقدس را می برد، مرتکب می شود. این دلیل نیز متعلق به مکان و زمان است که نمونه هایی از آن را در بسیاری از کتاب ها بهتر از ذکر ما می شناسیم. پس چنانکه گفتیم اینها را باید برشمرد; که با این حال، انحراف موضوع را چندان افزایش نمی دهد، ممکن است بدون سرزنش حذف شوند.

47 اعتراف، در qiutear a nsdpao n tees t. چیزی جدی تر

امّا اقرار آنقدر لازم است که چنانکه قبلاً گفتیم باید کامل و مطلق باشد، به طوری که اگر انسان بعضی از آثاری را که باید توضیح داده شود، ترک کرد، ولی بعضی دیگر را فقط اقرار کرد: نه تنها از آن اقرار غرامتی نمی گیرد، بلکه مرتکب جنایت جدیدی نیز می شود. و همچنین شمارش این گونه گناهان را نمی توان به نام اقرار نامید که در آن دلیل راز آمده است; بلکه لازم است توبه کننده اقرار را تکرار کند و سپس خود را مرتکب آن گناه کند، زیرا با تظاهر به اقرار، حرمت را نقض کرده است.

49 اقراری که در آن چیزی از روی فراموشی یا کم توجهی حذف شده باشد که تکرار نشود.

اما اگر به دلیل دیگری ظاهر شود که چیزی در اعتراف گم شده است، خواه به این دلیل که توبه کننده برخی از جرایم را فراموش کرده است، یا به این دلیل که وجدان خود را به دقت جست وجو نکرده است، هرچند هنوز آن را در ذهن داشت، باید به تمام گناهان خود اعتراف کند: دیگر نیازی به تکرار اعتراف نخواهد بود. اگر گناهانی را که فراموش کرده بود به خاطر بیاورد، اختیار کافی خواهد داشت تا در زمانی دیگر به کشیش اعتراف کند. با این حال، باید آن را رعایت کرد تا مبادا وجدان خود را خیلی آزادانه و سست بررسی کنیم و آنچنان با سهل انگاری به دنبال یادآوری گناهانی باشیم که در حافظه خود مرتکب شده ایم، تا شاید دیده شود که سزاوارانه حتی نخواسته ایم آنها را به خاطر بسپاریم. زیرا اگر این کار انجام شده باشد، تکرار اقرار کاملاً ضروری است.

L. اعتراف باید ساده، ساده و آشکار باشد.

علاوه بر این، باید مراقب بود که اعتراف برهنه، ساده و آشکار باشد و تصنعی نباشد، که به نظر می‌رسد بیشتر دلیل زندگی خود را بیان می‌کنند تا اینکه به گناهان خود اعتراف کنند. زیرا این باید آن اعتراف باشد که ما را به روی کشیشانی که خودمان می شناسیم و به طور قطعی قطعی است، باز می کند.

او به جای شبهه به شک اشاره می کند. اما اگر گناهان مورد سرزنش قرار نگیرد یا سخنانی بیگانه با موضوع مورد بحث ما درج شود، واضح است که اقرار فاقد این فضیلت است.

## LI. اعتراف باید محتاطانه و خجالتی باشد.

کسانی که در تبیین مطالب از تدبیر و حیا استفاده می کنند نیز به شدت قابل تقدیر هستند. زیرا نباید با الفاظ زیاد انجام شود، بلکه آنچه مربوط به ماهیت و دلیل هر گناهی است، باید در دعای کوتاهی که در آن حیا باشد، باز شود.

51 اقرار را نمی توان با قاصد یا نامه انجام داد. اما هم اعتراف کننده و هم کشیش باید برای این کار سخت تلاش کنند تا گفتار آنها در اعتراف مخفی بماند. بنابراین چنین می شود که اصلاً هیچ کس، نه از طریق پیام رسان و نه با نامه، از آنجایی که اکنون هیچ کاری را نمی توان مخفیانه انجام داد، مجاز به اعتراف به گناهان نیست. 53 برای یک مرد مسیحی مصلحت است که اغلب اعتراف کند.

اما هیچ چیز نباید آنقدر برای مؤمنان نگران کننده باشد که آنها با اعتراف مکرر به گناهان خود سعی در کفاره روح خود کنند. زیرا هنگامی که یک انسان مجبور به جنایتی مرگبار می شود، با توجه به خطرات فراوان زندگی اش، هیچ چیز نمی تواند برای او مفیدتر از اعتراف یکباره به گناهانش باشد. زیرا برای اینکه هر کس به خود وعده عمر طولانی بدهد، واقعاً شرم آور است که وقتی در شستن کثیفی های بدن یا لباس کوشا هستیم، حداقل با همان اهتمام مراقب نباشیم، مبادا زشت ترین لکه های گناه، شکوه و جلال روح را خدشه دار کند.

## LIV یک وزیر باید دارای قدرت مضاعف باشد.

اما اکنون باید از وزیر این مراسم مقدس صحبت کنیم. اکنون که او کشیشی است که دارای قدرت عادی یا تفویض شده برای تبرئه است، از تحریم های کلیسایی به اندازه کافی مشهود است. زیرا او نه تنها باید نظم داشته باشد، بلکه باید از قدرت صلاحیت نیز برخوردار باشد که باید این وظیفه را انجام دهد. اما سخنان خداوند در سنت جان (20، 23) گواهی درخشانی از این خدمت ارائه می دهد: "گناهان آنها را که ببخشید، بخشیده می شوند و گناهان آنها را حفظ می کنید، حفظ می شوند." زیرا بدیهی است که این مطالب نه به همه، بلکه فقط به حواریون گفته شده است، که کاهنان در این کار موفق می شوند. و این نیز بسیار موافق است; زیرا از آنجایی که هر نوع فیضی که به وسیله این راز عطا می شود، از سر مسیح به اعضا گرفته شده است، آنها باید شایسته آن باشند که آن را به بدن عرفانی مسیح، یعنی مؤمنان، که به تنهایی قدرت ایجاد همان بدن واقعی را دارند، به کار گیرند، زیرا به ویژه مؤمنان به واسطه همین راز توبه، شایسته و شایسته می شوند تا سحر مقدس را دریافت کنند. درست است که زمانی در قدیمی ترین کلیسا چقدر دین وجود داشته است

این که حق کشیش معمولی محفوظ است، از احکام قدیمی پدران به راحتی قابل درک است، که به موجب آن مقرر شده بود که هیچ اسقف یا کشیشی نباید جرأت انجام کاری را در محله دیگری انجام دهد، بدون اقتدار شخصی که ریاست او را برعهده دارد، یا مگر اینکه به نظر می رسد ضرورت شدیدی مجبور به انجام آن باشد. در واقع، زمانی که به تیتوس دستور داد تا در هر ایالت کاهنانی ایجاد کنند که مومنان را در غذای آسمانی آموزه ها و مقدسات تغذیه و آموزش دهند، توسط رسول تایید شد.

55 هر کشیش می‌تواند هر گناهکاری را که نیازمند باشد تبرئه کند.

با این حال، اگر خطر مرگ تهدید شود و به کشیش مناسب فرصت داده نشود، مبادا کسی تصادفاً از بین برود، شورای ترنت 2) تعلیم می‌دهد که در کلیسای خدا محافظت می‌شد، که برای هر کشیشی مجاز بود نه تنها همه گناهکاران را با هر قدرتی که داشت ببخشد، بلکه آنها را از بند تکفیر نیز رها کند.

56 چه نوع ssuiao n issa l umtien i ssotlelri.c ito باید انتخاب شود

حال علاوه بر قوه نظم و صلاحیت که مطلقاً لازم است، قبل از هر چیز لازم است که وزیر امر مقدس هم دارای علم و علم باشد و هم دارای تدبیر; زیرا او شخص قاضی و پزشک را همزمان می پوشد. و در مورد اولی کاملاً روشن است که لازم نیست علم مشترکی داشته باشیم که با آن گناهان را بررسی کنیم و بتوان از انواع گناهان، اعم از کبیره یا سبک، نسبت به امر و نوع هر انسان قضاوت کرد. اما از آنجایی که او یک پزشک است، به نهایت احتیاط نیز نیاز دارد. در واقع باید مراقب بود که آن داروهایی برای بیمار تجویز شود که به نظر می رسد برای شفای روح او و تقویت او در آینده در برابر نیروی بیماری مناسب تر است. از آن مؤمنان قادر خواهند بود بفهمند که هر کس باید با بیشترین اهتمام به انتخاب کشیشی برای خود بپردازد، که یکپارچگی زندگی، یادگیری و قضاوت عاقلانه او را توصیه کند. که به خوبی می داند در دفتری که بر عهده اوست چقدر وزن و اهمیت دارد و برای هر جرمی چه مجازاتی مناسب است و چه کسانی باید پرداخت شوند یا مقید شوند.

57 ممکن است هرگز با کلمه یا علامت چیزی که در طول اعتراف شنیده شده آشکار نشود.

اما از آنجایی که هیچ کس نیست که شدیداً مایل به پنهان ماندن جنایات و خواری خود نباشد، باید به مؤمنان هشدار داد که هیچ ترسی وجود ندارد، مبادا چیزهایی را که خودشان با اعتراف آشکار کرده‌اند توسط هیچ کشیشی متذکر شود و خطری از آنها ناشی نشود.

') تیت. 1، 5، 2) توبه کردن. سس 14. ج، 7

در هر زمان می توان یک مسابقه برای خود ایجاد کرد. زیرا کاهنان می‌خواستند سخت‌ترین تحریم‌های مقدس را برای کسانی که تمام گناهانی را که کسی به آنها اعتراف کرده بود، با سکوت همیشگی و مذهبی سرکوب نکرده بودند، رعایت کنند. به همین دلیل در شورای بزرگ لاتران می خوانیم: "کاهن کاملاً مراقب باشد که مبادا با کلمه یا علامت یا به هر طریق دیگری به گناهکار تا حدی خیانت کند." 58 این چیزها مخصوصاً باید توسط کشیش که اعترافات دیگران را دریافت می کند رعایت کند.

اما اینک ترتیب امور ایجاب می کند که پس از آنچه در مورد وزیر گفته شد، نکاتی اساسی توضیح داده شود که با کاربرد و برخورد اقرار چندان سازگار نیست. زیرا بخش بزرگی از مؤمنان که معمولاً چیزی دورتر از انجام آن روزهایی که توسط قانون کلیسایی برای اعتراف تعیین شده است نمی بینند، آنقدر از کمال مسیحی دور هستند که به ندرت گناهان خود را به یاد می آورند، چه رسد به اینکه از بقیه مراقبت کنند، که واضح است که بیشترین فیض الهی را برای بردن دارد. بنابراین، در حالی که نجات آنها باید با کوشش تمام انجام شود، کاهنان این را ابتدا در توبه کننده به دقت رعایت می کنند: اگر او از گناهان خود پشیمان باشد و مسلم باشد که در آینده از گناه رهایی یافته است. اما اگر بفهمند او در چنین حالتی است، به او گوشزد می‌کنند و شدیداً به او توصیه می‌کنند که به خاطر این نعمت بزرگ و منحصر به فرد، از خداوند بزرگ سپاسگزاری کند و هرگز از درخواست حمایت از فیض بهشتی دست نکشد، که با استحکام و پناه، به راحتی می‌تواند در برابر هوس‌های شیطانی مقاومت کند و مقاومت کند. همچنین باید تعلیم داده شود که روزی نباشد که در اسرار شور و شوق پروردگارمان تأمل شود و خود او برای تقلید از او و دوست داشتن او با نهایت صدقه، خود را تحریک و ملتهب سازد. زیرا با این مراقبه به دست می‌آید که او خود را بیشتر و بیشتر از همه وسوسه‌های شیطان در امان می‌داند. زیرا هیچ دلیل دیگری وجود ندارد که ما در ذهن و قدرت به این سرعت یا به آسانی در هنگام حمله دشمن تسلیم شویم، جز این که در پی این نیستیم که از تأمل در امور بهشتی آتش عشق الهی را به وجود آوریم، تا به وسیله آن ذهن شاداب و برافراشته شود. اما اگر کشیش بفهمد که کسی که می‌خواهد اعتراف کند نباید آنقدر برای گناهانش غمگین شود که واقعاً شکسته خوانده شود، بگذار با میل شدید پشیمانی او را تحت تأثیر قرار دهد تا آنگاه که مشتاق میل به این هدیه عالی است، آن را در ذهن خود بیاورد تا از خدا رحمت کند و آن را آشکار کند.

50 اعتراف کننده با کسانی که گناهان خود را معذور می کنند چگونه باید رفتار کند؟

اما در وهله اول باید غرور عده ای را بررسی کرد که یا به بهانه ای از جنایات خود دفاع می کنند یا آن را به حداقل می رسانند.

برای مثال، وقتی کسی اعتراف میکند که عصبانیت او را با خشونت بیشتری برانگیخته است، به نائین تکیه میکنند: او بلافاصله علت این اختلال را به دیگری نسبت میدهد و او ابتدا شکایت میکند که به او ظلم شده است. پس باید به خاطر داشت که این نشانه روحی متعالی و مردی است که بزرگی گناه خود را تحقیر می کند یا کاملاً ناآگاه است. اما پس این نوع عذر به افزایش گناه تعلق دارد تا کاهش آن. زیرا کسی که میکوشد عمل خود را از این طریق ثابت کند، ظاهراً اعتراف میکند که وقتی کسی به او ظلم نمیکند، شکیبایی خواهد کرد. در واقع، هیچ چیز نمی تواند بی ارزش تر از یک مرد مسیحی باشد. و چون باید بیش از همه برای نوبت ظالم اندوهگین می شد، از انحراف گناه متاثر نمی شد، بلکه بر برادرش خشمگین می شود و چون فرصتی عالی به او داده شد تا خدا را با صبر عبادت کند و برادرش را با فروتنی اصلاح کند، امر نجات را به هلاکت رساند.

60 چگونه اعتراف کننده می تواند با کسانی که از اعتراف به گناهان خود خجالت می کشند یا ناآماده نزد او می آیند مشورت کند؟

اما تقصیر کسانی که با نوعی شرم احمقانه مانع شده اند، جرات اعتراف به گناهان خود را ندارند، زیانبارتر است. بنابراین لازم است با تشویق آنها آنها را تشویق کنیم. و پند می دهند که از آشکار شدن عیوب آنها هیچ ترسی وجود ندارد و هیچ کس نباید تعجب کند اگر بفهمد مردم گناه می کنند. که در واقع بیماری مشترک همه است و به درستی در ضعف انسان قرار می گیرد. دیگرانی هستند که یا به ندرت به گناهان خود اعتراف می کنند و یا اینکه در رسیدگی به جنایات خود هیچ اهتمام و فکری نکرده اند، نه برای اقرار مرتکب، و نه از کجا باید این وظیفه را آغاز کرد. یقیناً لازم است آنها را با شدت بیشتری سرزنش کرد و قبل از هر چیز، قبل از اینکه کسی نزد کاهن برود، تعلیم داد که باید با دقت تمام مراقب باشد تا از پشیمانی گناهکارانش متاثر شود. اما این را به هیچ وجه نمی توان انجام داد، مگر اینکه با یادآوری خاطرات آنها را به تفصیل مطالعه کند. بنابراین، اگر کشیش بداند که چنین افرادی کاملاً بیآموز هستند، آنها را با انسانیترین الفاظ اخراج میکند و به آنها توصیه میکند که برای تأمل در گناهان خود کمی وقت بگذارند و سپس بازگردند. اگر تصادفاً تصدیق کنند که تمام همت و دقت خود را در این مورد به کار گرفته اند (زیرا باید از یک کشیش بیشتر ترسید که مبادا پس از اخراج مجدداً برنگردند:) شنیده می شوند، به خصوص اگر علاقه ای به بهبود زندگی خود داشته باشند، و می توان آنها را متهم به سهل انگاری کرد، که قول می دهند در زمان دیگری با دقت و احتیاط جبران کنند. اما در آن باید احتیاط زیادی کرد. زیرا اگر با شنیدن اعتراف قضاوت کرده باشد، نه به شمردن گناهان خود اهمیتی می دهد و نه از آنها بیزاری می کند.

اگر شبکه به طور کامل وجود نداشته باشد، می توان آن را تبرئه کرد. اما اگر متوجه شود که هر دو در او ناخواسته هستند، مؤلف و متقاعد کننده او خواهد بود، چنانکه قبلاً گفته شد، در وجدان متزلزل، بیشتر مواظبت کند و پس از آن که با او رفتار کرد، تا آنجا که می تواند به نرمی رها کند.

من خجالت می کشم که چگونه نصیحت کنم. hXI.

اما از آنجایی که گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که زنان با فراموش کردن جرمی در اعترافات قبلی خود، جرأت نمی‌کنند دوباره نزد کشیش بازگردند، زیرا می‌ترسند که یا مورد سوء ظن بی‌تفاوتی شدید نسبت به مردم قرار گیرند، یا تصور شود که در پی ستایش یک دین خاص هستند، غالباً چه به طور عمومی و چه خصوصی آموزش داده می‌شود که هیچ کس قادر به به خاطر سپردن سخنان و افکار خود نیست. بنابراین، اگر مؤمنان به خاطر جنایتی که قبلا بخشیده شده بود بازگشته باشند، نباید چیزی از بازگشت نزد کشیش منصرف شوند. بنابراین، اینها و بسیاری چیزهای دیگر از این دست، باید توسط کاهنان در اعتراف رعایت شود. حال سومین قسمت توبه می آید که به آن رضایت گفته می شود.

62 رضایت به طور کلی و در امر اقرار به چه معناست.

پس ابتدا باید نام و نیروی رضایت توضیح داده شود. زیرا دشمنان کلیسای کاتولیک از این طریق فرصت فراوانی را برای اختلاف و اختلاف با بزرگترین ویرانی مردم مسیحی استفاده کردند. اینک راضی بودن بدهی، تادیه کامل است; برای آنچه کافی است، به نظر می رسد که او چیزی کم ندارد. بنابراین، هنگامی که از آشتی فیض صحبت می کنیم، به معنای رضایت دادن به آن است، تا جایی که می تواند برای انتقام ظلمی که در حق او انجام شده است، به دیگری ببخشد. و بنابراین رضایت چیزی نیست جز جبران آسیبی که به دیگری وارد شده است. اما آنچه مربوط به این آیه است، معلمان شئون الهی برای بیان آن غرامت، زمانی که انسان در برابر گناهانی که مرتکب شده، چیزی را به خدا داده است، از نام رضایت استفاده کرده اند.

63 درجات رضایت او چیست؟ که شامل مقداری جبران گناه است.

به طور کلی، از آنجایی که درجات زیادی وجود دارد، نتیجه می شود که رضایت به طرق مختلف صورت می گیرد; و در حقیقت اولین و برجسته ترین آن این است که به موجب جنایات ما، حتی اگر خدا بخواهد با ما به حق متعالی برخورد کند، هر چه از ما ظلم شده است به طور کامل پرداخته شده است. اما گفته می‌شود که این چیزها به گونه‌ای است که ما را به خدای سعادتمند و مماشات تبدیل می‌کند، که او را در یک مسیح خداوند پذیرفته‌ایم، که بر روی صلیب، پس از پرداخت بهای گناهان ما، خدا را کاملاً راضی کرده است. هیچ کدام

زیرا هر آفریده‌ای می‌تواند به اندازه‌ای ارزش داشته باشد که ما را از چنین بار سنگینی رهایی بخشد، و همانطور که قدیس جان شهادت می‌دهد، "خود کفاره گناهان ما است، و نه تنها برای گناهان ما، بلکه برای کل جهان." پس این یک رضایت کامل و انباشته است که به طور مساوی و یکسان با حساب تمام جنایاتی که در این دنیا انجام شده است، مطابقت دارد. به ثمری که اعمال انسان در نزد خداوند بیشترین ارزش را دارد و بدون آن به هیچ وجه شایسته ارزیابی نخواهد بود. و سخنان داوود ظاهراً به این اشاره دارد، که پس از آن که آن را با خود حساب کرد، آن را مطرح کرد: "در برابر همه آنچه خداوند به آسیابان می دهد، چه جبران کنم؟" او چیزی جز این رضایت که با نام جام بیان می کرد، در خور فوائد فراوان پیدا نکرد. بنابراین او تسلیم شد: "من جام نجات را خواهم گرفت و نام خداوند را خواهم خواند." نوع دیگر رضایت آن است که شرعی نیز نامیده می شود و در مدت معینی تکمیل می شود. از این رو در عمل قدیمی ترین کلیسا پذیرفته شد که وقتی توبه کنندگان از گناهان خود رها می شوند، مجازاتی بر آنها ریخته می شود که پرداخت آن را معمولاً ارضا می نامند. اما با همین نام دلالت بر هر نوع مجازاتی دارد که ما برای گناهان متحمل می شویم، نه توسط کشیش، بلکه به طور داوطلبانه دریافت می کنیم و توسط خودمان تکرار می شود.

## 64 این رضایت که متعلق به راز توبه است چیست؟

درست است که این ربطی به توبه ندارد، زیرا این یک مراسم مقدس است، بلکه فقط باید جزئی از مراسم مقدس محسوب شود که به دستور کشیش گفتیم که برای گناهان به خدا وابسته است. علاوه بر این، که شاید با فکر و تدبر تصمیم گرفته باشیم که در آینده با کوشش تمام از گناهان دوری کنیم. برخی آن را این گونه تعریف کرده اند: راضی بودن به ادای آبروی خداوند است. اکنون که هیچ کس نمی تواند برای خدا عزت و احترام کند، مگر کسی که تصمیم به دوری کامل از گناه داشته باشد، به اندازه کافی مشهود است. و همین که اسباب گناهان را بریده و به پیشنهادات آنها نپردازیم کافی است. به عقیده دیگران، رضایت، طهارتی است که به وسیله آن، هر پلیدی که بر اثر لکه گناه در روح است، شسته می‌شود و از مجازات‌های تعیین شده در زمان، که به آن مقید بوده‌ایم، مبرا می‌شویم. اگر این موارد چنین باشد، متقاعد کردن مؤمنان آسان خواهد بود که چقدر لازم است توبه‌کنندگان در این مطالعه رضایت‌مندی خود را تمرین کنند.

## 65 مجازات موقت همیشه با بخشودگی کیفر ابدی که منجر به بخشش گناه می شود، برطرف نمی شود.

زیرا باید به آنها آموخت که از گناه دو چیز حاصل می شود: لکه و مجازات. و اگرچه گناه همیشه در همان زمان بخشیده می شود.») I. Jo. 2، 2. 3)

ص. 115، 12. 13.

حتی مجازات مرگ ابدی که در عالم اموات برقرار شده بخشیده خواهد شد. با این حال، همیشه اتفاق نمی افتد، همانطور که توسط شورای تریدنتین اعلام شد، که خداوند بقای‌ای گناهان را می بخشد، و مجازات تعیین شده در زمان معینی را که ناشی از گناهان است، می بخشد. نمونه‌های روشنی از این امر در نوشته‌های مقدس، در فصل سوم پیدایش (آیه 17.) شماره. 12، 14 و 20، 12، و در بسیاری از جاهای دیگر. اما اجازه دهید به معروف ترین و برجسته ترین داوود نگاه کنیم. که حتی ناتان به او گفته بود: "خداوند گناه تو را نیز برداشته است، تو نخواهی مرد" با این حال سخت ترین مجازات ها را متحمل شد و شبانه روز با این کلمات از رحمت خدا طلبید: "مرا از گناهم بیشتر بشوی و از گناهم پاک کن، زیرا گناهم را می دانم و گناهم همیشه بر ضد من است." در این کلمات از خداوند خواسته شد که نه تنها از جنایت، بلکه مجازات ناشی از جنایت را نیز ببخشد و او را که از بقای‌ای گناه پاک شده است، به زیبایی و تمامیت سابق خود بازگرداند. و هنگامی که او این چیزها را با بالاترین دعاها التماس کرد، با این حال خداوند او را با فرار و مرگ پسرش که از زنا گرفته شده بود و ابشالوم را که فقط او را دوست داشت و با مجازاتها و بلاهای دیگری که قبلاً برای او در نظر گرفته بود مجازات کرد. همچنین در خروج 4)، اگرچه خداوند، که از دعای موسی برانگیخته شده بود، از مردم بت پرست در امان بود، اما او تهدید کرد که برای چنین جنایتی مجازات های سختی را تکرار خواهد کرد. و خود موسی شهادت داد که خداوند انتقام آن را به شدت از نسل سوم و حتی نسل چهارم خواهد گرفت. این که این چیزها همیشه توسط پدران مقدس در کلیسای کاتولیک منتقل شده است، به وضوح توسط اقتدار آنها ثابت می شود.

66 چرا خدا انسان را آنقدر از طریق آیین توبه که از طریق غسل تعمید زیاده خواهی نمی کند.

دلیل واقعی اینکه چرا مجازات تمام توبه‌ها در آیین مقدس و همچنین در غسل تعمید بخشیده نمی‌شود، به وضوح توسط مجمع مقدس ترنت (6) با این عبارات توضیح داده شد: «به نظر می‌رسد دلیل عدالت الهی این است که از یک جهت کسانی که قبل از غسل تعمید از طریق جهل گناه می‌کنند، به فیض درآیند؛ اما از طریق دیگر کسانی که از گناه و عطای هولاو آزاد شده‌اند، آزاد شده‌اند. روح القدس را آگاهانه تجاوز کن، 6) و روح القدس را اندوهگین نکنیم و سزاوار رحمت الهی است که گناهان ما بدون رضایت بخشیده نشود تا با پذیرفتن مناسبت، در گناهان شدیدتر و توهین به روح القدس غرق شویم.

') سس. 14. از مجازات ج. 8. 12. و 15. 2) 13 ،12 .II. Reg. الف) ص. 50، 4. 6. *) مثال. 32، اول کور. 3، 17. افس. 4، 30. 7) روم. 2، 5 (8.6 .14. o. Sess (6 .34 .14

این مجازاتهای رضایتبخش بررسی میشود و توبهکنندگان را در آینده مراقب و هوشیارتر میکند." او میافزاید که ممکن است اینها نوعی شهادت باشد از دردی که ما از گناهانی که مرتکب شدهایم دریافت میکنیم؛ به همین دلیل برای کلیسا که به شدت از جنایات ما آزرده شده است، کافی است. که خود گناهان آمرزیده شود، ممکن است ارضا شود» 67. بدین ترتیب از مجازات هایی که بر ما وارد می شود، دیگران جوان می شوند.

علاوه بر این، مصادیق توبه ما به دیگران می آموزد که چگونه به زندگی خود نظم دهند و از تقوا پیروی کنند. زیرا وقتی دیگران به مجازاتهایی که به خاطر گناهانمان بر ما تحمیل شده است نگاه میکنند، میفهمند که نهایت احتیاط این است که در تمام زندگیشان نسبت به آنها اعمال شود و آداب قبلیشان اصلاح شود. بنابراین، کلیسا این را عاقلانهترین رعایت میکرد، به طوری که وقتی جنایتی توسط کسی علناً مرتکب شده بود، باید توبه عمومی را نیز به او گوشزد کرد تا بقیه که از ترس وحشت کرده بودند، از این پس با جدیت بیشتری از گناه اجتناب کنند. که گاه حتی در جنایات مخفی که شدیدتر بود مرسوم بود. اما چنانکه گفتیم این امر در عامه جاودانه بود تا کسانی که مرتکب آن شده بودند، پیش از آن که توبه عمومی کنند، تبرئه نشوند. در این میان، شبانان برای نجات خود از خدا خواستند و از تشویق آنها دست برنداشتند که حتی وقتی توبه کرده بودند، همین کار را انجام دهند. در آنجا بود که بیشترین توجه و دلجویی از سنت آمبروز، 2) با اشک های او گزارش شده است که بسیاری از کسانی که با قلبی سخت به مراسم توبه آمده بودند، چنان نرم شدند که درد پشیمانی واقعی را درک کردند. درست است که بعد از آن فقط از شدت ادب قدیم کاسته شد و صدقه آنچنان سرد شد که اکثر مؤمنان اکنون هیچ درد باطنی و ناله قلبی را برای استغفار گناهان لازم نمی دانند، بلکه اگر ظاهر رنج را داشته باشند کافی می دانند.

68 ما از طریق توبه نزد مسیح جلال مییابیم.

اما پس از آن، با استقامت در چنین مجازاتهایی، به این نتیجه میرسیم که شباهت و تصویر سر خود عیسی مسیح را داشته باشیم، که او در آن رنج کشید 3) و وسوسه شد. زیرا هیچ چیز را نمی توان چنان تغییر شکل یافت، همانطور که سنت برنارد می گوید، 4) به اندازه داشتن عضوی ظریف زیر سر خاردار. نارا شاهد است

در زندگی سنت آمبر. ») عبری. 2، 18. «) خطبه 5. د. Paulin. (• .65 ..cShainrc.t t so ‎«mni'b)u s t in

از نظر رسول، ما «وارث مشترک» مسیح هستیم. و آنچه در جای دیگر نوشته است»2: «اگر مردیم با هم زندگی می کنیم، اگر تحمل کنیم و با هم خواهیم بود».

69 پس از رحمت خدا در گناه، یوغ عدل چگونه است.

حتی برنارد الهی3) تأیید می کند که دو چیز در گناه یافت می شود: لکه روح و طاعون. و همانا رحمت خداوند شرم را از بین می‌برد، اما مراقبتی که در درمان توبه به کار می‌رود، برای شفای بلاهای گناه بسیار ضروری است. زیرا همانطور که با یک زخم التیام یافته زخم های خاصی باقی می ماند که خود باید از آنها مراقبت کرد: در روح نیز که گناه بخشیده می شود، بقایایی باقی می ماند که باید پاک شوند. دی کریستوم 4 نیز همین جمله را به وضوح تأیید می کند، وقتی می گوید: «درآوردن تیر از بدن کافی نیست، بلکه باید زخمی که از تیر وارد شده است نیز شفا یابد: پس حتی در روح نیز پس از پذیرفته شدن آمرزش گناه، زخم باید شفا یابد». زیرا اغلب آگوستین 5 به من آموخته است که این چیزها را باید در توبه به خاطر بسپاریم: رحمت و عدالت خدا. رحمتی که به وسیله آن گناهان و عذاب ابدی را که بر عهده اوست می بخشد؛ عدالتی که به وسیله آن انسان را با مجازات های تعیین شده در زمان مجازات می کند.

70 ما از طریق توبه از مجازات هایی که خدا برای ما آماده کرده است می گریزند. در نهایت، مجازات توبه ای که ما دریافت می کنیم، خشم خدا و مجازات هایی را که علیه ما وضع شده است، دفع می کند. زیرا رسول چنین تعلیم می دهد، هنگامی که می گوید: "اگر خود را قضاوت کنیم، قطعاً توسط چه کسی داوری خواهیم شد، اما چون ما را مورد قضاوت قرار می دهد، توسط خداوند سرزنش می شویم تا در این دنیا لعنت نشویم." این چیزها، وقتی برای مؤمنان توضیح داده شد، به سختی می توان انجام داد، مبادا برای اعمال توبه بسیار هیجان زده شوند.

71 از این رو کارهای ما باید هم شایسته و هم رضایت بخش باشد.

اما قدرت او از این واقعیت است که کاملاً به شایستگی اشتیاق خداوند مسیح بستگی دارد. که با اعمال صادقانه ما آن دو بزرگ ترین کالا را به دست می آوریم: دوم این که سزاوار ثواب جلال جاودانه باشیم، تا حتی جام آب سردی که به نام او می دهیم کم ثواب نباشد. دیگری، تا برای گناهان خود ارضا شویم.

72 رضایت ما رضایت و شایستگی مسیح را پنهان نمی کند.

در واقع، این کمال و انباشته‌ترین رضایت مسیح خداوند را پنهان نمی‌کند، بلکه باعث تحقق آن می‌شود.

') رام 8، 17. الف) II. تیم 2، 11. 12. 9) سرم. از شام Dom. *) مرد 80. به پاپ. انطاکیه «) در ص. 50 .6) اول کور. 11، 31 متر مربع ') مت. 10، 4: مرقس 9. 40. تعلیم و تربیت،



Conc. سه

تا آن را بسیار واضح تر و برجسته تر کند. زیرا فیض مسیح زیادتر به نظر می رسد، زیرا نه تنها آن چیزهایی که خود او به تنهایی به ما ابلاغ می شود، بلکه چیزهایی را نیز که او به دست آورد و به عنوان سر در اعضای خود به انسان های مقدس و عادل بازخرید کرد، به ما ابلاغ می شود. بدین جهت معلوم می شود که اعمال عادلانه و شرافتمندانه متقین فقط وزن و شأن دارد. زیرا مسیح خداوند، مانند *) شاخه‌ای به شاخه‌ها، و تاک به نخل‌ها، فیض خود را پیوسته بر کسانی که از طریق نیکوکاری با او متحد می‌شوند، می‌رساند. این فیض همیشه بر کارهای نیک ما مقدم، همراه و پیروز است. و بدون آن به هیچ وجه نمی توانیم شایستگی یا رضایت خداوند را داشته باشیم. و چنین می شود که به نظر می رسد نیکوکاران چیزی کم ندارند، جز اینکه با اعمالی که به قدرت خداوند انجام می دهند و با رضایت شریعت الهی برای حال انسانی و فانی خود می توانند حیات جاودانی را به دست آورند که البته اگر از زندگی آراسته به فیض خداوند خارج شده باشند، می توانند به آن دست یابند. برای آن صدای نجات دهنده8) به خوبی شناخته شده است: "هر که از آبی که من به او می دهم بنوشد، هرگز تشنه نخواهد شد؛ آبی که به او خواهم داد، در او چشمه آبی خواهد شد که برای زندگی جاودانی می جوشد." LXXIIL برای اینکه هر کاری بتواند نیروی واقعی رضایت را داشته باشد. که بیشتر ضروری هستند.

اما دو چیز به ویژه برای رضایت لازم است. اوّل این است که راضی کننده عادل و دوست خداست. برای کارهایی که بدون انجام آنها انجام می شود 3) ایمان و صدقه به هیچ وجه نمی تواند مورد رضایت خداوند باشد. ثانیاً این که چنین کارهایی انجام شود که طبیعتاً باعث درد و رنج می شود. زیرا از آنجایی که آنها غرامت جنایات گذشته هستند، و همانطور که شهید قدیس سیپریان4 می‌گوید، نجات‌دهنده گناهان هستند، کاملاً لازم است که آنها تلخی داشته باشند. اگرچه همیشه به این نتیجه نمی رسد که کسانی که در آن فعالیت های دردناک شرکت می کنند، احساس درد دارند. زیرا غالباً یا عادت به رنج کشیدن یا خیرات برخاسته از خداوند باعث می‌شود که همیشه دردناک‌ترین چیزها حتی احساس نشود. اما به این دلیل نمی شود که خود آن آثار قدرت راضی کردن را نداشته باشند. زیرا خصلت فرزندان خدا این است که از محبت و تقوای او چنان برافروخته می شوند که وقتی در عذاب تلخ ترین کارها قرار می گیرند، یا تقریباً هیچ ناراحتی نمی کنند، یا همه چیز را با دلی شاد تحمل می کنند.

## 74 چه بسیار است آثار رضایت.

درست است که شبانان تعلیم خواهند داد که هر گونه رضایتی باید به ویژه در این سه چیز باشد: نماز، روزه و زکات، که در واقع متعلق به سه کالای روح، بدن، و آنهایی هستند که آسایش خارجی نامیده می شوند، که همه از جانب خداست.

') اف. 4، 16. آیو. 15، 4. دنباله. >> 4، 13. اول کور. 13، 3. عبری. 11، 6. «) قسمت. 56.

 جواب می دهند. اما نیایل می

تواند برای از بین بردن ریشه همه گناهان مناسب تر و راحت تر باشد. زیرا وقتی «اونم» که در دنیا است، شهوت نفس است، «چشم یا غرور زندگی»، هیچ کس نمی بیند، برای این سه عامل بیماری به همان اندازه چاره است، یعنی: روزه اولی، صدقه برای دومی، من با دلیل سومی مخالفم. بعلاوه، اگر به کسانی که از گناهان ما آزرده شده اند نگاه کنیم، به راحتی می توان فهمید که چرا همه رضایت بیش از هر چیز به این سه اشاره شده است. اما اینها خدا، همسایه ما، خودمان هستیم. چرا خدا را با نماز راضی می کنیم، همسایه خود را با صدقه راضی می کنیم، اما با روزه خود را مجازات می کنیم.

75 آیا محبت هایی که از بیرون برای مردان فرستاده می شود رضایت بخش است؟

اما از آنجایی که سختی‌ها و مصیبت‌های بسیار و گوناگون بر ما فشار می‌آورد تا زمانی که در این زندگی هستیم: این وفادارترین تعلیم است، کسانی که با ذهنی صبور، هر آنچه را که خداوند پر زحمت و ناخوشایند فرستاده تحمل می‌کنند، که مطالب فراوانی را برای رضایت و شایستگی آموخته‌اند. اما کسانی که ناخواسته و با مقاومت، مجازاتی از این دست را تحمل می کنند، از همه ثمره رضایت محرومند. اما تنها خداست که انتقام گناهان را با داوری عادلانه می گیرد تا خشم و عذاب را تحمل کند.

771 یکی می تواند برای دیگری راضی باشد، اما نمی تواند اقرار کند یا مجبور کند.

در حقیقت در او برترین احسان و رحمت خداوند با بزرگ ترین حمدها و سپاس ها موعظه شود که این را به ضعف انسان بخشید تا ديگري را راضي کند. که در واقع برای این بخش از توبه مناسب تر است. زیرا در مورد پشیمانی و اعتراف، هیچ کس نمی تواند برای دیگری اندوهگین یا اعتراف کند: پس کسانی که از فیض الهی برخوردارند، می توانند آنچه را که برای خداست به نام دیگری بپردازند. به این ترتیب اتفاق می افتد که در یک توافق خاص، «دیگری3) بار دیگری را به دوش می کشد. و در واقع جایی برای شک و تردید در این مورد برای هیچ یک از مؤمنان باقی نمانده است که در نماد رسولان به اشتراک مقدسین اعتراف می کنند. زیرا وقتی همه ما با یک تعمید دوباره در مسیح متولد می شویم، شریک آیین های مقدس هستیم، اما قبل از هر چیز با غذا و نوشیدنی همان بدن و خون مسیح خداوند دوباره تولید می شویم: این به وضوح نشان می دهد که همه ما اعضای یک بدن هستیم. بنابراین، به همین ترتیب، نه تنها پاهای او، بلکه چشمان او نیز به خاطر فایده‌اشان کارکرد خود را انجام می‌دهند. و نه باز هم آنچه را که چشم ها می بینند، به چشم خود، بلکه برای مشترک همه

') I. Io. 2، 16. «) Conc. ترید صندلی U. c. 9. 13. 2، 6. گال. 3) شعر.

باید به نفع اعضا اشاره کرد: بنابراین وظایف رضایت باید بین ما مشترک در نظر گرفته شود.

## 77 نمی توان همه رضایت را با دیگران تقسیم کرد.

با این حال، این بدون هیچ استثنایی صادق نیست، اگر به تمام امکاناتی که از آن برداشت می شود نگاه کنیم. برخی از کارهای رضایت بخش است، حتی داروها و معالجات، که برای شفای عواطف نفسانی برای توبه کننده تجویز می شود. در واقع، روشن است که کسانی که به خودی خود راضی نیستند، به کلی از ثمره فایده خود محروم هستند. پس در مورد سه قسمت توبه، پشیمانی، اقرار و رضایت، به وفور و روشن توضیح داده خواهد شد.

## 78 کسی که قول به اعاده چیزی که برده شده را ندهد، وضو گرفته نمی شود.

اما این امر قبل از هر چیز باید توسط کاهنان رعایت شود تا پس از شنیدن اعتراف به گناهان، قبل از رفع گناه توبه‌کننده، به دقت رسیدگی کنند، تا اگر از موضوع یا نظر همسایه‌اش که به نظر می‌رسد گناهش مستحق محکوم شده است، کم کند، با رضایت انباشته جبران کند. زیرا هیچ کس نباید تبرئه شود، مگر اینکه او ابتدا قول دهد که آنچه متعلق به هر یک است را بازگرداند. اما از آنجایی که بسیاری از آنها، گرچه به آنها قول طولانی می دهند، خود را به انجام وظیفه بسنده می کنند، اما مسلم و عمدی است که هرگز وعده های خود را ادا نمی کنند: آنها مطلقاً مجبور به جبران هستند. و رسول (عبر 4، 28.) غالباً باید به آنها تلقین شود که "کسی که دزدیده شد دیگر نباید دزدیده شود، بلکه بگذارید سخت کار کند و با دستان خود کارهای خوبی انجام دهد تا داشته باشد، از آنجا آنچه را که لازم است به بیمار بدهد."

## 79 چنین رضایتی باید بر توبه کننده تحمیل شود.

اما در تعیین کیفر رضایت، کاهنان در نظر خواهند داشت که نبیل با صلاحدید آنها تعیین می شود، اما همه چیز باید با عدالت، تدبیر و تقوا باشد. و اینکه گناهان با این قاعده سنجیده می شوند و توبه کنندگان می توانند سنگینی جنایات خود را بیشتر تشخیص دهند: ارزش دارد که مجازات هایی را که برای برخی از جرایم از قوانین قدیمی مقرر شده است ، که به آنها توبه می گویند ، نشان دهیم. بنابراین سیستم احساس گناه، نحوه رضایت همگانی را کنترل خواهد کرد. اما شایسته است که از میان انواع رضایت ها به توبه کنندگان دستور دهیم که روزهای معین و معینی را به دعا بگذرانند و برای همه و به ویژه کسانی که از این زندگی در پروردگار رفته اند دعا کنند. اما باید آنها را نیز تشویق کرد، به طوری که غالباً همان کارهای رضایت بخش را به دستور کشیش انجام داده و تکرار می کنند، و آداب خود را برای همه چیزهایی که منجر به توبه می شود، تنظیم می کنند.

آنها به مقدسات تعلق دارند، با مجدانه تبرئه شده اند، اما هرگز از مطالعه فضیلت توبه دست نمی کشند. اگر گاه حتی برای جرم عمومی، توبه عمومی تجویز شود، هر چند توبه کننده از آن دوری کند و التماس کند، شنیدنش آسان نیست: باید او را متقاعد کرد تا با دلی میل و مشتاق به کارهایی بپردازد که برای خود و دیگران مفید است. این مطالب در مورد راز توبه و هر یک از اجزای آن به گونه ای آموزش داده می شود که نه تنها مؤمنان آن را کاملاً درک می کنند، بلکه ذهن را نیز به انجام تقوا و دینداری و یاری پروردگار سوق می دهند.

## GAPUT VI

### De Sacramcnto cxtremae Unclionls.

1. چرا شبانان ارواح باید بیشتر در مورد آیین مسح افراطی با مردم صحبت کنند.

هنگامی که اوادیهای مقدس کتاب مقدس چنین تعلیم میدهند (Eclus. 7, 40.): "در تمام کارهای خود آخرین کارهای خود را به خاطر بسپارید و تا ابد گناه نخواهید کرد" به شبانان بیصدا یادآوری میشود که نباید زمان سپری شود و مردم مؤمن را تشویق میکنند که دائماً در مورد مرگ مراقبه کنند. و از آنجایی که نمیتواند خاطره آن روز عالی را به یاد آن روز عالی مرتبط نباشد، به راحتی میتوان فهمید که اغلب باید به آن عمل کرد، اگر فقط به این دلیل، باز کردن و توضیح اسرار آن چیزهایی که مربوط به رستگاری است مناسبتر است، بلکه به این دلیل که مؤمنان، در ذهن خود تکرار میکنند که ضرورت مردن، کنترل میل نادرست به همه پیشنهاد میشود. بنابراین این اتفاق می افتد که در همان انتظار مرگ کمتر احساس ناراحتی می کنند، اما جاودانه ها شکرگزار خداوند هستند. که همانگونه که راز غسل تعمید دسترسی به زندگی واقعی را برای ما آشکار ساخت، همچنین برای اینکه هنگام خروج از این زندگی فانی راه راحت تری به بهشت داشته باشیم، آیین مسح افراطی را نهادینه کرد.

II. از این رو این مراسم راز نامیده می شود. به طوری که آن چیزهایی که برای توضیح آن ضروریتر است، تقریباً به همان ترتیبی که در سایر مقدسات مشاهده میشود، توضیح داده میشود: ابتدا گفته میشود که این آیین مقدس، بنابراین آخرین مسح نامیده میشود، زیرا این آخرین مسح از همه مسحهای مقدسی است که خداوند منجی ما به کلیسای خود توصیه کرد که انجام شود. چرا همین مسح کردن توسط بزرگان ما نیز رمز مسح بیماران است و

آن را آداب مقدس می نامیدند. با این شرایط، مؤمنان به راحتی می توانند به خاطره آن بار آخر بازگردند. III. روش مناسب مراسم مقدس چگونه باید با مسح افراطی مطابقت داشته باشد؟

اما این حقیقت که آیین مقدس مخصوص مسح افراطی مناسب است، قبل از هر چیز باید توضیح داده شود. اما اگر به کلماتی که یعقوب رسول قدیس با آن شریعت این آیین مقدس را ابلاغ کرد توجه کنیم: "چه کسی از شما ضعیف است؟" او می گوید: "کاهنان کلیسا را بیاورد و بر او دعا کنند و به نام خداوند او را با روغن مسح کنند، و دعای ایمان بیمار را نجات می دهد و خداوند او را تسکین می دهد و اگر در گناه باشد، او را می بخشند." زیرا آپویتولوس تأیید می کند که گناهان بخشیده می شوند، که در آن قدرت و ماهیت آیین مقدس را روشن می کند. اما این آموزه همیشگی کلیسای کاتولیک در مورد مسح افراطی بود، همانطور که بسیاری از شوراهای دیگر گواهی می‌دهند، و این امر به‌گونه‌ای توسط سینود ترنت اعلام شد، که مجازات کفرآمیز را برای همه کسانی که جرأت تعلیم یا احساس غیر آن را داشتند وضع کرد. و اینوسنتیوس نیز اولین کسی است که این مراسم را به ویژه به مؤمنان توصیه می کند.

IV. وقتی مسح های بیشتری در اینجا انجام می شود، یا حتی مقدسات بیشتری باید در آنجا گفته شود.

بنابراین باید به طور مداوم توسط کشیشان تعلیم داده شود که یک آیین واقعی وجود دارد، و نه چندین، بلکه یکی، اگرچه توسط چندین مسح انجام می شود. که هر کدام دعاهای مخصوص به خود را دارد و باید از شکل خاصی استفاده کرد. اما این یک چیز است، نه به استمرار اجزاء که قابل تقسیم نیست، بلکه با کمال است. که همه آنها بقیه هستند که از چندین چیز تشکیل شده است. زیرا همان گونه که خانه ای که از اجزاء متعدد و گوناگون تشکیل شده است، تنها به یک صورت کامل می شود: این امر مقدس نیز اگرچه از چند چیز و کلمه تشکیل شده است، اما یک نشانه است و کارایی همان چیزی را دارد که بر آن دلالت می کند. علاوه بر این، کشیشان به بخش‌های این آیین مقدس آموزش خواهند داد. اساسا، من می گویم، و کلمه; زیرا این چیزها توسط سنت جیمز رد نشد. که در آن هر کدام ممکن است اسرار خود را مشاهده کنند. 5. ماده مسح آخر چیست؟

بنابراین، عنصر یا ماده آن، همانطور که شورا، و به ویژه ترنت 4) مقرر کرده است، روغنی است که توسط اسقف تقدیس شده است. مایعی که البته از هیچ ماده چربی و درشتی نیست، بلکه فقط از توت های روغن بیان می شود. حال این مطلب به بهترین وجه دلالت بر آن چیزی دارد که در باطن نفس به وسیله قوه ی راز انجام می شود; به عنوان روغن آنها را نرم کند

ام جک 5, i4 .Sess (* .14 ,5 .Iac («. 8. .o .1 .ep (a .15 .U از .Extr. Unct فصل من

دردهای بدن را تا حد زیادی بهبود می بخشد: به این ترتیب قدرت مقدس غم و اندوه و درد روح را کاهش می دهد. علاوه بر این، روغن سلامتی را بازیابی می کند، نشاط را به ارمغان می آورد و نور را به عنوان علوفه فراهم می کند. اما پس از آن به ویژه برای احیای قدرت بدن خسته سازگار است. آنها همه اینها را بیان می کنند، آنچه که از طریق اجرای این مراسم مقدس به وسیله قدرت الهی در بیمار انجام می شود.

6. این مراسم مقدس به چه شکلی باید انجام شود؟

اما صیغه سحر کلمه و دعای رسمی است که کاهن آن را در هر مسح به کار می برد که می گوید: «به واسطه این مسح مقدس، خداوند تو را به آنچه در چشم و بینی یا لمس گناه کرده ای، عنایت فرماید». اما یعقوب رسول قدیس (5: 14، 15) به این نکته اشاره می کند که این حقیقت نیز شکل مناسب این مراسم مقدس است، هنگامی که می گوید: "و بر او دعا خواهند کرد و دعای ایمان بیماران را نجات خواهد داد." از این رو ممکن است بدانیم که صورت دعا فقط باید بیان شود. اگر چه رسول آن را بیان نکرده است، که بیشتر از همه باید کلمات را با آن درک کرد. این حقیقت توسط سنت وفادار پدران به ما منتقل شده است، به طوری که همه کلیساها آن روش را حفظ می کنند که مادر و معلم همه، کلیسای مقدس روم، از آن استفاده می کند. زیرا حتی اگر عده ای بعضی از کلمات را تغییر دهند، به جای: «رحمت الله» بگذارند: «بخشش» یا «فضا» و گاهی نیز: «شفا» هر چه مرتکب شده‌اید، اما چون تغییری در جمله وجود ندارد، آشکار است که همه از نظر شرعی همین شکل را رعایت می‌کنند. VII. چرا این آیین مقدس فقط شامل شکل دعا است؟

همچنین کسی نباید تعجب کند که چرا به این معنا رسیده است که شکل مقدسات دیگر به طور مطلق به آنچه انجام می دهد دلالت می کند، مانند زمانی که می گوییم: "تو را تعمید می دهم" یا: "تو را با علامت صلیب امضا می کنم" یا گویی توسط کسانی که فرمان می دهند تلفظ می شود، مانند زمانی که در اجرای مراسم مقدس گفته می شود: "قدرت بگیر." اما این یک شکل افراطی از مسح با دعای خاصی برطرف می شود. زیرا این با بهترین قانون مقرر شده است; زیرا هنگامی که از این مراسم مقدس استفاده می شود، علاوه بر فیض معنوی که اعطا می کند، سلامتی را نیز به بیمار باز می گرداند: با این حال، چون همیشه از بیماری ها بهبودی حاصل نمی شود، به همین دلیل به صورت دعا انجام می شود تا بتوانیم از مهربانی خداوند چیزی را بدست آوریم که قدرت آن راز معمولاً به ترتیب ثابت و دائمی ایجاد نمی کند. در اجرای این مراسم مقدس نیز از آداب مناسبی استفاده می شود، اما بیشترین بخش آن شامل دعاهایی است که کشیش برای به دست آوردن سلامتی بیماران از آنها استفاده می کند. زیرا هیچ مقدس دیگری وجود ندارد که بتوان با چندین دعا انجام داد، و به درستی، زیرا با آن می توانید

بیایید به موقع به دعاهای پرهیزکار برای کمک وفادار باشیم. از این رو، همه کسانی که در آن زمان حضور داشتند، به ویژه کشیشان، باید از صمیم قلب به درگاه خداوند دعا کنند و جان و امنیت کارگر را با کمال جدیت به رحمت او بسپارند.

## هشتم. نویسنده این آیین مقدس کیست؟

درست است که ثابت شده است که مسح افراطی باید واقعاً و به درستی در زمره مقدسات در نظر گرفته شود: همچنین نتیجه می شود که نهاد آن توسط مسیح خداوند تأسیس شده است. که بعداً توسط سنت جیمز رسول پیشنهاد و به مؤمنان ابلاغ شد. اگر چه به نظر می رسد که همان منجی مثال خاصی از این مسح داده است، هنگامی که شاگردان خود را دو به دو در مقابل خود فرستاد. زیرا در انجیل در مورد آنها نوشته شده است (مرقس 6: 12): "آنها بیرون رفتند و موعظه کردند که توبه کنند و بسیاری از شیاطین را بیرون کردند و بسیاری از بیماران را به روغن مسح کردند و آنها را شفا دادند." باید باور کنیم که این مسح نه توسط رسولان اختراع شده، بلکه به فرمان خداوند، نه دارای هیچ نیروی طبیعی، بلکه عرفانی، بیشتر برای شفای ارواح نهاده شده است تا مراقبت از بدن. مقدسین دیونیسیوس، آمبروز، کریزوستوم و گریگوری کبیر اظهار می دارند که هیچ شکی وجود ندارد که این یکی از هفت آیین مقدس کلیسای کاتولیک باید همراه با دین پذیرفته شود. 232-

## 9 آخرین مسح که باید انجام شود.

اما باید به مؤمنان آموزش داده شود که اگرچه این مراسم مقدس متعلق به همه است، اما طبقات خاصی از مردان باید مستثنی شوند، که نباید برای آنها اجرا شود. و کسانی که بدن سالم و محکم دارند ابتدا پذیرفته می شوند. زیرا مسح افراطی به آنها داده نمی شود، و رسول تعلیم می دهد که می گوید: «چه کسی از شما ضعیف است؟» و عقل نشان می دهد; در واقع، برای این منظور نهادینه شد، نه تنها برای رساندن دارو به روح، بلکه برای بدن. بنابراین، از آنجایی که فقط کسانی که از بیماری رنج می برند نیاز به درمان دارند، بنابراین حتی کسانی که به نظر می رسد آنقدر بیماری خطرناکی دارند که می توان ترسید که آخرین روز زندگی شان فرا نرسد، باید این مراسم مقدس فراهم شود. با این حال، آنها سخت‌ترین گناه را انجام می‌دهند، کسانی که عادت دارند زمان مسح کردن بیماران را ببینند، در حالی که در حال حاضر، با از دست دادن امید به نجات، زندگی و اعضای بدن شروع به شکست می‌کنند. زیرا بدیهی است که برای درک فراوانتر فیض راز، اگر بیمار در حالی که عقل و عقل در او فعال است و می تواند ایمان و اراده دینی نفس خود را بیاورد، به روغن مقدس مسح شود، بسیار مؤثر است. از این رو باید به اهل محله توجه داشت که در آن زمان مخصوصاً از داروی آسمانی استفاده کنند که در واقع همیشه با قدرت خود از آن استفاده می کنند.

روشی سودمند که آنها می فهمیدند که برای تقوا و دین کسانی که باید مورد توجه قرار گیرند نیز سودآورتر است. پس هیچ کس که به بیماری سختی مبتلا نشده باشد، نمی تواند مراسم مسح را بجا آورد، هر چند در خطر جانی باشد، یا در سفری خطرناک باشد، یا در آستانه ورود به جنگی باشد که مرگ حتمی برای او تمام شود. یا حتی اگر محکوم به اعدام برای اعدام ربوده شود. علاوه بر این، همه کسانی که از عقل استفاده نمی کنند، شایسته دریافت این آیین مقدس نیستند. و کودکانی که هیچ گناهی نمی‌پذیرند، و بقایای آن‌ها باید با درمان این آیین مقدس شفا یابد. دیوانگان و دیوانه ها یکسان، مگر اینکه گاهی از عقل استفاده می کردند و در آن زمان بیش از هر چیز دلالت بر عقل پارسا می کردند و می خواستند به روغن مقدس مسح شوند. زیرا کسی که از بدو تولد بر عقل و عقل خود مسلط نبوده است، مسح نمی شود. در غیر این صورت، اگر بیمار در حالی که ذهنش هنوز سالم بود و می خواست شریک این مراسم مقدس شود، پس از آن دچار جنون و خشم می شد.

10 چه قسمت‌هایی از بدن را باید در اینجا مسح کرد.

اکنون همه اعضای بدن را نباید مسح کرد، بلکه فقط آنهایی را که طبیعت به عنوان ابزار حواس به انسان اختصاص داده است. چشم ها برای دیدن، گوش ها برای شنیدن، بینی برای بوییدن، دهان برای چشیدن یا صحبت کردن، دست ها برای لمس کردن. که اگرچه به طور یکنواخت در تمام بدن ذوب می شود، اما در آن قسمت بسیار قوی است. اکنون این آیین مسح توسط کلیسای جهانی حفظ شده است، و همچنین به بهترین وجه با ماهیت این آیین مقدس مطابقت دارد. زیرا مانند دارو است. و از آنجا که در امراض بدن، با اینکه تمام بدن به شدت آسیب می بیند، معالجه فقط به آن قسمتی است که گویی از منشأ و منشأ بیماری از آن سرچشمه می گیرد، پس نه تمام بدن، بلکه اعضایی که قدرت احساس در آنها بیشتر است، کلیه ها نیز به عنوان جایگاه لذت و شهوت، مسح می شوند. و پاها که نقطه شروع ما برای ورود و حرکت به مکانی است.

XI. مسح نهایی ممکن است تکرار شود.

در آن باید توجه داشت که در یک بیماری زمانی که بیمار در خطر جانی یکسان قرار می گیرد فقط یک بار مسح شود. اما اگر بیمار پس از دریافت این مسح بهبودی یابد: هر چند وقت یک بار که بعداً در آن بحران زندگی قرار می گیرد، هر چند وقت یکبار که حمایت از همان آیین مقدس به او داده می شود. از اینجا معلوم می شود که در تعداد عبادات آنها که معمولاً انجام می شود باید جایگزین شوند.

XII. با چه دین و آمادگی باید این مراسم را پذیرفت.

زیرا براستی لازم است که هر عابد مراقب باشد که هیچ چیز مانع فیض راز نباشد و هیچ چیز برای آن مضرتر از آن نباشد.

آگاهی از برخی گناهان فانی: رسم همیشگی کلیسای کاتولیک باید رعایت شود، تا قبل از آخرین مسح، مراسم توبه و عشای ربانی اجرا شود. و سپس کاهن تلاش کرد تا مرد بیمار را متقاعد کند که خود را به کشیش تقدیم کند تا با آن ایمانی که قبلاً کسانی که قرار بود توسط رسولان شفا می‌گرفتند، خود را تقدیم کنند. اما در وهله اول رستگاری روح، سپس سلامت جسم، با آن اضافه: «اگر به جلال ابدی سودمند باشد» مطلوب است.

وفاداران نباید شک کنند که آن دعاهای مقدس و رسمی توسط خدا شنیده می شود، که کشیش از آن استفاده نمی کند، زیرا شخص کلیسا و خداوند ما عیسی مسیح است. در این یک چیز آنها به ویژه تشویق می شوند، که مراقبت کنند تا هنگام سخت ترین نبرد، و به نظر می رسد که قدرت ذهن، و همچنین بدن در حال شکست است، مراسم مقدس این روغن مفید را به شیوه ای مقدس و مذهبی برای خود ادا کنند.

سیزدهم توسط چه کسانی باید این راز را درک کرد.

اما ما قبلاً از همان رسولی که شریعت خداوند را ابلاغ کرد و وزیر مسح شدید آموختیم. زیرا می گوید: «کاهنان را بیاورید.» منظور او از این نام، کسانی نیست که سنشان بالا رفته است، همانطور که شورای تریدنتین عاقلانه توضیح داد، یا کسانی که شاهزاده ای نجیب در میان مردم به دست می آورند، بلکه مقصود کاهنانی است که توسط خود اسقف ها با دست گذاشتن به درستی منصوب شده اند. بنابراین اجرای این مراسم مقدس به کشیش متعهد بود. با این حال، طبق حکم کلیسای مقدس، ادای این مراسم مقدس برای هیچ کشیشی مجاز نیست، بلکه به کشیش خود، که صلاحیت قضایی دارد، یا شخص دیگری که او اختیار انجام این مقام را به او داده است، مجاز نیست. اما مهم‌تر این است که توجه داشته باشیم که کشیش در این اداره، همانطور که در سایر مراسم مقدس نیز اتفاق می‌افتد، از شخص خداوند ما مسیح و کلیسای مقدس، عروس او حمایت می‌کند.

چهاردهم بگذارید ثمره استفاده از این آیین مقدس به مردان بازگردد.

مزایایی که ما از این راز به دست می آوریم نیز باید با جزئیات بیشتری توضیح داده شود، تا اگر هیچ چیز دیگری نمی تواند مؤمنان را به استفاده بهتر جذب کند، حداقل ممکن است توسط خود مزیت هدایت شوند، وقتی که آنقدر آماده است که تقریباً همه چیز را بر اساس علایق خود می سنجیم. از این رو، کشیشان تعلیم خواهند داد که فیض در این آیین مقدس داده می شود، که گناهان را می بخشد، و در واقع در ابتدا گناهان سبک تر، و همانطور که آنها با نام رایج خود خوانده می شوند، گناهان کینه توز. زیرا گناهان مهلک با راز توبه از بین می رود. زیرا این آیین مقدس در وهله اول برای بخشش جنایات جدی برقرار نشد، بلکه تنها غسل تعمید و توبه با قدرت خود این امر را انجام می دهند. ال-

سوم سودمندی مسح مقدس است که روح را از کسالت و ناتوانی ناشی از گناهان و سایر بقای‌ای گناه رهایی می بخشد.  اما زمان این درمان را باید مناسب ترین زمان دانست، زمانی که به بیماری جدی مبتلا شده ایم و زندگی در خطر است.  در حقیقت، در فطرت انسان این است که از هیچ چیز به اندازه مرگ در امور انسانی نترسد.  اما خاطره جنایات گذشته این ترس را به شدت افزایش می دهد، زمانی که مهمتر از همه، سنگین ترین اتهام وجدان ما را تحت فشار قرار می دهد.  زیرا همانطور که نوشته شده است (Sap. 4, 20): "آنها از فکر گناهان خود ترسیده خواهند آمد و گناهان خود را از دشمن بیرون خواهند آورد."  آن وقت آن نگرانی و فکر شدیداً او را آزار می دهد که اندکی بعد باید در برابر دادگاه خدا بایستد که عادلانه ترین حکم ما برای او و آنچه سزاوار آن بوده ایم، باید صادر شود.  و اغلب اتفاق می افتد که مؤمنان، که از این وحشت به لرزه در آمده اند، خود را به شکل های عجیبی آشفته می کنند.  اما هیچ چیز برای آرامش مرگ مساعدتر از این نیست که غم و اندوه را کنار بگذاریم و با دلی شاد منتظر ظهور خداوند باشیم و هر زمان که او بخواهد آن را از ما پس بگیرد آماده بازپرداخت ودیعه خود باشیم.  تا اذهان مؤمنان از این تشویش رها شود و روحشان مملو از شادی وارسته و قدسی گردد، راز مسح افراطی جاری می شود.

## 15 شیاطین چگونه در خروج روح در کمین ما هستند؟

علاوه بر این، چیز دیگری که ممکن است از همه بزرگتر دیده شود، از این نتیجه می گیرد.  زیرا اگرچه دشمن نسل بشر تا زمانی که ما زنده ایم هرگز از فکر نابودی و نابودی ما نمی گذرد، اما هیچ وقت برای اینکه ما را به کلی نابود کند و در صورت امکان امید رحمت الهی را از ما سلب کند، اعصاب خود را شدیدتر از زمانی که دریافته است آخرین روز زندگی نزدیک است، تحت فشار قرار نمی دهد.  از این رو، مؤمنان از طریق این آیین مقدس اسلحه و نیرو می‌یابند، که با آن دشمنان می‌توانند نیروی آنها را بشکنند و حمله کنند و شجاعانه در برابر آنها مقاومت کنند.  زیرا ذهن به امید خیر الهی بر می خیزد و اوج می گیرد و با تأیید آن، همه ناراحتی های بیماری را سبک تر تحمل می کند و راحت تر از تدبیر و حیله گری خود شیطان که در پاشنه او کمین می کند، می گریزد.  16 به چه طریقی می توان بدن را از این sacrcaedmeerne.t شفا داد

در نهایت، اگر قرار است مفید باشد، برای سلامتی بدن نیز مفید است.  اگر در این زمان بیماران کمتر به آن دست یافتند، باید باور کرد که این به خاطر تقصیر مقدس نیست، بلکه به این دلیل است که بخش بزرگی از آنها یا کسانی که با روغن مقدس مسح می شوند یا توسط آنها انجام می شود ایمان ضعیف تری دارند.

است زیرا انجیل گواهی می دهد که خداوند در میان قوم خود فضیلت زیادی انجام نداد «به دلیل بی ایمانی آنها». اگرچه ممکن است به درستی نیز گفته شود که دین مسیحی، از آنجایی که ریشه در قلب انسان ها عمیق تر کرده است، اکنون کمتر از آنچه که زمانی در آغاز یک کلیسای نوپای ضروری دیده می شد، به حمایت از این نوع معجزات نیاز دارد. اما در این مرحله ایمان به شدت تحریک خواهد شد، زیرا هر آنچه که مربوط به سلامتی بدن باشد، به تدبیر و اراده خداوند می گذرد، مؤمنان باید به این امید یقین تکیه کنند که به واسطه این روغن مقدس، سلامت معنوی را به دست آورند و در آینده، تا اگر اتفاقاً زندگی از بین رفت، ثمره آن مرده را درک کنند: «صدای پرشکوهی که در آن نوشته شده است». این مطالب در مورد راز مسح افراطی واقعاً به اختصار بیان شده است، اما اگر این سرفصل ها توسط شبانان به طور گسترده تر و با دقتی که شایسته است توضیح داده شود، شکی نیست که مؤمنان بزرگترین ثمره تقوا را از این آموزه دریافت خواهند کرد.

## فصل هفتم. در مراسم مقدس.

/. چرا باید کشیشان با دقت فراوان آموزش آیین مقدس را برای مردم توضیح دهند.

اگر کسی ماهیت و هدف سایر عبادات را به دقت در نظر می گرفت، به آسانی می دید که همه آن ها به امری وابسته است، به گونه ای که بدون آن تا حدی به هیچ وجه قابل ساختن و اجرا نیست، و تا حدی به نظر می رسد که فاقد مراسم رسمی و مراسم مذهبی و عبادت خاصی باشد. از این رو، لازم است که کشیشان، با تعقیب آموزه تثبیت شده ی مقدسات، در مورد ترتیب آیین مقدس نیز برای خود با دقت بیشتری بیندیشند. اما این توضیح قبل از هر چیز برای خود آنها بسیار مفید خواهد بود. سپس به دیگرانی که وارد نظام حیات کلیسایی شده اند. و در آخر نیز به مردم مؤمن. برای آنها این است که در حالی که مشغول بحث در این زمینه هستند، 3) بیشتر برانگیخته می شوند تا فیضی را که با این امر به دست آورده اند، برانگیزند. به دیگرانی که به قرعه پروردگار دعوت شده اند، تا حدی برای اینکه تحت تأثیر همان میل پرهیزکاری قرار گیرند، و تا حدی برای اینکه علم به آن چیزها را درک کنند، که با تجهیز به آن، راه را تا درجات بیشتری برای خود مستحکم تر کنند. اما قبل از هر چیز به بقیه مومنان تا بفهمند شایسته چه افتخاری هستند

>) مت. 13، 58. >) مکاشفه 14، 13. ») II. تیم 1، 6

پس بگذارید خادمان کلیسا باشند، زیرا اغلب اتفاق می‌افتد که دیگران حاضر هستند، یا کسانی که امیدوارند فرزندانشان، که هنوز نوزاد هستند، برای خدمت کلیسا مقدر شده باشند، یا کسانی که به میل و اراده خود می‌خواهند از این شیوه زندگی پیروی کنند. قطعاً نادیده گرفتن آنها، که به ویژه به این دلیل مربوط می شود، اصلاً منصفانه نیست.

II. در دنیا هیچ منزلتی بالاتر از آن در نظم کهانت وجود ندارد. پس ابتدا باید به مؤمنان بگوییم که عظمت این مؤسسه چیست، بالاترین درجه آن، که همان کشیشی است، به اشراف و تعالی آن بنگریم. زیرا از آنجایی که اسقف ها و کشیشان به عنوان مفسران و فرستادگان خدا وجود دارند که به نام او قوانین الهی و احکام زندگی را به مردم می آموزند و شخص خدا را بر روی زمین حمل می کنند: واضح است که این وظیفه آنهاست که نمی توان بزرگتر از آن را ابداع کرد. از این رو آنها را به شایستگی نه تنها فرشتگان، بلکه خدایان نیز می نامند، زیرا آنها قدرت و نور خدای فناناپذیر را با ما دارند. و اگر چه آنها در هر زمان خلاصه‌ای از منزلت را به دست آورده‌اند، با این حال کاهنان عهد جدید از نظر افتخار بسیار جلوتر از دیگران هستند. زیرا قدرت تدارک و تقدیم بدن و خون پروردگارمان و بخشش گناهان آنها نیز از عقل و شعور انسان پیشی می‌گیرد، ناگفته نماند که چیزی مشابه و مشابه آن در زمین یافت نمی‌شود. III. کسانی که از نظر الهی به خدمت کشیشی و کلیسا خوانده می شوند.

اما، همانطور که منجی ما توسط پدر فرستاده شد، و رسولان و شاگردان توسط مسیح خداوند به سراسر جهان فرستاده شدند: همچنین هر روز همان کاهنانی که دارای قدرت هستند، فرستاده می شوند "برای به کمال رسیدن مقدسین، برای کار خدمت، برای ساختن بدن مسیح." بنابراین، بار این وظیفه بزرگ نباید به طور تصادفی بر دوش کسی گذاشته شود، بلکه فقط بر دوش کسانی گذاشته شود که با قداست زندگی، علم، ایمان و تدبیر می توانند آن را تحمل کنند. به راستی هیچ کس برای خود عزت نمی کند، مگر «کسی که خدا او را مانند هارون خوانده است». اما گفته می شود که آنها توسط خدا خوانده می شوند که توسط خادمین قانونی کلیسا فراخوانده می شوند. برای کسانی که با غرور خود را به این خدمت می‌رسانند و دخل و تصرف می‌کنند، تعلیم می‌شود که خداوند اینها را فهمیده است، وقتی می‌فرماید: من پیامبران را نفرستادم و آنها فرار کردند. در آن نژاد انسان هیچ چیز ناخوشایندتر و بدبخت تر از این نمی تواند باشد، هیچ چیز برای کلیسای خدا فاجعه بارتر.

IV. آنها چه کسانی هستند که با نزدیک شدن نادرست به دستورات مقدس و ورود به کلیسا از مکان دیگری قضاوت کنند؟

اما از آنجایی که انجام دادن در هر عملی بسیار مهم است، هر کس باید چه پایانی برای خود تعیین کند (برای بهترین نتیجه ای که می تواند) اف. 4، 12. *
) عبری. 5، 4. ») جر. 23، 21

اگر همه چیز به درستی انجام شود): در این مورد، اول از همه، کسانی که می خواهند در امر مقدس آغاز شوند، باید اندرز داده شوند، تا آنها چیزی را که شایسته مقامی به این بزرگی نیست، پیش روی خود قرار ندهند. در واقع، هر چه با این مکان با دقت بیشتری رفتار شود، مؤمنان در این زمان به شدت مرتکب گناه خواهند شد. زیرا برخی دیگر به قصد زاییدن آنچه برای رزق و روزی و لباس لازم است به این شیوه زندگی روی می آورند. به طوری که به نظر می رسد آنها چیزی جز سود در کشیشی قائل نیستند، همان طور که عموماً سایر مردان در هر نوع ساختگی پلید انجام می دهند.

زیرا اگرچه طبیعت و شریعت الهی از نظر رسول فرمان می‌دهد که کسی که در قربانگاه خدمت می‌کند باید از قربانگاه زندگی کند، اما رفتن به قربانگاه برای منفعت و منفعت بزرگترین هتک حرمت است. دیگران با میل و جاه طلبی از افتخارات به سمت نظم کشیش هدایت می شوند. اما برخی دیگر، تا ثروت فراوانی داشته باشند، می‌خواهند آغاز شوند.

براستی دلیل این امر این است که تا زمانی که نعمت های کلیسایی فراوانی به آنها نرسد، به امر مقدسی فکر نمی کنند. اما اینها کسانی هستند که نجات دهنده ما آنها را "مزدور" می نامد، و حزقیال *'*) گفت: "

خودشان را بچرخانید، نه گوسفندان." خواری و بی تقوایی که نه تنها باعث تاریکی بزرگی بر نظم کشیش می شود، به طوری که تقریبا ً هیچ چیز نمی تواند بیش از این مورد تحقیر و نفرت مردم مؤمن قرار گیرد. بلکه باعث می‌شود که آنها از کاهنیت چیزی بیشتر به دست نیاورند که یهودا از مقام رسالت، که خروج ابدی او را به ارمغان آورد. و آن 4) گفته می‌شود که با شایستگی وارد کلیسا می‌شوند، کسانی که به طور مشروع از سوی خدا فراخوانده شده‌اند، وظایف کلیسایی او را صرفاً برای خدمت به شرافت خدا پذیرفته‌اند.

5. کسانی که خود را از طریق احکام مقدس وقف کلیسا کرده‌اند، از این نظر باید از بقیه مردم پیشی بگیرند.

با این حال، این را نباید طوری تلقی کرد که انگار قانون یکسانی به طور یکسان بر همه اعمال نشده است. زیرا انسانها برای این منظور آفریده شدند تا خدا را بپرستند. که مخصوصاً مؤمنانی که فیض غسل تعمید را به دست آورده اند، باید با تمام قلب، با تمام جان و با تمام قوا انجام دهند. درست است که کسانی که می‌خواهند در مراسم راز این نظم آغاز شوند، باید به خود پیشنهاد کنند که نه تنها جلال خدا را در همه چیز بجویند (که در واقع برای همه، به‌ویژه مؤمنان مشترک است) بلکه با توجه به خدمت معینی از کلیسا، ۵) باید در تقدس و عدالت به او خدمت کنند. زیرا همانطور که در یک ارتش همه سربازان از قوانین امپراتور پیروی می کنند، با این حال در میان آنها یک صدصد، یک فرمانده دیگر، و دیگران وظایف دیگری را انجام می دهند.

') 1. Cor. 9، 13. «) 8 .13 ،10 .آیو) Ez. 34، 2. 3. *) 5 7 ،1 لوقا) » متر مربع 1 ،10 .آیو.

با این حال، کسانی که در مراسم راز نظم آغاز شده اند، باید وظایف و کارکردهای مهم خاصی را در کلیسا انجام دهند. زیرا آنها آداب مقدس را برای خود و برای همه مردم انجام می دهند، و قدرت شریعت الهی را می رسانند، و مؤمنان را تشویق و تربیت می کنند که آن را با روحیه ای سریع و غیورانه انجام دهند، و هدایای خداوند مسیح را اجرا می کنند، که به وسیله آن همه فیض افاضه و افزایش می یابد، و به یک کلمه درک می شود، آنها در یک کلام از بقیه بزرگ ترین مردم جدا هستند. همه پس از توضیح این چیزها، کشیشان باید نزدیک شوند تا چیزهایی را که برای این مراسم مقدس مناسب است، برسانند، تا مؤمنانی که مایل به استخدام در نظم کلیسایی هستند، بفهمند که به چه مقامی می‌گویند، و چقدر قدرت الهی به خود کلیسا و خادمان آن داده شده است.

## 6. قدرت کلیسای دوگانه باشد.

اما این دو جنبه دارد: نظم و صلاحیت. قدرت نظم مربوط به بدن واقعی مسیح خداوند در مقدس ترین عشای ربانی است. اما تمام قدرت صلاحیت در بدن عرفانی مسیح متمرکز شده است. زیرا به نظر او اداره و کنترل مردم مسیحی و هدایت آنها به سعادت ابدی و بهشتی است.

## VII. قدرت نظمی که به آن گسترش می یابد.

اما قوه دستور نه تنها دارای قدرت و قدرت تقدیس مراسم عشای ربانی است، بلکه ذهن مردان را برای پذیرفتن آن آماده و مناسب می سازد و هر آنچه را که به هر نحوی می توان به مراسم عشای ربانی مرتبط کرد، در بر می گیرد. شهادتهای بسیار بیشتری از نامه های مقدس می توان در مورد او ارائه کرد، اما اینها عالی و سنگین هستند، که در مقدسات یوحنا) و متی 2 خوانده می شود. زیرا خداوند می فرماید: "همانطور که پدر مرا فرستاده است، من شما را نیز می فرستم. روح القدس را دریافت کنید، گناهان آنها را می بخشید، آنها بخشیده می شوند و گناهان آنها را حفظ می کنید." و: «به راستی به شما می‌گویم، هر چه در زمین ببندید در آسمان بسته می‌شود و هر چه در زمین بگشایید در آسمان نیز گشوده خواهد شد». این عبارات خاص که توسط شبانان از تعالیم و قدرت پدران مقدس توضیح داده شده است، قادر خواهد بود بزرگترین نور را به حقیقت برساند. هشتم. کشیش مسیح

و این قدرت به او مقدار زیادی می دهد که در قانون طبیعت به مردان خاصی اختصاص داده شده است که باید از امور مقدس مراقبت کنند. زیرا حتی آن عصری که قبل از شریعت نوشته شده بود، باید کشیشی و قدرت روحانی آن را داشته باشد.

') آیو. 20، 21-23. ') مت. 18، 18

زمانی که به اندازه کافی ثابت شود که او قانون را داشته است. زیرا رسول شهادت می دهد که این دو به قدری به هم پیوسته اند که وقتی یکی از آنها ترجمه می شود لازم است در همان حال دیگری ترجمه شود. بنابراین، هنگامی که مردم به غریزه طبیعی تشخیص دادند که خدا باید پرستش شود، نتیجه آن این بود که در هر جمهوری، افرادی مسئول اداره عبادت مقدس و الهی شدند که قدرت آنها به نوعی روحانی نامیده می شد. قوم اسرائیل فاقد همان قدرت نبودند. که اگرچه از نظر شأن و منزلت بالاتر از آن چیزی بود که در قانون طبیعت به کاهنان اعطا شده بود، اما همچنان از قدرت معنوي قانون انجيلي بسیار پایین تر بود. زیرا این امر آسمانی است و حتی از تمام قدرت فرشتگان نیز فراتر است. و نه از کاهنان موسی، بلکه از مسیح خداوند، که «از نظر هارون کاهن نبود، بلکه طبق دستور ملکیصدق بود». زیرا کسی که دارای قدرت اعلای بخشش و بخشش گناهان بود، این قدرت را، اگرچه به فضیلت و مقید به مقدسات بود، به کلیسای خود واگذار کرد، از این رو خادمین خاصی برای اعمال آن منصوب شدند و توسط دین رسمی تقدیس شدند. این تقدیس نظم را مراسم مقدس یا تقدیس مقدس می نامند.

9 نظم چیست و چرا به عملکرد کلیسایی نظم می گویند.

اما باعث خوشحالی پدران مقدس شد که از این اصطلاح که معنای بسیار وسیعی دارد برای نشان دادن کرامت و تعالی خادمان خدا استفاده کنند. زیرا نظم، اگر قوه و مفهوم مناسب آن را در نظر بگیریم، حالتی است از چیزهای برتر و پست که چنان با یکدیگر تطبیق یافته اند که یکی با دیگری مرتبط است. بنابراین از آنجایی که در این وزارتخانه درجات و کارکردهای گوناگونی وجود دارد، اما همه به گونه ای توزیع و قرار می گیرند، درست و مناسب به نظر می رسد که نام نظم بر آن تحمیل شده باشد. 10. ترتیب اسم حقیقي راز است.

اما اینکه در میان دیگر آداب مقدس کلیسا، انتصاب مقدس باید شماره گذاری شود، 3) شورای مقدس ترنت با آن استدلال تأیید شده است، که اغلب تکرار شده است. زیرا از آنجایی که یک راز نشانه امر مقدس است، آنچه در خارج به وسیله این تقدیس انجام می شود، نشان دهنده فیض و قدرتی است که به او تقدیس شده است: کاملاً واضح است که از این امر پیروی شود که باید به درستی و به درستی گفت که این امر مقدس است. از این رو اسقف در حالی که جامی با شراب و آب و بشقاب با نان را که به عنوان کشیش تعیین شده است به سوی او دراز می کند، می گوید: - "قدرت قربانی را بگیر و غیره." در این کلمات او همیشه وجد را آموزش می داد، در حالی که موضوع مطرح می شد، قدرت تقدیس عشای ربانی در شخصیت

') عبری. 7، 12. •) ص. 109، 4. عبری. 7، 11. C onc Trid (s. صندلی "3. ج 1. و 3. د یL>

با ذهنی تحت تأثیر، که فیض به آن تعلق دارد، تحویل بگیرید تا آن مقام را به درستی و مشروع انجام دهید. که رسول در این کلمات اعلام می کند: -pe r "
iAmdpomsointeioo ne mt e, m aunt u urmes u smcietaersu mg;r a tnioanm
eDneiim, d qeduiate n oebsits i Dn e utse، روح ترس، اما از فضیلت و عشق.

اکنون، در واقع، برای استفاده از کلمات کلیسای مقدس، از آنجایی که تخلیه چنین کشیشی یک امر الهی است، مطابق با این بود که ممکن است با وقارتر و با تکریم بیشتر اعمال شود، که در منش منظم کلیسا باید دستورات بسیار و متفاوتی از خادمین وجود داشته باشد که به کشیشی خدمت می کنند که قبلاً باید به گونه ای تقسیم شده باشند که به طور رسمی توزیع شده اند. مدل موی روحانی از طریق خردسالان به ماژورها صعود می کرد.

XII. چند هستند ordcionmemsu n miitneirs tdriosrturmi bu aenctcluers.i ae، و به هر دلیلی

بنابراین باید آموزش داده شود که همه این دستورات در عدد هفت آمده است، و اینکه آنها همیشه توسط کلیسای کاتولیک چنین صادر شده است. که اسامی آنها این است: باربر، آموزگار، جن گیر، آکولیتوس، زیر شماس، شماس، کشیش. اکنون که این تعداد وزیران به درستی به این ترتیب تعریف شده است، می توان آن را به دلیل خدماتی که برای توده قربانی ضروری به نظر می رسد و برای تهیه یا اجرای مراسم عشای ربانی، که مخصوصاً برای این منظور تأسیس شده اند، اثبات کرد. از این میان برخی بزرگتر هستند که به آنها مقدس نیز گفته می شود و برخی دیگر کوچکتر. آنها بزرگتر یا مقدس هستند: نظم کشیشی، شماس و فرعی. به خردسالان ارجاع داده می‌شود: شرکاء، جن‌گیران، خوانندگان، باربران. از هر یک باید چند چیز گفته شود، تا شبانانی داشته باشند، تا بخصوص کسانی را که می‌دانند باید به ترتیبی آغاز شوند، منصوب کنند.

سیزدهم چه مدل موی روحانی و نام روحانی برای خود می خواهند.

اما ما باید با اولین مدل مو شروع کنیم، که در واقع باید آموزش داده شود، که آمادگی خاصی برای گرفتن سفارش وجود دارد. زیرا همانطور که مردان معمولاً برای غسل تعمید با جن‌گیری، برای ازدواج نامزدی آماده می‌شوند: پس وقتی که با موهای بریده به خدا تقدیم می‌شوند، به‌طور معمول، دسترسی به راز نظم برای‌شان باز می‌شود. زیرا روشن می شود که او چه نوع فردی باید باشد که می خواهد با امر مقدس آغشته شود. زیرا نام روحانی، که ابتدا بر او تحمیل شد، از او گرفته شده بود، که دوری‌انها به سرنوشت و افتخار خود رسیدند، زیرا کسانی که در میان قوم عبرانیان بودند به پرستش الهی می‌رفتند. که دورانیوس هر قسمتی از زمین ها را در سرزمین موعود به او منع کرد، چنانکه می گوید:

') 11. تینی. 1، 6. 7. الف) 23 .Sess. از دستور فصل. 2.) عروس. 20 ,t8.
Catechism, Con«. ترید

"من بخشی از ارث تو هستم." و گرچه این امر برای همه مؤمنان مشترک است، اما برای کسانی که خود را وقف خدمت خدا کرده اند، دلیل خاصی لازم است.

چهاردهم از این رو روحانیون با تاجی گرد بر سر خود متمایز می شوند.

اما مو به ظاهر و تشبیه تاج کوتاه می‌شود که باید دائماً حفظ شود، و چون هر یک در مرتبه‌ای بالاتر قرار می‌گیرد، شکل دنی‌ای او نیز باید وسیع‌تر شود. کلیسا تعلیم می دهد که در واقع از سنت رسولان دریافت شده است، زمانی که قدیمی ترین و مهم ترین پدران، سنت دیونیسیوس آرئوپاگیت، آگوستین، هیرونیموس، این رسم بریدن را ذکر می کنند. اما قبل از هر چیز می گویند که شاهزاده رسولان آن رسم را به یاد تاجی که از خار بافته شده بر سر نجات دهنده ما نهاده بود، معرفی کرد تا آنچه شریران برای رسوایی و شکنجه مسیح تدبیر کرده بودند، رسولان آن را برای ستایش و جلال به کار ببرند و در عین حال به همه چیزها توجه داشته باشند که باید مانند کلیسا مراقب باشند. مسیح خداوند ما اگر چه برخی ادعا کرده اند که با این یادداشت یک کرامت سلطنتی اعلام می شود که به نظر می رسد به ویژه برای کسانی که به قرعه پروردگار خوانده می شوند مناسب باشد. برای آنچه که پطرس رسول به مردم مؤمن نسبت می دهد (اول پطرس 2: 9): "شما نژادی برگزیده، یک کهانت سلطنتی، یک ملت مقدس هستید"، ما به راحتی می فهمیم که به خادمان کلیسا به شیوه ای خاص و مناسب تر اشاره کنیم. اگر چه کم نیستند کسانی که گمان می کنند یا مسلک زندگی کاملتر را که روحانیون می گیرند با شکل دایره ای که کاملتر از همه است دلالت می کند و یا تحقیر امور ظاهری و تهی بودن ذهن از تمام دغدغه های انسان را اعلام می کند، زیرا مو که یک چیز فوق العاده خالی در بدن است، قطع می شود.

## 15 وظیفه دروازه بان ها چیست؟

بعد از اولین کوتاهی مو معمولا اولین مرحله به سفارش باربر انجام می شود. وظیفه او نیز نگهبانی از کلیدها و درها و دوری از ورودی معبد است که ورود به آنها ممنوع بود. او همچنین در قربانی مقدس توده کمک کرد و مراقب بود که هیچ کس نزدیکتر از او به قربانگاه مقدس نزدیک نشود و کشیش را در انجام امر الهی قطع کند. وزارتخانه های دیگری نیز به او متعهد بوده اند، چنانکه از آداب و رسومی که در تقدیس او به کار رفته است، مشهود است. زیرا اسقف کلیدها را از محراب گرفته و به کسی که می‌خواهد به عنوان دربان برپا کند، می‌دهد و می‌گوید: « این کار را بکن، گویا برای چیزهایی که با این کلیدها قفل شده است، به خدا حساب خواهد داد.»

از اینجا فهمیده می شود که در این زمان ها در کلیسا نگهداری می شد. زیرا منصب خزانه داری که همان نگهبان محراب بود که متعلق به دربانان بود، اکنون نیز یکی از افتخارآمیزترین وظایف کلیسا محسوب می شود.

16 دفتر سخنران در کلیسا چیست؟

سطح دوم نقش خواننده است. به او تعلق دارد که در کلیسا کتابهای عهد عتیق و جدید را با صدایی واضح و واضح بخواند. اما به ویژه آنهایی که معمولاً بین مزمور شبانه خوانده می شوند. نقش او نیز این بود که نخستین مبانی دین مسیحیت را به مؤمنان برساند. از این رو اسقف در دستور خود به حاضران کتابی می دهد که در آن مطالب مربوط به این کار شرح داده شده است، می گوید: آن را بگیرید و حامل کلام خدا باشید، اگر وظیفه خود را صادقانه و مفید انجام دهید، با کسانی که کلام خدا را از ابتدا به خوبی خدمت کرده اند، سهم خواهید داشت.

17 آنچه را که بر منصب واجب است را جن زدید.

سومین دستور جن گیران است که به آنها قدرت داده شده است تا نام خداوند را بر کسانی که توسط ارواح ناپاک محاصره شده اند بخوانند. از این رو، اسقف، هنگامی که آنها را تأسیس کرد، کتابی را که در آن جن گیری ها وجود دارد، با استفاده از این فرمول کلمات به آنها می دهد: "آن را بگیرید و به خاطر بسپارید، و این قدرت را داشته باشید که دست روی نیرومند، خواه تعمید داده شده یا کاتچومن، بگذارید. * 18. یک آکولیت چیست؟"

اقلیت مرتبه چهارم و آخرین از همه کسانی است که صغیر خوانده می شوند و مقدس نیستند. وظیفه آنها کمك به وزیران ارشد، ساب شماسها و شماسها در خدمت محراب و کمك به آنهاست. آنها نور چراغ های بزرگ را در هنگام برگزاری مراسم قربانی کردن دسته جمعی و به ویژه هنگام خواندن انجیل حمل می کنند و نگه می دارند. که از آن ceroferari نیز به نام دیگری نامیده می شد. بنابراین، هنگامی که آنها منصوب می شوند، این مراسم معمولاً توسط اسقف انجام می شود. قبل از هر چیز، پس از یادآوری دقیق وظیفه، چراغ هایشان را این گونه به دست هر یک می سپارد: «شمعدان را با شمع بگیرید و بدانید که مأمورید چراغ های کلیسا را به نام خداوند روشن کنید». سپس پارچ های خالی نیز که با آن آب و شراب در قربانی داده می شود: " کوزه ها را بگیرید تا شراب و آب را در مراسم عشای ربانی خون مسیح به نام خداوند پیشنهاد کنید."

19 Quodan ins i te i ussu b cdoinasceocnria t ironnien i satdehriibuema n,f u arc. چنین آیینی

از اصغر، و همان غیر مقدسات، که تا کنون گفته شد، دسترسی و صعود مشروع به اکبر و مقدسات است. در درجه اول خود شماس فرعی قرار داد

که وظیفه اش همانطور که از نام خود مشخص می کند، خدمت به tur، خدا در محراب است. زیرا او باید پارچه‌های مقدس، ظروف، نان و شراب را که برای استفاده از قربانی ضروری است، آماده کند. اکنون او به اسقف و کشیش که دستان خود را در مراسم قربانی می‌شویند، آب می‌دهد. شماس فرعی نیز رساله ای را می خواند که یک بار توسط شماس در مراسم عشای ربانی خوانده می شد و به عنوان شاهد به امور مقدس می پردازد و از مزاحمت کشیش توسط کسی در هنگام انجام عبادات جلوگیری می کند. حال این موارد که اشاره به خدمت شماس ساب دارد را می توان از مراسم تشریفاتی که در تقدیس او به کار می رود مشخص کرد. اولین چیزی که اسقف به ما یادآوری می کند که قانون خودداری دائمی بر این دستور تحمیل شده است، و او حکم می کند که هیچ کس در ردیف شماس فرعی که قصد پذیرش این قانون برای آنها نیست، استخدام نشود. سپس پس از اقامه نماز مجتبی نمازگزاران به برشمردن و بیان وظایف و وظایف حضرت می پردازد. پس از انجام این کارها، هر یک از آنها که منصوب می شوند، از اسقف، در واقع، جام و بشقاب مقدس، اما از شماس بزرگ، دریافت می کنند، به طوری که فهمیده می شود که شماس های فرعی در دفتر شماس خدمت می کنند، کوزه هایی پر از شراب و آب، همراه با دیگ و پارچه ای که با آن اسقف باید دستان خود را پاک کند: پس به شما توصیه می کنم که خود را به گونه ای معرفی کنید که خدا را خشنود کنید.» علاوه بر این، دعاهای دیگری اضافه می شود. اسقف در پایان، هنگامی که اسقف ها را با لباس های مقدس که برای هر یک از آنها از کلمات و مراسم مناسب استفاده می شود، آراسته کرد، کتاب رسائل را به او می دهد و می گوید: «کتاب رسائل را بگیرید و قدرت داشته باشید که آنها را در کلیسای مقدس خدا بخوانید.

و همچنین برای کسانی که زندگی می کنند quXaXm p Qruoo dd ef suintc t diis.a"c oni office.

اکنون طبق دستورات مقدس به درجه شماسی می رسد که خدمتش گسترده تر است و همواره مقدس شمرده می شده است. زیرا به او تعلق دارد که دائماً از اسقف پیروی کند، از واعظ محافظت کند، و در دسترس او و کشیشی باشد که عبادات را انجام می‌دهد یا دیگر مراسم مقدس را انجام می‌دهد، و انجیل را در هنگام قربانی کردن عشای جماعت بخواند. اما در گذشته، او مکرراً دلهای مؤمنان را به هیجان می آورد، به طوری که آنها در مراسم مقدس شرکت می کردند. او همچنین به خون خداوند خدمت می کرد، که در آن کلیساها رسم بود که مؤمنان مراسم عشای ربانی را به هر دو شکل دریافت کنند. علاوه بر این، توزیع کالاهای کلیسایی به شماس سپرده شد تا مایحتاج زندگی هر یک را تامین کند. همچنین به شماس مربوط می شود، مانند چشم اسقف، جستجوی اینکه در شهر چه کسانی زندگی پرهیزگارانه و مذهبی دارند، چه کسانی زندگی متفاوتی دارند، چه کسانی در زمان های معین برای ایثار و موعظه ملاقات می کنند و چه کسانی در روستا ملاقات نمی کنند، تا وقتی اسقف را از همه چیز آگاه کند.

وقتی این کار را کرد، می‌تواند به طور خصوصی هر یک را نصیحت و نصیحت کند، یا علناً هر یک را تصحیح و سرزنش کند، زیرا می‌داند که بهتر پیش خواهد رفت. او همچنین باید اسامی کاتخومن ها را بخواند و کسانی را که قرار است در مراسم مقدس این نظم معرفی شوند، در برابر اسقف قرار دهد. به علاوه، اگر اسقف و کشیش غایب باشند، برای او جایز است که انجیل را شرح دهد، اما نه از جای بالاتر، تا معلوم شود که این منصب شایسته او نیست.

XXI چه نوع شماسانی باید انتخاب شوند.

اما رسول هنگامی که آداب، شجاعت و درستی «شاس» را برای تیموتائوس توضیح داد، نشان می‌دهد که چقدر باید مراقب بود که هیچ کس نالایق آن مقام به این درجه از نظم صعود نکند. آداب و مراسم رسمی که توسط اسقف تقدیس می شود به اندازه کافی این را بیان می کند. زیرا اسقف بیشتر و بیشتر از دعای مقدس برای شماس استفاده می کند تا برای توس فرعی، و زینت های دیگری را به لباس های مقدس اضافه می کند. علاوه بر این، او دست روی او می گذارد. آن که -

cdoenmo s a bi n sAtpiotsuteorluinst2.) Dfaecntiiqtuaet u me v easnsgee l lieogriummu s,l i qbruuumm epi r itmraodsi t d ihai-s کلمات: "قدرت بخوان که انجیل را در کلیسای زنده خدا و به نام مردگان خدا بخوانی."

22 شأن و وسعت کهانت باید چقدر باشد.

سومین و بالاترین درجه از تمام احکام مقدس کهانت است. اما پدران قدیم آنها را به دو نام می‌خواندند. زیرا گاهی اوقات آنها را "presbyteros" می نامند که در یونانی به معنی "پیشترها" است، نه تنها به دلیل بلوغ سنی که برای این نظم بسیار ضروری است، بلکه بسیار بیشتر به دلیل جاذبه شخصیت، یادگیری و احتیاط است. همانطور که در 3 نوشته شده است: "پیری ارجمند است، نه طولانی است و نه به تعداد سالها شمرده می شود، بلکه حواس انسان سگ است و پیری زندگی پاکیزه است.

23 کاهنیت شریعت جدید و قدیم پنج برابر است. اما از آنجایی که در نوشته های مقدس یک کشیش دوگانه توصیف شده است، یکی باطنی، دیگری بیرونی: هر دو باید متمایز شوند، به طوری که آنچه در این قسمت فهمیده می شود توسط شبانان قابل توضیح باشد. بنابراین، در مورد کهانت باطنی، همه مؤمنان، پس از شستن با آب سالم، کاهن نامیده می شوند. اما مخصوصاً عادلانی که روح خدا دارند و به فیض فیض الهی آسیب مسیح کاهن اعظم زنده است.

1 تیم 3، 8-10. ') اعمال 6، 6. ») حکمت. 4، 8. 9.

اعضا ساخته شدند؛ زیرا اینها با ایمانی که از عشق برافروخته می شود، قربانی های روحانی را در قربانگاه ذهن خود برای خدا قربانی می کنند. در این طبقه باید تمام اعمال نیک و شرافتمندانه که به جلال خداوند اشاره دارد، شمرده شوند. چرا در آخرالزمان 1 چنین می خوانیم: "مسیح ما را در خون خود از گناهانمان شست و ما را پادشاهی و کاهنان خدا و پدرش ساخت." در این جمله رئیس رسولان 2 گفته است: "خود را مانند سنگ برای مردم بسازید، خانه های روحانی، کشیشی مقدس، تقدیم قربانی های روحانی، مقبول خدا از طریق عیسی مسیح." و رسول به ما توصیه می کند 3: "که بدن خود را به عنوان قربانی زنده، مقدس، پسندیده خدا، تسلیم معقول خود ارائه دهیم." داوود نیز مدتها قبل گفته بود: "خدا قربانی را که روح شکسته و فروتنانه برای خدا تقدیم می کند، تحقیر نخواهد کرد." همه اینها با نگاه کردن به کشیش درونی به راحتی قابل درک است.

24علاوه بر کشیشی درونی، نشان داده شده است که کشیشی بیرونی دیگری نیز وجود دارد.

اما کشیشی بیرونی به انبوه همه مؤمنان تعلق ندارد، بلکه به مردان خاصی تعلق دارد که با روی دست گذاشتن مشروع، که در تشریفات و تشریفات کلیسای مقدس ایجاد شده و به خدا تقدیم شده است، به برخی خدمات شایسته و مقدس نسبت داده میشوند. این تمایز کهانت را می توان در شریعت قدیم نیز مشاهده کرد. زیرا اندکی پیش از آن نشان داده خواهد شد که داوود از باطن صحبت کرده است. اما هیچ کس بیرون نمی تواند از تعداد دستورات Domius بی خبر باشد. علاوه بر این، او تمام قبیله Gt Aaron به Moys لاوی را به خدمت معبد منصوب کرد و طبق قانون مقرر کرد که هیچ کس از قبیله دیگر جرأت نداشته باشد خود را به آن کار معرفی کند. بنابراین، پادشاه اوزیاس6) که توسط خداوند به جذام مبتلا شده بود، زیرا او منصب کشیشی را غصب کرده بود، سخت ترین مجازات ها را به خاطر تکبر و هتک حرمت او صادر کرد. زیرا، بنابراین، ما ممکن است همان تمایز کشیشی را در شریعت انجیلی مشاهده کنیم: به وفاداران تعلیم داده خواهد شد. زیرا این فقط مربوط به راز نظم است.

## وظایف مناسب کشیش ها چیست؟ 20 V.

پس وظیفه کشیش این است که برای خدا قربانی کند و مراسم مقدس کلیسای را انجام دهد، همانطور که از آداب تقدیس پیداست. زیرا اسقف وقتی کشیشی را برپا میکند، ابتدا با همه کاهنان حاضر، دست بر روی او میگذارد، سپس جامه را روی شانههایش میگذارد و آن را به شکل صلیب جلوی سینهاش میگذارد. که در آن q\\v

>) Rev. 1, 5. 6. ') 5 Pet. 2، 5. «) 4 (روم. 12، 1 متر مربع) P s. 50, 19. «) I I. Par. 26، 19

اعلام شده است که کاهن از بالا لباس قدرتی پوشیده است که با
آن می تواند صلیب مسیح خداوند را به دوش بکشد و یوغ شیرین
شریعت الهی را به دوش بکشد و آن را نه تنها با کلام، بلکه با
سرمشق زندگی بسیار مقدس و شرافتمندانه تحویل دهد. سپس
دستان خود را با روغن مقدس می‌مالد و جام را با شراب و بشقاب را
به قربانی می‌دهد و می‌گوید: «برای خدا قربانی کنید و هم برای
زنده‌ها و هم برای مردگان عشای ربانی برگزار کنید». با این
تشریفات و سخنان، مفسر و واسطه خدا و نوع بشر ایجاد می شود
که وظیفه اصلی کشیش محسوب می شود. اما در پایان، دوباره
دست‌هایش را روی سرش گذاشت: «روح‌القدس را دریافت کنید،
گناهان او بخشیده می‌شوند، و گناهان آن‌ها را حفظ می‌کنید، حفظ
می‌شوند؛ و او آن قدرت آسمانی را که خداوند به شاگردانش داد، 2) به
او می‌دهد تا گناهان را حفظ کند و ببخشد.

26 اگر چه یک مرتبه کهانت وجود دارد، اما یک درجه از کاهنان وجود ندارد.

اگرچه او یکی است، اما درجات متفاوتی از کرامت و قدرت دارد. او
اولین نفر از کسانی است که به سادگی کشیش نامیده می شوند و
کارکردهای او تا کنون توضیح داده شده است. دوم مربوط به اسقف
هاست که مسئولیت هر اسقفی را بر عهده دارند تا خادمان دیگر
کلیسا را به تنهایی ندانند، بلکه بر مردم مؤمن حکومت کنند و با
نهایت هوشیاری و مراقبت از نجات آنها مراقبت کنند. چرا غالباً در
نامه‌های مقدس به شبانان گوسفندان اشاره می‌شود که پولس در آن
موعظه‌ای که در افسس داشت، پست و وظیفه‌شان را، همانطور که در
اعمال رسولان 3 می‌خوانیم، توصیف کرد. و همچنین از پطرس 4)
شاهزاده رسولان یک حکم الهی خاص از وزارت اسقفی صادر شد که بر
اساس آن اگر اسقف ها تلاش کنند اعمال خود را هدایت کنند، شکی وجود
نخواهد داشت که آنها شبانان خوبی هستند و باید مورد توجه قرار
گیرند. اما همان اسقف ها و پاپ ها پس از دریافت این نام از قومیت ها
نامیده می شوند که قبلاً کاهنان اعظم را پاپ می نامیدند. درجه سوم
اسقف اعظم است که بر چندین اسقف ریاست می کنند که به آنها
متروپلیت نیز گفته می شود زیرا بزرگان آن شهرها هستند که از
مادران آن ولایت محسوب می شوند. از این رو، آنها از جایگاه بالاتر و
قدرت بیشتری نسبت به اسقف ها برخوردارند، هر چند از نظر
انتصاب به هیچ وجه با اسقف ها تفاوتی ندارند. در درجه چهارم
اولیاء یعنی پدران اول و عالی قرار می گیرند.

27 از کرسی های باستانی ایلخانان.

قبلاً در کل کلیسا، علاوه بر پاپ اعظم روم، فقط چهار
پاتریارک وجود داشت، و نه همه ") لوقا. 24، 49. مت. 11، 30. ») آیو.

20، 23. ") اعمال رسولان 20، 28. *) اول. پطرس 5، 2.

در عین حال از نظر کرامت برابرند. برای قسطنطنیه، اگرچه بعد از همه افتخارات برای او در اینجا آورده شد، اما به دلیل عظمت امپراتوری جایگاه بالاتری به دست آورد. بعدی اسکندریه است که کلیسای آن توسط مرقس انجیلی به دستور شاهزاده رسولان تأسیس شد. سومین آنتیوکین، جایی که پیتر برای اولین بار در آنجا نشسته بود. اورشلیمیت دارای آخرین درجه است که این کلیسا توسط یعقوب برادر خداوند اداره می شد.

28 پاپ روم بزرگترین اسقف است و این به حق الهی است.

علاوه بر همه اینها، کلیسای کاتولیک روم همیشه پاپ روم را که در مجمع افسوس سیریل الکساندرینوس اسقف اعظم، پدر و پدرسالار کل جهان می نامد، مورد احترام قرار داده است. زیرا هنگامی که او بر صندلی شاهزاده پطرس حواریون می نشیند، که تأیید می شود که او تا پایان عمر در آنجا نشسته است: او بالاترین درجه حیثیت و وسعت صلاحیت را در آن تشخیص می دهد، در واقع نه توسط هیچ قواعد کلیسایی یا سایر قوانین بشری، بلکه خدایی داده شده است. پدر و مدیر کلیسای جهانی، به عنوان کار همه مؤمنان و اسقفها و بقیه بزرگان، در هر نقش و قدرتی که به آنها اعطا شده باشد، به عنوان جانشین پطرس، ریاست نایب حقیقی و مشروع مسیح خداوند را بر عهده دارد. از این رو، کشیشان آموزش خواهند داد، و وظایف و وظایف اصلی احکام و درجات کلیسایی چیست و وزیر این مراسم مقدس کیست.

29 وزیر مشروع دستور مقدس کیست؟

زیرا توافق شده است که این اداره مربوط به اسقف است، که تأیید آن با اعتبار کتب مقدس، با مسلم ترین سنت، با شهادت همه پدران، با احکام شوراها، با رویه و عرف کلیسای مقدس آسان خواهد بود. اگرچه برخی از رهبران گاهاً مجاز به اجرای احکام جزئی و غیر مقدس شده اند، هیچ کس شک ندارد که این وظیفه صحیح یک اسقف است. که یکی از همه، به غیر از هیچ کس، اجازه ندارد در دستورات دیگر، که گفته می شود بزرگتر و مقدس تر هستند، به آن مبادرت کند. زیرا شماسهای فرعی، شماسها و کشیشان تنها توسط یک اسقف منصوب می شوند. اسقف ها توسط سه اسقف بر اساس سنت رسولان تقدیس می شوند که برای همیشه در کلیسا حفظ شده است. 30 چرا در ارتقاء به رتبه های فردی صداقت لازم است؟

اکنون می توان توضیح داد که چه کسانی برای این مراسم مقدس، و بالاتر از همه برای نظم کشیشی، و آنچه بیش از همه در آنها لازم است، مناسب هستند. زیرا از این رو برای نوری دشوار خواهد بود که بفهمد چه چیزی در سایر دستورات برای هر دفتر و

باید با وقار رعایت شود. اما بزرگترین احتیاط این است که در این مراسم مقدس انجام شود، بنابراین جمع آوری می شود که دیگران به تقدیس و استفاده از کسانی که توسط آنها درک می شوند لطف کنند. اما حقیقتاً کسانی که در امر مقدس آغاز شده‌اند، به همین دلیل در فیض آسمانی شریک می‌شوند، به طوری که خدمت آنها برای نجات کلیسا و در نتیجه همه انسان‌ها مورد مشورت قرار می‌گیرد. از آن می فهمیم که این کار انجام شده است، به طوری که فقط در روزهای خاصی که حتی روزه های رسمی مطابق با کهن ترین رسم کلیسای کاتولیک تجویز می شود، باید احکامی صادر شود، یعنی مردم مؤمن باید با دعاهای پرهیزگارانه و مقدس، خادمین این گونه امور مقدس را از خداوند دریافت کنند، که به نظر می رسد برای استفاده صحیح از خدمت و بهره مندی از قدرت کلیسایی مناسب تر باشند.

## 31 تا چه اندازه یکپارچگی زندگی و شخصیت مورد نیاز است.

بنابراین قبل از هر چیز در کسی که قرار است کشیش ایجاد شود باید یکپارچگی زندگی و شخصیت را بسیار ستود، نه تنها به این دلیل که اگر از گناهی مهلک آگاه باشد و مراقب خود باشد یا حتی رنج بکشد، خود را به جنایتی جدید و بزرگ گره زده است، بلکه باید نور فضیلت و بی گناهی را بر دیگران ترجیح دهد. آن مطلبی را که تیتوس رسول و تیموتائوس (ع) دستور می‌دهند، باید به کشیشان اعلام کرد و در عین حال تعلیم داد که آن عیب‌های بدنی که در شریعت قدیم به دستور خداوند کسی را از خدمت محراب محروم می‌کرد، در شریعت انجیلی باید به ویژه به نقص‌های روح منتقل شود. از این رو مشاهده می کنیم که این رسم مقدس در کلیسا حفظ می شود، به طوری که کسانی که قرار است در امر مقدس آغاز شوند باید ابتدا مجدانه تلاش کنند تا وجدان خود را با آیین توبه پاک کنند.

## 32 چه چیزی و چقدر در یک کشیش نیاز به یادگیری دارد.

علاوه بر این، در یک کشیش نه تنها دانشی که مربوط به استفاده و انجام آداب مقدس است لازم است، بلکه باید آنچنان به علم ادبیات مقدس آموزش داده شود که بتواند اسرار ایمان مسیحی و احکام شریعت الهی را به مردم برساند و آنها را به فضیلت و تقوا برانگیزد و مؤمنان را از رذایل دور کند. زیرا کشیش دو وظیفه دارد، یکی از آن ها آماده کردن و اجرای صحیح عبادات است، و دیگری آموزش مردمی که به ایمان خود متعهد هستند، در مورد چیزها و نهادهایی که برای رستگاری ضروری است. زیرا ملاکی بر این شهادت می‌دهد: « لب‌های کاهن معرفت را حفظ خواهند کرد و شریعت را از دهان او خواهند طلبید، زیرا او فرشته خداوند صبایوت است.» به طوری که در دیگر اینها، اگر به علم معتدل آراسته شود، می تواند آنچه را که سزاوارش است، انجام دهد: آن دیگری یقینا خواهان آموختن مبتذل نیست، بلکه آموزه های نفیس است. هر چند به طور مساوی از همه

') تیت. 1، 7. 1 تیم. 3، 8. *) مال. 2، 7

اما کاهنان ملزم نیستند که بیشترین دانش را در مورد چیزهای پنهان داشته باشند، بلکه آن چیزی است که ممکن است برای کارکرد منصب و خدمتی که هر یک به عهده می گیرند کافی باشد.

## 33 آنها نباید به شأن کهانت پذیرفته شوند.

اما این راز نباید به کودکان و دیوانگان یا دیوانگان داده شود، زیرا آنها فاقد عقل هستند. اگر چه اگر برای آنها نیز اجرا می شد، شخصیت این آیین در روح آنها تأثیر می گذاشت، مسلماً قابل باور است. به راحتی می توان از احکام شورای مقدس ترنت مشخص کرد که در هر ترتیب چه سالی باید انتظار داشت. خادمان نیز پذیرفته می شوند. زیرا او نباید وقف عبادت الهی باشد که مستقل نیست، بلکه تحت قدرت دیگری است. علاوه بر این، مردان خونی و قاتل، به دلیل اینکه توسط قوانین کلیسایی دفع می شوند، به همان اندازه نامنظم هستند. جعلی نیز، و همه کسانی که از ازدواج مشروع متولد نشده اند. زیرا شایسته است که کسانی که مقدس شمرده می شوند چیزی در خود نداشته باشند که به واسطه آن بتوان آنها را به طور شایسته مورد تحقیر و تحقیر دیگران دانست. در نهایت، کسانی که به دلیل نقص جسمی قابل توجه دچار بدغذایی یا سوءتغذیه شده اند، نباید پذیرفته شوند. زیرا آن پلیدی و ناتوانی، هم باعث آزار می شود و هم لزوماً مانع اجرای عبادات می شود.

## 34 که آثار اصلی این آیین مقدس است.

اما اکنون که این موارد توضیح داده شده است، باقی مانده است که کشیشان تعلیم دهند که آثار این آیین مقدس چه کسانی هستند. درست است که، گرچه مراسم مقدس دستورات، همانطور که قبلاً گفته شد، عمدتاً به نفع و زیبایی کلیسا است، اما فیض تقدیس را نیز در روح کسی که به امر مقدس آغاز شده است، به همراه دارد. که به موجب آن او مناسب و قادر به انجام وظایف خود و ادای عبادات مقدس می شود. همانطور که فیض غسل تعمید باعث می شود که همه افراد را برای دریافت آیین های مقدس مناسب کنند. همچنین مشهود است که فیض دیگری نیز به این مراسم مقدس داده شده است: قدرت اصلی که به مقدس ترین راز عشای ربانی اشاره شده است. به راستی که در کاهن کامل و کامل است، مانند کسی که به تنهایی می تواند بدن و خون پروردگار ما را کامل کند. اما در سایر وزرای طبقات پایین تر، درجه ای کم و بیش، که به موجب آن، هر کس، برحسب خدمت خود، کم و بیش به مقدسات محراب نزدیک می شود. و به این خصلت روحی نیز گفته می شود که آنهایی که به امر قدسی عجین شده اند با یک نشانه باطنی خاص که در روح تأثیر می گذارد از سایر مؤمنان متمایز می شوند و اسیر عبادت الهی می شوند. به نظر می رسد که رسول به تیموتائوس 2 گفت: از فیضی که در وجود شماست که به وسیله انبیا به شما عطا شده است غفلت نکنید.

ط) سس. فصل 23 12. اصلاحات. 2) 1 تیم. من، 14

سپس، با گذاشتن دست های پروانه. و در جاي ديگر): «تو را پند مي‌دهم تا فضل خدا را كه در توست با دست گذاشتن من زنده كني».
این مطالب به اندازه کافی در مورد راز نظم گفته شده است. زیرا ما اعتراف کرده‌ایم که فقط سرهای مهم‌تر را به شبانان می‌دهیم تا شواهدی برای تعلیم مردم مؤمن و تربیت آنها در تقوای مسیحی به آنها ارائه کنند.

## فصل هشتم.

### د منتریمونیل سوکرامنتو.

1. چرا کشیشان باید با پشتکار مراقب باشند که مردم مسیحی ماهیت و قداست ازدواج را درک کنند.

از آنجا که زندگی سعادتمندانه و کامل مردم مسیحی باید به شبانان پیشنهاد شود، در واقع برای آنها بسیار مطلوب است که رسول به قرنتیان 2) با این کلمات بنویسد: "من می خواهم همه مردم مانند من باشند" البته، به طوری که همه باید از فضیلت خویشتن داری پیروی کنند. زیرا در این زندگی هیچ چیز با برکتی بیش از این برای مؤمنان اتفاق نمی افتد، از این که ذهنی که از بی توجهی به دنیا حواسش پرت شده، و با تمام شهوات نفسانی آرام و مهار شده است، در تکاپوی تقوا و در فکر چیزهای بهشتی قرار گیرد. اما از آنجا که همانطور که همان رسول شهادت می‌دهد، «هرکس هدیه‌ای از جانب خدا دارد؛ برخی واقعاً چنین هستند، برخی دیگر واقعاً آن‌گونه»، و ازدواج به خوبی‌های بزرگ و الهی آراسته شده است به گونه‌ای که واقعاً و به درستی در زمره دیگر آداب مقدس کلیسای کاتولیک قرار می‌گیرد، و خداوند جشن عروسی را گرامی می‌دارد، در حالی که باید با حضور او کاملاً آشکار شود که تعلیم آن آشکار است: قابل توجه است، هم پولس، و هم 4) شاهزاده مقدس رسولان، که نه تنها برای شأن ازدواج، بلکه برای مقامی که به آنها تعلق داشت، در چندین جا سوابق دقیقی از خود به جای گذاشته است. زیرا با اتحاد با روح الاهی، به خوبی درک می کردند که اگر مؤمنان حرمت ازدواج را می دانستند و آن را خدشه ناپذیر نگاه می داشتند، چقدر می توانند برای جامعه مسیحی امتیازات فراوانی به ارمغان بیاورند. برعکس، اگر نادیده گرفته می‌شدند یا مورد غفلت قرار می‌گرفتند، بزرگ‌ترین و بزرگترین مصیبت‌ها و زیان‌ها به کلیسا وارد می‌شد. ابتدا باید ماهیت و قوت ازدواج توضیح داده شود; زیرا از آنجایی که رذیلت‌ها اغلب شبیه صادقان است، باید مراقب باشیم که مبادا مؤمنان، فریب ظاهر دروغین ازدواج، روح خود را به شهوات شرم‌آور و شیطانی آلوده کنند. دلیل اعلام امر باید از معنای اسم حاصل شود.

') II. 22 .5 اف. *) آیو. 2، 2. *) 5 قرن. 7، 7. «) 6 .1، تیم. I .1 3، دامپزشک.

II. به همین دلیل آن زوج مقدس را با نامهای نکاح، وصلت یا نکاح بیان می کنند.

«ازدواج» را او می‌گوید، زیرا زن حداکثر باید ازدواج کند تا مادر شود. یا بچه دار شدن اطاعت کردن، تربیت کردن، وظیفه مادر است.

«ازدواج» را صیغه نیز می گویند، زیرا زن حلال مانند یک یوغ به شوهرش بسته است. علاوه بر این، "ازدواج"، زیرا، همانطور که قدیس آمبروز می گوید، "آنها به خاطر حیا با دختران ازدواج کردند و به نظر می رسد که از طریق آن نیز اعلام می شد که آنها باید مطیع و تابع مردان باشند. III ازدواج چیست؟

در واقع، از نظر رایج متکلمان چنین تعریف شده است: «ازدواج عبارت است از پیوند زناشویی زن و مرد بین اشخاص مشروع، با حفظ عادت فردی زندگی». برای اینکه قسمت هایی از تعریف آن واضح تر درک شود، باید آموزش داده شود که اگر چه همه این موارد در ازدواج کامل وجود دارد، یعنی رضایت باطنی، عهد بیرونی بیان شده در لفظ، وجوب و پیوند حاصل از آن عهد، و اتحاد زوجین که به موجب آن عقد انجام می شود: هیچ یک از این موارد، به استثنای آن وجوب، مقصود از عقد است. اتحادیه «ازدواج» اضافه می‌شود، زیرا انواع دیگر عقودی که به موجب آن زن و مرد به خاطر ارزش یا به دلایل دیگر ملزم به انجام خدمات متقابل هستند، با ماهیت ازدواج کاملاً بیگانه است. سپس «بین اشخاص مشروع» می آید، زیرا کسانی که به موجب قوانین کاملاً از صیغه نکاح خارج شده اند، نه می توانند ازدواج کنند و نه در صورت انعقاد، صحیح است. مثلاً کسانی که در درجه چهارم خویشاوندی و پسر قبل از سال چهاردهم و یا دختر قبل از دوازدهم که سن مقرر در شرع است، با هم پیوند می‌خورند، نمی‌توانند عهد عادلانه ازدواج کنند. اما آنچه در وهله آخر قرار می گیرد: «حفظ عرف فردی زندگی»، ماهیت پیوند ناگسستنی را که به وسیله آن زن و شوهر به هم پیوند می خورند، روشن می کند.

IV. نیروی اصلی ازدواج در آن نهفته است.

پس از اینها معلوم می شود که ماهیت و دلیل ازدواج در آن پیوند است. زیرا در تعاریف دیگر مشهورترین مردان ظاهراً این امر را به رضایت نسبت می دهند، چنانکه می گویند ازدواج رضایت زن و مرد است: این گونه گرفتن، خود رضایت علت مولد ازدواج است. که پدران در شورای فلورانس تدریس می کردند. در واقع تعهد و اتصال جز از عهد و توافق حاصل نمی شود.

') lib. 1. 9 .از ابیهام، ج. *) Eug. IV. بطور خلاصه گل (

5- در ازدواج چه نوع رضایتی لازم است و به چه دلایلی باید اعلام شود.

اما بسیار ضروری است که رضایت با کلماتی بیان شود که دلالت بر زمان حال دارند: زیرا ازدواج یک هدیه ساده نیست، بلکه یک توافق متقابل است. و چنین می شود که رضایت طرف مقابل به تنهایی نمی تواند برای نکاح کافی باشد، بلکه باید بین آن دو متقابل باشد. اما برای اعلام رضایت متقابل ذهن، روشن است که به کلمات نیاز است; زیرا اگر ازدواج تنها با توافق درونی و بدون هیچ معنای بیرونی برقرار میاشد، به نظر میارسد که از این امر نیز پیروی میاشود، به طوری که وقتی دو نفر که در جداییاترین و متفاوتاترین مکاناها قرار داشتند، قبل از اینکه یکی از طریق نامه یا پیام اراده خود را به دیگری اعلام کند، به توافق میارسیدند، با قانون یک ازدواج واقعی و پایدار متحد شدند. اما با عقل و عرف و احکام کلیسای مقدس بیگانه است.

6. توافق متقابل که در زمان آینده بیان می شود، ازدواج نیست.

حال به درستی گفته می شود که لازم است رضایت با کلماتی که معنای زمان حال دارند بیان شود; زیرا چیزهایی که زمان آینده را نشان می دهد، ازدواج را پیوند نمی دهد، بلکه آن را تعهد می کند. سپس، آنچه قرار است بیاید، هنوز روشن نیست. که، با این حال، اینطور نیست، باید تصور شود که استحکام یا پایداری کمی دارند یا اصلاً وجود ندارد. بنابراین هیچ کس هنوز حق ازدواج با آن زنی را ندارد که او وعده ازدواج با او را می دهد. و همچنین فوراً به آنچه وعده داده بود عمل نکرد، اگرچه باید ایمان خود را انجام دهد. اگر این کار را نکند، محکوم به تخلف از ایمان است. ولی درست است که کسی که به عهد ازدواج به دیگری ملحق می شود، اگر چه بعداً توبه کند، باز هم نمی تواند آنچه را انجام داده است تغییر دهد و یا آن را باطل و آلوده کند. بنابراین، از آنجایی که وجوب نکاح یک قول ساده نیست، بلکه بیگانگی از آن نوع است که به موجب آن شوهر قدرت زن را می سپارد و زن نیز به نوبه خود قدرت بدن خود را به مرد می سپارد، بنابراین لازم است در الفاظی که دلالت بر زمان حال دارند، عقد نکاح کنند. زور سخنان او پس از بیان آنها، زن و مرد را در پیوندی ناگسستنی می بندد.

VII. اگر به واسطه شرم یا مانع دیگر، رضایت در کلام بیان نشود، تکان دادن سر و علامت جای حرف را می گیرد.

اما به جای حرف، هم تکان دادن سر و هم نشانه هایی که به وضوح نشان دهنده رابطه صمیمانه است، برای ازدواج کافی است و حتی خود تنبلی، وقتی دختر از شرم جواب نمی دهد، اما پدر و مادرش به جای او صحبت می کنند.

هشتم. برای ازدواج واقعی نیازی به زندگی مشترک نیست.
از این رو، کشیشان به مؤمنان میرسانند که ماهیت و قوت ازدواج مبتنی بر تعهد و تعهد است، و جدا از رضایت، همانطور که گفته شد، فقط برای اینکه ازدواج واقعی باشد، لزوماً نیازی به زندگی مشترک نیست. زیرا حتی والدین اول قبل از گناه، که در آن زمان هیچ پیوند جسمانی بین آنها رخ نداده بود، همانطور که پدران شهادت می دهند، به وضوح آشکار است که آنها واقعاً با ازدواج متحد شده بودند. از این رو پدران مقدس گفته اند که ازدواج با زندگی مشترک نیست، بلکه با رضایت وجود دارد. که در کتاب باکره ها نیز توسط سنت آمبروز تکرار شده است. 9 در مورد ازدواج دوگانه باشد.

اما حالا که این موارد توضیح داده شد، آموزش داده می شود که ازدواج معنای دوگانه دارد. زیرا باید آن را یا به عنوان یک پیوند طبیعی (زیرا ازدواج را مردان اختراع نکردند، بلکه طبیعتاً اختراع کردند) یا به عنوان یک آیین مقدس در نظر گرفت که نیروی آن بر شرایط چیزهای طبیعی غلبه می کند. و چون فیض طبیعت را کامل می کند (نه «قبل» که روحانی است، بلکه حیوانی است، آنگاه معنوی است) نظم امور ایجاب می کند که ازدواج، چنان که فطرت موافق و متعلق به تکلیف فطرت است، ابتدا باید به آن رسیدگی شود، اما آنگاه آنچه را که موافق هستند، چون امری مقدس است، توضیح داده می شود.

X. مؤلف ازدواج کیست که تکلیف طبیعت بر آن دلالت می کند؟ بنابراین، قبل از هر چیز، باید به مؤمنان آموخت که ازدواج توسط خدا برقرار شده است. زیرا در پیدایش 3 نوشته شده است: «آنها را نر و ماده آفرید و خدا برکت داد و گفت: «بارور شوید و زیاد شوید. و 4): «لمْ أَنْ أَسلَى الأ َنساب ِ إلى الأ ْ َنساب ِ؛ او را یاوری مانند خود قرار دهیم». و اندکی بعد 5): "اما برای آدم یاوری مانند او یافت نشد. پس خداوند خدا بر آدم خوابید و چون به خواب رفت، یکی از دنده های او را گرفت و گوشت را برای آن پر کرد. و خداوند خداوند دنده ای را که از آدم گرفته بود به زنی ساخت و او را نزد آدم آورد. از این رو مرد پدر و مادر خود را ترک خواهد کرد و به زن خود خواهد پیوست. که توسط خود خداوند در سنت متی 6) نشان می دهد که ازدواج از طریق الهی برقرار شده است. XI. ازدواج که به عنوان یک منصب فطری و بالاتر از همه به عنوان یک راز در نظر گرفته می شود، نمی تواند منحل شود.

در واقع، خداوند ازدواج را فقط به این ترتیب برقرار نکرد، در واقع،
همانطور که شورای مقدس ترنت7) اعلام می کند، دائمی است. 6. ») I Cor. 15، 46.
") Uen. 1، 27. 23. «) Gen. 2، 18. «) ib. 20. مربع «) M مربع .4 ،19 در '>) S ess. 24. در پرنس.

او همچنین گرهی ناگسستنی به آن افزود. زیرا به راستی که منجی می گوید: «آنچه را که خداوند به هم پیوسته است، انسان از هم جدا نکند». زیرا اگر چه ازدواج، تا آنجا که یک وظیفه طبیعی است، باید توافق کند، به طوری که نمی توان آن را منحل کرد، اما این امر به ویژه از آنجایی که یک مراسم مقدس است، چنین است. از این رو او حتی در هر آنچه که طبق قانون طبیعت برای او مناسب است به عالی ترین کمال می رسد. اما هم میل به تربیت فرزند و هم سایر لوازم ازدواج با آن ناسازگار است تا پیوند آن از بین برود.

## XII. قانون پیمانکاری بر همه مردان تحمیل نمی شود.

اما آنچه توسط خداوند گفته شد 2) : «برخیز و زیاد شو»، این اشاره به دلیل برقراری ازدواج دارد، نه برای تحمیل نیازها بر افراد. اکنون که نسل بشر زیاد شده است، نه تنها هیچ قانونی کسی را مجبور به ازدواج نمی کند، بلکه باکرگی بسیار مستحب است و در حروف مقدس به هر یک توصیه شده است که از حالت ازدواج عالی‌تر است و در خود کمال و قداست بیشتری دارد. زیرا خداوند منجی ما به این ترتیب 3 تعلیم داد: "کسی که می تواند بگیرد، بگذار بگیرد." و رسول 4) گفت: "من هیچ فرمانی از خداوند در مورد باکره ها ندارم، بلکه به عنوان رحمتی که خداوند تعقیب می کند، مشاوره می دهم تا وفادار باشم."

## سیزدهم چرا زن و مرد باید متحد باشند؟

اما به چه دلایلی زن و مرد باید با هم متحد شوند، لازم به توضیح است. بنابراین، این اولین چیزی است که غریزه طبیعی جنس‌های مختلف آرزوی آن را دارد، SiCietas، به امید کمک متقابل، تا با کمک یکدیگر راحت‌تر ناراحتی‌های زندگی را تحمل کنند و از ناتوانی‌های پیری حمایت کنند. دوم این که میل به زایش آنقدر برای آن نیست که وارثان اموال و ثروت ها باقی بمانند تا پرستندگان ایمان و دین واقعی تربیت شوند. از حروف مقدس به قدر کافی مشهود است که در واقع هدف آن بزرگواران از ازدواج با همسران بوده است. چرا فرشته وقتی به توبیاس هشدار داد که با چه توافقی می تواند قدرت دیو شیطانی را دفع کند: "به شما نشان داده می شود که دیو می تواند بر آنها چیره شود. برای آنها که ازدواج را به گونه ای می پذیرند که خدا را از خود و ذهن خود محروم می کنند و از شهوات خود چنان خالی هستند که اسبی بر آنها قدرتی ندارد." از فرزندان، به جای شهوت، تا در فرزندان ابراهیم برکت پیدا کنید

•) مت. 19، 6. *) پیدایش 1، 28. < ) مت. 19، 12. 4) اول قرن. 7، 25. «) طوب. 6، 16. 17. 22.

ابتدا ترتیب ازدواج داد. از این رو چنین می شود که بزرگ ترین جرم کسانی است که به واسطه مواد مخدر به ازدواج خود کمک می کنند یا از بارداری جلوگیری می کنند یا زایمان را به تعویق می اندازند. زیرا این را باید یک توطئه بی شرمانه قاتلان تلقی کرد.

چهاردهم چرا ازدواج بعد از گناه برقرار شد؟

سوم آن است که پس از سقوط والد اول، به علل دیگر رسید، هنگامی که به دلیل از بین رفتن عدالتی که انسان در آن بنا شده بود، اشتهای عقل درست شروع به مقاومت کرد. همانطور که می دانید، کسی که به ضعف خود واقف است و نمی خواهد در جنگ نفسانی بجنگد، برای دوری از گناهان شهوتی از راه حل ازدواج استفاده می کند. رسول در مورد او چنین می نویسد (اول قرنتیان 7: 2): "به خاطر زنا هر کس زن خود و هرکس شوهر خود را داشته باشد."

و اندکی بعد چون تعلیم داد که گاهی برای نماز باید از زناشویی پرهیز کرد، تسلیم شد: «و دوباره به همین امر بازگرد که مبادا شیطان تو را به خاطر بی اختیاری وسوسه کند». پس اینها عللی است که برای هر کس که بخواهد به اقتضای اولیاء نکاح از روی دینداری و دینی ازدواج کند، باید برخی از آنها را پیشنهاد کرد. ولی اگر دلایل دیگری به آن دلایل اضافه شود که به موجب آن مردان به ازدواج وادار می شوند و در انتخاب همسر این امر را بر او ترجیح می دهند، از قبیل تمایل به وارث، مال، شکل، زرق و برق نژاد، تشابه آداب، البته این دلایل تا زمانی که مخالف حرمت ازدواج نباشد، مذموم نیست. زیرا یعقوب پدرسالار در نوشته‌های مقدس مورد سرزنش قرار نمی‌گیرد که راحیل را که فریفته زیبایی او شده بود به لیا ترجیح داده است. این موارد در مورد ازدواج آموزش داده می شود، زیرا این یک پیوند طبیعی است. 15 چرا ازدواج از طریق مسیح مقدس است؟

اما از آنجایی که این یک مراسم مقدس است، لازم است توضیح دهیم که ماهیت آن بسیار عالی تر است و کاملا به هدفی بالاتر مربوط می شود. زیرا همانطور که ازدواج، به عنوان یک پیوند طبیعی، از ابتدا برای تکثیر نسل بشر برقرار شد: پس برای اینکه مردم برای پرستش و دین واقعی خدا و منجی ما مسیح، زائیده و تربیت شوند، شأن آیین مقدس به آن داده شد. زیرا از آنجایی که مسیح خداوند می‌خواست نشانه‌ای مطمئن از رابطه بسیار نزدیکی که با کلیسا دارد و از خیرخواهی بی‌شمار خود نسبت به ما بدهد، با این مهم‌ترین پیوند مقدس زن و مرد، قدر و منزلت چنین پروردگار بزرگی را اعلام کرد. این که این کار به بهترین وجه انجام شد را می توان از این واقعیت فهمید که از بین همه نیازهای بشری، هیچ چیز به اندازه پیوند زناشویی، مردم را به هم پیوند نمی دهد و بزرگترین پیوند زن و شوهر، محبت و خیرخواهی است. و بنابراین اتفاق می افتد، همانطور که اغلب انجام می شود

نامه های مقدس این اتحاد الهی مسیح و کلیسا را در برابر چشمان ما، شبیه عروسی، نشان می دهد.

16 چگونه ازدواج یک راز واقعی شریعت انجیلی است.

اکنون، در واقع، این که ازدواج یک آیین مقدس است، کلیسا، که توسط مرجعیت رسولان تأیید شده است، همیشه قطعی و کاوش شده است. زیرا او به افسسیان 1 می نویسد: "شوهرها باید زنان خود را مانند بدن خود دوست داشته باشند. کسی که همسر خود را دوست دارد خود را دوست دارد؛ زیرا هیچ کس هرگز از بدن خود متنفر نبوده، بلکه آن را تغذیه می کند و آن را گرامی می دارد، همانطور که مسیح نیز در کلیسا انجام می دهد؛ زیرا ما اعضای بدن او، از گوشت و استخوان های او هستیم. به همین دلیل، یک مرد به پدر و مادر خود یک تن خواهد داد. من در مسیح و در کلیسا می گویم که آیین مقدس بزرگ است. زیرا آنچه می گوید: «این یک مراسم بزرگ است»، هیچ کس نباید شک کند که منظور ازدواج است. یعنی پیوند زن و مرد، که خدا پدید آورنده آن است، پیوند مقدسی که مسیح خداوند به وسیله آن با کلیسا متحد می شود، یک آیین مقدس است، یعنی نشانه ای مقدس.

17 چگونه ازدواج یک آیین مقدس است را می توان از سخنان سنت پل متقاعد کرد.

پدران مقدس قدیمی که آن قسمت را تفسیر کردند، نشان می‌دهند که این معنای واقعی و صحیح سخنانشان است. و شورای مقدس ترنت2) همین را توضیح دادند. بنابراین توافق شده است که شوهر توسط رسول نزد مسیح، همسر کلیسا آورده شد. مرد 3) سر زن باشد، همانطور که مسیح برای کلیسا است. و بدین جهت باید این کار را کرد که شوهر به همسر خود محبت کند و در مقابل زن نیز شوهر خود را دوست بدارد و او را گرامی بدارد. زیرا مسیح کلیسا را دوست داشت و خود را برای آن تسلیم کرد. اما باز، همانطور که همان رسول تعلیم می دهد، کلیسا تابع مسیح است. اما سخنان مجمع اعلام می‌دارد که فیض به هر یک از این مقدسات دلالت و نسبت داده می‌شود، که در آن‌ها دلیل مراسم مقدس بیش از همه وجود دارد: «فیضی که آن عشق طبیعی را کامل می‌کند، و وحدت ناگسستنی را تأیید می‌کند، و این زوج را تقدیس می‌کند، خود مسیح، عادل‌کننده و کامل‌کننده مقدسات ارجمند، که با اشتیاق خود برای ما به دست آمده است». از این رو، به فیض این راز باید آموخت که زن و مرد، که با پیوند خیرات متقابل متحد شده اند، در خیرخواهی دیگری آرام بگیرند و در جستجوی محبت ها و آمیزش های عجیب و نامشروع نباشند، بلکه در همه چیز یک ازدواج «محترمانه» و یک چنبره بی لک باشند.

') اف. 5، 28 - 32. *) 24 .Sess. از متر. در اصل و می تواند. I. 3) اف. 5، 23. *5. 24. *) عبری. 13، 4

17

تعلیم و تربیت، Con». ترید

18 تا آنجا که ازدواج انجیل از شریعت طبیعت یا ازدواج موسی آورده شده است.

اما تا آنجا که در مورد ازدواج هایی که قبل یا بعد از شریعت انجام می شد، راز ازدواج وجود دارد، ممکن است از اینجا بدانیم که گرچه ملت ها فکر می کردند که چیزی در ازدواج الهی وجود دارد و به همین دلیل این آمیزش ولگرد با قانون طبیعت بیگانه است، و به همین ترتیب آنها قضاوت می کردند که تجاوز جنسی، زنا، و دیگر اقوام به هیچ وجه دارای قدرت مطلق نبوده اند. مراسم مقدس از سوی دیگر، در میان یهودیان، قوانین ازدواج عموماً بیشتر از نظر دینی رعایت میاشد، به طوری که نمیاتوان شک کرد که ازدواج آنها از قداست بیشتری برخوردار بوده است. زیرا هنگامی که آنها این وعده را دریافت کردند که روزی خواهد بود که همه امتها در نسل ابراهیم برکت خواهند یافت: به درستی دیده شد که در میان آنها وظیفه بزرگ تقوا بود، بچه زایی، تکثیر نسل قوم برگزیده، که مسیح خداوند منجی ما، تا آنجا که به طبیعت انسانی مربوط می شود، از آنها متولد می شد. اما آن اتحادیه ها نیز فاقد راز واقعی بودند. -258-

19 ازدواج در شریعت طبیعت پس از گناه، یا در شریعت موسی مبدأ آن، که از جانب خدا بود، شأن خود را حفظ نکرد.

به این اضافه می شود که چه به طبیعت پس از گناه بنگریم و چه به شریعت موسی، به راحتی متوجه می شویم که ازدواج از بدو تولد در نزاکت و صداقت سقوط کرده است. زیرا در حالی که قانون طبیعت غالب بود، متوجه میاشویم که بسیاری از پدران باستانی بودند که همزمان با چندین همسر ازدواج کردند.

سپس در شریعت موسی، با توجه به قبض طلاق، اجازه داده شد که در صورت وجود علت، زن خود را طلاق دهد. که هر دو توسط شریعت انجیلی لغو شد و ازدواج به حالت سابق خود بازگردانده شد. از آنجا که تعدد زوجات با ماهیت ازدواج بیگانه بود (اگرچه برخی از پدران قدیم را نباید متهم به گرفتن چندین زن بدون اغماض خدا کرد)، مسیح خداوند در این کلمات نشان می دهد: "به این دلیل مرد پدر و مادر خود را ترک خواهد کرد و به همسر خود خواهد چسبید و آن دو در یک جسم خواهند بود." و سپس می افزاید: «پس دیگر دو نفر نیستند، بلکه یک تن هستند». او با این سخنان روشن کرد که ازدواج آنچنان از جانب خداوند نهادینه شده است که تنها با پیوند دو نفر تعریف شده است، نه بیشتر.

که او همچنین در جاهای دیگر بسیار آشکارا تدریس می کرد. زیرا می فرماید: 5: «هر کس زن خود را طلاق دهد و دیگری را به عقد خود درآورد، او را زنا می کند، و اگر زن شوهر خود را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند، زنا می کند.

') Gen 22. 18. J) قوس 6. 5. 19، ث) م در. 9. 19، *) مت 8. 1. 24، تثنیه. M. 10، 11. 1«.

باید گفت که چرا باید گفت که او مرتکب زنا شده است، زیرا علاوه بر همسری که در خانه داشته، با دیگری ازدواج کرده است، نه اینکه او را طلاق داده و با دیگری پیوند داده است. و به همین دلیل می دانیم که اگر کافر بر اساس عرف و عادت نژاد خود چندین زن را به عقد خود درآورد، هنگامی که به دین حق گرویدن، کلیسا به او دستور می دهد که بقیه را رها کند و تنها همسر اولی را به جای زن عادل و مشروع داشته باشد.

20 پیوند زناشویی با طلاق گسسته نمی شود.

حقیقت به راحتی با همان شهادت مسیح خداوند به هیچ وجه ثابت می شود. طلاق می تواند موجب انحلال نکاح شود. زیرا اگر بعد از طلاق، زن از شوهرش آزاد شده باشد، ازدواج با مرد دیگری بدون اتهام زنا برای او حلال است. و خداوند آشکارا نکوهش می کند: «هر کس زن خود را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند زنا کرده است». از این رو آشکار است که پیوند زناشویی با هیچ امری، جز با مرگ، گسسته می شود. در واقع رسول نیز تایید می کند که می فرماید: «زن تا زمانی که شوهرش زنده است به شریعت ملزم است؛ زیرا اگر شوهرش بخوابد، از شریعت آزاد می شود و با هر که بخواهد ازدواج می کند، فقط در خداوند». و دوباره 3) "به کسانی که ازدواج کرده اند، نه من، بلکه به خداوند فرمان می دهم که زن از شوهر خود طلاق نگیرد و اگر طلاق گرفت، مجرد بماند یا با شوهر خود آشتی کند." اما رسول این اختیار را به زنی داد که شوهرش را به دلیلی عادلانه ترک کرده بود یا مجرد بماند یا با شوهرش آشتی کند. زیرا کلیسای مقدس اجازه نمی دهد که زن و مرد بدون دلایل جدی یکدیگر را ترک کنند.

XXI چرا ازدواج باید بدون دلیل منحل شود؟

و مبادا به نظر کسی برسد که قانون ازدواج شدیدتر است و هرگز نمی توان آن را به هیچ دلیلی منحل کرد: باید آموخت که چه مزایایی دارد. زیرا اولا مردان در ازدواج باید بدانند که به فضیلت و تشابه آداب باید توجه کرد تا ثروت و زیبایی. در واقع، هیچ کس نمی تواند شک کند که این امر برای جامعه عادی بسیار مناسب است. بعلاوه، اگر طلاق باعث انحلال ازدواج می شد، به ندرت مردان هیچ دلیلی برای مخالفت نداشتند که هر روز مورد اعتراض دشمن قدیمی صلح و عفاف قرار می گرفت. اما اکنون که مؤمنان با خود می اندیشند، اگرچه عقیده و عرف ازدواج ندارند، اما به پیوند زناشویی گره می خورند و امید به گرفتن همسر دیگر برایشان قطع می شود. و اگر گاهی حتی طلاق "در 5). M a7.t. 19، 9. لوقا 16، 18. 2) اول قرن 7، 39. «) ib. v. 10. U. Con. Trid. seat 24

بگذار این کار را بکنند و همسران دیگر طاقت این اشتیاق را نداشته باشند و به راحتی توسط دوستان آشتی کنند و به ازدواج او برگردند.

22 که با طلاق از هم جدا می شوند، می توانند دوباره به هم بپیوندند. اما در این مرحله، نصیحت سعادتمندانه قدیس آگوستین1) برای

شبانان حذف نخواهد شد. زیرا او باید به وفاداران نشان دهد که این کار نباید به سختی انجام شود، که اگر از گناهان خود توبه کنند، باید با زنانی که به دلیل زنا از خود کنار گذاشته بودند، به فیض بازگردانده شوند: "چرا،" او گفت، "نباید یک مرد وفادار زنی را که کلیسا می پذیرد، دریافت کند؟ یا چرا یک زن از یک شوهر زناکار نیز صلح نمی بخشد، اما به کیست؟" زیرا آنچه کتاب مقدس 2) "احمق" می نامد، "کسی است که زن زناکار را نگه می دارد": او نسبت به او احساس می کند که وقتی او گناه کرد، از توبه خودداری می کند و از زشتی که او شروع کرده است دست می کشد. بنابراین، از این موارد روشن می شود که همسران وفادار از نظر کمال و اشراف به مراتب برتر از ازدواج غیریهودیان و یهودیان هستند.

## 23 کالاهایی که از این مراسم مقدس به زوجین باز می گردد چیست؟

علاوه بر این، مؤمنان باید بیاموزند که ازدواج سه چیز دارد: فرزندان، ایمان، و مقدس. با جبران آن، آن ناراحتی ها برطرف می شود، که رسول 3) به این عبارات اشاره می کند: «اینان دچار مصیبت جسمانی خواهند شد» و حاصل می شود که پیوندهای بدنی که در خارج از ازدواج با شایستگی محکوم می شود، با شرافت متحد می شوند. پس خیر اول، « اولاد» است، یعنی فرزندانی که به همسری عادل و مشروع گرفته می شوند; زیرا رسول این کار را به حدی انجام داد که فرمود: «زن رستگار می‌شود» از طریق نسل فرزندان. این در واقع فقط از تولید مثل نمی‌توان فهمید، بلکه از آموزش و تربیتی که به وسیله آن کودکان برای تقوا تربیت می‌شوند نیز قابل درک نیست. بنابراین رسول بلافاصله اضافه می کند: «اگر در ایمان ادامه دهند». زیرا کتاب مقدس هشدار می دهد: "آیا شما فرزندان هستید؟ به آنها بیاموزید و از کودکی آنها را خم کنید." رسول 6 نیز همین را تعلیم می دهد، و توبیاس، ایوب و دیگر پدران مقدس در نوشته های مقدس خود زیباترین نمونه های نهاد او را آورده اند. اما اینکه وظایف والدین و فرزندان چیست، در دستور چهارم به طور کامل توضیح داده خواهد شد.

## 24 ایمان در ازدواج چیست و چگونه آن را حفظ کنیم.

به دنبال آن «ایمان» که دومین حسن ازدواج است; نه آن عادت فضیلتی که با درک تعمید با آن آغشته می شویم. بلکه نوعی وفاداری است که به موجب آن شوهر خود را به همسرش می بندد و زن به گونه ای خود را به شوهر می بندد که یکی قدرت بدن خود را به دیگری تسلیم کند و هرگز آن عهد مقدس ازدواج را زیر پا نگذارد.

') از بزرگسالان. کتاب 2. 6 .o. و 9. الف) Prov. 18، 22 «) اول کور. 7، 28. *) 1 تیم. 2، 16. و) جامعه. 7، 25. «) اف. 6، 4. تاب. 4، 1. دنباله. شغل 1، 5

وعده رم این را به آسانی از کلماتی که والد اول بیان کرد، به دست می آید. که سپس مسیح خداوند در انجیل 2) تأیید کرد: "چرا مرد پدر و مادر خود را ترک می کند و به همسر خود ملحق می شود و آن دو یک بدن خواهند بود؟" همچنین از آن آیه رسول 3: «زن بر بدن خود تسلط ندارد، مگر مرد؛ و به همین ترتیب، مرد بر بدن خود قدرتی ندارد، مگر زن». از این رو، بر اساس بهترین قانون، جدی ترین هشدارها از جانب خداوند به زناکاران، مبنی بر شکستن این ایمان زناشویی، در شریعت قدیم برقرار شد. علاوه بر این، ایمان به ازدواج مستلزم آن است که زن و شوهر در عشقی منحصر به فرد، مقدس و خالص با هم متحد شوند، و نه آنگونه که زناکاران یکدیگر را دوست دارند، بلکه همانطور که مسیح کلیسا را دوست داشت. زیرا رسول مرتباً این را تجویز می کرد، هنگامی که می گفت: "ای شوهران، زنان خود را دوست بدارید، همانطور که مسیح نیز کلیسا را دوست داشت"، چه یقینی است که او این خیرات عظیم را به هم ریخته و نه فیض وصلت خود، بلکه فقط به نفع عروس را به خود پیشنهاد می کند.

25 راز چیست در حالی که در بین کالاهای ازدواج شمرده شده است؟

سومین حسنه «راز ازدواج، پیوند زناشویی است که هرگز از بین نمیرود؛ زیرا همانطور که در رسول 5 آمده است): «خداوند» دستور داد: «زن نباید شوهر خود را طلاق دهد. اگر طلاق گرفت، باید مجرد بماند یا با شوهرش آشتی کند، و شوهر نباید زن خود را طلاق دهد.» زیرا اگر ازدواج، به عنوان یک آیین مقدس، نشان دهنده اتحاد مسیح با کلیسا است: لازم است که مسیح هرگز خود را از کلیسا جدا نکند، تا زن از شوهرش جدا نشود، تا آنجا که ممکن است روستای ازدواج بدون تعهد به راحتی قابل شکایت باشد. از زن و شوهر، که توسط سنت پولس و شاهزاده رسولان، پیتر، توصیف شده است، خواهد شد تحویل داده می شود.

از این رو وظیفه شوهر این است که با زن خود آزادانه و محترمانه رفتار کند. در این مورد باید به یاد داشته باشیم که حضرت آدم حوا را همسر نامیده بود که گفت: زنی که به من همسر داده ای. به همین دلیل برخی از پدران تعلیم دادند که آن ساخته شده است، به طوری که از پاها ساخته نشده است، بلکه از پهلوی انسان ساخته شده است. به نحوی که حتی از سر آفریده نشده بود تا بفهمد که معشوقه مرد نیست، بلکه موضوع مرد است. بعلاوه، شایسته است که مرد همواره به تحصیل در امور شرافتمندانه اشتغال داشته باشد و چیزهایی را که برای تأمین معاش خانواده لازم است تأمین کند.

پیدایش 2، 24. ») مت. 19، 5. افس. 5، 31. ») اول کور. 7، 4. > ) 10 ،20 .Lev. تثنیه. V2,
Gen. 3, 12 (» .11 ،10 ،7 .اول قرن. 6) 25. 5، اف. 22.

آنها ضروری هستند تا در اوقات فراغت بیهوده که تقریباً همه رذایل از آن سرچشمه گرفته اند، سست نشوند. اما سپس خانواده را به درستی تنظیم کند، رفتار همه را اصلاح کند و هر یک را در وظیفه خود نگه دارد.

## 27 همسر شما به چه چیزی نیاز دارد؟

باز هم قسمتهایی از زن است که امیر رسولان آنها را برمیشمارد، وقتی میفرماید: «زنان تابع شوهران خود باشند، تا اگر به کلام ایمان آوردند، از گفتگوی زنان بیکلام سود ببرند، از ترس رفتار پاکیتان، که ظاهر آن را موی سر نپوشانید، یا آن را با لباسهای زینتآلود و یا لباسهای گرانقیمت خدا احاطه کنید. بنابراین گاه زنان مقدس نیز با امید به خدا، خود را زینت میدادند و مطیع شوهران خود بودند، چنانکه سارا از ابراهیم اطاعت میکرد و او را پروردگار میخواند.» earu.-n نیز باید سرلوحه مطالعه باشد تا فرزندان را به عبادات دینی آموزش دهد و به امور داخلی رسیدگی کند. اما اجازه دهید با میل و رغبت خود را در خانه نگه دارند، مگر اینکه ضرورت آنها را مجبور به بیرون رفتن کند. و هرگز نباید بدون اجازه شوهر خود جرات انجام این کار را داشته باشند. آنگاه، که پیوند زناشویی در آن خصوصاً قرار دارد، همیشه به یاد می آورند که به فرموده خداوند، هیچ کس را نباید بیش از شوهر دوست داشت، و هیچ کس را نباید ارزشمندتر از او دانست. به او نیز در همه جا»؛ در اموری که مغایر با تقوای مسیحی نیست، باید با نهایت غیرت رفتار کرد و اطاعت کرد.

## 28 در مورد آداب ازدواج چه فکری باید کرد؟

نتیجه تبیین این موارد این خواهد بود که شبانان نیز آداب و رسومی را که در عقد باید رعایت شود، بیاموزند. در مورد آن نمی توان انتظار داشت که احکام در این مرحله صادر شود، زیرا مجمع مقدس ترنت، 3) که باید در این مورد بیشتر رعایت شود، به وفور و با دقت ثابت شده است، و همچنین نمی توان آن حکم را توسط شبانان نادیده گرفت. بنابراین کافی است که آنها را تشویق کنیم که سعی کنند آنچه را که مربوط به این بخش است از آموزه شورای مقدس بیاموزند و آنها را با دقت برای مؤمنان توضیح دهند.

## 29 ازدواج مخفیانه تایید نمی شود.

در وهله اول، مبادا نوجوانان و زنان جوانی که در سنینشان بیشترین ضعف نصیحت وجود دارد، فریب نام دروغین ازدواج را بخورند و با سهل انگاری پیمان های پست محبت ببندند.

فرمان انجام اصلاح مادر .Sess. 24 «) Gen. 18, 12. (حیوان خانگی. 3، 1 متر مربع I. 4 (')

30 همچنین باید بر موانع ازدواج فائق آمد.

اما آنچه مانع ازدواج می شود باید توضیح داده شود. در این موضوع، بیشتر بزرگ‌ترین و عالم‌ترین مردانی که در مورد رذایل و فضائل نوشته‌اند، چنان مجدانه بوده‌اند که انتقال آنچه در نوشته‌های خود به این مکان آورده‌اند، برای همگان آسان خواهد بود. در حالی که به ویژه برای کشیشان ضروری است که تقریباً هرگز کتابهای مشابهی را از دستان خود بیرون نگذارند. پس هم آن احکام و هم آن احکامی که از سوی شورای مقدس 1) در مورد مانعی که یا از خویشاوندی معنوی ناشی می شود یا از عدالت صداقت عمومی و یا از زنا سرچشمه می گیرد، با دقت می خوانند و مواظب تحویل مؤمنان می باشند.

31 کسانی که به ازدواج نزدیک می شوند باید تحت تأثیر چه روحی قرار گیرند؟

از آن می توان دریافت که مؤمنان هنگام عقد ازدواج با چه فکری باید تحت تأثیر قرار گیرند. زیرا آنها نباید به هیچ چیز انسانی حمله کنند، بلکه آن را الهی می پندارند، که در آن باید یکپارچگی ذهن و تقوا به کار گرفته شود، مثالهای پدران شریعت قدیم به اندازه کافی نشان می دهد. ازدواج‌هایشان گرچه از شأن و منزلت مقدس برخوردار نبودند، اما آنها را مهم‌ترین جشن‌های مذهبی و قداست می‌دانستند.

32 برای استحکام نکاح رضایت پدر و مادر لازم است.

از جمله اینکه فرزندان خانواده ها را باید تشویق کرد که آن عزت را به پدر و مادر و کسانی که مورد اعتماد و قدرت هستند قرار دهند تا با افراد نادان ازدواج نکنند، چه رسد به ناخواسته و منفور. زیرا در عهد عتیق ممکن است مشاهده کنیم که فرزندان همیشه توسط پدرانشان ازدواج می کردند. در موردی که اکثریت آنها تسلیم اراده خود هستند، ظاهراً رسول نیز در آن عبارت 3 اشاره می کند: «کسی که با باکره خود ازدواج کند نیکوکار است و هر که ازدواج نکند بهتر است».

33 در مورد صیغه چه دستوری باید داد؟

آن قسمت آخر که مربوط به ازدواج است که شبانان باید طوری رفتار کنند که در گوش مؤمنان ناشایست به نظر برسد و یا باعث جریحه دار شدن عقل های پرهیزکار شود و یا موجب خنده شود، از دهانشان خارج نشود. زیرا همانطور که کلام خداوند کلمات پاکیزه است (4): برای مردم مسیحی نیز شایسته است که از این نوع دعا به عنوان معلم استفاده کنند که دارای جاذبه و یکپارچگی ذهنی خاصی است. چرا آن دو مهم ترین برای آموزش هستند

دنباله ») من کور. 7، 38. «) ص. 11، 7 2 ،28 .Gen. 24, 3. seq .فصل 2-4 .ib ('

آنها وفادارند: اولاً توجه به ازدواج به خاطر لذت و شهوت نباشد، بلکه باید در آن حدودی استفاده شود که همانطور که در بالا نشان دادیم از جانب خداوند مقرر شده است. زیرا شایسته است به خاطر داشته باشیم که رسول توصیه می کند: «کسانی که همسر دارند، چنان باشند که گویی هیچ ندارند» و قدیس جروم2 گفته است: «مرد عاقل باید همسر خود را از روی قضاوت دوست داشته باشد، نه با محبت، او باید انگیزه های لذت را کنترل کند، و عجولانه او را به آمیزش کشانند. 34 زن و شوهر باید در هر زمان از دفتر ازدواج جدا شوند.

اما از آنجایی که همه چیزهای خیر را باید با دعای مقدس از خداوند به دست آورد، چیز دیگری نیز باید به مؤمنان بیاموزیم و آن اینکه برای دعا و تضرع از خدا فعلاً از ازدواج خودداری کنند. و مهمتر از همه، به آنها اطلاع دهید که این را برای خودشان رعایت کنند، حداقل سه روز قبل از اینکه عشای مقدس را دریافت کنند، در واقع اغلب، زمانی که روزه های رسمی روزه گرفته می شود، همانطور که پدران ما به درستی و مقدس دستور داده اند. زیرا به این ترتیب خواهد بود که با انباشت فیض الهی، روز به روز بر خیرات زناشویی افزوده می‌شود و در پی تحصیل تقوا نه تنها این زندگی را آرام و آرام پیش می‌برند، بلکه با امیدی راستین و پایدار که «آشفتگی نمی‌کند» به لطف خداوند به حیات جاودانه می‌کوشند.

## تعلیم و تربیت

## بخش سوم

### فصل اول

### احکام دل در دکالوگ آمده است.

/. نشان داده شده است که دکالوگ مجموع همه احکام است. قدیس آگوستین 4) این را کاملاً ستود که دکالوگ مجموع و مظهر همه قوانین است. زیرا هنگامی که خداوند بسیار سخن گفته بود، با این حال فقط دو لوح سنگی به موسی داده شد که آنها را لوح های شهادت آینده در تابوت می نامند؛ البته، هر چیز دیگری که خدا دستور داده است، از آن ده فرمانی که بر روی دو لوح نوشته شده است، وابسته است (اگر آنها را با دقت جست و جو کرد تا بتوان آنها را به درستی درک کرد، همانطور که شما ده فرمان را به درستی از آن محبت می دانید، و دوباره این ده فرمان را از خود خدا می دانید). همسایه ای که تمام شریعت و انبیا بر او آویزان است.» »)

در برابر جوین. 1، 49. ») روم. 5، 5. *) اوت (« .29 ،7 . Ma•t). I .2 2 C, o r 4.0

sup. 140 خروج س

برای نگه داشتن و توضیح شیوا

بنابراین، چون مجموع کل شریعت است، شبانان باید شبانه روز خود را وقف تعمق آن کنند، نه برای اینکه زندگی خود را فقط با این هنجار تطبیق دهند، بلکه افرادی را که در شریعت خداوند به آنها سپرده شده است، آموزش دهند. زیرا «جابیا*) از دانش کاهن محافظت خواهد کرد و از دهان او شریعت را خواهد جست، زیرا او فرشته خداوند صبایوت است. که بیش از همه به شبانان شریعت جدید مربوط است، که «از وضوح2) به خدا نزدیکترند.

reti t qatueumm" etorsa n lsufcoirsm a nroim idneeb e nntu,nc u "ptavaintq u

aCmhr i sat u Ds o mDionmii n uSsp,ir i tpur;oa-prie part کودکانی مال آنهاست تا نور3) باشند که در تاریکی هستند و معلمان تاریکی هستند. اعترافات خود را نیز از شخص قاضی حمایت می کنند و در مورد نوع و نحوه گناهکاران قضاوت می کنند، بنابراین اگر نمی خواهند برای خود کلاهبردار باشند، باید در این امر بسیار هوشیار باشند و در تفسیر احکام الهی بتوانند در مورد این حکم الهی قضاوت کنند که هر عمل و وظیفه ای را انجام دهند. اجازه ندهید که از خطا جلوگیری شود و بیماری های روحی که گناه است شفا یابد تا مردم از پیروان کارهای نیک پذیرفته شوند، اما اکنون در مذاکراتی از این دست، کشیش باید آنها را به خود و دیگران پیشنهاد دهد که جگ را متقاعد کند که آماده شود.

## III. نویسنده کتاب دکالوگ و قانون طبیعت کیست؟

اما از دیگر چیزهایی که می‌تواند دل‌های انسان‌ها را به رعایت احکام این شریعت ترغیب کند، این مهم‌ترین نیرو را دارد که خداوند خالق این قانون است. زیرا اگرچه گفته می‌شود که «فرشتگان داده‌اند»، هیچ‌کس نمی‌تواند شک کند که خود خدا نویسنده شریعت است. که شهادت فراوانی در مورد آن ارائه شده است، نه تنها با سخنان خود قانونگذار، که اندکی بعد توضیح داده خواهد شد، بلکه با عبارات تقریباً نامتناهی کتاب مقدس، که کشیشان به راحتی با آنها روبرو خواهند شد. زیرا هیچ کس نیست که احساس نکند از طرف خدا قانونی در ذهنش نهاده شده است که به وسیله آن بتواند خوب را از بد، صادق را از پست، عادل را از ظالم جدا کند. قوت و هدف قانون کیست، وقتی با آنچه نوشته شده تفاوتی ندارد، کیست که جرأت کند خدا را به عنوان نویسنده چنین قانونی مکتوب و صمی‌می انکار کند؟

بنابراین این نور الهی، تقریباً قبلاً با رفتار بد و انحراف طولانی، تاریک شده است، هنگامی که خدای موسی 4 3.> ) «IL «) 7. 9 1 ،2 ،3 . M)a l Gaacl.h

تیم .II (s .روم. 2، 19 متر مربع «) گال. 6، 1 (8 .18 ،3 .Cor

باید تعلیم داده شود که او شریعت را داده است، که آن را برجسته تر از این
که شریعت جدیدی آورده است، ارائه کرده است، مبادا وقتی مردم بشنوند که
شریعت موسی از آن کاسته شده است، گمان کنند که به این قوانین مقید
نیستند. زیرا مسلم است که این احکام را نباید اطاعت کرد زیرا توسط
موسی داده شد، بلکه به این دلیل که در روح همه آبستن شد و توسط
مسیح خداوند توضیح و تأیید شد. IV. از چه طریقی می توان مردم را
برای حفظ قانون توسط همان نویسنده قانون برانگیخت.

با این حال، کمک زیادی خواهد کرد، و این فکر در متقاعد کردن ما به
اینکه این خدا بود که قانون را پذیرفت، اهمیت زیادی خواهد داشت. در
خرد و انصاف او نه می‌توانیم شک کنیم و نه از قدرت و قدرت بی‌پایان
او فرار می‌کنیم. از این رو، هنگامی که خداوند به وسیله انبیا امر به
حفظ شریعت کرد، گفت که او خداوند خداوند است، و در همان آغاز
دکالوگ: «من یهوه پروردگار شما هستم» و در جای دیگر: «اگر من خداوند
هستم، آن ترس کجاست؟» 5. چه سودی دارد که قانون را از خدا دریافت
کرده باشیم.
او نه تنها دلهای مؤمنان را برای حفظ اوامر خدا برانگیخت، بلکه
برای اعمال شکرگزاری که خدا برکت می دهد و باعث رستگاری می شود.
او اراده ما را در بر می گرفت، او آن را توضیح می داد. بنابراین، در یک جا
کتاب مقدس که این بزرگترین خیر را اعلام می کند، به مردم یادآوری
نمی کند که کرامت خود و احسان خداوند را بشناسند. همانطور که در
سفر تثنیه 3 آمده است: او می گوید: «این حکمت و شعور تو در برابر
قوم هاست، تا وقتی همه این احکام را می شنوند، بگویند: این قومی
عاقل و فهیم است، قومی بزرگ». و دوباره در مزمور 4: "او چنین نکرده
است برای همه امت ها، و او داوری خود را برای آنها آشکار نیست." 6. چرا
اینقدر با شکوه e rlee g evmol u seruiatm. خدا یک بار از
بنی اسرائیل گذشت

درست است که اگر کشیش، علاوه بر این، دلیل شریعت مبسوط را
از نویسنده کتاب مقدس نشان دهد، مؤمنان به آسانی درک خواهند کرد
که چقدر باید شریعت خدا را که پذیرفته شده است، با تقوا و تضرع
پرستش کرد. سه روز قبل از آوردن شریعت، به فرمان خدا به همه
گفته شد که لباس های خود را بشویند و به همسران خود دست نزنند
تا مقدس تر و آماده پذیرش شریعت شوند. که «تا روز سوم» حضور
داشته باشند. پس از آن که آنها را به کوه آوردند، جایی که خداوند به
وسیله موسی به آنها شریعت داده بود، به یکی از موسی گفته شد
که به کوه برود. پس از آن خدا با عظمت بزرگ آمد و آن مکان را با رعد و
برق و آتش و ابرهای غلیظ احاطه کرد و با موسی صحبت کرد و به او
قوانین داد. که حکمت الهی این واقعه را بدون هیچ دلیلی اراده کرد جز
اینکه ما را با قلبی پاک و متواضع به اجرای شریعت برحذر دارد. مثال
20، 2.<) مالاک. 1، 6. ») تثنیه. 4، 6. «) ص. 147، 20.") مثال 19، 9 مربع.

پذیرفته شدن توسط مردان; که اگر از دستورات غفلت کنیم، عدل الهی برای ما عذابی مهیا می کند.

VII. چگونه می توان قانونی را که با این همه وحشت اعلام می شود توسط مردان اطاعت کرد و اینکه هیچ چیز آسان تر از عشق نیست.

به علاوه، بگذارید کشیش نشان دهد که احکام شریعت هیچ مشکلی ندارند. که یکی از این دلایل را می توان از قدیس آگوستین تعلیم داد، وقتی می گوید: "لطفاً گفته می شود که محبت به چه کسی محال است؛ من می گویم که خالق بخشنده، مهربان ترین پدر، و سپس جسم خود را در برادرانش دوست داشته باشد؟ اما به راستی "هر که دوست دارد" شریعت را انجام داده است." چرا یوحنا 2) رسول به . . . . وضوح شهادت می دهد که احکام خدا سنگین نیستند. زیرا هیچ چیز عادلانه تر، هیچ چیز با عزت بیشتر، چیزی با ثمره بزرگتر نمی توانست از مردی خواسته شود که دی. برنارد شاهد آن بود. آگوستین از مهربانی عظیم خداوند شگفت زده شد، 4) و بدین ترتیب خود خدا را خطاب کرد: "من برای تو چه هستم که به من فرمان بدهی که تو را دوست داشته باشم؟ و اگر مرا خشمگین نکنی و بدبختی های بزرگ برایت ایجاد نکنی؟ او چقدر کوچک است اگر تو را دوست نداشته باشم؟" اما اگر کسی آن را بهانه بیاورد، ناتوانی فطرت او را از محبت خدا باز می دارد: باید به خدایی که محبت می طلبید تعلیم داد تا از طریق روح القدس خود نیروی محبت را در دلها وارد کند. و این روح خوب به کسانی که درخواست می کنند داده می شود. بگذارید گفته شود: «به آنچه فرمان می‌دهی، «به آنچه می‌خواهی فرمان بده.» بنابراین، چون یاری خداوند در دسترس ماست، به‌ویژه پس از مرگ مسیح خداوند، که به وسیله آن فرمانروای این جهان رانده شد: اینطور نیست که کسی از سختی کار منصرف شود، زیرا هیچ چیز برای عاشق دشوار نیست.

هشتم. آیا باید تمام vhaotmiionneem ها برگزار شود. برای رعایت قانون ضروری است

علاوه بر این، برای متقاعد کردن همان چیز، قدرت زیادی خواهد داشت، توضیح داده می شود که قانون لزوماً باید رعایت شود. آنها در روزگار ما کم نبوده‌اند و هراسی نداشته‌اند که بگویند شریعت، چه آسان باشد و چه دشوار، اما به هیچ وجه برای رستگاری و شرارت بزرگ آنها لازم نیست. کشیش با شواهد کتاب مقدس عقیده شیطانی و بی شرمانه آنها را رد خواهد کرد. مخصوصاً رسولان که با اختیارشان سعی در حفظ بی تقوای خود دارند. پس رسول چه می فرماید8: «لا ختنه و لا ختنه الا اطاعت احکام الله؟ اما او همین نظر را در جای دیگر تکرار می کند 9) و می گوید که فقط خلقت جدید در مسیح معتبر است: ما به وضوح درک می کنیم که می گوییم " آفرینش جدید در مسیح" که احکام خدا را حفظ می کند.

') رام. 13، 8. >) 3 ،5 .I. lo. -) از دیل. خدا ج. 1. 4) اعتراف کنید. کتاب 1. ج. 5. ') رز *، 5.
.de don. pers. c. 53. *) 1 Cor. 7، 19. ") Gal. 6، 15 (" .13 ،11 لوقا. (8

آنجا می رود زیرا کسی که احکام خدا را دارد و آنها را نگاه می دارد، خدا را دوست دارد، همانطور که خود خداوند در یوحنا 1 شهادت می دهد: "اگر کسی مرا دوست داشته باشد، کلام مرا نگاه خواهد داشت." زیرا اگر چه ممکن است انسان پیش از آنکه احکام فردی شریعت را با اعمال بیرونی انجام دهد، عادل شمرده شده و از شخص شریر پرهیزگار شود، اما امکان ندارد که از شخص شریر عادل شود، مگر اینکه ذهنی آماده برای حفظ همه احکام خدا داشته باشد.

9 کسانی که شریعت الهی را رعایت می کنند چه میوه هایی به دست می آورند؟

با این حال، در پایان، کشیش نباید چیزی را که به موجب آن مردم مومن را به حفظ شریعت وادار می کند، از قلم بیاندازد: او نشان خواهد داد که میوه های آن چقدر غنی و شیرین است. که به راحتی می تواند از آنچه در مزمور هجدهم نوشته شده ثابت کند; زیرا در آن ستایش شریعت خدا تجلیل می‌شود، که شاید این بزرگترین آن باشد، که جلال و عظمت خدا را بسیار بیشتر از خود اجسام آسمانی با زیبایی و نظمشان توضیح می‌دهد، که به گونه‌ای است که همه ملت‌ها، هر چند وحشی، را در تحسین خود متحیر می‌سازد، به طوری که جلال، قدرت همه چیز و حکمت را می‌یابند. و همانا شریعت پروردگار(2) جانها را به سوی خدا می گرداند; برای شناخت راههای او و مقدس ترین اراده خدا از طریق شریعت، پاهای خود را به راههای خداوند تبدیل می کنیم. اما از آنجا که فقط کسانی که از خدا می ترسند واقعا عاقل هستند، او این را به او می دهد تا به خردسالان حکمت دهد. از این رو، کسانی که شریعت خدا را رعایت می کنند، سرشار از شادی های واقعی، و با آگاهی از اسرار الهی، و لذت ها و پاداش های بی اندازه، چه در این زندگی و چه در دنیای آینده هستند. 10. از آنجایی که همه چیز خواست خدا را انجام می دهد، نشان داده شده است که انسان از همه عادلانه تر از همان اراده پیروی می کند.

در واقع، شریعت نیز به خاطر نفع ما نباید حفظ شود تا به خاطر خدا، که اراده خود را در شریعت برای نسل بشر آشکار کرد. پیروی از خود انسان بسیار عادلانه تر از زمانی است که موجودات دیگر دنبال می کنند. همچنین نباید از این در سکوت گذشت، یا اینکه در این خصوص خدا رحمت خود را به ما و ثروت عالی ترین خوبی های خود را نشان داده است. که اگرچه او می توانست ما را بدون هیچ پاداشی مجبور به خدمت به جلال خود کند، اما می خواست جلال خود را با منفعت ما یکی کند، به طوری که آنچه برای انسان مفید است همان چیزی باشد که برای خدا جلال دارد. بنابراین، چون این مهم ترین و عالی ترین چیز است، کشیش تعلیم خواهد داد، چنان که پیامبر در جای آخر فرمودند (3) که «نگهبانی از آنها انتقام بسیار است». زیرا نه تنها آن نعمت ها به ما وعده داده شده بود، که به نظر می رسد بیشتر به سعادت زمینی می نگریست، بلکه

•) آیو. U, 21. ') Ps. 18، 8. «) Ps. 18، 12

می گویند در شهر هستیم، در میدان پر برکت، «اما 2) ثواب فراوان در بهشت» و «پیمانه نیکو3» انباشته و برانگیخته و لبریز شده» پیشنهاد می شود که با عمل صالح و عادلانه به یاری رحمت الهی سزاوار آن هستیم.

XI. شریعت موسی در هر مناسبتی که به بنی اسرائیل ابلاغ شده بود، به موجب آن عهد، مردان را در تمام اعصار مقید می کند.

اگرچه این شریعت از جانب خداوند به یهودیان در کوه داده شد، اما در واقع، زیرا ماهیت ذهن همه مدتها قبل تحت تأثیر قرار گرفته و محو شده بود، و به همین دلیل خدا خواست که همه مردم تا ابد از آن اطاعت کنند: این قانون برای کسانی که توسط موسی، وزیر و مفسر عبرانیان ابلاغ شد، مفید خواهد بود، و تاریخ قوم بنی اسرائیل را به دقت توضیح دهد. در آغاز، کشیش خواهد گفت که از میان تمام مللی که زیر آسمان بودند، خدای واحدی را برگزید که منشأ او در ابراهیم بود و او می خواست در سرزمین کنعان غریب باشد. مالکیتی که به او وعده داده شده بود، با این حال هم او و هم آیندگانش بیش از چهارصد سال سرگردان بودند، قبل از اینکه در سرزمین موعود ساکن شوند. در آن سفر هرگز مراقبت آنها را رها نکرد. در واقع، تراوسیبانل «از قوم به ملت و از پادشاهی به مردم»، اما هرگز آسیبی به آنها وارد نشد. در واقع، او متوجه پادشاهان شد. اما پیش از آنکه به مصر بروند، مردی را پیشاپیش فرستاد که با احتیاط او و مصریان از قحطی نجات خواهند یافت. اما در مصر با آنها چنان مهربانانه رفتار کرد که با مقاومت و خم شدن در نابودی آنها توسط فرعون، آنها به طرز شگفت انگیزی افزایش یافتند. و هنگامی که آنها بسیار دلبسته شدند، و با نهایت سختگیری به عنوان بردگان رفتار کردند، او ناخدا موسی را برانگیخت تا آنها را به دست قدرتمندان هدایت کند. خداوند این نجات خاص را در ابتدای شریعت با این کلمات ذکر می کند: "من یهوه خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر، از خانه بردگی بیرون آوردم."

XII. چرا لیدی ها توسط خداوند به عنوان قومی انتخاب شدند؟

از میان این چیزها، مهم‌ترین چیز این است که کشیش مورد توجه قرار گیرد: یکی از امت‌ها را خدا برگزید که او را قوم خود خواند و خود را به او تقدیم کرد تا شناخته شود و مورد پرستش قرار گیرد. نه اینکه بر دیگران غلبه کند، چنانکه خدا عبرانیان را نصیحت می‌کند، بلکه خود خدا را خشنود می‌سازد، بلکه می‌تواند قوم کوچک و فقیری را بیفزاید و ثروتمند سازد تا قدرت و خوبی او برای همگان بهتر شناخته شود و برجسته‌تر شود. از این رو، چون وضع آن مردم چنین بود، به آنان «گلوتن» شد و آنان را دوست داشت، به طوری که در حالی که

') تثنیه 28، 3. *) Mdt. 5، 12. s) لوقا 6، 88. «) 21 .16 .I. Par. 11 ،104 .Ps *) مثال. 20، 2. - مثال. 1، 12. 9. «) تثنیه. 7، 7. ') تثنیه. 10، 15

باران آسمان و زمین، مبادا که او را خدای آنها نامیده شود، که بوسیله آن اقوام دیگر را به رقابت برانگیخت تا با سعادت بنی اسرائیل، همه مردم خود را در پرستش خدای حقیقی سهیم کنند.

همانطور که پولس نیز شهادت می دهد، که خود را برای سعادت غیریهودیان قرار داد، و با معرفت واقعی خدا، که به آنها دستور داده بود، بدن خود را به هوا افکند.

سیزدهم چرا عبرانیان برای مدت طولانی و بسیار قبل از دریافت شریعت مورد آزار و اذیت قرار گرفتند؟

سپس به مؤمنان می‌آموزد که خدا به پدران عبری اجازه داد تا مدتی طولانی سرگردان شوند و نسل او نیز به سخت‌ترین بندگی واداشته شده‌اند، و به همین دلیل باید به او یاد می‌داد که مشرکان خدا چیزی جز دشمنان جهان و غریبان در سرزمین‌ها نباشند، تا اگر در دنیای دوستی با خدا هیچ مشترکی نداشتیم، پذیرفتن او آسان‌تر بود. اما پس از آن، برای اینکه بفهمیم وقتی به پرستش خدا منتقل می‌شویم، کسانی که خدا را می‌پرستند چقدر خوشحال‌تر از کسانی هستند که به دنیا خدمت می‌کنند، که کتاب مقدس به ما یادآوری می‌کند. زیرا او می‌گوید'-2: "او را در بیابان خدمت خواهند کرد تا دور بندگی من و بندگی پادشاهی جهان را بدانند." همچنین توضیح می دهد که پس از گذشت بیش از چهارصد سال خداوند از قبل به او عنایت کرده بود تا مردم با ایمان و امید تغذیه شوند. زیرا خداوند اراده می کند که شاگردانش پیوسته بر او تکیه کنند و تمام امید خود را به نیکویی او معطوف کنند، چنانکه در توضیح فرمان اول آمده است.

چهاردهم چرا قانون در چنین مکان و زمانی داده شد؟

سرانجام، او مکان و زمانی را که قوم اشعیا این شریعت را از خدا دریافت کردند، یادداشت خواهد کرد. یعنی پس از آنکه از مصر بیرون آورده شد، به صحرا آمد تا برای دریافت قانون مستعدتر شود و با خاطره اخیر از فواید مجذوب شده و از سختی مکانی که در آن مشغول بود ترسیده باشد. زیرا مردم بیشتر به کسانی دلبسته اند که احسانشان را تجربه کرده اند و وقتی خود را بی امید می بینند به پناه خدا می گریزند. از اینجا می‌توان فهمید که مؤمنان بیشتر به پذیرش آموزه‌های آسمانی تمایل دارند، هر چه بیشتر خود را از جذابیت‌های دنیا و لذت‌های نفسانی کنار می‌کشند. همانطور که در پیامبر (3) نوشته شده است: "چه کسی دانش را تعلیم می دهد و چه کسی شنوایی را درک می کند؟ از شیر شیر گرفته شده، از پستان پاره شده است."

«) Com. 11، 14. «) n. 9 ،28. است ('.8 ،12. پار

# قسمت سوم فصل 11

## فصل n.

## از فرمان اول.

ما این کار را برای او آغاز می کنیم. آنچه در آن است

بنابراین کشیش باید تشویق شود و تا آنجا که می تواند اطمینان حاصل کند که مردم مومن همیشه این کلمات را در قلب خود داشته باشند: "من یهوه خدای شما هستم." از آنها می فهمند که قانونگذار و آفریننده ای داشته باشند که هم توسط او پایه گذاری شده و هم حفظ شود.

پند قوی و مکرر گاو نر چنان قدرتی خواهد داشت که مؤمنان را برای اطاعت از شریعت و پرهیز از گناهان آماده تر می کند. و آنچه در ادامه می‌آید: «من شما را از سرزمین مصر، از خانه بردگی بیرون آوردم»، اگرچه به نظر می‌رسد که این فقط برای یهودیانی که از سلطه مصریان رهایی یافته‌اند مناسب است: با این حال، اگر به جنبه دیگر نجات کل نگاه کنیم، بسیار بیشتر به مردم مسیحی تعلق دارد که از بردگی مصر نبودند و توسط تاریکی و تاریکی از سرزمین خدا منتقل شده بودند. پادشاهی فرزندان عشق او. ارمیا با دیدن عظمت لطف خود پیشگویی کرد: خداوند می گوید: «اینک، ایام در راه است، و دیگر گفته نخواهد شد: خداوند زنده است که بنی اسرائیل را از زمین مصر بیرون آورد، بلکه خداوند زنده است، که بنی اسرائیل را از زمین شمال و از تمامی کشورهایی که آنها را به آنها راندم بیرون آورد، و ماهیان بسیاری را به پدرشان خواهم فرستاد، و ماهیان بسیاری را به آنها خواهم فرستاد. خداوند می‌گوید، و آنها برای آنها ماهی خواهند گرفت.» و آنچه در پی می‌آید. زیرا پدر بخشنده، به وسیله پسرش، فرزندانی را که پراکنده شده بودند، گرد هم آورد تا ما دیگر برده گناه نباشیم، بلکه برده عدالت باشیم، «تا در تمام ایام در حضور او با قدوسیت و عدالت به او خدمت کنیم».

II. از آغاز این دکالوگ چگونه باید مؤمنان تحت تأثیر قرار گیرند؟ چرا مؤمنان با همه وسوسه‌ها به عنوان سپر وسوسه رسولان 5 مخالفت می‌کنند: "ما که از گناه مردیم، چگونه می‌توانیم ابدره کنیم؟" e ti a mr e snuornr e xsiutm; u si p sneo s tirsit، D soemdi n euisu s، D e quusi

مال ما که با خون خود ما را برای خود خرید. چگونه می توانیم به خداوند خدای خود گناه کنیم و دوباره او را مصلوب کنیم؟ تا بتوانیم واقعاً آزاد باشیم، و در واقع با آن آزادی که مسیح ما را با آن آزاد کرده است، همانطور که (6) اعضای خود را برای خدمت به ناحق معرفی می کنیم، بیایید خود را به خدمت عدالت برای تقدیس معرفی کنیم.

») ص. 94، 7. ') سرهنگ 1، 13. 16، 14، بعد. ") لوقا 1، 74، 75 و) Rotn. 6، S. U. Cor. 6، 6. عبری. Gal. 4، 31 .19 ،6 روم. (" .15 ،5

تو جز من خدای دیگری نخواهی داشت.

III. این اولین فرمانی که باید رعایت کرد و از آن اجتناب کرد شامل چه مواردی است؟

Priorem in decalogo locum obtinere، quae ad Deum pertinent، posteriorem vero، quae ad proximum، docebit parochus، quia eorum، quae proximo praestamus، causa Deus est. زیرا در آن صورت ما همسایه خود را از فرمان خدا دوست داریم، وقتی که به خاطر خدا دوست بداریم. آنها در واقع در جدول قبلی توضیح داده شده اند. در وهله دوم، در سخنانی که مطرح شد، حکم دوگانه حبس را نشان می دهد; که یکی قدرت امر دارد و دیگری نهی. Nam quod dicitur: "Non habebis Deos alienos coram me," eam habet senteiitiam coniuuctam: Me verum Deum coles، alienis Diis Cultum non adhibebis. IV. چقدر باید ایمان، امید و صدقه در این دستور گنجانده شود.

اما در اولی حکم ایمان و امید و صدقه نهفته است. زیرا وقتی می گوییم خدا ثابت است، تغییر ناپذیر است، همیشه ثابت می ماند. ما مؤمنان را به حق و بدون هیچ گناهی اقرار می کنیم. که از آن، با تأیید موعظه های او، ما باید تمام اعتبار و اختیار را به خود بدهیم. اما کسی که قدرت مطلق و حلم و امکانات و تمایل خود را به نیکی می داند، آیا نمی تواند تمام امید خود را به او بسپارد؟ اما اگر در غنای خوبی های او و محبتی که بر ما جاری شده است بیندیشیم، آیا می توانیم او را دوست نداشته باشیم؟ از این رو آن مقدمه است، از این رو آن نتیجه ای که خداوند در امر و فرمان در کتاب مقدس از آن استفاده می کند: "من خداوند هستم."

V. این حکم به عنوان منفی توضیح داده شده است.

Altera autem praecepti pars، illa est: «Non habebis Deos alienos coram me;K qua loquendi formula lawnor usus est، non quod satis explicata non esset haec sententia affirmatione praecepti in hunc modum: Me unum Deum coles; si enim deus coles, si enim deus deus ested, qui olim Deum verum se colere profitebantur, mutitudinem tamen deorum venerabantur cuiusmodi inter Hebraeos ipsos permulti fuerunt, qui, ut Helias eis obiiciebat (III. Kings 18, 21). خدایان ملل (IV. پادشاهان 17، 29).

پس از توضیح این مطالب، باید افزود که این حکم نه تنها از جهت خود ترتیب، بلکه در عقل و کرامت و تعالي از همه اول و بزرگتر است. زیرا خدا باید صدقه و اقتدار بیشتری نسبت به یک ارباب یا یک پادشاه به دست آورد. او ما را آفرید، او بر ما حکومت می کند، از او در رحم

ما توسط مادرمان تربیت شدیم و از آنجا به این نور آورده شدیم. او چیزهای لازم برای زندگی و رزق را به ما می دهد.

VII. کسانی که به ویژه مورد نقض این حکم هستند.
اما کسانی که ایمان و امید و انفاق ندارند در این دستور گناه می کنند. که گناهش آشکارتر است زیرا در این تعداد کسانی هستند که به بدعت می لغزند و آنچه را که کلیسای مادر مقدس پیشنهاد می کند باور نمی کنند. کسانی که به رویاها، شگون ها و دیگر چیزهای بیهوده ایمان دارند. که امید به رستگاری خود را از بین می برند و به خیر الهی اعتماد ندارند. کسانی که فقط بر ثروت تکیه می کنند، که بر سلامت و قدرت بدنی تکیه می کنند. که توسط کسانی که از رذایل و گناهان او نوشتند به طور کامل توضیح داده شد.

هشتم. Non adversatusri ae h uuiscu p sraaneccteipst o t rciublutiutsu,r . که از پذیرایی

این حقیقت نیز باید در تبیین این دستور به درستی تعلیم داده شود، که تکریم و عبادت فرشتگان مقدس و ارواح مبارکه که از جلال بهشتی برخوردارند، یا حتی پرستش بدن آنها و خاکستر قدیسان، که کلیسای کاتولیک همیشه از آن استفاده می کرده است، با این قانون منافات ندارد. زیرا چه کسی اینقدر دیوانه است که پس از اعلام پادشاهی که هیچ کس نباید به عنوان پادشاه عمل کند یا اجازه دهد پادشاهی تحت تأثیر عبادت و احترام قرار نگیرد، فوراً فکر می کند که پادشاه نباید توسط مقامات خود مورد احترام قرار گیرد؟ زیرا اگرچه گفته می‌شود مسیحیان فرشتگان را می‌پرستند، اما به‌عنوان مثال مقدسین عهد عتیق، احترامی را که به خدا می‌کنند به آنها نمی‌دهند. اگر می خوانیم که فرشتگان گاهی اوقات از تکریم انسان ها خودداری می کردند، باید بفهمیم که آنها این کار را انجام دادند زیرا نمی خواستند آن عزت را که فقط برای خداست به آنها داده شود.

/10 از کتاب مقدس نشان داده شده است که اولیای الهی چگونه توسط فرشتگان مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. برای روح القدس که می گوید (اول تیم 1:17): "تجلیل و جلال فقط برای خداست." همینطور دستور داد که با پدر و مادر و بزرگترها به احترام رفتار کنیم. بعلاوه، مردان مقدسی که خدای یگانه «پادشاهان» را می پرستیدند، همانطور که در نامه های الهی آمده است، «عبادت می کردند»، یعنی جلادان را تکریم می کردند. اما اگر پادشاهانی که خدا بوسیله آنها بر جهان حکومت می کند، این همه افتخار متاثر می شوند: ارواح فرشته ای که خدا مایل است خادمان او باشند، و نه تنها برای کارهای دولت خود، بلکه برای کارهای دولت خود نیز از آنها استفاده می کند. و با کمک چه کسی ما هر روز از بزرگترین خطرات روحی و جسمی رهایی می‌یابیم، حتی اگر این خطرات برای ما قابل رویت نباشد، آیا به اندازه‌ای که آن ذهن‌های مبارک در برابر خود پادشاهان قرار می‌دهند، شرافت بیشتری نخواهیم داشت؟

همانطور که از کتاب مقدس به راحتی قابل درک است، آنها برای ملت هایی که بر آنها ریاست می کنند دعا می کنند. این که به کسانی که خودشان سرپرستشان هستند نیز عرضه شود، حتی جای تردید نیست. زیرا آنها دعاهای ما را به درگاه خدا

و اشک های ما را تقدیم می کنند. به همین دلیل خداوند در انجیل تعلیم داد: که کوچکترها نباید آزرده شوند، «زیرا فرشتگان آنها در آسمان» همیشه چهره پدری را

که در آسمان است می بینند.

X. از کتاب مقدس ثابت شده است که فرشتگان مقدس را باید خواند.

بنابراین باید از آنها استفاده کرد تا دائماً خدا را یاری کنند و با

کمال میل حمایت نجات ما را که به آنها ارائه شده است بپذیرند.

شواهدی از کتب آسمانی برای این دعا وجود دارد. برای یعقوب2) از فرشته ای که با او کشتی گرفته بود می خواهد که او را برکت دهد، بلکه حتی او را مجبور می کند; زیرا اعلام می‌کند که او را رها نمی‌کند، مگر اینکه

برکتی دریافت کند، و این نعمت را نه تنها کسی که به او می‌انگریست، بلکه از جانب کسی که اصلاً ندیده است به او عطا می‌کند، وقتی گفت: «

فرشته‌ای که مرا از هر بدی نجات داد، بر این کودکان برکت دهد.»

XI. Saints invocatnioornie D eeti r deeltirqauhiitaurru.m mneration هیچ چیز هو-

از آنجا نیز می توان چنین استنباط کرد که باید غیبت کند تا

قدیسان که در خداوند خفته اند را تحت تأثیر قرار دهد و با احترام به آنها بخواند و با تکریم آثار مقدس و خاکستر آنها از جلال خدا کاسته شود: تا هر چه بیشتر شود، امید مردم را بیشتر بیدار می

کند، آنها را تقویت می کند که با تقلید آنها را تقویت می کند و

آنها را تشویق می کند: Nicene، و توسط شوراهای گانگرن و تریدنت، و به اقتدار پدران مقدس.

## XII. مهم ترین ارلگیومندان به آنهاست. دعای اولیا

اما چگونه یک کشیش می تواند برای رد کسانی که مخالف این حقیقت هستند مجهزتر باشد: SS. او ژروم را در برابر ناظران و به ویژه دمشقی می خواند. به حساب او، که سر است، رسم دریافت شده

از رسولان، و برای همیشه حفظ و حفظ در کلیسای خدا. برای کدام موضوع، کسی می‌تواند دلیل محکم‌تر یا روشن‌تری را از شهادت کتب آسمانی که به طرز تحسین‌آمیزی ستایش مقدسین را تجلیل می‌کند، طلب کند؟ زیرا اعلامیه های الهی برخی از مقدسین وجود دارد

4). وقتی مدح و ثنای آنها با حروف مقدّس خوانده می شود، چه می شود که مردان برایشان عزت خاصی قائل نیستند؟ هر چند به همین دلیل بیشتر مورد عبادت و توسل قرار می گیرند، زیرا دائماً برای نجات انسان دعا می کنند و بسیاری از شایستگی ها و لطف آنها را

خداوند به ما عنایت می کند. زیرا اگر در بهشت به خاطر یک گناهکار که توبه می کند «شادی» باشد، آیا شهروندان بهشتی هم

نیستند؟

>) مت. 18، 10. ») پیدایش 32، 26. ") پیدایش 48، فی. ') Ecclus. فصل 44-50. ") لوقا 15، T.

آیا توبه کنندگان کمک خواهند کرد؟ آیا برای گناهان آمرزش نمی‌خواهند و آن را به دست نمی‌آورند و لطف خدا را بر ما جلب نمی‌کنند؟

سیزدهم نشان داده شده است که این دعوت مقدسین از بی اعتمادی خاصی به کمک الهی و از ضعف ایمان ناشی نشده است.

اما اگر گفته شود، چنانکه برخی گفته اند، حمایت اولیای الهی زائد است، خداوند دعای ما را بدون مفسر اجابت می کند:

آگوستین مقدس1) به راحتی این صداهای بدکاران را متقاعد می کند که خداوند خیلی چیزها را عطا نمی کند، مگر اینکه کار و وظیفه واسطه و شفیع به او برسد. این را نمونه‌هایی از دوستان برجسته ابی‌ملک و ایوب تأیید می‌کند که جز ابراهیم و ایوب هیچ‌کس با دعایشان گناهانشان را نبخشید. اما اگر گفته شود که به دلیل کمبود و ضعف ایمان است که ما رسولان و حامیان مقدس را به کار می گیریم: مثال هجرت 2) چه پاسخی به آن خواهد داد، چه کسی، حتی در آن اعلامیه ایمانی که خداوند خدا به او داد، با این حال، بزرگان یهودیان را نزد نجات دهنده فرستاد تا آنها را نجات دهد؟ چهاردهم آموزه مسیح یک واسطه دعوت مقدسین را حذف نمی کند.

بنابراین، اگر باید بپذیریم که مسیح خداوند به عنوان واسطه ای به ما پیشنهاد شد، که در واقع ما را با خون خود با پدر آسمانی آشتی داد، و او که با «رستگاری ابدی» یافت شد، پس از ورود به مکان های مقدس هرگز از شفاعت برای ما باز نمی ایستد. زیرا اگر استفاده از منابع مقدسین جایز نباشد، زیرا ما یک حامی داریم، عیسی مسیح، رسول هرگز این کار را نمی‌کرد، به طوری که دوست داشت از دعای برادران زنده با چنین جدیت به خدا کمک کند. زیرا نه دعای زندگان و نه دعای مقدسین در بهشت، از جلال و کرامت مسیح میانجی نمی‌کاهد.

15 از آنجا که قدرت بقایا تأیید می شود و قدرت و کارایی آنها چقدر بزرگ نشان داده می شود.

اما نباید به چه کسی احترام بگذارند، و احترامی را که به قدیسان است، و حمایتی که در راه ما انجام می دهند، کارهای شگفت انگیزی که در قبرهایشان انجام می شود، و چشم ها، و دست ها، و همه اعضای گرفته شده، که به حالت سابق خود بازگردانده شده اند، مردگان زنده شده اند، شیاطین رانده شده از بدن انسان ها؟ که او آشکار نکرده بود، همانطور که بسیاری، مانند اکثر جدی ترین مردان، نخوانده بودند، اما ثروتمندترین شاهدان اس اس را دیده بودند. آمبروز و آگوستین نامه هایی را تحویل دادند. چقدر زیاد؟ اگر لباس، دستمال، اگر سایه اولیای الهی، قبل از اینکه از زندگی بگذرد، بیماری ها را پاک کند، قدرت

•) q. 149. sup. 1 .12 ،9 .عبری ») .3 ،7 شماره .10 ،8 .مت ») خروج Thn. 2، 5

276

که او بازیابی می کند: چه کسی جرات دارد انکار کند که خدا از طریق خاکستر مقدس، استخوان ها و سایر آثار مقدسین، به طور معجزه آسایی همین کار را انجام می دهد؟ او اعلام کرد که جسد، که احتمالاً به آرامگاه الیشع آورده شده بود، ناگهان با لمس بدن او زنده شد. 16 کلمات زیر حکم دیگری را تشکیل نمی‌دهند، بلکه یکی از فرمان‌های قبلی هستند.

اما آنچه در ادامه می‌آید: «برای خود مجسمه‌ای نسازید، و مانند چیزی که در بالا در آسمان است، یا در زمین پایین، و نه از آن‌هایی که در آب‌های زیر زمین است، آنها را نپرستید و آنها را نپرستید». اما قدیس آگوستین*2) با تقسیم آن افراط، می خواست که همین کلمات متعلق به فرمان اول باشد. از آن نظر، چون در کلیسا جشن گرفته می شود، ما با کمال میل از آن پیروی می کنیم. اگرچه این واقعی‌ترین دلیل موجود است، اما پیوند دادن پاداش و کیفر هر یک با اولین فرمان ثابت است. 17 استفاده از تصاویر در کلیسا منافاتی با این دستور ندارد.

و هیچ کس گمان نخواهد کرد که هنر نقاشی، قالب سازی یا مجسمه سازی با این دستور کاملاً ممنوع است. زیرا در کتاب مقدس تصاویر و تصاویری را می خوانیم که به دستور خدا خلق شده اند، "کروبیم3)، مارهای برنزی4). پس باقی می ماند که تصاویر حرام را به همین دلیل تفسیر کنیم تا مبادا با پرستش تصاویر چیزی از عبادت واقعی خدا کم شود که گویی خدایان هستند.

18 به ویژه از این راه ها می توان خدای الهی را با تصاویر نقض کرد.

اما روشن است که عظمت خداوند به دلیل دو ضلعی بسیار آسیب دیده است، مخصوصاً در مورد این فرمان: ثانیاً اگر بتها و تصاویر به عنوان خدا پرستش شوند یا اعتقاد بر این باشد که خدایی یا فضیلتی در آنها وجود دارد که به سبب آن باید پرستش شوند یا اینکه چیزی از آنها خواسته شود، یا آن گونه که امتی به تمثال آنها سپرده شده است. بت هایی که حروف مقدس اینجا و آنجا نقد می کنند. از سوی دیگر، اگر کسی بخواهد شکل الوهیت را به وسیله‌ای تصنعی بازتولید کند، گویی با چشم‌های بدن دیده می‌شود، یا می‌توان آن را در رنگ‌ها یا شکل‌ها بیان کرد. به گفته دمشق، «چه کسی قادر است خدا را بیان کند، کسی که زیر نظر نمی‌افتد، بیرون از بدن است، او را با هیچ حد و مرزی نمی‌توان محصور کرد و با هیچ شکلی نمی‌توان توصیف کرد؟» این موضوع در مجمع دوم نیقیه به طور کامل توضیح داده شده است. بنابراین، رسول آنها را مثال می‌زند.

(» .9 ،21 شماره •) .RI. Reg. 6، «St (* .71 که. در خروج (* .S, 15. 19, 12. IV. Reg. 13، 21 عمل کنید.
Ia. 10، 10. 40، 15، اعمال رسولان. i7, 29. 8) 4 به کتاب. در مورد ارتد. c 16 بدهید

او گفت که "جلال فساد ناپذیر خدا x) را به مثابه انسان فاسد و پرندگان، حیوانات چهارپا و مارها تبدیل کرده است. زیرا آنها همه این چیزها را چنان پرستش می کردند که گویی خدا هستند، وقتی تصاویر این چیزها را می ساختند. از این رو بنی اسرائیل که در برابر تصویر گوساله فریاد می زدند: «اینانند خدایان تو، اسرائیل، که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردند»، بت پرست خوانده شدند، زیرا «جلال خود را تغییر دادند3) به شکل گوساله ای که یونجه می خورد.

19 منظور از قسمت اخیر این حکم کیست؟

بنابراین، هنگامی که خداوند پرستش خدایان بیگانه را منع کرد، تا بت پرستی را کاملاً از بین ببرد، تصویر الوهیت را از هوا یا هر ماده دیگری منع کرد. که اشعیا 4) اعلام می کند: "پس خدا را شبیه چه کسی کردی، یا چه تصویری برای او می سازی؟" o«yNsoens, v ipdoi -- شباهتی دارید در روزی که خداوند در حورب از میان آتش با شما سخن گفت.» پس داناترین شارع گفت که مبادا بر اثر گمراهی، تصویری از الوهیت اختراع کنند و به خدا افتخار یک موجود مخلوق را بدهند.

20 این حکم، که vTiroilnaintt.a این افراد جعل هویت می کنند، هیچ

با این حال، هنگامی که شخصی از تثلیث اقدس با نشانه هایی بیان می شود که چه در قدیم و چه در قدیم، هیچ کس نباید به فکر انجام کاری خلاف دین و شریعت خدا باشد.

چوپان خواص، یا اعمال خاصی که به خدا نسبت داده می شود. مانند زمانی که از دانیال 7) "قدیم الایام" نشسته بر تختی به تصویر کشیده شده است، که "کتابها در مقابل او گشوده می شود"، ابدیت و حکمت نامتناهی خدا دلالت دارد که به وسیله آن به همه افکار و اعمال انسان می نگرد تا بر آنها قضاوت کند.

## فرشتگان چگونه نقاشی می شوند؟ XXI

همچنین به فرشتگان هم ظاهر و هم بال انسانی داده می‌شود تا مؤمنان بفهمند که چقدر به نسل بشر تمایل دارند و چقدر برای انجام خدمات خداوند آماده‌اند. "زیرا همه (8) به خاطر کسانی که میراث نجات را دریافت می کنند، اداره کننده ارواح هستند."

>) رام. 1، 23. *) مثال. 82، 8. ص) ص. 105، 20. *) من 8 ,18 ,40 .s) تثنیه 4، 15. «) گا. 18، 14 ،1. «) عبری. 7، 9، 10. ') دان. 5، 17، 16. 3، مت. 2

278 Catechismi Romanx '^73 XX 77. از کبوتر،
که در آن روح تصویر شده است.
«ظاهر و زبان‌ها مانند آتش» کلمات در انجیل و اعمال رسولان که به ویژگی‌های روح‌القدس دلالت می‌کند، بسیار بهتر از آن چیزی است که با کلمات بیشتر توضیح داده شود.

23 تصاویر مسیح و قدیسان باید نقاشی و تجلیل شوند.
اما در واقع، هنگامی که مسیح خداوند، و مقدس ترین و پاک ترین مادر او، و سایر مقدسین، که دارای طبیعت انسانی بودند، ظاهری انسانی داشتند: تصاویر آنها نقاشی و تجلیل می شد، نه تنها با این دستور ممنوع بود، بلکه دلیل قطعی روحیه مقدس و سپاسگزار بود. که سوابق دوران حواری و مجالس کلیسایی و نوشته های بسیاری از مقدس ترین و عالم ترین پدران که با یکدیگر موافق هستند تأیید می کند.

24 استفاده مشروع از تصاویر در کلیسا چیست؟
نه تنها وجود تصاویر در کلیسا جایز است، و برای تکریم و پرستش آنها، کشیش نشان خواهد داد که افتخارات ارائه شده به آنها به نمونه های اولیه ارجاع می شود. اما او همچنین اعلام خواهد کرد که تا به امروز این کار برای بزرگترین خیر مؤمنان انجام شده است، همانطور که از کتاب دمشق که او بر روی تصاویر منتشر کرده است، و سینود هفتم، که نیقیه دوم است، فهمیده می شود. درست است، چون دشمن نوع بشر با تقلب ها و نیرنگ های خود می کوشد تا مقدس ترین نهاد را به فساد بکشاند، اگر اتفاقاً مردم در این امر مرتکب گناه شده باشند، کشیش به حکم شورای ترنت تا آنجا که ممکن است در اصلاح آن کوشش می کند و حکم 1) در واقع هنگامی که موضوع را به مردم تفسیر می کند، می کند. سپس گستاخان، و کسانی که خود نهاد تصاویر را نمی دانند، او آموزش خواهد داد، تصاویری که برای دانستن تاریخ هر دو عهد و تجدید خاطره آن بارها و بارها ساخته شده اند، که به موجب آن، با بیدار شدن از یاد چیزهای الهی، ممکن است شدیدتر به پرستش و محبت خود خدا بپردازیم. او همچنین تصاویر قدیسانی را که در معابد قرار داده شده اند نشان خواهد داد تا آنها را پرستش کنند و با اخطار نمونه، خود را با زندگی و آداب آنها منطبق کنیم.

من یَهُوَه، خدای شما هستم، نیرومند، غیور، که گناهان پدران را بر فرزندان، در نسل سوم و چهارم کسانی که از من متنفرند، عیادت می‌کنم. و به هزاران نفر از کسانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه می دارند رحمت می کنم.

25 این پیوست به دستور اول تعلق ندارد.
دو چیز در قسمت افراطی این حکم وجود دارد که باید به دقت توضیح داده شود: اول این که، حتی اگر برای بزرگترین جنایت، متخلف، 25 .i) Sess

تخطی از فرمان اول، و تمایل انسانها به ارتکاب آن به درستی به عنوان مجازات در این مکان مطرح شده است، با این حال، پیوست مشترک همه احکام است. زیرا هر شریعتی مردم را به انجام احکام با مجازات و پاداش هدایت می کند. از این رو آنها در نامه های مقدس و وعده های مکرر خداوند بسیار فراوان هستند. در واقع، برای گذر از شهادتهای تقریباً بیشمار عهد عتیق: در انجیل 1 نوشته شده است: "اگر می خواهید وارد زندگی شوید، احکام را نگه دارید." و در جای دیگر 2): "کسی که اراده پدر من را که در آسمان است انجام دهد، خود به ملکوت آسمان وارد خواهد شد." و 4) : «هر کس بر برادر خود غضب کند، بر او حکم خواهد شد». و در جاهای دیگر5): «اگر مردم را نبخشید، پدرتان نیز گناهان شما را نخواهد بخشید». 26 یا آیا مجازات در اینجا برای متخلفان در مورد نفسانیات و افراد کامل است؟

نکته دوم این است که به شیوه‌ای بسیار متفاوت، انسان‌های کامل و جسمانی مختلف باید این آپاندیس را آموزش دهند. برای کسانی که کامل هستند و روح خدا در آنها حرکت می کند و با ذهنی آماده و مشتاق به آن پاسخ می دهند، مانند یک پیام آور مسرت بخش است و حجتی بزرگ از اراده الهی است که به سوی آنها گرایش دارد. زیرا آنها عنایت محبوب ترین خدای خود را تصدیق می کنند که اکنون با پاداش ها و اکنون با مجازات ها، مردم را به عبادت و بزرگداشت خود هدایت می کند. آنها به خیرخواهی بیکران او در خود اعتراف می کنند که می خواهد بر آنها حکومت کند و از آثار او برای جلال نام الهی استفاده کند. آنها نه تنها تصدیق می‌کنند، بلکه امیدوارند که هر کس آنچه را که می‌خواهد به او فرمان می‌دهد، به آنها قدرتی می‌دهد که با آن می‌توانند از شریعت او اطاعت کنند. اما برای جسمانی که هنوز از روح بندگی رهایی نیافته اند، حس ضمائم آن سنگین و تلخ است و بیشتر با ترس از عقوبت از گناهان دوری می کنند تا به عشق فضیلت. از این رو، آنها باید با نصیحت‌های پرهیزگار بلند شوند، و به نظر می‌رسد که شریعت به آنها دست می‌دهد. اما کشیش، هر گاه فرصتی برای توضیح دستوری پیش می آید، باید همین نیت را برای خود داشته باشد. 27 آن کلمات چیست: من خدایی قوی هستم که باید در مورد آن تأمل کرد

پیشنهاد کند

با این حال، نفسانی و معنوی دو نکته اولی است که باید به آن اشاره کرد، که در همین ضمیمه قرار می گیرد، انسان ها را بیش از همه به رعایت قانون تحریک می کند. زیرا این حقیقت که خداوند را «قوی» می نامند، باید با دقت بیشتری توضیح داده شود، زیرا جسمی که غالباً از وحشت تهدید الهی کمتر متحیر می شود، دلایل مختلفی برای خود اختراع می کند که به وسیله آن می تواند از خشم خدا در امان بماند و از عذاب مورد نظر دوری کند; اما برای کسانی که مسلم است

ib. 7. 21. «) ib. 3. 10. «) ib. 5، 22. *) ib. 6. 15 (* .17 ،19 .مت ('

280


او متقاعد شده است که خدا قوی است و داوود بزرگ را غصب می کند: "از روح تو به کجا بروم و از چهره تو به کجا بگریزم؟" همان طور که گاه وعده های الهی را زیر پا گذاشته، معتقد است که قدرت دشمن آنقدر زیاد است که خود را اصلاً برابر نمی داند که در مقابل آن ایستادگی کند. اما ایمان راسخ و استوار، بدون تزلزل، هنگامی که بر قوت و قدرت الهی تکیه کند، انسان را در برابر آن زنده و تقویت می کند; زیرا می گوید: "خداوند نور و نجات من است، از چه کسی بترسم؟"

## ۲۸ اینکه خدا خود را غیور هم می‌خواند به چه معناست؟

اما نیش دوم خود حسادت الهی است. زیرا گاهی اوقات مردان فکر می کنند که خداوند به انسان ها اهمیت نمی دهد، مبادا قانون او را رعایت کنیم یا از او غافل شویم. از این به بعد سردرگمی بزرگ زندگی است. اما وقتی باور کنیم که خداوند غیرت دارد، مراقبه موضوع او به راحتی ما را در وظیفه خود نگه می دارد.

## 29 چنین غیرتی را باید به خدا نسبت داد.

ولی غیرتی که به خدا نسبت داده می شود، دلالت بر آشفتگی ذهنی ندارد، بلکه دلالت بر آن محبت و صدقه الهی است که به موجب آن، خداوند هیچ کسی را از خود مجروح نمی کند که بدون مجازات زنا شود. اما هر کس را که او مرتکب زنا شده باشد، ویران می کند. بنابراین غیرت خدا آرام‌ترین و خالص‌ترین عدالت اوست که به وسیله آن روح فاسد شده توسط عقاید نادرست و شهوات شیطانی، انکار شده و از ازدواج خدا به عنوان زناکار حذف می‌شود. اما واقعاً ما این شیرین ترین و شیرین ترین غیرت خداوند را زمانی تجربه می کنیم که بالاترین و باورنکردنی ترین اراده او با غیرت او در ما نمایان شود. از این رو، خداوند نشان می دهد که چقدر ما را دوست دارد، وقتی که اغلب خود را یا با داماد یا با شوهر مقایسه می کند که آن را غیرت می نامد. پس بگذارید کشیش در این مکان تعلیم دهد که مردم باید آنچنان مشتاق عبادت و شرافت الهی باشند تا به درستی گفته شود که غیرت دارند نه عاشق، پس از مثال او که در مورد خود گفت: «غیور»، می‌گوید: «من برای خداوند، خدای صبایوت، غیرت دارم.

## 30 منظور از تهدید در اینجا چیست؟

اکنون جمله ای در مورد تهدید وجود دارد که باید توضیح داده شود که خداوند گناهکاران را بدون مجازات عذاب نمی دهد، بلکه آنها را یا به عنوان پدر و مادر مجازات می کند یا به عنوان قاضی به آنها نگاه تند و شدید خواهد کرد. که در جای دیگر موسی اشاره می کند: "و خواهی دانست" او می گوید: "زیرا یهوه خدای تو خود خداست" یوحنا 2•,) 1 7 ..D e u7t, 8(3*1 ..P7s"

) 9 I. ac. 1, 6. Ps. 23, 1. ») III. Kings 4 *.1, Ps.

رحمت برای خود و کسانی که دستورات او را نگاه می دارند، برای هزار
نسل کوشا خواهد بود.  و فوراً  خود را به تهمت‌زنان بازگرداند.» و
یوشع: «نمی‌توانید خداوند را خدمت کنید. زیرا خداوند رقیب مقدس و
نیرومندی است و جنایات و گناهان شما را نخواهد بخشید. اگر خداوند
را ترک کنی و خدایان غریب را بندگی کنی، او روی خواهد آورد و تو را
رنج می دهد و سرنگون می کند.»

31 چگونه خداوند گناهان پدران را بر فرزندان، در نسل سوم و چهارم
مشاهده خواهد کرد.

اما باید به مردم آموخت که مجازات تهدید متعلق به نسل
سوم و چهارم ستمکاران و جنایتکاران است، نه این که نسل های
بعدی همواره مجازات جنایات قدیمی خود را تحمل کنند، بلکه هر
چند خود و فرزندانشان آن را مصون از مجازات برداشته باشند، همه
آیندگان از غضب و عذاب الهی در امان نخواهند بود.  چه اتفاقی برای
پادشاه یوشیا افتاد.  زیرا خدا به خاطر تقوای منحصربه‌فردش از
او امان داده بود و به او داده بود تا در آرامگاه اجدادش به سلامت
دفن شود تا بدی‌های دوران بعدی را که به خاطر بی‌تفاوتی جد
منسی به یهودا و اورشلیم می‌رسید، نبیند.  32 چگونه این کلمات
با سخنان حزقیال مطابقت دارد؟

اما به چه دلیل این عبارات شریعت با جمله ای که در پیامبر
آمده است (4) مخالف نیست: «نفس که گناه می کند خود می میرد»،
مقام گرگوری 5) به وضوح نشان می دهد که وقتی او با بقیه پدران
قدیم موافق بود.  زیرا هر که از گناه پدر و مادر بدکار تقلید کند،
به گناه او مقید است.  ولی هر که از گناه پدر و مادر تقلید نکند،
جرم او بر دوش او نیست;  از آنجاست که پسر بدکار تاوان گناهان
پدر بدکار را می پردازد، نه تنها گناهان خود را که اضافه کرده است،
بلکه گناهان پدر را نیز می پردازد، در صورتی که نمی ترسد
شرارت خود را بر گناهان پدر بیافزاید، که از خشم خداوند غافل
نیست.  و فقط این است که کسی که زیر نظر قاضی ناحیه از
تقلید از روش پدر و مادر ظالم خود نمی ترسد، باید در زندگی مجبور
شود تاوان گناه والدین ظالم خود را بپردازد.  کشیش سپس ذکر
خواهد کرد که چقدر عدالت خداوند با نیکی و رحمت او غلبه می کند.
خداوند با نسل سوم و چهارم خشم دارد، اما هزاران نفر را طلب می کند.

33 متخلفانی که قوانین الهی از آنها متنفرند.

و در این که گفته می شود: «مِنْ یَخْرِضُونَ» عظمت گناه نمایان
می شود.   برای آنچه آشکارتر و منفورتر است

') los. 24، 19. 20. 2) II. 3 .28 ،34 .پارJ I V. Reg. 23، 26. ") E z. 18، 4. ") M oral. 15، 21.

که از عالی ترین نیکی، بالاترین حقیقت متنفر است؟ اما این به همه گناهکاران مربوط می شود، زیرا همانطور که "کسی که احکام خدا را دارد" "و آنها را نگه می دارد، خدا را انتخاب می کند."

## 34 آن چیست: رحمت کردن به عاشقان

با من تماس می گیرند

اما آخرین مطلب این است که: «و لِلَّهِم یُحِبّونَم»، نحوه و دلیل حفظ شریعت را می آموزد. زیرا لازم است کسانی که شریعت خدا را نگه می دارند با همان انفاق و محبتی که برای خدا دارند به اطاعت او کشیده شوند. که بعداً در هر یک از احکام ذکر خواهد شد.

## فصل م.

### از فراسپتوس دوم.

نه") نام یهوه خدای خود را بیهوده خواهید برد.

1. خدای ما به طور خاص خواست این قانون را با احترام به نام خود بیاورد.

اگر چه در فرمان اول شریعت الهی که به موجب آن به ما دستور داده شده است که خدا را تقوا و مقدس بپرستیم، در وهله دوم این امری که در پی می آید، الزاماً درج شده است (زیرا هر که می خواهد به خود عزت داده شود، همین را می طلبد که ما خود را با بالاترین حرمت کلام دنبال کنیم، و خلاف آن را منع کنیم؛ همانطور که آن کلمات خداوند به طور جداگانه نشان می دهد که او در ملاکی آن را بیان می کند) با کلماتی شیوا و واضح II. کشیش چقدر باید به توضیح این حکم تکیه کند؟

البته خود کشیش باید موضوع اول باشد، به هیچ وجه اگر در این مورد به طور کلی صحبت می کرد کافی نیست: اما لازم است که این جایی باشد که خودش مدت بیشتری در آن بماند و آنچه را که مربوط به این بحث است به روشنی و واضح و دقیق برای مؤمنان توضیح دهد. در واقع نمی توان این اهتمام را بیش از حد دانست، مگر اینکه برخی از تاریکی های گمراهی چنان کور شده باشند که از لعن و نفرین فرشتگان هراسی نداشته باشند. زیرا آنها نباید با یک بار تصویب قانونی منصرف شوند، چه رسد به اینکه عظمت خدا را هر روز، نه، تقریباً در هر ساعت و لحظه با گستاخانه ترین شکل ممکن تحقیر کنند.» 21 ،14 .Io. س) مثال. 20، 7. تثنیه. 5، 11. ») مال. 1، 6

 اجازه دهید آنها جرات کنند. زیرا

چه کسی نمی بیند که همه چیز با سوگند تأیید مي شود؟ که همه چیز پر از نفرین و نفرین است؟ آنقدر که تقریباً هیچ کس چیزی را نمی فروشد، نمی خرد، یا تجارتی نمی کند، کسی که دین فقاهت را مداخله نکند و اسم مقدس خدا را هزار بار حتی در سبک ترین و پوچ ترین چیز تصادفی غصب نکند؟ که کشیش باید دقت و اهتمام بیشتری به خرج دهد تا غالباً به مؤمنان یادآوری کند که این جنایت چقدر جدی و نفرت انگیز است.

بر اساس این دستور، آنچه را امر یا نهی می کند. اما اکنون در توضیح این حکم ابتدا مشخص می شود که با آنچه شریعت از انجام آن نهی می کند، حکمی نیز در ارتباط با کارهایی است که انسان باید انجام دهد. اما هر دو باید جداگانه آموزش داده شوند. اولاً، برای این که آن چیزهایی که قرار است ارائه شود، آسانتر توضیح داده شود، آنچه قانون حکم می کند. به زودی نیز آنچه را که او نهی می کند. زیرا احکام این است: نام خدا را گرامی بدارید و به آن سوگند مقدس بدهید. باز هم همین را نهی می کند: هیچ کس اسم الهی را تحقیر نکند، آن را بیهوده نگیرد و به دروغ و یا بیهوده یا تصادفی قسم نخورد.

IV. در اینجا منظور از نام خدا چیست؟

پس در آن قسمتی که به ما دستور داده شده است که نام الهی را گرامي بداریم، کشیش به مؤمنان دستور دهد که نام خدا، حروف و هجاهای خودش، یا کلاً به خودی خود فقط یک کلمه عریان، لمس نشود، بلکه باید به این فکر افتاد که ارزش آن کلمه چیست که دلالت بر تلاوت و جل جلاله و لایزال دارد. اکنون از این مطالب به راحتی می توان فهمید که خرافات برخی یهودیان که هنگام نوشتن نام خدا جرأت نمی کردند آن را تلفظ کنند، خالی است. گویی قدرت الهی در آن چهار حرف وجود دارد نه در واقعیت. اما اگر چه به عدد مفرد تلفظ می‌شود: «نام خدا را نبر، این از هیچ نامی قابل فهم نیست، بلکه از همه نام‌هایی که معمولاً به خدا نسبت داده می‌شود، فهمیده می‌شود؛ زیرا نام‌های بسیاری بر خدا تحمیل شده است، مانند خداوند، قادر مطلق، پروردگار صبایوت، پادشاه پادشاهان، نیرومند، و ستایزین از این قبیل، که باید در این کتاب به طور مساوی خوانده شود. این که چگونه شرافتی که به نام الهی تعلق می گیرد، به مردم مسیحی اطلاق می شود که خدا دائماً ستایش می کند، نادیده گرفتن مفیدترین و ضروری ترین چیز برای رستگاری درست است.

به نظر می رسد همه هستند. بنابراین، اولاً خدا ستوده می شود، وقتی که در نظر همه با اطمینان به خدا و خداوند خود و مسیح، خالق نجات ما اعتماد کنیم، همانطور که اذعان می کنیم، بنابراین موعظه می کنیم. همینطور وقتی به کلام خدا که اراده او در آن بیان می شود توجه مقدس و مجدانه داشته باشیم، دائماً درگیر مراقبه آن هستیم، آن را مجدانه یاد می گیریم، چه با خواندن یا شنیدن، همان گونه که برای هر فرد و کارکردی مناسب و سازگار است. آنگاه نام الهی را ستایش و عبادت کنیم، آنگاه که حمد و ثنای الهی را به خاطر تکلیف و دین به جا می آوریم، و برای همه چیز، اعم از سعادت و ناگوار، سپاس خاصی از او می کنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «روح من را به درگاه پروردگارم رحمت کن و فراموش نکن i oqnueasd a reaiu s .e"r g a EDxesutma n tpqiueet a قومینبئوس رئگترریگبیوات tpel u irlilmiuis Ddiavviinda s p lsaauldmeis, it sweetly. آن نمونه تحسین برانگیز صبر در ایوب وجود دارد که وقتی در آن بزرگ ترین و وحشتناک ترین مصیبت ها افتاده بود، خداوند هرگز از ستایش او با روحی بلند و شکست ناپذیر بازماند. پس ما هنگامی که با

دردهای روحی و جسمی مصلوب شدیم، هنگامی که از مصیبت ها و رنج ها رنج می بریم، بی درنگ تمام غیرت و نیروی جان خود را به ستایش خداوند معطوف کنیم و به ایوب بگوییم: «مبارک باد نام خداوند».

6. به این ترتیب دیگران را برای این دستور آماده کنیم.

اما نام خدا کمتر مورد احترام نیست، اگر با اطمینان از او کمک بخواهیم، یعنی به وسیله آن یا ما را از شر آنها رهایی بخشد، یا به ما قوت و پایداری می بخشد که شجاعانه آنها را تحمل کنیم. زیرا خداوند میخواهد چنین اتفاقی بیفتد: او میگوید: «مرا بخوانید در روز مصیبت، من شما را نجات خواهم داد و شما مرا گرامی خواهید داشت.» نمونههای برجستهای از آنها در بسیاری از جاهای دیگر یافت میشود، بهویژه در مزمور 16. 43. 118. علاوه بر این، هنگامی که به خاطر ایمان به خدا شهادت میدهیم، نام خدا را با افتخار دنبال میکنیم. که روش بسیار متفاوت از روش های قبلی است. زیرا چیزهایی که در بالا ذکر کردیم، ذاتاً آنقدر خوب و مطلوب است که هیچ چیز برای انسان خوشبختتر و مطلوبتر از این نیست که او شبانه روز در اجرای آنها تلاش کند. دیوید4 میگوید: «تو را برکت خواهم داد، خداوند را در هر bteomnpuomr e :s i ts، e emipuesr t laamuesn e ifurse q june n sor e u smueso برکت خواهم داد.

VII. چرا استفاده بیشتر از سوگند ثابت نمی شود؟

حال دلیل این تبعیض در این واقعیت نهفته است که قانون سوگند تنها به این دلیل وضع شده است که ممکن است نوعی درمان برای ضعف انسان باشد و برای حمایت از ص. 102، 2. *) شغل. 1، 21.
.2 ،33 نقطه «) Ps. 49، 15 «) .17 ،71 .ص .10 ،2.

گروهی که به آن ساز ضروری می گوییم. زیرا همان گونه که مصرف داروها در بدن، مگر در موارد ضروری، مصلحت نیست و زیاده روی در آن ها زیان آور است، همچنین اگر علت جدی و عادلانه ای نداشته باشد، با قسم خوردن، مفید نیست. اما اگر زیاد استفاده شود آنقدر از مفید بودن فاصله دارد که ضرر زیادی می کند. از این رو، کریزوستوم قدیس به روشنی تعلیم می دهد که در جهانی که هنوز متولد نشده، اما از قبل بزرگ شده است، هنگامی که بدی ها به دور و بر همه جهان را اشغال کردند، و هیچ چیز در جای خود و نظم خود باقی نماند، اما همه چیز در آشفتگی بزرگی از همه چیز آشفته و در هم آمیخته شد، و، که بدترین از همه بدی ها است، تقریباً بت ها را به بت ها تبدیل کردند. زیرا هنگامی که در چنین خیانت و بی‌عدالتی مردم، کسی به آسانی ایمان نیاورد، خدا را گواه می‌خواندند. هشتم. که در آن سوگند است; و آنچه شایسته است قسم بخورد.

درست است که در این قسمت از دستور، دلیل اصلی تعلیم به مؤمنان است که چگونه باید با تقوا و مقدس سوگند یاد کنند: اولین چیزی که باید گفت این است که «سوگند چیزی جز شهادت دادن به خدا نیست، به هر شکل و مفهومی که باشد. زیرا هم: « خداوند من است» و هم: «به خدا گواهی می‌دهیم که ما نیز به همین امر گواهی می‌دهیم». ایمان با چیزهای آفریده شده، مانند اناجیل مقدس، صلیب، یادگارها و نام های مقدسین، و بقیه از این قبیل، زیرا این چیزها به خودی خود هیچ قدرت یا قدرتی با سوگند نمی دهند: بلکه خود خدا این را تضمین می کند، که شکوه و عظمت الهی او در آنها می درخشد، و حقیقتی که ما از آن منشأ می گیریم. به همین ترتیب در انجیل از طریق مقدسینی که معابد خدا هستند و به حقیقت انجیل ایمان داشتند و آن را با احترام کامل می پرستیدند و آن را به طور گسترده در سراسر ملل و ملل پخش می کردند، اعلام کرد.

9 از آن قسمی که با فحشا انجام می شود.
دلیل آن سوگند نیز همین است که با هجرت بیان می شود;

چنین است سنت پائولی3): "خدا را به عنوان شاهد در روح خود می خوانم. " در واقع، با این توافق، شخص به عنوان انتقام‌گیرنده دروغ، در معرض قضاوت خداوند قرار می‌گیرد. بنابراین، ما انکار نمی کنیم که برخی از این فرمول ها ممکن است به گونه ای تلقی شوند که گویی فاقد نیروی فحش دادن هستند. اما مفید است که آنچه در مورد سوگند گفته شد حفظ شود و دقیقاً به همان قاعده و قاعده سوق داده شود.

>) در اعمال رسولان. مرد 9. *) اول کور. 3، 16.') II. کور. 1، 23

X. بگذارید سوگند هر بار تکرار شود.

حال قسم دو گونه است: اولی که به آن قسم می گویند؛ البته، هنگامی که ما از نظر دینی چیزی را در مورد موضوع فعلی یا گذشته تأیید می کنیم، همانطور که رسول در نامه به غلاطیان 1: "اینک در پیشگاه خدا، زیرا من دروغ نمی گویم." اما دیگری سفته نامیده می شود که به آن تهدید نیز اشاره می شود، با نگاه به زمان آینده که قول می دهیم و یقین می دهیم که چیزی چنین خواهد شد. مانند داوود، که با سوگند به همسر بثرشبا «به خداوند، خدای خود»، وعده داد که پسرش سلیمان وارث پادشاهی خواهد بود و به جای او موفق خواهد شد.

## XI. شرایط سوگند مشروع چیست؟

زیرا درست است که گرچه سوگند خوردن به عنوان شاهد از خدا کافی است، اما برای درست و مقدس بودن، بسیار بیشتر مورد نیاز است که باید به دقت توضیح داده شود. اما ارمیا به اختصار آن را به عنوان شاهد ارومیه الهی برمی شمارد که می گوید: «قسم بخورید که خداوند به حق و به حکمت و عدل زنده است» (3) که البته آن کلمات به اختصار و اجمال تکمیل می شود که کمال همه سوگندهای شرعی در آن گنجانده شده است، حقیقت، من می گویم، حکم و عدل.

## XII. چگونه یک سوگند به حق انجام می شود.

پس اولاً در قسم باید «حقیقت» جای خود را داشته باشد؛ البته، به طوری که آنچه ادعا می شود عین حقیقت است و کس که قسم می خورد، فرض بر این است که چنین باشد، نه با حدس تصادفی یا خفیف، بلکه با قطعی ترین دلایل. اما نوع دیگر سوگند قانونی که به موجب آن چیزی را قول می دهیم، دقیقاً به همین صورت مستلزم صدق است؛ زیرا کسی که وعدهای میدهد باید آنقدر متحرک باشد که وقتی وقتش میرسد، آن را عملی کند و به قولش عمل کند. زیرا انسان درستکار هرگز به خود اجازه نمی دهد کاری را انجام دهد که فکر می کند خلاف دستورات و اراده الهی است. امّا هر چه قول دهد و سوگند بخورد، هرگز آنچه را که وعده داده شده تغییر نمی دهد. شاید بعد از تغییر وضعیت، چنان شد که اگر بخواهد به ایمان خود پایبند باشد و بر عهدش پایبند باشد، ناگزیر از کینه و اهانت از خدا شود. و آن حقیقت در قسم لازم است، داوود نیز در آن کلمات دلالت می کند: «کسی که به همسایه خود سوگند یاد کند و فریب ندهد». سیزدهم که گفته می شود بدون قضاوت سوگند یاد می کند و به همین دلیل نباید به کودکان سوگند یاد کرد.

«قضاوت» در مرتبه دوم قرار می گیرد؛ زیرا فحش دادن را نباید عجولانه و بي ملاحظه انجام داد، بلکه با تدبیر و اندیشه انجام داد. بنابراین، کسی که می خواهد سوگند یاد کند، باید ابتدا بررسی کند که آیا (' Gal. 1, 20. 2) III. Reg.

P s. 14, 4 (>•. 2, 4. جر. «) .30, 1

او باید به اجبار مجبور شود و نه و همه چیز را دقیق سنجید، خواه به گونه ای باشد که ظاهراً نیاز به سوگند داشته باشد. علاوه بر این، به زمان نگاه کند، به مکان توجه کند، و به بسیاری از چیزهای دیگر که با چیزها مرتبط است نگاه کند. او را نه با نفرت، نه از طریق عشق، و نه با هرگونه آشفتگی ذهن، بلکه از زور و ضرورت خود آن چیز وادار می کند. در واقع، مگر این که این ملاحظه و تحریف احتیاط آمیز مقدم باشد، قطعاً در قسم خوردن عجول و عجول خواهد بود. تصدیق غیر دینی فلانی که به سبک ترین و بیهوده ترین موضوع، بدون دلیل و نصیحت، اما به یک رسم نادرست خاص سوگند یاد می کنند. اما ما شاهد این هستیم که این کار هر روز اینجا و آنجا توسط فروشندگان و خریداران انجام می شود. زیرا آنها تا آنجا که می توانند می فروشند، در حالی که دومی ها تا آنجا که ممکن است خرید می کنند و از تعریف و تمجید یا فحش دادن به چیزهای برای فروش با فحش دادن دریغ نمی کنند. بنابراین، در حالی که به قضاوت و احتیاط نیاز است، اما کودکان هنوز قادر به دیدن و تمایز شدید در سن نیستند، بنابراین توسط قدیس کورنلیوس 1) پاپ مقرر شد که کودکان نباید قبل از بلوغ، یعنی قبل از سال چهاردهم، قسم بخورند.

چهاردهم به این ترتیب او به عدالت سوگند یاد می کند.

بقیه عدالت است که در وعده ها بیشتر مورد نیاز است. پس اگر کسی وعده ظلم و ناپسندی بدهد و با قول دادن مرتکب گناه شود و قول بدهد، جرم بر جنایت اضافه می شود. نمونه ای از آن در انجیل پادشاه هیرودیس وجود دارد که با قسمی بی پروا سر دختر رقصنده ای را به عنوان پاداش برای رقصیدن به جان باپتیست (2) داد. سوگند یهودیان نیز چنین بود، که، همانطور که در اعمال رسولان 3 آمده است، خود را به این شرط وقف کردند که تا زمانی که پولس را نکشند چیزی نخواهند چشید.

## 15 با این دلایل خاص فهمیده می شود که سوگند گاهی مشروع است.

پس از این که این چیزها توضیح داده شد، هیچ شک روشنی باقی نمانده است که او می تواند با خیال راحت سوگند یاد کند، چه کسی همه این چیزها را حفظ کرده است، و چه کسی خود را تقویت کرده است که به این شرایط به عنوان ضمانت های خاص قسم بخورد. اما اثبات این موضوع با استدلال های متعدد آسان است. زیرا « شریعت خداوند» که «بصیر» 4) و مقدس است، چنین دستور داده است: «از خداوند خدای خود بترسید و تنها او را عبادت کنید و به نام او سوگند یاد کنید.» و توسط داوود نوشته شده است: "همه کسانی که به آن سوگند یاد می کنند مورد ستایش قرار خواهند گرفت. علاوه بر این، حروف مقدس نشان می دهد که نورهای کلیسا گاهی اوقات برای قسم خوردن توسط مقدس ترین رسولان استفاده می شده است؛ و این از رسائل رسول ظاهر می شود. اضافه کنید که حتی خود فرشتگان نیز گاهی سوگند یاد می کنند.

ج 16. ج XXII. که 5. *) مارو 6، 23. ») اعمال رسولان. 23، 12. «) Ps. 18، 8 *) تثنیه. 6، 13. 8) ص. 62، 12

به سنت جان انجیلیست در آخرالزمان نوشته شده است که فرشته سوگند یاد کرد "به زندگان برای همیشه". علاوه بر این، حتی خود خدا نیز سوگند یاد می کند که پروردگار فرشتگان است. و در عهد عتیق در بسیاری از جاها خداوند وعده های خود را با سوگند تأیید می کند. مانند ابراهیم 2) و داوود، که با سوگند به خدا به آن خیانت کرد: «او قسم خورد»، او گفت 3، «خداوند، و از او توبه نخواهد کرد؛ شما طبق دستور ملکیصدق، a. شانزدهم، برای همیشه کاهن هستید.

در واقع، epstr o braattuiro تاریک هم نیست. برای توضیح اینکه چرا سوگند ستودنی است، اگر در کل موضوع با دقت بیشتری توجه شود و به اصل و منشأ آن بنگرد. در واقع، سوگند منشأ خود را در ایمان دارد، که به موجب آن، مردم بر این باورند که خداوند پدیدآورنده همه حقایق است، که هرگز نمی توان او را فریب داد و دیگران را فریب داد. "به چشم او همه چیز برهنه و باز است." که به طور خلاصه امور جهانی بشر را با مشیتی قابل تحسین مشاوره می دهد و جهان را اداره می کند. بنابراین، مردانی که با این ایمان آغشته شده اند، از خدا به عنوان شاهد حق استفاده می کنند که ایمان نداشتن به او بی دینی و شرارت است.

17 ختم دعوا پایان دعوا و دعاوی است.

اما در مورد عاقبت، به آن سوگند می خورد و تماماً به آن می نگرد تا عدالت و بی گناهی مرد را ثابت کند و به اختلافات و مجادلات پایان دهد. که رسول در نامه به عبرانیان نیز تعلیم می دهد.

15 111. مسیح به چه صورتی سوگند خوردن را منع کرد.

سخنان منجی ما در متی قدیس با این جمله 6 سازگار نیست: "شنیده اید که از قدیم گفته اند: سوگند دروغ مکن، بلکه سوگندهای خود را به خداوند باز گردان. اما من به شما می گویم که اصلا قسم نخورید، نه به آسمان، زیرا تخت خداست، و نه به زمین، زیرا که شهر یروس است، و نه شهر بزرگ به پای اوست. به سرت سوگند نخور، زیرا نمی توانی یک موی سرت را سپید کنی یا سیاه کنی. برای اینکه به این کلمات قسم بخوریم که به طور کلی و جهانی محکوم شوند، لازم نیست که بگوییم، زیرا قبلاً در بالا دیدیم، که خود خداوند و رسولان مکرراً سوگند یاد می کردند. اما خداوند مایل بود که داوری نادرست یهودیان را که به وسیله آن به ذهن او متذکر شده بودند که در قسم خوردن چیزی جز دروغ وجود ندارد، سرزنش کند. و لذا خود غالباً در مورد پیش پا افتاده ترین و بی اهمیت ترین مسائل قسم می خوردند و از دیگران می خواستند که قسم بخورند. این رسم

• ) آپو 10، 6. دان. 12، 7. ») عبری. 6، 17. ») Ps. 109، 4 ») عبری. 4، 13. خرد. *، 1. *) عبری. 6، 16. ») مت. 5، 33-37. جک 5، 12

منجی انتقاد می کند و رد می کند و می آموزد که اصلاً باید از قسم خوردن خودداری کرد، مگر اینکه ضرورت ایجاب کند. 19

به این ترتیب مسیح گفت، آنچه که به ادعای ساده حقیقت نزدیک می شود، از شر است.

زیرا از ضعف انسان است که سوگند به وجود می‌آید و واقعاً از بدی سرچشمه می‌گیرد، در صورتی که نشان‌دهنده بی‌ثباتی قسم‌دهنده باشد یا بر لجاجت کسی که به خاطر او سوگند یاد می‌کنیم و غیر از این نمی‌توان او را به ایمان واداشت. اما باز هم وجوب قسم عذر دارد. و به راستی که سالواتور می‌گوید: «کلام شما باشد: هست، هست؛ نه، نه»; با این فرمول گفتار، او به اندازه کافی روشن می کند که از رسم سوگند خوردن در گفتگوهای مربوط به مسائل آشنا و پیش پا افتاده منع می کند. در رابطه با این کار، خداوند به ما یادآوری ویژه ای می کند، مبادا به آسانی و تمایل به سوگند یاد کنیم، و این باید با پشتکار آموزش داده شود و به گوش مومنان تأکید شود. زیرا شرارتهای تقریباً نامتناهی از عادت مفرط به سوگند سرچشمه می‌گیرد و اعتبار ادب مقدس و شهادت‌های اقدس‌ترین پدران مؤید آن است. در جامعه 2 نوشته شده است: "دهان خود را به سوگند عادت مکن، زیرا خطرات زیادی در آن وجود دارد." همچنین: «کسی که بسیار سوگند یاد کند پر از گناه می شود و طاعون از خانه او خارج نمی شود». بیشتر در مورد این موضوع را می توان در (Saints Basilius3 و Augustine در کتاب های خود علیه باطل خواند. و تا اینجا از دستورات; اکنون از حرام گفته شده است.

20 چرا سوگند نادرست و عجولانه چنین گناه بزرگی است؟

ما نباید نام الهی را بیهوده ببریم. زیرا به نظر می رسد که او خود را به گناهی کبیره می بندد که نه با نصیحت، بلکه عجولانه سوگند یاد می کند. و اینکه این جدی ترین جنایت است، این سخنان نیز اعلام می کند: «اسم یهوه خدای خود را بیهوده نخوان»، انگار می خواهد دلیلی بیاورد که این عمل تا این حد شرور و شیطانی است. البته چون از عظمت او کاسته شده است که ما او را خدا و پروردگار خود می دانیم. بنابراین این دستور مردان را از سوگند دروغ منع می کند. زیرا کسی که از چنان جنایتی که شهادت دروغ به خدا بدهد خودداری نکند، در اینجا به خدا ظلم بزرگی کرده است. زیرا یا نشان جهل به او می دهد، در حالی که گمان می کند حقیقت چیزی پنهان است، یا یقیناً از بی تقوای و عواطف پلید که می خواهد باطل را با دلیل تأیید کند.

XXI آنهایی که سوگند یاد می کنند که حقیقت دارد چگونه باید درست باشد؟ اکنون او به دروغ سوگند یاد می کند، نه تنها کسی که آنچه را که دروغ می داند درست است، بلکه آن کسی که سوگند یاد می کند نیز نادرست است.

«) مت. 5، 37. 2) اکلوس. 23، 9. 12. 27، 15. ') هوم. در ص 14.

19

Catechism, Cono. ترید

او ادعا می کند که اگرچه درست است، اما خودش فکر می کند که دروغ است. زیرا وقتی دروغ در آن مطلب دروغ باشد که بر خلاف عقل و نظر نفس گفته می شود، معلوم است که این دروغ آشکار است و از بین می رود. *290

22 فریب دادن باطلی که به نظر او حقیقت است، به هر نحوی که گناه کند. به همین ترتیب، کسی که سوگند یاد می کند آنچه را که می پندارد درست است و در عین حال حقیقتاً دروغ است، مگر اینکه تا آنجا که می توانست دقت و اهتمام به خرج داده باشد تا کل موضوع کشف و بررسی شود. زیرا اگر چه دعای او با ذهن موافق است، اما او در این حکم مقصر است.

23 کسی که به آنچه قسم خورده یا نذر کرده است عمل نکند، مرتکب گناه شده است.

ولی کسی که قول به سوگند می دهد، مرتکب همان گناه است، ولی یا قصد وفای به عهد را نداشته است، یا اگر عمل کرده، عملاً به وعده خود عمل نکرده است. این امر در مورد کسانی نیز صدق می کند که وقتی خود را با خدا عهد کرده اند وفا نمی کنند.

24 قسم خوردن از گناه کبیره، یا بر خلاف توصیه انجیلی، به گناه.

علاوه بر این، در این دستور، اگر عدالت نباشد، گناه است که یکی از سه مورد فقهی است. پس اگر کسی قسم بخورد که مرتکب گناهی کبیره شود، مثلاً قتل انسانی، این حکم را اگر چه جدّی و صمیمانه بگوید، مرتکب آن است و باید به راستی قسم بخورد که در جای قبل لازم دانستیم. به اینها باید آن دسته از سوگندهایی را اضافه کرد که از نوعی تحقیر ناشی می شود، وقتی کسی سوگند یاد می کند که از توصیه های انجیل مانند تشویق به تجرد و فقر اطاعت نخواهد کرد. زیرا اگرچه هیچ کس لزوماً نباید از آنها پیروی کند، اما اگر کسی سوگند یاد کند که حاضر نیست به آن توصیه ها عمل کند، با سوگند خوردن توصیه های الهی را تحقیر و زیر پا می گذارد.

25 او در قسم خوردن به حدسیات سبک مجرم است.

علاوه بر این، او این قانون را زیر پا می گذارد و در قضاوت مرتکب گناه می شود، که سوگند یاد می کند که آنچه درست است، و خود را چنین می پندارد، با برخی حدس های جزئی و دور از ذهن هدایت می شود. زیرا اگرچه حقیقت با این نوع سوگند خوردن همراه است، اما به نوعی کذب زیربنای آن است. زیرا کسی که از روی غفلت سوگند یاد می کند در خطر شهادت دروغ است.

26 کسی که به خدایان دروغین سوگند یاد می کند، گناه سختی کرده است.

علاوه بر این، کسی که به خدایان دروغین سوگند یاد می کند، سوگند دروغ می گوید. زیرا چه چیزی برای حقیقت بیگانه تر از شهادت دادن به خدایان دروغین و ساختگی به عنوان حقایق برای خداست؟

27 کلام خدا a nianh o cnoonrvaenrst,e n dvoe,l mpaelceca t .i nterpretando, یا به

-in درست است، از آنجایی که کتاب مقدس، وقتی شهادت دروغ را منع کرد،
qquuiate' ) f:u g „iNeendca peosltl u ients rneolmiqeuni s,D eqiu i btuusi , "

e x n ehgulieucst i op r apercoehpitbie t uaru,-ctorit is due; کلام خدا
چیست که نه تنها پرهیزگاران، بلکه گاه شریران نیز به عظمت او احترام
می‌گذارند، چنانکه در تاریخ داوران آمده است2) یاد اگلون، پادشاه موآبیان. اما
کلام خدا تحت تأثیر بزرگترین ظلم قرار می گیرد، هر کس که کتب مقدس را از
عقیده صحیح و واقعی آن به عقاید جزمی و بدعت های غیر خدا منحرف کند. این
جنایت را رئیس رسولان در آن کلمات به ما یادآوری می کند: "چیزهای خاصی وجود
دارد که درک آنها دشوار است، که افراد بی تربیت و ناپایدار آنها را مانند سایر
متون مقدس تحریف می کنند تا خود آنها را نابود کنند." علاوه بر این، کتاب
مقدس به لکه‌های ناپاک و ناپسند آلوده می‌شود، زیرا کلمات و جملات آن، که
باید با احترام کامل مورد پرستش قرار گیرند، به انسان‌های نابکار و شریر
تبدیل می‌شوند. یعنی به سخیف، افسانه، بیهوده، رضایت، کسر، قرعه، جزوه
های معروف، و اگر از این نوع دیگر وجود دارد. در آن گناه، مجمع مقدس ترنت4)
دستور می دهد که مورد توجه قرار گیرند.

28 کسانی که در مصیبت های خود خدا را نمی خوانند، چنانکه

گناه خواهند کرد
پس کسانی که در مصیبتهای خود از او یاری می‌خواهند، خدا را گرامي بدارند.
داوود او را سرزنش کرد، چون گفت: «خدا را نخواندند، در آنجا از ترس لرزیدند، جایی
که ترسی نبود».

29 وخیم‌ترین این گناهان کفر به خدا و اولیای اوست.

اما در واقع، آنها خود را مرتکب جنایتی بسیار ناپسندتر می‌شوند، که
جرأت می‌کنند نام مقدس خدا را ناسزا و نفرین کنند، تا مورد ستایش همه
مخلوقات قرار گیرند و با بالاترین ستایش‌ها یا حتی نام مقدسینی که با
خدا پادشاهی می‌کنند، با دهانی ناپاک و آلوده تجلیل شوند. به راستی که
این گناه آنقدر وحشتناک و هولناک است که گاهی حروف مقدس اگر از کفر
سخن می گویند نام «برکت» را به کار می برند.

30 چرا برخی از تهدیدها باید تحت این دستور قرار گیرند؟
اما چون ترس از مجازات و اعدام عادت به بررسی جواز گناه با خشونت است;

, Ub «rk »£ ( , e), TPisf.c 13I, V 25.-8); * m2 .I u dR-e g s.> 2210,- 1 33). I r -I o Pb.e t r1-. 31>1. 1 26,- 9 .* ) S esg- d0 ed- et us» «aw-

میله را راحت‌تر فشار می‌دهد، قسمت دیگر آن را با دقت توضیح می‌دهد و گوویی یک ضمیمه است: "زیرا خداوند او را که نام یهوه، خدای خود را بیهوده برده است، احمق نمی‌داند." و اجازه دهید اولاً تعلیم دهد که این کار با نهایت دلیل انجام شد که باید تهدیدها را به این دستور اضافه کرد. که به وسیله آن هم سنگینی گناه و هم مهربانی خدا در ما تشخیص داده می‌شود، که چون از هلاکت انسان لذت نمی‌برد، 2) مبادا دچار خشم و آزار او شویم، البته ما را با این تهدیدهای مفید باز می‌دارد تا او را به جای عصبانیت، خیرخواهانه تجربه کنیم. بگذارید کشیش این نکته را اصرار کند و با نهایت دقت اصرار کند تا مردم به شدت جنایت را تشخیص دهند و شدیدتر از آن متنفر باشند و در اجتناب از آن دقت و احتیاط بیشتری به کار گیرند. بعلاوه، نشان دهد که گرایش مردان به ارتکاب این گناه چقدر زیاد است، به طوری که اجرای قانون کافی نبود، مگر اینکه تهدید نیز اضافه شود. زیرا باور نکردنی است که این دانش چقدر مفید است. زیرا هیچ چیز به همان اندازه مضر نیست و امنیت ذهنی بیادیده است، بنابراین آگاهی از ضعف خود سود زیادی دارد. سپس اعلام می کند که از سوی خداوند مجازات معینی تعیین نشده است، بلکه فقط مورد تهدید جهانی قرار گرفته است و هر کس مرتکب این جنایت شود از مجازات در امان نخواهد ماند. بنابراین مجازات های مختلفی که روزانه در معرض آن قرار می گیریم باید این گناه را به ما یادآوری کند. زیرا از اینجا می‌توانیم به آسانی حدس بزنیم که انسان‌ها به بزرگ‌ترین مصیبت‌ها دچار می‌شوند، زیرا از این دستور اطاعت نمی‌کنند. این احتمال وجود دارد که آنها در آینده به دلیل نیت خود محتاط تر باشند. پس مؤمنان که از ترس مقدس هراسان شده‌اند، با کوشش تمام از این گناه بگریزند. زیرا اگر قرار باشد هر کلمه بیهوده در آخرین داوری محاسبه شود، 3)، در مورد جدی ترین جنایاتی که در برابر آنها تحقیر شدیدی از نام الهی ایجاد می کند، چه خواهیم گفت؟

## فصل چهارم. از
## فرمان سوم.

به یاد داشته باشید 4) برای مقدس نگه داشتن روز سبت. شش روز کار کن و تمام کارهایت را بکن. و روز هفتم سبت یهوه خدایت است. تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و غلام سوگند خورده تو و غریبه ای که در دروازه هایت است، تمام کارهایی را که در آن است انجام نده. زیرا خداوند در شش روز آسمانها و زمین و دریا و هر چه در آنهاست را ساخت و در آسمانها و زمین آرام گرفت. بنابراین خداوند روز سبت را برکت داد و تقدیس کرد

') مثال 20، 7. 2) طوب. 3، 23. 8) مت. 12، 36. «) مثال. 20، 8-11. دوتایی 5، 12

/.  سومین فرمانی که بر مؤمنان تحمیل شده چیست؟
به دستور لج، آن عبادت بیرونی که از جانب ما برای خداست، به درستی و به ترتیب مقرر شده است.  زیرا این گویی ثمره حکم قبلی است، زیرا ما او را با عواطف درونی خود، به رهبری ایمان و امیدی که در او نهاده ایم، می پرستیم، بدون عبادت بیرونی نمی توانیم او را گرامی بداریم و سپاسگزاری کنیم.   و از آنجایی که این کارها توسط کسانی که در بازداشت به سر می برند نمی توانند به راحتی انجام شوند، زمان مشخصی برای انجام آنها تعیین شده است.  2. چرا باید کشیش مخصوصاً کار کند تا آنچه در اینجا مقرر شده در حافظه ابدی مؤمنان باقی بماند.

بنابراین، از آنجایی که این حکم به گونه ای است که ثمره و سود قابل تحسینی به بار می آورد: برای کشیش بسیار مهم است که در توضیح آن نهایت دقت را به خرج دهد.  و برای شعله ور ساختن غیرت او، آن کلمه ی اول حکم قدرت زیادی دارد: «یاد کن».   زیرا همانطور که مؤمنان باید چنین دستوری را به خاطر بسپارند، شبان نیز باید آن را با پند و تعلیم به آنها یادآوری کند.  اما تا آنجا که به مؤمنان مربوط می شود، برای رعایت این حکم، از آن دریافته می شود که با رعایت دقیق آن، راحت تر به رعایت سایر احکام شریعت می پردازند.   زیرا از جمله کارهای دیگری که باید در روزهای اعیاد انجام دهند، باید به خاطر شنیدن کلام خدا در کلیسا جمع شوند.   به همین دلیل، "جشن و عبادت روز سبت" اغلب در SS سفارش شده است.  از نامه ها، مانند خروج، لاویان، تثنیه، و اشعیا، ارمیا، و حزقیال انبیا.  در تمام مکانهایی که این حکم مربوط به عبادت سبت در آنها صادر شده است.

III. به این ترتیب رهبران نادیده گرفته می شوند.  مورد لطف استانداران قرار گیرد

اما شاهزادگان و قاضیان باید نصیحت و نصیحت شوند تا در اموری که عمدتاً به حفظ و افزایش این پرستش خدا مربوط می شود، حاکمان کلیسا با اختیار خود کمک کنند و مردم را به اطاعت از دستورات کاهنان امر کنند.  اما در مورد تفسیر این دستور، باید تلاش کرد تا به مؤمنان آموزش داده شود که این حکم در چه مواردی با دیگران موافق است یا در چه مواردی با آنها تفاوت دارد.  با انعقاد این قرارداد، علت و دلیلی که ما نباید روز سبت را بپرستیم، بلکه یکشنبه را بپرستیم و آن را مقدس نگه داریم، خواهند دانست.

IV. به چه دلیل این حکم با بقیه قوانین دکالوگ تفاوت دارد؟ پس این تفاوت مسلم به نظر می‌رسد که بقیه احکام ده‌گانه طبیعی و همیشگی هستند و به هیچ دلیلی قابل تغییر نیستند.

آنها می توانند؛ به موجب آن، با وجود اینکه شریعت موسی نسخ شده بود، مسیحیان تمام احکام مندرج در دو جدول را حفظ کردند. بنابراین، نه به این دلیل که موسی چنین دستور داده است، بلکه به این دلیل که آنها با طبیعت موافق هستند، اتفاق می‌افتد که به نیرویی که مردم مجبور به حفظ آن هستند. حال این حکم در مورد عبادت روز سبت، اگر به زمان معین نگاه کنیم، ثابت و ثابت نیست، بلکه قابل تغییر است، و مربوط به آداب و رسوم نیست، بلکه مربوط به تشریفات است، و طبیعی نیست، زیرا طبیعتاً به ما تعلیم یا تربیت نکرده است که در آن روز به جای دیگری، خدا را عبادت کنیم، بلکه از زمانی که فرعون از فرعون آزاد شده بودند. روز شنبه.

V. Tempboarteu m ,m o rqtuias p Cahrrties t fiu i lte g cisa e rceameorneimaolnei,i s s usubbllaattuims, eestt.i am sab-

اکنون زمانی که قرار بود عبادت سبت لغو شود، همان زمانی است که سایر عبادات و مراسم عبری لغو می شد. یعنی مرگ مسیح. زیرا از آنجایی که آن مراسم، همان طور که بود، تصاویر ترسیم شده ای از نور و حقیقت است، قطعاً لازم بود که در ظهور نور و حقیقت، که عیسی مسیح است، حذف شوند. در این مورد، سنت پولس به غلاطیان چنین نوشت)، که پرستندگان آیین موزاییک را سرزنش کرد: "شما روزها و ماهها و فصول و سالها را رعایت می کنید؛ من از شما می ترسم که مبادا بی دلیل در میان شما کار کنم." در این جمله به کولسیان نیز نوشت 2). و این در مورد تفاوت. 6. با چه توافقی این سومین prseanetciaetp.t با نه تن دیگر

حال این حکم با بقیه موافق است، نه از نظر تشریفات و تشریفات، بلکه به دلیل داشتن چیزی که مربوط به اخلاق فطری است. زیرا عبادت و دین خدا که با این دستور بیان می‌شود، به‌واسطه شریعت طبیعت وجود دارد، آن‌گاه که طبیعت آن را فراهم کرده باشد، تا ساعاتی را به اموری که مربوط به پرستش خداوند است مشغول کنیم. گواه این حقیقت این است که می بینیم در همه ملت ها اعیاد خاصی وجود داشته و عمومی بوده و به مقدسات و عبادات الهی اختصاص داشته است. زیرا طبیعی است که انسان برای کارکردهای ضروری اشیاء، مانند استراحت بدن، خواب و غیره، زمان معینی بگذارد. و همانطور که بدن بود، به همان دلیل طبیعت انجام شد، که ذهن نیز چیزی از زمان را اعطا کرد که در آن خود را در تفکر خدا تازه کند. و بنابراین زمانی که باید بخشی از زمان وجود داشته باشد، qsuanoe raeds mdiovriunmae به خاطر خدا، این pcroaluncteuprt,a cpuelrttuinseqtu.e

') گال. 4، 10. 11. ») سرهنگ 2، 16

رسول پرستش شود daivee r usnatb.b ati

به همین دلیل رسولان تصمیم گرفتند که اولین روز آن روز را به عبادت الهی اختصاص دهند که آن را یکشنبه می نامند. زیرا حتی سنت جان (1) در آخرالزمان از "یکشنبه" یاد می کند. و رسول 2) « در یکی از سبتها» که یکشنبه است، همانطور که کریستوستوم تعبیر می کند3)، دستور می دهد که گردهمایی های برپا شود، تا بتوانیم بفهمیم که حتی در آن زمان نیزیکشنبه در کلیسا مقدس نگه داشته می شد. اما اکنون، برای اینکه مومنان بدانند در آن روز چه باید بکنند و از چه اعمالی باید پرهیز کنند، غیرعادی نیست که کشیش کل فرمان را که به درستی به چهار قسمت تقسیم می شود، کلمه به کلمه به دقت تفسیر کند.

هشتم. مراد از این کلمه: یادت باشد اینجا به طور کلی تجویز شده است.

و بنابراین او ابتدا آنچه را که در آن کلمات مقرر شده است به طور کلی بیان می کند: «به یاد داشته باشید که روز سبت را تقدیس کنید». به همین دلیل در ابتدای دستور، کلمه «مِمنتوآ» را مخصوصاً اضافه کردند که عبادت این روز مربوط به مراسم است. در این مورد به نظر می رسد که باید به مردم تذکر داده شود، زیرا قانون طبیعت، اگرچه تعلیم می دهد که خدا را باید با شعائر دینی در زمانی عبادت کرد، اما این امر را تجویز نکرده است که در چه روزی باید انجام شود. علاوه بر این، باید به مؤمنان آموخت که از آن کلمات می توان روش و دلیلی را جمع کرد که در تمام هفته کار را انجام دهند. تا روزی که همیشه به عید نگاه کنیم که در آن روز که قرار است اعمال و کارهایمان به خدا برسد، لازم است چنین کارهای انجام دهیم که نه به حکم خدا رد می شود و نه چنانکه نوشته شده است4 و «سبب سکسکه» و «برای قساوت دل». در نهایت، چیزی که قطعاً باید به آن توجه کنیم، به ما می‌آموزند، یعنی اینکه فرصت‌ها کم نخواهد بود، از این رو ممکن است با فراموشی این دستور، یا با سرمشق دیگران که از آن غفلت می‌کنند، و علاقه به تماشا و بازی‌هایی که معمولاً از عبادات مقدس و مذهبی این روز دور می‌شویم، گرفتار شویم. اما اکنون به چیزی می رسیم که معنای سبت نشان می دهد.

9 روز سبت و سبت در نوشته های مقدس چه چیزی را رعایت می کنند.

سبت، نام عبری، اگر به لاتین ترجمه شود، توقف نامیده می شود. بنابراین، سبت کردن، توقف و استراحت، با کلمه لاتین نامیده می شود، که به این معنی است که نام سبت را «روز هفتم» می نامند. از آنجا که در عالم مطلق و کامل جهان، «خدا» از تمام کارهایی که انجام داده بود «آرام» گرفت. پس این روز در خروج 5) خداوند فرا می خواند.

اما بعداً نه تنها این روز هفتم، بلکه به دلیل شأن آن، حتی خود هفته نیز به این نام
خوانده شد. به این معنا، فریسی در لوقا 1 می گوید: "من دو بار در روز سبت روزه می گیرم." و
این البته در مورد معنای سبت.

X. به چه شیوه ای گفته می شود که مؤمنان سبت را تقدیس می کنند.

و تقدیس سبت مقدس در کتاب مقدس، توقفی است که از کار بدنی و تجارت صورت
می گیرد، همانطور که با کلمات زیر این فرمان به وضوح نشان داده می شود: "تو کار نکن." و
در واقع به تنهایی به این معنی نیست (زیرا در غیر این صورت در تثنیه 2 گفتن کافی
بود: "روز سبت را رعایت کنید") اما زمانی که در همان مکان اضافه شود. «تا او را تقدیس
کنید»: با این کلمه نشان داده می‌شود که روز سبت یك روز دینی است که به اعمال الهی و
واجبات مقدس اختصاص دارد. و بنابراین ما روز سبت را به طور کامل و کامل جشن می گیریم،
زمانی که خدمات تقوا و دین را به خدا تقدیم می کنیم.

saptpaemlulsa;t , h oqcuqoune i apmla n ef e s„tsia b dbiaetsu m "s u nets t ,v eqluuotdi Idsealiiacsi3a)e "

dDeolmiicnaitu m "e t مردان پارسا. پس اگر به این عبادت شرعی و مقدس سبت، آثار رحمت اضافه شود، یقیناً
ثوابهای بزرگ و فراوانی در زیر همین سر به ما پیشنهاد می شود.

XI. که جمله اصیل کلمات قبل است.

بنابراین، معنای واقعی و صحیح این حکم به این است که انسان باید از
نظر روحی و جسمی به مراقبت از آن بپردازد تا پس از مدتی استراحت از کسب و کار
و کارهای بدنی، خدا را با تقوا عبادت و عبادت کند.

XII. آنچه در قسمت دوم فرمان آمده است.

از سوی دیگر، در قسمت دیگر این دستور نشان داده شده است که روز هفتم به
طور الهی به عبادت خداوند اختصاص دارد; زیرا چنین نوشته شده است: «شش روز کار
کن و تمام کارهایت را انجام ده، اما روز هفتم سبت یهوه خدای توست.» این سخنان به
آن جمله اشاره دارد که روز سبت را تقدیم پروردگار تعبیر کنیم و در آن روز به او خدمات
دینی بدهیم و روز هفتم را نشانه آرامش خداوند بدانیم.

سیزدهم چرا هفتم بازی کردی، s r eelxipgeidoineirs i to f fciecriat u pmr a edsicermi,b er ee.u mque

اما این روز به عبادت الهی اختصاص داشت، زیرا کمتر مصلحتی برای مردم گستاخ
بود که بتوانند زمان را به صلاحدید خود انتخاب کنند تا مبادا از مراسم مصریان تقلید
کنند. و به این ترتیب از هفت روز، آخرین روز برای عبادت خدا انتخاب شد. که در واقع
موضوعی پر از رمز و راز است. چرا خداوند در خروج 4) و در حزقیال 6) علامتی را می نامد:

«) لو 18، 12. ») تثنیه. 5. 12. ») است. 58، 13. ") مثال 31، 13. ") 12 ،Ez. 20.

 297

او می گوید: "تا سبت مرا نگاه دارید، زیرا این نشانه ای است بین من و شما در نسل های شما، تا بدانید که من خداوند هستم که شما را تقدیس می کنم."

### چهاردهم از چه چیزهایی نشانه جشن سبت بود.

و بنابراین این نشانه ای بود که نشان می داد مردم باید خود را وقف خدا کنند و مقدسین را برای او فراهم کنند، وقتی می بینیم که آن روز نیز به او اختصاص دارد. در واقع، آن روز مقدس است، زیرا مردم باید به ویژه مقدسات و دین را پرستش کنند. سپس نشانه و به نوعی یادگار تأسیس این دانشگاه شگفت انگیز است. علاوه بر این، این نشانه‌ای از یادآوری بود که به بنی‌اسرائیل داده شد و به‌واسطه آن به یاد آوردند که به یاری خداوند، از یوغ سخت بردگی مصر رهایی یافته و رهایی یافته‌اند. آنچه خداوند در آن کلمات نشان می دهد 1): "به یاد داشته باشید که شما نیز در مصر خدمت می کردید، و خداوند خدا شما را با دستی قوی و بازوی دراز از آنجا بیرون آورد، بنابراین به شما دستور داد که روز سبت را رعایت کنید." همچنین نشانه ای از سبت معنوی و بهشتی است.

### 15 آن سبت روحانی مردم مسیحی است.

اما سبت روحانی شامل نوعی استراحت مقدس و عرفانی است، البته زمانی که پیرمرد نجات یافته توسط مسیح به زندگی تجدید می شود و با پشتکار خود را در اعمالی به کار می گیرد که با تقوای مسیحی موافق است. زیرا کسانی که «در یک زمان» 2) « تاریکی بودند، اما اکنون در خداوند نور هستند» باید «مثل فرزندان نور» در همه خوبی ها، عدالت و راستی راه بروند، نه «در کارهای بی ثمر تاریکی شرکت کنند». 16 سبت را نیز سبت داشته باشند.

این یک سبت بهشتی است، همانطور که D. Cyril می گوید3) در مورد آن مکان رسول 4): "بنابراین سبت به قوم خدا واگذار شده است"، زندگی که در آن ما از همه چیزهای خوب زندگی با مسیح لذت خواهیم برد، و گناه را ریشه کن کنیم، طبق آن5): "در آنجا شیری وجود نخواهد داشت، و هیچ حیوان بدی وجود نخواهد داشت، بلکه "راهی خواهد رفت." زیرا ذهن اولیای الهی همه چیزهای خوب را در رؤیت خدا به دست می آورد. بنابراین مؤمنان با این سخنان تشویق می‌شوند و توسط کشیش تشویق می‌شوند: "بگذارید برای ورود به آن استراحت بشتابیم."

### 17 برای یهودیان، روزهای دیگری غیر از روز هفتم جشن بود.

قوم یهود علاوه بر روز هفتم، اعیاد و ایام مقدس دیگری نیز داشتند که به موجب شریعت الهی مقرر شده بود و به وسیله آنها یاد بزرگ ترین فواید تجدید می شد.

') تثنیه 5، 15، ») روم. 6، 6. اف. 5، 8 متر مربع ') 4 .Lib. در اینجا \. ج 6. «) عبری. 4، 9. 5) است. 35، 9. Hebr > 4j n .o)

18 بنابراین رسولان روز هفتم هفته را تقدیس نکردند، بلکه روز اول را به پرستش الهی اختصاص دادند.

اما کلیسای خدا خوشحال شد که عبادت و جشن روز سبت باید به یکشنبه منتقل شود. زیرا همانطور که در آن روز نور برای اولین بار در سراسر جهان درخشید، زندگی ما نیز با رستاخیز نجات دهنده ما که راه زندگی ابدی را برای ما گشود، که در آن روز اتفاق افتاد، از تاریکی به روشنایی یادآور شد. از این رو می خواستند یکشنبه را روز رسولان بنامند. در نوشته‌های مقدس متوجه می‌شویم که این یک روز رسمی قبل از آن بود، که خلقت جهان در آن روز آغاز شد، و روح‌القدس به شاگردان داده شد.

19 به همین دلیل دیگر عیدهای مسیحی به یکشنبه اضافه شده است.

اما رسولان و پدران مقدس ما روزهای عید دیگری را از آغاز کلیسا و در زمان‌های بعدی برپا کردند تا بتوانیم یاد نعمت‌های خدا را به شیوه‌ای پارسا و مقدس گرامی بداریم. و در میان آنها، روزهایی است که به خاطر اسرار رستگاری ما به دین تقدیم شده است، سپس روزهایی که به مقدس ترین باکره مادر، و همچنین به رسولان و شهدا و سایر مقدسینی که با مسیح سلطنت کردند، گفته می شود. در نصرت آنها صلاح و قدرت خداوند ستوده می شود و به آنان ارج نهاده می شود و مؤمنان به تقلید از آنان تشویق می شوند. 20 چگونه از این دستور آنها را به دوری از بیکاری تحریک می کنند

و از آنجا که آن بخش از خود قدرت زیادی در حفظ این دستور دارد که در آن کلمات بیان شده است: "شش روز باید کار کنید، اما روز هفتم سبت خداست: یک کشیش باید آن قسمت را با دقت توضیح دهد. در واقع، از این سخنان می توان دریافت که مومنان باید تشویق شوند که زندگی بیکار و بیهوده ای نداشته باشند، بلکه باید صدای خود را به خاطر بسپارند (4. 11) و مانند او با دستان او کار کنید و همچنین با این فرمان خداوند به ما دستور می دهد که کار خود را در شش روز انجام دهیم تا در روز عید از هیچ کاری که در سایر روزهای هفته باید فعالانه انجام شود رد نشود و بدین ترتیب ذهن از مراقبت و مطالعه امور الهی منحرف شود.

XXI کارهایی که مخصوصاً در روزهای تعطیل ممنوع است.

سپس قسمت سوم دستور باید توضیح داده شود، که به شیوه ای خاص نحوه عبادت روز سبت را توصیف می کند. مخصوصاً توضیح می دهد که در آن روز چه کارهایی از ما منع شده است. از این رو خداوند می‌گوید: «تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و چهارپایانت و غریبی که در دروازه‌ات است، تمام کارهایی را که در آن است انجام نده.» در چه کلماتی که اول

به ما دستور داده شده است که مطلقاً از هر چیزی که مانع عبادت الهی می شود اجتناب کنیم. زیرا به راحتی می توان دریافت که هر نوع کار بندگی حرام است، نه به این دلیل که ذاتاً شرم آور است یا شر، بلکه به این دلیل که ذهن ما را از عبادت الهی که غایت امر است منحرف می کند. چه بسیار بیشتر از گناهانی که مومنان باید از آنها دوری کنند، که نه تنها ذهن را از تعقیب چیزهای الهی منحرف می کند، بلکه ما را کاملاً از عشق به خدا جدا می کند. 22 فعال خارجی، n oqnu a ei n taedr d iDceuin t ucru.l سپس به آنها اشاره می شود، sab-

با این حال، آن اعمال و آن کارها ممنوع نیست، که به• tdeimvpilnau m a lciuclutiuums faetsttiin e ndti,e i e و از این رو توسط خداوند گفته !, tciaaumssai osrenravrilei,a esti n tr;e l iuqtu aa l thaurieu si n gsternueerries

شد (مت 12:5) که کاهنان در معبد باید سبت را زیر پا بگذارند و بدون جرم باشند.

23 برخی از etifames t isse r vciolnicae d uonpteurra.  به اقتضای روزها

اما نباید تصور کرد که آثار آن چیزها در صورتی که در روز جشنواره از قبل خاتمه داده شده باشد، در این قانون منع شده است. همانطور که در شرایع مقدس مجاز بود. بسیاری از کارهای دیگر که خداوند در انجیل می تواند در روزهای عید انجام دهد

## 24 چرا خداوند خواست که گاوها استراحت کنند؟

اما برای اینکه چیزی از قلم نیفتد که با عمل آن مانع این عبادت روز سبت شود. بر اساس گونه‌های جانوری که انسان‌ها تقسیم می‌شوند، روز سبت را کمتر می‌پرستند. زیرا اگر در روز سبت استفاده از چهارپایان برای کاری باشد، کار انسان نیز برای آن امر لازم است.

اسمیدن ت هوم من ناگماہت ; q iutia q iulelu d s omloulmi t upre,r a sdei u voaptu.s Efoac انجام کار میئیون جایز است، بنابراین نه از حیوانات، که - ,e raeu t enmo n d pioet e sntc زحمات آنها توسط مردان استفاده می شود. و بنابراین قانون این حکم به این واقعیت نیز مربوط می شود که اگر خدا بخواهد که انسان ها را از زحمات چهارپایان بگذراند، قطعاً باید بیش از پیش مراقب باشند که نسبت به کسانی که از کار و نیرویشان استفاده می کنند غیر انسانی نباشند.

## 25 مخصوصاً به چه کسانی در روزهای اعیاد مسیحی

در واقع، کشیش نیز نباید از آن غافل شود تا با پشتکار تعلیم دهد که مردان مسیحی باید در روزهای اعیاد در چه کارها و فعالیت هایی فعالیت کنند. اما آن‌ها به گونه‌ای هستند که به معبد خدا نزدیک می‌شویم و در آن مکان، با توجه خالصانه و پرهیزگارانه روح، به قربانی شدن توده‌ای مقدس می‌پردازیم.

بیایید از مقدسات الهی کلیسا که برای رستگاری ما نهادینه شده است، برای التیام زخم های روح استفاده کنیم. در واقع، هیچ کاری نمی‌تواند به مصلحت‌تر یا بهتر از این که مردان مسیحی به گناهان خود نزد کاهنان اعتراف کنند، انجام دهند. تا آنچه را که کشیش قادر خواهد بود با توجه به دلیل این امر ثابت شده و فراوانی آنچه که در مورد مقدس توبه رسیده است، نصیحت کند، انجام دهد. او نه تنها مردم را به این مراسم مقدس برانگیخت، بلکه آنها را بارها و بارها به آن توصیه خواهد کرد تا مکرراً به راز مقدس عشای ربانی پی ببرند. علاوه بر این، مؤمنان باید با دقت و پشتکار به خطبه مقدس گوش فرا دهند. زیرا هیچ چیز کمتر قابل تحمل نیست و قطعاً آنقدر نالایق نیست که سخنان مسیح را تحقیر یا نادیده بگیرد. همچنین، تمرین و مطالعه مؤمنان در نماز و حمد و ثنای الهی باید فراوان باشد; و اهتمام اصلی آنها این است که چیزهایی را که مربوط به شکل گیری زندگی مسیحی است با جدیت بیاموزند و در آن مناصبی که حاوی تقوا است، با صدقه دادن به فقرا و نیازمندان، با عیادت از بیماران، با عزاداری، و با تقوا دلجویی از دردمندان، کوشا باشند. زیرا همانطور که در سنت جیمز (یعقوب 1: 27) آمده است، "دین پاک و بی عیب در برابر خدا و پدر این است: دیدار یتیمان و زنان بیوه در مصیبت آنها." از آنچه گفته شد، به راحتی می توان آنچه را که بر خلاف حکم این حکم انجام می شود، جمع آوری کرد.

26 چرا لازم بود روزهای خاصی برای عبادت الهی در نظر گرفته شود؟

ولي وظيفه كشيش نيز بايد در اين باشد كه عبارات معيني را در اختيار داشته باشد كه از آنها دلايل و دلايل مي گيرد و به وسيله آن مي توان مردم را بيشتر متقاعد كرد تا با كمال دقت و دقت قانون اين حكم را رعايت كند. برای این امر بسیار مهم است که مردم بفهمند و به وضوح ببینند که چقدر عادلانه و مطابق با عقل است که ما روزهای معینی داشته باشیم که در آن همه را وقف عبادت الهی کنیم و پروردگارمان را که از او بهره‌های فراوان و بی‌شماری نصیب ما شده است، تصدیق و عبادت و ستایش کنیم. زیرا اگر به ما دستور می داد که هر روز او را عبادت کنیم، آیا برای احسان او به ما که بسیار و بی نهایت است، تلاش نمی کرد تا آماده و مشتاق شنیدن سخنان او باشیم؟ اما اکنون در چند روزی که برای عبادت او تعیین شده است، دلیلی ندارد که در انجام منصب او سهل انگاری و مشکل کنیم که بدون عیب بزرگ نمی توانیم از آن صرف نظر کنیم.

 بگذارید این امتیاز به کسانی برگردد که با پشتکار از این دستور پیروی کرده اند.

سپس کشیش اشاره می‌کند که قدرت این دستور چقدر زیاد است، وقتی کسانی که آن را به درستی رعایت می‌کنند در محضر خدا هستند و با او گفتگو می‌کنند. زیرا حتی با اقامه نماز نیز در عظمت خداوند تأمل می کنیم و با او گفتگو می کنیم و با شنیدن سخنان واعظان صدای خدا را دریافت می کنیم که از کارهای کسانی که با تقوا و تقدس در مورد امور الهی تبلیغ می کنند به گوش ما می رسد. سپس مسیح، خداوندی را که در قربانی قربانگاه حاضر است، می پرستیم. و به راستی کسانی که این دستور را رعایت می کنند، بیشترین بهره را از این کالاها می برند.

28 در مورد کسانی که این قانون را کاملاً نادیده گرفته اند چه فکری باید کرد؟

اما کسانی که کاملاً از این قانون غفلت می کنند، کسانی که از خدا و کلیسا اطاعت نمی کنند و به دستورات آن گوش نمی دهند، دشمنان خدا و قوانین مقدس هستند. که از این رو می توان دریافت که این حکم به گونه ای است که بدون هیچ تلاشی می توان آن را حفظ کرد. زیرا از آنجایی که خداوند کارهایی را که حتی سخت‌ترین کارهایی را که باید به خاطر او انجام دهیم بر ما تحمیل نمی‌کند، بلکه به ما دستور می‌دهد که در آن روزهای مقدس ساکت باشیم، فارغ از نگرانی‌های زمینی: رد کردن شریعت این حکم نشان از عجله‌ای بسیار است. همانطور که از کتاب اعداد (15:35) می توانیم بفهمیم، نمونه ما باید مجازات هایی باشد که خداوند از کسانی که آن را نقض کردند، گرفت. برای اینکه گرفتار این اهانت خداوند نشویم، شایسته است که کلمه «یادکن» را غالباً در فکر تکرار کنیم و آن فواید و امتیازات بزرگی را که باید از عبادت ایام عید دریافت کنیم، چنانکه در بالا گفته شد، در پیش چشم خود قرار دهیم. و خیلی چیزهای دیگر در این زمینه که یک کشیش خوب و کوشا، بنابر مناسبت، می تواند به وفور و به طور گسترده دنبال کند.

## فصل پنجم

### از فرمان چهارم.

پدر و مادرت را گرامی بدار تا در زمینی که یهوه خدایت به تو خواهد داد، دراز زندگی کنی.

### /. هدف از این فرمان چیست؟ e t چگونه با برتر

از آنجایی که در احکام پیشین بیشترین قوت و عزت وجود دارد، احکامی که اکنون دنبال می‌کنیم، چون ضروری‌ترین هستند، جایگاه بعدی را به خود اختصاص می‌دهند. زیرا دائماً به پایان که خداست می نگرند. اینها به ما می آموزند که حتی همسایه خود را دوست داشته باشیم

پیشروی بیشتر به سمت Dcum، یعنی آن هدف، که به لطف آن ما خود همسایه خود را دوست داریم، آنها ما را هدایت می کنند. بنابراین مسیح خداوند گفت که آن دو دستور در مورد محبت به خدا و همسایه شبیه یکدیگر هستند. اما به سختی می توان گفت که این مکان چقدر فواید دارد، زیرا ثمرات خود را نیز به همراه دارد، در واقع غنی و عالی، و مانند نشانه ای است که اطاعت و عبادت اولین فرمان از آن می درخشد. یوحنای الهی می گوید: «کسی که دوست ندارد، چگونه برادر خود را که او را می بیند دوست دارد: خدا را که او را نمی بیند؟» به همین ترتیب، اگر پدر و مادر خود را که باید به حکم خدا دوستشان داشته باشیم، احترام نکنیم و آنها را پرستش نکنیم، زیرا آنها تقریباً همیشه در نظر ما هستند: به خدای متعال و بهترین پدر و مادری که تحت هیچ جنبه ای قرار نمی گیرد، چه حرمتی داریم، چه عبادتی را انجام دهیم؟ که از آن معلوم می شود که هر دو حکم با یکدیگر موافقند. II. چقدر این حکم گسترده است و چقدر پدر و مادر از این دستور کمک می کنند.

اکنون کاربرد این حکم بسیار گسترده است; زیرا غیر از کسانی که ما را به دنیا آورده اند، بسیار بیشتری هستند که ما باید آنها را به جای پدر و مادرمان پرستش کنیم، یا به نام قدرت، یا عزت، یا به سود، یا به نام یک مقام و مقام عالی. علاوه بر این، کار والدین و پدربزرگ ها و مادربزرگ ها را تسکین می دهد. زیرا آنها قبل از هر چیز مراقب هستند که کسانی که در اختیار دارند، به درستی و مطابق با شریعت الهی زندگی کنند: این مراقبت بسیار آسان خواهد بود، اگر همه بفهمند که بالاترین احترام را باید خداوند به عنوان نویسنده و ناظر به والدین داد. که برای انجام آن باید تفاوت خاصی بین احکام جدول اول و دوم دانست.

## III. از احکام شریعت در مورد چرایی نادیده گرفتن آن

بنابراین این موارد باید ابتدا توسط کشیش توضیح داده شود. و این در وهله اول به ما یادآوری می کند که احکام الهی دکالوگ در دو لوح حک شده بود. در مورد دوم، همانطور که از پدران مقدس دریافت کردیم، آن سه مورد وجود داشت که قبلاً بیان شد، در حالی که بقیه در لوح دوم گنجانده شد. و این توصیف به ما داده شد تا خود دستور ماهیت معلمان را متمایز کند. زیرا هر چه شریعت الهی در حروف مقدس امر یا نهی کرده باشد، آن دو نوع از دیگری ناشی می شود. زیرا صدقه، چه نسبت به خدا و چه نسبت به انسان، در هر تکلیفی است. و به راستی که عشق به خدا با سه دستور عالی تعلیم داده می شود. اما آنچه مربوط به اتحاد و اجتماع انسانهاست در هفت دستور دیگر موجود است. کجا-

') مت. 22، 39. مارک. 12، 31. الف) I. lo. 4، 20

بی دلیل نیست که چنین تمایزی صورت گرفته است که برخی از احکام به اولی و برخی دیگر به جدول دوم ارجاع داده شده است.

cIaVr.i t aQsu o er mgao d op r ocxariimtuasmu t er racgqeaut ee r Di edsi uf mfce orn ettnirtinibaeu.as t u prr,i m eits q puraee c espitti s i,n t eert

زیرا در سه دستور پیشین که گفته شد، گویا موضوعی که آنها به آن می پردازند، خداست که بالاترین خیر است، اما برای بقیه خیر همسایه. به آنها بالاترین، دو برابر نزدیکترین عشق پیشنهاد می شود. دومی به غایت اشاره دارد و دومی به چیزهایی که اشاره به غایت دارد. علاوه بر این، صدقه خداوند به او بستگی دارد; زیرا خدا فی نفسه، و نه به خاطر چیز دیگری، دوست داشتنی ترین است. اما انفاق همسایه منشأ صدقه خداوند است و باید به سوی آن معطوف به حکم خاصی باشد. زیرا اگر پدر و مادر عزیزی داریم، اگر با ارباب مساوی هستیم، اگر به پیشینیان خود با وقار احترام می گذاریم: این کاری است که ما باید بیش از هر چیز انجام دهیم، زیرا خدا زاده آنهاست و اراده کرده است که بر دیگران ریاست کنند، کارهایی که بر دیگران حاکم است و از آنها محافظت می کند. که از آنجایی که این اختیار ماست که به چنین اشخاصی احترام بگذاریم، بنابراین باید این کار را انجام دهیم، زیرا آنها شایسته این احترام از جانب خداوند هستند. از این رو، به نظر می‌رسد که احترامی که ما به والدین خود داریم، بیشتر از آن که به مردان اختصاص داشته باشد، از آن خداست. زیرا در قدیس متی، وقتی از احترام به مافوق بحث می شود، چنین است: "کسی که شما را می پذیرد، مرا پذیرفته است." و رسول در رساله به " mEipnhiess i ocsa2r)na, l i bsuesr v ocsu m i n sttiimtoureen s :et tSreermvoir,e", iinn q usiitmp,l i c"iotbaetdei t eco r ddios- شما را به عنوان خدمتگزاران مسیحی، نه به عنوان خدمتگزاران، بلکه به عنوان چشمان مسیحیان. از مسیح."

5- چگونه صدقه خداوند حد ندارد، اما صدقه همسایه محدود به حدود است.

افزوده می شود که نزد خداوند هیچ عزت و تقوا و هیچ عبادتی شایسته نیست که محبت به او بی نهایت زیاد شود و لذا لازم است که صدقه ما نسبت به او روز به روز شعله ورتر شود. که به فرمان او 3) باید با تمام وجود، با تمام جان و با تمام قدرت دوستش داشته باشیم. اما صدقه ای که با آن همسایه خود را در آغوش می گیریم محدود به حدود آن است. زیرا خداوند به ما دستور می دهد که همسایگان خود را مانند خود دوست بداریم. اما اگر کسی از این مرزها فراتر رفته باشد تا به خدا و به همسایگان خود محبتی یکسان داشته باشد: او بزرگترین جنایت را می پذیرد، "اگر کسی نزد من بیاید"، دومینوس6، "و از پدر، و مادر، و همسر، و فرزندان، و برادران و خواهران خود متنفر نیست، اما با این حال از روح خود، نمی تواند شاگرد من باشد." در کدام جمله هم گفته شد *) مائث). M

a2t2., 3170., 4 »0) . L u c«.) E1p4h,. 2 66. 6. 6. I. پت. S, 18. s) 6 .تثنیه،

.5 لوقا 10، *7.

is 1): "بدون اینکه مردگان مردگان خود را دفن کنند"، زمانی که
مردی ابتدا می خواست پدرش را دفن کند و سپس از مسیح پیروی کند. توضیح آن در قدیس متی 2 واضحتر است: «کسی که پدر یا مادر را بیشتر از من دوست دارد، لایق من نیست». 6. چگونه می توان آنها را فرعی کرد.

و با این حال شکی نیست که والدین باید شدیدا مورد محبت و احترام قرار گیرند. ولی برای تقوا اولاً لازم است که اکرام و عبادت را برای خداوندی که پدر و مادر و سازنده همه چیز است، داد. و لذا محبت به پدر و مادر فانی، به طوری که تمام نیروی محبت به پدر آسمانی و ابدی ارجاع داده شود. و اگر گاه دستورات پدر و مادر مخالف اوامر خداوند است: شکی نیست که فرزندان با یاد آن جمله الهی، خواست خدا را بر میل والدین ترجیح دهند3: «ما اطاعت الله له الا الرجال». VII. چه در این preceptdie n osteentt. صدای تکریم درست موجودات

پس از توضیح این موارد، کشیش کلمات حکم را تفسیر می کند و اولی را "تکریم" به معنای آن است. زیرا این است که نسبت به کسی احساس عزت داشته باشیم و هر آنچه را که متعلق به اوست مهمتر بدانیم. و همه اینها به این افتخار ملحق شده است: محبت، حرمت، اطاعت و عبادت. اما بدانید که کلمه عزت در شریعت آمده است، نه محبت یا ترس، حتی اگر پدر و مادر بسیار مورد محبت و ترس قرار گیرند. زیرا کسی که عشق می ورزد همیشه رعایت نمی کند و احترام نمی گذارد، کسی که می ترسد همیشه عشق نمی ورزد. هنگامی که کشیش این موارد را توضیح داد، سپس در مورد پدران و برادرانی که به این نام خوانده می شوند صحبت خواهد کرد.

## هشتم. در اینجا منظور از نام پدر چیست؟

زیرا اگرچه شریعت عمدتاً در مورد آن پدرانی صحبت می کند که ما از آنها زاده شده ایم، اما این نام به دیگران نیز مربوط می شود که به نظر می رسد شریعت نیز شامل آنها می شود. همانطور که ما به راحتی از چندین آیه از کتاب مقدس جمع آوری می کنیم. غیر از آنان که ما را به دنیا آورده اند، در حروف مقدس (که قبلاً به آنها اشاره کردیم) انواع دیگری از پدران نیز وجود دارد که هر یک از آنها افتخار اوست. و اول از همه، رؤسا و کشیشان کلیسا را «پدر» می نامند; همانطور که از رسول که به قرنتیان 4 نوشت: "من این چیزها را نمی نویسم تا شما را گیج کنم، بلکه برای هشدار دادن به عزیزترین فرزندانم می نویسم. زیرا اگر ده هزار معلم در مسیح دارید، اما پدران زیادی ندارید، زیرا در مسیح عیسی از طریق انجیل به شما تعلیم می دهم.

•) مت. 8، 22. لوقا 9، 60. «) مت. 10، 37. «) اعمال رسولان. 5، 29. ) 5 قرن. 4، 14

و در کلیسای 1) نوشته شده است: "بیایید مردان باشکوه و والدین خود را در نسل آنها ستایش کنیم." سپس به کسانی که حکومت، یا قضات، یا قدرت، که حکومت جمهوری را اداره می کنند، سپرده می شود، «پدر» نامیده می شوند. پس نعمان2) توسط بندگان «پدر» خوانده شد. علاوه بر این، ما می گوییم «پدران» کسانی که به سرپرستی، ایمان، صداقت، و خرد دیگران ستایش می کنند. از این نوع مربیان و سرپرستان، مربیان و معلمان هستند. چرا الیاس و الیشع پسران پیامبران 3) او را « پدر» خطاب کردند. در نهایت، از «پدران» 4) منظور پیر و فرسوده در سنین بالا است که باید از آنها نیز ترسید. و این باید مهمترین چیز در دستورات کشیش باشد که باید بیاموزد که پدران هر یک باید خویشاوند باشند و مخصوصاً آنهایی که از آنها متولد شدهایم که آنها را که شریعت الهی مخصوصاً از آنها صحبت میکند، گرامی بداریم.

9 چرا فرزندان مسیحیان مطابق جسم باید بزرگترین افتخار را به والدین خود بدهند؟

زیرا آنها مانند تصاویر خدای فناناپذیر هستند و ما تصویر تولد خود را در آنها می بینیم. از آنها زندگی به ما داده شد. خدا از آنها استفاده کرد تا روح و ذهن را به ما منتقل کند. توسط آنها ما را به مقدسات، به دین، به فرهنگ انسانی و مدنی و یکپارچگی و قداست آداب سوق دادند. کشیش به ما بیاموزد که در این دستور به درستی با نام «مادر» بیان شده است، تا ما فواید و شایستگی های او را نسبت به خود در نظر بگیریم، با چه مراقبت و دغدغه ای ما را در رحم به دنیا آورد، با چه زحمات و دردهایی که به دنیا آورد و ما را تربیت کرد.

10. با این دلایل باید آبروی والدین نفسانی را تحت تأثیر قرار داد.

علاوه بر این، والدین باید به گونه ای مورد توجه قرار گیرند که به نظر می رسد افتخاری که به آنها می دهیم ناشی از عشق و احساس درونی روح باشد. ما بیش از همه این وظیفه را مدیون آنها هستیم، زیرا آنها آنقدر به ما وابسته هستند که از هیچ کار، هیچ نزاع، هیچ خطری به خاطر ما دوری نمی کنند و هیچ اتفاقی برای آنها خوشایندتر از این نیست که احساس کنند برای فرزندان خود عزیز هستند که آنها را بیشتر دوست دارند.

یوسف 5) هنگامی که در مصر از نظر بزرگی و بزرگی در کنار پادشاه بود، پدرش را که به مصر آمده بود با افتخار پذیرفت و سالومون 6) نزد مادرش که از راه رسیده بود برخاست و او را در دست راست شاه بزرگوار بر تخت نشاند. علاوه بر این، وظایف شرافتی دیگری نیز وجود دارد که باید بر عهده والدین گذاشته شود. زیرا هنگامی که از خدا التماس می کنیم که همه چیز به خوبی و خوشی برای آنها اتفاق بیفتد، ما نیز به آنها احترام می گذاریم. تا در نزد مردم در بزرگ ترین لطف و افتخار قرار گیرند. تا خودشان به خدا و مقدسینی که در بهشت هستند ستایش شوند. همچنین پدر و مادر

IV. Reg. 5، 13 (الف 1، 44. منشی •) (« IV. Reg. 2، 12. 14 ،13 و ." ) f 2. ماخ، C5.
لو 19، 32. ساپ. 2، 10. 5) ژنرال 46، 29. ه) III. مقررات 2، 19. تعلیم، 20

خلاصه ترید

ما آنها را با ارائه دلایل خود به صلاحدید و اراده آنها ارج می نهیم.
سلیمان، مشاور گفت: پسرم، تربیت پدرت را بشنو، و شریعت مادرت را رها مکن تا بر سرت لطف و بر گردنت عذاب بیفزاید.
تشویق های D. Paul* نیز چنین است: "بچه ها، پدر و مادر خود را در خداوند اطاعت کنید، زیرا این عادلانه است." مورد 3). «بچه ها، پدر و مادر خود را در همه چیز اطاعت کنید، زیرا این در خداوند پسندیده است.» و مصداق اقدس رجال مؤید آن است. در واقع اسحاق4) هنگامی که پدرش مجبور به قربانی شد، متواضعانه و بدون مخالفت به دنیا آورد، و رخابیان5) که مبادا با نصیحت پدرشان مخالفت کنند، برای همیشه از شراب پرهیز کردند. همین طور ما پدر و مادر خود را با تقلید از کردار و آداب صحیح آنها تکریم می کنیم. زیرا به نظر می رسد ما به کسانی که می خواهیم تا حد امکان شبیه آنها باشیم، هزینه زیادی می دهیم. به همین ترتیب، ما به والدین خود احترام می گذاریم، که ما نه تنها به دنبال توصیه های آنها هستیم، بلکه از آنها پیروی می کنیم.

## XI. چگونه باید به والدین نیازمند و به ویژه در خطر مرگ کمک کرد؟

همچنین، ما به آنها کمک می کنیم تا چیزهایی را که مایل به رزق و روزی و فرهنگ هستند، به آنها بدهیم. که با شهادت مسیح، که بی تقوای فریسیان را سرزنش کرد، تأیید شد: «چرا شما نیز به دلیل سنت خود از فرمان خدا تجاوز می کنید؟ زیرا خدا فرمود: پدر و مادر خود را گرامی بدارید، و هر که پدر یا مادر خود را لعن کند، کشته شود. اما شما می گویید: هر که به پدر یا مادرش بگوید، هر که به پدر یا مادرش بگوید، هر چه به پدر یا مادرش بگوید، هر چه به شما خدمت کند، به نفع شماست. آن را باطل کرده اند.» لعنت خدا به خاطر سنت تو.» و ما باید همیشه تکلیف و احترام را به پدر و مادر بدهیم، مخصوصاً در مواقعی که آنها به طور خطرناکی بیمار می شوند، زیرا باید تلاش کرد که از چیزی عبور نکنند، چه در مورد اعتراف به گناهان و چه در مورد بقیه اعترافات که باید توسط مردان مسیحی درک شود، وقتی مرگ نزدیک می شود، و این باید باعث تشویش و عیادت آنها شود. به امید جاودانگی، پند و اندرز بده، تا وقتی که ذهنشان را از چیزهای انسانی بیدار کردند، تمام خود را بر خدا بسپارند، این گونه خواهد بود که با محافظت از پربرکت ترین گروه ایمان، امید و صدقه، و حفاظت از دین، نه تنها از مرگ نمی ترسند، بلکه در صورت لزوم، دسترسی ابدی را نیز در نظر می گیرند.

•) Ma»t). P r1o5, v. 3. 1,s e 8q.. 9. •) 4 .20 ,3 سرهنگ ( « .1 ,6 .اف) Gen. 22, 9. s) Jer. 35, 5

## چگونه باید به پدر و مادر مرده خود احترام بگذاریم؟

در نهایت، حتی به پدر و مادر مرده هم احترام می‌شود، اگر برای آنها تشییع جنازه کنیم، اگر تشییع جنازه را گرامی بداریم، اگر آبروی دفن کنیم. اگر به فداکاری های عادلانه و سالانه رسیدگی کنیم، اگر وصیت شده آنها را مجدانه بپردازیم.

سیزدهم به موجب آن قرارداد، اسقف ها و کشیشان باید تجلیل شوند.

و نه تنها کسانی که از آنها متولد شده‌ایم، بلکه دیگرانی که پدر خوانده می‌شوند، به عنوان اسقف و کشیش، به عنوان پادشاه، به عنوان شاهزاده، به عنوان قاضی، به عنوان معلم، به عنوان متصدی، به عنوان معلم، به عنوان معلم، به عنوان بزرگان، و مانند آن باید مورد احترام قرار گیرد. زیرا آنها شایسته هستند که ثمرات صدقه، اطاعت و کمک ما را دریافت کنند. اما یکی بیشتر از دیگری درباره اسقف‌ها و دیگر کشیشان چنین نوشته شده است: "کسانی که به خوبی بر کاهنان ریاست می‌کنند، شایسته احترام مضاعف تلقی شوند، به‌ویژه کسانی که در کلام و تعالیم زحمت کشیده‌اند." به راستی که غلاطیان برهان محبت رسول را چه بسیار کردند! به او که آن شهادت عالی خیرخواهی را می دهد 2: "به تو شهادت نمی دهم، زیرا اگر ممکن بود چشمانت را بیرون می آوردی و به من می دادی."

## چهاردهم چگونه باید مایحتاج زندگی کشیش ها را تامین کنند؟

علاوه بر این، کاهنان باید دارای چیزهایی باشند که برای استفاده از زندگی لازم است. چرا رسول 3): "چه کسی با مزد خود می جنگد؟" و در جامعه 4 نوشته شده است: "کاهنان را گرامی بدارید و خود را با بازوهای خود پاک کنید و از اولین میوه ها و پاکیزه شدن به آنها سهمی بدهید، همانطور که به شما دستور داده شده است."

رسول تعلیم می دهد که ما نیز باید از آنها اطاعت کنیم: او می گوید: « از مافوق خود اطاعت کنید و تسلیم آنها باشید؛ زیرا آنها خودشان نظاره گر هستند، گویی می خواهند برای جان شما حساب باز کنند.» بلکه به دستور مسیح خداوند است که حتی از شبانان ستمکار هم اطاعت کنیم، وقتی می فرماید: «کاتبان و فریسیان بر مسند موسی نشستند، پس هر چه به شما می گویند رعایت کنید و انجام دهید، اما به اعمال ایشان عمل نکنید، زیرا می گویند و انجام نمی دهند». 15 نشان داده می شود که افتخار به مقامات سیاسی داده می شود.

همین را باید در مورد پادشاهان، شاهزادگان، قاضیان و بقیه که ما تابع اختیارات آنها هستیم، گفت. در واقع، رسول به روم 7) به طور مفصل توضیح می دهد که باید برای آنها نوعی تکریم، عبادت و احترام قائل شد. برای آنها نیز توصیه به دعا می کند8). و پطرس الهی 9) می فرماید: «موضع باش».

1 تیم 5، 17. ») Gal. 4، 15 ») اول کور. 9، 7. *) اکلوس. 7، 33. «) عبری. 13، 17. •)
J Rom. O. 13. Tit. 3، 1. ») I. Xim. 2، 2. ») I. Pet. 2، 13' .3 ،23 ریاضی.

ت) بسیاری از موجودات بشری به خاطر خدا. چه به یک پادشاه، گویی برای یک فرد برجسته، یا به رهبران، که گویی توسط او فرستاده شده است.

16 چرا ما باید حتی از مقامات سیاسی نادرست اطاعت کنیم و چه زمانی نباید از آنها اطاعت کنیم؟
زیرا ما به ناپاکی یا شرارت انسانها احترام نخواهیم گذاشت، در صورتی که قاضیان چنین باشند، بلکه به قدرت الهی که در آنهاست، احترام نخواهیم گذاشت، به طوری که ممکن است بسیار تعجب آور به نظر برسد، اگرچه آنها با روحی دشمن و تهاجمی، هرچند شکننده، با ما هستند، اما دلیلی وجود ندارد که به اندازه کافی شایسته از آنها اطاعت نکنیم. زیرا داوود نیز در قبال شائول مسئولیتهای بزرگی بر عهده داشت، اگرچه او همچنان نسبت به او توهین آمیزتر بود. که به آن کلمات اشاره می کند: " من با کسانی که از صلح متنفرند صلح طلب بودم." اما واقعاً اگر به چیزی به ناحق دستور دهند، اگر به ناحق امر کنند، در حالی که این کار را نه از روی قدرت، بلکه از روی بی عدالتی و انحراف فکری انجام می دهند، اصلاً شنیده نمی شود. 17 که پاداش اطاعت از والدین از جانب خداست

هدف
زیرا در او بزرگترین میوه این است که عمر طولانی داشته باشند. زیرا آنها لایق هستند که تا آنجا که ممکن است از لطفی برخوردار شوند که خاطره آن را برای همیشه حفظ می کنند. پس کسانی که پدر و مادر خود را می پرستند، به آنان که از آنها به نور و زندگی علاقه دارند، فیض کنند: به حق و شایستگی زندگی را تا پیری به پایان می رسانند. سپس باید شرح معروف قول الهی را اضافه کرد; زیرا نه تنها زندگی ابدی و پر برکت وعده داده شده است، بلکه این زندگی که ما بر روی زمین زندگی می کنیم نیز وعده داده شده است. دی. پاولوس جملهاش را تفسیر میکند، وقتی میگوید: «خداپرستی برای همه چیز مفید است، و وعدهای زندگی کنونی و آیندهای را دارد».
18 وعده زندگی طولانی در اینجا ارزش دارد.
در واقع، این پاداش نه اندک است و نه قابل تحقیر، حتی اگر برای مقدس ترین انسانها، مانند ایوب، داوود، و پولس، مرگ پسندیده باشد، و گسترش زندگی برای مردان رنجور و بدبخت ناخوشایند باشد. برای افزودن این کلمات: «آنچه پروردگارت به تو می دهد، نه تنها مدت طولانی برای زندگی، بلکه فراغت، استراحت، امنیت برای زندگی خوب.

>) I. Reg. 17، 25. 7 ،119 .ص. «) I. 23 ،1 .فیل. 5 ،119 .ص. 1 ،10 شغل (3 .8 ،4 .تیم'

برای فروش، او قول می دهد. نارا در سفر تثنیه ^) نه تنها می گوید: "تا مدت زیادی زنده بمانید"، بلکه اضافه می کند: "تا شما را خوب کنید" که سپس توسط رسول 2 تکرار شد). 19 به این ترتیب، کسانی که به والدین خود احترام می گذارند، حتی اگر زود بمیرند، ممکن است پاداش این فرمان را دریافت کنند.

اما ما می گوییم این کالاها در دسترس آنهاست که خداوند فضلشان را به تقوای آنها برمی گرداند. زیرا وفای و استمرار وعده خدا چنین نخواهد بود، زیرا گاهی اوقات کسانی که نسبت به پدر و مادر خود تقوای بیشتری داشته اند عمر کوتاه تری دارند. به راستی که این اتفاق برای آنها رخ می دهد، یا به آنها توصیه می شود که قبل از اینکه از وظیفه فضیلت در دین خارج شوند، زندگی را ترک می کنند. زیرا آنها ربوده شده اند، 3) مبادا کینه توزی درکشان را تغییر دهد، یا تخیل روحشان را فریب دهد، یا چون در حال ظهور ویرانی و آشفتگی همه چیز است، آنها را از بدن خود فرا می خوانند تا از تلخی روزگار بگریزند. پیغمبر می فرماید: «از وجه الفساد» صالحان محشور می شوند. این کار انجام می شود، تا مبادا فضیلت و امنیت آنها به خطر بیفتد، هنگامی که خداوند مجازات شرارت را از انسان ها پس می گیرد، یا در غم انگیزترین زمان ها از مصیبت های خویشاوندان و دوستان خود، تلخ ترین اندوه را احساس می کنند. از این رو باید بیشتر ترسید که مرگ زودرس نصیب مردان خوب شود.

20 کسانی که از این حکم تخطی می کنند مشمول این مجازات می شوند.

و همان گونه که شکرگزار والدین از جانب خداوند پاداش و ثمره تکلیف خود را تقدیم می کند، فرزندان ناسپاس و فاسق نیز برای سخت ترین مجازات ها در نظر گرفته شده اند. زیرا مکتوب است (6) هر که پدر یا مادر خود را دشنام دهد باید کشته شود. و 6): «کسی که پدرش را آزار دهد و مادرش را بگریزد، خوار و بدبخت است». و 7): «هر کس پدر یا مادر خود را نفرین کند، چراغ او در تاریکی خاموش شود». و 8): «چشمی که پدر را دشنام می دهد و ولادت مادر را خوار می کند، زاغ ها او را از جویبارها بیرون بیاورند و فرزندان عقاب او را بخورند». می خوانیم که بسیارند کسانی که به پدر و مادر خود ستم کردند که خشم انتقام خداوند در آنها برافروخته شد. زیرا او داوود را بی‌آسیب نگذاشت، بلکه ابشالوم 9 را مجازات کرد.

در مورد کسانی که از کاهنان اطاعت نمی کنند، نوشته شده است 10: «کسی که مغرور است و از اطاعت فرمان کاهنی که در آن زمان خداوند خدای شما را خدمت می کند، سر باز می زند، آن شخص به حکم قاضی خواهد مرد.»

ل) تثنیه 5، 16 «) افس. 6، 3. ') خرد. 4، 11. ") 7 (Is. 57, 1. 5) Ex. 21, 17. ") P rov 19, 26.
دوم 17، 12 "<) دوم پادشاهان 18، 14 (" Prov. 30، 17. «) Prov. 20، 20.

XXI با این دلایل مهمتر از همه، والدین می توانند خود را لایق آن افتخار مقرر الهی قرار دهند.

و همان گونه که شریعت الهی مقرر کرده است که فرزندان به پدر و مادر خود احترام بگذارند، از آنها مراقبت کنند و از آنها اطاعت کنند. که خواندیم توسط والدین سوزانا انجام شده است. و بنابراین اجازه دهید کشیش به والدین یادآوری کند که خود را به عنوان معلمان رایگان فضیلت، انصاف، خویشتن داری، فروتنی و قدوسیت فراهم کنند. و سه چیز مهمتر از همه، که معمولاً در آنها معمولاً توهین می‌کنند: اول اینکه درباره فرزندان خود نه سخنی تلخ‌تر می‌گویند و نه چیز تلخ‌تری را بیان می‌کنند، که رسول در رساله به کولسیان چنین می‌فرماید: «ای پدران، فرزندان خود را به خشم نکشید، مبادا کوچک‌اندیش شوند.» زیرا خطری وجود دارد که مبادا شکسته شوند و از نظر روحی رانده شوند، در حالی که از همه چیز می ترسند. چرا باید دستور دهد که از شدت زیاد دوری کنند و به جای انتقام، اصلاح فرزندان را ترجیح دهند؟

22 به این ترتیب والدین نباید نسبت به فرزندان خود کوتاهی کنند، و همچنین نباید آنقدر سخت کوشند که دارایی زیادی برای آنها باقی بگذارند.

سپس اگر عیب و تقصیری شده باشد، در صورتی که عذاب و سرزنش لازم باشد، مبادا با اغماض چیزی را به فرزندان خود ببخشند. زیرا فرزندان والدینشان غالباً به دلیل ملایمت و سهولت زیاد فاسد می شوند. از این رو، نمونه هلی کاهن اعظم را از زیاده خواهی باز داشت، که چون در کتابها زیاده روی می کرد، بیشترین مجازات را متاثر می کرد. در نهایت، مبادا که در تعلیم و تربیت فرزندان، که منفورترین چیز است، نقشه‌های مضحک وارد آن شود. در واقع، بسیاری درگیر همین فکر و دغدغه هستند که مال، پول، و ارثی پاک و فراوان برای فرزندان خود به جا بگذارند. آنان را نه به دین، نه به تقوا، نه به تربیت هنرهای نیکو، بلکه به بخل و افزایش تجارت خانوادگی تشویق می کنند و نگران آبرو و امنیت فرزندان خود نیستند، به شرط آنکه ثروتمند و برخوردار باشند. چه چیزی را می توان گفت و یا تفکر اساسی تر؟ بنابراین اتفاق می‌افتد که آنها نه به اندازه جنایات و جنایات خودشان، نیروی چیزها را به آنها منتقل می‌کنند. که در نهایت خود را به عنوان رهبر نه به بهشت، بلکه به مجازات های ابدی جهان زیرین تقدیم می کنند. پس کاهنان بهترین احکام را به پدر و مادر بیاموزند و آنها را به الگوي توبیاس 4) و فضیلتهاي مشابه برانگیزانند تا چون فرزندان خود را به درستي در پرستش خدا و قداست تربیت کردند، فراوانترین ثمرات محبت، احترام و اطاعت را نیز از آنها بگیرند.

«) دن. 13.3.3) کل. 3، 21. اف. 6، 4.') 5 18 ،4 .Reg. *) طوب. ج 4.

# فصل ششم

از فرمان پنجم. تو
نباید

1. ثمره و فایده عقاید او که در این دستور آمده چیست؟

آن شادی بزرگی که به انسان های صلح جو پیشنهاد می شود - "زیرا آنها فرزندان خدا نامیده خواهند شد" - باید کشیشان را بیش از هر چیز برانگیزد تا بتوانند دستورات این دستور را با جدیت و دقت به مؤمنان برسانند. هیچ دلیلی بهتر از این که قانون چنین احکامی به درستی توضیح داده شود و توسط همگان آنطور که باید مقدس رعایت شود، نمی‌توان برای مصالحه با اراده‌های مردم وارد کرد. از آن زمان می توان امیدوار بود که مردان متحد در بالاترین احساس ذهن بیش از همه به دنبال هماهنگی و آرامش باشند. اما اینکه چقدر لازم است که این حکم توضیح داده شود، از این حقیقت که طوفان عظیم تمام زمین رخ داده است، معلوم می شود، این یک چیز بالاتر از همه چیزهایی است که خداوند انسان ها را نهی کرده است: «خون شما را از دست همه جانوران و از دست انسان می طلبد». حتی در انجیل که قوانین قدیم برای اولین بار توسط خداوند توضیح داده شده است، این اولین آنهاست، که در متی قدیس 3) چنین نوشته شده است: «زیرا گفته شد: قتل مکن» و بقیه که در این مورد در همان مکان ذکر شده است. علاوه بر این، مؤمنان باید با دقت و دقت به این دستور گوش فرا دهند. زیرا اگر قدرت آن در نظر گرفته شود، ارزش حفظ جان هر یک را دارد. از آنجایی که در آن کلمات "تو نباید بکشی" قتل مطلقاً ممنوع است. و لذا هر کس باید آن را با لذت و خوشی دریافت کند، چنانکه گویی به خشم خدا و سایر مجازاتهای شدید، صریحا از آن نهی شده است، مبادا به هیچ یک از آنها آسیبی وارد شود. پس همان گونه که شنیدن این امر پسندیده است، انذار گناه او نیز که امر از آن نهی می کند، باید خوشایند باشد.

II. این چه امری است وقتی نهی می شود پس امر می شود.
اما هنگامی که خداوند قوت این قانون را توضیح می داد، نشان داد که این قانون شامل دو چیز است، دوم اینکه ما نباید بکشیم، که انجام آن توسط ما ممنوع است. دوم 4) که به ما دستور داده شده است تا دشمنان خود را با دوستی و نیکوکاری در آغوش بگیریم و با همه صلح کنیم و در نهایت همه ناراحتی ها را با شکیبایی تحمل کنیم. III. خوردن حیوانات وحشی و کشتن حیوانات جایز است.

اما در مورد نهی از قتل، اولین چیزی که باید آموزش داده شود این است که قتل‌هایی از آن دسته هستند که به این ترتیب دستور داده شده است.» مت. 5، 9.

پیدایش 9، 5. •) مت. 5، 21. «) مثال. 21، 12. سرهنگ 8، 8

آنها منع قانونی ندارند. زیرا کشتن حیوانات حرام نیست، زیرا اگر از طرف خدا خوردن آنها به انسانها داده شود، کشتن آنها نیز صحیح است. قدیس آگوستین در مورد این موضوع گفت: "وقتی می شنویم"، می گوید: "نباید بکشی، ما این را در مورد میوه ها نمی دانیم، زیرا هیچ معنایی در آنها وجود ندارد، و نه حیوانات غیر منطقی، زیرا آنها ما را بدون دلیل شریک می کنند."

IV. حکم اعدام یا کشتن مردم در محاکمه جایز است.

قتل مجاز دیگری نیز وجود دارد که مربوط به آن دادستانی است که اختیار قتل به آنها داده شده است که به موجب قانون مقرر و حکم، به جنایتکاران توجه می کنند و از بی گناهان دفاع می کنند. در کدام مقام، در حالی که عادلانه مشغول به کار هستند، نه تنها قاتلان امر نیستند، بلکه بیش از همه مطیع این قانون الهی هستند که به موجب آن قتل حرام است. زیرا از آنجایی که پایان این قانون پیشنهاد شده است که جان و امنیت مردم تأمین شود: همچنین مشاهدات قضات که انتقامجویان قانونی جنایات هستند نیز همین را در نظر میگیرند که جسارت و نادرستی با مجازاتها بررسی میشود و جان انسانها در امان است. چرا داوود: "در صبح،" او گفت *)، " من تمام گناهکاران زمین را کشتم تا از شهر خداوند همه کسانی را که مرتکب گناه می شوند هلاک کنم."

V. عادلانه می کشند، قتل یک چیز .n oinn sbienltl در چه راهی نیز، چه کسی

با این حساب، حتی کسانی که در جنگ عادلانه گناه می کنند، نه از روی طمع یا ظلم، بلکه صرفاً به دنبال منافع عمومی هستند، جان دشمنان خود را نمی گیرند. علاوه بر این، قتل هایی از این دست وجود دارد که به طور خاص به دستور خداوند انجام می شود. پسران لاوی گناه نکرده بودند که هزاران مرد را در یک روز کشتند. هنگامی که ذبح انجام شد، موسی به آنها گفت: "امروز دستان خود را برای خداوند تقدیم کردید."

6. از این اصل، متهم مجرم نیست. که به طور تصادفی

او در واقع گناهکار این حکم نیست، کسی که مردی را نه از روی عمد، نه عمدا، بلکه تصادفاً می کشد. که در تثنیه مهم است

snumuimi 4 n)e s cliiebnrso, ietta q usic r iheprtiu m e t ensutd:i u s,, Q tueir ti upse r cnuuslsleurmi t c opnrtorax i meuumm ثابت شده است که او نفرت داشت، اما به سادگی با او به جنگل رفت و چوب را برید و چوب را برید. دست، و تیغه خود را از دستگیره افتاد و یکی از دوستان .rviotl,u n etta t oec,c i ndeerqiute

آنها در مجموع جزو گناهان محسوب می شوند. این را نظر آگوستین مقدس 5 تأیید می کند: " زیرا از آن دور است" او می گوید: "به عنوان چیزهایی که یا به دلیل."

«) انجام سیو. دی 1، 20. ص. 100، 8. ") مثال 32، 29. «) تثنیه 19، 4. 5. *) قسمت 4 T.

313 قسمت 111. فصل ششم. 313 ما کاری را که خوب یا حلال است

انجام می دهیم، اگر بر خلاف میل ما اتفاق بدی بیفتد، به ما نسبت داده می شود.

VII. او که به طور تصادفی قتل را مرتکب شده است، از چه جهت مقصر است.

اما در آن ممکن است گناهی به دو دلیل انجام شود: دوم اینکه اگر کسی در کار ظالمی، شخصی را بکشد، مثلاً زن حامله را با مشت یا لگد بزند که به دنبال آن سقط جنین می‌شود. واقعاً غیر از اراده ضارب بود، اما غیر از تقصیر او نبود، زیرا زدن زن حامله به هیچ وجه برای او حلال نبود. از طرف دیگر، اگر نگوییم در همه موارد، یک نفر را از روی سهل انگاری و بی احتیاطی کشت. هشتم. همچنین کشتن دیگری به خاطر حفظ سلامتی خود جایز است.

به همین دلیل نیز اگر شخصی برای دفاع از امنیت خود دیگری را بکشد، به اندازه کافی مشهود است که ملزم به این قانون نیست. و در حقیقت اینها که ذکر کردیم قتلی است که در این حکم شریعت نیست; جز اینکه بقیه حرام است، خواه به قاتل نگاه کند، خواه کشته شده، یا شیوه های کشتن.

9 هیچ کس نمی تواند توسط مقامات خصوصی مرتکب قتل شود.

زیرا در مورد کسانی که مرتکب قتل می شوند، هیچ کس مطلقاً استقبال نمی شود، نه افراد ثروتمند، نه قدرتمندان، نه ارباب ها، نه والدین، اما کشتن با حذف همه انتخاب ها و تبعیض ها برای همه ممنوع است.

X. مطلقاً هیچ کس نیست که تحت حمایت این قانون نباشد.

اما اگر کشته‌شدگان را در نظر بگیریم، این قانون به همه مربوط می‌شود: و هیچ مردی در چنین شرایطی فروتن و مردود نیست که به زور این قانون از او محافظت نشود. در واقع برای کسی درست نیست که خود را بکشد، زیرا هیچ کس آنچنان قدرتی بر زندگی خود ندارد که اجازه داشته باشد به صلاحدید خود مرگ را بر سر خود بیاورد. و بنابراین در عبارات این قانون چنین مقرر نشده است: "دیگری را نکش"، بلکه به سادگی: "نباید بکشی."

XI. از چند طریق می توان این حکم را زیر پا گذاشت؟

اما اگر به تعدد شیوه ارتکاب قتل توجه کنیم، معاف نیست. زیرا نه تنها برای کسی جایز نیست که با دست خود یا با شمشیر یا سنگ یا عصا یا دام یا زهر جان انسان را نجات دهد، بلکه با نصیحت و کمک و یاری یا هر وسیله دیگری مطلقاً حرام است. بزرگترین کندی و حیرت یهودیان در آنجا بود که معتقد بودند اگر از ذبح خودداری کنند این دستور را حفظ خواهند کرد. اما به مرد مسیحی که از طریق مفسر مسیح آموخت که این یک قانون روحانی است، یعنی ما را نه تنها با دستان پاک، بلکه با ذهنی پاک و صمیمانه حفظ می کند.

او به آنها دستور می دهد که بنوشند.  زیرا حتی خشم بر کسی جایز نیست، در انجیل آمده است، هنگامی که خداوند می فرماید 1: "اما من به شما می گویم: هر که بر برادر خود خشمگین باشد محکوم خواهد شد، اما هر که به برادر خود بگوید "نژاد"، مجرم نصیحت خواهد بود، اما هر که بگوید: "از آتش خواهد بود."  XII.  چگونه می توان با عصبانیت گناه کرد یا گناه نکرد؟  از کدام کلمات معلوم می شود که کسی که بر برادرش خشمگین است، هر چند خشم موجود در دلش را بازدارد، از گناه مبرا نیست;  اما کسی که به خشم خود معنایی بدهد، گناه سختی کرده است.  اما بسیار جدی‌تر، کسی که نمی‌ترسد برادرش را به سختی قبول کند و به او ظلم کند.  و در واقع این درست است، اگر دلیلی برای عصبانیت وجود نداشته باشد.  زیرا سبب غضب که از جانب خدا و شریعت مجاز است، زمانی است که متوجه می شویم در کسانی که فرمانروایی و قدرت ما را به دوش می کشند، اگر عیبی در آنها باشد.  برای مسیحیان، خشم انسان نباید از حواس جسمانی ناشی شود، بلکه باید از روح القدس سرچشمه بگیرد، زمانی که توافق شده است که ما باید «معبد روح القدس» باشیم که عیسی مسیح در آن ساکن است.

سیزدهم چقدر انسانها این قانون را کاملاً رعایت می کنند و چه بسیارند که در برابر آن گناه می کنند.

علاوه بر این، چیزهای زیادی از جانب خداوند نازل شده است که مربوط به نظام کامل این قانون است.  مانند آنها 3).  نمی‌خواهم مقاومت کنم، اما اگر کسی به گونه‌ای راستت زد، دیگری را نیز به او بده، و به کسی که می‌خواهد در داوری با تو دعوا کند و کتت را از تنت درآورد، عبای تو را نیز به او بسپار، و هر که هزار فرسنگ تو را اذیت کرد، دو تا دیگر با او برو.  با توجه به آنچه گذشت، می توان دریافت که انسان ها چقدر مستعد گناهانی هستند که این حکم از آنها نهی می کند، چه بسیار کسانی یافت می شوند که اگر با دست، دست کم با قلبشان مرتکب جنایت قتل نمی شوند.

چهاردهم  همانطور که در حروف مقدس خداوند از قتل بیزار است.

و از آنجایی که داروهای این بیماری خطرناک در کتب مقدس به کار رفته است، وظیفه کشیش است که آنها را با پشتکار به مؤمنان برساند.  اما نکته اصلی این است که آنها بفهمند که کشتن یک مرد چقدر گناه شنیع است.  و این را از شواهد فراوان و مهم کتب آسمانی می توان دریافت.  > زیرا تا آنجا که خداوند در کتب مقدسه از قتل بیزاری می جوید، 4) که می فرماید مجازات ذبح انسان ها به دست حیوانات را تلافی می کنم، و وحشی را که انسان را مجروح کرده است، دستور می دهد که کشته شوند.  و نه به هر دلیل دیگری می خواست انسان را از خون بیزاری کند، جز اینکه بتواند ذهن و دست خود را از کشتار شنیع انسان به هر طریقی باز دارد.

ط) مت. 5، 22. 2) اول قرن. 6، 19. ») مت. 5، 39 متر مربع 4) Gen. 9, fi. مثال 21، 28

315 قسمت 111. فصل ششم. XV 315. وسعت جنایت یعنی قتل
یک مرد با عقل ثابت می شود. زیرا آنها قاتلان نوع بشر، و
بنابراین سرسخت ترین دشمنان طبیعت هستند، که تا
آنجایی که در آنها وجود دارد، وقتی انسان را که به خاطر او شهادت
می دهد که او همه آفریده شده را ساخته است، تمام کار خدا را از
بین می برند. در واقع، در پیدایش 1) هنگامی که کشتن انسان
ممنوع است، زیرا خداوند او را به صورت و شباهت خود آفریده است:
او ظلم قابل توجهی به خدا می کند و مشاهده می شود که دست های
خشونت آمیزی را به سوی او می آورد که تصویر او را از میان برداشت.
داوود در حال تعمق در این فکر الهی از مردان خونخوار با این کلمات
به شدت شکایت کرد: "پاهای آنها برای ریختن خون سریع است." او
به سادگی نگفت: «می کشند»، بلکه «خون می ریزند». کلماتی که
او برای نشان دادن تشدید آن جنایت نفرت انگیز و ظلم وحشیانه
آنها به زبان آورد. و برای اینکه اولاً روشن شود که آن تکانه های
اهریمنی با چه شتابی به آن کار کشیده شد، فرمود: «پاهایشان
زود خون می ریزد».

16 خدا در این فرمان چه دستوری می دهد که انجام شود؟
اکنون، در واقع، چیزهایی را که مسیح خداوند در این دستور
دستور می دهد که رعایت شود، به آن توجه کنید تا با همه صلح
داشته باشیم. زیرا هنگام تفسیر این آیه 3 می گوید: «اگر هدیه خود
را در مذبح تقدیم کنی و در آنجا یادت شد، زیرا برادرت چیزی علیه تو
دارد، هدیه خود را در آنجا پیش قربانگاه بگذار، و ابتدا برو تا با
برادرت آشتی کنی، سپس بیا و هدیه خود را تقدیم کن.» این چیزها
توسط کشیش به گونه ای توضیح داده می شود که می تواند
بیاموزد که همه باید بدون هیچ استثنایی با صدقه در آغوش
گرفته شوند. که در توضیح این حکم، مؤمنان را تا آنجا که می تواند
تحریک می کند، زیرا در آن فضیلت محبت به همسایه بیشتر می
درخشد. زیرا از آنجا که نفرت با این حکم به وضوح ممنوع است، زیرا (
4) «کسی که از برادر خود متنفر است قاتل است»، قطعاً از این نتیجه
می‌شود که حکم محبت و صدقه داده شده است.

17 وظایف صدقه مندرج در این دستور چیست؟
و هنگامی که در این قانون حکمی در مورد انفاق و محبت وجود
دارد، آنگاه احکامی نیز در مورد همه آن وظایف و اعمالی که در جهت
تحقق خود خیرات است، صادر می شود. D. Paulus5 گفت: "C a-rity
صبور است." بنابراین، صبر بر ما سفارش شده است، که در آن ما
باید روح خود را تصاحب کنیم، نجات دهنده6) تعلیم می دهد. پس
احسان، همراه و شریک صدقه است; زیرا صدقه «زیبا» است 7). اما
از مهربانی

ژنرال 9. 6. ») ص». 13، 3. است. 59، 7. ») مت. 5، 23، 24. روم. 12، 18. عبری. 12، 14. *) 1.
آیو. 3، 15. ») اول کور. 13، 4. «) لوقا 21، 19.») 1 قرن 13، 4.

316

که فضیلت احسان بسیار آشکار است، و وظیفه آن عمدتاً در آن چیزها است، که ما نیازهای فقرا را تامین کنیم، به گرسنگان غذا بدهیم، به گرسنگان بنوشیم، و برهنگان را بپوشانیم. و هر چه هر کس به کمک ما بیشتر نیاز داشته باشد، باید گشاده‌تر به او عطا کنیم.

18 به این ترتیب کاملترین واجبات صدقه، محبت به دشمنان است.

این مناصب خیر و نیکی که فی نفسه فاخر است، اگر به دشمنان داده شود، با شکوه تر می شوند. زیرا سالواتور می گوید: " دشمنان خود را دوست بدارید، به کسانی که از شما متنفرند نیکی کنید." که رسول نیز در آن سخنان هشدار می دهد»2: «اگر دشمنت قرار کرد، به او غذا بده، اگر تشنه است به او بنوشید، زیرا با این کار زغال های آتش بر سر او انباشته می کنید. آن وقت اگر به قانون انفاق که احسان است نگاه کنیم، متوجه می شویم که هر چیزی که مربوط به حلم و نرمی و یا دیگر فضائل از این قبیل باشد، در آن شریعت برای انجام دادن مقرر شده است.

19 در این رابطه صدقه همسایه که در اینجا دستور داده شده است، می درخشد.

اما به راستی، بهترین وظیفه از همه، که پر از صدقه است، و برای ما شایسته است که در آن خود را به کار ببندیم، بخشش و بخشش با قاطعیت صدماتی است که به ما وارد شده است. برای اینکه بتوانیم این کار را به وضوح انجام دهیم، نامه هاي الهی اغلب ما را هشدار می دهند و توصیه می کنند، همانطور که قبلاً گفته شد، هنگامی که فقط کسانی را که دقیقاً این کار را انجام می دهند، خوشا نمی دانند، بلکه عفو خطا را نیز تأیید می کنند که خداوند به آنها داده است. که به راستی از انجام این کار کوتاهی می کنند یا به کلی امتناع می ورزند، به آن نمی رسند. اما از آنجایی که شهوت انتقام تقریباً در ذهن انسان ریشه دوانده است، لازم است کشیش بیشترین اهتمام را در آن به خرج دهد تا مرد مسیحی نه تنها برای تعلیم، بلکه برای متقاعد کردن کامل مؤمنان، آسیب ها را فراموش کرده و رها کند. و از آنجا که در میان نویسندگان مقدس به این موضوع بسیار اشاره شده است، از آنان دلجویی می کند که لجاجت کسانی را که در میل انتقام جویی سرسخت و لجاج هستند، ملامت کنند. اجازه دهید او دلایلی را در اختیار داشته باشد که آن پدران با تقوا به‌عنوان سنگین‌ترین و سازگارترین آنها با این موضوع به کار گرفته‌اند.

20 مخصوصاً با این دلایل، نفرت باید سرکوب شود و مؤمنان باید آسیب های خود را فراموش کنند.

اما این سه مورد مهمی است که باید توضیح داده شود. اولین چیز این است که کسی که فکر می کند اشتباهی دریافت کرده است باید برای او قانع کننده ترین باشد - مت. 5، 44.

2) روم. 12، 20. 21. 58، 6 .Is. 3J .21 ،25 .Prov. لوقا 6، 38

 که او عامل اصلی از دست دادن یا

آسیب نیست، کسی که خود او می خواهد انتقام بگیرد. آن ایوب تحسین برانگیز که توسط قوم سبائیان و کلدانیان و شیطان به شدت مجروح شد، اما بدون توجه به آنها، به عنوان مردی عادل و پارساتر، این کلمات را به درستی و با تقوا به کار برد: «خداوند

داد، خداوند برد». بنابراین، با دعا و الگوی آن صبورترین مرد، اجازه دهید مردم مسیحی خود را متقاعد کنند که این بسیار درست است که هر چه در این زندگی رنج می بریم از جانب خداوند است که پدر و مادر و صاحب همه عدالت و رحمت است. XXI کسانی که ما را مورد آزار و اذیت قرار می دهند، خادمان و بندگان خدا هستند، هر چند از روی نیت

بد این کار را انجام می دهند.

به راستی ما را مجازات نمی کند، که این مهربانی بی اندازه اوست، همانطور که دشمنان را مجازات می کند، بلکه ما را در کودکی اصلاح و تنبیه می کند. و به راستی که اگر درست ملاحظه کنیم، در این چیزها، انسانها با هم فرق دارند، مگر وزیران و بندگان خدا، و اگر چه ممکن است

انسان از کسی بدتر باشد و بدترین آرزوها را برای او بکند، ولی نمی تواند به او آسیبی برساند، مگر به اذن خدا. به همین دلیل یوسف 2)

با نصایح نابکار برادرانش رهبری می شد، بنابراین داوود3) جراحات وارده از شمعی را با کمال میل پذیرفت. به این موضوع نیز آن نوع استدلال تعلق دارد که کریسوستوم 4) به طور جدی و عالمانه به آن

پرداخته است: یعنی اینکه هیچ کس جز به خود ضرری ندید. کسانی که گمان می کنند به آنها ظلم شده است، اگر با خود به درستی رسیدگی کنند، قطعاً در می یابند که از دیگران ضرر و زیان ندیده اند. زیرا حتی اگر کسانی که خود از آنها آسیب می بینند در خارج اتفاق بیفتند، با این حال بیشتر خود را آزار می دهند، زمانی که به طرز بدی ذهن خود را با نفرت، طمع و حسادت آلوده می کنند.

22 بگذارید این مزایا نصیب کسانی شود که با کمال میل صدمات را می بخشند.

دوم این که شامل دو امتیاز اصلی است، که متعلق به کسانی است که از روی عبادت خداپسندانه، با کمال میل جراحات خود را می بخشند. اولین مورد این است که خداوند وعده داده است که کسانی که بدهی دیگران را می بخشند، گناهانشان را می بخشند. از این قول به راحتی می توان دریافت که این خدمت تقوا تا چه اندازه برای او قابل قبول است. امتیاز دیگر این است که به اشراف و کمال خاصی می رسیم; زیرا با بخشش خطاهای خود، به گونه ای شبیه خدا می شویم که «آفتاب خود را بر نیکوکار و بدکار طلوع

می کند و بر عادل و ظالم می بارد».

>) شغل 1، 21. *) Gen. 45, 4. seq. عبری 12، 6. II (3 .19 ,3 .Ap بپرسید 16، 10. I n hom «) seq.
که هیچ کس جز به خودش ضرر نمی کند. درجه) مت. 5، 45. 6، 14.

23 چه و چه بسیار ناراحتی ها از نفرت دشمنان ناشی می شود. آن ناراحتی‌هایی که در آن گرفتار می‌شویم، زمانی که از گذشتن از صدماتی که به ما وارد شده است خودداری می‌کنیم، باید بعداً توضیح داده شود. و بنابراین کشیش کسانی که نمی توانند خود را در ذهنشان بیاورند تا دشمنانشان را ببخشند، باید در مقابل چشمانشان قرار دهد که نفرت نه تنها گناهی سخت است، بلکه به دلیل طولانی بودن مدت گناه نیز جدی تر است. زیرا هنگامی که او که این محبت در دلش نشسته است تشنه خون دشمنش است و امید انتقام او را پر می کند، شبانه روز درگیر نوعی تهییج دائمی افکار شیطانی است، به طوری که به نظر می رسد هرگز از فکر قتل یا هر چیز شیطانی دیگر دست بر نمی دارد. بنابراین اتفاق می‌افتد که یا هرگز، یا با بزرگ‌ترین نگرانی به سوی آن سوق داده می‌شود، به طوری که یا به طور کامل می‌بخشد، یا حداقل تا حدی جراحات را می‌بخشد. از این رو به درستی به زخمی تشبیه می شود که در آن اسلحه می چسبد.

24 نشان داده شده است که بسیاری از گناهان ناشی از نفرت است.

علاوه بر این، ناراحتی ها و گناهان زیادی وجود دارد که با این یک گناه نفرت، گویی با نوعی پیوند، به هم چسبیده است. از این رو دی جان در این جمله گفت: «کسی که از برادر خود متنفر باشد در تاریکی است و در تاریکی راه می رود و نمی داند به کجا می رود، زیرا تاریکی چشمان او را کور کرده است». بنابراین، لازم است که اغلب سر خوردن. به راستی با چه وسیله ای می توان گفتار یا کردار کسی را که از او متنفر است ثابت کرد؟ از این رو قضاوت های عجولانه و ناروا، خشم، حسادت، سرزنش و مواردی از این قبیل است که معمولاً کسانی که از طریق خویشاوندی یا دوستی به هم مرتبط هستند نیز در آن دخالت دارند. و بنابراین اغلب اتفاق می افتد که بسیاری از چیزها از یک گناه ناشی می شود; این اشتباه نیست که بگوییم این گناه «شیطان» است، زیرا او از ابتدا «قاتل» بود. از این رو، پسر خدا، خداوند ما عیسی مسیح، هنگامی که می خواستند مرگ فریسیان را به خود بیاورند، گفت که آنها "از اهریمن پدر متولد شده اند"2).

## 20 V. راه حل های ضد گناه نفرت.

اما علاوه بر این مطالبی که گفته شد، از آنجایی که دلایل کراهت این جنایت را می‌توان جست‌وجو کرد، چاره‌های دیگری نیز که مسلماً مصلحت‌ترین آنهاست، در اسناد مقدسه آمده است. و اولین و بزرگترین علاج، مثال نجات دهنده ماست که باید خود را تقلید کنیم. زیرا هنگامی که حتی کوچکترین سوء ظن به گناه بر او وارد نشد، با چوب کتک خورد، تاج خار بر سر گذاشت و سرانجام بر صلیب میخکوب شد، این دعای پر از تقوا را بر زبان آورد: «ای پدر، آنها را ببخش که نمی دانند چه می کنند». رسول به پاشیدن خون خود شهادت می دهد 4) "اینک بهتر است") اول یوحنا 2، 14. الف) یوحنا 8، 44. اول پطرس 2، 22. ") لوقا 23، 34. ") عبرانیان 12، 24.

دیگری توسط جامعه ارائه می‌شود و آن این است که ما مرگ و آن روز قیامت را به یاد می‌آوریم. جمله‌ای شبیه به این است که گویی او می‌گوید: بارها و بارها به این فکر کن که زمان کوتاهی خواهد بود تا با مرگ روبرو شوی؛ بنابراین، زیرا در چنین زمانی، بهترین و مطلوب‌ترین چیزی است که برای خدا به دست آوریم. اکنون و پیوسته در برابر چشمانت قرار می گیرد، زیرا آن میل هولناک انتقام در تو تمام می شود، در حالی که برای التماس رحمت خدا چاره ای بهتر یا بزرگتر از فراموش کردن صدمات و محبت به کسانی که به تو یا خویشاوندان تو در عمل یا نماز ستم کرده اند نمی یابی.

## فصل هفتم. از

## فرمان ششم

خیر*) شما زنا خواهید شد.

1. این حکم به کجا تعلق دارد و به چه دلایلی باید توسط کاهنان محل برخورد شود.

زیرا پیوند زن و شوهر بسیار نزدیک است و هیچ اتفاقی برای هر دوی آنها خوشایندتر از این نیست که بفهمند با عشقی خاص و منحصر به فرد یکدیگر را دوست دارند. از سوی دیگر، بسیار دردسرسازتر از این است که احساس کنیم عشق باید از خود به دیگری منتقل شود: در واقع، طبق حق و نظم، آنچه که جان انسان را از قتل حفظ می کند، از این قانون پیروی می کند که در مورد زنا یا زنا است، به طوری که هیچ کس جرأت نمی کند که آن جنایت بزرگ ازدواج را که معمولاً از جنایت مقدس و شرافتمندانه است، نقض یا فسخ کند. از زنا با این حال، در توضیح این موضوع، کشیش باید بسیار مراقب و محتاط باشد; و با سخنان پوشیده مطلبی را ذکر کند که بیش از آن که به کثرت گفتار خویشتن داری کند. زیرا باید ترسید، در حالی که او می‌کوشد به‌طور گسترده و فراوان توضیح دهد که انسان‌ها از چه راه‌هایی از احکام این شریعت دور می‌شوند، ممکن است در گفتار آن چیزهایی بیفتد که به جای دلیل مهار آن، موضوع شهوت هیجان‌انگیز از آن سرچشمه می‌گیرد.

## II. کدام دستورات در این دستور گنجانده شده است.

اما از آنجایی که این فرمان حاوی چیزهای زیادی است که نباید از قبل خاتمه داده شود، در جای خود توسط شبان توضیح داده خواهد شد. بنابراین، قدرت آن دو چیز است: دوم، که به موجب آن زنا با گفتار ممنوع است. دیگری که شامل این عقیده است که ما عفت روح و جسم را می پرستیم.

«) Eclus 7, 40. s) Ex. 20، 14. 18 ،5 تثنیه.

///. در اینجا چه چیزی به نام زنا یا زنا حرام است؟ 3r2.0 اینکه طرف مقابل شروع به تعلیم از حرام کند: زنا آسیبی است به پارگی مشروع، خواه ناشناس باشد یا خود او. زیرا اگر شوهر با زنی مجرد رابطه داشته باشد، خودش به رختخواب خود تجاوز می کند.

اما اگر مرد مطلقه، زن غریبه بشناسد، چنبره غریب به زنا آلوده می شود. اما آمبروز و آگوستین الهی نویسندگان این نهی از زنا هستند، هر چه ناپسند و گستاخ باشد. برای اینکه این کلمات در این نظر پذیرفته شوند، میتوانیم از آیات مقدس عهد عتیق و جدید جمع آوری کنیم. زیرا موسی غیر از زنا، انواع دیگر شهوات را مجازات می کند. IV. انواع شهوات که در کتاب مقدس برشمرده شده است.

در پیدایش 3) قضاوت یهودا در مورد عروسش وجود دارد. در سفر تثنیه 4) شریعت عالی موسی وجود دارد که هیچ یک از دختران اسرائیل نباید فاحشه شوند. علاوه بر این، توبیاس 5) پسرش را این گونه نصیحت می کند: «پسرم، از هر زنا مواظب باش». جامعه 6) همچنین می گوید: «از زن زناکار خجالت بکش». مسیح خداوند در انجیل نیز میفرماید: «زنا و زنا که انسان را نجس میسازد، باید از دل بیرون آید». اما پولس رسول اغلب این رذیله را با کلمات بسیار و بسیار جدی ابراز تأسف می کند: او می گوید: «اراده خدا، تقدیس شما، این است که از زنا پرهیز کنید.» نرم، و صیغه های مردان، آنها ملکوت خدا را به ارث خواهند برد.»

5- چرا زنا در این دستور به ویژه ذکر شده است؟
اساساً به همین دلیل است که زنا صریحاً نهی شده است، زیرا علاوه بر فحشایی که با سایر بیحوصلگیها مشترک است، گناه ظلم را نیز نه تنها به همسایه، بلکه به جامعه مدنی نیز وارد میکند. مسلم است کسی که از بی اعتدالی شهوات دیگر خودداری نکند، به آسانی در این بی اختیاری که همان زنا است، می لغزد. از این رو ما به راحتی این ممنوعیت زنا را درک می کنیم که هر نوع نجاست و نجاستی که بدن به آن آلوده شود، حرام است. نه، هر شهوت درونی روح با این دستور منع شده است، و نیروی شریعت به خودی خود بیانگر روحانی بودن آن است، و مسیح خداوند در آن کلمات تعلیم داد، 3: "شنیده اید که به پیشینیان گفته شده است:

>) از ابیا. 1 .4 .2) sup. خروج Gen. 88, 24 (8 .71 .Q. *) تثنیه. 23، 17 .4، 13 .8)
اکلوس. 41، 21 .25 .') مت. 15، 19. «) I. Thess. 4، 3 (» اول کور. 6، 18، 5 (w قرن. 5، 9
مت. 5، 27 .28. '«) Cor. 6، 9. 10 («' اف. 5, 3. ™) I

زنا نشوید. اما من به شما می گویم که هر که زنی را دیده است که به او میل کند، قبلاً در دل خود با او زنا کرده است.» اینها چیزهایی است که ما تصمیم گرفته ایم علناً به مؤمنان برسانیم، اما اگر به مواردی که توسط شورای مقدس ترنت (1) در مورد زناکاران و کسانی که از روسپی ها و پوست ها تغذیه می کنند اضافه شود، شهوت و هوس های مختلف را کنار می گذاریم. به توصیه کشیش، به عنوان زمان و نتیجه آن است که کسانی که قدرت فرماندهی دارند باید در اینجا رعایت شوند.

بنابراین باید به مؤمنان آموزش داده شود و به شدت توصیه شود که عفت و خویشتن داری را با کوشش تمام پرستش کنند و خود را از هرگونه آلودگی جسم و روح پاک کنند و تقدیس را در ترس از خدا کامل کنند. اما در وهله اول باید به آنها یادآوری کرد، گرچه فضیلت عفت در میان افرادی که زیباترین و آشکارترین هدف الهی باکرگی را به شیوه ای مقدس و مذهبی پرستش می کنند، بیشتر می درخشد، اما برای کسانی که مجرد زندگی می کنند یا از شهوت حرام در ازدواج به سر می برند، شایسته است که خود را پاک و کامل نگه دارند.

VII. کسانی که می خواهند شهوت خود را بخورند، مهم ترین چیزهایی هستند که باید به آن فکر کنند؟

اما از آنجایی که بسیاری از چیزها توسط پدران مقدس که به ما آموخته اند که شهوات را رام کنیم و لذت ها را کنترل کنیم، رسیده است: بگذارید کشیش تلاش کند تا آنها را به درستی برای مردم توضیح دهد و با نهایت دقت در این رفتار شرکت کند. و این چیزها از این نوع هستند، بخشی در اندیشه و تا حدی در عمل. چاره‌ای که در اندیشه است، همان چیزی است که عمدتاً به آن توجه دارد، تا بفهمیم کجاروی و نابودی این گناه چقدر بزرگ است. دانستن اینکه کدامیک از او متنفر شدن آسان تر می شود. از اینجا می توان فهمید که این یک جنایت مهلک است، زیرا به دلیل این گناه، مردم از ملکوت خدا رانده شده و نابود می شوند، که آخرین شرارت است. و در واقع این مصیبت در همه جنایات مشترک است. و آن ویژگی این گناه که گفته می شود زناکاران در بدن خود گناه می کنند، از نظر رسول خداست که چنین می نویسد 2: «از زنا بگریزید، زیرا هر گناهی که انسان مرتکب می شود خارج از بدن است، اما کسی که زنا می کند در بدن خود گناه می کند. به همین دلیل گفته شد که به ناحق عمل می کند که به آن عمل می کند. تسالونیکیان بنابراین (D. Paulus 3): "هی

') سس. فصل 24 8. از Ref. مادر *) من کور. 6، 18. «) 5-8 .4 .I. Thea.
Catechism Conc. ترید

زیرا او می‌گوید: «اراده خدا، تقدیس شماست، تا از زنا دوری کنید، تا هر یک از شما بداند که او ظرف خود را در تقدیس و شرافت دارد، نه در شوق هوس، مانند امت‌هایی که خدا را نمی‌شناسند». پس جنایتکارتر این است که اگر یک مرد مسیحی با شرمندگی خود را به فاحشه بدهد، اعضای مسیح را فاحشه می کند. به این ترتیب D. Paulus می گوید: "آیا نمی دانید که بدن شما اعضای مسیح است؟ اگر اعضای مسیح را بردارم، آنها را اعضای فاحشه خواهم کرد؟" علاوه بر این، مرد مسیحی، همانطور که همان شهادت می‌دهد، «معبد روح‌القدس» است، که چیزی جز اخراج روح‌القدس از او وجود ندارد.

هشتم. با این دلایل می توان به عظمت زنا پی برد. اما در جنایت زنا ظلم بزرگی وجود دارد. زیرا اگر به خواست رسول (3) کسانی که به ازدواج ملحق می شوند چنان اسیر قدرت دیگری شوند که هیچ یک حق «تسلط بر بدن خود» را نداشته باشد، بلکه به گونه ای بند و بند به یکدیگر مقید باشند، به طوری که شوهر باید با خواست زن و زن با تکان دادن و اراده شوهر مطابقت داشته باشد. بسیار ناعادلانه و شیطانی است. و از آنجایی که ترس از بدنامی، و نسبت به چیزهایی که دستور داده می شود، مردان را به شدت تحریک می کند، و آنها را به شدت از حرام باز می دارد، کشیش تعلیم خواهد داد که زنا نشانه ای از ذلت و خواری را در انسان القا می کند. زیرا در نامه‌های مقدس باب 4 آمده است: «کسی که زنا کند از روی بی‌دلی، جان خود را از دست می‌دهد، ننگ و خواری را برای خود جمع می‌کند و ملامت او پاک نمی‌شود».
عظمت واقعی این جنایت را از شدت مجازات به راحتی می توان دریافت. برای زناکاران، طبق قانونی که خداوند در عهد عتیق مقرر کرده است، سنگسار شدند.

9 شهوات ناپاک معمولاً چنین مجازات هایی را دریافت می کنند. علاوه بر این، به دلیل شهوت یک نفر، نه تنها شخصی که مرتکب جنایت شده بود، بلکه گاهی اوقات کل شهر، همانطور که از سیکیم ها می خوانیم، ویران می شد. نمونه های زیادی از هشدارهای الهی در کتب مقدس آورده شده است که کشیش قادر خواهد بود آنها را جمع کند تا مردم را از شهوات شیطانی باز دارد: مانند نابودی سدوم7) و بقیه شهرهای همسایه در داخل کشور، بنی اسرائیل6) که با دختران موآب در بیابان، اعدام، ویرانی بیو، زنا کردند. اما کسانی که از مرگ فرار می کنند غیرقابل تحمل هستند

>) من کور. 6، 15. 16. 2) 6 .5 ،8 .10 ،Lev. 20 («) .Prov. 6، 32 (4 .4 .h Cor. 7 (ib. v. 19. s چه
کسی. 34، 25. '•) Gen. 19, 24. «) شماره. 25، 4. «) جود. «س. 20

 با این حال آنها از

دردها و شکنجه های مجازات که غالباً در معرض آن قرار می گیرند در امان نیستند. زیرا آنها کور می شوند، که مجازات بسیار سختی است، به طوری که نه از خدا، نه از شهرت، نه از حیثیت، نه از فرزندان خود و نه از جان خود حسابی ندارند. ما می‌توانیم نمونه‌هایی از آن را از داوود و سلیمان بخواهیم، که دومی پس از ارتکاب زنا، ناگهان از فردی بسیار ملایم و بی‌رحم برخاست، به طوری که بهترین خود را به اوریا تقدیم کرد. دیگری که تماماً خود را در شهوت زنان ریخته بود، چنان از دین واقعی خدا روی‌گردان شد که «از خدایان دیگر پیروی کرد». بنابراین، همانطور که هوشع گفت، این گناه را که اغلب قلب انسان را کور می کند، برطرف می کند. اکنون به درمان هایی می رسیم که شامل عمل است.

10. مردان از چه راه هایی به شهوات تحریک می شوند که مخصوصاً باید از آن اجتناب کنند.

اولین آن این است که تا حد امکان از بطالت پرهیز کنیم; که

در آن مردم سدوم، همانطور که در حزقیال 4 آمده است، هنگامی که مست بودند، به آن ناپاک ترین جنایت شهوت شیطانی افتادند. بعد، باید از craput بسیار اجتناب شود. پیامبر می فرماید: «آنها را پر کرده‌م و زنا کردند، زیرا شکم پر و سیری شهوت را به بار می آورد. این دقیقاً همان چیزی است که خداوند در آن کلمات اشاره کرده است: « مواظب باشید که دلهایتان در فسق و مستی سنگین شود». این نیز رسول 7): می گوید: «مست شرابی که در آن شهوت است، مشو». اما به ویژه ذهن معمولاً توسط چشم ها با شهوت ملتهب می شود، که این جمله خداوند مسیح 5 به آن تعلق دارد: "اگر چشم تو باعث لغزش تو می شود، آن را درآور و از خود دور کن." افزون بر این، سخنان پیامبران در همین موضوع بسیار است; همانطور که در ایوب 9 آمده است: "با چشمان خود عهد بستم تا به باکره فکر نکنم."

به‌خوبی، نمونه‌های بسیار و تقریباً بی‌شماری از بدی‌ها وجود دارد که از دید چشم‌ها پدید آمده‌اند. بدین ترتیب داوود 10) به این ترتیب پادشاه شکیم u) گناه کرد. و نیز با این قرارداد آن پیران سوسنا، 2) تهمت زنندگان، گناه کردند.

XI. پرهیز از زینت و زینت زنانه و سخنان ناپسند و دیگر وسوسه های تجمل گرایی.

یک زیور زیباتر که حس چشم ها را به شدت هیجان زده می کند، اغلب فرصت کمی برای شهوت فراهم می کند. بنابراین، جامعه توصیه می کند: 3: "روی خود را از زن آلوده برگردان." از آن زمان به بعد، زنانی که بیش از حد لباس پوشیده بودند، آهسته بود.

> II. Reg. تو ج •) III. Reg. 11 ,4 (« .11 ج. «) Ez. .18، 49. «) 7 ,5 .جر. «) Lno 8>o1)، H 3. 4 .R eg '.) E11p,h . 2. 5، »)1 8 G.e n."S)4،M a t2.. 5 1،£) 2 D9a.n. M a1r3c،، 8.9، >436). E c leu)s. I o b9،. 8 8. 1. 1.

آنها احساس می کنند، عجیب نخواهد بود اگر کشیش کمی در آن دقت کند، به طوری که گاهی اوقات آنها را برحذر می دارد و با این جمله که

پطرس رسول در مورد این جدی ترین طبقه مطرح می کند، آنها را سرزنش می کند: "زنان نباید موهای خود را ظاهر بپوشند، یا طلا

بپوشند، یا لباس عبادت بپوشند." D. Paulus item'2): "نه در موی پیچ خورده،" او می گوید، "یا طلا، یا مرواریدو، یا لباس گران قیمت." زیرا آنها بسیاری از زیورهای ذهن و بدن را که با طلا و مروارید آراسته شده بود از دست دادند. حال این تحریک به شهوت که معمولاً در

زینت نفیس لباس وجود دارد، به دنبال دیگری می آید که سخنان پست و ناپسند است؛ زیرا با زشتی کلمات، گویی با نوعی آتش، ذهن جوانان شعله ور می شود. رسول (3) می‌گوید: «زیرا گفت‌وگوی بد، انسان‌های نیک را فاسد می‌کند» و همین امر، چون لطیف‌ترین و

ملایم‌ترین آهنگ‌ها و رقص‌ها را می‌سازند، ما نیز باید با دقت از آنها مراقبت کنیم. در این طبقه نیز کتابهایی شماره گذاری شده است که به صورت فحاشی و عاشقانه نوشته شده اند، که باید از آنها پرهیز کرد، به عنوان تصاویری که جلوه های زشتی را در آنها به نمایش می گذارد، در حالی که نیرویی که در آنها وجود دارد برای جذابیت چیزهای پست و برای بدنام کردن ذهن جوانان بیشتر است. اما کشیش باید قبل از هر چیز مراقب باشد که چیزهایی که با تقوا و دینی توسط شورای مقدس ترنت 4 تثبیت شده است، مقدس

ترین رعایت شود. همه این موارد که قبلاً ذکر شد، اگر با اهتمام و دقت فراوان از آنها پرهیز شود، تقریباً تمام امر شهوات برطرف می شود.

XII. برای رسیدن به عفت، اقرار و عشای ربانی و استفاده از دعاهای پرهیزکار لازم است.

اما استفاده مکرر از اعتراف و عشای ربانی بیشترین تأثیر را در سرکوب قدرت آن دارد. و به راستی دعای مستمر و پرهیزگارانه با خداوند همراه با زکات و روزه، زیرا عفت هدیه ای از جانب خداوند است که نه از حق طلبان آن را انکار می کند و نه اجازه می دهد که ما را بیش از حد توان وسوسه کنیم.

سیزدهم بدنی که پیرو عفت رام می کند.

اما بدن را نه باید با روزه، و به ویژه با آنهایی که کلیسای مقدّس برپا می کند، ورزش کرد، بلکه باید با احتیاط ها، زیارت های پرهیزگار، و انواع دیگر گرفتاری ها، و اشتهای حواس مورد سرزنش قرار گیرد. زیرا در این موارد و موارد دیگر از این دست فضیلت اعتدال عمدتاً دیده می شود. دی. پاولوس در نیت 3 به قرنتیان

چنین می نویسد: "هرکسی که در مسابقه مسابقه می دهد باید از همه چیز خودداری کند، و تا آنها تاجی فاسد دریافت کنند، اما ما تاجی فساد ناپذیر." و

') sancu Imag. فرمان .25 .Sess (* .تیم. 2، 9. ») اول کور. 15، 33 .I (« .حیوان خانگی. 3، 3 .I (' من کور. 9، 25. 27.

اندکی بعد می فرماید: «بدنم را تنبیه می کنم و به بردگی می اندازم، مبادا وقتی دیگران را موعظه می کردم، خود مذموم شوم». و در جای دیگر، «مواظب جسم باشید، مبادا این کار را از روی بی احتیاطی انجام دهید».

## فصل هشتم.
## از هفت فراسپتوس

خیر*) مرتکب سرقت خواهید شد.

I. این praceecdeepnttii b ucso m rcnoennndexaitoi.o و با چقدر است، dudbus pre-

این که این یک رسم قدیمی کلیسا بود، که نیرو و دلیل این حکم باید بر شنوندگان تأثیر بگذارد، نشان می‌دهد که در رسول 3) سرزنش کسانی که دیگران را از آن رذیله‌هایی که بیشتر در آن انباشته شده بودند باز می‌داشتند: «پس چه کسی به دیگری تعلیم می‌دهد و خود را تعلیم نمی‌دهد؟ او با این آموزه نیکو نه تنها گناهان مکرر آن دوران را اصلاح کرد، بلکه باعث آرامش جمعیت و اختلافات و سایر عوامل بدی شد که معمولاً ناشی از دزدی است. در آن جنایات و در ناراحتی‌ها و مصیبت‌های جنایات، زمانی که عصر ما نیز به بدبختی تبدیل شده است: به پیروی از پدران مقدس و معلمان تربیت مسیحی، کشیش‌ها این مکان را اجرا می‌کنند و پیوسته و مجدانه زور و نظر این حکم را توضیح می‌دهند. و اولین وظیفه و کوشش آنها اعلام محبت بی پایان خداوند به نوع بشر خواهد بود. که نه تنها با آن دو نهی: «قتل مکن» - «زنا مکن»، گویی با ضمانت‌ها، و جان و بدن و آبرو و هستی ما محفوظ می‌ماند: بلکه با این حکم. «تو دزدی نکن»، گویی از چیزها و قوای بیرونی نگهبانی و محافظت می کند.

## II. حکم موضوع این حکم چیست؟

اگر از احکام دیگر صحبت کنیم، اگر آنچه در بالا گفتیم، چه ایده ای اساسی دارند؟ یعنی خداوند این کالاهای ما را که تحت حمایت اوست، از بردن یا تجاوز به کسی باز دارد. هر چه احسان شریعت الهي بيشتر باشد، بيشتر بايد سپاسگزار خداوند، نويسنده احسان آن باشيم. و از آنجایی که بهترین دلیل برای داشتن و گزارش فیض برای ما پیشنهاد شده است، که نه تنها احکام را با میل و رغبت با گوش خود دریافت کنیم، بلکه

i) 21 ،2 .رام 13، 14. مثال. 20، 15. تثنیه. 5، 19. :)) روم

اجازه دهید آن را با این واقعیت ثابت کنیم: برای این مراسم، مؤمنان موظف هستند که برانگیخته و ملتهب شوند. حال این فرمان مانند دستورهای قبل به دو قسمت تقسیم می شود; دومی که دزدی را منع می کند، به وضوح بیان شده است. عقیده و زور دیگری که به موجب آن به مهربانی و سخاوت با همسایه امر شده است، در اولی پنهان و پیچیده است. پس از اولی ابتدا گفته می شود: «دزدی نکن» .

III. منظور قانونگذار از اصطلاح سرقت چیست؟

که در آن باید متوجه شد که اسم دزدی به این صورت نیست که چیزی از مالک ناخواسته به طور پنهانی گرفته شود، بلکه وقتی چیزی بیگانه برخلاف میل صاحب آگاه به تصرف درآید. رسول می نویسد: «لَیَرِثُ اللَّهِ لَیَرِثُ مَلَکُوتِ اللَّهِ» که از هر دلیل و عادتی دوری می‌کند، مگر اینکه فرض شود آن که اولی را نهی می‌کند، دزدی را که به زور و جراحت انجام می‌شود، به حساب نمی‌آورد، همان‌طور که رسول می‌فرماید: «لَیَرِثُ اللَّهِ مَلَکُ اللَّهِ». گرچه دزدی گناهی بزرگتر از دزدی است که علاوه بر اموالی که از کسی می گیرند، خشونت نیز به همراه دارد و موجب رسوایی بزرگتر می شود.

IV. از آنجایی که خداوند در اینجا می خواهد جلوی غصب ظالمانه مال دیگری را بگیرد، چرا به جای دزدی از دزدی یاد می کند؟

با این حال، جای تعجب نیست که حکم شریعت الهی، نه دزدی، باید با این نام سبک تر دزدی مشخص شود. زیرا این کار با نهایت دلیل انجام شد، زیرا دزدی گسترده‌تر است و به چیزهای بیشتری نسبت به سرقت مربوط می‌شود، که فقط توسط کسانی انجام می‌شود که قدرت و قدرت دارند. هر چند هیچ کس نمی بیند که به استثنای گناهان کوچکتر از یک نوع، جنایات شدیدتر نیز ممنوع است.

V. گسترده ترین انواع سرقت برشمرده شده است.

اکنون تصرف و استفاده ناروا از اموال دیگران با اسامي مختلف مشخص مي شود، از تنوع اشيايي كه از مالكان ناخواسته و ناخواسته گرفته مي شود. زیرا اگر چیز خصوصی از شخص خصوصی گرفته شود «سرقت» است. شلیک می شود؛ اگر از مردم ربوده شود، اختلاس نامیده می شود; اگر آزاد یا برده خارجی به بردگی گرفته شود، آن را «دزدی ادبی» می نامند. اما اگر امر مقدسی از بین برود، نام «حق مقدس» که ناپسندترین و مجرمانه‌ترین عمل است، چنان وارد شخصیت شده است که کالاهایی را که با تقوا و عاقلانه به عبادت مقدسات و خادمان کلیسا و استفاده فقرا نسبت داده شده است، تبدیل به شهوات شخصی می‌شود.

>) من کور. 6، 10. 2) اول کور. 5، 11

 آنها نه تنها از این دستور تخطی می کنند، زیرا دارای یک چیز خارجی هستند، بلکه در ذهن خود نیز وجود دارد.

اما در کنار خود دزدی، یعنی ربودن عقل و اراده خداوند از خارج نیز حرام است. زیرا این یک قانون روحانی است که ذهن، منبع افکار و برنامه ها را بررسی می کند. خداوند در قدیس متی 1 می گوید: " زیرا از دل بیرون می آید، افکار شیطانی، قتل، زنا، زنا، دزدی، شهادت های دروغین."

Vll. در اینجا می توانیم شدت سرقت را اندازه گیری کنیم.

اما این که جرم دزدی چقدر جدی است، خود زور و دلیل ماهیت به اندازه کافی نشان می دهد. زیرا مخالف عدالت است که به هر کس حق خود را می دهد. زيرا توزيع و تخصيص کالاها که از ابتدا به وسيله شريعت ملل مقرر شده و توسط قوانين الهي و بشري تأييد شده است، بايد تصويب شود، تا هر کدام، مگر اينکه بخواهيم جامعه بشري را از بين ببريم، آن چيزهايي را که به حق به او رسيده است، نگه دارد. زیرا چنانکه رسول می فرماید: «نه دزدان، نه حریصان، و نه مستان، و نه ملعونان، و نه درنده ها، وارث ملکوت خدا نمی شوند». گرچه بسیاری این جنایت را که منجر به سرقت می شود، صمیمانه و بی رحمانه اعلام می کنند. زیرا قضاوت‌ها به‌طور تصادفی و بدون مشورت انجام می‌شوند. کینه ها در می آید، دشمنی ها برمی خیزد، گاهی تلخ ترین محکومیت ها در حق مردم بی گناه وجود دارد.

هشتم. به این ترتیب آنها باید لزوماً بازسازی شوند.

چه بگوییم از آن ضرورتی که خداوند بر همگان تحمیل کرده است تا کسی را که چیزی از او گرفته شده راضی کند؟ آگوستین می‌گوید: «زیرا گناه بخشیده نمی‌شود، مگر اینکه به آنچه از بین رفته است بازگردانده شود. اعاده این که وقتی به غنی شدن توسط بیگانگان عادت کرد، چه دشوار است علاوه بر آنچه که هرکس می تواند از روی عادات دیگران و از روی عقل خود قضاوت کند، از شهادت حبقوم4) پیامبر فهمیده می شود، زیرا می فرماید: «وای بر کسی که مال خود را آنقدر زیاد کند و مال غلیظ را در برابر خود تشدید کند.» ظهور و خلاصی برای مردم دشوار است، اما دزدان آنقدر زیادند که برشمردن آنها بسیار دشوار است، از این رو، گفتن این دو مورد، دزدی و دزدی، که گویی در رأس آنها، به بقیه گفته می شود، برای بیزاری از افراد متخلف، کافی است. اجازه دهید بخش های واقعی از این نوع را دنبال کنیم.

') ریاضی. 15, 19. 3) 6 .o .153 .ep (' .I. Cor- 6, 10 «) حب. 2، 6

چیست و چه کسانی دزد هستند fnunrutmoerruamn d ig.e nera

بنابراین، دزدانی نیز هستند که چیزهایی را می خرند که با دزدی گرفته شده است، یا به نحوی چیزهایی را که پیدا، ضبط یا خریداری شده اند، نگه می دارند. برای سنت آگوستین *) می گوید: "اگر آن را پیدا کردی و پس ندادی، دزدیده ای." اما اگر به هیچ وجه نتوان صاحب کالا را پیدا کرد، آن کالا باید برای استفاده فقرا کمک شود. برای بازگرداندن کسانی که نمی توانند بیاورند، به راحتی ثابت می کند که اگر می توانست همه چیز را از او می گرفت. آنها خود را به همان جنایت می بندند، کسانی که در خرید و فروش اجناس تقلب می کنند و نماز باطل می کنند. خداوند انتقام فریبکاران اینها را خواهد گرفت. در این دسته از دزدان، متجاوزترین و نابکارترین آنها کسانی هستند که به جای کالاهای واقعی و کامل، کالاهای فریبنده و فاسد می فروشند. که با آن وزن، اندازه، عدد و قاعده خریداران را فریب می دهد. زیرا در سفر تثنیه 2 آمده است: "در کیف خود وزنهای متفاوت نداشته باشید." و در لاویان 3): «در قضاوت، در حکم، وزن و میزان، هیچ چیز ناعادلانه انجام ندهید، ترازوی عادلانه، و وزن مساوی، پیمانه عادلانه و ربع مساوی باشد». در جای دیگر نیز هست4): «وزن و ثقل نزد پروردگار مکروه است، ترازوی فریبنده خوب نیست». این دزدی به روی کارگران و صنعتگرانی نیز باز است که دستمزد کامل و کامل را از کسانی که خودشان به آنها کار عادلانه و شایسته ای نداده اند می خواهند. در واقع آنها را بندگان اربابشان از دزدان و نگهبانان خیانتکار متمایز نمی کنند. زیرا آنها حتی از دزدهای دیگر که با کلید بسته شده اند نیز منفورترند، زیرا هیچ چیز در خانه را نمی توان در برابر خدمتکار دزد مهر و موم کرد یا بست. علاوه بر این، به نظر می رسد که آنها مرتکب دزدی می شوند که با الفاظ دروغین و وانمودی یا با گدایی فریبکارانه اخاذی می کنند. گناهشان بزرگتر است، زیرا دزدی را با دروغ انباشته می کنند. آنها را نیز باید در شمار دزدانی قرار داد که به هنگام استخدام در برخی از مشاغل خصوصی یا دولتی، از انجام وظایف خود غفلت می کنند و کار کم یا زیاد انجام نمی دهند و فقط از ثواب و بهای آن برخوردار می شوند. تعقیب هر انبوه دزدی که توسط یک بخل باهوش که همه راه های پول را می داند، ابداع شده اند، طولانی است، و همانطور که گفتیم، از همه سخت تر.

## X. انواع سرقت ها چیست و سارقین را چه نامید؟

بنابراین به نظر می رسد در مورد سرقت که سر دوم این جنایات است گفته شود، در صورتی که کشیش قبلاً به مردم مسیحی هشدار داده بود که جمله آن رسول 5 را به خاطر بسپارند: «کسانی که می خواهند ثروتمند شوند به وسوسه و در دام شیطان می افتند». و در هیچ جا نباید به خود اجازه دهد که این حکم را حذف کند6): •) 8(7» 1 ..9 S e r m 1 ..T)i m1 » .I. م آ به.. 8 .7 ،12 «.)

Prov. 20، 23 (» .36 .35 ،19 لو. •) .13 ،15 دنت.

هر چه می خواهی مردان با تو بکنند، با آنها بکن. بنابراین سرقت ها بازتر هستند. زیرا کسانی که دستمزدهای مقرر را به کارگران نمی پردازند دزدانی هستند که سنت جیمز آنها را با این کلمات به توبه دعوت می کند: "ای ثروتمند، اکنون برو، گریه کن و بر مصیبت هایت که بر سرت خواهد آمد فریاد بزن." او علت توبه خود را می افزاید: «چرا که اینک مزد زحمتکشانی که زمینهای شما را درو کرده اند، که توسط شما فریب خورده است، فریاد می زند و فریادشان به گوش پروردگار سبعوت رسید». این نوع سرقت در لاویان 3، در تثنیه 4، در ملاکی 5) و توبیاس 6 به شدت مورد تایید نیست. در این جنایت غرض ورزی شامل کسانی می شود که مالیات و خراج و عشر و بقیه از این قبیل را که بر عهده حاکمان و حکام کلیسا است منحل و به خود منتقل نمی کنند.

XI. ارتکاب سرقت جرم است و این جرم چقدر جدی است.

در اینجا نیز به مال خواران در شدیدترین و تلخ ترین دزدی ها اشاره می شود که بینوایان را با ربا جمع آوری و سلاخی می کنند. امّا ربا است، هر چه به اضافه قرعه و آن سر داده شود; چه پول باشد، چه هر چیز دیگری که می توان با پول خرید یا ارزش گذاری کرد. زیرا در حزقیال 7 چنین نوشته شده است: "او با بهره قرض نداد و دیگر نگرفت" و خداوند در لوقا 8: "قرض دهید بدون هیچ انتظاری." این همیشه جدی ترین کار، حتی در میان غیر یهودیان، و نفرت انگیزترین بود. از این رو 9) : «چه قربانی شود؟ می گوید مرد را کشتن چیست؟». برای کسانی که قرض دارند همان چیزی را دو بار بفروشند یا چیزی را بفروشند که آنجا نیست. XII. قاضی فروش و crmeidtittuonrtu.m کلاهبرداران سرقت -com

همینطور قضات مالی که برای فروش قضاوت می کنند دزدی می کنند و با قیمت و رشوه بهترین پرونده فقرا و نیازمندان را زیر و رو می کنند. کلاهبرداران و کلاهبرداران طلبکاران و کسانی که پس از مدتی برای پرداخت به اعتبار خود یا دیگری اجرت میخرند و اعتبار را برنمیدارند به همان جرم سرقت محکوم میشوند. جنایت آنها حتی جدی تر است، زیرا بازرگانان آنها به مناسبت ناامیدی و کلاهبرداری، همه چیز را گرانتر به ضرر دولت می فروشند. به نظر می رسد که جمله داوود در مورد او موافق است 10: "گناهکار قرض می گیرد و بازپرداخت نمی کند."

') تاب. 4، 16. یاس. 5، 1. 4. ">) لاوی 19، 13. 4) تثنیه 24، 14. ") ص 36، 21. ><>) مای، 3< 6. ") توب. 15 4j.

سیزدهم ثروتمندانی که با نذرهای دزدیده شده بر فقرا ستم می کنند، در زمره دزدان به حساب می آیند.

چه بگوییم از ثروتمندانی که از کسانی که حاضر به پرداخت قرض خود نیستند با تلخی بیشتری طلب می کنند و حتی آن بیعت هایی را که در برابر حرام الهی برای حفظ بدنشان لازم است می گیرند؟ زیرا خداوند می فرماید 1: «اگر جامه ای از همسایه به گرو بگیری، قبل از غروب آفتاب به او برگردان؛ زیرا کفی که با آن پوشیده شده، جامه ی گوشت اوست و چیز دیگری برای خوابیدن ندارد و اگر به من گریه کند، او را می شنوم که من مهربانم». شدت این تجاوزات را به درستی غرض ورزی و تا آن حد دزدی می نامیم. چهاردهم آنها دزدانی هستند که غلات را در وقت نیاز خرد می کنند.

از تعداد کسانی که قبایل مقدس پا را دزد می نامند، کسانی هستند که دانه را به دلیل کمبود غلات به دانه فشار می دهند و آن را به گونه ای می سازند که عیب آنها عزیزتر و سخت تر باشد، که در همه چیزهای لازم برای رزق و روزی و زندگی نیز صادق است. لعنت سلیمان متعلق به اوست: "کسی که غلات را پنهان می کند در میان مردم ملعون خواهد شد." کسانی که با یادآوری جنایات خود، کشیش ها آزادانه تر متهم می شوند و مجازات های پیشنهادی برای آن گناهان را به وفور توضیح می دهند. این چیزها حرام است; اکنون به دستوراتی می رسیم که در آن رضایت یا استرداد حرف اول را می زند. گناه 3) بخشیده نمی شود، مگر اینکه آن چیزی که برداشته شده است، بازگردانده شود.

15 باید قضاوت شود که آنها موظف به بازگرداندن چه کسانی هستند.

اما از آنجایی که نه تنها کسی که دزدی را مرتکب شده است باید آن را به کسی که از او دزدیده شده است بازگرداند، بلکه همه کسانی که در سرقت شرکت کرده اند به این قانون استرداد ملزم هستند: باید مشخص شود که چه کسانی هستند که نمی توانند از این ضرورت رضایت یا استرداد فرار کنند. اکنون چند نوع مرد وجود دارد. و اولین آنها از کسانی است که دستور دزدی می دهند، که نه تنها خود شریک جرم و نویسندۀ دزدی ها هستند، بلکه وحشتناک ترین آنها در آن طبقه از دزدها هستند. طبقه دیگری که از نظر اراده با اولی ها برابری می کند، از نظر قدرت نابرابر، اما در ردیف دزدان قرار نمی گیرند، کسانی هستند که وقتی نمی توانند فرماندهی کنند، مشوق و محرک دزدی هستند. دسته سومی از کسانی هستند که با دیوانگان موافق هستند. دسته چهارمی از کسانی هستند که در دزدی ها شریک می شوند و از این طریق خودشان سود می برند، اگر سودی گفته شود که اگر آن را پس ندهند، آنها را به عذاب ابدی می برد. که داوود چنین می گوید: "اگر دزدی را دیدی، با او دویدی." قسم پنجم دزد است که در عین حال که می توانند جلوی دزدی ها را بگیرند، فقط به اندازه ای دور است که با آنها روبرو شود و در برابر آنها مقاومت کند تا آنها اجازه دهند و اجازه دهند. کلاس ششم

») مثال 22، 26. 27. *) Prov. 11، 26 ") اوت قسمت 153. ج 7. ") ص8. 49، $x$.

او از کسانی است که با اطلاع دقیق از زمان وقوع و محل وقوع آن، حقیقت را فاش نمی‌کند، بلکه وانمود می‌کند که آن را می‌داند.

آخرین طبقه آن است که شامل همه یاوران و اولیاء و حامیان دزدان و کسانی است که به آنها سرپناه و مسکن می دهند. همه باید کسانی را که چیزی از آنها سلب شده راضی کنند و با انرژی آنها را به این وظیفه ضروری تشویق کنند. تاییدکنندگان و مداحان دزدی حتی در بدترین جنایت هم اصلا تجربه ندارند. در واقع فرزندان خانواده و همسرانی که از پدران و شوهران خود پول می دزدند نیز به همین گناه مقصر نیستند.

16 در مورد صدقه که در اینجا نیز به صورت احاطه ای تجویز شده است، چه فکری باید کرد؟

اما همین امر و آن نظر فرعی این است که به فقرا و نیازمندان رحم کنیم و با امکانات و وظایف خود سختی ها و گرفتاری های آنان را برطرف کنیم. این برهان، چون باید زیاد و فراوان به آن پرداخته شود، کشیشان آن را از کتب مقدس ترین مردان کیپریان، جان کریستوم، گریگوری نازیانزوسی و دیگران که در انفاق بسیار عالی نوشته اند، درخواست خواهند کرد و از این خدمت راضی خواهند شد. زیرا آنها وفادارند تا غیرت و غیرت کمک به کسانی را که باید با رحمت دیگران زندگی کنند، شعله ور کنند. اما چیزهایی هم هست که باید انفاق کرد. به راستی که ما در کارها و کارهای خود نسبت به نیازمندان آزاده باشیم، بر آن حجت بسیار راستین، که در آن روز قیامت، خداوند از آنان بیزاری می‌گیرد و آنان را به آتش جاودان می‌سپارد که از صدقه کوتاهی کرده‌اند و کوتاهی کرده‌اند. و ستودشدگان را که به نیازمندان نیکی کردند، به سرزمین آسمانی خواهد آورد. هر دو جمله توسط دهان خداوند مسیح بیان شده است: " بیایید نزد مبارک پدرم، ملکوتی را که برای شما آماده شده است، در اختیار بگیرید" و: "از من دور شوید ملعون در آتش ابدی."

17 به این وسیله مردم را به صدقه برسانید.

علاوه بر این، کشیشان سازگار با آنها از عباراتی برای متقاعد کردن استفاده می کنند: "ببخش و به تو داده خواهد شد." آنها وعده خدا را به زبان خواهند آورد، که در آن هیچ چیز غنی تر، هیچ چیز باشکوه تر حتی نمی توان فکر کرد: "هیچ کس نیست که خانه را ترک کند، و غیره، که اکنون در این زمان صد برابر دریافت نکند، - و در جهان آینده، زندگی ابدی." آنها آنچه را که مسیح خداوند فرموده است اضافه خواهند کرد: "از مامون گناه دوستی کنید تا وقتی نجس شدید، شما را در خیمه های جاودانی بپذیرند." آنها قسمت های ضروری این تابع را توضیح خواهند داد

3) مت. 25، 34. 41. 2) لوقا 6، 38. *) W»rC. 10، 29، 30 *) لوقا 16، 9

کسانی که نمی توانند به نیازمندان بدهند و با آن زندگی خود را تامین کنند، حداقل طبق دستور مسیح خداوند ج به فقرا قرض دهند: "وام بدهید، بدون هیچ انتظاری." و سعادت از این امر را داوود تبارک و تعالی بیان فرمود: «مردی پسندیده که رحم کند و قرض دهد».

18 برای دوری از کار elereamnodsyunma s e,st .o tiique

اما این تقوای مسیحی است، مگر اینکه در جای دیگر فرصتی برای کسب سود برای کسانی باشد که برای امرار معاش خود به رحمت دیگران نیاز دارند، از اینکه با زحمت، کار و دست به چیزهایی که نیازمندان می توانند رفع نیاز کنند، حتی برای بطالت، خودداری کنند. رسول با مثال خود در نامه به تسالونیکیان به این همه توصیه می کند: "زیرا شما خود می دانید که چگونه باید از ما تقلید شود." همچنین به همان 4): «کار کنید تا ساکت شوید و تجارت خود را انجام دهید و با دستان خود کار کنید، چنان که ما به شما امر کرده ایم». و به افسسیان 5: "کسی که دزدی کرد، دیگر دزدی نکند، بلکه باید بیشتر تلاش کند و با دستان خود کارهای نیکو کار کند، تا داشته باشد و آنچه را که لازم است به صابران بدهد."

19 ما باید با صرفه جویی زندگی کنیم تا نیاز دیگران را برطرف کنیم.

همچنین مستحب است که صرفه جویی کنیم و از مال دیگران دریغ نکنیم، تا مبادا برای دیگران سنگین و دردسر شویم. که البته اعتدال در همه رسولان می درخشد، اما به ویژه در پولس الهی که به تسالونیکیان 6 است برجسته می شود: "ای برادران، شما به زحمت و خستگی ما توجه دارید، شب و روز کار کنید تا مبادا بر هیچ یک از شما سنگینی کنیم، ما انجیل خدا را در میان شما موعظه کردیم." و همین طور در جای دیگر از رسول 7: «شب و روز با زحمت و خستگی، مبادا بر هیچ یک از شما تکلیف کنیم».

20 با چه وسیله ای باید مردم مسیحی را به انزجار دزدان و مطالعه مهربانی کشاند.

اما برای اینکه مردم مؤمن از این دسته از اعمال ناپسند منزجر شوند، مساوی است که شبان را از پیامبران بخواهیم و از بقیه نکوهش دزدان و راهزنی ها و تهدیدهای هولناکی را که خداوند برای مرتکبان آن جنایات می کنند، از کتب الهی بگیریم. عاموس نبی فریاد می زند: «این را بشنو ای که فقیران را درهم می کوبید و نیازمندان زمین را ناتوان می کنید و می گویید: ماه کی می گذرد و مزد و سبت را می فروشیم و ذرت را می گشاییم تا پیمانه را کم کنیم و مثقال را زیاد کنیم و ترازوی متقلبانه بگیریم؟ در ارمیا، امثال و جامعه نیز به همین عقیده بسیاری وجود دارد.

<) لو 6، 35. 2) ص. 111، 5. 3) I. Thes. 4، II (* .H. Thes. 3،7. (* اف. 4، 28. «) I. Thess. 2، 9.
اعمال رسولان. 20، 34. 8 .8 ،II. Thes. 3 ('t Cor. 4، 12.) آموس 8، 4. مربع

سیاتیک J). در واقع جای تردید نیست که این بذر بدی ها که بدی های این عصر به وسیله آن ها ستم می شود، تا حد زیادی در این علل گنجانده شده است. درست است که مسیحیان باید مردان را عادت دهند که همه وظایف گشاده رویی و مهربانی با نیازمندان و گدایان را که متعلق به بخش دیگر این حکم است، انجام دهند. کاهن بزرگترین پاداش ها را خواهد داد، که خداوند وعده داده است که منافع و موهبت ها را هم در این زندگی و هم در زندگی آینده خواهد داد. XXI در مورد آنها چه فکری باید کرد؟

اما از آنجا که کسانی که خود را در دزدی نیز معذور می‌کنند، بی‌نیازند، باید به آنها تذکر داده شود تا خداوند هیچ عذری را برای گناه آنها بپذیرد. بلکه آینده خواهد آمد تا با آن گناه پاك کننده به هیچ وجه برطرف نشود، بلکه به گونه اي عجیب بر آن افزوده شود. بنگرید، تجملات مردان نجیب که ظاهراً از گناهشان می کاهد، اگر تصدیق کنند که از روی طمع یا بخل نمی آیند تا دیگران را کم کنند، بلکه به خاطر حفظ بزرگی خانواده خود و اجدادشان که عزت و حیثیتشان از بین می رود، مگر اینکه با افزودن دارایی های خارجی حمایت شوند. خطای مهلک آنها باید نجات داده شود و در عین حال نشان دهند که یک دلیل برای حفظ و گسترش نیروها و ثروت و جلال اجدادشان وجود دارد، اگر با اراده خدا منطبق باشند، اگر دستورات او را رعایت کنند، که به موجب آن تحقیر ثروت بنیاد شده و تثبیت شده ساقط می شود. پادشاهان از تاج و تخت پادشاهی و از بالاترین درجات شرافتی ساقط می شوند که به جای آنها پست ترین مردم و کسانی که از آنها نفرت بیشتری داشتند، الهی خوانده می شوند. باور نکردنی است که چقدر خدا با آنها عصبانی است. که شاهد آن اشعیا 2 است) که در آن سخنان خدا آمده است: «امیران بی وفا تو، اصحاب دزد، همه هدایا را دوست دارند، از مجازات پیروی می کنند. به همین دلیل خداوند، خدای لشکرهای نیرومند اسرائیل گفت: افسوس، دشمنان خود را تسلی خواهم داد و از دشمنان خود انتقام خواهم گرفت و اراده خود را به سوی شما خواهم سوزاند. تفاله."

22 ما به کسانی که ادعا می‌کنند که راحت به ربودن دیگران سوق داده‌اند، چه پاسخی بدهیم؟

کسانی که دیگر آن اسباب شکوه و جلال را به ارمغان نمی‌آورند، نمی‌خواهند، بلکه وسایل راحت‌تر و ظرافت معیشتی و زندگی را به ارمغان می‌آورند. کسانی که باید مورد سرزنش قرار گیرند و تعلیم دهند که عمل و دعای آنها چقدر بی شرمانه است، کسانی که هر آسایشی را بر خواست و جلال خدا مقدم می دارند، که ما با غفلت از دستورات او به طرز شگفت آوری به آنها برخورد می کنیم. اگرچه چه مزیتی در سرقت می تواند داشته باشد، اما بزرگترین معایب آن چیست؟ جامعه 3 می گوید: «

برای دزد، سردرگمی و >) جر. 5، 27. 23. 6 ،21 .Prov. اکلوس. 10، 9. *) است.
1، 23-2G. 3) 17 ،5 قفل

«توبه». اما بگذارید اینطور باشد تا با آنها برخورد ناخوشایندی نداشته باشد: دزد نام الهی را بی حرمتی می کند، با مقدس ترین اراده او در تضاد است، احکام نجات بخش او را تحقیر می کند. همه خطاها، همه بی تقوایی ها، همه بی تقوایی ها از کدام منبع سرچشمه می گیرد.

چه می شود گاهی اوقات از دزدانی بشنویم که ادعا می کنند با گرفتن چیزی از افراد ثروتمند و فراوان هیچ اشتباهی نکرده اند و با گرفتن آن هیچ ضرری ندارند و حتی آن را احساس نمی کنند؟ در واقع یک دفاع بدبخت و آفت آور. دیگری فکر می کند که باید رضایت او را پذیرفت، زیرا عادت به دزدی را در پیش گرفته است، به طوری که نمی تواند به راحتی از آن فکر و عمل دست بکشد; که اگر رسول را نشنود که می‌گوید: «کسی که ربوده شد، دیگر دزدیده نمی‌شود». او خواه ناخواه عادت به مجازات های ابدی را نیز در پیش می گیرد.

24 دوباره به کسانی که با فرصت یا میل انتقام به دزدی سوق داده می شوند، چه باید گفت؟

عده‌ای هستند که با این فرصت، خود را به خاطر گرفتن چیزی از دیگری معذور می‌کنند. این یک ضرب المثل است: دزدهایی که نیستند، مناسبت می شوند. که از این رو، نظر بدی دارند که می‌گویند: باید در برابر خواسته‌های شیطانی مقاومت کرد. زیرا اگر آن چیزی که شهوات به آن متقاعد شده است، فوراً محقق شود، چه روشی است، عاقبت جنایات و اعمال ناشایست چیست؟ پس این دفاع شرم آورترین دفاع یا بهتر است بگوییم اعتراف به بزرگترین ارعاب و بی عدالتی است. زیرا کسی که می‌گوید گناه نمی‌کنم چون فرصت گناه ندارد، به همین ترتیب اعتراف می‌کند که همیشه در مناسبت تقدیم گناه خواهد کرد. کسانی هستند که می گویند برای انتقام دزدی می کنند، زیرا از همان جراحت دیگران متضرر شده اند. که باید اینگونه پاسخ دهیم: اولاً هیچ کس مجاز به تعقیب خطا نیست. پس هیچ کس نمی تواند قاضی امر او باشد. پس کمتر عطا کن تا عذاب دیگران را از گناهانی که دیگران به او کرده اند تکرار کنند. 25 چه چیزی باید به آنها گفته شود تا از قرض آزاد شوند.

در نهایت، در واقع، تصور می‌شود که دزدی به اندازه کافی از آن دفاع می‌شود و تحت پوشش آن دلیل قرار می‌گیرد، که وقتی بدهی به آنها ستم می‌شود، نمی‌توانند از آن رهایی یابند، مگر اینکه با دزدی آن را منحل کنند. ما باید به این ترتیب عمل کنیم: هیچ بدهی جدی‌تر نیست، و چه چیزی برای نسل بشر مهم‌تر از آن بدهی است که هر روز در دعای الهی آن را به یاد می‌آوریم: «قرض ما را ببخش». بنابراین دیوانه ترین مرد، بیشتر

>) Epb. 4، 28. 2) 12 ،6 .مت

 بخواهد به خدا مدیون باشد، یعنی
بیشتر گناه کند، تا بدهی انسان را از بین ببرد، و بسیار بهتر از دستور دادن به عذاب های جاودانه جهنم عمل کند. اینکه محکوم شدن به حکم خدا بسیار جدی تر از انسان است. علاوه بر این، خود مبتلایان باید به یاری و رحمت خداوند پناه ببرند که می توانند آنچه را که نیاز دارند از او به دست آورند. عذرهای دیگری نیز وجود دارد که شبانان عاقل و کوشاترین آنها در انجام وظایف خود به راحتی می توانند به آن دست یابند تا گاه مردم را در پی کارهای نیک قرار دهند.

## فصل نهم از

## فرمان هشتم.

شما علیه همسایه خود شهادت دروغ نمی دهید.

1. این حکم چه فایده ای را درک می کند.

تا چه اندازه تبیین مداوم این حکم، و توصیه تکلیف، نه تنها مفید، بلکه ضروری است، مرجع دی جیمز در آن کلمات به ما یادآوری می کند: «اگر کسی در کلام خود لغزش نکند، این انسان کامل است». و همان: "زبان به راستی عضو کوچکی است، و بسیار سرافراز می کند: ببین چقدر آتش! چه جنگل بزرگی می سوزاند!" و آنچه در ادامه می آید در همین نظر. دو چیز را به او نصیحت می کنیم: اول این که این عیب زبان به طور گسترده آشکار شود. که این جمله پیامبر نیز مؤید آن است: «هر کس دروغگو است». به طوری که این تقریباً یک گناه است که به نظر می رسد متعلق به همه مردم است. ثانیا ، بدی های بیشماری از آنجا سرچشمه می گیرد، هنگامی که منابع، شهرت، جان و امنیت روح به تقصیر مرد ملعون یا مجروح بریده می شود، زیرا او نمی تواند توهین ها را تحمل کند، بلکه با عقل ناتوان به دنبال آنها می رود. یا از کسی که صدمه می زند، زیرا شرم و عقیده نادرست او را از خود دور می کند و نمی توان او را راضی کرد که آزرده شده است. از این رو در این مکان به مؤمنان هشدار داده می‌شود که تا آنجا که می‌توانند خدا را به خاطر این دستور مفید که شهادت دروغین ندهند، شکر کنند. که به موجب آن نه تنها خودمان از ظلم به دیگران نهی می شویم، بلکه با این اطاعت از ظلم به دیگران نیز منع می شویم.

## 77. جمله موضوع این قاعده چیست؟

درست است که این حکم به همان شیوه و روشی است که ما در بقیه پیش بردیم. تا دو قانون در آن متوجّه شود: دومی نهی از دروغ گفتن

') مثال 20، 16. تثنیه. 5، 20. 2) یاس. 3، 2. 5. *) ص. 115، 11. اکلوس. 20، 28. روم. 3، 4

شهادت و دیگری، تا با حذف تقلب و فریب، گفتار و کردار ما با حقیقت بسیط سنجیده شود. رسولی که در مقام او افسسیان را با این سخنان تشویق کرد: "با انجام حقیقت در عشق، در او در همه چیز رشد کنیم."

III. به خصوص در این دستور چه چیزی باید رعایت شود؟

اما قسمت اول این قاعده این دلیل را دارد که اگرچه نام شهادت کذب بر آن دلالت دارد، هر چه در دادگاه و یا خارج از دادگاه دائماً به نفع دیگری گفته شود یا در خارج از دادگاه، اما شهادتی که در دادگاه توسط هیئت منصفه به دروغ در دادگاه داده شود، مخصوصاً ممنوع است. زیرا گواه به خدا سوگند یاد می کند که دعای کسی که به این ترتیب شهادت می دهد و اسم الهی را در میان می گذارد، ایمان و وزن زیادی دارد. بنابراین، چون این شهادت خطرناک است، از این رو ممنوعیت خاصی دارد; برای شاهدان سوگند، مگر اینکه با استثنائات مشروع کنار گذاشته شوند یا عدم صداقت و انحراف آنها آشکار باشد، حتی خود قاضی نیز نمی تواند آنها را رد کند. مخصوصاً هنگامی که دستوری از شریعت الهی وجود داشته باشد، به طوری که «هر سخنی در دهان دو یا سه نفر باشد». اما بگذارید مؤمنان این حکم را به وضوح درک کنند. به آنها تعلیم داده می شود که منظور از همسایه چیست که شهادت دروغ بر آن به هیچ وجه جایز نیست.

## IV. نام بعدی چه کسی اینجاست؟

اما همسایه است، همانطور که ما از تعلیم مسیح خداوند جمع آوری می کنیم، 3) هرکسی که به خدمات ما نیاز دارد، خواه از خویشاوند باشد، خواه غریب، یا شهروند، یا بیگانه، خواه دوست باشد یا دشمن. زیرا این گمان غلط است که گفتن سخن دروغ به عنوان شهادت بر دشمنانی که به امر خدا و پروردگارمان لازم است آنها را دوست بداریم، اشتباه است. به علاوه، چون هرکس به نحوی به خود نزدیک است، شایسته نیست کسی بر علیه خود شهادت دروغ دهد. که کسانی که مرتکب آن می شوند و خود را با نشانه ای از رسوایی و خواری مجروح می کنند، هم به خود و هم به کلیسایی که اعضای آن هستند آسیب می رسانند. به این ترتیب حتی کسانی که خود را از مرگ آگاه می کنند به دولت آسیب می رسانند. زیرا در مورد قدیس آگوستین 4 چنین است: "به درستی عاقل نمی‌توان فهمید که برای هر انسانی ممنوع نبود که بر علیه خود شهادت دروغ دهد، به آنچه در این دستور اضافه شده است: علیه همسایه خود. اما نه به این دلیل، اگر هر کس بر علیه خود شهادت دروغ بدهد، خود را با این جنایت بیگانه می‌پندارد؛ وقتی که همسایه خود را از محبت خود دریافت کرده است."

۵- شهادت دروغ به نفع همسایه و دروغ گفتن جایز نیست. اما از آنجایی که ما ممنوع شده ایم که با شهادت دروغ به همسایه خود آسیب برسانیم، بنابراین هیچ کس فکر نکند که برعکس آن برای ما مجاز است، همانطور که ای افس 4:15. *) D eut 19:

15. 18، 16. ») لو. 10، 29 متر مربع 4) شهروند دی 1. 1. ج 20.

با متقاعد کردن، ممکن است اجازه داده شود که او را که طبیعت و مذهب با ما متحد می کند، چیزی مفید یا سودمند، آشتی داد. زیرا هیچ کس نباید دروغ و باطل را مطالعه کند، چه رسد به سوگند دروغ. از این رو

آگوستین قدیس در دروغ گفتن به کرسنتیوس اول) از نظر رسول تعلیم می دهد که دروغ در شهادت های دروغین به حساب می آید، حتی اگر در ستایش دروغین گفته شود. برای پرداختن به آن قطعه 2): و

همچنین یافت شدیم که شاهدان دروغین خدا هستیم، زیرا بر ضد خدا شهادت داده ایم که مسیح را زنده کرد، کسی که او را زنده نکرد، اگر

مردگان برنمی خیزند: رسول می گوید: «کاذب، اگر کسی در مورد مسیح و آنچه به نظر می رسد متعلق به ستایش اوست دروغ بگوید، رسول آن را شهادت می خواند.»

### 6. چه بسیار بدهایی که با شهادت دروغ به نفع دیگری حاصل می شود.

اغلب اوقات نیز اتفاق می افتد که کسی که طرفدار دیگری است، با دیگری مخالفت می کند. یقیناً علت خطا نزد قاضی مطرح میاشود که با حضور شهود دروغین، حق را به باطل تشخیص میادهد و ناچار به قضاوت میاشود. گاهی نیز پیش می آید که کسی که به واسطه شهادت کذب کسی در قضاوتی برنده شده و آن را از مجازات خارج کرده است: با خوشحالی از پیروزی ناعادلانه خویش به فاسد کردن و به کارگیری شاهدان دروغین عادت کرده است که با زحمات آنها امید دارد که به هر چه می خواهد برسد. در حقیقت دردناک ترین چیز برای خود شاهد این است که حتی کسی که با سوگند دروغ به او آسوده و کمک کرده، دروغگو و سوگند دروغ شناخته شود، و چون جنایت از وجدانش جایگزین او می شود، هر روز بیشتر تربیت می گیرد و عادت به بي تقوا و جسارت می کند.

### VII. گناهان همه کسانی که قضاوت می کنند و هر دروغی در جهان هستی با این فرمان منع شده است.

بنابراین، همانطور که غرور، دروغ و سوگند دروغ گواهان، همچنین از متهمان و مجرمان، و از مشاوران، وکلای دادگستری، وکلای مدافع، و در نهایت از همه کسانی که قضاوت می کنند، ممنوع است. در نهایت، خداوند هرگونه شهادت را نه تنها در دادگاه، بلکه در خارج از دادگاه که ممکن است باعث ناراحتی یا ضرر برای دیگری شود، ممنوع کرده است. زیرا در لاویان 3 است)، جایی که این احکام تکرار شده است، با این کلمات: "دزدی نکن، دروغ مکن، و هیچ کس همسایه خود را فریب ندهد"، به طوری که هیچ کس نمی تواند شک داشته باشد که هر دروغی توسط خدا در این حکم محکوم است. داوود بسیار آشکارا به این صورت شهادت می دهد: «هر کس را که دروغ می گویند نابود می کنی».

22 «) از ترمیم. ج 12 مربع ») LeT. 19، 11 (» .15 ،C«r. 15 .I. *) ص. 5، 7

Catechism، Trkl را امتحان کنید.

هشتم. این حکم تا رذیله خواری نیز تسری یافته است.* حال این حکم نه تنها شهادت دروغ را نهی می کند، بلکه از شهوت و عادت منفور به انحراف از دیگری نیز نهی می کند که باور نکردنی است که از آن چه بسیار و چند و چه قدر وخیم و ناخوشایند و شیطانی زاده می شود. این رذیله دشنام دادن و ناسزا گفتن در خفا به دیگران، حروف الهی را نفی می کند. دیوید1 گفت: «وقتی این بود، من غذا نمی‌خوردم، و یعقوب قدیس: «2) برادران من، از یکدیگر خوار نشوید.» و در واقع احکام نه تنها حروف مقدس هستند، بلکه نمونه‌هایی را نیز ارائه می‌دهند که به وسیله آن عظمت جنایت اعلام می‌شود. چون هامان 3) با ارتکاب چنین جنایاتی، آهاشورش را با ارتکاب چنین جنایاتی، به آتش بکشید، به طوری که او دستور داده شد که همه امت او را به قتل برساند. با نمونه‌هایی از این دست بازگو می‌شود، مراسم بزرگداشت آن، کشیش‌ها تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا مؤمنان را از نادرستی این موضوع باز دارند.

9 در چه تعداد dbtrectare باید گزارش شوند.

اما برای اینکه قوه این گناه که به وسیله آن از دیگری سلب می شود کاملاً فهمیده شود، باید دانست که نه تنها برای اهانت به آبروی مردم استفاده می شود، بلکه از طریق افزایش و تشدید جنایات نیز به کار می رود، و اگر چیزی مخفیانه توسط شخصی انجام شده باشد، که در صورت رفع آن، شهرت سنگین یا شرم آور است: کسی که به وسیله شریعت آن را منتشر می کند، در جایی که آن چیزی را فرا می خوانند و آن را ناپسند می کند. تهمت زن و نفرین کننده حقیقت همه تهمت ها سرمایه ای بیشتر از کسانی نیست که به دکترین کاتولیک و مبلغان آن تهمت می زنند. در همین تقصیر کسانی هستند که معلمان آموزه ها و خطاهای بد را می ستایند.

X. کسانی که سخنان بدخواهان را می شنوند، یا بین دوستان اختلاف می افکنند، بدخواه هستند.

در واقع آنها از تعداد و گناه این مردان جدا نیستند، کسانی که گوش خود را به روی تهمت‌زنان و نفرین‌کنندگان باز می‌کنند، تهمت‌زنان را سرزنش نمی‌کنند، بلکه با کمال میل با آنها موافق هستند. زیرا برای تحقیر کردن، یا شنیدن یک تحقیر کننده، بنویسید سنت جروم 4) و برنارد 6) که لعنت برانگیزتر است، به آسانی ثابت نمی شود. زیرا اگر کسانی نبودند که بدخواهان را بشنوند، هیچ مخالفی وجود نداشت. آنان از همین طبقه اند که با تدبیرهای خود مردم را منحرف می کنند و در میان خود مرتکب می شوند و از اختلاف افکنی بسیار لذت می برند تا با سخنان نادرست عالی ترین انجمن ها و جوامع را از بین ببرند و دوستانه ترین مردان را به دشمنی جاودانه و اسلحه بکشانند. خداوند از این طاعون متنفر است.

(* 13. استث. ج U. 8 ,1) حکمت 24. ,4 امثال. 11. ,4 جیمز 2) 5. ,100 است.
op. (•٪ ") 13 ,2 .در نظر بگیرید ") Lev. 19، 16.

تو متهم خواهی بود و من در میان مردم نجوا نخواهم کرد.» بسیاری از مشاوران شائول چنین بودند که اراده او را از داوود بیگانه کردند و سعی کردند او را به پادشاهی تشویق کنند.

XI. رضایت نیز در این قانون ممنوع است.

سرانجام چاپلوسان و چاپلوسان در این قسمت گناه می کنند که تملق و ستایش ساختگی را در گوش و دل کسانی می ریزند که فضل و مال و آبرویشان را می جویند و چنانکه در پیامبر(1) آمده است: «شر خیر است و نیکی بد است». داوود در آن دعا ما را نصیحت می کند2: "عادلان مرا در رحمت سرزنش خواهند کرد و مرا ملامت خواهند کرد، اما روغن گناهکار به سر من نخواهد رسید." زیرا هر چند اینها کمترین همسایه خود را نفرین نمی کنند، اما بیشترین ضرر را به او وارد می کنند، که حتی با ستایش گناهانش، تا زمانی که زنده است، به خود باعث می شوند که در رذایل او ادامه دهند. و همانا در این طبقه آن رضایتی است که بدتر است که بیشتر به مصیبت و هلاکت همسایه وابسته است. بنابراین، هنگامی که شائول می خواست داوود را در معرض خشم و شمشیر فلسطینیان قرار دهد تا او کشته شود، او را با این جملات تملق گفت: "اینک دختر بزرگ من مروب، او را به همسری به تو خواهم داد، فقط مردی دلیر باش و در جنگ های خداوند شرکت کن." XII. دوستان، چگونه می توانند به طور مخربی به یک دوست بیمار خطرناک رضایت دهند.

اما بسیار زیانبارتر سخنان دوستان و خویشاوندان و خویشاوندان است که گاه با رضایت از آن علیه خود استفاده می کنند که اگر در آخرین نفس به بیماری مهاکی مبتلا شده باشند، در حالی که تأکید می کنند خطر مرگ برایشان وجود ندارد. در حالی که او را به شادی و نشاط امر می کنند و او را از اعتراف به گناهان خود از غم انگیزترین فکر باز می دارند. در حالی که، در نهایت، آنها ذهن او را از هرگونه مراقبت و مراقبه در مورد خطرات شدیدی که بیشتر درگیر آن است منحرف می کنند. بنابراین باید از هر نوع دروغی پرهیز کرد، اما مهمتر از همه از دروغ هایی که می تواند آسیب جدی به کسی وارد کند. اما بدترین دروغ زمانی است که کسی در مورد دین یا در مورد دین دروغ بگوید.

سیزدهم نویسندگان جزوه های معروف به شوخی یا به خاطر تکلیف و منافقان نیز به این دستور تجاوز می کنند.

اما خداوند از آن ملعونان و ناسزاگویان که مرتکب افتراهای معروف و دیگر توهینهای از این دست میشوند نیز سخت آزرده میشود. علاوه بر این، من برای فریب دادن به خاطر سرگرمی یا انجام وظیفه، دروغ می گویم، حتی اگر هیچ کس در آن نباشد، چه ضرر و چه ضرر.

') من». 5، 20. !) ص. 140، 5.>) 4 .I. Reg. 18، 17) مت. 22، 1G. مرقس 12، 14. لوقا 20، 21

اما هنگامی که او این کار را انجام داد، کاملاً بی ارزش است. زیرا رسول ما را چنین اندرز می دهد: «هنگامی که دروغ می گویید، راست بگویید». زیرا در او تمایل زیادی به دروغ های مکرر و شدید وجود دارد و انسان ها از دروغ های شوخی به دروغ گفتن عادت می کنند. از آنجا به این باور می رسند که واقعیت ندارند. از این رو، برای اینکه نمازشان وفادار باشد، باید پیوسته قسم بخورند. بالاخره در قسمت اول این فرمان، تظاهر باید نفی شود، نه تنها آنچه به ظاهر گفته می شود، بلکه آنچه انجام می شود با جرم مرتبط است. زیرا هم گفتار و هم کردار معلوم است و نشانه های حتمی آن چیزهایی است که در دل هر یک است، و به همین دلیل خداوند اغلب فریسیان را به ریاکاری متهم می کند. و این را از امر سابق که مربوط به نهی است می خواند. اکنون آنچه را که خداوند در دومی امر کرده است توضیح خواهیم داد.

چهاردهم آنچه در قسمت دوم این قانون مقرر شده است در قالب کلماتی در مورد تصمیمات قضایی آمده است.

حال، قوت و دلیل این احکام متعلق به آن است که احکام پزشکی قانونی عادلانه و طبق قوانین اعمال شود و مردم نتوانند احکام را تصرف و غصب کنند. رسول اکرم (ص) می نویسد: زیرا قضاوت در مورد بنده غریبه صحیح نیست، مبادا چون موضوع و دلیل آن معلوم نیست، قضاوت کنند. مشورت کاهنان و کاتبان که در مورد قدیس استفان قضاوت کردند، در چه رذیلی بود. این نیز گناه مقامات فیلیپی بود که رسول در مورد آنها می گوید: "ما را مردان رومی پس از غرامت علنی به زندان فرستادند و اکنون پنهانی ما را بیرون کردند." مبادا بیگناهان را محکوم کنند یا مجرمان را تبرئه نکنند. اجازه دهید آنها را با قیمت یا لطف تکان ندهد، اجازه دهید آنها را با نفرت یا عشق حرکت نمی دهد. زیرا موسی به بزرگانی که آنها را به عنوان قاضی قوم گماشته بود چنین اندرز می دهد: "در مورد عادلانه قضاوت کنید، خواه شهروند باشد یا بیگانه، هیچ فاصله ای بین افراد وجود نخواهد داشت، پس شما کوچک و بزرگ را خواهید شنید و شخص هیچ کس را نخواهید پذیرفت، زیرا این حکم خداست."

15 متهم وقتی توسط قاضی قانونی مورد بازجویی قرار می گیرد، نمی تواند دروغ بگوید.

اما در مورد مجرمان و مجرمان، خداوند از آنها میخواهد که به حقیقت اعتراف کنند، در صورتی که با فرمول قضاوت از آنها سؤال شود. زیرا آن اعتراف به ستایش و جلال خداوند نوعی شهادت و موعظه است، از نظر خود یوشع، که آکان را به اعتراف به حقیقت تشویق کرد و گفت: «ای پسرم، خداوند، خدای اسرائیل را جلال ده، و اعتراف کن و به من بگو چه کردهای، پنهان مکن». 16 وظیفه شاهد چیست؟

اما از آنجایی که این دستور به ویژه شاهدان را تحت تأثیر قرار می دهد، کشیش نیز باید در مورد آنها با دقت عمل کند. برای پیش») اف. 4، 85 ») روم. 14، 4. 8) اعمال 16، 37. *) تثنیه 1، 16، 17. ضرر 7، 18

قدرت زندان به حدی است که نه تنها از شهادت دروغ جلوگیری می کند، بلکه دستور می دهد حقیقت گفته شود. زیرا در امور انسانی بیشترین

کاربرد شهادت حقیقی این است که چیزهای بیشماری وجود دارد که ما نباید از آنها غافل باشیم، مگر اینکه آنها را با ایمان شاهدان بدانیم. از این رو، هیچ چیز به اندازه صدق شهادت در اموری که نه خودمان می دانیم و نه مجاز به نادانی از آن هستیم، ضروری نیست. این جمله قدیس آگوستین در مورد آن است: "کسی که حقیقت را پنهان می کند و کسی که به دروغ خیانت می کند، هر دو گناهکارند؛ یکی به این دلیل که نمی خواهد جلو بیاید، دومی به این دلیل که می خواهد ضرر کند." در حقیقت سکوت در درون حق، اما خارج از حکم جایز است; زیرا در یک محاکمه، که در آن شاهد به طور مشروع توسط قاضی مورد بازجویی قرار می گیرد، حقایق باید کاملاً آشکار شود. اما در این مرحله، شاهدان باید مراقب باشند، مبادا با اعتماد بیش از حد به حافظه خود، آنچه را که بررسی نکرده‌اند به‌عنوان یقین تصدیق کنند. مابقی حامیان علت و وکلا، مدعیان و مدعیان هستند.

X VII. بدین ترتیب وکلا و مدیران پرونده قادر به انجام وظایف خود خواهند بود.

از این رو در مواقع ضروری از زحمات و حمایت‌های خود بی بهره نخواهند شد و به نیازمندان کمک می‌کنند و دفاع از امور ناحق را برعهده نمی‌گیرند و تهمت نمی‌کشند و طمع نمی‌کنند. در مورد ثواب زحمات و خدمات خود، آن را به انصاف و منصفانه بسنجند.

18 خواهان و شاکی که به موجب این توافق نامه، دفتر آنها به درستی انجام نمی شود.

با این حال، باید به درخواست کنندگان و متهمان احتیاط کرد که مبادا، محبت یا نفرت یا هر تمایلی، خطر ناعادلانه ای را با تهمت ایجاد کنند. در نهایت این فرمان برای همه متقیان نوشته شده است که در مجالس و گفتگوها همیشه صادقانه و از صمیم قلب صحبت کنند و چیزی نگویند که آبروی دیگری را بر هم بزند، حتی در مورد کسانی که می فهمند مجروح و آشفته شده اند، زیرا باید این هدف را داشته باشند که آن رابطه و جامعه را با آنها در میان بگذارند تا اعضای همان بدن باشند.

19 به این دلایل، مسیحیان قادر خواهند بود تا زشتی دروغ را به رسمیت بشناسند.

برای اینکه مومنان بیشتر از این رذیله دروغ بپرهیزند، کشیش بدبختی و رسوایی این جنایت را به آنها گوشزد می کند.

زیرا در حروف مقدس2) پدر دروغ را شیطان می نامند. زیرا شیطانی که در صلیب ایستاده است دروغگو و پدر و مادر دروغ است. تنها بدی هایی را که از دروغ گویی و غیره حاصل می شود به اخراج اضافه می کند

') رجوع کنید به ج .C. XI .80 که 3) آیو. 8، 44

آنها بی شمارند و سرچشمه ها و سرچشمه های ناراحتی ها و بلاها را نشان خواهند داد. و اول اینکه چقدر اهانت خدا بر او فرو میرود و چقدر انسان بیهوده و دروغگو نفرت خود را برمیانگیزد، در آن مکان به فرمان سلیمان اعلام میکند: «اما چیزهایی است که خداوند از آنها نفرت دارد و هفتمین چیزی که روحش از آن متنفر است: چشمان بلند، زبانی دروغگو، دستهایی که خون شریر را به سوی دلها میریزد، شریری سریع به سوی شیطان میریزد. دروغ و شهادت دروغ» و آنچه در پی آن می آید. پس چه کسی میتواند امنیت را برای کسی که با خدا دشمنی آشکار دارد تأمین کند تا به سختترین مجازاتها مجازات شود؟

20 دروغ های انسانی چه ناراحتی هایی برای جامعه به ارمغان می آورد. پس چه چیزی ناپاکتر یا ناپسندتر است، همانطور که جیمز مقدس می گوید، 2) از لعن کردن افرادی که به صورت و شبیه خدا ساخته شده اند، به همان زبانی که خدا و پدر را به آن متبرک می کنیم، به طوری که چشمه ای از همان چاله آب شیرین و تلخ بیرون می دهد؟ زیرا زبانی که قبلاً خدا را حمد و ستایش می کرد، پس از آن، تا آنجا که در زبان است، با دروغ، او را به خواری و خواری می رساند. چرا دروغگویان از برخورداری از سعادت بهشتی محروم هستند؟ زیرا وقتی داوود به این ترتیب از خدا پرسید: "خداوندا، چه کسی در خیمه تو ساکن خواهد شد؟" روح القدس پاسخ داد: "کسی که در دل خود راست می گوید، که با زبان خود نیرنگ بازی نکرده است." اما عیب بزرگ دروغ این است که تقریباً یک بیماری صعب العلاج ذهن است. زیرا از آنجایی که گناهی که با تهمت نادرست یا با تهمت آبرو و آبروی همسایه مرتکب شده باشد بخشیده نمی شود، مگر اینکه تهمت زن به خاطر ظلمی که به او متهم کرده است رضایت دهد و انجام این کار برای مردم دشوار است، اولاً همانطور که قبلاً هشدار دادیم با شرم و شرم نمی توان مانع از آن شد که هر کس عقیده ما خالی است. مجازات های ابدی جهنم زیرا هیچ کس امیدوار نیست که بتواند برای تهمت یا تهمت عفو بگیرد، مگر اینکه ابتدا او را که حیثیت و آبروی او را از بین برده است، چه در دادگاه و چه حتی در مجالس خصوصی و خانوادگی راضی کند. علاوه بر این، این خسران بسیار گسترده است و به بقیه سرایت میکند، زیرا ایمان و حقیقت را باطل و باطل که نزدیکترین پیوندهای جامعه بشری است میگیرد و وقتی از بین میرود، بزرگترین آشفتگی زندگی به دنبال دارد، بهطوری که به نظر میرسد که جانوران هیچ تفاوتی با شیاطین ندارند. کشیش بیشتر تعلیم خواهد داد که باید از پرحرفی اجتناب کرد. 6، 16 متر مربع س) جک. 3، 9.') P s.
14، l. 3. 4) Prov. 10، 19

که به وسیله آن از گناهان دوری می شود و هشداری بزرگ از دروغ است. از این رذیلت برای افراد پرحرف به راحتی نمی توان خود را مهار کرد.

XXI بهانه های بیهوده دروغ کمرنگ می شود.

سرانجام، کشیش آنها را از آن خطا نجات می دهد، کسانی که خود را در باطل دعا معذور می کنند، و با الگو گرفتن از عاقلان که می گویند به موقع دروغ می گویند، از دروغ دفاع می کنند. او خواهد گفت که آنچه بیش از همه صادق است این است که احتیاط مرگ جسم است. شنوندگان را تشویق می کند که در سختی ها و سختی ها به خدا توکل کنند و به هنر دروغ گویی متوسل نشوند. زیرا کسانی که به او پناه می برند به راحتی اعلام می کنند که بیشتر به تدبیر خود متکی هستند تا مشیت خداوند. کسانی که علت دروغ خود را بر کسانی می‌آورند که فریب دروغ را خورده‌اند: باید به آنها آموخت که برای مردم حلال نیست انتقام خود را بگیرند و بدی را در مقابل بدی جبران نمی‌کنند، بلکه بر بدی با نیکی پیروز می‌شوند. که حتی اگر این لطف را برگرداند، باز هم برای کسی فایده ای ندارد، او به هزینه خودش انتقام می گیرد. و این جدی ترین ضرری است که ما با گفتن دروغ انجام می دهیم. به کسانی که ضعف و سستی فطرت انسانی را به وجود می‌آورند، این فرمان منصوب می‌شود که از خدا کمک بخواهند و تسلیم ضعف بشریت نشوند. به مخالفان این رسم، اگر به دروغ گویی عادت کرده اند، باید متذکر شوند که باید عرف مخالف راستگویی را اتخاذ کنند. مخصوصاً اینکه کسانی که از روی عادت و عرف گناه می کنند، بدتر از بقیه گناه می کنند.

## 22 نباید به خاطر دروغ دیگران دروغ گفت.

و چون کسانی که خود را به بهانه مردان دیگر می‌پوشانند و ادعا می‌کنند اینجا و آنجا دروغ می‌گویند و شرمنده می‌شوند، وجود ندارند، باید به این دلیل از این عقیده دور شوند: این که آنها را تقلید از بدی‌ها نکنند، بلکه باید آنها را سرزنش و اصلاح کنند. اما وقتی به خودمان دروغ می گوییم، گفتارمان در نقد و تصحیح دیگری اقتدار کمتری دارد. با دفاع از دیگران به گونه‌ای که اغلب از گفتن حقیقت خجالت می‌کشند، کشیشان این اتهام را رد می‌کنند، نه دفاع را که وظیفه یک مرد مسیحی است، هرچند ضرر کردن بهتر از دروغ گفتن است.

## 23 دروغ نه خنده دار است و نه مفید برای پذیرفتن.

کسانی که خود را در دروغ گویی معذور می کنند، دو دسته اند. به دیگرانی که می گویند برای سرگرمی دروغ می گویند. به دیگری، برای مصلحت، همین کار را بکنند، زیرا نه خوب می‌خرند و نه خوب می‌فروشند، مگر اینکه دروغ می‌گویند. کشیش سعی خواهد کرد که هر دوی آنها را از خطای خود دور کند. و در واقع آن مافوق از vi- i) روم. 8، 6. ») روم. 12، 17. 21. پت. 3، 9 .I

و با تعلیم، به همان اندازه که عادت به گناه را به طور کلی افزایش می دهد، عادت به دروغگویی را افزایش می دهد و با تلقین آن، هر حرف بیهوده 1) باید حساب شود; اما آنها همسایگان خود را شدیدتر سرزنش خواهند کرد، که بهانه آنها حاوی اتهامات سنگین تری از خودشان است، که خود را مطرح می کنند، که به هیچ وجه به این سخنان خدا ایمان و اقتدار نمی دهند: "ابتدا پادشاهی خدا و عدالت او را بطلبید و همه این چیزها بر شما افزوده خواهد شد."

## فصل X

### در مورد فرمان نهم و دهم.

*) به خانه همسایه خود طمع نکن. نه زن او، نه غلامش، نه کنیزش، نه گاو، نه الاغش، و نه چیزی را که متعلق به اوست، آرزو نکن.

/. در این صورت به نظر می رسد که این فرمان نهم و فرمان دهم شامل هشت مورد باقی مانده است.

در این دو فرمان که در وهله آخر صادر شد، چیزی که ابتدا باید دانست، من تقریباً روشی را تعیین کردم که با آن سایر احکام باید رعایت شود. زیرا آنچه در این سخنان سفارش شده است مربوط به این است که اگر کسی می کوشد احکام عالی شریعت را حفظ کند، بیش از همه این کار را انجام دهد، مبادا طمع کند. زیرا کسی که طمع نداشته باشد، به خود راضی باشد، به دیگران رغبت نداشته باشد، از خوشیهای دیگران لذت ببرد، خدای جاودانه را تجلیل کند، او را سپاسگزاری کند، روز سبت را بپرستد، یعنی از سکوت همیشگی برخوردار باشد و بزرگان خود را گرامی بدارد، نه در عمل و نه به هیچ وجه به کسی آسیبی نمیرساند. زیرا 4) ذخیره و نطفه همه بديها هيجان انحرافي است که به وسيله آن کساني که در آن سهيم بوده اند به هر گونه فسق و جنايتي رانده مي شوند. با رعایت این موارد، کشیش در ارائه مطالب بعدی دقت بیشتری خواهد داشت و مؤمنان در شنیدن توجه بیشتری خواهند داشت.

II. بنابراین این دو حکم با یکدیگر تفاوت دارند.

اما اگر چه ما این دو دستور را به هم پیوستهایم، بیشتر به این دلیل که در عین اینکه مضمون آنها تفاوتی ندارد، روش آموزش یکسانی دارند: با این حال، کشیش با تشویق و اندرز ممکن است به طور مشترک یا جداگانه با آنها رفتار کند، زیرا برای او راحتتر است. ولی اگر وظیفه تفسیر دکالوگ را بر عهده گرفته باشد، نشان می دهد که تفاوت این دو حکم در چیست و یکی از فضولات با دیگری فرق می کند; چه تفاوتی در کتاب سوالات در Exodus D.

«) مت. 12، 36. *) مت. 6، 33. 3) از 17، 20. x. تثنیه. 5، 21. «) من . تیم 6، 10. یاس. 4، 1

Autiglues t siintu,s qu')i d d e cflraurcattu.o s uNma;m a letxe r ii sp r aolptoesrai t aseo l

usmu n ts p leicbtiadti,n e sq u iedt لذت ها. پس اگر انسان به مزرعه یا خانه ای طمع کند، به جای
لذت، به دنبال سود و سود است. اما اگر زن دیگری را بخواهد، نه از سود طلبی، بلکه از هوس می سوزد.

III. آیا فرمان ششم و هفتم به اندازه کافی توضیح داده شده است که در
این دو مورد آخر آمده است؟

حقیقت این احکام دو چیز بود; از طرفی که حکم ششم و هفتم قابل توضیح باشد. زیرا اگر چه در پرتو خاصی از طبیعت فهمیده شد که طمع در تصرف همسر دیگری ممنوع است، با ممنوعیت زنا (زیرا اگر طمع حلال بود، تصاحب آن نیز صحیح بود): با این حال اکثر یهودیان را که از گناه کور شده بودند، نمی‌توانستند به آن عقیده سوق دهند، به طوری که توسط خدا ممنوع است. در واقع، هنگامی که این قانون خدا گسترده و آموخته شد، بسیاری از کسانی که از مفسران شریعت سود می برند، به آن خطا دست زدند. این را می‌توانیم از کلام خداوند در قدیس متی 2 مشاهده کنیم: "شنیده‌اید که به پیشینیان گفته شده است: زنا مکن، بلکه من به شما می‌گویم" و آنچه در پی می‌آید. لازمه دوم این احکام این است که بعضی چیزها به طور واضح و آشکار حرام است که در توضیح ششم و هفتم منع نشده است. به عنوان مثال، فرمان هفتم منع کرده است که هیچ کس نباید به ناحق به غریبه طمع کند یا برای نجات او تلاش کند. و این را منع می کند که هیچ کس به هیچ وجه طمع نداشته باشد، هر چند به حق و قانون به دست آورد، که با کسب آن می بیند که به همسایه اش ضرر می رسد.

IV. که در قسمت دوم این قانون . nsidta tDoei ebsttn e cfoilcliautmu,m چه نوع مقدار یک

اما این قبل از هر چیز، قبل از اینکه به تبیین حکم برسیم، به مؤمنان تعلیم داده می‌شود: ما را این شریعت تنها برای آن مقرّر نکرده است تا شهوات خود را مهار کنیم، بلکه رحمت خدا را نسبت به خود بدانیم که بسیار است. زیرا با توجه به احکام پیشین شریعت از ما محافظت می کرد، گویی با احکامی که هیچ کس نباید ما یا ما را زیر پا بگذارد، او می خواست آن را به ویژه با این دستور اضافی تأمین کند تا مبادا به خواسته های خود آسیبی برسانیم. بنابراین، در این قانون طمع نکردن، از جانب خداوند مقرر شده است که نیش شهوت، که معمولاً ما را به چیزهای مخرب تحریک می کند، به طریق خاصی به زور این قانون از بین برود، و بنابراین مدت زمان کمتری را فشار دهیم.

>) سوال 71. *) مت. 5، 27. 28.

با رهایی از آن اضطراب آزاردهنده امیال، به واجبات تقوا و دین که مدیون خود خدای بسیار و بزرگ هستیم، عمل کنیم.

5- اینکه این دو حکم حاکی از تمایز بین قوانین الهی و انسانی است.

این قانون نه تنها به ما می آموزد، بلکه نشان می دهد که قانون خدا به گونه ای است که نه تنها باید توسط کارکردهای بیرونی دفتر، بلکه توسط درونی ترین حس روح نیز رعایت شود. و این تفاوت احکام الهی و بشری است که آنها فقط به چیزهای ظاهری بسنده می کنند، در حالی که این دومی چون به روح می نگرد، نیازمند عفت و پاکدامنی خالص و خالصانه نفس است. بنابراین قانون الهی مانند آینه ای است که در آن به عیوب فطرت خود می نگریم. از این رو رسول فرمود: من طمع را نمی دانستم، مگر اینکه شریعت می گفت: طمع نکن. زیرا هنگامی که غرض ورزی، یعنی سوخت گناه، که منشأ آن در گناه بود، دائماً به ما متصل شود، از این رو می فهمیم که در گناه متولد شده ایم. پس به کسی که تنها می تواند پناه می بریم. تا خاک گناه را بشوید

6. در اینجا چه غیبی در هر جا که باشد حرام نباشد.

اما این spiinscgeunltai از p. این وجه مشترک با بقیه دارند، اینکه تا حدی چیزی را منع می کنند، تا حدی به آن امر می کنند. در مورد قوت ممنوعیت، مبادا کسی فکر کند که هوس، که فاقد رذیلت است، به نحوی یک رذیله است، به طوری که روح را در برابر جسم طمع کند، یا در هر زمان به دنبال توجیهات الهی باشد، آنچه داوود4) بیش از همه می‌خواهد: بگذار کشیش تعلیم دهد که این هوس چیست، که باید از این قانون فرار کند. از این رو باید دانست که هوس نوعی عاطفه و نیروی ذهنی است که به وسیله آن انسان به چیزهای خوشایندی میل می کند که ندارند. و همانطور که بقیه عواطف ما همیشه بد نیستند، این قدرت اشتیاقی را نیز نباید همیشه به رذیلت نسبت داد. زیرا اگر بخواهیم غذا یا نوشیدنی داشته باشیم، بد نیست. و به راستی که این قوه ی درست از جانب خداوند فطرتاً به ما القا شده است، اما به گناه اولیای ما اتفاق افتاد که با جهش از محدوده طبیعت، چنان منحرف شد که غالباً به آن هوس هایی که مخالف روح و عقل است تحریک می شود.

') Reg. 16، 7. 7 ،7. روم. *) 20. 11، جر. 10. 7، ص. «) Gal. 5، 17.") 20 ،118. ص*.

علاوه بر این، حتی این نیرو، اگر تعدیل شود و برای اهداف ً خود حفظ شود، غالبا منافع متوسطی به همراه ندارد. زیرا اولا ً ما را قادر می سازد که با دعاهای مستمر از خدا بخواهیم و دعاهایی را که بیش از همه می خواهیم از او بخواهیم. زیرا دعا مفسر آرزوی ماست. اما اگر این قدرت حق طمع وجود نداشت، این همه دعا در کلیسای خدا وجود نداشت. علاوه بر این، باعث می شود که مواهب خداوند برای ما عزیزتر شود. زیرا هر چه مشتاق‌تر چیزی را بخواهیم، آن چیز برای ما عزیزتر و پس از به دست آوردن آن خوشایندتر است. و سپس خود لذتی که از چیزی که میل می کنیم، باعث می شود که خدا را با تقوای بیشتر شکر کنیم. پس اگر گاهی به شهوات جایز است، باید بپذیریم که تمام قوه شهوات حرام نیست.

هشتم. رسول از چه جهت غیبت را گناه می نامد؟

و اگر چه D. Paulus گفته است که غرض ورزی گناه است، اما ما باید نظری را که موسی (2) در آن صحبت کرده و او شهادت می دهد، بپذیریم. این چیزی است که خود رسول اعلام می کند. زیرا او در نامه به غلاطیان 3 آن را شهوت جسم می نامد: "در روح رفتار کنید،" او می گوید: "و خواسته های بدن را برآورده نخواهید کرد."

9 این غرض ورزی اصلاً نباید در اینجا ممنوع باشد و دلایل بی گناهی نداشته باشد.

بنابراین، آن نیروی طبیعی و کنترل شده میل، که از حدود آن فراتر نمی رود، ممنوع نیست، و چه بسا آن میل معنوی یک عقل درست، که به وسیله آن ما را به آرزوی چیزهایی تحریک می کند که از نظر جسمی منفور است. حروف مقد س به همین دلیل ما را تشویق می‌کنند: «به سخنان من طمع کن» و5: «هر کس که به من طمع می‌کند نزد من بیا».

X. چه غرضی در اینجا ممنوع است.

پس با این نهی، نه خود قوه ی شهوت که ممکن است هم در خیر و هم برای بد استعمال شود، بلکه استفاده از شهوت انحرافی که آن را غبطه نفس و هیزم گناه می نامند و اگر رضایت ً روح داشته باشد، همیشه در زمره ی رذیلات قرار می گیرد، مطلقا حرام است. بنابراین تنها آن شهوات حرام است که رسول آن را شهوات نفسانی می نامد، یعنی آن حرکات شهوانی که عقل ندارد و با غایتی که خداوند تعیین کرده است، مهار نمی شود.

•) رام. 7، 7. 20') مثال. 20، 17. س) 16 ،5 .Gal. *) خرد. 6. 12. 6) Eccl. 24، 26 •) گال. 5، 16. I. 16 ،2. پت. 2، 11. ای جو.

11 از این علل تشخیص داده می شود که غرض ورزی گناه است.
این طمع نکوهش می شود، یا از آن جهت که میل به بدی دارد،
مانند زنا، مستی، قتل، و جنایات شنیع دیگر، که رسول می فرماید:

«ما در بدی ها طمع نمی کنیم، همان گونه که آنها نیز طمع می کردند،
یا به این دلیل که اگر چه اشیاء ذاتاً بد نیستند، اما علتی وجود
دارد که آن چیزها از جای دیگر ناخواسته است». داشتن، خدا یا
کلیسا آنها را بر ما حرام می کند، مانند شریعت قدیم، بت ها بودند،
که خداوند در سفر تثنیه آن را منع کرده است، به همین دلیل آن
چیزهایی که طمع می شود، بیگانه هستند، مانند خانه، غلام، الاغ،
و چیزهایی از این قبیل، که شریعت الهی از شر و شریعت منع شده
است. به آن امیال شهوانی ذهن داده می شود.

XII. گناه طمع جایی است که عمدتاً شامل آن می شود.
زیرا گناه ذاتاً وجود دارد، هنگامی که ذهن، تحت تأثیر امیال
شیطانی، از چیزهای شیطانی لذت می برد و یا به آنها رضایت می
دهد یا با آنها مخالفت نمی کند; چه D. James3)، هنگامی که منشأ
و رشد گناه را نشان می دهد، به این عبارات تعلیم می دهد: "هر کس
با هوس خود وسوسه می شود و فریفته می شود؛ سپس هوس
وقتی آبستن می شود، گناه را به دنیا می آورد؛ اما گناه، هنگامی
که به پایان می رسد، مرگ را به بار می آورد."

سیزدهم این نظر دو معلم آخر است.

بنابراین، هنگامی که شریعت چنین هشدار می دهد که "طمع
نکن"، این کلمات به آن معنا اشاره می کنند تا بتوانیم شهوات خود
را از چیزهای بد باز داریم. زیرا تشنگی برای چیزهای دیگران بسیار
زیاد و بی نهایت است و هرگز سیر نمی شود، همانطور که در 4
نوشته شده است). "بخیل از پول پر نمی شود." که در اشعیا 5
چنین است: "وای بر شما که خانه به خانه میاپیوندید و مزرعه به
مزرعه میاپیوندید." اما شنیع و عظمت این گناه از توضیح الفاظ
خاص آسانتر قابل درک است.

چهاردهم آنچه باید از اصطلاح خانه در صورت بندی این حکم
فهمید.
از این رو کشیش تعلیم خواهد داد که اصطلاح خانه صرفاً مکانی
نیست که ما در آن زندگی می کنیم، بلکه کل میراث است، همانطور که از
استفاده و عرف نوشته های الهی مشخص است. ') من کور. !0، 6. *) تثنیه.

7) 25. *) جاس. 1، 14، 15. *) Eccl. 5، 9 (« است. 5، 8

349 قسمت 111. فصل 349 .X در خروج (1، 21.) نوشته شده است

که خانه هایی برای قابله ها توسط خداوند ساخته شد: جمله به آن نگاه می کند، به طوری که ما تفسیر می کنیم که توانایی های آنها توسط او افزایش و تقویت شد. پس از این تعبیر متوجه می‌شویم که این قانون احکام از ما نهی کرده است که حریصانه به دنبال ثروت نباشیم و به ثروت، قدرت یا اشراف دیگران حسادت نکنیم، بلکه به حال خود، چه کم و چه زیاد، راضی باشیم. سپس باید درک کنیم که میل به جلال خارجی ممنوع است: زیرا این مورد نیز متعلق به خانه است.

## 15 آنچه در صدای گاو و الاغ است.

اما آنچه در ادامه می‌آید: «نه گاو و نه الاغ» نشان می‌دهد که نه تنها چیزهای بزرگ مانند خانه‌ها و اعیان و جلال برای ما حلال نیست، هر چند برای ما بیگانه باشند، بلکه چیزهای کوچکی را که هستند، چه جاندار و چه بی‌جان، حلال نمی‌کنند.

## 16 در این دستور گفتار کدام بندگان است.

ادامه می‌دهد: «نه برده» که هم از اسیران و هم از بقیه طبقه بردگان باید فهمید که مانند سایر کالاهای دیگری نباید طمع کنیم. و اما آزادگانی که با میل و رغبت خدمت می کنند، یا با مزد استخدام می شوند، یا محبت و احترام آنها را وادار می کند، به هیچ وجه، نه با سخن، نه با امید، نه با وعده و نه با پاداش، کسی نباید آنها را رشوه دهد یا وسوسه کند که کسانی را که داوطلبانه به آنها وابسته شده اند، رها کنند.

## 17 چرا حتی در این دستور همسایه ذکر شده است.

حال که در حکم از همسایه یاد شده است، ناظر به این است که رذیلت مردانی نشان داده شده است که در مزارع همسایه یا نزدیکترین خانه ها یا هر چیز دیگری از این قبیل که مجاور آنها است طمع می کنند. زیرا نزدیکی که در دوستی قرار می گیرد با رذیله طمع از حب به کینه منتقل می شود. 18 آنانی که می‌خواهند از همسایه خود به قیمت مناسب خرید کنند، از این قانون تخطی نکنند.

امّا کسانی که حداقل این حکم را نقض می کنند، کسانی هستند که می خواهند چیزهایی را که همسایگانشان برای فروش دارند، بخرند، یا آنها را به قیمت مناسب بخرند. زیرا آنها نه تنها به همسایه خود صدمه نمی زنند، بلکه بسیار به او کمک می کنند، زیرا این پول بیشتر از چیزهایی که خودش می فروشد برای او سود و فایده خواهد داشت.

## 19 فرمان دهم در مورد طمع نکردن به زن همسایه چگونه باید فهمید؟

قانون دیگری از این قاعده طمع نکردن به چیز دیگری پیروی می کند که ما را از طمع به همسر دیگری منع می کند;

به موجب کدام قانون غرض ورزی، شهوات نه تنها در حدی که زناکار به زن دیگری میل می کند، بلکه به موجب آن محبتی که فرد می خواهد با زن دیگری ازدواج کند، ممنوع است. زیرا در آن زمان که طلاق مجاز بود، به راحتی ممکن بود آن زن که توسط یکی طلاق گرفته بود، او را به همسری خود بگیرد. اما خداوند از این امر نهی کرد تا مبادا یا شوهران را وادار به ترک همسران خود کنند و یا زنها خود را به گونه‌ای به شوهران خود نشان دهند که سخت و تأخیر باشد تا به همین دلیل نوعی اجبار بر شوهران تحمیل شود. حال گناه بزرگتر از این است که زن اگر از شوهرش طلاق داده باشد جایز نیست با دیگری ازدواج کند مگر اینکه شوهرش مرده باشد. پس کسی که به زن دیگری طمع می ورزد، به راحتی از هوسی به آرزوی دیگری می افتد; زیرا یا شوهرش می میرد یا زنا می پذیرد. و در مورد آن دسته از زنانی که با دیگری نامزد شده اند نیز همین گونه است. زیرا طمع بر این چیزها جایز نیست، زیرا کسانی که می خواهند این عهدها را لغو کنند، مقدس ترین عهد ایمان را زیر پا می گذارند. و كسي كه با ديگري ازدواج كرده، طمع به او مطلقاً اشكال دارد: پس كسي كه متعهد به عبادت و دين خداست، ممكن است در هيچ شرايطي به همسرش رغبت نداشته باشد.

20 او که از زنی که فکر می‌کند شوهرش را از دست داده است تقاضای ازدواج می‌کند، به این قانون گناه نمی‌کند.

اما اگر مردی که متاهل است، وقتی فکر می‌کند که او مجرد است، بخواهد به او زن داده شود، و یا اگر بفهمد که او با دیگری ازدواج کرده است، بخواهد او را به همسری خود درآورد، می‌خوانیم که برای فرعون (پیدایش 12 و 20) و ابیملک که اصلاً نمی‌خواست خواهر او و سارا را ازدواج کند، می‌خوانیم. همسر: یقیناً کسی که چنین فکری داشته باشد، از همین جنس است. به نظر نمی رسد این دستور نقض قانون باشد.

XXI غیر از آنچه حرام است باید به این دستور عمل کرد.

اما برای اینکه کشیش چاره‌هایی را که برای رفع این رذیله اقتباس شده است آشکار کند، باید جنبه دوم این حکم را توضیح دهد که عبارت است از این که اگر ثروتی به ما تعلق می‌گیرد، دل به آن نزنیم و آماده باشیم که آنها را در راه تقوا و چیزهای الهی دور بیندازیم و با کمال میل از بدبختی‌ها خرج کنیم. اگر ما کمبود منابع داریم، بیایید با متانت و نشاط نیاز را تحمل کنیم. و در واقع، اگر در بخشیدن به چیزهای خود از آزادگی استفاده کنیم، در برابر طمع چیزهای دیگران مقاومت خواهیم کرد. اما برای کشیش آسان خواهد بود که چیزهای زیادی از ستایش فقر و تحقیر ثروت در کتب مقدس و در میان پدران مقدس جمع آوری کند و به مردم مؤمن برساند.

همچنین در این قانون دستور داده شده است که ما باید با جدیت تمام و نهایت میل بخواهیم، که این امر باید بیش از هر چیز انجام شود، نه آنچه ما آرزو می کنیم، بلکه آنچه خدا بخواهد، همانطور که در دعای خداوند بیان شده است. امّا اراده خدا بیش از هر چیز در این است که ما را به طور مفرد مقد س کرد و ذهن خود را مخلص و پاک و کامل از هر زوالی نگاه داشت و در آن مناصب ذهن و روح که با حواس بدن مخالف است، تمرین کنیم. بیایید با اشتهای ادومی آنها، با هدایت عقل و روح، مسیر درست زندگی را حفظ کنیم. علاوه بر این، هر جا که حواس برای امیال شهوانی ما مهم است، بیش از همه قدرت آنها را سرکوب کنیم.

XXII مهم ترین چیزهایی که مسیحیان باید در مورد آنها تعمق کنند تا قدرت شهوت را کنترل کنند چیست؟

اما اگر ناراحتی‌های ناشی از آن‌ها را در مقابل چشمان خود بگذاریم، این نیز می‌تواند برای سرکوب این هوس‌ها بسیار مفید باشد. اما اولین چیز آن چیز ناخوشایند این است که از آنجایی که ما در معرض چنین آرزوهایی هستیم، بزرگترین نیرو و قدرت گناه در روح ما حاکم است. رسول 2 به چه کاری هشدار داد: "گناه در بدن فانی تو سلطنت نخواهد کرد تا شهوات آن را اطاعت کنی." زیرا اگر در برابر شهوات خود مقاومت کنیم، قدرت گناه سقوط می کند. پس اگر تسلیم آنها شویم، خداوند را از پادشاهی اش بیرون می کنیم و گناه را به جای او معرفی می کنیم. علاوه بر این، عیب دیگری نیز وجود دارد، آن‌طور که D. James3) تعلیم می‌دهد، از این قوه هوس، گویی از نوعی چشمه، همه گناهان جاری می‌شود. د. نیز یوحنا 4): «هر چیزی که در دنیاست، شهوت جسم و شهوت چشم و فخر زندگی است». یک عیب سوم در این وجود دارد، زیرا قضاوت صحیح ذهن توسط این امیال مبهم است. زیرا مردانی که از ظلمت امیال خود کور شده اند، فکر می کنند که هر چه می خواهند محترم و عالی است. کلام خدا که توسط آن کشاورز بزرگ خدا در جان ما نهاده شده است، غرق در قوه ی شهوت است. زیرا در د. مرقس 5 چنین نوشته شده است: "دیگرانی هستند که در میان خارها کاشته می شوند: اینان هستند که کلام را می شنوند و مشکلات دنیا و فریب ثروت را می شنوند و بقیه هوس ها وارد می شوند، کلام را خفه می کنند و بی ثمر می شود."

23 کسانی که بیشتر در دام هوس درگیرند.

اما کسانی که بیش از دیگران از این رذیله طمع رنج می برند و از این رو کشیش باید آنها را با جدیت بیشتری به رعایت این دستور تشویق کند، کسانی هستند که بازی های نادرست انجام می دهند.

') مت. 6، 10 *) روم. 6، 12. 3) جائو. 1، 14. *) 5 .I. Jo. 2، 16) علامت گذاری کنید. 4، 18. 19.

مسرورند یا کسانی که در ورزش از خود سوء استفاده می کنند و بازرگانانی که به دنبال کمبود چیزها و صدقه دیگران هستند و آن را با درد تحمل می کنند تا غیر از خودشان دیگرانی باشند که بفروشند یا بخرند. بیشتر می توانند گران تر بفروشند یا ارزان تر بخرند. در این امر نیز گناه می‌کنند که می‌خواهند به دیگران نیاز داشته باشند تا خود یا با فروش و یا با خرید سود ببرند. سربازانی که به دنبال جنگ هستند نیز گناه می کنند تا دزدی برای آنها مجاز باشد. پزشکان نیز که مایل به بیماری هستند. فقیهانی که طمع به قوت و فراوانی اسباب و دعاوی دارند; سپس صنعتگرانی که به سود هر چیزی که مربوط به امرار معاش و عبادت است طمع می‌ورزند، از کمبود بهره‌برداری می‌کنند تا بتوانند از آن سود زیادی ببرند. علاوه بر این، در این نسل، کسانی که حریص و مشتاق ستایش و جلال دیگران هستند، سخت گناه می کنند، نه بدون تهمت شهرت دیگری، و این به ویژه اگر کسانی که آن را می خواهند، مردان ترسو و بی ارزشی باشند. زیرا شهرت و جلال پاداش شجاعت و صنعت است، نه تنبلی یا بی حوصلگی.

## تعلیم و تربیت

### بخشی از AUARTA

### فصل اول

#### سخنوری و ضرورت اولیه آن. I. خدا را به چه شکلی باید دعا کرد.

در منصب و عملکرد شبانی، دستور دعای مسیحی قبل از هر چیز برای نجات مردم مؤمن ضروری است، قدرت و دلیلی که بسیاری باید از آن غافل باشند، مگر اینکه به سرپرستی شبان وارسته و مؤمن سپرده شود. از این رو، دغدغه اصلی کشیش باید این باشد که شنوندگان پارسای او بفهمند که چه چیزی از جانب خداست، و چگونه دعا کنند. اما این فرمول الهی شامل تمام تعداد دعاهای ضروری است که مسیح خداوند خواست که به رسولان و از طریق آنها و جانشینان آنها برای همه کسانی که دین مسیحیت را قبول می کنند، شناخته شود. کلمات و جملات آنها را باید در ذهن و حافظه به گونه ای درک کنیم که آنها را به راحتی در دسترس داشته باشیم. اکنون که در این روش دعا به کشیش ها توانایی تربیت شنوندگان وفادار داده می شود: که مناسب تر به نظر می رسد، گزاره هایی که در اینجا توسط آن نویسندگانی که فراوانی آنها در این نوع آموزه بسیار مورد تحسین قرار می گیرد، اتخاذ شده است. برای بقیه، در صورت نیاز، آنها می توانند مراقبت های شبانی خود را از همان منابع دریافت کنند.

پس ابتدا باید بیاموزیم که دعا برای چه چیزی لازم است، زیرا این حکم نه تنها به منظور نصیحت صادر شده است، بلکه دارای قوت یک امر ضروری است. آنچه توسط مسیح خداوند در آن کلمات اعلام شد: "لازم است همیشه دعا کنیم." خود کلیسا این ضرورت دعا را حتی در آن مقدمه برای نماز یکشنبه نشان می دهد: "ما جرأت می کنیم بگوییم، هشدار داده شده توسط دستورات سلامتی، و شکل گرفته توسط دستورالعمل الهی." از این رو، از آنجا که دعا برای مردم مسیحی ضروری بود و خود شاگردان نیز این درخواست را کرده بودند: «خداوندا، ما را به دعا بیاموز»، پسر خدا شکل دعا را برای آنها مقرر کرد و امید به دست آوردن آنچه را که خواسته بودند به ارمغان آورد. و خود سند نماز بود که نه تنها مدام از آن استفاده می کرد، بلکه شب را نیز در آن می گذراند. رسولان از دادن احکام وظیفه خود به کسانی که خود را به ایمان عیسی مسیح می پیوندند، دست برنداشتند. زیرا مقدسین پطرس 5) و یوحنا 6) با احتیاط فراوان به پرهیزگاران در این مورد هشدار می دهند و رسول با توجه به این دلیل، مسیحیان را در چندین جا به لزوم دعای مفید توصیه می کند.

## III. این دلیل اصلی است که می توان مردم را به ضرورت این وظیفه شناخت.

علاوه بر این، ما آنقدر به اموال و امکانات لازم برای حفظ روح و جسم نیاز داریم که لازم است به دعا پناه ببریم، گویی به یکی از بهترین ها، و مفسر حاجات ما، و مصلحت کننده نیازمندان. زیرا از آنجایی که خدا به هیچ کس چیزی مدیون نیست، بقیه چیزها مسلماً این است که ما با دعا از او چیزی را که نیاز داریم بخواهیم. چه دعاهایی را به عنوان ابزار لازم برای به دست آوردن آنچه آرزو می کنیم به ما داد.

## IV. برای رفع همه نیازهای ما راهی جز دعا وجود ندارد.

مخصوصاً وقتی یقین دارد که چیزهایی هست که بدون کمک او به دست نمی آید. زیرا دعاهای مقدس آن قدرت عالی را دارند که بیشتر شیاطین را بیرون می کنند. زیرا نوع خاصی از شیاطین وجود دارد که جز با روزه و نماز نمی توان آنها را بیرون کرد. پس کسانی که از این عادت و نماز پرهیزگارانه و مجدانه استفاده نمی کنند، خود را از استعداد عظیمی از مواهب منحصر به فرد محروم می کنند. زیرا لازم است نه تنها یک درخواست صادقانه ارائه دهید، بلکه برای به دست آوردن آنچه می خواهید، مداومت داشته باشید. "زیرا همانطور که سنت جروم می گوید6) نوشته شده است:

') لوقا 18، 1. 0 فعل. روروان میسال. ") لوقا 11، 1. *) لوقا 6، 12. 6) 1. پطرس 3، 7. و 1، 7. 8) 1. یوحنا 3، 22. و 5، 14. 16. 7j متی 17، 20. 8) در حدود 7. مت.

دعا به کسی داده می‌شود که بخواهد» 35 i Rom Catechism 554:

» پس اگر به شما داده نشد، داده نمی‌شود، زیرا نمی‌خواهید: «پس بخواهید و دریافت خواهید کرد».

فصل H.

در مفید بودن دعا

/. اولین ثمره ای که این وجوب نماز به بار می آورد چیست؟ اکنون این ضرورت خوشایندترین مزیت را دارد که از خود

فراوان ترین میوه ها را می خورد. مقداری که شبانان از نویسندگان مقدس می گیرند، در صورتی که لازم باشد آنها را به مردم مؤمن برسانند. ما مقداری از آن فراوانی را انتخاب کرده ایم که برای این فصل مناسب است. حالا اولین ثمره ای که از این می گیریم این است که وقتی به درگاه خدا می خوانیم، عزت داریم. در واقع نماز نوعی برهان دینی است که در نامه های الهی به

تیمیامت تشبیه شده است. پیامبر(ص) می‌فرماید: «د سیراب می‌شود، زیرا عقل من در نظر تو مانند بخور است». به همین دلیل ما ادعا می کنیم که تابع خدا هستیم، که او را خالق همه چیزهای خوب می شناسیم و اعلام می کنیم، و تنها به او می نگریم، زیرا ما تنها محافظت و پناهگاه ایمنی و رستگاری داریم. ثمرات این را نیز در آن کلمات به ما یادآور می شود: «در روز سختی مرا بخوان تا تو را نجات دهم و مرا گرامی خواهی داشت».

II. دومین مزیتی که با دعا به دست می آوریم چیست؟ بزرگترین و خوشایندترین ثمره دعا در پی آن است که

دعاها توسط خداوند شنیده شود. زیرا طبق نظر آگوستین قدیس 3) کلید دعای بهشت است. او می گوید: «زیرا نماز بالا می رود و رحمت خدا نازل می شود». گرچه زمین بلند است، آسمان بلند است، اما خداوند زبان انسان را می شنود، اگر وجدان پاک داشته باشد. خدمت دعای او چنان قدرتمند و مفید است که به وسیله آن به وسعت مواهب آسمانی دست می یابیم. زیرا برای خود به دست آوریم که روح القدس به عنوان راهنما و یاور به کار گرفته شود و به حفظ و ایمنی ایمان و دوری از مجازاتها و حمایت الهی در وسوسه ها و پیروزی از جانب شیطان دست یابیم. در نماز انباشته ای از شادی وجود دارد. از این رو خداوند

چنین گفت: "بخواهید و دریافت خواهید کرد تا شادی شما کامل شود."

III. جل جلاله همیشه دعای تقوا را می شنود.

همچنین جای تردیدی نیست که لطف خداوند در دسترس است و

این خواسته را برآورده می کند. که بسیاری گواهی های کتب آسمانی را تایید می کنند، که چون در ') ص. Ps. 49، 15 .UO, 2. الف)

سرم. 47. در برنامه. 4) جو. 16، 24

355

ما به آسانی فقط در اشعیا به آن خواهیم پرداخت: "سپس" او می گوید: "
صدا خواهی کرد و خداوند خواهد شنید: گریه خواهی کرد و او خواهد گفت: اینک
من اینجا هستم." Etrus 2): "و قبل از اینکه آنها گریه کنند، خواهم شنید:
خواهم شنید که هنوز صحبت می کنند." اما مصادیق کسانی که با خدا
مناجات کردند، چون تقریباً نامتناهی هستند و در مقابل چشمان ما قرار
گرفته اند، از آنها صرف نظر می کنیم.

V. / بگذارید گاهی اوقات آنچه را که می خواهیم به دست نیاوریم.
اما گاهی پیش می آید که آنچه از خدا می خواهیم به دست نمی آوریم. اما
خدا به‌ویژه به نفع ما می‌گردد، یا خیرهای بزرگ‌تر و بزرگ‌تری به ما می‌دهد، یا
اینکه آنچه می‌خواهیم برای ما نه ضروری است و نه مفید. نه، شاید اگر بدهد
زائد باشد و حتی ضرر هم داشته باشد. قدیس آگوستین می‌گوید: «خداوند
مساعدتر را انکار می‌کند، که در خشم به آنها عطا می‌کند». حتی پیش نمی آید
که آنقدر با تنبلی و بی احتیاطی نماز بخوانیم که حتی به آنچه می گوییم
توجه نکنیم. اما دعای عروج ذهن به سوی خدا چیست، اگر در دعای ذهن که باید
به خداوند رجوع شود، سرگردان است و بدون تلاش و تقوای اعمالی، کلمات دعا
به صورت تصادفی ریخته می شود: چگونه می توان گفت که صدای خالی این
دعا، دعای مسیحی است؟ بنابراین اصلاً جای تعجب نیست که اگر خداوند به
خواست ما عمل نکند، وقتی یا خودمان خواسته‌ای را نداریم، تقریباً با غفلت و
بی‌توجهی به دعا آن را ثابت می‌کنیم، یا آنچه را که باید به ما عطا شود،
می‌خواهیم.

5. کسانی که با وقار طلب می کنند، بیش از آنچه بخواهند، به دست می آورند.
از سوی دیگر، بسیار بیشتر از آنچه از خدا خواسته اند
به کسانی که آگاهانه و مجدانه درخواست می کنند داده می شود: همانطور که
رسول نیز در نامه به افسسیان 4 شهادت می دهد، و این با تشبیه پسر
ولخرج 5 توضیح داده می شود، که می خواست گمان کند که اگر به جای پدرش،
با او برخورد درخشانی شده بود؛ حتی اگر درست بیندیشیم و فقط درخواست
نکنیم، خداوند فیض خود را برای ما جمع می کند، نه تنها در کثرت هدایا،
بلکه در سرعت بخشیدن آنها. آنچه حروف الهی نشان می‌دهند، وقتی از
فرمول گفتار استفاده می‌کنند: «آرزوی فقرا توسط Domin-nquuisd.e»m
Ienotirmuims veonciem, Deet u st ac iotcicsu r reigte شنیده شد.
مطالعات ntium، انتظار نمی رود

## 6. ثمره سوم دعا چیست؟

علاوه بر این، ثمره‌ای هم هست که با نماز ورزش می‌کنیم و
فضایل ذهنی به‌ویژه ایمان را افزایش می‌دهیم. برای کسانی که
به خدا ایمان ندارند نماز را درست نخوانند،

') است. 58، 9. 3) شناسه. 65، 24. ص. 80، 8. 29 ،15 .Prov. «) ر.ک. 130 .ep. ج 14. >) اف. 8، 20.
«) لوقا 15، 11. «) صم. 9، ب. 17. 20، 3. 102، 5.

می گوید *)، «آیا کسانی را که ایمان نیاورده اند می خوانند؟») بنابراین مؤمنان، هر چه بیشتر دعا کنند، ایمانشان به عنایت و مشیت الهی بیشتر و مطمئن تر است که بیش از هر چیز از ما می خواهد که همه چیز را با مراجعه به او در مورد چیزهایی که نیاز داریم بخواهیم. VII. چرا خدا با دانستن اینکه ما به چه کسی نیاز داریم، می خواهد نگران دعای ما باشد؟

در واقع، خداوند می‌تواند همه چیز را بر کسانی که نمی‌خواهند و به چیزی فکر نمی‌کنند ببخشد، همان‌طور که همه چیزهای لازم را برای استفاده از زندگی به کسانی که تجربه عقل دارند می‌دهد: اما مهربان‌ترین والدین می‌خواهند فرزندان او را بخوانند. او می‌خواهد که هر روز با درخواست صحیح، با اطمینان بیشتری بپرسیم، او می‌خواهد که ما با به دست آوردن آنچه می‌خواهیم، روز به روز شاهد بیشتری باشیم و مهربانی او را به ما موعظه کنیم.

۸ محبت ما به خدا از طریق دعا چگونه اعمال می‌شود؟

خیریه نیز افزایش یافته است. از آنجا که او را صاحب تمام خیرات و خیرات خود می‌دانیم، او را با بزرگ‌ترین محبت در آغوش می‌گیریم، و چون عاشقان با گفتگو و ملاقات بیشتر بر عشق می‌افزایند: پس مردان پارسا، هر چه بیشتر به درگاه خداوند مناجات می‌کنند و از مهربانی او خواهش می‌کنند، گویی با او گفتگو می‌کنند، در هر نماز لذت بیشتری می‌برند و عاشق‌تر می‌شوند.

9 با دعای سخت، هم از فیض و فروتنی شایسته الهی فرار می‌کنیم و هم سلاح‌هایی برای مقابله با شیطان آماده می‌کنیم.

به همین دلیل از ما می‌خواهد که از این عمل دعا استفاده کنیم تا مشتاقانه در جستجوی آنچه می‌خواهیم، آنچنان با پشتکار و اشتیاق به آن دست یابیم که شایستگی بهره‌مندی از آن فوایدی را داشته باشیم که پیش از این، ذهن تنگ و تیزبین ما قادر به درک آن نبود. علاوه بر این، او از ما می‌خواهد که این حقیقت را درک کنیم و پیش خود تحمل کنیم که اگر به یاری فیض آسمانی رها شویم، کارهایمان به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسد و بنابراین با تمام وجود برای دعا خم شویم. اما این سلاح های دعا در برابر سرسخت ترین دشمنان طبیعت ما مؤثرترند. زیرا هیلاری قدیس می‌گوید: « باید با صدای دعا با شیطان و سلاح‌های او مبارزه کنیم».

10. چهارمین فایده دعا برای مردان چیست؟ بعلاوه، ما آن ثمره عالی دعا را به دست می آوریم، که وقتی به بدی ها و شهوات مختلف اشتهای ناشی از رذیله ناتوانی متمایل می شویم، خداوند به خود اجازه می دهد که با افکار ما تصور شود: تا در حالی که برای او دعا می کنیم، شایستگی او را داشته باشیم. 10، 14. مت. 21، 21. مرقس 11، 24. لائو. 5، 15. ج) در ص 65.

بیایید به هدایا چنگ بزنیم، اراده بی گناهی را بپذیریم، و با قطع عضو از همه گناهان پاک شویم.

## XI. ثمره نهایی دعا چیست؟

در نهایت از جمله ی ژروم مقدس حکم غضب الهی استوار است. و خداوند به موسی چنین گفت: مرا رها کن، در حالی که او را با دعا از عذاب آن قوم باز داشت. زیرا هیچ چیزی نیست که خدای خشمگین را آرام کند، یا حتی از خشم کند و از خشم خود کناره گیرد، هنگامی که او آماده است تا ضربات بدکاران و دعای نیکوکاران را وارد کند.

# فصل سوم.

## De partibns et gradibns Oratlonls.

## I. دعای مسیحی از چه بخشهایی تشکیل شده است؟

پس از تبیین ضرورت و فایده دعای مسیحی، مؤمنان نیز باید بدانند که آن دعا چند و در چه بخشهایی است. زیرا رسول شهادت می دهد که این مربوط به تحقق این مقام است، که در نامه خود به تیموتائوس، او را به دعای پرهیزگارانه و مقدس تشویق می کند، اجزای دعا را با دقت برمی شمارد. او گفت: «از شما خواهش می‌کنم، اول از همه برای همه مردم دعا و دعا و درخواست و شکرگزاری کنید.» اما تفاوت ظریف خاصی بین این بخش ها وجود دارد: اگر می خواهند کشیش را استخدام کنند تا آن را برای مخاطبان خود توضیح دهد، باید با s مشورت کنند. نویسندگان، به ویژه سنت هیلاری و آگوستین.

## 2. به درخواست و شکرگزاری.

اما از آنجایی که دعا دو جزء اصلی است، دعا و شکر که مابقی مثل سر از آن سرازیر می شود، تصمیم گرفتیم حداقل از آنها عبور کنیم. نارا به خدا نزدیک می شویم تا با عبادت و تکریم برای او، یا چیزی از او به دست آوریم، یا خودمان شکر نعمت هایی را بجا آوریم که پیوسته به آن آراسته و بر لطف او افزوده می شویم. هر دو این ضروری ترین قسمت دعا را خود خدا از زبان داوود در این کلمات بیان کرد: "در روز مصیبت مرا بخوان، من تو را نجات خواهم داد و تو مرا گرامی خواهی داشت." اما چه قدر محتاج فضل و نیکی الهی هستیم که نداند اگر به نیاز و بدبختی کل انسانها نگاه کند؟

III. نیکی و گشاده رویی خداوند به همه مردم موعظه می شود. در واقع، اراده خدا چقدر به نوع بشر متمایل است، چقدر مهربانی بر ما سرازیر می شود، همه می فهمند که چه کسی

P8. 49، 15 (* .1 .2 تیم. 1 (3 .10 ،32 مثال. (* .16 ج .7 ج .q .1 در جر. کامرا.

آنها باید دارای حس چشم و ذهن باشند. زیرا هر جا که چشمانمان را بیاندازیم، هر جا که فکر کنیم، نور شگفت انگیزی از احسان و مهربانی الهی بر ما می تابید. زیرا انسانها چه دارند که از فضل خدا سرچشمه نگرفته باشند؟ و اگر همه هدایا و هدایای نیکوی اوست، چرا همه خدای مهربان را برای نیرومندی ستایش نمی کنند و با شکرگزاری ادامه نمی دهند؟ ولی هم تکلیف و هم درخواست از خدا و هم شکر او درجات بسیاری دارد که بعضی از آنها بالاتر و کاملتر است. برای اینکه مردم مؤمن نه تنها نماز بخوانند، بلکه آن کارکرد نماز را نیز به خوبی انجام دهند، کشیشان عالی ترین و کامل ترین روش دعا را به آنها پیشنهاد می کنند و تا آنجا که می توانند آنها را به آن تشویق می کنند.

## IV. بهترین دعا و برترین دعا چیست؟

اما بهترین راه و بالاترین درجه نماز چیست؟ یعنی آنچه مورد استفاده انسانهای وارسته و عادل است که با تکیه بر شالوده استوار ایمان حقیقی، با گامهایی از بهترین فکر و دعا به آنجا می رسند که از آن قدرت بیکران خداوند، مهربانی و حکمت بیکران می توان تأمل کرد. در آنجا نیز به یقینترین امید میرسند، که آنها و هر چه در زمان حال میخواهند، و به آن قدرت خیر غیرقابل توضیحی دست خواهند یافت، که خداوند وعده داده است که به کسانی که با تقوا و از صمیم قلب یاری الهی را طلب میکنند، عطا کند. روح با اینها، گویی بر دو بال، به آسمان بلند شده است، با شوق و اشتیاق به درگاه خداوندی می رسد که با تمام افتخار شکر و حمد او را تعقیب می کند، زیرا از برترین فواید او متأثر شده است؛ اما پس از آن، با تقوا و تکریم، به عنوان تنها پسر برای عزیزترین پدر و مادرش، بدون تردید آنچه را که برای او لازم است، توضیح می دهد. حروف الهي با ريختن صدا، نحوه دعا را بیان مي كند. زیرا پیامبر می فرماید: «نماز خود را نزد او می ریزم و مصیبت خود را پیش او می گویم». این صدا چنان قدرتی دارد که هیچ چیز را نمی توان نگه داشت، هیچ چیز را پنهان نمی کند، اما آن که برای دعا می آید همه چیز را می ریزد و با اعتماد به آغوش محبوب ترین پدر و مادر خدا پناه می برد. از این رو، آموزه آسمانی در این کلمات به ما توصیه می کند: "دلهای خود را در حضور او بریزید." و 3): توجه خود را به خداوند بسپارید.» و این درجه از دعا را آگوستین مقدس نشان می دهد، هنگامی که در آن کتابی که در Enchiridion 4 آمده است، می گوید: «آنچه ایمان باور دارد، امید و صدقه برای آن دعا می کنند».

') ص. 141، 3. Ps. 54، 23 (» .Ps. 61، 9 (» .I. Reg. 1، 15. ") ج. '.)

درجاتی دیگر از کسانی هستند که در مظلومیت گناهان فانی، با این حال با آن ایمانی که گفته می شود مرده اند، برای قیام و عروج به سوی خدا تلاش می کنند، اما به دلیل نیروی فانی و ضعف عالی ایمانشان، نتوانستند خود را از زمین بالاتر ببرند. با این حال با شناخت گناهان خود و عذاب وجدان و درد و توبه با فروتنی و توبه از آن دورترین مکان، از خداوند برای جنایات خود طلب آمرزش و آرامش می کنند. نماز اینها نزد خدا جای خود را می گیرد; زیرا دعاهای آنها شنیده می شود، در واقع خداوند بخشنده ترین مهربانان چنین افرادی را دعوت می کند: "بیایید پیش من ای همه زحمتکشان و بارهای سنگین، و من شما را بازگردانم." از تعداد این مردان، آن باجگیر 3) بود که چون جرأت نداشت چشمان خود را به سوی آسمان بلند کند، میگوید: «با این وجود، عادلتر از فریسی از معبد بیرون رفت».

6. در این درجه طبقه سوم مستهلکین تشکیل می شود.

به علاوه، این مرحله کسانی است که هنوز نور ایمان را دریافت نکرده اند: با این حال، با محبت الهی که نور اندک فطرتشان را برمی انگیزد، شدیداً به مطالعه و میل به حقیقت برانگیخته می شوند که با بالاترین دعاها تعلیم آن را می خواهند. که اگر در اراده باقی بمانند، رحمت الهی رد نمی شوند. این را می بینیم که با مثال کورنلیوس صدری4 تأیید شده است. برای هیچکس که از دلش این را نپرسد، درهای مهربانی الهی بسته است.

VII. کدام یک از دعا کنندگان به درجه آخر چسبیده است.

آخرین درجه آن کسانی است که نه تنها از جنایات و جنایات خود پشیمان نمی شوند، بلکه جنایات بر جنایات انباشته می شوند، با این حال خجالت نمی کشند که غالباً برای گناهانی که معمولاً در آنها اصرار دارند، از خداوند طلب آمرزش کنند. کسانی که در چنین وضعیتی هستند حتی نباید جرأت کنند از مردان بخواهند که آنها را ببخشند. دعای اینها را خدا نمی شنود; زیرا در مورد آنتیوخوس 5 چنین نوشته شده است: "ای این مرد شریر خداوند را غارت می کند که از او رحم نمی کند." از این رو کسانی که درگیر آن بدبختی بزرگ هستند باید شدیداً ترغیب شوند که اراده گناه خود را کنار بگذارند و واقعاً و از دل خود به خدا روی آورند.

>) جک. 12، 17. الف) مت. 11، 28. ») لوقا 18، 10 متر مربع. ") قانون 10، 3. •) دوم مارس 9، 13.

## فصل چهارم.

از آن چیزهایی که باید جستجو کرد.

### /. چه چیزی از خدا حلال است؟

اما از آنجا که در هر عریضه ای آنچه را که باید مطالبه کرد و آنچه را که نیست، در جای خود گفته می شود: در اینجا یادآوری جهانی به مؤمنان این است که مردم باید از خدا بخواهند که چه چیزی عادلانه است و چه چیزی محترم است. مبادا اگر چیزی بر خلاف آنچه که شایسته است بخواهند، از آن پاسخ دفع نکنند: «نمی دانی چه می خواهی». ولی هر چه به حق می توان خواست، جواز است. این را وعده‌های فراوان خداوند نشان می‌دهد: «هر چه می‌خواهی بخواه تا برایت انجام شود». زیرا او قول می دهد که همه چیز را بدهد.

II. این چیزها را باید اول و به خودی خود از خدا جستجو کرد.

از این رو ما خواسته و آرزوی اول خود را متوجه آن قاعده خواهیم کرد تا به خدایی که بالاترین خیر است، بالاترین آرزو و آرزوی ما ارجاع شود. پس بیایید به چیزهایی بخواهیم که ما را بیشتر با خدا پیوند می دهد. اما چیزهایی که ما را از آن جدا می‌کند، یا باعث جدایی می‌شود، باید با تمام تلاش و میل ما حذف شوند. با توجه به آن خیر متعالی و کامل، می‌توان نتیجه گرفت که چگونه بقیه که خیر نامیده می‌شوند، هم مطلوب هستند و هم از خدای والد مطالبه می‌شوند.

III. کالاهای بدنی و ظاهری تا آنجا که باید از خداوند طلب شود.

برای این چیزهای بدن که آنها را می خوانند و کالاهای ظاهری مانند سلامتی، قوت، زیبایی، ثروت، افتخارات، جلال، زیرا غالباً به گناه نیرو و مادی می دهند (به همین دلیل است که از آنها کاملاً تقوا یا رستگارانه خواسته نمی شود): این درخواست باید برای این اهداف تجویز شود تا این امکانات زندگی به خاطر ضرورت لازم باشد. کدام دلیل برای دعا به خدا اشاره دارد. زیرا برای ما جایز است دعاهایی را که یعقوب و سلیمان هر دو خواسته اند، بخواهیم. زیرا چنین گفت: «اگر به من نان بدهد تا بخورم و لباس بپوشم، خداوند خدای من خواهد بود.» سالومون در این کلمات 4): «مایه های زندگی را به من عطا کن».

IV. اموال و سایر اموال بدن به نحوی که باید از آنها استفاده کنیم، در صورتی که به لطف خداوند در آنها تملک می کنیم.

امّا هنگامی که از لطف خداوند برای رزق و روزی و عبادت برخوردار شدیم، شایسته است تشویق آن رسول را به یاد آوریم: کسانی که می خرند، گویی که ندارند، و کسانی که از دنیا استفاده می کنند، گویی استفاده نمی کنند. زیرا شکل این جهان در حال گذر است. 30، 8. ب) اول کور. 7، 30. 31.

باز هم، "اگر ثروت در جریان است، دل خود را به آن معطوف نکنید." ما از خود معلم خدا آموخته ایم که ثمره و استفاده فقط از آن ماست، اما تا با بقیه شریک شویم. اگر قوی باشیم، اگر در بقیه کالاهای ظاهری و جسمانی فراوان باشیم، یادمان می‌رود که آن‌ها برای ما ادای احترام هستند، تا بتوانیم راحت‌تر خدا را بندگی کنیم، و به همسایه‌مان هر چه از نوع او قرض دهیم.

5- کالاهای عقل و علم را باید از چه طریقی جستجو کرد.

اما درخواست مال و زینت عقل نیز جایز است که هنرها و آموزه ها از همین نوع است، اما به شرطی که برای جلال خدا و برای نجات ما سودمند باشد. اما آنچه که باید به طور کامل و بدون دلبستگی یا شرطی خواستار شد، طلب کرد و خواست، چنانکه قبلاً گفتیم، جلال خداست، و پس از آن، هر آنچه ممکن است ما را به آن خیر عالی متحد کند، مانند ایمان، ترس از خدا، عشق. که در توضیح قسمت ها به طور کامل تر از آن صحبت خواهیم کرد.

فصل پنجم.

برای کسانی که دعا می کنیم

/. هیچ طبقه ای از مردان در این دنیا وجود ندارد که دعا با خدا برای آنها حلال نباشد.

اکنون با دانستن این چیزهایی که باید برای آنها دعا کرد، مردم باید ایمانی را که باید برای آن دعا کنند آموزش ببینند. اینک دعا شامل استغاثه و شکر است; quare prius de petitione dicamus. بنابراین ما باید برای همه بدون هیچ استثنا یا دشمنی، نژاد یا مذهبی دعا کنیم. زیرا دشمن باشد یا بیگانه باشد یا کافر: بعد اوست که به فرمان خدا باید او را دوست بداریم، پس باید برای او دعا کنیم که وظیفه محبت است. زیرا آن تشویق رسول 2) متعلق به اوست: «استدعا دارم که برای همه مردم دعا شود». در این دعا ابتدا چیزهایی که شامل رستگاری روح است و سپس چیزهای بدن پرسیده می شود.

II. Pro quibus praecipue orandum sit.

حال باید این دفتر دعا را ابتدا به شبانان ارواح که با مثال رسول به ما یادآوری می کند، بدهیم; زیرا او به کولسیان می نویسد 3) که آنها برای خود دعا کنند تا خداوند درهای سخن را به روی آنها بگشاید. (quod item facit ad thessalonices4). همچنین در اعمال رسولان 5 آمده است: "دعا توسط کلیسا بدون وقفه انجام شد" برای پطرس. ریحان الهی در کتب اخلاق نیز به یاد مقام او می افتیم

>) ص. 61، 11. الف) I. تیم. 2، 1. ») سرهنگ 4، 3. *) I. Thess. 5، 25 «) اعمال رسولان. 12، 6. *) Lib. قانون مرگ 58. ه. 5.

زیرا او می گوید که ما باید برای کسانی که مسئول کلام حق هستند دعا کنیم. در وهله دوم باید از نظر همان رسول برای شاهزادگان دعا کنیم. برای اینکه چقدر از شاهزادگان وارسته و عادل استفاده می کنیم، هیچ کس از آن غافل نیست. و بنابراین ما باید از خدا بخواهیم که آنها همانگونه باشند که باید باشند و بر بقیه انسانها ریاست کنند. نمونه هایی از مردان مقدس وجود دارد که به ما هشدار داده شده است که حتی برای نیکوکاران و پرهیزگاران نیز باید التماس کرد. زیرا آنها نیز به دعای دیگران نیاز دارند; که خدایی انجام شد تا مبادا آنها را با غرور بالا ببرند، در حالی که بدانند به آرای فرودست ها نیاز دارند.

III. نشان داده شده است که باید همین کار را برای دشمنان ما و دشمنان کلیسا انجام داد.

علاوه بر این، خداوند به ما دستور داد که دعا کنیم، "برای کسانی که ما را آزار می دهند و به ما تهمت می زنند." همچنین با شهادت آگوستین قدیس باب 2 جشن گرفته می شود که این رسم پذیرفته شده توسط رسولان بود، برای کسانی که با کلیسا بیگانه هستند، دعا و نذر کنند، تا ایمان به کافران داده شود، بت پرستان از خطای بی تقوایی رهایی یابند، تا یهودیان، روشنایی های خود را از بین ببرند، تاریکی ها را در اینجا برگردانند، و روشنایی های خود را از بین ببرند. سلامتی، ممکن است در احکام آموزه کاتولیک آموزش ببینند، مانند انشعاب‌هایی که در ارتباط با مقدس‌ترین والد کلیسا، با او دوباره با گره صدقه واقعی متحد شده‌اند. چقدر دعاهای قدرتمندی برای چنین افرادی که از دل ساخته شده است، از نمونه های بسیار از انواع انسان ها آشکار است که خداوند هر روز، آنها را از قدرت تاریکی نجات داده، به ملکوت پسر عشق خود منتقل می کند3) و از ظرف های خشم ظروف رحمت می سازد. هیچ کس حق ندارد شک کند که هتک حرمت به پرهیزگاران بیشترین تأثیر را دارد.

## IV. چگونه می توان این منفعت را حتی به مردگان هم تعمیم داد؟

اکنون دعاهایی که برای اموات انجام می شود تا از آتش برزخ نجات یابند، از تعلیم رسولان سرچشمه می گیرد. زمانی که از انبوه قربانی صحبت می کردیم به اندازه کافی در مورد آن صحبت شد.

5- دعای دیگری برای کسانی که تا سرحد مرگ گناه می کنند سودی ندارد.

اما در کسانی که گفته می شود تا سر حد مرگ گناه می کنند، به سختی چیزی با دعا و نذر انجام می شود. با این وجود، دعا کردن برای آنها و مبارزه با اشک در مورد اینکه آیا آنها می توانند به آنها خدای کفایت بخشند یا خیر، یک امر خیریه مسیحی است.

6. هتک حرمتی که در کتاب مقدس خوانده می شود چگونه پذیرفته می شود؟

اما لعن‌های انسان‌های مقدس که طبق نظر پدران، بر خلافکاران به کار می‌برند، ظاهراً نبوت است.

') مت. 5، قانون 2 .U. 7. 59) قسمت. 109. ج. 2. *) سرهنگ 1، 13. روم. 9، 22 .4) I. Jo. 5، 16

از چیزهایی که قرار است برایشان بیفتد، یا در برابر گناه استفاده شود، تا با نجات انسانها، قدرت گناه از بین برود.

شکرگزاری چه فایده ای دارد؟ .VII

و در قسمت دیگر دعا، خداوند را به خاطر فواید الهی و جاودانه اش که همیشه بر آن تأثیر گذاشته و هر روزه بر نسل بشر تأثیر می گذارد، سپاسگزاری می کنیم. اما بیش از همه این مقام شکرگزاری را به خاطر همه اولیای الهی انجام می دهیم که در آن مقام خدا را حمد و ثنای خاص می کنیم و نصرت و فتح آنها را که به لطف او بر همه دشمنان داخلی و خارجی خود پیروز شده اند.

هشتم. از جمله تبریک هایی است که به خاطر قدیسان که باید جایگاه اول کلیسا را به خود اختصاص دهند به خدا تقدیم می شود.

در اینجا قسمت اول سلام فرشته می آید، زمانی که از آن برای دعا استفاده می کنیم: "سلام مریم، ای پر فیض: خداوند با توست، تو در میان زنان متبرک هستی." زیرا ما خدا را با حمد و سپاس فراوان می ستاییم، زیرا که مقدس ترین باکره را از همه هدایای آسمان باران کرده است. و ما به خود باکره بابت آن شادی منحصر به فرد تبریک می گوییم. به حق خدا، کلیسای مقد س به این عمل شکرگزاری، دعاها و مناجات هایی را نیز به مقدس ترین مادر خدا اضافه کرد که با تقوا و تضرع به او پناه ببریم تا با شفاعت خود برای ما گناهکاران، خدا را آشتی دهد و کالاهای لازم را برای این امر و زندگی جاودان به دست آورد. پس ما تبعیدیان فرزندان حوا که ساکن این وادی اشک هستیم، باید مدام مادر رحمت و وکیل مردم مؤمن را بخوانیم تا برای ما گناهکاران دعا کند. و از او در این دعا، که بهترین شایستگی هایش نزد خداوند است و بالاترین اراده اش برای کمک به نسل بشر است، هیچ کس، جز فاسقان و فاسقان، نمی تواند شک کند.

## فصل ششم

برای چه کسی باید دعا کرد؟

که عمدتاً دعا خطاب به آنهاست.

اما اینکه خدا را باید دعا کرد و نام او را خواند، همان نیروی طبیعت میگوید که در اذهان الساعه کاشته میشود، نه تنها حروف الهی را میرسانند، که در آن میتوان فرمان .steedm DDeeiu mn o m(iPnse. 4tr9e,s 1p5e.rnive"s 1p5e.r

آیا مقدسینی نیز وجود دارند که با مسیح سلطنت می .11 "e dt.i e tribulias; کنند که باید مورد استناد قرار گیرند؟

در وهله دوم به یاری اولیایی که در بهشت هستند پناه می بریم; برای آنها نیز دعا شود، پس مسلم است

در کلیسای خدا، تا برای پرهیزگاران در مورد او تردیدی نباشد. این مطلب چون در جای خود جداگانه توضیح داده شده است، هم به شبان و هم به بقیه اشاره می کنیم. اما برای رفع تمام خطای ناآگاهان، شایسته است به مردم مؤمن بیاموزیم که بین این روش توسل چیست.

111. بیایید خدا را به گونه ای دیگر، و مقدسین را به گونه ای دیگر.

زیرا ما از خدا و مقدسین یکسان التماس نمی کنیم. زیرا ما به درگاه خدا دعا می کنیم که یا چیزهای خوب به ما عطا کند یا ما را از بدی نجات دهد و از اولیای الهی می خواهیم که چون مورد لطف خدا هستند حمایت ما را دریافت کنند تا آنچه را که ما نیاز داریم از خدا برای ما بدست آورند. از این رو ما از دو فرمول دعا استفاده می کنیم که فقط متفاوت است. زیرا ما به درستی به خدا می گوییم: "به ما رحم کن، ما را بشنو". خطاب به مقدسین: برای ما دعا کنید.

IV. چگونه می توانیم از مقدسین بخواهیم که به ما رحم کنند؟

گرچه می توان دلیل دیگری را از خود اولیای الهی نیز خواست که به ما رحم کنند; زیرا آنها بسیار مهربانند، پس ما می توانیم آنها را دعا کنیم تا متاثر از این وضعیت اسفبار ما را با لطف و تضرع خود به درگاه خداوند یاری کنند. در این مکان بر همه لازم است که مراقب باشند، مبادا آنچه مال خداست به دیگری بدهند. در واقع، وقتی کسی دعای پروردگار را به صورت فلان قدیس می خواند، باید احساس کند که از او می خواهد که با او دعا کند و آنچه را که در صیغه دعای پروردگار آمده است، از خود می خواهد و باید خود مفسر و مناجات کننده خداوند باشد. زیرا سنت جان رسول به آنها آموخت که این وظیفه را در آخرالزمان انجام دهند.

## فصل هفتم.

## از آماده سازی مورد استفاده.

/. با این فضایل خاص باید ذهن را برای نماز آماده کرد.

در نامه های الهی 2 آمده است: «قبل از نماز جان خود را آماده کن و مانند مردی مباش که خدا را وسوسه می کند». زیرا او خدایی را وسوسه می کند که وقتی نیکو می خواند بدی می کند و وقتی با خدا حرف می زند ذهنش از دعای او دور می شود. بنابراین، چون بسیار مهم است که هر یک با چه دلی به درگاه خداوند مناجات می کند، شبانان راه های دعا را به شنوندگان پارسا برسانند. بنابراین، اولین قدم برای نماز، روحیه واقعاً خضوع و حقیر و نیز شناخت جنایات خواهد بود. با کدام جنایات می فهمد، >) 3 .8 .Apoc. مربع ») خادم. 18، 28

کسی که به خدا نزدیک می شود نه تنها شایسته نیست، کسی که از خدا چیزی بخواهد، بلکه کسی است که حتی برای دعا به چشم او نمی آید. این تمهید در نامه های الهی بسیار آمده است که از آن نیز سخن گفته است: «به دعای فرومایه نگاه می کرد و نمازشان را خوار نمی شمرد». بند 2: «دعای خاشع کننده در ابر نفوذ می کند». به همین دلیل ما در مورد بزرگداشت غیر ضروری بیشتر نمی پردازیم. اما ما فقط از آن دو مثال می گذریم که در جای دیگر، حتی در این قسمت، به آن ها پرداخته ایم، زیرا مناسب همین دلیل است. Publicanus 3) مشهورترین کسی است که با ایستادن در فاصله ای جرات نمی کند چشمان خود را از زمین بلند کند. همچنین وجود دارد 4) آن زن گناهکار که تحت تأثیر درد، اشک را به پای مسیح خداوند ریخت. هر دوی آنها اعلام کردند که فروتنی مسیحی چقدر برای دعا اهمیت دارد. رنج خاصی در حافظه جرایم وجود دارد، یا حداقل احساس درد خاصی به این دلیل وجود دارد، زیرا ما نمی توانیم غمگین شویم. که هر دو یا لااقل دیگری، تا زمانی که توبه کننده از آن استفاده نکند، بخشش حاصل نمی شود.

II. کسانی که می خواهند دعای مثمر ثمر داشته باشند، از چه جنایات اصلی اجتناب می کنند؟ اما از آنجایی که جنایات خاصی وجود دارد که بیشتر مانع می شود، هر چه خداوند در دعای ما کمتر درخواست ما را برآورده می کند، مانند قتل و زور: باید دست ها را از این ظلم و خشونت باز داشت. این عمل را خداوند به زبان اشعیا باب 5 این گونه بیان می کند: "چون دستهایت را دراز کنی، چشمان خود را از تو خواهم گردانید، و چون دعایت را زیاد کنی، نمی شنوم، زیرا دستانت پر از خون است." باید از خشم و اختلاف پرهیز شود که تا حد زیادی مانع از شنیدن دعا می شود. رسولان باب 6 درباره او می‌فرمایند: «من می‌خواهم که مردم در همه جا دعا کنند، دست‌های پاکیزه و بدون خشم و مشاجره بلند کنند». علاوه بر این، باید دید که ما نسبت به هیچ کس در جراحات سرخورده نیستیم. زیرا که تحت تأثیر قرار گرفته ایم، نمی توانیم با دعا خدا را بیاوریم تا او ما را ببخشد. او می گوید: «زمانی که برای دعا ایستاده ای، اگر چیزی داری رها کن». و 8): "اگر شما مردم را نبخشید، پدر شما نیز گناهان شما را نخواهد بخشید." همچنین باید مراقب باشیم که نسبت به نیازمندان تندخو و غیرانسانی نباشیم. زیرا در مورد چنین مردانی گفته شد: «هر کس گوش خود را به گریه فقرا ببندد، خود گریه می کند و شنیده نمی شود». در مورد غرور چه بگوییم؟ تا چه اندازه خداوند آزرده می شود، آن صدا گواه است10): « خداوند در برابر مغرور مقاومت می کند.

علامت (' .S, 8 .تیم 1 (• .I s. 1، 15 (« .لوقا 18، 18. 18. ») من ب. 7، 38 (« .Eccl. 35، 81 (ج .Pe. 101، 18 (<
حیوان خانگی. 5، 5 '«) گذاری کنید. 11، 25. « ) م در. 6، 15. ») Prov. 21، 13 یاس. 4، 6. 5

366

اما او به فروتنان فیض می بخشد.» در مورد تحقیر روایات الهی چه می شود؟ که در آن قول سلیمان وجود دارد: «کسی که گوش های خود را برگرداند، شریعت را نشنود، دعایش مکروه است.» اما در این مکان دعای ظلم انجام شده است، نه از قتل، نه از غضب، نه از ظلم و ستم، نه از ظلم و ستم، نه از ظلم و ستم، نه تهمت، نه از تهمت، نه از تهمت، نه از تهمت، نه تهمت، خلاصه از بقیه جرایم در صورت استغفار مستثنی نیست.

III. بر ایمان به خدا که برای نماز لازم است.

در واقع، ایمان برای این آماده سازی روح لازم است، که در صورت نبود آن، نه از قدرت مطلق پدر والا و نه از رحمت او، اما اطمینان دعاکننده از آنجا ناشی می شود، علم حاصل نمی شود. همانطور که خود مسیح تعلیم داد: او می گوید: «همه چیز، هر چه در دعا بخواهید، با ایمان، خواهید گرفت.» در مورد این نوع ایمان، آگوستین مقدس در مورد سخنان خداوند می نویسد3: «اگر ایمان از بین برود، ای عقل از بین رفته است.» بنابراین، همانطور که قبلاً گفته شد، لازم است به درستی دعا کنیم تا در ایمان ثابت و ثابت باشیم، که رسول برعکس نشان می دهد: «چگونه کسی را که به او ایمان نیاورده اند بخوانند؟ ما را ناامید نکن، زیرا این ایمان است که دعا می‌کند، تا هر گونه شک و تردید برطرف شود، تا ایمان پایدار و استوار باشد. خوشا به حال کسی که شک نمی کند.» بنابراین، برای به دست آوردن آنچه از خدا می خواهیم، ایمان بیشترین وزن و امید قطعی به دست آوردن آن را به همراه دارد؛ که سنت جیمز توصیه می کند: «با ایمان بخواهد و در هیچ چیز تردید نکند».

IV. چه چیزی می تواند ما را به ایمان به دست آوردن چیزهایی که در دعا می خواهیم رهنمون شود.

خیلی چیزها هست که باید به این دفتر دعا اعتماد کنیم.
این همان اراده و مهربانی خداوند است که در ما دیده می شود، وقتی به ما دستور می دهد که او را پدر بنامیم تا بفهمیم که فرزندان او هستیم. تعداد تقریباً نامتناهی از آنها وجود دارد که خدا را فریاد زدند. او برترین شفیع است که همیشه در دسترس ما است، مسیح خداوند، که در قدیس یوحنا 7 درباره او گفته شده است: " اگر کسی گناه کند، نزد پدر وکیلی داریم، عیسی مسیح عادل، و او کفاره گناهان ما است." همچنین پولس رسول 8: "مسیح عیسی، که مرد، آری، او نیز زنده شد، که در دست راست خدا است، که او نیز برای ما شفاعت می کند." همچنین به شما

Prov. 28، 9. «) 115 سرم. •) 22، 21 .مت، o. 1. «) 14، 10 .روم. «) Ign. ep. 10 به هرمون. «) Iac. 1، 6 (؟ Eom. 8، 34 (" .I. Io. 2، 1. 2.

زیرا یک خدا وجود دارد، یک واسطه خدا و انسان، انسان" :(moteum 1
مسیح عیسی." سپس به عبرانیان 2: "از آنجایی که او باید در همه چیز مانند برادران خود باشد تا بتواند کاهنی مهربان و وفادار به خدا شود." بنابراین، اگرچه ما لایق درخواست‌کنندگان نیستیم، اما باید به کرامت عالی مفسر و شفیع عیسی مسیح امیدوار باشیم و بسیار اعتماد کنیم، که خدا همه آنچه را که به درستی از طریق او بخواهیم به ما عطا خواهد کرد.

## V. روح القدس نویسنده دعاهای ما است.

بالاخره نویسنده دعای ما روح القدس است که دعای ما باید توسط او شنیده شود. زیرا ما «روح» فرزندخواندگی را دریافت کرده‌ایم که در آن فریاد می‌زنیم «آبا، پدر» که به راستی به ضعف روح کمک می‌کند4) و جهل خود را در این وظیفه دعا. بلکه می فرماید: «او خودش با ناله های غیر قابل بیان ما را طلب می کند».

## 6. جواربی از چه راه در ایمان به کسب فیض های الهی می پردازد

اما اگر کسانی که گاهی می لرزند، و احساس نمی کنند که به اندازه کافی در ایمان خود ثابت قدم هستند، از صدای رسولان استفاده کنند (5): «پروردگارا، ایمان ما را زیاد کن». و نابینای او ج) : کفر مرا یاری کن.» اما آنگاه بیش از هر چیز و قوی در ایمان و امید، هر چه را که می خواهیم از خدا به دست می آوریم، آنگاه که تمام فکر و عمل و دعای خود را با شریعت و اراده خود خداوند تطبیق دهیم.

## فصل هشتم.

## در نماز چه استدلالی لازم است؟

/. امید است که به مردم در مورد بهترین راه دعا، و معنای دعای روحی و راستی بیاموزیم.

اما مهمتر از همه این است که چگونه از دعاهای مقدس استفاده کنیم.

زیرا اگر چه دعا برای نجات خوب است، اما، تا زمانی که به درستی استفاده نشود، فایده ای ندارد. همانطور که سنت جیمز می‌گوید6، آنچه را که می‌خواهیم، اغلب به دست نمی‌آوریم، به همین دلیل، زیرا بد درخواست می‌کنیم. بنابراین کشیشان به مردم مؤمن می آموزند که بهترین راه برای خوب دعا کردن و دعا کردن خصوصی و عمومی چیست.

ه) معر) ج. 33 ,.4 7 .1 i c , 2 ( 8 r .H e7b ،('5 1• .I.o 5 ('،2 .2.3 m i,9T .I,) روم. 8، 15. *) ib. ج. 26. «) لوقا 17، 5

این دستورات دعای مسیحی از تأدیب مسیح خداوند نازل شده است. بنابراین ما باید "در روح" و در حقیقت دعا کنیم. زیرا پدر آسمانی به دنبال کسانی است که او را در روح و حقیقت پرستش کنند. اما او به گونه ای نماز می خواند که از وقف نفس صمیمی و سوزان استفاده می کند. که ما آواز را به دلیل معنوی دعا از آن مستثنی نمی کنیم. با وجود این، ما اصالت را به حق نسبت به چیزی که از قلب قوی سرچشمه می‌گیرد، به دعا می‌دانیم: خدایی که افکار پنهان مردم برای او آشکار است، می‌شنود، حتی اگر به زبان نیاید. او شنید که اناس خود که مادر ساموئل بود، دعاهای صمیمی را که می خوانیم می خواند و فقط لب هایش را تکان می داد. داوود این گونه دعا کرد; زیرا می گوید 3) : «در آنجا قلبم گفت صورتم تو را کفاره داد». نمونه هایی از این دست در کتب آسمانی که اینجا و آنجا خوانده می شود، دیده می شود.

## II. استفاده صوتی اصلی از گفتار چیست؟

اما گفتار آوازی فایده و ضرورت خاص خود را دارد. زیرا میل روح را شعله ور می کند و دین دعا را شعله ور می کند، که آگوستین مقدس 4) در پروبا چنین می نویسد: "گاهی با کلمات و نشانه های دیگر برای افزایش میل مقدس خود ما فعال تر می کنیم." گاهی مجبور می شویم با میل شدید و با تقوا نظر خود را با کلمات بیان کنیم. زیرا شادی مساوی است با شادی دل و شادی زبان، و واقعاً بر ما لازم است که آن فداکاری انباشته از روح و جسم را انجام دهیم، که رسم رسولان برای دعا بود، همانطور که از اعمال رسولان و رسول در بسیاری از جاها می دانیم. III. دفتر صدا به دلیلی منطقی و در ملاء عام استدلال می کند

اما از آنجایی که نماز خواندن دو گونه است، خصوصی و عمومی: برای کمک به عبادت و تقوای درونی، از تلفظ نماز خصوصی استفاده می کنیم. در دولتی که برای تحریک دین مردم مؤمن ایجاد می شود، به هیچ وجه نمی توان در زمان های معین و معین، وظیفه زبان را جایگزین کرد.

## IV. فقط مسیحیان با روح دعا می کنند و نیازی به توسل به دعاهای طولانی ندارند.

اما این رسم دعا کردن در روح، که مخصوص مردان مسیحی است، اصلاً مورد پرستش کافران نیست. بنابراین، شنیدن سخنان مسیح خداوند در مورد آنها ممکن است 5): "وقتی دعا می کنید، مانند بتها زیاد صحبت نکنید، زیرا آنها فکر می کنند که در بسیاری از کلماتشان شنیده می شوند. پس مانند آنها نباشید، زیرا پدر شما می داند که شما قبل از اینکه از او بخواهید به چه چیزی نیاز دارید." اما وقتی از پرحرفی نهی می کند، در عین حال نماز طولانی را که الف

') آیو. 4, 23, *) 3 .I Reg. 1، 10-17) ص. 26، 8. *) قسمت. 130. ج. 9. 6) مت. 6، 7.

با غیرت نفسانی قوی و طولانی مدت، آنقدر از رد آن دور است که حتی با مثال خود ما را به این دلیل تشویق می کند که نه تنها شب ها را به نماز می گذراندیم، بلکه همان گفتار را سه بار تکرار می کنیم. پس فقط باید مشخص شود که خدا را نباید با صدای خالی کلمات خواند.

۵- پروردگار دعای منافقین را رد می کند.

در واقع منافقان از صمیم قلب دعا نمی کنند، که مسیح خداوند در این جمله 2 ما را از آنها منصرف می کرد: "وقتی دعا می کنید، مانند منافقانی نخواهید بود که دوست دارند در کنیسه ها و گوشه خیابان ها بایستند و نماز بخوانند تا مردم آنها را ببینند. پدر شما که در نهان می بیند به شما خواهد داد.» حجره ای که در این مکان نامیده می شود، ممکن است به قلب انسان اطلاق شود; این که دخول کافی نیست، بلکه باید بسته شود تا مبادا چیزی از بیرون در جانها جاری شود و صحت نماز خدشه دار شود. زیرا در آن صورت پدر آسمانی که بیش از همه ذهن ها و افکار پنهانی همه را می بیند، دعای دعا کننده را برآورده می کند. 6. اگر خواسته ما به تأخیر بیفتد، نباید از این تقوا دست بکشیم.

بعلاوه، دعا مستلزم استقامت است که قدرت زیادی دارد، چنان که پسر خدا با مثال آن قاضی نشان می دهد که وقتی «نه از خدا می ترسید و نه به انسان احترام می گذاشت، با استقامت و کوشش بیوه زن شکست خورد و تسلیم درخواست او شد.» بنابراین باید دائماً به درگاه خدا دعا کنیم و از کسانی تقلید نکنیم که بدون دعا، یک بار دیگر برایشان دعا می کنند. خستگی در این وظیفه، که ما اقتدار مسیح خداوند و رسول می آموزیم که اگر گاهی اراده در او ناکام ماند، از خدا قدرت بخواهیم تا استقامت کنیم.

VII. مسیح، اگر بخواهیم از پدر آسمانی چیزی بخواهیم، به ما دستور داد که آن را به نام او بخواهیم.

پسر خدا نیز می خواهد که دعای ما به نام او به پدر برسد. که با لیاقت او و لطف شفاعت کننده به آن وزن می رسد تا پدر آسمانی او را بشنود. زیرا این صدای او در سنت یوحنا 4 است: "آمین، آمین، به شما می گویم، اگر از پدر چیزی به نام من بخواهید، آن را به شما خواهد داد. تاکنون چیزی به نام من نخواسته اید، بخواهید و دریافت کنید تا شادی شما کامل شود." و دوباره 5): "هر چه به نام من از پدر بخواهید، آن را خواهم کرد."

•) مت. 26، 44-41. ») مت. 6، 5. 6. 8) 2 ،18. l uo. متر مربع 4) جو. 16، 23. 21. «) آیو. 14. 1S.

گاتکیسم، اونو. Tritl.

هشتم. شور اولیا باید در نماز تقلید شود و عمل فیض بر درخواست افزوده شود.

بیایید از غیرت شدید مردان مقدس که در دعا استفاده می کردند، تقلید کنیم. اما بیایید به عمل شکرگزاری با دعا بپیوندیم، به پیروی از رسولان، که این رسم را همیشه حفظ کردند، همانطور که در مورد رسول می بینیم. 9- برای اینکه نماز پرشور و مؤثر باشد، باید از روزه و زکات استفاده کرد.

اما از روزه و زکات برای نماز استفاده کنیم. به راستی که روزه با نماز همراه است. برای کسانی که بار غذا و نوشیدنی دارند، آنقدر ذهنشان مظلوم است که نه می توانند به خدا نگاه کنند و نه فکر می کنند که معنی نماز چیست. به دنبال آن انفاق می آید که خود ارتباط زیادی با نماز دارد. زیرا چه کسی که توانایی نیکی کردن با او را دارد و در مرحمت دیگران زندگی می کند و به همسایه و برادر خود لطف نمی کند، جرأت می کند بگوید که او دارای انفاق است؟ یا فقدان صدقه با چه دهانی از خدا یاری خواهد کرد؟ مگر این که برای آمرزش گناه دعا کند، در عین حال از خدا صدقه بخواهد. بنابراین از نظر الهی انجام شد که نجات انسانها باید با این درمان سه گانه کمک شود. زیرا هنگامی که با گناه، خدا را آزار می دهیم، یا به همسایگان خود تعرض می کنیم، یا خود را مجروح می کنیم: با دعاهای مقدس، خدا را آرام می کنیم. ما گناهان مردان را با صدقه جبران کردیم. با روزه گرفتن، آلودگی های زندگی خود را می شستیم. و اگرچه هر یک برای انواع جنایات مفید است، اما با هر یک از آن گناهانی که از آنها صحبت کردیم به درستی اعمال شده و تطبیق داده شده است.

## گاپوت 9

از اواتلون های یکشنبه، شروع می

کنم. پدر ما که در بهشتی.

1. چرا در ابتدای این دعا، مسیح به جای نام خداوند یا خداوند، نام پدر را غصب کرد.

از آنجایی که این شکل از دعای مسیحی که توسط عیسی مسیح ارائه شده است، این قدرت را دارد که قبل از اینکه به دعا و نیایش برسیم، باید به عنوان مقدمه ای برای ما با الفاظ خاصی استفاده شود، که با آن هنگام نزدیک شدن به خدا، بتوانیم با اطمینان بیشتری به خدا نزدیک شویم: این وظیفه کشیش است که آن را به روشنی و روشنی توضیح دهد، تا مردم متدین تر بتوانند به دعاها بیایند و در نتیجه با خدا رفتار کنند. اما پیش درآمد، اگر به کلمات نگاه کنید، بسیار کوتاه است; اگر برای چیزها ارزش قائل هستید، آنها بسیار دشوار و پر از رمز و راز هستند. و در واقع صدای اول، صدای خداست

ما از دستور و دستور در این دعا، «پات» است. زیرا اگرچه نجات دهنده ما می توانست این دعای الهی را با کلماتی که عظمت بیشتری داشته باشد، به عنوان مثال خالق یا خداوند، مطرح کند، اما او اینها را حذف کرد، که می توانست در همان زمان باعث ترس ما شود. اما او آنچه را که محبت و اطمینان می کند برای سخنرانان و کسانی که از خدا چیزی می خواهند استفاده کرد. زیرا چه چیزی به نام پدر خوشایند است؟ که به نظر می رسد اغماض و خیریه.

II. این اولین دلیلی است که چرا مردم در اینجا به درستی خدا را پدر می نامند.

اما به چه دلایلی نام پدر برای خدا مناسب است، او توانایی تعلیم مردم مؤمن را از مکان های آفرینش، حکومت و رستگاری فراهم می کند. زیرا از آنجایی که خدا انسان را به صورت خود آفرید و آن را به بقیه موجودات زنده نداد: از این کار منحصر به فرد که انسان را به حق همه انسانها، نه تنها مؤمنان، بلکه همچنین کافران، زینت داد، در کتاب مقدس او را پدر می نامند. (تثنیه 32، 6.) /77.

دلیل دوم اینکه خدا را پدر انسان می نامند چیست؟

اما او می‌تواند این استدلال را از دولت بگیرد که با پیش‌بینی و مشورت در رفاه مردان، با عنایت و مشیت خاصی، خیرات کشور ما را تضمین می‌کند. اما برای این که در تبیین این استدلال، اهتمام پدرانه خداوند نسبت به مردان بهتر تشخیص داده شود، به نظر می رسد درباره ولایت فرشتگانی که مردان تحت حمایت آنها هستند، سخنی گفته شود.

1 V. مشیت خدا این وظیفه را به فرشتگان واگذار کرد تا از نسل بشر محافظت کنند.

زیرا مشیت خداوند این وظیفه را به فرشتگان داده است تا از نسل بشر پاسداری کنند و در دسترس همگان باشند مبادا ضرری جدی به آنها وارد شود. زیرا به عنوان پدر و مادر، اگر فرزندانشان باید راهی پرخطر و پرخطر بپیمایند، در خطر، اولیاء و یاور داشته باشند، پس پدر و مادر آسمانی در این سفری که به سوی ملکوت بهشتی می کوشیم، در پیشاپیش هر یک از ما فرشتگانی قرار داد که با کمک و مراقبت آنها یواشکی از دام های دشمن دوری کنیم و دشمنان را که پیشوای ما را تهدید می کنند، دفع کنیم و دشمنان را بر ما بکوبیم. راه درست است تا مبادا دشمنی خائن بر سر ما بیاورد. او می تواند راهی را که به بهشت منتهی می شود هدایت کند.

5. با این ادله، عظمت منفعتی را که از ولایت فرشتگان به مردم بازمی‌گردد، به وضوح درک کنیم.

اما این عنایت و عنایت منحصر به فرد خداوند در مورد انسانها چه فایده ای دارد که منصب و اداره آن به فرشتگان که واسطه بین خدا و مردم هستند واگذار شده است.

فطرت درونی: از مصادیق فراوانی که از نامه های الهی که گواه است، معلوم می شود که غالباً به لطف خداوند انجام می شد، که فرشتگان نسبت به ناظرانی که به آنها هشدار داده شده بود، کارهای شگفت انگیزی انجام می دادند، کارهای بی شماری در نوع خود که زیر نظر فرشتگان ولی امر و نجات ما به نحو مفیدی انجام نمی شد. «کافائل آنجلوس»، همراه توبیاس و رهبر سفر، خدایی به او پیوست، او را رهبری کرد و به سلامت بازگرداند، او نیز به او کمک کرد تا ماهی بزرگی او را نخورد و نشان داد که چقدر در جگر، پوست و دهان ماهی است. او دیو را بیرون کرد و با قدرتی که او را مهار کرد و به او بست، باعث شد که به توبیاس آسیبی نرساند. حق و عرف واقعی و مشروع ازدواج را به نوجوان آموخت؛ او چشمان پدر توبیاس را جلب کرد و چراغ ها را بازگرداند.

6. از فرشته ای که پطرس شیطان توسط او از زندان رهایی یافت.

فرشته 2) به همین ترتیب، آن نجات دهنده شاهزاده رسولان مطالب غنی را برای آموزش گله پرهیزگار در مورد میوه شگفت انگیز مراقبت و محافظت از فرشتگان فراهم می کند، که کشیش نشان خواهد داد، فرشته زندان تاریکی را روشن می کند، و پطرس، پهلوی او را لمس می کند، او را از خواب بیدار می کند، زنجیرها را باز می کند، به دنبالش می بندد، به دنبالش می شکند و قیام می کند. لباس؛ هنگامی که آنها تدریس خواهند کرد، توسط همان فرشته، پیتر آزادانه توسط نگهبانان از زندان بیرون آورده شد و در نهایت باز شد و در امن قرار گرفت. چنانکه گفتیم تاریخ ادبیات مقدس مملو از نمونه هایی از این دست است؛ به وسیلۀ او می دانیم که قدرت احسانی که دو فرشته، مفسر و گوینده، به مردم می دهند، نه تنها برای امور حتمی و خصوصی فرستاده اند، بلکه از نخستین ظهور، سرپرستی ما را بر عهده گرفته اند و در حفاظت از رستگاری تک تک افراد قرار داده اند. این کوشش آموزه به آن سودمندی دست خواهد یافت، به طوری که ذهن شنوندگان برانگیخته می شود، و آنها هیجان زده می شوند که عنایت و عنایت پدرانه خدا را بشناسند و به آن احترام بگذارند.

VII. به این ترتیب، مردان مؤمن نیز باید توجه پدرانه خداوند به مردان را تشخیص دهند.

و کشیش در این مکان ستایش خواهد کرد و اول از همه غنای مهربانی خداوند را نسبت به نوع بشری که از اول 3) پدر و مادر نسل و گناه ما تا به امروز با جنایات و جنایات بی‌شمار آزار داده‌ایم ستایش می‌کند، اما در ما خیرات را حفظ می‌کند و آن نگرانی اصلی را نسبت به ما فرو نمی‌گذارد. اگر کسی گمان کند که مردم او را فراموش می کنند، دیوانه می شود و ناشایست ترین دشنام را به خدا می زند. خشم

') تاب. 12، 3. - 8، 17. الف) اعمال رسولان. 12، 7-9. - 5، 19. معادله 8) Gen. 3, 6

373


خدای اسرائیل به دلیل کفرگویی قومش شناخته شده است که فکر می کردند به کمک آسمانی ترک شده است. از او در خروج است: «خداوند را آزمایش کردند و گفتند: آیا خداوند در میان ماست یا نه؟» و در حزقیال ق) خداوند همین مردم را بسوزاند زیرا گفته بود: «خداوند ما را نمی بیند، خداوند زمین را رها کرده است». پس کسانی که به این مقامات وفادارند باید از آن نظر شیطانی منصرف شوند که ممکن است با فراموشی انسانها خداوند گرفتار شود. به چه نظر می‌توانیم بشنویم که قوم اسرائیل در اشعیا از خدا شکایت می‌کنند و از خدا شکایت احمقانه‌شان را با تشبیهی مهربانانه سرزنش می‌کنند. زیرا آنجاست 3): "صهیون گفت خداوند مرا ترک کرده و خداوند مرا فراموش کرده است." که خداوند به او فرمود: «آیا زن می تواند فرزند خود را فراموش کند تا بر پسر شکمش رحم نکند و اگر فراموش کرده باشد تو را فراموش نمی کنم، اینک تو را در دست خود نوشته ام».

هشتم. نمونه ای از اولین والدین که در ما شیطان مهربانی هستند.

در این مکان ها، گرچه این امر به وضوح تأیید شده است، اما برای متقاعد کردن مردم کاملاً مؤمن، نمی توان زمانی اتفاق بیفتد که خداوند یاد و خاطره انسان ها را که در آن وظایف وطن پرستی به آنها ادا نشده باشد، رخ دهد: کشیشان موضوع را با مثال روشن اولین مردان اثبات خواهند کرد که پس از غفلت و نقض فرمان خداوند، جمله ای تلخ و تلخ می شنوید و محکوم می کنید. سبزی های زمین را می خوری» وقتی دیدی که آنها را از بهشت بیرون می کنند و امید بازگشت از بین می رود، وقتی کروبیان را می خوانی که در ورودی بهشت مستقر هستند و شمشیری آتشین و همه کاره در دست دارند و می دانی که با انتقام آسیب های درونی و بیرونی به خدا وارد شده است: آیا فکر نمی کنی که این کار به شما کمکی نبوده است؟ با این حال، در چنین نشانه‌هایی از خشم و انتقام الهی، نوری از صدقه خداوند بر آنها تابیده شده است: «خداوند برای عده و همسرش لباس‌هایی از خز درست کرد و آنها را پوشاند که بزرگ‌ترین برهان بود.»

9 مهم نیست که جنایات انسان‌ها چقدر بزرگ باشد، اظهار می‌شود که مهربانی خدا می‌تواند فرسوده شود.

همچنین قوت این جمله، «محبت خدا با هیچ آسیبی از انسان تمام نمی‌شود»، داوود در آن کلمات 5 بیان می‌کند: «آیا خداوند رحمت خود را در غضب خود نگه می‌دارد؟»

') مثال 17، 7. 2) Ez. 8، 12. 3 است. 49، 14 متر مربع *) Ps. 7C، 10 «) Gen. 3, 17. 18.

حبقوق این را برای خدا توضیح داد، چون گفت: «هرگاه خشمگین شدی، به رحمت یاد می شوی». میکاه باب 2 را اینگونه باز کرد: " کیست خدایی مثل تو که گناه را برمی دارد و گناه باقیمانده ارث تو را منتقل می کند؟ خشم خود را بیشتر از این نمی گذارد، زیرا رحمت می خواهد." در کل، موضوع بدین گونه است; زمانی که گمان می کنیم خود را گم کرده ایم و از حمایت خدا ربوده ایم، خداوند بیش از همه ما را به خاطر خوبی های بی اندازه اش می خواهد و از ما مراقبت می کند. زیرا او در خشم شمشیر عدالت را به دوش می کشد و از غرق کردن گنجینه های پایان ناپذیر رحمت دست بر نمی دارد. X

از این رو قدرت زیادی دارند که دلیل اصلی خدا را در محبت و پاسداری از خلقت و حکومت بشریت روشن کنند. اما باز هم آن کار رستگاری انسان بین دو مورد بالا برجسته است، به طوری که بخشنده ترین خدا، پدر و مادر ما، بزرگ ترین مهربانی را که با این لطف سوم بر ما انباشته شده است، نشان می دهد. از این رو کشیش به فرزندان روحانی تحویل خواهد داد و پیوسته این عالی ترین عشق خدا را نسبت به ما در گوش آنها تلقین خواهد کرد، تا آنها بفهمند که چون رستگار شده اند، فرزندان شگفت انگیز خدا شده اند. یوحنا می گوید: "زیرا او به آنها قدرت داد تا فرزندان خدا شوند." و: «آنها مولود خدا هستند». به همین دلیل غسل تعمید را که به عنوان اولین ودیعه و یادگار رستگاری داریم، راز باززایی نامیده می شود: زیرا از آن فرزندان خدا متولد می شویم. زیرا خود خداوند میفرماید: «آنچه از روح زاده میشود روح است». و: "شما باید دوباره متولد شوید." همچنین پطرس رسول 5: "از نو متولد شوید، نه از دانه فاسد، بلکه فاسدناپذیر از طریق کلام خدای زنده."

XI. به لطف یک خدای منفرد، ما از طریق رستگاری پسر خدا به انجام رسیدیم. ما با وزن این رستگاری روح القدس را دریافت کرده ایم و لایق فیض خدا بوده ایم. با کدام نقش ما به عنوان فرزندان خدا پذیرفته شده ایم. همانطور که پولس رسول به رومیان نوشت: "شما روح بردگی را دوباره در ترس دریافت نکردید، بلکه روح فرزندخواندگی را دریافت کردید که در آن فریاد می زنیم: ابا، پدر." سنت جان قدرت و اثربخشی فرزندخواندگی را اینگونه توضیح می دهد: "ببینید که پدر چه صدقه ای به ما داده است تا ما خوانده شویم و فرزندان خدا باشیم."

XII. مسیحیان، که از قبل فرزندان کامل خدا هستند، پس از دریافت این همه خیرات پدرانه، به نوبه خود چه چیزی را باید به پدر ارائه دهند؟

پس از توضیح این چیزها، مردم مؤمن باید آنچه را که به نوبه خود به خدای بامحبت‌ترین پدر مدیون هستند، یادآوری کرد تا بفهمند که چه کسی حاباک است.

I (' .5 ,3 تیتوس ,7 .6 ,3 .5 ,4 .گال .8 ,5 .روم .13 .12 ,1 .آیو (» .18 ,7 .میه (2 .2 ,3
Potr. 1, 23. 8) 16 ,1 .تیم 1 .15 ,8 .روم (' I. Jo. 3, 1

375

محبت و پرهیزگاری و اطاعت و تکریم خالق و والی و منجی که با امید و اطمینان باید از او دعوت کرد. اما برای تربیت نادانی آنها و جهت دادن به کجروی عقیده آنها، اگر کسانی که وجود دارند فقط چیزهای دوم و مسیر موفقیت آمیز زندگی را موضوع خود داشته باشند، خداوند محبت خود را نسبت به ما حفظ می کند، اما در مصیبت ها و بلاهایی که از جانب خدا به ما تحمیل می شود، این نشان از ذهنی خصمانه در ماست و کاملاً بیگانه از ما است که اراده الهی به ما نشان داده نمی شود: خداوند، اما برای شفا دادن با زدن حقیقت، و این که طاعون از جانب خدا دوا است. زیرا او گناهکاران را مجازات می کند تا انضباط آنها را بهتر کند و با مشاهده فعلی آنها را از نابودی ابدی نجات دهد. زیرا او گناهان ما را با عصا عیادت می کند و گناهان ما را با لجن می بیند، اما رحمت خود را از ما سلب نمی کند. از این رو باید مؤمنان را پند داد که در چنین تحریکی محبت خدا به کشور را بشناسند و آن را به یاد و در لبان صبورترین ایوب نگه دارند 3: «او خود زخم می‌کند و شفا می‌دهد، می‌زند و دستانش شفا می‌یابد». تا آنچه را که ارمیا در شخص بنی اسرائیل نوشته است، غصب کنند4: "تو مرا تنبیه کردی و مانند جوانی سرکش تعلیم یافتم. مرا تبدیل کن و من تبدیل خواهم شد، زیرا تو یهوه خدای من هستی." تا طوبیاس را در پیشگاه خود قرار دهند که وقتی در آن سکته نابینایی، احساس کردم که خداوند دست پدرانه تو را قطع کرد. خدای اسرائیل، زیرا مرا تنبیه کردی و نجاتم دادی.»

سیزدهم باید به مؤمنان تأکید کرد که خدای ما هرگز فراموش نمی شود. در این امر مؤمنان باید احتیاط ویژه ای داشته باشند تا مبادا حتی اگر مصیبت و مصیبتی بر آنها وارد شود، گمان کنند که از خدا غافل هستند. زیرا خود فرمود (6): «هیچ مویی از سرت از بین نمی رود». در مقابل، با تسلیت آن مناجات الهی که در آخرالزمان 7 آمده است، خود را تسلی می دهند: «من که دوستش دارم، عتاب و تنبیه می کنم». او در نصیحت رسول به عبرانیان 6 استوار است: «فرزندان من، از تأدیب خداوند غافل نشوید، در حالی که از سوی او مورد مؤاخذه قرار می‌گیرید خسته نباشید، زیرا خداوند هر که را دوست دارد، عذاب می‌کند، اما هر پسری را که می‌پذیرد، تنبیه می‌کند. - اما اگر شما خارج از تربیت هستید و ما بزرگ‌تر نیستیم. بدن، و ما به آنها احترام گذاشتیم: آیا ما بیشتر از این از پدر ارواح اطاعت نخواهیم کرد و زنده نخواهیم شد؟
«

') شغل. 19، 21. تثنیه. 32، 39. 2) ص. 88، 33 متر مربع ») شغل. 5، 18.') T ob (« .18 ،31 .Jer.
11، 17. خرد. 16، 13. «) لوقا 21، 18. ') مکاشفه 3، 19. امثال. 3، 12. «) عبری. 12، 5

چهاردهم چرا در اینجا به ما دستور داده شده که خدای کثرت را پدر خود بنامیم؟

هنگامی که ما پدر را به صورت انفرادی فرا می خوانیم و خود را فرا می خوانیم، به ما آموزش داده می شود که باید از عطای و حق فرزندخواندگی الهی به دست آوریم، که همه برادران باید وفادار باشند و برادرانه یکدیگر را دوست داشته باشند. او گفت: "برای همه، شما برادر هستید." - زیرا پدر شما یکی است که در آسمان است. چرا حواریون حتی در رسائل همه مؤمنان را «برادر» می نامند. از این نیز، آن پیامد ضروری حاصل میشود، تا با همین پذیرش خدا، نه تنها مؤمنان در رابطه برادرانه با یکدیگر متحد میشوند، بلکه چون انسان یگانه پسر خداست، برادران او نیز خوانده میشوند و هستند. که مدتها پیش داوود3) در مورد مسیح خداوند پیشگویی کرده بود. اما خود مسیح نیز در انجیل به زنان چنین می گوید: "بروید و به برادرانم بگویید به جلیل بروند، آنجا مرا خواهند دید." معلوم است که این سخن را او در حالی گفته است که از مردگان زنده شده بود و جاودانگی یافته بود، مبادا کسی گمان کند که رابطه برادری با او با قیام و عروج او به بهشت از بین رفته است. زیرا فقط زمان باقی است که رستاخیز مسیح این اتحاد و نیکوکاری را بازخرید کند، به طوری که از آن کرسی عظمت و جلال، و زمانی که او همه مردم را از همه خاطره قضاوت خواهد کرد، ما پذیرفته ایم که مؤمنان را "کوچکترین آنها" به نام برادر 5 بخوانیم).

15 از این رو آنها را باید در میان برادران مسیح وفادار دانست.

اما چه کسی می تواند باشد که ما "برادران مسیح" نیستیم، که ما را هموارث او می نامند؟ زیرا او خود «نخست زاده» است و وارث جهان است (G). «اما ما که در مرحله دوم به دنیا آمدهایم، بهواسطه هدایای آسمانی، بهواسطه صدقهای که به واسطه آن خود را به عنوان خادمان و یاوران روحالقدس فراهم کردهایم، هموارث او هستیم، و به قدرت او به سوی فضیلتها و اعمال مفید برانگیخته میشویم، تا با اتکال به فیض او، با قدرت و اقتدار به مبارزه فرود بیاییم و با قدرت به مبارزه فرود بیاییم. از طریق فضای این زندگی، ما پاداش عادلانه تاج را از پدر و مادر آسمانی دریافت می کنیم، که برای همه کسانی که همان مسیر را دنبال کرده اند، تعیین شده است.

•) مت. 23. 8. 9. روم. 1، 13. II. پیتر 3، 17. 13، 3. Jo. I. ') عبری. 2، 11. 12. *) 23 ،1» .* F
*) مت. 28، 10. *) مت. 25، 40 6) 17 .8 .R0ta. عبری. 1، 2. *) عبری. 6، 10

377 قسمت چهارم. فصل 9 377 شانزدهم. در این راه ما باید برای یکدیگر دعا کنیم و همه باید یکدیگر را برادر بدانیم.

به راستی که ما باید این کلمه "ما" را از دل به زبان آوریم، با نظر قدیس کریزوستوم روشن می شود، که خدا را تشویق می کند که مسیحی را بشنود که نه تنها برای خود، بلکه برای دیگری دعا می کند. که برای خود فطرت است دعا کردن، برای فیض دیگر: برای خود نیازی مجبور است، برای دیگری صدقه برادرانه توصیه می کند. به وي افزود: آن دعايي كه صدقه برادري به آن ستايش مي‌كند، نزد خداوند پسنديده‌تر از آن است كه به وجوب آن گفته مي‌شود. در این امر بزرگ دعای خیر، کشیش باید همه افراد از هر سن و نژاد و نظمی را نصیحت و نصیحت کند تا با توجه به این رابطه برادرانه مشترک، رفتار دوستانه و برادرانه داشته باشند و دیگران را بر دیگران ترجیح ندهند. زیرا اگرچه در کلیسای خدا درجات مختلفی از وظایف وجود دارد، اما این تنوع درجات و وظایف به هیچ وجه وحدت رابطه برادرانه را از بین نمی برد. همانطور که در بدن یک مرد کاربردهای مختلف و کارکردهای مختلف اعضا هیچ کاری نمی کند، به همین دلیل این یا آن قسمت از بدن کارکرد و نام یک عضو را از دست می دهد.

17 به این دلایل، مسیحیان با چنین پیوندی به یکدیگر پیوند خورده اند.

کسی را که در قدرت سلطنتی است به شما پیشنهاد دهید. پس آیا او اگر مؤمن است، برادر همه کسانی نیست که به اشتراک ایمان مسیحی مقید هستند؟ بیشتر از همه. چرا اینطور؟ زیرا هیچ خدای دیگری وجود ندارد که ثروتمندان و پادشاهان از او زاده شوند و فقیران و کسانی که به حق در قدرت پادشاهان هستند از او برخاسته باشند، جز خدای واحد، پدر و مادر و پروردگار همه. و بنابراین یک تولد روحانی از همه، یک اشراف، یک منزلت، یک شکوه و جلال نژاد وجود دارد، زیرا همه ما از یک روح، از یک راز ایمان، فرزندان خدا، و وارثان یک میراث به دنیا آمده ایم. نه در واقع، مردان ثروتمند و قدرتمند مسیحی دیگر را به عنوان خدای خود ندارند، و ضعیف‌ترها و پست‌ترین‌ها خدای دیگری دارند. آنها نه توسط مقدسات دیگر آغاز شده اند، و نه انتظار میراث ملکوتی دیگر را دارند. ما همه برادر هستیم، و همانطور که رسول افسسیان می گوید، "ما اعضای بدن مسیح، از گوشت و استخوان او هستیم." منظور رسول در رساله غلاطیان 3: "همه شما فرزندان خدا هستید به واسطه ایمان به مسیح عیسی. زیرا هر که در مسیح تعمید یافته است مسیح را پوشیده است. نه یهودی است و نه یونانی، نه غلام و نه آزاد، نه مرد و نه زن. زیرا همه شما در مسیح عیسی یکی هستید." اما این موضوعی است که باید به دقت به چوپانان رسیدگی شود

') Op. 3 .30 ،5 اف. «.14 (مرد ناقص Gal. 3. 2G- 28. 11 ،3 سرهنگ

از دریا، و آگاهانه برای آنها ساکن در این جمله; زیرا مکان مناسبی برای تقویت و برانگیختن فقیران و رانده شدگان نیست، تا اینکه غرور ثروتمندان و قدرتمندان را کنترل و درهم بشکند. رسول به این صدقه برادرانه تأکید کرد و آن را در گوش مؤمنان نهاد تا از آن به عنوان چاره ای برای مردی که در مشکل است استفاده کند.

15 III. مسیحی وقتی شروع دعا را پدر ما تلفظ می کند باید به چه فکر کند؟

بنابراین، هنگامی که می‌خواهید این دعاها را به درگاه خداوند انجام دهید، مسیحی، به یاد داشته باشید که به عنوان یک پسر به خدای پدر نزدیک شوید. پس هنگامی که دعای خود را آغاز می کنید و کلمه «ای پدر ما» را می گویید، به جای‌گاهی بیندیشید که لطف عالی خداوند شما را به آنجا رسانده است که به شما دستور داده است که به عنوان بنده ای ناخواسته و ترسو به ارباب خود نزدیک نشوید، بلکه به عنوان فرزندی مشتاق و مطمئن نزد پدر باشید. فکر کن با چه خاطره و فکری، با چه چیزی با جدیت و تقوا تو را دعا کنیم. زیرا وظیفه شماست که خود را به گونه ای که باید فرزند خدا باشد معرفی کنید، یعنی دعا و عمل شما ناپسند طبقه الهی نباشد که خدای رحمان خواسته است که شایسته آن باشید. رسول ما را به این دلیل سفارش می کند که می گوید: «پس مانند فرزندان عزیز از خدا تقلید کنید» تا آنچه را که خود رسول به تسالونیکیان 2 نوشت: « همه شما فرزندان عدالت و فرزندان روز هستید».

چه کسانی در بهشت هستند؟

19 از آنجایی که خدا در همه جا حاضر است، چگونه می توان گفت که او در بهشت اقامتگاه ویژه خود دارد؟

در میان همه کسانی که به درستی نسبت به خدا احساس می کنند، توافق دارند که خدا در همه جا در مکان ها و ملت ها وجود دارد. که نمی توان آن را به گونه ای درک کرد که گویی خود او به بخش هایی تقسیم شده است، یک قسمت یک مکان را اشغال کرده و از آن محافظت می کند و دیگری مکان دیگر را. زیرا خدا یک روح است و عامل همه تفرقه هاست. زیرا چه کسی جرأت دارد خداوند را که گویی در اثری قرار داده شده، در حدود هر مکانی محصور کند، هنگامی که در مورد خود می گوید: "آیا من آسمان و زمین را پر نمی کنم؟" باز هم این را باید چنین فهمید: خدا و آسمانها و زمین و آن چیزهایی که در آسمانها و زمین است به قوت و قدرت آنها در آغوش گرفته می شود. اما خودش در هیچ مکانی موجود نیست. زیرا خداوند در همه چیز حاضر است، یا آنها را می‌آفریند، یا مخلوق را حفظ می‌کند، و هیچ منطقه‌ای، هیچ محدودیتی ندارد، یا به گونه‌ای تعریف شده است که هم ماهیت و هم قدرت خود را در همه جا ثابت می‌کند. که داوود تبارک و تعالی 4) در آن کلمات بیان کرد: « اگر به آسمان بالا رفتم، تو آنجایی». درست هر چند حاضر») اف. اعمال 5، 1 تسل. 5، 5. 3) جر. 23، 21. *; ص 138، I. 8 (». 17، 8. 29.

fcafj er fine SDBot)nung im £tmmel ftabe; bieS ifi, ttrie ttrir fefjen, bejjbalb ^ efdjefjen, rceil bie £immel, ju melc^en nir £?inaufblicfen , b er ttornefjmfie £f) etl ber SDBelt ftnb, unb unoermeft t bleben,rofe ©= bifraiben, . iibrigen torper iibertreffcn unb tfjre beftimmten unrcanbelbami 33e* megungen babett. Um alfo ben ©eifl ber 2Kenfd)en jur 93etrad)tung feiner uuenblicfjen 2Tiadt)t unb SWajeflfit, roeldtje befonberS im SJBerfe ber $immel fjerttorteudjtet, anjuregen , f o bejeugrterfter bcn £immeln mobne. Oft erftfitt er aud), nrie eS benn ttrirftid) if, e§ gebe feinen £I)eH ber SBelt, weidt)er nid)t oon bem bafelbfi gegenmartigen SBefen unb ber̂ raft ©otteS umfafjt ttjfire.

20. 2BaS iene SBorte, "oer bu Dtft tn ben §tmnteln" ben ©laubigen ju betradjten DorfteUen.

Sfnbejj foQen ftcfp bie ©Ifiubigen bei btefem ©ebanfen nid)t nur ba§ S3tlb beS gemctnfamcn 33ater§ 2lQer, fonbern aud) beS im §immel regieten* ben ©otteg oorftenQofteen,c. ftd) eriunern, bafj ©cift unb £erj jum £tmmel ju erfjeben fei; unb fo triel ©offnung unb Siertrauen it)nen aud) ber 9?ame SSater einflofjt, fo moge bod) eben fo t riel djrifWdje ©emutf) unb (Sljrfurdjt iene fjerrltdje ittatur unb gottfidje unb gottfidje iDcaie £immeln tft", fnnjufagen. ®iefe 2Borte be= fiimmen aud) ben SSetenben im 93orau<3, um tuaS fte j u beten t)aben. ®enn att unfer S3ittett, aetdjeS fid) auf ben̂ ut^eu unb̂ otfjtoenbigfeit biefeS ?e* ben§ bejiefjt, ift, fofern c§ ntdtjt mit f)immltfcf) en ®bingen ajtetfcf)en ®bingen ajtitelfcf nid)tig unb eine§ Sfjriften untriirbig. ®aber roerben biê farrer bie frommen Buborer an bicfe SOBeife beS ©ebeteS maf)nen unb if)re SCtfatmung burcf) ieneg 3eugnifj be§ StpoffelS befcgen: „ SS3enn tfjr fjr mit •©tja§fiftuben •©tja§fiftuben. oben iji, roo ef)rijiu§ ftfet jur 3fJcd)ten ©otte^ fjabet @efd)tnacf an bem, ma§ oben ift, n id)t roaS auf ber <

Srbe."

©efyeiltcjet tcerbe betn̂ ame.

1. SBarum totr unfere SBunftfje mtt ber̂ eiligunfl be5 gottlijen SWamenfi beginnen.

SBaS man Oon ©ott beget)ven foQe, unb in roefdjer Orbnung tS ju tf) un fei, tjat utt3 ber 3Jteifier uub §err SfQer geletjvt unb geboten. ®enn ba ba§ ©cbet Sunbgebung unb 21u3bruct unfere§ S3eget)rettS ift, fo bitten ttjir bann rect)t unb oernitnftig, menn bte Orbnung ber S3itten ftct) nac^ ber Orbnung beffen ricfventt. ®§ mafjnt un§ aber bie tcaf)re 2iebe, bag ttrir unfern ©tnn unb (Sifer auf ©ott ricfjten, toeldjer, ba

انفاق، تا تمام ذهن و غیرت خود را به خدا بسپاریم، که چون او به تنهایی بالاترین خیر در خود است، حق دارد با عشقی خاص و منحصر به فرد دوست داشته شود. خداوند را نمی توان از صمیم قلب و تنها دوست داشت، مگر اینکه عزت و جلال او بر همه چیز و طبیعت ترجیح داده شود. زیرا هم مال خود ما و هم دیگران و به طور کلی همه چیزهایی که نیک نامیده می‌شوند، از او سرچشمه می‌گیرند، به خود برتری می‌دهند. از این رو، برای اینکه دعا به ترتیب پیش برود، ناجی این درخواست را از عالی ترین خیرات، رئیس و رئیس بقیه دعاها قرار داد، و به ما تعلیم داد، پیش از آنکه چیزهایي را که براي خود یا همسایه مان لازم است، بخواهیم، که آنچه را که شایسته جلال خداست، بخواهیم، و خواسته و میل خود را به هدف او به خدا توضیح دهیم. پس از انجام این کار، ما در منصب صدقه که به وسیله آن به ما تعلیم داده می شود، باقی می مانیم و خدا را بیشتر از خود دوست داریم و اول از خدا چه می خواهیم و سپس برای خود آرزو می کنیم.

II. از آنجایی که ذات الهی به هیچ وجه قابل افزایش یا کمبود نیست، چرا لازم بود در اینجا تقدیس نام خدا را مطالبه کنیم؟

و چون میل و درخواست همان چیزهایی است که ما فاقد آن هستیم (و در واقع نمی توان به خدا، یعنی ذات او، با هیچ جوهری که به گونه ای غیرقابل توضیح با کمال انباشته شده است، نزدیک شد یا زیاد شد:) باید فهمید که این چیزها برای خود خداوند خارجی است و به جلال ظاهری او تعلق دارد. زیرا ما می خواهیم و می خواهیم که نام خدا برای ملت ها بهتر شناخته شود، تا پادشاهی او بزرگ شود و هر روز بیشتر از خدای الهی اطاعت کنند. این سه چیز، نام، ملکوت و اطاعت، در آن خیر درونی خدا نیست، بلکه از بیرون فرض شده است.

III. کلمات «همانطور که در آسمان و روی زمین» ممکن است به سه گفتار اولیه و نحوه درک آنها در اینجا اشاره داشته باشد.

درست است که این عریضه ها چه نیرویی دارند و چه ارزشی دارند، باید واضح تر درک کرد: بخش های شبان برای انذار مردم مؤمن خواهد بود، می توان به هر یک از سه فرض اول اشاره کرد: «همانا در آسمان و زمین»، مانند: «نام تو مقدس باد، چنانکه در آسمان و زمین». همچنین: «ملکوت تو بیاید، چنانکه در آسمان و زمین است». به همین ترتیب: «اراده تو عمل شود، چنانکه در آسمان و زمین است». اما وقتی می خواهیم نام خدا تقدیس شود، احساس می کنیم که ممکن است بر قداست و جلال اسم الهی افزوده شود. در این هنگام کشیش متوجه خواهد شد و به شنوندگان پرهیزکار می آموزد که منجی را نخوانند تا در زمین همانند آسمان تقدیس شود، یعنی وسعت تقدیس زمینی با آسمان برابر شود (زیرا با هیچ توافقی نمی توان این کار را انجام داد): بلکه باید از روی خیرات و میل باطنی نفس انجام شود.

 به چه صورتی نام خدا که فی نفسه مقدس است باید توسط ما تقدیس شود؟

اگرچه این بسیار درست است که اسم الهی به خودی خود نیازی به تقدیس ندارد، زیرا مقدس و وحشتناک است، همانطور که خود خداوند در ذات خود مقدس است و هیچ قداستی که تا ابد نصیبش نشده است، نمی تواند به او نزدیک شود: با این حال، احترامی که بر روی زمین است بسیار کمتر از آنچه برابر است متأثر می شود، بنابراین گاهی اوقات ما را مورد نفرین قرار می دهند و حتی با الفاظ ستایش می کنیم. افتخار، و شکوه برای مثال ستایش و عزت و جلال که در بهشت به او داده می شود، یعنی برای اینکه عزت و عبادت در ذهن، در قلب، در دهان جاری شود، تا ما با کمال تعظیم در باطن و ظاهر دنبال کنیم و خدای بلندمرتبه و پاک و جلال را با همه شهرت و شهرت ملکوتی و به تقلید از او در آغوش بگیریم. زیرا همانطور که آسمانیان با نهایت رضایت، جلال و موعظه خدا را ستایش می کنند: ما نیز دعا می کنیم که در سرتاسر جهان همین اتفاق بیفتد، و همه ملت ها خدا را بشناسند، عبادت کنند و ستایش کنند. به طوری که هیچ انسانی یافت نشود که هم دین مسیحیت را قبول نداشته باشد و هم معتقد باشد که همه آنها به خدا وصیت شده اند و همه سرچشمه قدوسیت از اوست و هیچ چیز پاک و مقدس نیست که از تقدس اسم الهی برنخاسته باشد. 5. چگونه می توان این کار را کرد تا نام خدا در میان کافران مقدس باشد.

زیرا رسول شهادت می دهد که کلیسا در 2) "شستن آب در کلام زندگی" پاک شد. حال کلمه حیات به معنای نام پدر و پسر و روح القدس است که در او تعمید و تقدیس شده ایم. پس چون کفاره و پاکی و پاکی کسی که نام الهی بر آن برده نمی شود وجود ندارد، از خداوند می خواهیم و از خداوند می خواهیم که هر نژادی که از ظلمت کفر ناپاک بیرون می رود و با پرتوهای نور الهی منور می شود، قدرت این نام را به گونه ای بشناسد که قدوسیت واقعی را در آن نام بجویند و قدوسیت واقعی را در آن دریافت کنند. تثلیث، دست راست خود خدا، به قدرت کامل تقدس می رسد.

6. به این دلیل نام خدا را می توان در گناهکاران تقدیس کرد. واقعاً متعلق به اپتاتوم است، و درخواست ما از کسانی که آلوده به سستی و جنایت هستند، تمامیت خالص غسل تعمید و ردای بی گناهی را از دست داده اند. از این رو چنین گذشت که ناپاک ترین روح بار دیگر در آنها نشست. پس امیدواریم و به درگاه خداوند دعا می کنیم

) ص. 110، 10.') افس. 5، 26. مت. 28، 19

تا روح او نیز در آنها تقدیس شود تا با بازگشت به قلب و تقدس
سلامتی پیشین خود را به راز توبه بازخرید کنند و سپس
معبدی پاک و مقدس و منزلگاهی برای خداوند فراهم آورند.

به این ترتیب همه انسانها نام خدا را در خود تقدیس می کنند .VII

در نهایت، دعا کنیم که خداوند به ذهن همه روشنایی دهد تا
ببینند که «همه چیز به بهترین وجه داده می‌شود و هر هدیه‌ای کامل
است، از پدر نورها نازل می‌شود» تا خدای برای ما آورده شود. که اعتدال،
عدالت، زندگی، سلامتی، به طور خلاصه، همه کالاهای ذهنی، جسمی،
خارجی، حیاتی و مفید دریافتی به او اشاره دارد، که، همانطور که
کلیسا موعظه می کند، همه کالاها از او سرچشمه می گیرند. اگر
خورشید به نورش، اگر بقیه ستارگان با حرکت و سیرشان به نوع
بشر سود می‌رسانند، اگر از این روح اطرافمان تغذیه می‌شویم، اگر زمین
زندگی همگان را با فراوانی محصولات و میوه‌ها حفظ می‌کند، اگر از
کارهای استادت در آرامش و آرامش لذت می‌بریم، و این و چنین کالاهای
بی‌شماری از جانب خداوند متعال به ما عطا می‌شود. علاوه بر این، آنچه
فیلسوفان آن را علل دوم می نامند، باید تفسیر کنیم، برخی از آنها
به طور معجزه آسایی تولید شده و به دست خدا برای استفاده ما
تطبیق داده شده است، که به وسیله آن او کالاهای خود را بین ما
تقسیم می کند و آنها را در همه جا پخش می کند.

هشتم. به این ترتیب نام خدا عمدتاً از طریق به رسمیت شناختن و تکریم
کلیسای کاتولیک مقدس خواهد شد.

اما آنچه در این دادخواست بسیار مهم است این است که همه
باید مقدس ترین عروس عیسی مسیح و کلیسای والدین ما را که در
آن یکی از منابع فراوان است و 2) جاودانه برای شستن و کفاره
همه پلیدی های گناهان، که از آن همه مقدسات نجات و قدوسیت
بیرون کشیده شده است، قدردانی کنند، و گویی از طریق آن
خطوطی که گویی از طریق او جاری می شود. ما به خدا؛ دعای آن اسم
الهی تنها به او تعلق دارد، و به کسانی که در سینه و سینه
خود بست، که «زیر بهشت به مردم داده شده است که در آن نجات
ما لازم است».

9 به همین دلیل امروز مسیحیان نام خدا را نجس می کنند.
در واقع، کشیشان باید بیش از همه بر این نکته پافشاری
کنند: فرزندان خوبی باشند، نه تنها در کلام به خدای پدر دعا کنند،
بلکه در عمل و عمل نیز تلاش کنند تا تقدس نام الهی در او بدرخشد.
ای کاش کسانی نبودند که وقتی دائماً با دعا این تقدیس را به نام
خدا می خواهند، به اندازه iB انجام می دادند.

5 یعقوب 1، 17. <) زک. 13، 1. حزقی. 36، 25. 47، 8. مربع. عمل کنید. 4، 12

برای آنهاست، آن را نقض می کنند و آلوده می کنند. تقصیرشان در این میان
خودشان هم مورد لعنت خدا هستند. که در آن رسول 1 می فرماید: «نام خدا به
واسطه شما در میان امتها کفر می شود؛* و در حزقیال 2) می خوانیم: «در امتها وارد
شدند و در آنجا وارد شدند، و نام مقدس مرا نجس کردند، زیرا در مورد آنها گفته شد:
این قوم خداوند است و کسانی که از سرزمین او بیرون آمدند gsiunotair
مردم جاهل مذهب معمولاً قضاوت می‌کنند، و کسانی که بر اساس دین esunotair.

مسیحی زندگی می‌کنند، که آن را می‌پذیرند، و دعاها و اعمال خود را به سوی دیگران
هدایت می‌کنند تا به آنها عبادت کنند. با تمام افتخار و جلال خداوند این
بخش‌ها را بر ما نهاده است تا با اعمال فضیلت‌آمیز، انسان‌ها را به ستایش و
موعظه‌ی نام الهی برانگیزانیم. الف و امیر رسولان4): «در میان امت‌ها با تو
گفت‌وگوی نیک کردند، تا تو را به نیکی‌هایت بدانند، خدا را تسبیح گویند».

## فصل یازدهم.

### از دادخواست دوم.

### بگذار پادشاهی تو

I. موعظه پادشاهی خدا در کتاب مقدس همانطور که اغلب توصیه می شود. هدیه آسمانی که ما در این درخواست دوم می خواهیم به گونه ای است که تمام موعظه انجیل به وسیله آن ارجاع و خاتمه می یابد. زیرا از همین جا بود که سنت جان باپتیست به توبه توصیه شد، در حالی که او گفت: "توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است." منجی نوع بشر نیز موعظه خود را از جای دیگری آغاز نکرد و در آن سخنرانی سعادت آمیز که در آن راه های سعادت در کوه را به شاگردان نشان داد، هدف دعایش، اصل را از ملکوت آسمان گرفت. زیرا او گفت: «خوشا به حال فقیران در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن آنهاست.» علاوه بر این، او همچنین برای کسانی که می خواستند او را حفظ کنند، 7) دلیل عزیمت ضروری را بیان کرد: "و به کشورهای دیگر باید پادشاهی خدا را موعظه کنم، زیرا به همین دلیل مبعوث شدم. بعداً در همان پادشاهی رسول دستور داد 8) و کسانی که برای دفن خود می روند.

•) رام. 2، 24. «) Ez. 36، 20 است. 52، 5. «) مت. 5، 15. لوقا 8، 16. «) I. Pet. 2، 12 «
) مت. 3، 2 لوقا 3، 3. «) Mdt. 5، 3 (') لوقا 4، 43. *) مت. 10، 7

او گفته بود که پدرش را می‌خواهم، جواب داد: «ولی تو برو و پادشاهی خدا را اعلام کن». اما پس از برخاستن از مردگان، در آن چهل روز که بر رسولان ظاهر شد، «درباره ملکوت خدا» صحبت کرد. از این رو، کشیشان با این بخش از درخواست دوم، بسیار با دقت برخورد خواهند کرد تا شنوندگان مؤمن بفهمند که این درخواست تا چه حد زور و ضرورت است.

II. این درخواست دوم شامل چه مواردی می شود؟

اولاً، این فکر به آنها فرصتی می دهد که آگاهانه و دقیق موضوع را توضیح دهند، که اگرچه این درخواست به بقیه ملحق شد، اما دستور داده است که از بقیه جدا استفاده شود، تا آنچه را که می خواهیم با نهایت احتیاط جستجو کنیم. زیرا او می‌گوید: « ابتداً پادشاهی خدا و عدالت او را بجویید و همه این چیزها به شما اضافه خواهد شد.» و در واقع چنان نیرو و انبوهی از مواهب بهشتی در این خواسته نهفته است که شامل تمام آنچه برای حفظ حیات جسمانی و معنوی است را شامل می شود. اما چه کسی را شایسته نام پادشاهی بخوانیم، کسی که مراقبت هایی که امنیت پادشاهی را حفظ می کند را نداشته باشد؟ که اگر مردم نگران امنیت پادشاهی خود هستند، پادشاه همه پادشاهان چقدر مراقبت و مشیت است تا از جان و امنیت انسان ها محافظت کند؟ بنابراین، در این درخواست برای ملکوت خدا، هر آنچه را که ما در این زیارت یا تبعید بدان نیاز داریم، گنجانده شده است - که خداوند کریمانه وعده داده است. زیرا فوراً اضافه کرد: "و همه اینها برای شما مجاز خواهد بود." او به طور کامل به آنها اعلام کرد که او پادشاهی است که همه چیز را به وفور و آزادانه به نوع بشر عرضه می کند، در اندیشه مهربانی بی پایانش که داوود سرود: "خداوند بر من حکومت می کند و من چیزی کم دارم." III. با کسانی که می خواهند ثمره این دادخواست را به دست آورند چه باید کرد؟

درست است که درخواست شدید برای ملکوت خدا به هیچ وجه کافی نیست، مگر اینکه همه چیز را به عنوان ابزاری که به وسیله آن جستجو و یافت می شود، در مورد درخواست خود به کار گیریم. زیرا حتی پنج باکره احمق به این صورت جدی پرسیدند: « خداوندا، پروردگارا، به روی ما باز کن»، اما چون حمایت آن درخواست را نداشتند، کنار گذاشته شدند. نه نادرست، زیرا این جمله ای است که به زبان خدا بیان شده است: "نه هر که به من بگوید: خداوندا، خداوند، به ملکوت آسمان وارد نخواهد شد." IV. با این دلایل، پادشاهی باید سابق

به همین دلیل، کاهنانی که از جان ها مراقبت می کنند، باید چیزهایی را که به مؤمنان داده می شود، از فراوان ترین منابع ادبیات الهی استخراج کنند. 9، 60. ») یک ct.

1، 3. ») مت. 6، 33. » ) P s. 22، 1. 5) مت. 25، 11، » ) مت. 7، 21

رغبت و اشتیاق ملکوت بهشت را برانگیزند، که وضعیت مصیبت بار وضعیت ما را در برابر دیدگانشان قرار داده است، که ممکن است آنها را چنان تحت تأثیر قرار دهد، که با نگاه کردن به گذشته و یادآوری خود، به یاد سعادت عالی و کالاهای غیرقابل توضیحی برگردند که خانه ابدی خدای والد از آن لبریز شده است. زیرا ما تبعیدی هستیم و آشکارا ساکنان مکانی هستیم که شیاطین در آن زندگی می کنند و نفرت آنها از ما به هیچ دلیلی قابل کاهش نیست. زیرا آنها در برابر نوع بشر خشن ترین و سرسخت ترین هستند. نبردهای داخلی و درونی که جسم و روح و جسم و روح دائماً بین خود به راه می اندازند چیست؟ که باید مدام از آن بترسیم که مبادا سقوط کنیم. اما باید ترسید؟ بلکه ما باید فوراً سقوط کنیم، مگر اینکه باروی دست راست الهی از ما دفاع کند. رسول چه بدبختی را احساس کرد: «ای بدبخت»، گفت: «چه کسی مرا از بدن این مرگ نجات خواهد داد؟» 5- چه بزرگ است بدبختی انسان، از طریق چیزهای دیگر با انسان

نمایش داده می شود.

شرکت

این ناراحتی نژاد ما، اگرچه به خودی خود شناخته شده است، اما با این حال، از مجادله سایر طبیعت ها و چیزهای مخلوق به راحتی قابل درک است. در آنها، چه با عقل و چه حتی حس تجربه شده باشد، به ندرت می بینیم که هر ماهیتی از اعمال خود، از حس یا حرکت فطری منحرف شود، به طوری که از غایت هدفمند و ثابت خود شکست بخورد. این امر در حیوانات وحشی، شناگران و پرندگان مشهود است، به طوری که این موضوع نیاز به توضیح ندارد. اما اگر به آسمان نگاه کنی، نمی فهمی که آنچه داوود گفته صادق ترین است: «خداوندا، کلام تو برای همیشه در بهشت ماندگار است.» البته با حرکتی ممتنع و تبدیلی همیشگی پیش می رود تا از شریعت از پیش تعیین شده الهی کمترین عدول کند. اگر زمین و بقیه کیهان را در نظر بگیرید، به راحتی خواهید دید که یا شکستی وجود ندارد، یا فقط قسمت کوچکی وجود دارد. اما بدبخت‌ترین نژاد انسان‌ها اغلب دچار لغزش می‌شوند، به ندرت آنچه را که به درستی تصور می‌شود دنبال می‌کنند، و بسیاری از اعمال خوب انجام شده را رد و تحقیر می‌کنند. عقیده ای که به تازگی تصمیم گرفته شده بود بهترین باشد، ناگهان او را ناراضی می کند و پس از رد شدن، به سمت نقشه های بدی که برای خودش مخرب است، می لغزد.

6. که بزرگترین عامل همه بدبختی هاست. پس علت این بی ثباتی و بدبختی چیست؟ تحقیر به وضوح الهام گرفته از الهی است. زیرا ما 3) گوشهای‌مان را به هشدارهای خدا می‌بندیم. ما نمی‌خواهیم چشمان خود را به چیزهایی که از نظر الهی برای ما نورهای پسندیده هستند، بیندازیم. ما نمی شنویم که پدر آسمانی ما را به روشی مفید راهنمایی می کند. از این رو لازم است روحانیون بر این موضوع تمرکز کنند تا مصائب را به چشم مردم مؤمن برسانند و به یاد آنها بیاورند.

) رام. 7، 25 .17 ،5 .Gal *) ص. 118، 89. حکمت. 2، 5. 1 حیوان خانگی. 1، U. 65, 12 «) .S5.

سوگند، کونو. ترکل.

آنها علل بدبختی و قدرت درمان را نشان می دهند. از همه اینها، در مقایسه با مقدس ترین مردان جان کریزوستوم و آگوستین، و به ویژه از کسانی که ما در بیان این نماد آورده ایم، از توانایی آنها بی بهره نخواهند بود. زیرا با شناختن آنها، چه کسی در میان تعداد مردان شریر وجود خواهد داشت که به یاری فیض ریاست خدا، نمونه انجیلی آن پسر ولخرج، سعی کند قیام کند و خود را بلند کند و به چشم پادشاه و پدر آسمانی بیاید؟

VII. ملکوت مقدس خدا در حروف چه چیزی را نشان می دهد؟

پس از این که این مطالب توضیح داده شد، تقاضای مثمر ثمر مؤمنان چیست، بیایند دریابند که ما در این کلمات از خدا چه می خواهیم. به ویژه اینکه کلمه ملکوت خدا بر چیزهای زیادی دلالت دارد که توضیح آنها برای فهم بقیه کتاب مقدس بی فایده نخواهد بود و برای آگاهی از این قسمت ضروری است. بنابراین، معنای مشترک ملکوت خدا که در حروف الهی متداول است، نه تنها قدرت اوست که بر همه انسانها و جهان اشیاء دارد، بلکه مشیت اوست که به وسیله آن بر همه چیز حکومت و کنترل می کند.

پیامبر (ص) می فرماید: «در دست اوست، همه اقصی نقاط زمین». منظور از این غایات نیز چیزهایی است که در باطن ترین نقاط زمین و همه چیز پنهان و پنهان است. مردخای در این جمله با این کلمات گفت: "خداوندا، خداوند، پادشاه قادر مطلق، زیرا همه چیز در قلمرو تو قرار دارد و کسی نیست که بتواند در برابر اراده تو مقاومت کند. - تو پروردگار همه هستی و کسی نیست که بتواند در برابر عظمت تو مقاومت کند."

هشتم. ملکوت مسیح در کیفیت پارسا.

به همین ترتیب، در ملکوت خدا آن دلیل خاص و منحصر به فرد مشیت آشکار می شود که به وسیله آن خداوند از مردان متقی و مقدس محافظت و مراقبت می کند. داوود در مورد آن با نوعی عنایت خاص و استثنایی خداوند گفته است: «خداوند بر من حکومت میکند و چیزی کم ندارم». سپس از اشعیا 5: "خداوند، پادشاه ما، خود ما را نجات خواهد داد." که در آن قدرت سلطنتی خدا، حتی اگر کسانی که از آنها صحبت کردیم تا حد زیادی مردانی مقدس و پرهیزگار در این زندگی هستند، با این حال مسیح خداوند خود به پیلاطوس هشدار داد که پادشاهی او از این جهان نیست، یعنی اصلاً از این جهان نیست، که هم تأسیس شده و هم در شرف نابودی است تا منشأ خود را داشته باشد. زیرا با آنچه گفتیم، امپراطوران، پادشاهان، جمهوریها، رهبران و همه کسانی که یا مورد نظر و برگزیده مردم برای ریاست بر ایالتها و استانها هستند، یا با زور و جراحت سلطه را اشغال کردهاند، تحت سلطه آنچه گفتیم قرار میگیرند. اما مسیح خداوند است "constitutustf est Rex">) لوقا 15، 20. »)

ث) استث. 13، 9، 11. *) ص. 22، 1. 5) است. 33، 22. •) 1 &. 18، 86. ") ص .i، Ps. 94

2، 6.

از جانب خداوند چنانکه پیامبر می فرماید; پادشاهی که بنا به نظر رسول، عدالت است. زیرا او می گوید: 1: "پادشاهی خدا عدالت و صلح و شادی در روح القدس است."

9 به این دلیل مسیح در وفاداران خود سلطنت می کند.
اما مسیح خداوند از طریق فضایل درونی، ایمان، امید، خیریه در ما سلطنت می کند. به موجب آن فضائل به نحوی خاص جزء ملکوت قرار می گیریم و به گونه ای تابع خدا می شویم، به پرستش و تکریم او اختصاص یافته ایم، به طوری که همانطور که رسول به خوبی می فرماید: «اما من دیگر زنده نیستم، بلکه مسیح در من زندگی می کند.» بنابراین می توانیم بگوییم: من زنده هستم، دیگر نیستم. اما مسیح در من سلطنت می کند. و این پادشاهی "عدالت" نامیده می شود، زیرا عدالت خداوند مسیح برقرار شد. و در لوقا دومینوس 3 این گونه از این پادشاهی می گوید: «ملکوت خدا در درون شماست». زیرا اگرچه عیسی مسیح با ایمان بر همه کسانی که در آغوش و آغوش کلیسای مادر مقدس هستند سلطنت می‌کند، اما در اصل بر کسانی حکومت می‌کند که با ایمان، امید و خیریه عالی، خود را به عنوان اعضای خالص و زنده به خدا معرفی کرده‌اند. و در اینها به ملکوت فیض خدا گفته می شود.

## X. در سلطنت جلال خداوند ما مسیح.

این پادشاهی جلال خدا نیز صادق است، که ما می شنویم که مسیح خداوند در سنت متی 4 در مورد آن صحبت می کند: "بیا، برکت پدر من، ملکوتی را که از ابتدا برای شما آماده شده است، به ارث ببرید." همان پادشاهی از او در سنت لوک یاترو، که به طرز شگفت انگیزی جنایات او را تشخیص داد، به این ترتیب التماس کرد: " خداوندا، وقتی به پادشاهی خود آمدی مرا به یاد بیاور." یوحنای قدیس نیز از این پادشاهی یاد می کند6: «تا زمانی که از آب و روح القدس دوباره متولد نشود، نمی تواند به ملکوت خدا وارد شود». رسول نیز به افسسیان 7 اشاره می کند: "هر زناکار یا ناپاک یا بخل (که بت پرستی است) در ملکوت مسیح و خدا میراثی ندارد." همین امر در مورد چندین تشبیه از مسیح خداوند که از ملکوت آسمان صحبت می کند، صدق می کند.

## XI. از ماهیت و تنوع ملکوت جلال و فیض مسیح.

اما لازم است ابتدا ملکوت فیض برقرار شود. زیرا ممکن نیست جلال خدا در چیزی حکم فرماید مگر اینکه فیض او در آن حکمفرما باشد. در واقع، فیض جمله خود ناجی است. اما چه بگوییم که جلال، اگر نوعی فیض کامل و مطلق نیست؟ تا زمانی که این بدن ضعیف و فانی

.34"" Ro,m- U' 11 G (' aI- 2> 20 Lnc- 17> 21- 4) Met. 25,

ما ایستاده ایم، در حالی که در این زیارت کور و
تبعید سرگردان و ضعیفان از خداوند غایب بوده ایم.
یا هنگامی که نور ملکوت جلال، که کامل است، بر ما
بتابد، ما برای همیشه استوار و پایدار خواهیم بود.
زیرا هر بدی و نقصی از بین خواهد رفت. هر نقطه
ضعفی که تایید شود تقویت خواهد شد. خلاصه
اینکه خود خدا در روح و جسم ما سلطنت خواهد کرد.
هنگامی که در مورد رستاخیز جسم صحبت شد، به
این موضوع به طور کامل در نماد پرداخته شد.

XII. پس اولین چیزی که با این عریضه به درگاه خدا می خواهیم چیست؟

پس از توضیح این موارد، که عقیده عمومی
ملکوت خدا را اعلام می کند، این درخواست به درستی
به چه معناست، اجازه دهید بگوییم cst. اکنون از خدا
می خواهیم که پادشاهی مسیح، که کلیسا است،
تبلیغ شود. تا کافران و یهودیان به ایمان مسیح
خداوند روی بیاورند و شناخت حقیقت خدا را دریافت
کنند و انشعاب‌ها و بدعت‌گذاران به سلامتی و
کلیسای خدا که از آن فرود آمده‌اند بازگردند. تا کامل
شود و به پایان برسد، که خداوند به زبان اشعیا 1
فرمود: «مکان خیمه خود را بزرگ کن، و پوست خیمه
هایت را دراز کن، دریغ نکن، ریسمانهایت را بلند کن و
ناخنهایت را محکم کن، زیرا به دست راست و چپ نفوذ
خواهی کرد، زیرا کسی که تو را ساخته است از تو
خواهد آمد تا بر تو حکومت کنند. از دور، و دخترانت از
پهلو بلند خواهند شد.»

مشارکت

سیزدهم ثانیاً آنچه در اینجا لازم است.

درست است که در کلیسا کسانی هستند که خدا را در کلام اعتراف می کنند، اما در عمل آنها را انکار می کنند، 3) ایمان تحریف شده ای را پیش روی خود دارند، که به دلیل گناه، شیطان در آن ها زندگی می کند و گویی در خانه های خود تسلط دارد. ما همچنین می خواهیم که ملکوت خدا به سراغ آنها بیاید و به وسیله آن، آنها که از ظلمت گناهان پراکنده شده اند و با پرتوهای نور الهی منور شده اند، به کرامت سابق فرزندان خدا بازگردانده شوند، تا والد آسمانی همه از ملکوت خود، بدعت گذاران و تفرقه ها را از بین ببرد، و موجبات را از جنایات پاک کند. کلیسایی که با استفاده از عبادت خداوند به شیوه ای مقدس و مقدس، ممکن است از آرامشی آرام و مسالمت آمیز برخوردار شود.

چهاردهم در مرتبه سوم با همین درخواست چه بخواهیم؟

در نهایت از خدا می خواهیم که تنها در ما زندگی کند، تنها خدا سلطنت کند، از این پس جایی برای مرگ نباشد، بلکه غرق پیروزی باشد.

تیت. 1، 16. «) مت. 3، 12. ») اول کور. 15، 64 (3 .4 .3 ،60 .Is (a .5 .3 .2 ,54 (<<

مسیح خداوند ما، که با متلاشی کردن و پراکنده کردن همه سلطه های دشمن، همه چیز را به قدرت و قدرت خود تحت سلطه خود قرار خواهد داد. 15 به ویژه به مناسبت این درخواست به مسیحیان پیشنهاد می شود که انجام دهند و در مورد آن فکر کنند.

و این عنایت شبان خواهد بود که آن گونه که دلیل این عریضه ایجاب می کند، به مردم مؤمن بیاموزند که با چه تفکرات و تأملاتی این دعاهای پرهیزگارانه را به درگاه خداوند بجا آورند. و قبل از هر چیز تشویق می شوند که به قدرت و نظر آن تشبیه که منجی معرفی کرده است بنگرند: «ملکوت السموات مانند گنجی است که در مزرعه نهفته است که انسان آن را می یابد، پنهان می کند و پیش از شادی می رود و هر چه دارد می فروشد و آن مزرعه را می خرد». زیرا کسی که ثروت مسیح خداوند را میشناسد، همه چیز را که در برابر آنهاست تحقیر خواهد کرد، زیرا تواناییها، ثروت و قدرت این شخص آلوده خواهد شد. زیرا چیزی نیست که بتوان با بالاترین قیمت با او مقایسه کرد، در واقع، در مقابل او ایستادگی کرد. بنابراین، برای کسانی که اتفاقاً این را می دانند، مانند رسول 2 فریاد خواهند زد: "من همه چیز را زیان کرده ام و آنها را سرگین می دانم تا از مسیح سود ببرم."

16 پادشاهی مسیح در اینجا از طریق فیض و در آینده از طریق جلال چقدر مطلوب است.

ای خوشا به حال ما، اگر عیسی مسیح این همه نور به ما می بخشید تا بتوانیم آن مروارید فیض الهی را ببینیم که به وسیله آن او در خود سلطنت می کند! (زیرا ما هم همه چیزمان را میفروشیم و هم خودمان را میفروشیم تا از چیزی که خریدهایم محافظت کنیم؛) در آن صورت، در نهایت، برای ما جایز است که بدون تردید بگوییم: "چه کسی ما را از عشق مسیح جدا خواهد کرد؟" اما اگر میخواهیم تعالی فعلی جلال ملکوت را بدانیم، اگر هست، همین صدا و جمله پیامبر و رسول را درباره آن بشنویم. 17 از تواضع، مانند این درخواست و دیگرانی که پیش از ما هستند

ما باید تحمل کنیم

و اگر ما خود را با خود، یعنی اولاد آدم، به حق رانده شده از بهشت و تبعید بدانیم، بیشتر خواسته های ما را به دست خواهد آورد. که خواری و انحراف او بالاترین نفرت از خدا و مجازات های ابدی را می طلبید. بنابراین ما باید دارای روحیه پست و رها شده باشیم. دعای ما نیز دعای کامل فروتنی مسیحی خواهد بود. و با بی اعتمادی به خود، به روش باجگیران6) به دی 2، 9 پناه ببریم. Phil. 3، 8 (s .3 1 .84،4 1 .3 1. c M)a t L.u (i. »)0 مت. 13،

4G. 4 ،64 است. (5 .35 ،8 رام. I. C or.

رحمت و همه را به محبت او اختصاص دهیم، بیایید جاودانانی را که آزادانه روح خود را به ما می بخشد، که در او جرأت می کنیم فریاد بزنیم: "آبا، پدر."

18 چقدر باید به ما اهتمام کرد تا در نهایت ملکوت آسمان را تصرف کنیم.

ما همچنین آن مراقبت و فکر را انجام خواهیم داد، چه کنیم، چه کنیم تا بتوانیم به ملکوت آسمانی برسیم. زیرا خداوند ما را به بطالت و بی حوصلگی دعوت نکرده است، بلکه می فرماید: « ملکوت السموات ظلم را تحمل می کند و ظالمان آن را تصرف می کنند» و3: «اگر می خواهی وارد زندگی شوی، احکام را نگاه دار». بنابراین، درخواست ملکوت خدا کافی نیست، مگر اینکه انسانها نیز مطالعه و تلاش خود را به کار گیرند. دم4) آنها باید یاور و بندگان لطف خدا باشند و در مسیری که به وسیله آن به بهشت می رسیم، ادامه دهند. خداوند هرگز ما را رها نخواهد کرد، زیرا وعده داده است که همیشه از ما مراقبت خواهد کرد. یک چیز را باید ببینیم که مبادا خدا و خودمان را رها کنیم. و به راستی در این پادشاهی کلیسای خدا همه چیز وجود دارد که او به وسیله آنها زندگی انسانها را حفظ می کند و نجات ابدی آنها را کامل می کند و تحت نظر میزبان فرشتگان و دفتر مرئی مقدسات که پر از قدرت آسمانی است نمی افتد. فقط در اینها است که خداوند برای ما محافظت مقرر کرده است، تا نه تنها از فرمانروایی سخت ترین دشمنان در امان باشیم، بلکه بتوانیم خود ظالم و یاران پلیدش را سجده کنیم و زیر پا بگذاریم.

19 نتیجه این دادخواست و شرح مختصری دیگر از آن. پس بیایید تا آخر از روح خدا شدیداً بخواهیم، تا او به ما دستور دهد تا همه چیزهایی را که به خواست خود انجام دهیم. برای حذف قدرت شیطان; تا در آن روز بزرگ بر ما قدرتی نداشته باشد. تا مسیح پیروز و پیروز شود. تا قوانین او در سراسر جهان حاکم باشد. رعایت احکام؛ هیچ کس نیست که خائن یا فراری او باشد. اما اجازه دهید همه خود را به گونه ای حاضر کنند تا بدون شک به حضور پادشاه خدا بیایند و به تصرف ملکوت آسمانی بروند، که از ازل برای آنها تعیین شده است، جایی که سعادتمندان از قرون جاودانی با مسیح برخوردار شوند.

') رام. 8، 15. *) مت. 11، 12. ») 17 ،19 .ib. *) اول کور. 3، 9. «) مت. 25، 34،

فصل دوازدهم.
از دادخواست سوم.
اراده تو انجام شود

I. چرا اصل خدا regulnuon.t a ss t aftiiamt. مشروط به همان vo-

هنگامی که مسیح خداوند گفت: "نه هر که به من بگوید خداوندا، خداوند، به ملکوت آسمان وارد می شود، بلکه هر که اراده پدر من را که در آسمان است انجام دهد، خود به ملکوت آسمان وارد می شود." هر که می خواهد به آن ملکوت آسمانی برسد، باید آن را از خدا بخواهد تا اراده او انجام شود. بنابراین این درخواست بلافاصله پس از درخواست ملکوت آسمانی در این مکان قرار می گیرد.

II. با این روش به درک واقعی از یون p estiti

اما برای اینکه مؤمنان بفهمند که در این دعا چقدر لازم است و چقدر نیروی نجاتی از به دست آوردن آن به دست می آوریم: شبانان بدبختی ها و مصائبی را نشان داده اند که نسل بشر به دلیل گناه والد اول ظلم شده است.

III. بوده است. نسب به نسل بشر epxreirmiit کدام تخلف شیطانی

زیرا خداوند از ابتدا در مخلوقات اشتهایی برای خیر و صلاح خود ایجاد کرد تا با تمایل طبیعی خاص خود را بجویند و به دنبال پایانی باشند که هرگز از آن منحرف نشوند، مگر با مانعی بیرونی. اما این در آغاز در انسان این بود که خداوند را که مؤلف و مولد سعادت اوست، قدرت عالیتر و عالیتر بجوید، زیرا او متمایل به عقل و نصیحت بود. اما این عشق به طور طبیعی برای آنها متولد شد، زمانی که بقیه طبیعت عقل را تجربه کردند، که همانطور که آنها در اصل به واسطه طبیعت خوب آفریده شده بودند، در آن حالت و وضعیت باقی ماندند و تا امروز باقی مانده اند: نژاد مردان بدبخت مسیر خود را حفظ نکردند. زیرا او نه تنها کالاهای عدالت اولیه را که بیش از ظرفیت ذاتش توسط خداوند افزوده و آراسته شده بود، از دست داد، بلکه تلاش اصلی فضیلت را که در روح القا شده بود نیز پنهان کرد. زیرا 3) "احساس و اندیشه قلب انسان از جوانی مستعد شر است؛ به طوری که از اینجا به راحتی می توان فهمید که هیچ کس عاقل نیست که به تنهایی نجات یابد، 4) بی شمار- ) متی 7، 11. ") صص. 52، 4. 5) نسل 2، 21. *) روم. 7، 19 متر مربع

و این که امیال آدمیان منحرف است، در حالی که تمایل دارند، و با غیرت سوزان به سمت خشم، نفرت، غرور، جاه طلبی، تقریباً به هر نوع شر رانده می شوند.

IV. اگر چه انسان گرفتار بدبختی های بسیاری است، اما هنوز از وضعیت خود بی خبر است.

اگرچه ما دائماً درگیر این بدی ها هستیم که بزرگترین بدبختی نژاد ماست، اما بسیاری از آنها هستند که اصلاً به نظر ما شیطانی نیستند. که برای مردانی که کور شده از هوسها و شهوات، مصیبت قابل توجهی است، و نمی بینند که آنچه را مفید می دانند، معمولاً آفت آور است. نه، بلکه به آن بدی‌های زیانبار، به نیکی‌های پسندیده و پسندیده، آنها را سرگردان می‌برند. از چیزهایی که واقعاً خوب و محترم است، گویی از چیزهای مخالف، دفع می شود. خداوند از این عقیده و قضاوت فاسد آنها بیزار است

pveornbeinst1e)s: t„eVnaeber,a s q uliu c edimc,i t iest mlaulceumm tbeonneburma,s , e pto n beonnteusm ammaalruumm, در شیرین و شیرین در تلخ.

V. نامه های مقدس به ما در زیر. siusbeiriicairarrtd ما ohcaunlco به چه صورت

از این رو، حروف الهی برای اینکه مصیبت های ما را به چشم ما بسپارند، ما را با کسانی مقایسه می کنند که حس واقعی چشایی را از دست داده اند. از این رو اتفاق می‌افتد که از غذای سالم بیگانه می‌شوند و برعکس میل می‌کنند. با بیماران 2) آنها نیز به ما کمک می کنند. زیرا آنها، تا زمانی که خود را از شر بیماری خلاص نکرده باشند، نمی توانند وظایف و وظایف انسانهای سالم و کامل را بر دوش بکشند. بنابراین ما بدون کمک فیض الهی قادر به انجام اعمالی که مورد رضایت خداوند است نیستیم.

6. در حالت طبیعی u mc o rhroupmtion u qmu a nitnaf ir smiitt a as.d مقداری عامل خوب-

اما اگر با تأثیرپذیری به چیزهای خاصی دست یابیم، آنها ناچیز هستند و برای دستیابی به سعادت بهشتی اهمیت کمی دارند یا اصلاً اهمیتی ندارند. اما ما هرگز قادر نخواهیم بود خدا را دوست داشته باشیم و آن را پرستش کنیم که چیزی بزرگتر و عمیق تر از آن است که ما در سطح زمین بتوانیم با نیروی انسانی به آن دست یابیم، مگر اینکه با حمایت فیض الهی بالا برود.

VII. در امور الهی ما کلاً مثل بچه هستیم.

اگرچه این مقایسه برای نشان دادن وضعیت اسفبار نسل بشر نیز بسیار مناسب است، زیرا گفته می شود ما مانند کودکانی هستیم که به اراده خود رها شده و به طور تصادفی به سمت همه چیز حرکت می کنند. من می گویم ما بچه ایم و بی خیال حرف های بازیگوش و کارهای پوچ، اگر حمایت الهی ما را رها کند. زیرا به این ترتیب حکمت ما را سرزنش می کند: «تا-») هست. 5، 20. «) ص. 6، 3. 106، 12. - جر. 29، 31. Ez.

18، 2.") امثال 1، 22.

چرا بچه‌های کوچک دوران کودکی را دوست دارند و احمق‌ها به چیزهایی که برایشان مضر است

می‌خواهند؟» و رسول چنین توصیه می‌کند: «با حواس خود بچه نشوید.» اگر چه ما گرفتار پوچی و خطای بزرگ‌تر از آن دوران کودکی هستیم که احتیاط بشری تا کنون از آن غایب است، اما به خودی خود نمی‌توان به آن دست یافت، در حالی که خدای متعال برای‌مان لازم نیست.

خداوند مؤلف و یاور است، زیرا تا زمانی که کمک خداوند در دسترس ما نباشد، آن چیزهایی را که واقعاً خوب است رد کنیم، خودمان را به عمد نابود می کنیم.

هشتم. در این دادخواست شرور چه پیشنهادی شده است؟

و اگر کسي که از تاريکي الهي روح از بين رفته است، اين بدبختيهاي انسانها را ببيند و شريعت اعضا را با حيرت احساس کند و حواس مخالف شهوت را بشناسد و هر گرايش طبيعت ما به شر را ناديده بگيرد: چه کسي قادر نخواهد بود، با ميل شعله ور متناسب با اين شر که طبيعت آنچنان تحت فشار قرار مي گيرد و در جستجوي آن است.

قاعده ای که زندگی انسان مسیحی باید به کدام سمت و سو باشد؟ پس این همان چیزی است که ما التماس می کنیم، هنگامی که به خدا دعا می کنیم: "اراده تو انجام شود." زیرا اگر با انکار اطاعت و غفلت از اراده خدا، در این بدبختی ها بیفتیم: این که یک علاج برای این همه بدی از سوی الهی به ما پیشنهاد شده است، تا گاه به خواست خدا که گناه کرده ایم زندگی کنیم و همه افکار و اعمال خود را با آن قاعده بسنجیم. برای اینکه بتوانیم به این امر برسیم، از خدا با التماس می خواهیم: «اراده تو انجام شود». 9. این دعا را حتی عادلانی که قبلاً خدا را به دنیا آورده اند، باید استفاده کنند.

اما این را باید صمیمانه از کسانی نیز درخواست کرد که خدا از قبل در دل آنها سلطنت می کند. و اکنون به شعاع نور الهی منور می شوند که لطف آنها به لطف خدا مطیع اراده خداوند است. گرچه ما به این ترتیب با آنها مقایسه می‌شویم، اما به دلیل تمایل به بدی، فطری در ذات انسان، امیال خودمان بر ضد آنها می‌شوند، به طوری که اگر چنین باشیم، باز هم خطر بزرگی در این مکان از جانب خود برای ما وجود دارد که مبادا از «شهواتی که 2) در اعضای‌مان کار می‌کنند» دور و فریفته شویم و دوباره از مسیر نجات منحرف شویم. مسیح خداوند در مورد کدام خطر در آن کلمات 3 به ما هشدار داد: "بیدار باشید و دعا کنید تا دچار وسوسه نشوید، روح به راستی مایل است، اما جسم ضعیف است."

•) 5 کور. 14، 20. *) 1 1 ،4 .14 ،1 .ac. «) مت. 26، 41

X. در مورد موجه، هوس باز هم غالب است، که در واقع هیچ کس نمی تواند کاملاً آن را خاموش کند.
زیرا در اختیار انسان نیست، حتی در کسی که به فیض خدا عادل می‌شود، محبت‌های جسمانی را چنان رام کند که پس از آن هرگز برانگیخته نشود، زیرا فیض خدا ذهن عادل‌شدگان را شفا می‌دهد، نه حتی جسم، که رسول در مورد آن نوشته است: «زیرا می‌دانم که خیر در بدن من ساکن نیست.» (روم. 7، 18.) زیرا مانند یک بار انسان عدالت اولیه خود را از دست داد، که به وسیله آن احساساتش به گونه ای مهار می شد: به هیچ وجه عقل نمی توانست پس از آن در انجام وظیفه آنها را مهار کند تا آنها چیزهایی را که مخالف عقل نیز هستند آرزو نکنند. و لذا رسول می نویسد که گناه در آن قسمت انسان یعنی سوخت گناه ساکن است تا بفهمیم که او مدتی مهمان ما نمی ماند، بلکه تا زمانی که ما زنده ایم به عنوان ساکن بدن ما در خانه اعضا، دائما می ماند.
از این رو با هجوم مداوم دشمنان داخلی و داخلی به راحتی می فهمیم که باید به یاری خداوند پناه ببریم و بخواهیم که اراده او در ما انجام شود. What must be done now is to let the faithful know what the force of this petition is.

XI. How is the will of God to be received in this petition?

در این جا با حذف بسیاری از مطالبی که مدرسین مکتب در مورد اراده خداوند به طور مفید و فراوان مطرح می کنند، می گوییم که در اینجا وصیت به آنچه معمولاً به آن «اشاره» می گویند، یعنی آنچه خداوند به ما امر کرده یا هشدار داده است یا از آن اجتناب کرده است، گرفته شده است. بنابراین با نام اراده در این مکان درک می شود همه چیزهایی که برای به دست آوردن سعادت بهشتی برای ما پیشنهاد شده است، خواه مربوط به ایمان باشد یا آداب. everything, in short, whatever Christ the Lord commands or forbids us to do by himself or by his church. Of which will the Apostle writes thus: " Do not be imprudent, but be understanding, which is the good, pleasing and perfect will of God." (افس. 5، 17.)

XII. نحوه گنجاندن جمله درخواست سوم

بنابراین، هنگامی که این دعا را می کنیم: «اراده تو برآورده شود: اول از همه بخواهیم که پدر آسمانی به ما توانایی دهد که از احکام الهی اطاعت کنیم و در تمام ایام با قدوسیت و عدالت به او خدمت کنیم؛ تا بتوانیم همه کارها را مطابق فرمان و اراده او انجام دهیم؛ تا بتوانیم آن مناصبی را که در نامه های مقدس به ما یادآوری می شود و نویسندگانی که به وسیله نامه های مقدس او انجام می دهیم، پرستش کنیم.» نه از روی اراده جسم، بلکه از خدا، به تبعیت از مسیح خداوند. "که (فیلیپیان 2: 8) تا مرگ و مرگ صلیب مطیع شدند."

تا ما آماده باشیم تا همه چیز را تحمل کنیم، نه اینکه کمترین چیزی را از اراده او دور کنیم.

سیزدهم قبل از هر چیز، به آنها داده شود که آنچه در اینجا خواسته می شود، باید با غیرت و عشق بسیار شدید باشد.

و به راستی هیچ کس بیش از کسی که به او اعطا شده است که به بالاترین کرامت اطاعت کنندگان از خدا نگاه کند، در اشتیاق و عشق به این درخواست مشتاق تر باشد. زیرا او همان چیزی را می‌داند که باید صادقانه‌تر گفته شود، یعنی خدمت به خدا، و اطاعت از او، سلطنت کردن. خداوند گفت: "هر که اراده پدر من را که در آسمان است انجام دهد، برادر، خواهر و مادر من است." یعنی همه پیوندهای عشق و خیرخواهی با او بیشتر متحد شده ام. تقریباً هیچ کس در میان مردان مقدس نیست که به شدت از خداوند تقاضای این عریضه نداشته باشد، و در واقع همه آنها عالی بودند، اما اغلب دعاهای مختلفی می کردند. که در آن دیوید شگفت انگیز و شیرین را می بینیم که به طرق مختلف آن را درخواست می کند. زیرا او فقط گفت: "ای کاش راههای من برای حفظ توجیهات شما بود." گاه 3) : مرا به راه اوامر خود هدایت کن. گاه 4) : «به قول خود گامهایم را هدایت کن و همه ظلم بر من حکومت نکند». اینها متعلق به اینجا هستند5): "به من عقل عطا کن تا اوامر تو را بیاموزم. احکام خود را به من بیاموز. مرا درک کن تا شهادتهایت را بدانم." غالباً همان چیز را به عبارت دیگر رفتار می کند و آن را به یک جمله تبدیل می کند. کسانی که در محل هستند باید با دقت مشاهده شوند و برای مؤمنان توضیح داده شوند تا همه بفهمند که قدرت و فراوانی حقایق مفید در بخش اول این عریضه چقدر است.

چهاردهم علاوه بر این، منظور ما از درخواست مؤمنان چیست؟

در وهله دوم، هنگامی که دعا می کنیم: «اراده تو انجام می شود»، از اعمال نفسانی که رسول در مورد آن می نویسد بیزاریم (6): «اما اعمال جسم آشکار می شود که عبارتند از زنا، ناپاکی، شهوت، بت پرستی، جادوگری، شرارت، نزاع، رقابت، غضب، نزاع، نزاع، کینه توزی مستی، مستی، و غیره و 7) : «اگر بر حسب جسم زندگی کنید، خواهید مرد». و از خدا می خواهیم که به ما اجازه ندهد که آن چیزهایی را که حواس و شهوات و ضعف ها بر ما تحمیل کرده است، انجام دهیم، بلکه اراده ما را با اراده خود تعدیل کند. مردانی که در مراقبت و اندیشیدن به چیزهای زمینی ثابت قدم هستند، با این اراده لذت بیگانه هستند. آنها برای به دست آوردن خواسته های خود با شهوت به سر می برند و در آن ثمره آرزوی منحرف خود سعادت را قرار می دهند تا خوشبخت شوند.

() مت. 12، 50. > ) ص. 118، 5. « ) ib. ج 35. 133. ص ) ج 73. i08. 125. « ) گال. 5، 19. روم. 8، 13

آنها نیز بگویند که کسی هست که هر چه بخواهد به دست می آورد. از طرف دیگر، همانطور که رسول می فرماید، از خدا می خواهیم که «لمَن أ نتعلم الا ست الا و لیه »، اما اراده او انجام شود. 15. آرزوی انجام آنچه خدا می خواهد، بهتر از آن است که ما می خواهیم.

اگر چه ما را به آسانی به دعا با خدا سوق نمی دهند، تا او شهوات ما را ارضا نکند. زیرا در این القای ذهن مشکلی وجود دارد، این که به نظر می‌رسد وقتی آن را می‌خواهیم به نحوی از خود متنفریم، که این نیز توسط کسانی که به کل بدن می‌چسبند به حماقت نسبت می‌دهند. اما بیایید با کمال میل به خاطر مسیح از شهرت حماقت رنج ببریم که جمله آن این است: "اگر کسی می خواهد به دنبال من بیاید، باید خود را انکار کند." مخصوصاً وقتی بدانیم که انجام دادن، خواستن آنچه درست و عادلانه است بسیار بیشتر از دستیابی به چیزی است که با عقل، فضیلت و قوانین خدا بیگانه است. و مسلما هر کس از روی هوس و هوس به آنچه می‌خواهد برسد، بدتر از کسی است که بهترین آنچه را که می‌خواست به دست نیاورد. 16 حتی آن چیزهایی که از خدا بخواهیم با تقوا نداریم

اگر چه ما نه تنها از خدا می خواهیم که آنچه را که خود می خواهیم به اختیار خودمان عطا کند، در حالی که آشکار است که آرزوی ما منحرف شده است، بلکه از آن چیزی که گاه به عنوان چیز خوبی از فالگیر و دیو رانده که وانمود می کند فرشته نور است می خواهیم به ما عطا نشود. هنگامی که او سعی کرد خداوند را از نقشه رفتن به سوی مرگ منصرف کند، درست ترین و پر از تقواترین مطالعه در مورد امیر رسولان 3) به نظر می رسید: و با این حال، چون او توسط حواس انسانی هدایت می شد، و نه با عقل الهی، خداوند او را به تلخی سرزنش کرد. به نظر می‌رسید که چه می‌توان محبت‌آمیزتر از خداوند پرسید که مردان مقدس یعقوب و یوحنا، خشمگین از سامریانی که از پذیرفتن معلم به عنوان مهمان نوازی خودداری کردند، از او بخواهند که دستور دهد آتشی از بهشت فرود آید تا آن مردم بی‌رحم و غیرانسانی را نابود کند؟ اما مسیح خداوند آنها را با این کلمات سرزنش کرد: "شما نمی دانید روح کیستید، زیرا پسر انسان نیامده تا جانها را هلاک کند، بلکه برای نجات آنها آمده است."

17 از آنجایی که چیزهایی که ما می‌خواهیم به حفظ طبیعت اشاره دارد، باید بخواهیم که اگر خدا بخواهد به وقوع بپیوندند.

و نه تنها زمانی که آرزوی ما شر است، یا ظاهر شیطانی دارد، باید به درگاه خداوند دعا کنیم که اراده او انجام شود.

") رورا 13، 14. س) متی 16، 14. ') متی 10. 22. مربع *) لوقا 9، 54. •) 56 .55 .Ib.

397
آنها باید دیده شوند. از این رو، هنگامی که به آن مکان می‌آییم و می‌خواهیم از این نوع چیزی بخواهیم، از دل خود بگوییم: «اراده تو انجام شود؛ بیایید از کسی که نجات و تربیت نجات را از او دریافت کردیم، تقلید کنیم؛ کسی که وقتی طبیعتاً تحت تأثیر ترس فطری از شکنجه‌ها و دردناک‌ترین مرگ قرار گرفت، با این حال، در آن وحشت بزرگ، اراده خدا را به او ارجاع داد. 42). "سدتوافیت." 18 از

آنجایی که نمی‌توانیم از این طرف یاری خدا از گناه اجتناب کنیم، با این عریضه آن را نیز می‌خواهیم.

اما نژاد انسان‌ها به طرز شگفت‌انگیزی تباه شده‌اند، که اگرچه قدرت خود را به شهوت خود آورده‌اند و آن را تسلیم اراده الهی کرده‌اند، اما بدون یاری خداوند که به وسیله آن هم از شر محافظت می‌شویم و هم به سوی خیر هدایت می‌شویم، نمی‌توانند از گناهان دوری کنند. پس باید به این دعا پناه ببریم و از خدا بخواهیم که خود او نهادهای موجود در ما را کامل کند. سرکوب شهوت های شادی آور، اشتها را مطیع عقل ساختن. تا همه ما را با اراده خود مطابقت دهد. همچنین دعا کنیم تا همه جهان به اراده خداوند معرفت پیدا کنند تا راز الهی که از اعصار و نسل‌ها پنهان مانده است، شناخته شود و در بین همه منتشر شود.

همانطور که در بهشت، و در بهشت.

XIX. این بند به چه معناست؟

علاوه بر این، ما نیاز به شکل و نسخه این اطاعت داریم; تا او به آن حکومتی هدایت شود که در بهشت فرشتگان مبارک نگه می دارند و بقیه گروه کر ارواح بهشتی آن را می پرستند. تا همان گونه که آنان داوطلبانه و با نهایت خشنودی از معبود الهی اطاعت می کنند، ما نیز با میل و رغبت خود را به خواست خدا، آن گونه که او می خواهد، تطبیق دهیم.

20 من خدا را برای هیچ کس دیگری ارزش قائل نیستم، بلکه به خاطر محبت پدر و مادرش.

و به راستی در کار و تحصیل که برای خداست. خداوند از ما بالاترین محبت و صدقه فوق‌العاده را می‌خواهد تا هر چند به امید پاداش‌های بهشتی خود را وقف او کرده‌ایم، به آن امید داشته باشیم، زیرا برای ورود به آن امید، عظمت الهی را خشنود کرده است. از این رو، تمام امید ما به آن عشق خداست که سعادت ابدی را به عنوان پاداشی برای عشق ما ارائه می دهد. زیرا کسانی هستند که عاشقانه به کسی خدمت می کنند، اما همچنان به خاطر ارزشی که عشق را به آن نسبت می دهند. بعلاوه، کسانی هستند که جز خیر و نیکی از او چیزی نمی بینند که به او توجه کنند. در اندیشه و شگفتی که خود را سعادتمند می دانند تا بتوانند وظیفه خود را در قبال او انجام دهند.

موارد دیگر از نمایشگاه های او XXI.

و آن مصداق این جمله را دارد: «همانا در آسمان و زمین». زیرا برای ما مهم‌تر از همه این است که برای اطاعت از خدا تلاش کنیم، همانطور که گفته‌ایم ذهن‌های مبارکی هستیم، که داوود در انجام آن وظیفه اطاعت عالی، ستایش‌های آن را در آن مزمور دنبال می‌کند: " خداوند را به تمامی فضایل او برکت دهید، بندگان او را که اراده او را انجام می‌دهند." اما اگر کسی از قدیس سیپریان پیروی کند، آن را اینگونه تعبیر می کند، که می گوید: «در بهشت»، در نیکان و پرهیزگاران، «در زمین»، در شرور و نابکار.

22 این درخواست چگونه باید شامل شکرگزاری نیز باشد؟ این درخواست حاوی یک مورد تشکر است. زیرا ما مقدس ترین اراده او را ارج می نهیم و با بزرگ ترین شادی مملو از عالی ترین ستایش ها و تبریک ها، همه کارهای او را که مطمئناً می دانند که او همه چیز را به خوبی انجام داده است، تجلیل می کنیم. زیرا وقتی ثابت شد که خدای قادر مطلق وجود دارد، لزوماً نتیجه می‌شود که می‌فهمیم همه چیز به اراده او ساخته شده است. اما هنگامی که تصدیق می کنیم که او، همان گونه که هست، عالی ترین خیر است: اعتراف می کنیم که هیچ چیز از کارهای او خوب نیست، زیرا او خود نیکی خود را به همه افاضه کرده است. و اگر در همه چیز به دلیل الهی نرسیدیم، اما در همه چیز، و به دلیل تردید بلاتکلیف بودیم، و با هر تردیدی طرد شدیم، اعتراف کنیم که رسول می فرماید: "راه های او قابل جستجو است." اما به همین دلیل ما اراده خدا را می پرستیم، زیرا در پرتو بهشت از سوی او کرامت یافته ایم. زیرا او آنها را "از قدرت تاریکی" به پادشاهی پسر عشق خود رهایی داد.

23 آنچه باید از این درخواست برای تأمل به آن اشاره کرد. اما برای توضیح در وهله آخر آنچه مربوط به تأمل این عریضه است: باید به آنچه در ابتدا اشاره کردیم بازگردیم که مؤمنان در تلفظ این عریضه باید پست و فرومایه باشند و با خود آنچه را که ذاتاً ذاتاً ذاتاً ذاتی است، در نظر بگیرند که قدرت حماقت در برابر اراده الهی مقاومت می کند. با اندیشیدن، بگذار همه طبیعت بر آن وظیفه چیره شود، که در مورد آن چنین نوشته شده است: «همه چیز به تو خدمت می کند»، و به ویژه ضعیف است که نه تنها نمی تواند هیچ کاری را که خدا پسندیده است به پایان برساند، بلکه حتی نمی تواند آن را انجام دهد، مگر اینکه به یاری خداوند آسوده شود. زیرا، در واقع، هیچ چیز باشکوه‌تر، و هیچ چیز عالی‌تر از این نیست که، همانطور که گفتیم، بندگی خدا، و زندگی بر اساس شریعت و احکام او باشد: چه چیزی می‌تواند مطلوب‌تر از آن باشد.

«) ص. 102، 21. 2) در اورات. dom. «) رام. 11، 33. «) سرهنگ 1، 13. 6) ص». 118، 91

مسیحی کوچک، چگونه در راه های خداوند گام برداریم، چگونه هیچ چیز را در ذهن حرکت نکنیم، کاری را در عمل انجام ندهیم که از اراده الهی بیزار است؟ امّا بگذار تمرین کند و آن مؤسسه را با دقت بیشتری حفظ کند و از کتب الهی نمونه کسانی را بجوید که چون دلیل نصایح خود را به خواست خدا بازنگرداندند، همه چیز بیمار شد.

24 از مراقبه این عریضه چقدر می توانیم برای داشتن یک زندگی آرام بهره مند شویم.

در آخر، مؤمنان را موعظه کنید که در اراده ساده و مطلق خداوند استراحت کنند. او که به نظر او در جایگاهی پایین تر از حیثیتش قرار دارد، با متانت تحمل کند، نه اینکه دستور خود را رها کند، بلکه در مسلکی که به آن فراخوانده شده است باقی بماند و داوری خود را تسلیم اراده خدا کند، خدایی که ما را بهتر از آنچه برای خود آرزو می کنیم نصیحت می کند. اگر به خاطر پریشانی یک موضوع خانوادگی، اگر سلامت جسمانی، اگر آزار و اذیت، اگر گرفتاری ها و ناراحتی های دیگر ما را تحت فشار قرار می دهد: باید مشخص شود که هیچ یک از این چیزها بدون اراده خدا که برترین دلیل همه است برای ما اتفاق نمی افتد. و از این رو نباید شدیدتر تحت تأثیر قرار بگیریم، بلکه باید آن را با روحی شکست ناپذیر تحمل کنیم و همیشه آن را در دهان خود داریم: « اراده خداوند انجام شود» و ایوب مبارک 3: «همانطور که خداوند پسندید، چنین شد: نام خداوند مبارک باد.»

## فصل شانزدهم.

## از دادخواست چهارم.

## نان روزانه مان را امروز به ما بده.

1. در این نماز یکشنبه چه ترتیبی باید رعایت شود؟

درخواست چهارم و مابقی بعد از آن که برای آن به درستی و با نام حمایت روح و جسم می خواهیم به درخواست های فوق مراجعه کنید. زیرا دعای خداوند این نظم و هدف را دارد، به طوری که تقاضای چیزهای الهی به دنبال آن مطالبی است که مربوط به بدن و حفظ حیات این زندگی است. زیرا همانطور که انسانها به عنوان غایت غایی به خدا اشاره می کنند، کالاهای زندگی انسان نیز به همین ترتیب به سوی خداوند هدایت می شود.

II. چرا کالاهای زندگی انسان به طور مشروع از خداوند خواسته و طلب می شود؟

بنابراین، این چیزها خواسته و درخواست است، یا به این دلیل که دستور الهی چنین می خواهد، یا به این دلیل که خداوند به آنها کمک می کند.

') 1. Cor. 7، 20. 31 ،1 شغل ») .14 ،21 .اعمال *) .1 ،4 .اف.

ما به دستیابی به چیزهای خوب نیاز داریم تا بتوانیم به هدفی که در آن تکیه گاه ها در نظر گرفته شده است، که در ملکوت و جلال پدر آسمانی است، و در پرستش و حفظ آن احکامی که نمی دانیم خواست خداست، برسیم. بنابراین باید تمام نیرو و دلیل این درخواست را به خدا و جلال او ارجاع دهیم.

III. کالاهای موقت به چه منظور و به چه نحوی باید مطالبه شوند؟

بنابراین آنها وظیفه خود را در قبال شنوندگان وفادار خود انجام می دهند تا بفهمند که در جستجوی چیزهایی که مربوط به استفاده و ثمره چیزهای زمینی است، ذهن و مطالعه ما باید به دستور خداوند معطوف شود و به هیچ وجه از آن منحرف نشویم. زیرا در آنچه رسول می نویسد (1): «ما نمی دانیم که برای چه چیزی باید دعا کنیم، آن گونه که باید،» بزرگترین گناه را این فرض های زمینی و گذرا انجام می دهد. بنابر این، این کالاها را در صورت لزوم باید درخواست کرد که مبادا در درخواست ناروا، از خداوند این پاسخ را دریافت کنیم: «نمی دانی چه می خواهی». اما علامت خاصی از قضاوت وجود خواهد داشت که اشتباه است و درخواست صحیح، برنامه و هدف درخواست کننده است. زیرا اگر کسی به دنبال چیزهای زمینی با چنان ذهنی باشد که آنها را کاملاً خوب بداند، و در آنها و همچنین در غایت مطلوب آرام بگیرد، دیگر نیازی ندارد. بدون شک او آن طور که باید نماز نمی خواند. آگوستین 3 میگوید: «زیرا ما این چیزهای موقتی را به‌عنوان کالای خود نمی‌خواهیم، بلکه به‌عنوان نیازهای‌مان می‌خواهیم». رسول همچنین در رساله خود به قرنتیان تعلیم می دهد که هر آنچه که به کاربردهای ضروری زندگی مربوط می شود باید به جلال خدا ارجاع داده شود. گفت: پس چه بخوری، چه بنوشی و چه کار دیگری انجام دهی، هر کاری را برای جلال خدا انجام ده.

IV. چه بسیار و چه بسیار مزایایی که انسان در حالت بی گناهی دارد.

اما برای اینکه مؤمنان ببینند که این درخواست چقدر ضروری است: کشیشان خواهند گفت که چقدر چیزهای خارجی برای رزق و روزی و برای عبادت زندگی لازم است. اگر مقایسه ای از چیزهایی که برای زندگی لازم بود با آن والد اول نژاد ما و با بقیه انسان های بعد از آنها قابل درک تر است. زیرا حتی اگر او در بزرگترین حالت بی گناهی قرار می گرفت، که هم او و هم همه آیندگان به دلیل تقصیر او از آن افتادند، باید از غذا برای بازیابی قدرت خود استفاده می کرد: با این حال بین نیازهای زندگی او و ما تفاوت زیادی وجود دارد. زیرا او نه به لباسی برای پوشاندن بدن، نه سقفی برای پناه، نه سلاحی برای دفاع، نه دارویی برای سلامتی، و نه به بسیاری چیزهای دیگر نیاز داشت که با کمک آنها به این وضعیت طبیعی رسیده ایم.

*) L ' )C o Rro. m .1 0, 8 3,1 . 26. «) 3 .22 ،20 .(مت lib. 8. در کوه. دام. جد سرم، e. 16.

ما به ضعف و شکنندگی نیاز داریم. آن میوه برای او برای زندگی جاودانه کافی بود، که شادترین درخت زندگی بدون هیچ زحمتی از جانب او یا فرزندانش فراهم می کرد. در واقع، انسان آینده در خوشی‌های بهشتی که خداوند او را برای عمل در آن سرای لذت قرار داده بود، بی‌کار نمی‌شد: همانا هیچ کاری برای او دردناک نبود، هیچ وظیفه‌ای ناخوشایند نبود. همیشه شیرین ترین میوه ها را از کشت باغ های شاد می آورد و هرگز از کار و امید ناامید نمی شد.

V. چه بسیار بدی ها پس از تجاوز عده.

اما فرزندان فرزندان نه تنها از میوه درخت حیاتی محروم شدند، بلکه با آن جمله هولناک محکوم شدند: لعنت بر زمین در کار تو. در تمام روزهای زندگی خود از آن بخورید. خار و خار برای شما خواهد روييد و گیاهان زمین را خواهید خورد. در عرق صورتت نان خود را می خوری تا به زمینی که از آن گرفته شده ای بازگردی، زیرا خاک هستی و به خاک باز خواهی گشت.» بنابراین، اگر آدم به کلام خدا گوش می داد، همه چیز علیه ما اتفاق افتاد و برای او و نسل او نیز چنین می شد. میوه‌هایی که در برداشت بدتری به‌دست می‌آیند، یا در اثر سختی فزاینده علف‌های وحشی له می‌شوند، یا برف، باد، تگرگ، زنگ می‌زنند، به‌طوری‌که تمام زحمات سال از بین می‌روند، این به خاطر عظمتی است که از جنایات ما ناشی می‌شود درباره ما در آغاز باقی می ماند، نان خود را بخورید.» 2)

6. مردان برای تأمین نیازهای خود موظف به کار هستند، اما تا زمانی که خداوند به آنها لطف نداشته باشد، بیهوده کار می کنند.

بنابراین، چوپانان باید روی درمان این مکان تمرکز کنند تا مردم مومن بدانند که این افراد در این تنگناها و بدبختی ها تقصیر خودشان است. تا بفهمد که باید در تهیه چیزهایی که برای زندگی لازم است عرق ریخته و سخت تلاش کند. با این حال، تا زمانی که خداوند زحمات ما را برکت ندهد، امید کاذب خواهد بود و همه مبارزه بیهوده خواهد بود. زیرا 3) "نه آن که می کارد چیزی است و نه آن که آبیاری می کند، بلکه آن که می افزاید خودش است." و 4): "مگر اینکه خداوند خانه را ساخته بود، کسانی که آن را می ساختند بیهوده زحمت کشیدند.

Gen. 3, 17. 19. *) Gen. 3, 19. f) I Cor. 3, 7. *) 126 .ص، l. 26

تعلیم، Conc. تريد

VII. باید از خدا خواسته شود که چیزهایی را که ما نیاز داریم تامین کند. همانطور که او در طول انجام می دهد.

از این رو، کشیشان تعلیم خواهند داد که تقریباً چیزهای بیشماری وجود دارد که اگر آنها را نداشته باشیم، یا جان خود را از دست می دهیم، یا نابخردانه عمل می کنیم. برای دانستن این امر، مردم مسیحی به اقتضای چیزها و ضعف طبیعت مجبور به رفتن نزد پدر آسمانی خواهند شد. و از او کالای زمینی و آسمانی را طلب کنند. از آن پسر ولخرج تقلید می کند که -402 چون در مملکتی دور گرفتار شد و گرسنه شد، کسی نبود که به او غلاف بدهد، گاه به خود باز می گشت، می فهمید که بلاهایی را که به او ستم می کردند جز از پدرش نمی توان چاره جویی کرد. در این هنگام مردم مؤمن با اطمینان بیشتری به سخنرانی خواهند آمد، اگر در اندیشه مهربانی الهی به یاد داشته باشند که گوش حامیان همیشه به صدای کودکان باز است. زیرا در حالی که او ما را به درخواست نان تشویق می کند، وعده می دهد که آن را به وفور به کسانی که از راه درست درخواست می کنند، خواهد داد. زیرا با تعلیم، به روشی که ما درخواست می کنیم، او تشویق می کند، با تشویق او را فشار می دهد، با فشار دادن تضمین می کند، با تضمین ما را به حتمی ترین دستاورد می رساند.

هشتم. منظور از نام نان چیست و این درخواست چیست.

دلهای مردم مؤمن از هیجان و ملتهب شدن، نتیجه آن است که آنچه در این عریضه خواسته شده است، باید روشن شود: اولاً نانی که ما می خواهیم چیست؟ پس باید دانست که در نوشته های الهی این نام «نان» ^) واقعاً دلالت بر چیزهای زیادی دارد، اما به ویژه این دو: اول، آنچه در غذا و سایر چیزها برای حفظ بدن و جان به کار می بریم. بنابراین، هر آنچه که برای حیات و نجات روح و جان به عطای خدا به ما داده می شود. اکنون ما در این مکان می پرسیم که ما در روی زمین چه می کنیم، برای حمایت از زندگی، به اقتدار پدران مقدسی که چنین احساسی داشتند.

9 نشان داده شده است که می توان از خدا لطف دنیوی را طلب کرد.

به همین دلیل، کسانی که می گویند برای مردان مسیحی جایز نیست که از خدا کالاهای زمینی این زندگی را بخواهند شنیده نمی شوند. زیرا علاوه بر نظر موافق پدران، نمونه های زیادی هم از عهد عتیق و هم عهد جدید وجود دارد که با این اشتباه مخالفت می کنند. زیرا یعقوب با عهد کردن، چنین دعا کرد: «اگر خدا با من باشد و مرا در راهی که طی می‌کنم حفظ کند و نان بخورد و لباس بپوشد، و من سعادتمند به خانه پدرم بازگردم: خداوند خدای من خواهد بود و این سنگی را که برای عنوانی برپا کرده‌ام، خانه خدا خوانده خواهد شد.»

') L uc. 15، 20 ،28 پیدایش 3 .15 .14، لوقا 3 .15، اکلوس. «) .9 .7، مت. ایفی.

من عشر را به شما تقدیم می کنم. «سلیمان نیز از این زندگی کمک خواست، وقتی دعا کرد: به من گدایی و مال مباش. فقط آنچه را که برای امرار معاش من لازم است به من بده.» منجی نژاد بشر دستور دعا برای چه چیزی را می دهد، که هیچ کس جرأت انکار آن را ندارد که مربوط به استفاده از بدن است: «دعا کنید،» او می گوید، «دعا کنید که پرواز شما در زمستان یا در روز سبت انجام نگیرد.» درباره قدیس جیمز 3 چه بگوییم، که اینها یکی از شما هستند؟ او دعا می کند؛ آیا او یک همفکر است؟ او آواز می خواند.» در مورد رسولی که با رومیان 4 این گونه رفتار کرد، چه می گوید: «ای برادران، از شما می خواهم به واسطه خداوند ما عیسی مسیح، و از طریق نیکوکاری روح القدس، در دعاهایم به خدا به من کمک کنید تا از شر کافرانی که در یهودیه هستند رهایی یابم.» بنابراین، از آنجایی که از نظر الهی این یک فرمول کامل برای بشریت بوده است. در مورد دعایی که مسیح خداوند داده است، حتی این شک نیست که این یکی از هفت درخواست است.

10 منظور از نام نانی که به نیازهای بدن مربوط می شود چیست؟

نان یومیه یعنی مایحتاج روزی را نیز می خواهیم تا به نام نان بفهمیم که برای پوشاندن لباس و خوراکی کافی است، خواه نان باشد، یا گوشت، یا ماهی، یا هر چیز دیگری. زیرا می بینیم که الیشع به این شیوه سخن گفت، وقتی به پادشاه توصیه کرد که برای سربازان آشور نان تهیه کنند. که مقدار زیادی غذا به او داده شد. همچنین می دانیم که در مورد مسیح خداوند نوشته شده است 6: او وارد "خانه یکی از حاکمان فریسیان شد تا در روز سبت نان بخورد." با این کلمه می بینیم که چیزهای مربوط به غذا و نوشیدنی دلالت می کنند. برای معنای مطلق این عریضه، باید توجه داشت که با این اصطلاح، نان، خوراک و پوشاک فراوان و نفیس نیست، بلکه ضروری و ساده است. همانطور که رسول 7) می نویسد: "غذا داریم و از آن پوشیده شده ایم، به اینها راضی هستیم." و سلومون8) چنانکه گفتیم: «فقط آنچه را که برای روزی من لازم است به من عطا کن».

XI. چرا ما فقط نان نمی خواهیم، بلکه نان «خودمان» اینجاست؟ این صرفه جویی و صرفه جویی در صدایی که بلافاصله در پی می آید نیز به ما یادآوری می شود. زیرا وقتی میگوییم «ما»، آن نان را برای نیاز خود میخواهیم، نه برای تجمل. زیرا ما مال خود را نمی گوییم، زیرا می توانیم با اعمال خود بدون خدا او را برای خود آماده کنیم، (زیرا در داوود 9 آمده است):

Prov. 30، 8. «) 80 ،15 .روم (> .18 ،5 .جاس (< .20 ،24 .مت *) jy. Reg. 6، 22. 23. 6)
Prov. 30، 8. «) Ps. 103، 27 (ه .8 ،6 .تیم 1 (' .1 ،14 لوقا

«همه چیز از تو انتظار دارد که در موسم به آنها غذا بدهی، وقتی به آنها بدهی، جمع می‌شوند، وقتی دستت را باز کنی، همه چیز پر از نیکی خواهد شد» و در جای دیگر 1: «چشم همه به تو امیدوارند، خداوندا، و تو غذای آنها را در موعد مقرر می‌دهی»؛ اما به این دلیل که این امر ضروری است، و به وسیله پدر و مادری که همه زندگان را به ما عطا می‌کنند، از سوی خدا روزی می‌دهد. موجودات

XII. نان با زحمت ما برای ما تهیه می شود که اگر نان خود را بخواهیم خواهیم بود.

به همین دلیل است که نان ما را می خوانند که به حق از ما گرفته شود، نه اینکه با جراحت، تقلب یا دزدی تهیه شود. زیرا آنچه ما با هنرهای شیطانی برای خود به دست می آوریم مال ما نیست، بلکه مال دیگران است، و اغلب به دست آوردن آنها، یا تصاحب آنها، یا قطعاً از دست دادن آنها، فاجعه بار است. اما در مقابل دستاوردهای صادقانه و پر زحمت چهارپایان پارسا، به نظر پیامبر، آرامش و سعادت فراوان است. او می‌گوید: «زیرا زحمات دست‌هایت را می‌خوری، برکت می‌یابی و برایت خوب خواهد بود.» اما اکنون به کسانی که با کار عادلانه معاش می کنند، خداوند ثمره مهربانی خود را در آن مکان وعده می دهد: "خداوند بر انبارهای شما و بر همه کارهای دستان شما برکت خواهد فرستاد و شما را برکت خواهد داد." ما نه تنها از خدا می خواهیم که به ما اجازه دهد که آنچه را که با عرق و نیروی خود به یاری مهربانی خود به وجود آورده ایم، استفاده کنیم، زیرا آن را واقعاً از آن ما می گویند، بلکه از یک فکر خوب نیز می خواهیم تا بتوانیم از قسمت درست به درستی و عاقلانه استفاده کنیم.

روزانه.

XIII چرا این ذره "روزانه" اضافه می شود؟

مفهوم صرفه جویی و صرفه جویی نیز که به آن اشاره کردیم نیز مشمول این کلمه است. زیرا ما غذای غنی یا لطیف نمی‌خواهیم، بلکه چیزی را می‌خواهیم که نیازهای طبیعت را برآورده کند تا در این مکان شرمنده آنها شویم، کسانی که در بیزاری از غذاها و نوشیدنی‌های رایج، به دنبال مرغوب‌ترین انواع گوشت و شراب می‌روند. و کسانی که اشعیا آن تهدیدهای هولناک را برای‌شان پیشگویی می‌کند، با این صدای «هر روزه» رد می‌شوند: « وای بر شما که خانه به خانه و مزرعه به مزرعه را تا مرز آن مکان می‌پیوندید؛ آیا تنها در میان زمین ساکن هستید؟» در واقع طمع این افراد سیری ناپذیر است که سلیمان درباره آنها نوشته است: «طمع از پول پر نمی شود». که این قول نیز به رسولان تعلق دارد6: «کسانی که می خواهند ثروتمند شوند در وسوسه و دام شیطان می افتند». علاوه بر این، ما به آن نان روزانه می گوییم زیرا آن را می خوریم

') ص. 144، 15. ») ص. 127، 8. ») تثنیه. 28، 8. «) است. 5، 8. "<) جامعه 5، 9. •) اول تایر. 6، 9.

برای تجدید رطوبت حیاتی که روزانه با نیروی گرمای طبیعی مصرف می شود. در نهایت، دلیل این نام این است که ما باید دائماً آن را بخواهیم، تا بتوانیم این عادت عشق و پرستش خدا را حفظ کنیم و کاملاً متقاعد شویم که زندگی و رستگاری ما به خدا بستگی دارد.

به ما بده

چهاردهم این دو کلمه «به ما بده» به چه معناست؟
چقدر این دو کلمه برای تشویق مؤمنان به عبادت و پرستش قدرت بی‌کران خدا با تقوا و قداست که همه چیز در دست اوست و بیزاری از آن نمایش شیطانی است فراهم می کند: «همه چیز به من تحویل داده شده است و به هر که بخواهم به آنها می دهم: «کسی نمی بیند. زیرا همه چیزهایی که با تکان دادن سر خدا توزیع می شود حفظ و افزایش می یابد. V 10. چرا ثروتمندان، با وجود اینکه در همه چیز فراوانند، از این کلمات استفاده می کنند؟ آنها باید

اما آیا کسی خواهد گفت که این ضرورت چیست که بر ثروتمندان تحمیل شده است که نان روزانه خود را بخواهند، زیرا در همه چیز فراوانند؟ این لازمه نمازشان این است، نه برای اینکه به لطف خدا به آنها عطا شود، بلکه برای اینکه آنچه را که به آنها فراوان است از دست ندهند. بنابراین، همانطور که رسول می نویسد، اجازه دهید ثروتمندان از این بیاموزند 2) "نه عاقل بودن در بالاترین، و نه امید به عدم اطمینان ثروت، بلکه به خدای زنده که همه چیز را برای لذت بردن به ما بسیار عنایت می کند." کریستوستوم قدیس برای این درخواست ضروری این دلیل را بیان می کند که نه تنها غذا برای ما فراهم شود، بلکه دست خداوند آن را برای ما فراهم کند که با وارد کردن انرژی مفید و مفید در نان روزانه، آن را به گونه ای می سازد که هم غذا برای بدن مفید باشد و هم بدن برای روح.

16 چرا باید بگوییم «به ما بده» و نه «به من بده»؟
اما چه دلیلی دارد که در تعداد کثرت می گوییم «به ما عطا کن» اما «به من بده» نمی گوییم؟ زیرا از خصوصیات نیکوکاری مسیحی است، نه اینکه هرکس به فکر خود باشد، بلکه باید برای همسایه خود کار کند و در مراقبت از منافع خود به یاد دیگران نیز باشد. هدایایی که از جانب خدا به کسی داده می شود، برای آن نیست که او به تنهایی آن را تصاحب کند و یا در آن به عیش و نوش زندگی کند، بلکه برای اینکه آنچه از حاجت باقی مانده است با دیگران تقسیم کند. زیرا قدیسان ریحان و آمبروز می گویند: لباس برهنگان است که می پوشانی و فدیه فقرا مالی است که بر زمین می گذاری.

12. 1>8). L (قدیمی. v4e,r s. 6 . A m b2r). ) 6، 17. <) Op. مرد ناقص 14. *) ب پناهندگی. یک ساعت در لو

شما حفاری کردید، پس بدانید که باید به هر اندازه که می توانید به کالاها حمله کنید، و

امروز نخواهید کرد.»

17 کلمه "امروز" در اینجا چه چیزی را نشان می دهد؟
این صدا ما را به یاد ضعف های رایج می اندازد. زیرا کیست که اگر امیدوار است بتواند با زحمات خود مخارج زندگی را در آینده ای دور تأمین کند، اطمینان نداشته باشد که حداقل روزی را تأمین کند؟ ولی حتی این امکان توکل را خداوند به ما اجازه نداده است که دستور داده است حتی طعام هر روز را از او بخواهیم. این جمله دلیل لازم را دارد که چون همه ما به نان یومیه محتاجیم، هر روز هم باید برای هر یک از نماز یکشنبه استفاده شود. این به همگان در مورد نان افاضه می‌شود، نانی که در دهان آن را تغذیه می‌کند و بدن را تغذیه می‌کند، و مؤمنان و کافران، پرهیزگاران و کافران را در آن شریک می‌سازند، با نیکی شگفت‌انگیز خداوند که (1) خورشید خود را بر نیکوکاران و بدکاران طلوع می‌کند و بر عادل و ظالم می‌بارد.

18 چه نان روحانی که در محدوده این عریضه نیز گنجانده شده است در اینجا قابل درک است.
مابقی نان روحانی است که ما هم در این مکان می پرسیم. که همه چیزهایی که در این زندگی برای امنیت و امنیت روح و جان لازم است به آن دلالت دارد. زیرا همانگونه که غذایی که بدن به وسیله آن تغذیه و نگهداری می شود چند برابر است، یک نوع غذا نیز وجود ندارد که حافظ حیات روح و جان باشد، زیرا کلام خدا نیز غذای روح است. زیرا حکمت می گوید: «بیا نان مرا بخور و شرابی را که برایت آمیخته ام بنوش». اکنون توانایی این کلمه، که خدا از انسانها می گیرد، همان کاری است که وقتی از جنایات ما به شدت آزرده می شود، عادت دارد انجام دهد: می گویند نسل بشر را با گرسنگی سرکوب می کند. زیرا در عاموس 3 چنین است: "من در زمین قحطی خواهم فرستاد، نه قحطی نان و نه تشنگی آب، بلکه برای شنیدن کلام خداوند." اما از آنجا که این نشانه ی قطعی مرگ است، زمانی که انسان نمی تواند غذا بخورد یا خرجش را نگه دارد، دلیلی بزرگ برای نجات ناامیدانه است که یا کلام خدا را نمی جویند، یا اگر هست، تحمل نمی کنند و آن صدای بی تقوایی را به سوی خدا می ریزند: «از ما دور شو، ما شناخت راه های تو را نمی خواهیم». در این خشم ذهنی و کوری، کسانی هستند که با نادیده گرفتن کسانی که به طور مشروع بر آنها مسؤول هستند، کاتولیک ها، اسقف ها و کشیشان، که کلیسای مقدس روم را ترک کرده اند، خود را برای انضباط به بدعت گذارانی که کلام خدا را به فساد می کشند، سپرده اند.

') مت. 5, 45. شماره 6, 35. 2) 5 ،9 .Prov. الف) عاموس. 8، 11. «)لوب 21، 11.

 از نان مافوق واقعی، که مسیح خداوند است. اما اکنون مسیح خداوند نان، غذای روح است، زیرا او درباره خود می گوید: "من نان زنده هستم که از آسمان نازل شده است." باورنکردنی است که چقدر از این نان لذت و شادی جان پرهیزگاران را فرا می گیرد، حتی زمانی که با زمینی ترین گرفتاری ها و ناراحتی ها دست و پنجه نرم می کنند. نمونه ای برای ما آن گروه کر مقدس رسولان است که در مورد آنها نوشته شده است: "در واقع آنها از نظر شورا با خوشحالی بیرون رفتند، زیرا آنها را شایسته دانستند که به نام عیسی توهین کنند." نمونه هایی از این نوع کتاب در مورد زندگی یک انسان مقدس وجود دارد. خداوند از این شادی‌های درونی نیکی‌ها چنین سخن می‌گوید: "من به پیروزمندان مانا پنهان خواهم داد." 20 مسیح واقعاً در آیین عشای ربانی گنجانده شده است، و بنابراین به درستی نان ما نامیده می شود.

مهمتر از همه، نان ما خود مسیح خداوند است که اساساً در آیین عشای ربانی گنجانده شده است. او این تعهد غیرقابل توضیح صدقه را به ما داد که به نزد پدر بازگردد، که در مورد پدرش گفت: " کسی که گوشت مرا می خورد و خون مرا می نوشد، در من می نوشد و من در او." «بگیر و بخور، این بدن من است». کشیشان چیزهایی را که به منافع مردم مؤمن تعلق دارد، از جایی که نیرو و دلیل این مراسم مقدس در آن جداگانه وجود دارد، درخواست خواهند کرد. و به درستی که این نان «مال ما» نامیده می‌شود، زیرا فقط متعلق به مردان مؤمن است، یعنی کسانی که صدقه را با ایمان پیوند می‌زنند، پلیدی گناهکاران را به رسم توبه می‌شویند. که با فراموش نکردن یاد فرزندان خدا، این راز الهی را می گیرند و آن را با نهایت قداست و تکریم برگزار می کنند.

## XXI چرا عشای ربانی را نان روزانه ما می نامند؟

اما اینکه چرا آن را روزانه می نامند، دلیل دوگانه ای در دست است: دوم اینکه در اسرار مقدس کلیسای مسیحی هر روز هم به خدا تقدیم می شود و هم به درخواست کنندگان وارسته و مقدس داده می شود. دیگر اینکه باید هر روز گرفته شود، یا حداقل باید طوری زندگی کرد که هر روز، تا جایی که می شود، آن را شایسته بگیریم. اجازه دهید کسانی که مخالف آن هستند، که لازم نیست روح را از این وعده های غذایی سالم سیر کنند، مگر پس از یک فاصله طولانی، آنچه مقدس آمبروز می گوید: "اگر نان روزانه است، چرا بعد از یک سال آن را می خورید؟ هر روز آنچه را که برای شما مفید است، هر روز مصرف کنید؛ به راستی که شما سزاوار آن هستید که هر روز آن را بخورید."

۲۲ اگر نانی را که می‌خواهیم به‌زودی به دست نیاوریم، چگونه باید بر ما تأثیر بگذارد؟

اما در این عریضه مؤمنان به ویژه در این امر تشویق می شوند، به طوری که، وقتی هم نصیحت و هم انرژی آنها درست است، آیو. 6، 41. 2) اعمال رسولان. 5، 41. ") آپو. 2، 17. «) یوحنا 6، 57. *) 5 قرن 11، 24. *) کتاب 5. de sacr. ج 4.

"40

در تهیه مایحتاج زندگی کوشش کنند، عاقبت کار با خدا باشد و خواست خود را به اراده او ربط دهند، «الذین لم یغذا الصالح ابدی». زیرا یا خداوند خواسته او را برآورده می‌کند، و یا آن را برآورده نمی‌کند، و این بهترین دلیل است که این امر نه مفید است و نه مفید، که خداوند آن را برای پرهیزگاران رد می‌کند، که بیشتر به فکر نجات آنان است تا خود آنان. آنها می توانند با توضیح آن استدلال های پارسایان که توسط قدیس آگوستین در نامه خود به پروبا به خوبی گردآوری شده است، این مکان را توضیح دهند.

23 فرصت بررسی این موضوع در اینجا خود را نشان می دهد.

آخرین نکته در برخورد با این درخواست این خواهد بود که ثروتمندان به یاد داشته باشند که توانایی ها و نیروهای خود را به خدا گزارش دهند و فکر کنند که از این رو آن کالاها را انباشته کرده اند تا بتوانند بین نیازمندان توزیع کنند. در کدام نظر موافق هستند. که رسول در رساله اول به تیموتائوس از آنها صحبت کرده است. از این رو ممکن است مجاز باشد که از کشیشان نیروی عظیمی از احکام الهی بخواهیم تا این مکان را به طور مفید و مفید روشن کنند.

## فصل چهاردهم. از

## جشن پنجم.

و قرض‌های ما را ببخش، همانطور که ما بدهکاران خود را نیز می‌بخشیم.

1. از رنج مسیح، همه ما از گناهان خود رهایی یافته ایم.

از آنجایی که چیزهای زیادی وجود دارد که بیانگر قدرت بی‌پایان خدا، همراه با خرد و نیکی برابر است، که هرگاه چشمان و افکار خود را برگردانید، با مسلم‌ترین نشانه‌های قدرت و مهربانی بی‌پایان مواجه می‌شوید: قطعاً هیچ چیزی بیش از راز غیرقابل توضیح عشق و محبت تحسین‌برانگیز او نسبت به ما وجود ندارد، به‌اندازه راز غیرقابل توضیح هجران عیسی. پلیدی از گناهان که به وسیله آنها لبریز و کفاره، خدای هدایتگر و بخشنده را طلب می کنیم. وقتی از او بخواهیم: قرض ما را ببخش. 2. این دادخواست پنجم شامل چه مواردی است؟

و این درخواست شامل مجموع معینی از آن کالاهایی است که نسل بشر از طریق عیسی مسیح با آنها انباشته شده است. زیرا این همان چیزی است که اشعیا تعلیم داد. او گفت: «بی‌گناهی خاندان یعقوب آمرزیده شود، و همه میوه‌های آن، تا گناهان او از بین برود.» آنچه داوود نیز نشان می‌دهد، مبارک را موعظه می‌کند» 5 (* .Ps. 54, 23 تیم. 6، 17-19.

") است. 27، 9.

کسانی که می توانند آن میوه مفید را درک کنند، در این کلمات 1) " خوشا به حال کسانی که گناهانشان آمرزیده شده است." بنابراین دقت و کوشش بیشتر است که این خواسته را که ما می دانیم فقط برای دستیابی به زندگی بهشتی معتبر است، یادداشت کنیم و برای شبان توضیح دهیم.

III. به این ترتیب دلیل نماز در اینجا که در بالاترین بوده یکی نیست.

اکنون در حال ورود به یک روش جدید برای خواندن نماز هستیم. زیرا تا کنون از خدا نه تنها کالاهای ابدی و معنوی، بلکه چیزهای فناپذیر و چیزهایی را که متعلق به این زندگی است، خواسته ایم، اما اکنون برای بدی های روح و جسم و این و زندگی جاودانی دعا می کنیم.

IV. این چیزها برای کسی که می خواهد بخشش گناه را دریافت کند، لازم است.

اما از آنجا که برای به دست آوردن خواسته ما، دلیل درستی برای درخواست لازم است: به نظر می رسد گفته می شود کسانی که می خواهند به درگاه خدا بخوانند، از چه طریقی تحت تأثیر قرار گیرند. بنابراین کشیشان به مردم مؤمن هشدار می دهند که ابتدا لازم است، زیرا کسی که می خواهد به این درخواست نزدیک شود، به گناه خود اعتراف می کند. سپس از احساس و درد او متاثر شود. سپس، برای اینکه خود را کاملاً متقاعد کند که خدا در این اراده است، تا کسانی را که گناه کرده اند، همانطور که گفتیم، متاثر و آماده کرده است، ببخشد، مبادا این یاد تلخ و شناخت گناهان آنها منجر به ناامیدی از بخشش شود، که زمانی ذهن قابیل و یهودا را به خود مشغول کرده بود، که خدا را بخشنده و بخشنده و نه بخشنده می پنداشتند. بنابراین باید در این درخواست آنقدر متاثر شویم که با تشخیص دردناک گناهان خود، به عنوان پدر و مادر به خدا پناه ببریم، نه به عنوان قاضی، که از او می خواهیم نه از روی عدالت، بلکه از روی رحمت، آنچه را که نیاز داریم انجام دهد.

## 5. انسان با چه استدلالی به گناهان پی برد

اما اگر از خود خدا بشنویم که این دلیل را در نامه های مقدس به ما یادآوری می کند، به راحتی به گناه خود اعتراف خواهیم کرد. زیرا در داوود 2 آمده است: "همه تنزل کرده اند، در عین حال بی فایده شده اند. هیچ کس نیست که نیکی کند، حتی یک نفر." سالومون نیز به همین صورت می گوید: «در زمین مرد عادل نیست که نیکی کند و گناه نکند». آن هم کجاست4): «چه كسي بگويد: قلبم پاك است، من از گناه پاکم؟» همین را سنت جان برای بازدارندگی انسان از تکبر می نویسد: «اگر بگوییم گناه نداریم،

») رام. 4، 7- ص. 31، 1. *) ص. 13، 3. ») 21 ،7 .Eccl. ") امثال 20، 9. *) اول یوحنا 1، ».

ما خود را فریب می دهیم و حقیقت در ما نیست» و از ارمیا: «گفتی: من بی گناه و بی گناهم، پس خشم تو را از من برگردان. اینک، من در داوری با شما ستیز خواهم کرد، زیرا شما می گویید: من گناه نکرده ام.» که عقاید همه یکسان است، هر کس آنها را از دهان خود بیرون آورد، مسیح خداوند این حکم عریضه را تأیید می کند، که به موجب آن به ما دستور می دهد که به گناهان خود اعتراف کنیم. در واقع، مقامات شورای میلویتا 2) منع کردند: «هرکس که دعای یکشنبه را تعبیر کرد، در غیر این صورت منع کرد: در جایی که می گوییم: « قرائن ما را ببخش»، این همان چیزی است که اولیای الهی می خواهند بگویند تا با تواضع و نه راستگویی، این را گفته شود: او را ناسزا بگذار.

6. به این ترتیب بعد از گناه اقرار شده، درد سوزناک و توبه واقعی از آن در دل ایجاد می شود.

اما در شناخت ضروري گناهان، ساده ياد كردن آنها كافي نيست، زيرا لازم است كه آن خاطرات براي ما تلخ باشد، دل را بكشد، ذهن را تحريك كند و درد را تحريك كند. از این رو، کشیشان این قسمت را با دقت مرور خواهند کرد تا شنوندگان مؤمن نه تنها اعمال و جنایات خود را به یاد بیاورند، بلکه دردناک و دردناک به یاد بیاورند، تا هنگامی که در عذاب درونی خود قرار گرفتند، خود را به خدای پدر برسانند، که از او تضرع می‌کنند تا نیش جنایاتشان را بزداید. در واقع، آنها نمی‌خواهند فقط خواری خطاکاران را به چشم مردم مؤمن تسلیم کنند، بلکه خواری آن کثیفی انسان‌ها را که چون ما چیزی جز جسم پوسیده نیستیم، اگر نگوییم نهایت نفرت، جرأت می‌کنند به آن عظمت غیرقابل درک خدا، و تعالی غیرقابل توضیح خدا توهین کنیم. بالاتر از همه، کسی که ما را با فواید بی‌شمار و بزرگ تولید، تحویل و افزایش داده است.

## VII. به چه طریقی از طریق گناه اسیر شیطان می شویم

پس چی؟ تا با بیگانگی از خدای پدر، که بالاترین خیر است، خود را با بدترین مزد گناه به بدترین بندگی شیطان اضافه کنیم. زیرا نمی توان گفت که او با چه بی رحمی بر ذهن کسانی مسلط است که یوغ شیرین خدا را از زیر پا انداخته و دوست داشتنی ترین یوغ صدقه را که روح ما به وسیله آن به خدای پدر و مادرمان گره خورده است، شکسته و به سوی شدیدترین دشمن فرود آمده اند. که به این نام در حروف الهی «شاهزاده» و فرمانروای «جهان» و شاهزاده تاریکی و «پادشاه بر همه فرزندان غرور» خوانده می شود. اما بر کسانی که تحت ظلم شیطان هستند

') ler. 2، 35. «) conc. Milev. 2!، 6. افس. 4 .30 ،14. آیو. 8) 8 .8 ج .نه &) Xob41,25.

آنها مظلوم هستند، صدای اشعیا واقعاً مناسب است: "خداوندا، خدای ما، اربابان ما را بدون تو تسخیر کرده اند."
هشتم. چه بسیار بدی هایی که گناه وارد روح می کند.

اگر این پیمان های شکسته صدقه کمتر ما را به حرکت درآورد، قطعاً مصیبت ها و سختی هایی را که در اثر گناه به آن گرفتار شده ایم، منتقل می کند. زیرا تقدس روح، که می دانیم طرفدار مسیح است، نقض می شود. آن معبد خداوند ناپاک می‌شود و کسانی که آن را نجس می‌کنند، رسول به آنها می‌گوید: «اما اگر کسی معبد خدا را تجاوز کند، خدا او را ویران می‌کند». بلاهایی که گناه بر سر انسان آورده است بی شمار است. چه بلای تقریباً نامحدودی را داوود در این کلمات بیان کرد 3: "هیچ سلامتی در گوشت من در برابر غضب تو نیست، در استخوانهای من با دیدن گناهانم آرامشی نیست." البته او قدرت این طاعون را نمی‌داند، زیرا اعتراف می‌کند که هیچ بخشی از وجود خود دست نخورده از گناه آفت‌آور نیست. زیرا ویروس گناه در استخوان ها نفوذ کرده بود، یعنی عقل و اراده را که محکم ترین قوای روح است آلوده کرده بود. این طاعون گسترده توسط آیات مقدس نشان داده می شود، زمانی که گناهکاران را لنگ، کر، لال، کور می نامند و با تمام اعضای خود گرفتار می شوند. اما داوود علاوه بر دردی که از گناهان خود احساس می‌کرد که گویی جنایت است، از خشم خدا بیشتر عذاب می‌کشید که فهمید به خاطر گناهش در او برانگیخته شده است. زیرا جنگی با شریر با خدا وجود دارد که شرارت او به طرز باورنکردنی آزاردهنده است. زیرا رسول 4 می‌گوید: « خشم و غضب، مصیبت و ناراحتی بر جان کسی که بد می‌کند». زیرا اگرچه عمل گناه از بین رفته است، اما گناه به عنوان یک لکه و گناه باقی می‌ماند که غضب همیشگی خداوند آن را مانند سایه بدن دنبال می‌کند.

## 9. چگونه با دیدن گناهان، بلا، به توبه روی آوریم.

پس چون داوود بر اثر این نیش ها مجروح شد، برانگیخته شد تا برای گناهانش طلب آمرزش کند و مثال رنجش و دلیل عقیده اش که از مزمور پنجاهم برگرفته شده بود، توسط کشیش به شنوندگان مؤمنش پیشنهاد شد تا آنان به تقلید از پیامبر و در احساس اندوه واقعی، یعنی اندوه و اندوه واقعی تربیت شوند. این روش آموزش چقدر مفید است، به طوری که ما غمگین شدن از گناهان را یاد می گیریم، دعای خدا در ارمیا 5) روشن می کند که وقتی اسرائیل را به توبه تشویق می کرد، به او یادآوری کرد که بر حس بدی ناشی از گناه غلبه کند. او گفت: "زیرا اینک این بد و تلخ است که یهوه خدایت تو را ترک کرده است و خداوند یهوه می گوید از من ترسی نیست.

') بله. l ('.13 .2G. کاکس 3، 17. (' 4 ،37 .Ps. «) روم. 2, 3. 9. 19 ،2 .s) Jer

کسانی که لزوماً فاقد این حس تشخیص و درد هستند، کسانی که در انبیا، اشعیا 1)، حزقیال 2) و زکریا 3) گفته می‌شود که «قلبی سخت، سنگی و سخت‌گیر» دارند.

X. با چه تأملاتی پس از تصدیق و کراهت گناه، امید به آمرزش حاصل می شود.

اما مبادا مردم که از سنگینی گناهان خود هراسان شده اند، از رسیدن به آمدن ناامید شوند: کشیشان باید او را به این دلایل به امید دعوت کنند: که مسیح خداوند کلیسا نیز قدرت بخشش گناهان را داده است، همانطور که در مقاله مقدس ترین نماد اعلام شده است، و با این عریضه او تعلیم داد که چقدر نیکویی و گشاده رویی انسان به خدا بود. زیرا اگر خداوند سریع و آماده نبود تا گناهان توبه‌کنندگان را ببخشد، هرگز این فرمول دعا را برای ما تجویز نمی‌کرد: «قرض‌های ما را ببخش». بنابراین، ما باید آن را در قلب خود ثابت نگه داریم، تا او رحمت پدرانه را به ما عطا کند، کسی که دستور داد تا با این دعاها توضیح داده شود.

XI. آیا اگر از گناهان خود توبه کنیم، خداوند به راحتی ما را به خاطر گناهانمان خواهد بخشید؟

زیرا کاملاً در زیر این عریضه آن جمله اساسی است که خدا آنقدر نسبت به ما تمایل دارد که با کمال میل کسانی را که واقعاً توبه می کنند می بخشد. زیرا خدا کسی است که با رد اطاعت در او گناه می کنیم و نظم حکمت او را تا آنجا که در ما قرار دارد برهم می زنیم. چه کسی را آزرده خاطر می کنیم، چه کسی را با عمل و گفتار تجاوز می کنیم. به درستی که او نیکوکارترین پدر و مادری است که وقتی می تواند همه چیز را ببخشد، نه تنها اعلام کرد که آرزویش را دارد، بلکه مردم را به استغفار از او واداشت و به آنها آموخت که با چه کلماتی چنین کنند. بنابراین هیچ کس نمی تواند شک کند که توسط آن نویسنده، این در اختیار ما است که فیض خدا را نسبت به خود آشتی دهیم. و از آنجا که این شهادت گرایش به بخشش، ایمان به اراده الهی را افزایش می دهد، امید را تقویت می کند و صدقه را شعله ور می سازد، شایسته است که این مکان را با چند شهادت الهی و نمونه هایی از مردانی که خداوند به توبه کنندگان از بزرگترین جنایات آمرزش داده است، آراسته شود. از آنجا که در مقدمه این دعا و در آن قسمت از نماد که در مورد بخشش گناهان است، تا آنجا که موضوع مورد آزار و اذیت قرار گرفتیم: از آنجا شبانان آنچه را که دیده می شود متعلق به دستور این مکان می پندارند؛ بقیه از منابع تکرار الهی استخراج خواهد شد.

') است. 46، 12. 2) Ez. 86، 26. 3) زک. 7، 12

 در آن جمله دادخواست از نام مدیون چه باید فهمید؟

اما آنها از همان سیستمی استفاده می کنند که ما تصمیم گرفته ایم در سایر دادخواست ها استفاده کنیم. تا مؤمنان در اینجا معنای «بدهی» را بفهمند، مبادا فریب این تردید را بخورند، غیر از آنچه لازم است از او مطالبه کنند. اما قبل از هر چیز باید بدانیم، لااقل باید از خود بپرسیم که محبتی که از صمیم قلب، از تمام جان و از تمام ذهن خود مدیونیم، که مطلقاً مدیون خدا هستیم و پرداخت آن برای رستگاری لازم است، به ما بخشیده شده است. و در واقع، از آنجا که نام قرض شامل اطاعت، عبادت، تکریم و سایر وظایفی از این دست نیز می شود، می خواهیم که دیگر مدیون آنها نباشیم: بلکه دعا می کنیم که او از گناهان رهایی یابد. زیرا لوقا قدیس (ع) را که گناهان را در قبال قرض قرار داده است، به این دلیل تعبیر می کنند که با سپردن آنها به خدا ما تبدیل به یک چیز می شویم و بدهی ها به عنوان مجازات مطرح می شوند که یا ارضا می کنیم یا رنج می بریم. این بدهی از این نوع بود که مسیح خداوند به زبان پیامبر 2 گفت: "آنچه را ندزدم، پس پرداختم." با این جمله کلام خدا نه تنها می توانیم بفهمیم که ما بدهکار هستیم، بلکه نمی پردازیم، زیرا گناهکار به هیچ وجه نمی تواند به تنهایی راضی کند. سیزدهم از آنجایی که او به خودی خود با پرداخت گناهکار نیست، از آنجا می توان قرض ناشی از گناه را ارضا کرد.

از این رو باید به رحمت خدا پناه ببریم، که چون عدالت با او برابر است و خدای او بازدارنده ترین است، باید از دعا و شفاعت اشتیاق پروردگارمان برای آسیب رساندن به مسیح استفاده کنیم، که بدون آن هیچ کس هرگز از گناهانی که تمام قدرت و عقل برای ارضای از آن سرچشمه می گیرد، سرچشمه نمی گیرد. زیرا آن بهایی که مسیح خداوند بر روی صلیب پرداخت و از طریق مقدسات، به وسیله یا با مطالعه و تمایل با ما در میان گذاشت، آنقدر بزرگ است که آنچه را که در این عریضه می‌خواهیم، برای ما به دست می‌آورد و به انجام می‌رساند تا گناهان ما بخشیده شود.

چهاردهم او در آنجا برای اغماض و گذشت از گناه و گناه فانی دعا می کند.

در کدام مکان ما نه تنها برای خطاهای سبک و آسان ترین آنها، بلکه برای گناهان کبیره و کشنده دعا می کنیم. که دعا هیچ وزنی در سنگینی جنایات نخواهد داشت، مگر اینکه در واقع یا حداقل از روی میل فرض شده باشد که قبلاً گفته شد.

') لوقا یو، 4.') صص. 68، 5. ») 1 Ps. 100، . من. 2، 1. مربع

15 دلیل اینکه ما می گوییم «بدهی ما» مانند «نان خود» نیست.

اما ما جور دیگری می گوییم «بدهی ما» و قبلاً «نان ما» را می گفتیم. زیرا آن نان «از آن ما» است، زیرا به عنوان هدیه ای از جانب خدا به ما داده شده است، و گناهان «از آن ما» هستند، زیرا گناه آنها در ما ساکن است. زیرا آنها با اراده ما پذیرفته می شوند، که نیروی گناه را نداشت، مگر اینکه داوطلبانه بودند. بنابراین، ما با تحمل و اعتراف به این گناه، از خداوند رحمت لازم برای کفاره گناهانمان را طلب می کنیم. که در آن عذر کسی را نمیآوریم و اسباب را به کسی منتقل نمیکنیم، چنانکه آدمهای نخستین آدم و حوا کردند). اگر بدانیم خود را با به کار بردن دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قضاوت می کنیم: «قلبم را به سخنان کینه توزانه و بهانه جویی برای گناهان متمایل نکن».

16 چرا در تعداد multisttuuldeimnuiss. "ما را ببخش آنچه را که مدیونیم"

ما نمی گوییم: مرا ببخش، جز «به ما». این که رابطه برادرانه و خیریه ای که بین همه انسان ها وجود دارد از هر یک از ما می طلبد که نگران امنیت مشترک همسایگان خود باشیم که وقتی برای خود دعا می کنیم برای آنها نیز دعا کنیم. این رسم دعا، که توسط مسیح خداوند منتقل شد، پس از آن توسط کلیسای خدا پذیرفته شد، و برای همیشه حفظ شد، توسط خود رسولان و بالاتر از همه حفظ شد، و آنها مؤلف بودند، تا دیگران آن را بپذیرند. و از این غیرت و اشتیاق شدید در شفاعت برای امنیت همسایگانمان، ما در عهدات مقدس موسی و پولس نمونه بسیار خوبی داریم. یکی دیگر از آنها به درگاه خدا چنین دعا کرد 3: "یا این زیان را برای آنها ببخش یا اگر انجام ندادی مرا از کتابت که نوشته ای حذف کن." دیگری به این ترتیب 4): "آرزو داشتم که از طرف برادرانم از جانب مسیح ناسزا شوم."

همانطور که ما بدهکاران خود را می بخشیم.

17 این سخنان را چگونه باید فهمید: همانطور که ما نیز بدهکاران خود را می بخشیم.

آن «عنوان» به دو صورت قابل فهم است; زیرا قدرت تشبیه نیز دارد که از خدا میخواهیم تا همانگونه که جراحت و اهانت را نسبت به کسانی که به وسیله آنها مجروح شده ایم ببخشیم او نیز گناهان ما را ببخشد. همچنین یک وضعیت شناخته شده وجود دارد. مسیح خداوند این فرمول را به کدام جمله تفسیر می کند: "زیرا اگر مردم را ببخشید، پدر آسمانی شما نیز تقصیرات شما را خواهد بخشید، اما اگر مردم را نبخشید، نه

پیدایش 3، 12، 13، 2) صم. 110، 4. الف) مثال. 32، 31. 32. 4) روم. 9، 3. 6) مت. 6، 14. 15-

پدرت گناهان تو را خواهد بخشید.» درست است که هر دو حس نیاز
به بخشش یکسان دارند، پس اگر میخواهیم خداوند گناهانمان را
به ما ببخشد، لازم است از کسانی که از آنها خطا شدهایم بگذریم.
زیرا در این راه خداوند از ما میخواهد که خطاها را فراموش کنیم و
عبادت و محبت متقابل را فراموش کنیم، تا کسانی را که هدایا را
نپذیرفته و از آنها چشم پوشی کنند. لطف

18 ثابت شده است که بخشش همه خطاها هم با احکام طبیعت و
هم با احکام مسیح سازگار است.

همچنین قانون طبیعت دستور داده است که خود را به
دیگران عرضه کنیم، چنان که مایلیم در ما باشند، تا کسی که از
خدا بخواهد مجازات جنایتش را پیشبینی کند، در حالی که ذهنش
را برای همسایهاش مسلح نگه میدارد، گستاخترین گستاخ باشد.
بنابراین، کسانی که به آنها ظلم شده است، باید آماده و مایل
به بخشش باشند، حتی اگر این فرمول دعا به آنها تحمیل شود، و
در لوقا قدیس) خداوند به این امر دستور دهد: 2: «دشمنان خود را
دوست بدارید» و رسول 3) و پیش از او سلیمان، 4) نوشته است: «
اگر دشمن شما گرسنه است، به او غذا دهید، اگر او را تشنه می کند،
مرقس را سیراب کنید.» و او تشنه است. "وقتی برای دعا ایستادی،
اگر چیزی بر ضد کسی داری ببخش تا پدرت که در آسمان است
گناهان تو را ببخشد." 19 به چه دلایلی باید اذهان مردم را به
سوی نرمی که خدا در اینجا میخواهد سوق داد.

اما از آنجایی که انسان به زشتی فاسد هیچ کاری دردناکتر از
این نمی کند که گناهی را که بر او وارد شده است ببخشد، بگذار
شبانان تمام قدرت ذهن و عقل را بدهند تا تبدیل شوند و دلهای
مؤمنان را به این نرمی و رحمت که برای انسان مسیحی لازم است خم
کنند. آنها در سنت روایات الهی ساکن هستند، که در آن می توان
فرمان خدا را به بخشش دشمنان شنید. آنها حقترین را
پیشگویی میکنند و دلیلی بزرگ برای مردم میکنند که فرزندان
خدا هستند، اگر به آسانی از خطای خود بگذرند و دشمنان خود را
صمیمانه دوست بدارند. زیرا در این حقیقت می درخشد که ما
دشمنان خود را دوست داریم، نوعی تشبیه با خدای پدر و مادر، که
دشمن ترین و متخاصم ترین نژاد انسان را با خود آشتی داد و با
مرگ پسرش از نابودی ابدی رهایی یافت. اما بگذارید بند این
تشویق و دستور خشم مسیح خداوند باشد که بدون بالاترین
نمی توانیم آن را رد کنیم.

• ) لوقا 17، 3. 4. ») مت. 5، 44. «) روم. 12، 20. <) 21 ،25 .Prov. *) علامت گذاری کنید. 11، 25

رسوایی و تباهی (مت 5، 44، 45): "برای کسانی که به شما آزار می دهند و به شما تهمت می زنند، دعا کنید تا فرزندان پدر خود که در آسمان است باشید."

20 با کسانی که نمی توانند خاطره صدمات خود را از ذهنشان پاک کنند، چگونه رفتار کنیم؟

اما در این مکان، احتیاط مشترک شبانان لازم نیست، مبادا کسی با علم به دشواری و ضرورت این حکم، از رستگاری مأیوس شود. زیرا کسانی هستند که در حالی که می‌دانند وظیفه‌اشان این است که آسیب‌ها را با فراموشی اختیاری در هم بشکنند، و به کسانی که آنها را مجروح کرده‌اند دوست بدارند: آنها این را آرزو می‌کنند و برای قدرتشان این کار را می‌کنند، اما احساس می‌کنند که نمی‌توان تمام خاطره آسیب‌ها را از آنها پاک کرد. زیرا بقای خاصی از وحدت در ذهن است. از این رو عذاب وجدان آنها را برانگیخته است و از این می ترسند که مبادا با خصومت کمی ساده و صراحتاً از فرمان خدا سرپیچی کنند. بنابراین، در اینجا شبانان تعقیب متضاد جسم و روح را توضیح خواهند داد. که حس دومی متمایل به اثبات است، دلیل آن متمایل به بخشش است: از این رو میان آنها غوغا و نزاع دائمی است. از این رو آنها نشان خواهند داد که رستگاری نباید حداقل مورد اعتماد کسانی باشد که فریاد می زنند و با امیال فاسد فاسد مخالفت می کنند، تا زمانی که روح در انجام وظیفه و اراده برای بخشش آسیب ها و دوست داشتن همسایه پافشاری می کند.

XXI کسانی که هنوز اشتهای انتقام دارند، می توانند و باید نماز یکشنبه را بدون گناه بخوانند.

و شاید عده ای باشند که در حالی که هنوز نمی توانند ذهن خود را القاء کنند تا با فراموشی خطاهای خود، دشمنان خود را دوست بدارند، از این رو با ترس از شرط این عریضه که گفتیم از دعای پروردگار استفاده نمی کنند: شبانان این دو دلیل را می آورند و به وسیله آن آنها را از این خطای مهلک نجات می دهند. زیرا هر یک از مؤمنان این دعاها را به نام کل کلیسا می خوانند که در آن باید پرهیزکارانی باشند که بدهی خود را به بدهکاران پرداخته اند که در اینجا ذکر شده است. علاوه بر این که وقتی از خداوند طلب می کنیم، با هم طلب می کنیم، باید چیزی از جانب خودمان در آن خواسته سهیم شود تا به آن برسیم. زیرا ما هم آمرزش گناهان و هم هدیه توبه واقعی را می خواهیم. ما احتمال درد صمیمی را می خواهیم. ما می خواهیم که از گناهان خود روی برگردانیم و آنها را به راستی و با تقوا نزد کشیش اعتراف کنیم. بنابراین، از آنجایی که بر ما نیز لازم است که از کسانی که به ما آسیب یا بدی رسانده‌اند در امان بمانیم: وقتی دعا می‌کنیم که خدا ما را ببخشد، در همان حال دعا می‌کنیم که او به ما فرصت دهد تا خودمان را با کسانی که از آنها نفرت داریم آشتی کنیم. پس باید آنان را از این عقیده منصرف کرد که از ترس بیهوده و انحرافی برانگیخته شده‌اند، مبادا با این دعا خداوند را بر آنان آزار دهند. و از سوی دیگر تشویق به نماز مکرر

استفاده ای که از طریق آن از خدای والد می خواهند که به آنها ذهنیت بدهد تا کسانی را که به آنها آسیب رسانده اند ببخشند و دشمنانشان را دوست داشته باشند. Quid ilclia t 22

soitr u fma c iseibnid u cmu,p i tq u eis s oe r fartuicotnueom s adme. بهبودی

اما برای اینکه دعا کاملاً مثمر ثمر واقع شود، اول از همه باید این مراقبت و مراقبه در آن به کار گرفته شود که از خداوند مناجات کنیم و از او طلب مغفرت کنیم که جز به توبه کننده داده نمی شود. پس ما باید از آن صدقه و تقوای برخوردار باشیم که شایسته توبه کننده است. بلکه بیشتر از همه آنها را ملاقات کنم تا با اشک بدی ها و بدی های خودشان را کفاره بدهند که انگار زیر چشمانشان است. برای پیوستن به فکر bac، باید احتیاط برای آینده چیزهایی وجود داشته باشد که در آنها فرصتی برای گناه وجود داشته است، و ممکن است ما را به دامی بیاندازد تا خدای والدمان را آزار دهیم. داوود به این عنایت مشغول بود که گفت: «وَ الْعَصِیَمَکَمْ هُمْ عَلَیْهِمْ » و در جای دیگر: «هر شب رختخوابم را می شوم، با اشک خود بسترم را سیراب می کنم». بعلاوه، هر کس مشتاق ترین آرزو را به خود می دهد تا برای کسانی که با دعای خود آمرزش گناهان خود را از خدا گرفته اند، دعا کند. همانطور که آن باجگیر که از شرم و درد دور ایستاده بود و چشمانش را به زور خیره می کرد، فقط سینه خود را می زد و آن دعا را داشت 3: «خدایا به من گناهکار رحم کن». سپس آن زن گناهکار4)، که پشت سر مسیح خداوند ایستاده بود، پاهای او را که توسط او آبیاری شده بود و موهایش نیز پاک شده بود، بوسید. پطرس، سرانجام، شاهزاده رسولان 5)، "که بیرون رفت، عاشق شد."

144. درمان های اصلی برای التیام زخم های روح چیست؟ پس باید در نظر داشت که هر چه مردان ضعیفتر باشند و هر چه بیشتر در معرض بیماریهای روحی که گناه است بیشتر و بیشتر به دارو نیاز پیدا کنند. اما علاج روح بیمار توبه و عشای ربانی است. بنابراین، مردم مومن باید از اینها استفاده کنند. سپس انفاق، همان گونه که نامه های الهی می آموزد، دارویی است که برای التیام زخم های روح اقتباس شده است. پس کسانی که میخواهند از این دعا با تقوا استفاده کنند، آن را برای نیازمندان به نیکی انجام دهند. چرا که او چقدر قدرت دارد که لکه های جنایات را پاک کند، فرشته خداوند، قدیس رافائل، شاهدی در توبیاس است که صدایش این است: "صدقه عاری از مرگ، و اوست که گناهان را پاک می کند و رحمت و حیات جاودانی را می یابد." دانیال شاهدی است که نبوکدنصر پادشاه را این گونه پند داد: " گناهان خود را با صدقه و گناهان خود را با رحمت اندک بازخرید.) P s'.

} D 5u0n,. 2) 4. ") Luo. 18، 13. «) مت (* متر مربع 37 ،7 .شناسه.

.75 ،26

تعلیم، Conc. ترید

اما بهترین فضل و دلیل رحمت، فراموشی ظلم و حسن نیت نسبت به کسانی است که به مال یا آبرو و بدن شما تجاوز کرده اند. پس هر کس بخواهد در خود خدای مهربانی داشته باشد، دشمنی های خود را به خدا می سپارد و هر گناهی را می بخشد و با کمال میل برای دشمنانش دعا می کند و از هر فرصتی برای کسب خیر از آنها استفاده می کند. اما از این استدلال توضیح داده شد که وقتی محل قتل را بررسی کردیم، کشیشان را رد می‌کنیم، اما این عریضه را به این منظور به پایان می‌رسانند، که هیچ چیز ناعادلانه‌تر و قابل تصور نیست، از این‌که کسی که برای مردم سخت می‌گیرد، تا خود را به هیچ‌کس برای رحمت نسپارد، همین را می‌طلبد، که در خود خدای مهربان و مهربان است.

## فصل پانزدهم.

## از آخرین وصیت.

## و ما را به وسوسه نکش.

1. چقدر خطر وجود دارد که بعد از گذشت گناه، دوباره به گناه بازگردیم.

شکی نیست که فرزندان خدا پس از عفو گناهانشان، هنگامی که در شوق عبادت و عبادت برای خداوند شعله ور می شوند، آرزوی ملکوت بهشتی می کنند و همه خدمات تقوا را به خدای الهی می سپارند، همه به اراده و مشیت پدری او بستگی دارد. آنها پایین آورده شدند و بسیار بدتر از قبل هستند. در مورد آنها که ممکن است به درستی در مورد امیر رسولان گفته شود (دوم پطرس 2:21): "برای آنها بهتر بود که راه عدالت را ندانند، تا اینکه پس از شناختن آن، از آنچه به فرمان مقدس به آنها تحویل داده شده است، روی گردانند." II. چگونه مسیح ما را در برابر این دشمن سرسخت قرار می دهد؟

او می خواست منافع خود را تقویت کند.

از این رو مسیح خداوند دستور این درخواست را به ما داده است که باید هر روز خود را به خدا بسپاریم و از کشور او مراقبت و محافظت کنیم، بدون شک که اگر ما را به حمایت الهی رها کنند، در دام های سرسخت ترین دشمن گرفتار خواهیم شد. و نه تنها در این حکم دعا به ما دستور داد که به درگاه خدا دعا کنیم تا ما را به وسوسه نکشاند، بلکه در دعایی که در زمان مرگش به رسولان مقدس داشت، در حالی که خود آنها بودند.

 دوس1) گفته بود، این مقام را به این جملات یادآوری کرد2: «دعا کنید که در وسوسه نشوید». این نصیحت که دوباره مسیح خداوند به کار برد، بار سنگینی از کوشش را بر کشیشان تحمیل می‌کند تا مردم مؤمن را به استفاده مکرر از این دعا برانگیزد، به طوری که وقتی دشمن شیطان هر ساعت این همه خطر را متوجه انسان می‌کند، دائماً از خدا می‌خواهند که تنها می‌تواند آنها را دفع کند: «ما را به وسوسه نکش».

چه پرسیپسوئیت یک treamt i oinniteblulsi g ehroem i pnoesss i nhtu.i ما درخواست می کنیم

اما مردم وفادار رنج خواهند برد، چقدر به این کمک الهی نیاز دارند، اگر ضعف و نادانی خود را به خاطر بیاورند، اگر آن جمله خداوند مسیح 3 را به یاد آورند: "روح به راستی مایل است، اما جسم ضعیف است." اگر به ذهنش خطور کند، حوادث آدمیان که توسط شیطان هدایت می شود، چقدر سخت و کشنده است، مگر اینکه با کمک دست راست بهشتی حمایت شود. چه نمونه برجسته‌تری از ضعف انسانی می‌تواند از آن گروه کر مقدس رسولان باشد، که اگرچه قبلاً روحیه بالایی داشتند، اما از همان اولین هدف وحشت فرار کردند و ناجی را رها کردند؟ شاهزاده رسولان که در چنین حرفه ای از شجاعت و عشق منحصر به فرد به مسیح خداوند، از اندکی قبل، به خوبی اعتماد داشت، چنین گفته بود: "اگر شایسته است که با تو بمیرم، تو را انکار نخواهم کرد." فوراً از صدای یکی از زنان وحشت زده شد و سوگند یاد کرد که خداوند را نمی شناسد. البته آنها با بالاترین روحیه اشتیاق به نیروی خود پاسخ ندادند. اما اگر مقدس‌ترین انسان‌ها به‌دلیل ضعف ذات انسانی که به آنها اعتماد کرده‌اند به‌شدت گناه کرده‌اند، چرا ما نباید از بقیه که از قداست‌شان دور هستند هراسی داشته باشیم؟

IV. چه بسیار و چه بسیار وسوسه ها که زندگی انسان ها در معرض خطر است.

چرا باید کشیش نبردها و خطراتی را که ما دائماً درگیر آن هستیم، به مردم مؤمن پیشنهاد کند، در حالی که روح در این بدن فانی است که جسم و دنیا و شیطان از هر طرف به آن حمله می کنند؟ اگر مجبور نباشیم شر بزرگ آن را تجربه کنیم، چه خشم، چه آرزویی می تواند در ما باشد؟ چه کسی تسلیم این محرک ها نمی شود؟ چه کسی این نیش ها را احساس نمی کند؟ چه کسی سوژه های خود را با مشعل های سوزان نمی سوزاند؟ و در واقع عکس ها بسیار متنوع هستند. آنقدر درخواست های مختلف که دریافت نکردن ضربه های جدی بسیار دشوار است. و در کنار این دشمنان که با ما ساکن و زندگی می کنند، آن دشمنان سرسخت نیز وجود دارند.

') آیو. 13، 10. «) مت. Id. 26، 35 (" -Id. 26, 56 (•Id. 26, 41 (" .2G, 41.

برای او نوشته شده است: 1: "برای ما مبارزه ای با گوشت و خون نیست، بلکه با حکومت ها و قدرت ها، با حاکمان این تاریکی جهان، با شرارت روحانی در مکان های بهشتی."

V. توضیح D. Paul این که حملات شیاطین به ما چقدر جدی است، از نظر داده شده است.

زیرا حملات و تأثیرات بیرونی شیاطین به جنگ‌های صمیمی ما نزدیک می‌شوند و آشکارا ما را می‌جویند و از طریق تونل‌ها به روح ما سرازیر می‌شوند تا به سختی بتوانیم از آنها فرار کنیم. رسول نیز به سبب تعالی طبیعت، آنان را «امیر» می نامد (زیرا فطرت بر انسان ها و دیگر چیزهایی که در ذیل حواس قرار می گیرند مقدم است) و «قوا» را از آن رو می نامد که نه تنها به نیروی طبیعت، بلکه از نظر قدرت نیز برتری می یابند; و از «حاکمان» عالم ظلمت نام می برد: زیرا آنان بر عالمی روشن و درخشان یعنی نیکوکاران و پرهیزگاران حکومت نمی کنند، بلکه بر دنیایی تیره و تار حکومت می کنند، یعنی کسانی که کور شده از پلیدی و تاریکی زندگی باطل و جنایتکارانه، از شیطان به عنوان رهبر تاریکی ها لذت می برند. «شرارت معنوی» حتی به شیاطین هم مربوط نمی شود. زیرا این شرارت جسم و روح است. شرارت نفسانی که به آن شر می گویند، اشتهای شهوات و لذات را که با حواس درک می شود شعله ور می کند. شرارت روحی، امیال شیطانی و امیال انحرافی است که متعلق به بالاترین روح است. او ما را از ارث بهشتی محروم می کند: به همین دلیل است که رسول فرمود: «در بهشت». از اینجا می توان فهمید که نیروهای دشمن بزرگ، روح آنها شکست ناپذیر، نفرت آنها از ما بسیار زیاد و بی نهایت است. حتی با ما جنگی ابدی علیه آنها به راه بیندازیم تا نه صلحی با آنها برقرار شود، نه آتش بسی برقرار شود.

VI. شیطان چقدر جسور و منحرف است که آن را وسوسه کند.

هر چه جرأت می کنند، صدای شیطان در پیغمبر 3 تصریح می کند: «به آسمان بالا می روم». او به اولین مردان باغ حمله کرد. پیامبران را می پرستید; او رسولان را خواست تا، همانطور که در انجیل می گوید، خداوند «آنها را مانند گندم الک کند». حتی دهان خداوند مسیح شرمنده نشد. و به این ترتیب سنت پیتر 4) آرزوی سیری ناپذیر و همت بی اندازه خود را ابراز کرد، هنگامی که گفت: "دشمن شما شیطان مانند شیری غرش در اطراف راه می رود و در جستجوی اینکه چه کسی را ببلعد." اگرچه شیطان به تنهایی انسان ها را وسوسه نمی کند، گاهی شیاطین به صورت گروهی به هر فردی حمله می کنند. او اعتراف کرد که او یک شیطان است، که از او پرسیدند

') Bph. 6، 12. «) Ig. 14، 13. «) 1 ،4 .مت - .31 ،22 .لوقا «) I. Pet. 5، 8

برای خودش بود، پاسخ داد: 1) «نام من لژیون است، یعنی انبوه شیاطینی که آن مرد بدبخت را دریده بودند. و در مورد دیگر 2 نوشته شده است: هفت روح دیگر بدتر از خودشان را با خود برد و چون داخل شدند در آنجا ساکن شدند و آخرین آن مرد از اولی بدتر شد.

VII. چرا منحرفان کمتر، اما پرهیزگاران بیشتر گرفتار شیاطین می شوند.

بسیاری هستند که چون انگیزه ها و حملات شیاطین را در خود احساس نمی کنند، فکر می کنند که همه چیز دروغ است. تعجب آور نیست که آنها خود مورد حمله شیاطین قرار نگیرند که داوطلبانه خود را به آنها تسلیم کردند. در آنها نه تقوا، نه صدقه و نه فضیلتی که شایسته یک مرد مسیحی باشد وجود ندارد. از این رو اتفاق می‌افتد که همگی تحت تسلط شیطان هستند و نیازی به هیچ وسوسه‌ای برای سرنگونی آنها نیست، زیرا او به اختیار خود در روح آنها ساکن است. اما این درست است که کسانی که خود را از خدا جدا کرده بودند، در حالی که زندگی بهشتی در زمین داشتند، بیش از همه مورد حمله شیطان قرار می‌گیرند که بدترین نفرت را از او می‌گیرد و هر لحظه برای آنها دام می‌اندازد. تاریخ ادبیات الهی مملو از انسانهای مقدسی است که ایشان را به زور یا با تقلب حتی در حضورشان منحرف کرده است. آدم، داوود، سلیمان و دیگران که برشمردن آنها دشوار است، حملات خشونت آمیز شیاطین و حیله گری حیله گر را تجربه کرده اند که با نصیحت و قدرت انسان نمی توان در برابر آن مقاومت کرد. پس چه کسی خود را به اندازه کافی در حفاظت از خود مطمئن خواهد کرد؟ پس باید با تقوا و پاکدامنی از خدا بخواهیم که بیش از توان ما وسوسه نشویم، بلکه نتیجه را حتی با وسوسه رقم بزند تا بتوانیم آن را تحمل کنیم.

هشتم. شیاطین، چقدر. یا تا زمانی که بخواهند نمی توانند لیومین ها را وسوسه کنند.

اما در اینجا باید مؤمنان تقویت شوند، اگر کسانی که به دلیل ضعف عقل یا جهل از امر، از قدرت شیاطین وحشت دارند، تا خود متزلزل از امواج وسوسه، به این بندر دعا پناه ببرند. زیرا شیطان نه آنقدر که بخواهد و نه تا زمانی که بخواهد نمی تواند ما را با چنین قدرت و سرسختی وسوسه کند یا آزار دهد، بلکه تمام قدرت او با تکان دادن سر و اذن خدا اداره می شود. معروف‌ترین نمونه، ایوب است که اگر خداوند به شیطان نمی‌فرمود: «اینک هر چه دارد در دست توست»، چیزی به شیطان او نمی‌رسید. از طرف دیگر، اگر خداوند اضافه نمی کرد: «فقط دستت را بر او دراز مکن»، با یک ضربه خود شیطان و پسرانش سقوط می کرد. و قدرت شیاطین به حدی محدود بود که حتی نمی توانستند به خوکی هایی که انجیلان درباره آن می نویسند، بدون اجازه خداوند حمله کنند.

') مارو 5، 9. الف) مت، 12، 45. 8) i. کور. 10، 13. II. حیوان خانگی 2، 9. *) شغل 1، 12.

9 چرا باید صدای nobtiesn t edmeusri.g وسوسه شود و به هر دلیلی از جانب خدا

اما برای پی بردن به قوت این عریضه، باید گفت که «وسوسه»
در اینجا به چه معناست، و نیز چه چیزی را به سوی وسوسه سوق داد. اما وسوسه کردن به معنای به خطر انداختن کسی است که وسوسه میشود، تا بتوانیم با برانگیختن آنچه میخواهیم از او حقیقت را بیان کنیم. این راه وسوسه خدا اصلا سقوط نمی کند. برای چیست که خدا نمی داند؟ او گفت: "زیرا همه چیز برهنه و به چشمان او باز است." نوع دیگری از حفاظت وجود دارد که در آن، با پیشروی بیشتر، معمولاً چیز دیگری برای بخش خوب یا بد جستجو می شود. چه خوب، وقتی فضیلت انسان به آن امر محک زده شود، تا با دیدن و آموختن آن، بر امتیازات و کرامات او بیفزاید و الگوی او را برای تقلید به دیگران معرفی کنند، و سرانجام همه به همین دلیل به حمد و ثنای الهی مشرف شوند. این روش آزمایش فقط برای خدا مناسب است. نمونه ای از این وسوسه این است که در سفر تثنیه 2:
"یهوه، خدایت، تو را می آزماید تا معلوم شود که او را دوست داری یا نه. " خداوند چگونه قوم خود را در هنگام ابتلا به فقر و بیماری و سایر بلاها بیازماید که این کار را انجام می دهد تا صبر آنها را بیازماید و دلیل بر وظیفه مسیحی در برابر دیگران باشد. در این قسمت 3 می خوانیم که ابراهیم وسوسه شد که پسرش را خرد کند. با این عمل او

نمونه ای منحصر به فرد از اطاعت و شکیبایی برای یاد و خاطر جاودان مردان بود. در همین نظر درباره توبیاس گفته شد: «چون مورد قبول خدا بودی، لازم بود وسوسه تو را ثابت کند».

X. شیطان چگونه انسان ها را وسوسه می کند.

انسانها وقتی به سمت گناه یا نابودی سوق داده می شوند، به سمت شیطان وسوسه می شوند. که کار درست شیطان است. زیرا با این فکر انسانها را وسوسه می کند تا آنها را فریب دهد و خودپسندانه عمل کند. به همین دلیل در نامه های الهی به او «وسوسه کننده» گفته می شود. اما در آن وسوسه ها، او با برانگیختن درونی ترین انگیزه های ما، عواطف و عواطف روح را اداره می کند. همانطور که او ما را از بیرون خشمگین می کند، از چیزهای بیرونی استفاده می کند، که یا برای بیرون آوردن موفق است یا برای از بین بردن دشمنان. گاه فرستادگان و پاسگاههای گمشدهها و بهویژه بدعتگذاران دارد که بر مسند آفتها بذرهای کشنده عقاید شیطانی را میپاشند، تا کسانی که هیچ انتخاب یا تبعیض فضیلت و رذیلت ندارند، مردانی که ذاتاً به بدی گرایش دارند، آنها را به تاب دادن و پرتاب میرانند.

11 از چه راههایی گفته می شود که شخص به وسوسه کشیده می شود
اما گفته می شود زمانی که تسلیم وسوسه می شویم به سمت وسوسه هدایت می شویم. اما ما از دو طریق به وسوسه هدایت میشویم: •) ایلبر 4، 13. «)

تثنیه. 13، 3. ') 1 ،Gen. 9.2 .*) طوب. 12، 13. *) مت. 4، 3

 اول، زمانی که از حالت سقوط، شری را

که کسی با وسوسه ما را به آن سوق داده است، نابود کنیم. اما هیچ کس از این طریق توسط خدا به وسوسه کشیده نمی شود، زیرا خدا عامل گناه هیچ کس نیست، در واقع او از "همه 1) کسانی که گناه می کنند

متنفر است. در سنت جیمز 2 نیز صادق است: "هیچ کس، هنگامی که وسوسه می شود، نباید بگوید که او توسط خدا وسوسه شده است،

زیرا خدا عامل شر است." سپس گفته می‌شود که او ما را به وسوسه می‌کشاند، که اگرچه خودش وسوسه نمی‌کند و مراقبت نمی‌کند که ما

وسوسه شویم، اما گفته می‌شود وسوسه می‌کند، زیرا او مانع از وقوع آن چیزی که می‌تواند مانع از وقوع آن شود یا بر وسوسه‌ها چیره نمی‌شود، نمی‌شود. بدین ترتیب خداوند به نیکوکاران و پرهیزگاران اجازه وسوسه را می‌دهد، اما کسانی را که مورد لطف خود هستند، رها نمی‌کند. در واقع، ما گاهی اوقات به قضاوت عادلانه و پنهانی خداوند دچار نشده ایم که آن را با جنایات خود بخواهیم.

XII. نعمت های خدا گاهی ما را به وسوسه می کشاند. علاوه بر این، گفته می‌شود که خداوند ما را به

وسوسه می‌کشاند، وقتی از نعمت‌های او که برای رستگاری به ما عطا کرده است، به سوی نابودی سوء استفاده کنیم و با پیروی از امیال خود، مانند آن پسر ولخرج، دارایی پدر را هدر دهیم. بنابراین می‌توانیم بگوییم که رسول در مورد شریعت گفت: "من دریافتم که فرمانی که برای زندگی بود، برای مرگ است." نمونه مناسب این موضوع، به شهادت حزقیال 5، اورشلیم است که خداوند آن را با انواع زینت‌ها غنی کرده بود، به طوری

که به زبان پیامبر خدا می‌فرماید: «شما در زینت من که بر شما نهاده بودم، کامل بودید، و با این حال آن شهر مملو

از نعمت‌های الهی، تا کنون غایب است، که باید از فیض خداوند بهره‌مند باشد و بهترین لطف را داشته باشد. سعادتی را به دست آورد که فیضش را به عنوان

ناسپاس ترین خدای پدر و مادری که با امید و اندیشه میوه های بهشتی رانده شده بود، دریافت کرده بود، فقط از فراوانی کنونی به شکلی سخاوتمندانه و ناامیدانه لذت می برد، همان طور که حزقیال در همان مکان با کلمات فراوان آزار و اذیت می کرد.

سیزدهم کلمات کتاب مقدس را که بر اساس رسالت خداوند از طریق کلماتی که دلالت بر عملیات دارند، به چه طریقی باید فهمید.

اما باید به این رسم کتب آسمانی که گاه با آن کلمات دلالت بر اذن خداوند می کند که اگر به درستی گرفته شود به عملی در خداوند دلالت دارد، دقت کنیم.

زیرا در خروج 6) چنین است: "قلب فا- •) P b. 5, 7 ")

Jac. 1، 13. ") 10 ،7 روم. ") 18 ،15 .لو.

et saido n Reos m aingonosm2i)n i asecr,i b iett Aipn o srteoplruosb:u m „T .و در اشعیا 1: «قلب قوم فراری را کور کن

sraednisduimt. کاملاً عمل خدا باشد، اما

oXmInVi. tIenn t ahhaocn e p r excmamtuionneiss spdiaemrsuteser, a mn usoren.d p noes t uilna ttuern,t a tuito n ipbruosr s au s D eaob

v iNtae c h o mveirnoi s p .با در نظر گرفتن این موارد، دانستن وزن این دعا دشوار نخواهد بود

estuipmeurs , t enrer a mo.m n iEnsot taeuntteemm u re;چیزی مفید و ثمربخش برای نژاد انسانها. زیرا در

وسوسه‌ها خود را می‌شناسیم، یعنی قدرت خود را، به همین دلیل در زیر دست توانا خدا نیز فروتن می‌شویم، و

dnitlaitgieonntiibbuus s, s :هنگامی که مردانه رقابت می‌کنیم، چشم به راه تاج ناپدید نشدن جلال می‌شویم

mea.g"n a eQ u ondo b issi uerrigte mluerva t inoonnin u inl-l a think, تا ما را یاری "پاپ 6) داشته باشد

که بتواند با ناتوانی های ما همدردی کند، او با همه چیز وسوسه شد.» پس چه چیزی را با وسوسه های ما در اینجا

ناامید نمی کنیم؟ حفاظت الهی، یا تسلیم محبت ها شویم، به طوری که در شرف خود شکست بخوریم.

15 چگونه در شرایط سخت از خدا کمک بخواهیم

از این رو، به طور کلی، باید در همه وسوسه ها از خداوند یاری بطلبیم و به طور خاص،

We read of what was done ;زمانی که به هر یک مبتلا می شویم، باید به دعا پناه ببریم

by David in almost every kind of temptation. زیرا در menda-cio 6به این ترتیب دعا شد):

verictoatri s m euusqmu e qiun a qtueset;i"m o niina atvuaar,i t eita از دهان من کلام"

naodn hiunn ca v amroidtuimam7.)": "nI n rcelbiunsa life with the things of the

andinsa. umptouesrbt au tliuanrm 8u )ts:e, n t „anAtevi oe nrmitoberu se om c suul osgste ir nmaeemnodusis,s , nc eun pe i vd iiddteeacatlnitbi uns ev ma,un si-n te avdteee"E-eog ad ad.

تا در امور نامطلوب و سعادت آور آرامش و ثبات داشته باشیم و بخشی از ما نباشیم

*) Ks. 118, 43. i) lb. 36. 8) n, S7- Deut gj^ g9> Heb l2) 13

خداوند حفاظتش را خالی بگذارد. در آخر از او می خواهیم که «شیطان» را زیر پای ما له کند.

16 چگونه در مورد tenitlaltai oonbet i nveircit o proisas i tr.e portdri، و توسط چه نویسنده ای؟

آنچه باقی می ماند این است که کشیش مردم مؤمن را به آن چیزها تشویق کند که باید در این دعا بیشتر بیندیشند و تأمل کنند. در آن بهترین دلیل خواهد بود، اگر با درک میزان ضعف انسان، به نیروی خود اعتماد کنیم، و امید اصلی را به رحمت خداوند داشته باشیم، بر آن ولایت تکیه کنیم، یا در بزرگ ترین خطرات روحی عظیم داشته باشیم. مخصوصاً با توجه به این که خداوند چه تعداد را که به این امید و روح عطا کرده است، از آرواره های شکاف شیطان نجات داده است. آیا یوسف 2) از هر طرف توسط مشعل های آتشین زن دیوانه ای احاطه شده بود که از بزرگ ترین خطر نجات یافته بود و به شکوه بلند شده بود؟ آیا او سوزانا را که توسط وزرای شیطان تسخیر شده بود، نجات نداد، در حالی که چیزی به کشته شدن توسط ارواح شیطانی نزدیکتر نبود؟ نه تعجب او می گوید: «زیرا او دلش به خداوند اعتماد داشت.» ستایش و جلال ایوب که بر جهان و جسم و شیطان پیروز شد ناچیز است. نمونه های زیادی از این دست وجود دارد که کشیش باید با دقت مردم متدین را به اعتماد به آن امید تشویق کند.

## 17 پیشرو مبارزه ما مسیح است، همه یاران مقدس، کسانی که از او پیروی نمی کنند مقصر هستند.

بگذارید مؤمنان نیز به این فکر کنند که در وسوسه های دشمن چه کسی رهبر خود است، یعنی مسیح خداوند، که پیروزی را از آن مبارزه بازگرداند. او خود شیطان را شکست داد; او قویاتر است که با آمدن بر مسلح غلبه کرد و هم اسلحه و هم غنایمش را از او گرفت. در مورد پیروزی او که بر جهان گزارش کرده است، در سنت یوحنا 5 آمده است: «اطمینان داشته باشید، من جهان را فتح کردم». و در آخرالزمان 6) می گویند که شیر خود فتح کرد و بیرون آمد «تسخیر تا غلبه کند» که در آن پیروزی نیز به پرستندگانش قدرت تسخیر داد. نامه رسول به عبرانیان مملو از پیروزی های مردان مقدس است. «کسانی که به واسطه ایمان، پادشاهی برپا کردند، دهان شیران را بستند» و آنچه در ادامه می آید. اما از این مطالبی که خواندیم، بیایید آن پیروزیهایی را که هر روز از نبردهای درونی و بیرونی با شیاطین توسط مردانی که از نظر ایمان، امید و نیکوکاری متمایز هستند، بازمیگردانند، در اندیشه درک کنیم، که آنقدر زیاد و برجسته هستند که اگر زیر نظر چشمان ما میافتند، قضاوت نمیکردیم که هیچ چیز بیشتر اتفاق بیفتد، هیچ چیز باشکوهتر. در مورد شکست دشمنان او در این کلمات نوشته است، 7 .St. Rom. 16، 20، 39،

«) Dan. 13، 35. *) 33 ،16. اینجا. 6) سرهنگ 22. لوقا 11، 10. 4، .مت. «)

مکاشفه 5، » ) 33 ،11. عبری. 2 ،6 .5 ؟.)

یوحنا 1): "ای جوانان برای شما می نویسم، زیرا شما قوی هستید و کلام خدا در شما می ماند و بر شر غلبه کرده اید."

## 18 چگونه می توان بر شیطان غلبه کرد؟

اما شیطان با فراغت، خواب، خوردن، شهوت تسخیر نمی شود. اما با دعا و تلاش و هوشیاری و پرهیز و خودداری و پاکدامنی. او گفت: «بیدار باشید و دعا کنید، همانطور که قبلاً گفتیم تا دچار وسوسه نشوید». کسانی که از آن سلاح ها برای آن نبرد استفاده می کنند، دشمنان خود را فراری می دهند. برای کسانی که در برابر شیطان مقاومت می کنند، او از آنها فرار خواهد کرد. اما در این پیروزی های مردان مقدس که گفتیم، هیچ کس خود را خشنود نمی کند، هیچ کس با گستاخی بیشتر خود را نشان نمی دهد، تا اعتماد کند که می تواند با قدرت خود در برابر وسوسه ها و حملات شیاطین متخاصم مقاومت کند. این از ذات ما نیست، نه از ضعف انسانی، بلکه فقط از قدرت الهی است.

## 19 به این ترتیب از طرف خدا به ما قدرت داده شده است که بر آن غلبه کنیم

این قوا را که ما با آنها به اقمار شیطانی سجده می کنیم، از جانب خدا داده شده است. که می‌گذارد «مثل کمان هوا، بازوان ما»، به لطف او کمان5) قوی‌ها را مغلوب کرده، و ضعیفان را به نیرو بسته‌اند. که به ما محافظت از نجات می دهد. که دست راست ما را می پذیرد. که 6) «دستهای ما را برای نبرد، و انگشتان ما را برای جنگ می‌آموزد» تا بتوانیم خدای واحدی را برای پیروزی شکر کنیم، که به وسیله او می‌توانیم با یک نویسنده و یاور پیروز شویم. کاری که رسول انجام داد. زیرا او می گوید 7) "خدایا را شکر که ما را به واسطه خداوند ما عیسی مسیح پیروز کرد." همان نویسنده پیروزی توسط آن صدای آسمانی در آخرالزمان پیش‌بینی می‌شود: " نجات و قدرت و پادشاهی خدای ما و قدرت مسیح او به پایان رسید، زیرا متهم برادران ما به زیر انداخته شد و خود آنها به خاطر خون بره بر او غلبه کردند." همین کتاب به پیروزی خداوند بر جهان و جسم در آن مکان گواهی می دهد9): c"aHuis a c uemt dAe g nmoo d و بره بر آنها غلبه خواهد کرد." این در .،op u gvninacbeunndti مورد است

## 20 جوایز برندگان در آن مسابقه معنوی چیست؟

پس از فرود آمدن، تاج‌هایی را که خداوند آماده کرده بود و انبوهی از جوایز جاودانی که برای پیروزمندان تعیین شده بود، به مردم مؤمن تقدیم کردند. که آخرالزمان الهی در مورد آنها شهادت می دهد 10: "کسی که پیروز شود، از مرگ دوم آسیبی نخواهد دید." و در جای دیگر 11): «هر که پیروز شود جامه سفید خواهد پوشید و نام او را از کتاب حیات محو نخواهم کرد.

') I. Io. 2، 14. *) 35 ،17، ص ") 7. ،4 .یاس (11. ،26 .مت. *) I. 2 پادشاهان، i. •) 1 ،143 مزمور. ̂h
قرن 15، 57. 8) مکاشفه 12، 10. 11. ") مکاشفه 17، 14. >°) مکاشفه 11، 14. >°) مکاشفه 11، 2.

نام او را نزد پدرم و فرشتگان او اعتراف خواهم کرد. سپس ادامه داد:
به هر که پیروز شد، به او عطا می کنم که با من بر تخت من بنشیند، همانطور که من نیز غلبه کردم و با پدرم بر تخت او نشستم. سرانجام، هنگامی که جلال قدیسان و قدرت همیشگی چیزهای خوب را که در بهشت از آن برخوردار خواهند شد، توضیح داد، افزود: "کسی که غلبه کند، صاحب این چیزها خواهد شد."

## فصل شانزدهم

### از تولد هفتم. اما ما را از شر نجات بده

I. tpuert هیچ چیزی در آبی برتر وجود ندارد.

این آخرین درخواست مانند همه درخواست های دیگر است که پسر خدا این دعای الهی را با آنها به پایان رساند. برای نشان دادن قدرت و وزن آن، به عنوان بند پایانی دعا استفاده می شود، هنگامی که او می خواست از زندگی خارج شود، و از خدای پدر برای نجات مردم التماس می کند: "از شما خواهش می کنم،" او می گوید، "تا آنها را از شر نگه دارید." از این رو، در این فرمول دعا، که با دستور بیان و با مثال تأیید می‌کند، قوت و دلیل سایر عرایض را به عنوان یک مظهر خلاصه می‌کند. زیرا اگر به آنچه در آن دعا آمده است، چیزی باقی نمانده است، به گفته قدیس سیپریان، 5) که هنوز نیاز به درخواست آن داریم، هنگامی که از خدا محافظت می کنیم در برابر شر، که با به دست آوردن آن، در برابر هر کاری که شیطان و جهان انجام می دهند ایمن و محافظت می شویم. بنابراین، همانطور که گفتیم، هر چقدر هم که این درخواست مهم باشد، کشیش باید در توضیح آن برای مؤمنان بسیار دقت کند. اما این با عریضه بعدی فرق می کند، در این که ما می خواهیم که اجتناب از گناه، این رهایی از مجازات است. II. چه چیزی ما را ترغیب می کند که این d apmruesc.a را در حضور خداوند انجام دهیم

از این رو، مردم مؤمن، هر چقدر هم که از ناراحتی ها و مصیبت ها زحمت بکشند و به کمک های آسمانی نیاز داشته باشند، دیگر قابل پند و اندرز نیستند. چه بسیار و چه بسیار مصیبت‌هایی است که زندگی انسان وجود دارد، علاوه بر این که نویسندگان مقدس و ناپسند این بحث را به وفور دنبال کرده‌اند، تقریباً هیچ کس نیست که هم خطر خود و هم خطر دیگران را درک نکند. زیرا او متقاعد شده است

') مکاشفه 3، 12. *) ج 21. *) مکاشفه 21، 7. *) آیو. 17، 15، ص) اورات. دام. سخنرانی 6.

به همه، که مثالی از صبر را ایوب به یادگار آورد: «مردی که از یک زن متولد شده است، مدت کوتاهی زندگی می‌کند، پر از بدبختی‌هاست، که مانند گلی بیرون می‌آید و له می‌شود، و مانند سایه می‌گریزد و هرگز به همان حال نمی‌ماند». و در واقع، هیچ روزی نمی گذرد که با ناراحتی یا ناراحتی مشخص نشود، صدای مسیح خداوند شاهد است: " روز برای بدخواهی آن کافی است." اگرچه وضعیت زندگی انسان با هشدار خود خداوند که من هر روز صلیب را برمی‌دارم روشن می‌شود، اما او آموزش داد که پیروی از آن ضروری است. پس بگذارید همه احساس کنند که این شیوه زندگی چقدر پرمشقت و خطرناک است. به ویژه از آنجایی که مردم به هیچ دلیلی جز با آرزو و امید به رهایی از ناراحتی هایی که به آنها ستم می شود یا بر آنها سنگینی می کند، به دعا سوق داده نمی شوند. به همین دلیل در جان انسان ها فطری است، به طوری که در مواقع سختی بلافاصله به یاری خداوند پناه می برند. 4 در مورد چه موضوعی نوشته شده است: " صورت آنها را از شرم پر کن و بگذار نام تو را بجویند، خداوندا." و 5) «بیماری‌هایشان زیاد شد و بعد شتاب گرفت».

III. دفع خطرات و بلاها را به چه دلیل از خداوند می‌خواهیم؟

اما اگر انسانها این کار را تقریباً به میل خود انجام دهند تا در خطرات و بلایا خدا را بخوانند: مطمئناً به روشی که می توانند این کار را به درستی انجام دهند، کسانی که نجاتشان به ایمان و احتیاطشان سپرده شده است، بیشتر باید آموزش ببینند. زیرا کم نیستند کسانی که بر خلاف فرمان مسیح خداوند از ترتیب دعا به عنوان آیندگان استفاده می کنند. زیرا او که ما را به پناه بردن به خود امر کرد. زیرا او مایل بود که قبل از اینکه ما برای رهایی از شر ما دعا کنیم، بخواهیم که نام خدا تقدیس شود و پادشاهی او فرا رسد و بقیه را بخواهیم، که گویی با پله هایی به این مکان می رسیم. ولی بعضی، اگر سرشان، پهلوها، پاها زخمی است، اگر اهلی را از دست بدهند، اگر تهدید می کنند، اگر هدف دشمنان خطر است، در قحطی، در جنگ، در آفت، وسط نماز یکشنبه را حذف می کنند، فقط می خواهند که از آن بلاها نجات یابند. اما فرمان مسیح خداوند با این رسم در تضاد است 7: "پیش از هر چیز پادشاهی خدا را بجویید." پس نمازگزاران در هنگام استغاثه به سستی و ناراحتی و دفع بلاها به جلال خداوند رجوع می کنند. بنابراین داوود تسلیم آن دعا شد 6) : «خداوندا، در خشم تو مجادله نکنیم» که به وسیله آن «) ایوب 14، 1. 2.») مت. ج، 34. ») لوقا 9، 23. *) صم. 82، 17. «) ص. 15، 4. «) ص. 49، 15. ') مت. 6، 33. «) ص. 2 ،G. 6

او خود را بسیار مشتاق جلال خدا نشان می دهد. زیرا می‌گوید: «زیرا در مرگ کسی نیست که تو را به یاد آورد، مگر در جهنم که به تو اعتراف کند؟» و همان هنگام که از خداوند مناجات می کند که او را بیامرزد، می افزاید: «من راه شما را به فاسقان می آموزم و بدکاران به سوی شما روی می آورند، به این شیوه دعای مفید و به مثابه پیامبر، شنوندگان مؤمن باید برانگیخته شوند، و در عین حال به آنان تعلیم داده شود که چه قدر بین نمازگزاران و نصارا کفر است».

IV. کافران آزاد شدن را دوست دارند و مسیحیان چندان درخواست نمی کنند. آنها همچنین با شور و اشتیاق از خدا می خواهند که از بیماری ها و زخم ها شفا پیدا کنند تا از شر بدی های زیان آور نجات یابند. اما با این وجود، آنها امید اصلی او را برای رهایی در مقایسه با طبیعت یا انرژی انسانها در درمان قرار می دهند. اما حتی اگر دارویی که کسی به او می دهد، حتی اگر با شعار باشد، اگر با جادو باشد، اگر با کار شیاطین باشد، بدون دین از آن استفاده می کنند، تا زمانی که امید به سلامتی نشان داده شود. این دلیل بسیار متفاوتی برای مسیحیان است، که در بیماری و در همه چیزهای نامطلوب، خدا را به عنوان بالاترین پناهگاه و محافظت از نجات خود دارند، و همگی آنها را به عنوان خالق خیر و نجات دهنده خود می شناسند و می پرستند. از طرف دیگر، در رراپدها، نیرویی که فطری برای شفا است، مسلماً فطری از جانب خداوند است و فکر می‌کنند که این کار فقط به اندازه‌ای که خدا بخواهد به درد بیمار می‌خورد. زیرا دارویی هست که خدا به نوع بشر داده و با آن بیماری ها را شفا می دهد. از این رو است که صدای جامعه 2: "احمق ترین انسان داروها را از زمین خلق کرده است، اما مرد عاقل این کار را نکرده است."

nabohno r irne b iiltl is i rlelmae.d"i i sI t saquumem a qmu i s Ipeesmu rCehproinsutnot nroemcuepne r adneddaeer u nvta,- letudinis، اما خودشان به

a ترین ،cfuildiesn dluimbe r asviitt اعتماد دارند. maxirae نویسنده پزشکی خدا

از این رو در نامه های الهی نیز مورد نکوهش قرار گرفته اند. ii3) که با اعتماد به پزشکی، هیچ کمکی از خدا نمی خواهند. در مقابل، کسانی که زندگی خود را بر اساس قوانین الهی می گذرانند، از هر چاره ای که خداوند برای معالجه آن استفاده نکرده است، پرهیز می کنند. و اگر حتی استفاده از مواد مخدر امید سلامتی را به روی آنها باز کرده است، اما چیزهایی مانند آوازها و هنرهای شیطانی آنها را دفع می کند. برای این کار باید مؤمنان به توکل بر خدا تشویق شوند. زیرا در این مورد نیکوکارترین والد به ما دستور داد که از شر رهایی بخواهیم، تا در همان چیزی که او دستور داده است، ما نیز امیدوار به دستیابی به آن باشیم. در کتب مقدسه نمونه های زیادی از این دست آمده است

•) ص. 50، 15. 3) اکلوس. 38، 4. *) II. پار. 16، 12. جر. 46، 11

430 تعلیمات بومن ها به امید آموخته می شود، آنها

مجبورند با مثال های فراوان اعتماد کنند. ابراهیم، یعقوب، لوط، یوسف، داوود در چشمان ثروتمندترین شاهدان مهربانی الهی هستند. حروف مقد س عهدجدید آنقدر کسانی را برمی‌شمارد که با سنگینی دعای پرهیزگار از بزرگترین تبعیض‌ها نجات یافته‌اند، که این موضوع نیازی به ذکر مصادیق ندارد. بنابراین ما به آن یک جمله از پیامبر بسنده می‌کنیم که می‌تواند حتی ضعیف‌ترین فرد را نیز تقویت کند: «زیرا که صالحان فریاد زدند»، او می‌گوید: « خداوند آنها را شنید و از همه مصیبت‌های‌شان رهایی بخشید».

6. مراد از اسم شر در اینجا چیست و منظور از این عریضه چیست.

زور و دلیل این درخواست را دنبال می کند تا مؤمنان بفهمند که ما اصلاً در این مکان درخواست نمی کنیم تا از همه بدی ها رهایی یابیم. زیرا چیزهای خاصی وجود دارد که عموماً شر تلقی می شوند، با این وجود برای کسانی که رنج می برند مثمر ثمر است. تا «محرکی» که رسول 2 به کار برد) به لطف خداوند «قوی در ضعف» کامل شود. این چیزها اگر قدرتشان معلوم باشد، بیشترین لذت را بر متقیان می گذارد; آن قدر دور است که از خدا می خواهند که او را ببرند. چرا ما فقط از آن بدی هایی که هیچ سودی برای روح ندارد تأسف می خوریم؟ نه بقیه، تا زمانی که مقداری میوه مفید از آن وجود داشته باشد. VII. چه بسیار و چه بسیار انواع بدی هایی که می خواهیم از آنها رهایی پیدا کنیم.

بنابراین، در همه چیز، آن قدرت تابع این کلمه است تا از گناه، از خطر وسوسه و از بدی های درونی و بیرونی رهایی پیدا کنیم; تا از آب، آتش، صاعقه در امان باشیم. مبادا تگرگ به محصولات زراعی آسیب برساند. در صدقه، فتنه و جنگ کار نکنیم. ما از خدا می خواهیم که بیماری ها، آفت ها و ویرانی ها را دور نگه دارد. بند، زندان، تبعید، خیانت، کمین، و همه ناراحتی‌های دیگر که معمولاً زندگی انسان‌ها به وسیله آن‌ها بسیار مخوف و سرکوب می‌شود. خلاصه همه اسباب ظلم و ستم را دفع می کند. ما نه تنها برای این چیزها که به رضایت همه شر است، بلکه برای چیزهایی که تقریباً همه به خوبی اعتراف می کنند، دعا می کنیم، ثروت، افتخارات، سلامتی، قدرت، همین زندگی را می خواهیم. ما همچنین از خدا می خواهیم که مرگ ناگهانی ما را غرق نکند. مبادا خشم خدا را بر خود برانگیزیم. مبادا کسانی که بی تقوا باقی می مانند، مجازات شوند. ما در عذاب آتش برزخ نیستیم. که از او با تقوا و قداست دعا می کنیم تا دیگران آزاد شوند. این عریضه و در جمع، 12، G. en 9 (.7i.

12، 2. - 28، 12.- 14، 12. - 39، 2. I. Reg. 21، 14. 18 ،33 .ص. (*) II.

کور.

در مجالس عبادت، کلیسا این گونه تفسیر می شود، یعنی ما برای آن بدی های گذشته، حال و آینده دعا می کنیم.

هشتم. خداوند هم بدی ها و هم بدی ها را دفع می کند و به طور معجزه آسایی آنها را از دست حاضران نجات می دهد.

اما مهربانی خدا ما را از یک جهت از شر نجات نمی دهد. زیرا او از بلایای قریب الوقوع جلوگیری می کند، به همین ترتیب می خوانیم که آن یعقوب بزرگ از دست دشمنانش که قتل عام سیکمی ها علیه او تحریک شده بود، نجات یافت. زیرا گفته می‌شود: «هور خدا به تمام شهرهای اطراف حمله کرد و جرأت نکردند عقب نشینان را تعقیب کنند». و در واقع، تمام سعادتمندانی که با مسیح خداوند در آسمان ها سلطنت می کنند، به کمک خدا از همه بدی ها رهایی یافته اند. اما او نمی خواهد که ما که در این زیارت مشغولیم، از همه ناراحتی ها رها شویم. اما او برخی را نجات می دهد. اگرچه آنها مانند رهایی از همه بدی ها هستند، اما گاهی اوقات خداوند به کسانی که تحت ظلم و ستم هستند می دهد. پیامبر با اینها خود را تسلیت می بخشید که می فرماید: به انبوه اندوهی که در قلبم دارم، دلداری های شما روح مرا شاد کرد. بعلاوه، خداوند انسانها را از شر رهایی می بخشد، زمانی که آنها را سالم و سالم نگه می دارد، هنگامی که در بزرگترین بحران قرار می گیرند. می خوانیم که هم برای آن بچه ها اتفاق افتاد، 3) پس از انداختن آنها به کوره سوزان، و دانیال 4) که شیرها هیچ آسیبی به آنها نرساندند، همانطور که شعله های آتش بچه ها را آزار نداد.

9 در اینجا شیطان نامیده می شود، زیرا او عامل گناه بد و مجری مجازات بد است.

با این حال، شر، طبق نظر مقدسین باسیل کبیر، کریزوستوم و آگوستین، عمدتاً دیو نامیده می شود، زیرا انسان عامل گناه، یعنی جنایت و گناه بوده است. که خداوند نیز در تکرار مجازات جنایتکاران و جنایتکاران از آن خدمت می کند. زیرا خداوند همه بدی ها را به انسان می دهد که به دلیل گناه رنج می برند. به چه نظر حروف الهی در آن کلمات سخن می گوید: «اگر در شهر بدی باشد که خداوند انجام نداده است؟» بند 6): "من خداوند هستم و دیگری نیست که نور را می سازد و تاریکی می آفریند، صلح می کند و شر می آفریند." او را بد هم می خوانند از این جهت که گرچه ما به او بدی نکرده ایم، اما جنگی همیشگی برای ما به ارمغان می آورد و به خاطر سرمایه از ما متنفر است. اما اگر هم مسلح به ایمان باشیم و هم بی گناه از ما محافظت کند، او نمی تواند به ما آسیبی برساند، با این حال، ما را با بدی های بیرونی وسوسه نمی کند و به هر وسیله ای که می تواند حواسمان را پرت می کند. از این رو از خدا می خواهیم که ما را از شر نجات دهد.

Gen. 35, 5. «) 19 ,93 ص. «) Dan. 3، 21.") ib. 6، 22. 14، 39. 5) 8 عاموس، * *) Is. 45، 6. 7. Jer. 11، 2 .7 ,9 پادشاهان. III .23 ،32 تثنیه.

## 432 تعالیم رومی X 432. چرا باید با صدای یک فرد بخواهیم از شر رهایی یابیم، اما از انبوه نه؟

و می گوییم «از شر» نه «از شر»، به این دلیل که بدی هایی را که از همسایگان به عنوان مؤلف و محرک به ما می رسد، به او نسبت می دهیم. چقدر کمتر باید با همسایگان خود خشمگین باشیم، بدون اینکه نفرت و خشم خود را متوجه خود شیطان کنیم، کسی که انسانها را به زیان رساندن او سوق می دهد. و پس اگر همسایهاات بهاهیچاوجه به تو آسیب رسانده است، هنگامی که با خدای پدر و مادرت دعا میاکنی، از او بخواه که نه تنها تو را از شر، یعنی از آسیباهایی که همسایهاات به تو تحمیل میاکند، رهایی بخشد، بلکه از او بخواه که بیاتوجهی به تو بیاورد. by the hand of the devil, by whose impulse he 11. In what way do we go in the evil nafoenc t lii b eesrseem

u dre.b, even if continuous

خلاصه باید بدانیم که اگر با دعا و نذر از بدی ها نجات پیدا نکردیم، باید با درک رضایت خدای الهی، آنچه را که به ما ظلم می کند، تحمل کنیم تا با مدارا به آنها عذاب دهیم. پس درست نیست که غضب و اندوهگین شویم که خداوند دعای ما را نمی شنود، بلکه باید همه چیز را به تکان دادن و اراده او رجوع کنیم، به این فکر که مفید است، رستگار است، رضای خداست، چنین باشد، نه آن چیزی که به نظر ما غیر از این است.

XII. چه بسیار و چه بسیار مزایایی ممکن است از طریق مصیبت ها به ما برسد. سرانجام به شنوندگان پرهیزگار، در حالی که مشغول این مسیر زندگی هستند، آموزش داده می شود که نه تنها با متانت، بلکه با روحیه شادی آفرین، برای تحمل انواع ناراحتی ها و بلاها آماده باشند. او میاگوید: «زیرا همه کسانی که میاخواهند در مسیح عیسی با عبادت زندگی کنند، جفا را تحمل خواهند کرد.» مورد 2): "از طریق مصیبت های بسیار ما باید وارد ملکوت خدا شویم." دوباره 3): "آیا لازم نبود که مسیح این چیزها را متحمل شود و بدین ترتیب وارد جلال خود شود؟" زیرا عادلانه نیست که یک خادم از ارباب خود بزرگتر باشد، همانطور که طبق نظر سنت برنارد شرم آور است (4) که اعضای ظریف زیر سر خاردار باشند. این مثال عالی ای است که اوریا برای تقلید از او به دست می دهد، که داوود را تشویق می کند که خود را در خانه نگه دارد و می گوید: "تابوت خدا و اسرائیل و یهودا در غرفه ها ساکن هستند و آیا من وارد خانه شوم؟" مسلح به این دلایل و مراقبه ها، اگر به دعا بیاییم، به آن دست خواهیم یافت، تا اگر از هر سو در محاصره تهدید و بدی قرار بگیریم، چنانکه آن سه کودک از آتش دست نخورده بودند، ما نیز مصون از تعرض باقی می مانیم: حتما ، I*

115)، I 210. . T isme.r m .S , 6 .1 2 d.e o')m n A.o t .s a n1c4t,i s .2 1 . 6 ) »
I) I . L uEoe.g. 2 41 1„ 2 161-. «) لو .24 ،10 .مت. G. 40

به عنوان مکابیان1) مصیبت های خود را استوار و شجاعانه تحمل کنیم. در توهین‌ها و شکنجه‌ها از حواریون مقدس 2 تقلید خواهیم کرد، که از ضرب و شتم بسیار خوشحال شدند، زیرا شایسته تلقی می‌شدند که برای مسیح عیسی توهین کنند. بنابراین، پس از آماده شدن خود در این راه، اجازه دهید

آن آهنگ را با بیشترین لذت روحی بخوانیم 3: "شاهزاده ها مرا بیهوده آزار داده اند و قلبم از سخنان تو وحشت زده شده است، مانند کسی که غنیمت بسیار می یابد، خود را بر سخنان تو خواهم انداخت."

## GAPUT XVII.

### آخرین بند اوراتلون یکشنبه: آمین.

/. فایده و میوه این ذره چیست؟
سنت ژروم این صدا را، گویی، علامت نماز یکشنبه (4) در تفسیر متی می نامد. از این رو، همان گونه که مؤمنان را قبلاً در مورد مقدماتی که باید به کار گیرند، قبل از آن که به دعای الهی بپردازند، پند دادیم، اکنون نیز دستور داده ایم که انجام دهند تا علت و دلیل بندها و پایان خود نماز را بدانند. زیرا اقامه نمازهای الهی با اهتمام بیشتر از این نیست که به صورت دینی تمام شود. پس مؤمنان بدانند که بسیار است و آن میوه‌های فراوانی که در پایان نماز یکشنبه می‌بینیم، اما فراوان‌ترین و شادترین میوه‌ها، به دست آوردن آن‌هاست که خواستیم: که در بالا به اندازه کافی گفته شد. ما نه تنها در این قسمت آخر دعا به این می رسیم که دعاهایمان شنیده می شود، بلکه به دعاهای ما بزرگتر و عالی‌تر از آنچه در کلمات قابل توضیح است نیز می رسیم.

II. چه بسیار چیزهای خوبی از دعا به مردم می رسد.
زیرا هنگامی که مردم از طریق سخنوری با خدا گفتگو می کنند، همانطور که قدیس سیپریان می گوید، 5) عظمت الهی به کسی که به شیوه ای غیرقابل توضیح خاص دعا می کند، نزدیکتر می شود تا به بقیه، که علاوه بر این، او را با کارکردهای مفرد می پرستد. تا کسانی که با تقوا به درگاه خداوند مناجات می کنند، به نحوی با کسانی که به آتش نزدیک می شوند، مقایسه شوند که اگر سرد باشند، گرم می شوند، و اگر گرم شوند، می سوزند. زیرا ذهن آنها به جلال خداوند ملتهب است، ذهن آنها به طرز شگفت انگیزی روشن شده است، آنها کاملاً پر از مواهب الهی هستند. زیرا در نامه های مقدس باب 6 نازل شده است: «او را وارد کردی

«) I. Mach. 2، 16 متر مربع 161، 118، ص. «) متر مربع 5، 40 متر مربع 2) عمل کنید. «) lib. 1. o. 6. - Eccles 7، 9. *) در مورد dom دعا می کند. 8) ص. 20، i.



کاتشیسم، کونو. Tricl.

 434

سرمشق همگان آن حضرت موسی بزرگ است که با خروج از ملاقات و گفتگوی خداوند، در نوعی تابش الهی غرق شد تا بنی اسرائیل به چشم و دهان او نگاه نکنند. همه ی کسانی که با آن جد ت پرشور دعا می کنند، از لطف و عظمت خداوند به طرز تحسین برانگیزی برخوردارند. انسانها هر چه این چیزها را بیشتر بدانند، بیشتر خدا را با عبادت و تقوای شدید عبادت می کنند. آنها همچنین احساس می کنند که خداوند چقدر شیرین است، و همه کسانی که به او امیدوار هستند واقعاً چه خوشایندتر هستند. اما پس از آن، در محاصره آن درخشان ترین نور، می اندیشند که فروتنی آنها چقدر بزرگ است، عظمت خدا چقدر بزرگ است. زیرا این قانون سنت آگوستین است: "اگر شما را می شناختم، خودم را می شناختم." و چنین میاشود که کسانی که به نیروی خود بیاعتماد هستند، خود را کاملاً به رحمت خدا میاسپارند، و هیچ شک و تردیدی ندارند که او با محبت پدرانه و تحسینانگیز آنهاا را در کنار هم قرار میادهد، و همه آنچه برای زندگی و رستگاری لازم است را به وفور در اختیارشان میاگذارد. از این رو اجازه دهید به کار شکرگزاری خدا روی آورند، به همان اندازه که در دل خود می توانند درک کنند، به همان اندازه که می توانند در دعا بپذیرند. همانطور که می خوانیم داوود بزرگ انجام داد، که وقتی دعا را به این ترتیب اقامه کرد 4) : «مرا از همه کسانی که به من جفا می کنند نجات بده»، این گونه پاسخ داد: «برحسب عدالت او بر خداوند توکل خواهم کرد و نام خداوند متعال را ستایش خواهم کرد.»

III. به همین دلیل انجام می شود که دعای مقدسین که با ترس شروع شده بود با شادی خاتمه می یابد.

دعاهای بی شماری از این قسم از اولیای الهی وجود دارد که آغاز آن پر از خوف و ختم آن پر از امید و شادی است. اما شگفت انگیز است که دعاهای خود داوود چگونه است. زیرا هنگامی که ترس او را آشفته کرد، این گونه دعا کرد: "بسیاری بر ضد من قیام می کنند، بسیاری به جان من می گویند: در خدای آن نجاتی نیست." پس از تقویت و شادی، او کمی بعد اضافه کرد: "من از هزاران نفری که مرا احاطه کرده اند نمی ترسم." همچنین در مزمور دیگری که بر مصیبت خود ناله کرده بود، در پایان با توکل بر خدا، فراتر از ایمان به امید سعادت ابدی شادی می کند 7: «در خود می خوابم و آرام می گیرم». با چقدر لرز و رنگ پریدگی می توان باور کرد که پیامبر صحبت کرده است؟ از سوی دیگر، در ادامه چه میآید، چگونه با دلی مطمئن و شاد؟ او می گوید: «از من دور شو»، همه کسانی که گناه می کنند. زیرا خداوند شنیده است

(* ص. 7، ؟ 18 (1.4 .o .کور. 3، 13. درجه) ص. 5، 5. *) تک گوی. 1. 2 .II .مثال 34، 30 (i
ج. 9. ص. 3، 2. 3. > (7 .v.") ص 4، 9. ) ص 6، 2

صدای گریه من اما هنگامی که شائول از خشم و خشم می ترسید، چقدر متواضعانه و متواضعانه از خدا درخواست کمک کرد: "خدایا مرا به نام خودت نجات بده، و مرا به قدرت خود داوری کن." و در عین حال با شادی و اطمینان در همان مزمور 2 تسلیم شد: "اینک، خدا به من کمک می کند و خداوند پذیرنده روح من است." از این رو، کسی که با ایمان و امید خود را وقف نمازهای مقدّس می کند، باید به عنوان پدر و مادر به خدا نزدیک شود تا به هیچ وجه نسبت به دستیابی به آنچه نیاز دارد، بدگمان نشود.

IV. به این معنا کلمه "آمین" در اینجا در پایان استفاده می شود و برای کاهن برای تلفظ در دسته جمعی محفوظ است.

در این آخرین کلام دعای الهی «آمین»، بسیاری مانند بذر برخی از دلایل و افکاری که گفتیم، نهفته است. و در واقع این صدای عبری در دهان ناجی چنان مکرر بود که روح القدس را خشنود کرد که باید در کلیسای خدا تکرار شود. این جمله به نوعی تابع صدای اوست: بدانید که دعای شما مستجاب شده است. زیرا او قدرت استجابت دارد و هر کس آنچه را که بخواهد با دعای خود به دست آورد، به لطف خدای آمرزنده. این جمله با عرف دائمی کلیسای خدا تأیید شده است، که در قربانی داده می شود، هنگام خواندن دعای خداوند، نه به خادمین امر مقدس، که قسمت های آنها این است که بگوییم: «اما ما را از شر نجات ده». که به عنوان مفسر خدا و انسان به مردم پاسخ می دهد که خدا را نصیحت می کند. V. چرا وزیر باید در دعاهای دیگر مستجاب شود، اما در این دعا، کشیش باید آمین اجابت کند.

با این حال، این مراسم در همه نمازها مشترک نیست، زیرا در بقیه دعاها وظیفه وزیران است که «آمین» پاسخ دهند، اما مخصوص نماز یکشنبه است. زیرا به عبارت دیگر تنها دلالت بر رضایت و تمایل دارد; در این پاسخ این است که خداوند به درخواست دعاکننده رضایت داده است.

6. به این ترتیب کلمه «آمین» به طرق مختلف توضیح داده می شود.
و در واقع این کلمه "آمین" توسط بسیاری تعبیر شده است.

دیگران پاسخ دادند: "واقعا" عقاب "وفادارانه" را ترجمه کرد. اما اهمیت چندانی ندارد که به این صورت ارائه شود یا به آن شکل. اما اجازه دهید درک کنیم که ما آن قدرتی را داریم که گفتیم، از کشیش تأیید کننده، که آنچه درخواست شد اجابت شد. رسول در نامه خود به قرنتیان به کدام نظر گواه است: «وعده های خدا در او چند است؟» پس و بوسیله او آمین به خدا برای جلال ما.»

H. Cor. 1، 20 (8 .6 ج (» .3 ،53 پی >

436 کاتشیسم رومی rars IV.  باب 17 436 کلام داده شده که در آن نوعی

تأیید آن عریضه هایی است که ما هنوز اعمال کرده ایم.  که توجه
کسانی را که به نمازهای مقدس می پردازند نیز جلب می کند.  زیرا اغلب
اتفاق می افتد که مردانی که حواسشان به نماز پرت می شود، افکار
مختلف را به خود می کشاند.  در مقابل، ما با نهایت صمیمیت با همین
صدا درخواست می کنیم که همه چیز انجام شود، یعنی چیزهایی که قبلاً
خواسته ایم برآورده شود.  یا بهتر بگوییم با درک این که همه چیز را
قبلاً به دست آورده ایم، و با احساس قدرت فعلی نصرت الهی، آن را
همراه با پیامبر (ص) می خوانیم: «اینک خداوند مرا یاری می کند و خداوند
گیرنده جان من است». و همچنین هیچ کس شک ندارد که هم به نام
پسرش و هم به نام ربی که بسیار به کار برده است، خدا حرکت کند،
که همیشه، همانطور که رسول می فرماید2)، «او برای احترام او شنیده
می شود» 3) «که دشمن او پادشاهی و قدرت و پادشاهی تا ابدالاباد است».
«) ص.  53. 6') اوبر.  5، 7. » ) I. Pet.  i, 11. 5, 11. Jude 2S.

تمرین کافه گرایی

یا

تعلیمات مذهبی در هر یکشنبه سال توزیع می شود و با انجیل سازگار می شود.

یکشنبه 1. وارد شد.

نشانه هایی در خورشید و ماه خواهد بود. لوقا 21، 25. این انجیل باید به استدلال درباره داوری عمومی ترجمه شود. چرا کشیش در اینجا به مقاله نماد متوسل می شود، "از آنجا او برای قضاوت زنده ها و مردگان خواهد آمد" ص. 63. همانطور که دستور داده شده است ص. 12. یا طبق آیین سایر کلیساها:

اینک پادشاه تو نزد تو می آید. 25، 5. در این مرحله کشیش به طور مناسب با چیزهایی که در مورد تجسم و دلایل آمدن مسیح در نظر گرفته می شود، هنر برخورد خواهد کرد. 2. و 3. نماد. بعد از ص 27. 34

الاغی را می یابی که گره خورده است - آن را شل کن. قدیس آتاناسیوس از این قسمت نشان می دهد که این قدرت به حواریون و جانشینان آنها داده شد تا کسانی را که از سنگینی گناهان تحت ستم بودند رها کنند. بنابراین کشیش آنچه را که در مورد اعتراف گفته می شود برای مردم توضیح خواهد داد. 210. و تبرئه ص. 200. 216. در مورد قدرت بخشش گناهان در کلیسا ص. 87.

دوملنیکا دوم.

وقتی شنید که جان در زنجیر است. مت. 11، 2. سؤال جان نشان می‌دهد که ما چقدر باید با پشتکار مراقب باشیم، به طوری که ما و کسانی که زیر دست ما هستند، به درستی در مسائل ایمانی توسط معلمان کاتولیک آموزش ببینیم. ببینید چه چیزی در خدمت این مضمون از ابتدای تعلیمات تا اولین مقاله نماد است.

در زنجیر. ایمان را باید حتی تا حد حبس یا حتی تا سرحد مرگ در مواقعی که لازم است اقرار کرد و قاضی ما را مجبور می کند; و محصور کردن آن در سینه کافی نیست، هر چند راست و صمیمانه، همانطور که در صفحه نشان داده شده است. 15.

اعتراف کرد و انکار نکرد. در اینجا 1، 20. از این قسمت به ما آموزش داده می شود که به سادگی به حقیقت اعتراف کنیم، و با سوگند آمیخته نشویم، تا ایمان در مورد ما اعمال شود. ببینید قسم خوردن در دستور دوم ص 138 تا چه اندازه و تحت چه مجازاتی ممنوع است. 282.

پس چرا غسل تعمید می دهی؟ در اینجا باید به وزیران غسل تعمید بپردازیم که ص. 130. و رفتار مسیح، خداوند و خدمتگزار، در انفاق مقدسات، با توجه به تأثیر آیین مقدس، ص. 127

که من لیاقتش را ندارم در اینجا کشیش باید به مردم توصیه کند که خود را برای جشن تولدهای سیناکسین مقدس آماده کنند و به گونه ای رفتار کنند که شایسته پذیرایی از چنین مهمانی باشد. به آمادگی برای عشای ربانی ص. 184

## یکشنبه چهارم

در پانزدهمین سال سلطنت تیبریوس لوک. 3، 1. چرا در اینجا از شاهزادگان جهان یاد شده است، همان دلیلی را می توان ذکر کرد که در هنر آمده است. 4. نماد. از پونتیوس پیلاطس ص. 41.

کلام خداوند بر یوحنا تحقق یافت. از آنجایی که یحیی فقط به طور مشروع توسط خدا فراخوانده شد تا وظیفه موعظه کلام خدا را انجام دهد، بنابراین کشیش باید در اینجا دعوت مشروع خادمان کلیسا را مورد بحث قرار دهد، همانطور که در مورد آیین مقدس گفته می شود. سفارش ص. 237. و خواهد گفت آن وزیران مشروع نیستند که مبعوث نمی شوند، چنانکه در مقدمه ص. 7.

در صحرا در اینجا به صداقت و درستی شخصیت خادمین کلام خدا که کاهن هستند پرداخته می شود. 250. و در مورد عفت که به آنها حب اشاره شده است. ص 244

موعظه غسل تعمید توبه. اینکه چگونه بزرگسالانی که قرار است غسل تعمید بگیرند باید تحت تأثیر قرار گیرند و از زندگی گذشته خود توبه کنند، در صفحه آورده شده است. 136، چگونه این تعمید یوحنا باید تکرار می شد ص. 131

راه خداوند را آماده کن. در اینجا در مورد آمادگی برای مراسم عشای ربانی، که در یکشنبه قبل، و در مورد رعایت ضروری دستورات خداوند، که ص. 271. 279.

## در روز تولد دومینل.

او اولین پسرش را به دنیا آورد. لوقا 2، 7. هنر. نماد "متولد مریم باکره" که بیشتر در این مکان خاص است، که ص. 38.

در آغاز کلمه بود. I. 1, 1. از آنجایی که این قطعه، در حالی که به نسل ابدی مسیح می پردازد، به ص. 32. از اینجا کشیش توضیح این قسمت را می خواهد.

و کلمه جسم شد. در اینجا راز تجسم توضیح داده شده است، همانطور که در ص. 34.

جلال برای یگانه زاده. ببینید این برادر یگانه
376 ص. چگونه برادر ماست.
یکشنبه زیر ولادت هشتم.

و شمشیری از جان تو خواهد گذشت. لوقا 2، 35. از این موعظه
شمعون، کشیش می‌تواند حلقه‌ای را برای توضیح اینکه چرا خدا
مؤمنانی را که قبلاً تعمید یافته‌اند و عزیزترین فرزندانشان را
دارند، از ناراحتی‌های این زندگی معاف نمی‌کند. دیدم ص. 241. و پس
358 دیدم ص. کجا پناه ببریم;
او از معبد خارج نشد. در سخنرانی خصوصی و
عمومی شما p. 367. نحوه الحاق روزه و زکات به نماز ص.
370. و چگونه این سه چیز موجب رضایت گناهان می
227 شود.

در ختنه دومینل.

اینکه مرد باید ختنه شود. لوقا 2، 21. از آنجایی که غسل
تعمید جانشین ختنه شد، در اینجا می توان به طور کلی در مورد
کارایی شریعت جدید بر مقدسات شریعت قدیم، به عنوان عادت،
119 ص. گفت.
نام او عیسی بود. این نام چقدر مناسب به مسیح داده
شد و چرا به ص. 29. در اینجا مشاهده کنید که اکنون باید
نامی برای نوزادان در غسل تعمید داده شود; دلیل این
موضوع چیست و چه نامی باید بر آن گذاشت، شما ص. 149.
در خاتمه، از آنجا که تحمیل نام یکی از مراسم معمول در غسل
تعمید است، در اینجا می توان خطبه مناسبی در مراسم و
آداب غسل تعمید داشت. دیدم ص. 146. در روز قیامت.

زیرا ما ستاره او را دیده ایم. مت. 2، 2. از آنجا که معرفت
فلسفی خدا را نمی توان از طریق این ستاره به طور نادرست درک کرد،
همانطور که از طریق پاسخ کاهنان نور ایمان، آنچه در مورد تفاوت
بین حکمت مسیحی و دانش فلسفی گفته می شود در اینجا به بدی
اقتباس نخواهد شد. 16.
و به زمین افتادند و او را پرستش کردند. مت. 2، 11. در اینجا با پرستش
خدا سروکار داریم که به آن لاتریا می گویند و در عین حال با بزرگداشت اولیای
الهی که به آن دولیا می گویند; دیدم توضیح برگردان ص. 272; همچنین ممکن
است در مورد ستایش و تکریم عشای ربانی گفته شود. زیرا اگر همان مسیحی را
که مغان می پرستیدند، در مراسم عشای ربانی حضور داشته و اعتراف کنیم،
همانطور که با کلمات گفته شده در صفحه ثابت می شود. 170. اگر بخواهیم
161 تقوا داشته باشیم چرا مجوس را به همین صورت عبادت نکنیم؟ دیدم ص.

Dominlca زیر اکتاو Eplphanla.

طبق رسم روز عید. لوقا 2، 42. به مناسبت ایام عید،
296. ص.

و تابع آنها بود. در مورد تکلیف فرزندان نسبت به والدین خود ر.ک.
305

یکشنبه دوم بعد از عیسی مسیح

ازدواج صورت گرفت. I. 2, 1. در مورد راز ازدواج رجوع کنید به ص.
256

این باعث شد علائم شروع آسیب دیدگی ایجاد شود. این تبدیل آب به شراب
برای تأیید ایمان ابتدایی تر، که در s. راز محراب; که روی آن ص. 177

یکشنبه ساعت 15 اپیف.

اینک جذامی می آید. مت. 8، 2. پدران می گویند بدعت با جذام دلالت می کند.
اما کسانی که باید به عنوان بدعت گذار در نظر گرفته شوند، و کسانی که از
اردوگاه کلیسا هستند، به عنوان جذامیان سابق رانده شده بودند، ص. 73. 76.
برو خودت را به کشیش نشان بده. در مورد احترام به کاهنان خداوند و
بخشداران کلیسا، به ص. 307

برو خودت را به کشیش نشان بده کریستوستوم به ما می آموزد
که ادای احترام به کشیشان بسیار عالی تر است. کتاب 3. از کاهنان، به
جای موزائیک ها، که جذامیانی را که به آنها تقدیم شده بود پاک نکردند،
بلکه فقط اعلام کردند که پاک شده اند. اما ما، در حالی که به مردی که به
جذام گناه آلوده شده است، منفعت بخشش را به درستی آماده می کنند، او
را واقعاً پاک می کند و او را به سلامت کامل باز می گرداند. در اینجا قدرت
کلیدهایی که به کاهنان داده می شود، همانطور که در ص. 200

یکشنبه 4 عصر اپیف.

همانطور که عیسی به قایق رفت. مت. 8، 23. در میان بسیاری از چیزهایی
که کلیسا را نشان می دهد، آن قایق یا کشتی نوح است که ص. 76. بنابراین، در
اینجا، کشیش می تواند در مورد کلیسای کاتولیک و افرادی که با آنها درونی شده
است، عمل کند، همانطور که در صفحه بیان شد. 77.
پروردگارا، ما را نجات بده، ما هلاک می شویم. زیرا هیچ زمانی وجود ندارد
که زندگی انسانها به اندازه خروج قریب الوقوع روح در خطر باشد.
بنابراین، از این نقطه، کشیش قادر خواهد بود قوم خود را تشویق کند که
وقتی روز مرگ فرا می‌رسد، بیش از همه به درگاه خداوند متوسل شوند و راز
صله رحم را دریافت کنند، که در مورد آن ص. 229.
اینجا چنین است، زیرا بادها و دریا از آن اطاعت می کنند. چگونه همه
مخلوقاتی که از ابتدا آنها را از خدا دریافت کرده اند، باید مسیر خود را به عنوان
یک انسان حفظ کنند، رجوع کنید به ص. 384

یکشنبه Y. p. اپیپلی.

و دشمن انسان علفهای هرز کاشت. مت. 13، 25. در کلیسا دو
طبقه از مردان وجود دارد، خوبان، که با نام گندم مشخص شده اند.
به نام علفهای هرز گستاخ، ص. 76. یا منظور از علف هرز، کینه و
نزاع است که پدر آن را از بین می برد.

اهری‌من حس سعی در کاشت در مزرعه بچه های صلح دارد که شما مری‌ضی آنها را درمان می کنی‌د. 385

ی‌ک دشمن ای‌ن کار را کرد. در مورد نفرت شی‌اطی‌ن از ما، و برای وسوسه جسارت و انحراف، رجوع کنی‌د به ص. 420. و ای‌نکه هر بدی عامل تقصی‌ر است، ولی شر مجری کی‌فر است، رجوع کنی‌د به ص 420. 421. دوملی‌نکا ششم. ص اپی‌ف.

ملکوت آسمان مانند دانه خردل است. مت. 13، 31. از آنجا که به گفته معلمان، ای‌مان با دانه خردل فهمی‌ده می شود، در ای‌نجا بای‌د آنچه را برای آن ضروری می دانند، ص. 13. و ای‌نکه چگونه آن چی‌زهای‌ی که با ای‌مان پی‌شنهاد شده است مورد بررسی قرار نگی‌رند، ص. 15. و برتری آن، و ای‌نکه حکمت خداوند چقدر با علم فلسفی اشی‌اء الهی تفاوت دارد، ص. 16.

اما وقتی بزرگ شد. ای‌ن ای‌مان ممکن است افزای‌ش ی‌ابد، به ص. 367

دوباره مثل ملکوت آسمان برمی خی‌زم. آنها کلی‌سای ای‌ن زن را تفسی‌ر می کنند که گفته می شود نمی تواند در آموزه ای‌مان ی‌ا اخلاق اشتباه کند، که توسط خمی‌رمای‌ه، ص. 76. 82.

تا زمانی که همه آن تخمی‌ر شود. در ای‌نجا می توان مشارکت جماعت اولی‌اء و شای‌ستگان را توضی‌ح داد که عبارتند از ص. 83.

## Domlnlca در Septnages.

ملکوت بهشت مانند ی‌ک خانواده است. مت. 20، 1. خدا پدر خانواده است، چرا به او می گوی‌ند پدر، شما پ. 19. 370. خود آنها سکه را دری‌افت کردند. با نام دناری‌وس دلالت بر سعادت همزی‌ستی دارد که ای‌ن پدر خانواده در تاکستان خود، ی‌عنی در تزکی‌ه احکام الهی، مجدانه و مجدانه فراهم می کند. در مورد ای‌ن سکه زندگی ابدی، ص. 101. 265. 271. 383. راه و دلی‌ل خاصی برای رسی‌دن به ای‌ن سعادت داری‌د، ص. 352. 389.

به همی‌ن ترتی‌ب، توصی‌ه به کشت ای‌ن تاکستان از احکام مشاهی‌ر در ص. 266. هر پنی. اما در بهشت بر حسب نوع زحمت و محبتی که انسان با آن کار می کند، ثواب و جلال گوناگون است، ص. 97. 105.

## Dominlca در Sexages.

آن که کاشت بی‌رون رفت. لوقا 8، 5. ای‌ن بذر بوسی‌له کلام خدا که به خداوند توضی‌ح می دهد بر روی زمی‌ن پراکنده شد، که در آن به ص. 406. و چگونه شنی‌ده می شود، قبلاً می گوی‌د.
شی‌طان آمد. از تلاش و حمله شی‌طان، شما پ. 420

و از مراقبت و ثروت. چه قدر ثروت و می‌ل لجام گسی‌خته به امور مادی مانع ثمره ای‌ن نطفه الهی است، شما ص. 351

زیرا به غیریهودیان تسلیم خواهد شد. لوقا 18، 32. برای اینکه
سربازان مسیح که صلیب او را به عنوان معیار رهبر خود بالا گرفته اند،
تحریک شوند تا بازوهای توبه را به دست بگیرند، بنابراین این انجیل
در ابتدای روزه قرائت می شود که شامل مجموع مصائب خداوند است، که در
آن مکان توضیح آنچه در مورد اشتیاق خداوند گفته می شود، مزاحم نخواهد
بود. 42.

مرد کوری کنار جاده نشسته بود. این شخص نابینا نشان دهنده نژاد
انسانی است که من بعد از گناه آن را ایجاد کرده ام، رجوع کنید به ص. 3 92.

من به پسر زخمی ام دیوید رحمت می کنم. در اینجا شما نشان خواهید داد
که چگونه ما از این فرمول به طور متفاوت با خدا و مقدسین دعا می کنیم،
همانطور که شما 363 .p. علاوه بر این، اگر گرفتار مشکلات یا مصیبت ها
شدیم، یا به چیزی نیاز داشتیم، باید با این مرد نابینا به درگاه خداوند
متوسل شویم و با دعا از خدا بخواهیم که در حضور ما حاضر شود. رجوع به
وجوب و فایده نماز شود. 354

من کاری را که شما می خواهید انجام می دهم. در اینجا دلایلی است که
خدای مهربان می خواهد از ما خواسته شود، حتی اگر بداند ما به چه چیزهایی
نیاز داریم، از ص. 356. بیاورد

جمعه چهارم خاکستر

ولی وقتی روزه می‌گیری مت. 6، 16. از آنجایی که روزه
روزه به نام بازخرید گناهان تمام سال با این جریمه بزرگ
برقرار شد، مردم مؤمن باید امروز برای استقبال از توبه
بیدار شوند که ضرورت آن در ص. 208. آموزش دادن با چه
پله هایی می توان به سوی توبه صعود کرد، ص. 197. و
با چه کارهایی می‌توانیم رضایت گناهان را فراهم کنیم، ص.
225

گنج های خود را بر روی زمین تمام نکنید. رجوع به آیه ی کسانی
شود که به دنبال ثروت اندوزی هستند. 327

برای خود گنج هایی در بهشت جمع کنید. از آنجایی که کاهنان
باید مکرراً برای صدقه دادن به فقرا در میان مردم مؤمن بیرون
بیایند، در اینجا از آنچه در صفحه آمده است با جدیت این کار را
انجام می دهند. 332

یکشنبه اول روزه.

وسوسه شدن توسط شیطان. مت. 4، 1. از آنجا که زندگی انسان یک
وسوسه روی زمین است (ایوب 7، 1.) در اینجا با وسوسه سروکار داریم. در
مورد انواع وسوسه ها; به آنچه که افراد مجاز به وسوسه شدن هستند. با
چه سلاح هایی باید در برابر وسوسه ها مقاومت کرد و بقیه از این دست که
در ص. 420

انسان تنها با نان زندگی نمی کند. در مورد نان روحانی، که مسیح در
اینجا صحبت می کند، به ص. 407.

خداوند به فرشتگان خود دستور داد. در مورد ولایت فرشتگان نسبت به مردان
رجوع شود به ص 138. 371

خدا را عبادت خواهید کرد. در مورد پرستش خدا که با ایمان و امید و انفاق انجام می شود رجوع کنید به ص. 272.

## یکشنبه دوم کوادراگ.

عیسی پطرس را گرفت. مت. 17، 1. در اینجا می‌توان آن چیزهایی را که به نظر می‌رسد مربوط به مکان و زمانی است که در آن انسان‌ها استعداد بیشتری برای تأمل در امر الهی دارند، آورده شود. 270

خوب است که ما اینجا هستیم. در اینجا می توان به آنچه بالاترین شأن اطاعت کنندگان از خدا تلقی می شود، پرداخته شود. 393. یا در مورد شادی های درونی مردان مقدس، ص. 406. در اینجا می توانند در مورد مقاله دوازدهم صحبت کنند.

این جولیوس محبوب من است. در اینجا، در مورد شجره نامه ابدی پسر، وسیع ترین حوزه گفتمانی را به خود ارائه می دهد، که ص. 31. یکشنبه سوم کوادراگ.

این عیسی بود که یک دیو را بیرون می کرد. لوقا 11، 14. این خاصیت شیطان است که کسی را که در اختیار دارد لال کند، یعنی او را از اعتراف به گناهان بازخواند. اما هنوز دلیل دیگری برای بیرون راندن دیو وجود ندارد جز اینکه زبان خود را شل کنید تا گناه را در برابر کشیش آشکار کنید، ببینید در مورد اعتراف چه گفته شده است. 210. هر پادشاهی که بر ضد خود تقسیم شود ویران خواهد شد. همانطور که در صفحه بیان شد، کلیسا پادشاهی مسیح است. 386. اکنون که به خود تقسیم نشده است، باید یکی باشد، از این رو باید در اینجا به وحدت کلیسا از ص. 78

به خانه ام برمی گردم. در مورد گرانش کسانی که دوباره به گناه باز می گردند، ص. 46. 418. و بعد از اقرار چه باید کرد، ص. 226. سپس هفت نفر دیگر را فرض می کند. این قطعه ص. 421. او نه تنها یک دیو، بلکه حتی گاهی چندین دیو را برای وسوسه کردن یک مرد امتحان می کند. اکنون از این قسمت مشخص می شود که شیطان کسانی را که از او کوتاهی می کنند با جدیت بیشتری وسوسه می کند، مانند 419. خوشا به حال رحمی که شما را به دنیا آورد. این انجیل با جلال مریم مقدس خاتمه می یابد، که از آن ص. 36. 363.

## یکشنبه 4 کوادراگ.

پنل آیو را از کجا بخریم. 6، 5. در اینجا عریضه نماز یکشنبه، «نان ما، سهم-

disitaen uemt i adma v niomb i sh,a"b e bpa.t 3 9se9d.a n diN o tsiatnidmu, m ut p rdaoecteenrte a

,d o cqtuoorde s .p a nIitsa و نان عشای ربانی در مورد مراسم عشای 9 خوانده می شود.

و این را گفت و او را وسوسه کرد. چگونه خداوند انسان را وسوسه می کند، رجوع کنید به ص. 422

بین کسانی که بنشینند توزیع می کند. مسیح توزیع نکرد، اما

او آن را به رسولان داد، و آنها آن را بین مردم تقسیم کردند (مت 14، 19.) - بنابراین، از آغاز جهان از طریق پدرسالاران و پیامبران، و بعداً از طریق رسولان و جانشینان آنها، خداوند کلام خود و مقدسات را تأمین می کند، همانطور که در ص. 171 مربع، با این حال، مسیح است که عمدتاً همه این چیزها را به انجام می رساند، ص. 116

او واقعاً یک پیامبر است. در مورد شکرگزاری به ص. 357 رجوع کنید به دام. 6. بعد از پنت.

دومینیکا فاسلونیس

کدام یک از شما مرا به گناه متهم می کند؟ I. 8, 46. در انجیل امروزی، بی گناهی مسیح به راحتی در وسط آورده شده است، تا ممکن است برای ما علت اشتیاق خداوند، که کلیسا امروز شروع به نمایندگی می کند، البته نه به دلیل خطاهای او، بلکه به خاطر گناهان ما، آماده کند. شما در مورد علل مصائب مسیح، ص. 45. اگر حقیقت را به شما بگویم در اینجا به ما آموزش داده می شود که مراقب دروغگویی باشیم، که بسیاری از ص. 341

کسی که از خداست سخنان خدا را می شنود. با شنیدن کلام خدا ص. 9. 406

آیا خوب نمی گوییم، زیرا شما یک سامری هستید 7 از این قسمت کشیش می تواند دستی به دست بگیرد تا مردم خود را تشویق کند که خطاهای خود را ببخشند، که در مورد آن چیزهای زیادی گفته شده است. 362. 414

اما من به پدرم احترام می گذارم و تو مرا بی آبرو می کنی. مسیح اغلب و به شدت توسط بسیاری مورد بی احترامی قرار می گیرد، اما به ویژه توسط کسانی که کلام او را با تفسیر نادرست یا با تبدیل آن به باطل آلوده می کنند، که از جمله این موارد است. 291.

پس سنگها را برداشتند. از این قسمت می توان دریافت که زمان و نوع مرگ توسط مسیح انتخاب شده است که به موجب آن p. 4 3.

یکشنبه نخل.

رجوع کنید به: ظهور اول یکشنبه شماره 2 و 3. علاوه بر این، از آنجایی که همه کسانی که دارای احتیاط هستند به دستور کلیسا موظف به دریافت عشای ربانی در آن زمان هستند، بنابراین از این کلمات انجیل، " اینک، پادشاه شما نزد شما می آید"، کشیش قادر خواهد بود مؤمنان را تشویق کند که آن را از آنچه در صفحه گفته شده است دریافت کنند. 160. و از آنجایی که والدین عمدتاً در ارائه درک عشای ربانی به فرزندان خود بسیار سهل انگاری می کنند، بنابراین بر همه چیز در مورد سنی که فرزندان مجبور به درک آن هستند تأکید ویژه خواهد شد، در صفحه بیان شده است. 188

در روز مقدس شما دعا خواهید کرد. در این روز، از آنجایی که موعظه رسمی راز مصائب مسیح معمولا برگزار می شود، بنابراین، علاوه بر آنچه در نمایشگاه هنر آمده است. 4. نمادها p در نظر گرفته می شوند. 41. به نظر می‌رسد که می‌توان در این روز با این چیزها برخورد کرد: عشق منحصر به فردی که خدا با آن نژاد بشر را تعقیب کرد، هنگامی که می‌خواست آن را با مرگ پسر یگانه‌اش بازخرید کند. 374 از اولین پا-

از سقوط اجاره خانه اش و بدبختی هایی که پس از او به وجود آمد، که از آنها
ص. 27. 385. چگونه از مصائب مسیح همه آمرزش گناهان سرچشمه می گیرد،
که ص. 110. 408. و از این رو، تمام مقدسات از این مصائب مسیح فضیلت
دریافت کردند، همانطور که در ص. 89. 119. از قربانی مسیح که از آن ص. ] 9 2.
به طور خلاصه، به گونه ای که هرگز برای هیچ کس روشن نبوده است، اما
دسترسی به ملکوت آسمان حتی بدون این رستگاری انسانی از طریق ایمان
به مسیح، همانطور که هست، نمی تواند روشن باشد. 27. و اینکه این
مجموع و کلید کل دین مسیحی است، شناخت عیسی مسیح و مصلوب شدن او،
همانطور که ما ص. 9.

## یکشنبه عید پاک

او بلند شد، او اینجا نیست. مرقس 16، 6. رستاخیز خداوند در هنر
توضیح داده خواهد شد. از نماد "او در روز سوم از مردگان برخاست" ص. 52.
Ferla

## secnnda Pasch

دو نفر از شاگردان می رفتند. لوقا 24، 13. از آنجایی که برای کشیش
به سختی ممکن بود تمام آنچه مربوط به رستاخیز مسیح در روز قبل است
توضیح دهد، بنابراین در این روز او قادر خواهد بود آنچه را که از آن مکان حذف
کرده است تکرار کند.

مسیح باید رنج می برد. اینجا محل مناسبی برای توضیح
دلایل ضرورت قیام مسیح است که در ص. 55. و با مثال مسیح مؤمنان
را تشویق کنند که خود را با کوشش تمام وقف کنند تا ملکوت
آسمانی را تصاحب کنند، که در ص. 389. و در فواید مصیبت، ص. 375.
432

نان را گرفت. در این جا ثابت خواهد شد که هر دو نوع مراسم عشای
ربانی لزوماً به یهودیان ارائه نمی شود، که بسیاری از آنها ص. 188. فریا
سوم فصح

عیسی در میان شاگردان ایستاد. لوقا 24، 36. در اینجا می توان در مورد
چهار موهبت یک بدن باشکوه صحبت کرد، همانطور که ص. 97.
درود بر شما از آنجا که ملکوت خدا، طبق شهادت رسول، صلح و شادی
در روح القدس است، این همان چیزی است که پادشاهی مسیح برای
پرهیزگاران است، همانطور که در ص. 389
به نام او توبه را موعظه کنند. این که چگونه موعظه توبه
توسط مسیح به حواریون دستور داده شد، از همین قسمت، ص. 86. از
آنجایی که از نمایش هنر ممکن است. در مورد برانگیختن دوباره
گناهان، از گناهانی که در اینجا در مراسم توبه برگزار می شود، تا
طولانی ترین خطبه را داشته باشند. یکشنبه اول بعد از عید پاک

چون اون روز دیر بود I. 20, 9. لازم بود تا حد امکان الگوی
رستاخیز مسیح ایجاد شود تا الگوی رستاخیز ما نیز تثبیت شود.
و هم کتاب مقدس و هم عقل ما معاد را به وسیله آن تثبیت می
کنند، رجوع کنید به ص. 91.

یکی از صحابات چیست، رجوع کنید به ص. 297.

گناهان چه کسانی را می بخشید. I. 20, 23. در مورد قدرت کلیدهای اعطا شده به کاهنان، ص. 87. 239.

انگشت خود را در محل های ناخن قرار دهید. آینده بدن ها پس از رستاخیز چگونه خواهد بود و چرا مسیح و شهدا زخم های خود را حفظ خواهند کرد، به ص. 97.

دومیجیکا II. بعد از فاش

من چوپان خوبی هستم. I. 10, 11. به نام شبانان نه تنها اسقف ها و حاکمان ارواح، بلکه پادشاهان، قضات، والدین و معلمان نیز شامل می شوند. به راستی که چوپانان به چنین گوسفندانی چه بدهی دارند و گوسفندان نیز به نوبه خود به چوپانان بدهکارند، شما ص. 7. 304

و یک گله و یک شبان باشد. در اینجا وحدت کلیسا، که از آن ص. 79. همچنین یک کشیش جهانی کلیسا، پطرس الهی، و جانشین پیتر، پاپ روم، که ص. 78. 248.

مزدوری که چوپان نیست رجوع کنید به ص. 238.

یکشنبه سوم پس از عید

کمی و مرا نخواهید دید. I. 16, 16. نوعی تسلی کارآمد، در حالی که اندوه موقتی که برای مسیح دریافت می شود با شادی های ابدی جبران می شود. ببینید در مورد زندگی ابدی چه گفته شده است، ص. 102.

اما شما غمگین خواهید شد. چرا منحرفان کمتر مورد حمله قرار می گیرند، اما شیاطین با تقوا شدیدتر مورد حمله قرار می گیرند و از این رو آنها شاد می شوند، اما دومی غمگین هستند، رجوع کنید به ص. 420

غم و اندوه شما به شادی تبدیل خواهد شد. به امید کالاهای آینده، چگونه با روحیه ای غیور و استوار همه ناملایمات را تحمل کنیم، ر.ک. 101. و چرا خداوند اجازه می دهد که خیرات متصل شود، ص. 424

یکشنبه 4 بعد از عید پاک

زیرا اگر من نروم، پاراکلت نخواهد آمد. I. 16, 7. در مورد روح القدس، و در مورد محبت ها و عطای شگفت انگیز او، شما باید ص. 67.

او جهان را متهم به گناه می کند. این مقام شایسته روح القدس است که دلها و پشیمانی را به حرکت درآورد و گناهکار را در درون محکوم کند. حال اینکه چه نوع نقض درست است و چه چیزهایی باید داشته باشد، به ص. 203. در اینجا نیز می توان به مواردی اشاره کرد که در مورد گناهانی که قابل بخشش نیستند، ص. 202. پنجمین یکشنبه بعد از عید پاک

اگر از پدر چیزی به نام مردم بخواهید. I. 16, 23. اینجا محل مناسبی برای صحبت از نماز و لوازم جانبی آن است که ص. 353

تا الان چیزی نخواستی. در اینجا به درستی روشی که ما باید از طریق مسیح به خدا دعا کنیم، که ص. 353. این قسمت نیز برای اثبات این که ما باید به نام عیسی مسیح دعا کنیم ذکر شده است.

## در عید معراج پروردگار.

او به بهشت برده شد. مارک 16، 19. در این مکان هنر. نمادی که در مورد معراج است، همانطور که در صفحه بیان شد توضیح داده خواهد شد. 58.

یکشنبه بعد از عروج دم.

اما هنگامی که Paraclete می آید، که از پدر خارج می شود. I. 15, 26. در اینجا حرکت روح القدس از پدر و پسر، از ص. 71.

مثل همه کسانی که تو را می کشند. لو 16، 2. این فرمان دکالوگ « تو نباید بکشی» را می توان توضیح داد، که ص. 311 قرار بر این است که خدمت را انجام دهد. در مورد تمام ناملایمات و مصیبت های این زندگی، مانند آنچه که به خاطر مسیح رنج می بریم، باید قضاوت شود، یعنی اینکه آنها نشانه بزرگی از خیرخواهی خدا نسبت به ما هستند، همانطور که در صفحه داریم. 224

## در عید پنطیکاست.

اگر کسی مرا دوست داشته باشد، به قول من عمل می کند. 1. 14، 23. روح القدس از این رو به ایمانداران داده می شود تا بتوانند کلام خدا را که در دکالوگ آمده است نگاه دارند. در این مورد، برای اینکه آنها پیشرفت بیشتری داشته باشند، اجازه دهید کشیش آنچه را که در ابتدای شرح دکالوگ، ص. 264. یا چون این قسمت برای اثبات غیرممکن نبودن احکام خداوند آورده شده است، لذا از ص 138 به این موضوع می پردازد. 267. یا امروز آنچه را که در مورد راز تایید ص 100 رسیده است توضیح خواهد داد. 150. پدران تعلیم می دهند که رسولان در چنین روزی توسط روح القدس تقویت شدند.

فریا دوم پس از پنطیکاست

زیرا خداوند دنیا را بسیار دوست داشت. I. 3, 16. این قسمت برای توضیح دادن چیزهایی که در خلقت و حکومت پدر آسمانی به نوع بشر نشان داده شده است مناسب است. اما موارد بسیار بیشتری در رستگاری ص. 39. 371

تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد. در اینجا، چگونه ایمان به مسیح برای همه مردم از هر عصر ضروری بوده است، ما باید از ص. 27.

کسی که به او ایمان دارد مورد قضاوت قرار نمی گیرد. در مورد کلمه «شما ایمان دارید» ص. 15، که شما می توانید در اینجا آن را تطبیق دهید، که از آن نیز شکل گفتن اینکه نشان خواهید داد که پسر خدا واقعا خداست از ص. 31، 40.

زیرا او به نام پسر یگانه ایمان ندارد. شما می توانید از این چیزها اعلام کنید که پسر خدا چگونه یگانه است

آنها p هستند. 32. و به چه دلیل این یگانه زاده برادرانی داشت، ص. 31. 377. 448

جمعه سوم بعد از پنت.

کسی که از در وارد نمی شود. I. 10, 1. در اینجا توضیح داده می شود که در مورد منصوب شدن قانونی خادمان کلیسا ص. 237. وزیر مشروع دستور مقدس، ص. 248

و گوسفندان صدای او را می شنوند. اطاعت و شرافتی که بر عهده اسقف ها و کشیشان است در ص. 307

اما از دیگری پیروی نمی کنند. برای پیروی از وزیران بدعت گذار، رجوع کنید به ص. 7. اما کسانی که از آنها پیروی می کنند گوسفند نیستند بلکه کودکان هستند، ص. 419

در جشن اس اس. از سه سال

تمام قدرت به من داده شده است. مت. 28، 18. در اینجا باید توضیح داده شود که در مورد سلطنت مسیح در پرهیزگاران، و دلیل سلطنت او در وفادارانش، ص. 386. مملکت جلال همان، ص 138.

387. همچنین درباره قدرت او در اقامه و اعطای مقدسات، ص. 116. و در مورد قدرت همان کلیدهایی که گناهان به وسیله آنها بخشیده می شود. 119. 200

غسل تعمید آنها این متن برای اثبات زمانی که غسل تعمید شروع به پیوند کرد، ص. 129. و لذا در مورد وجوب آن و مخصوصاً در نوزادان، چیزهایی که ص 125 به شمار می رود. 134

به نام پدر و پسر و روح القدس. در اینجا در مورد موضوع و شکل غسل تعمید که عبارتند از ص. 124. عمل دقیق است. در اینجا همچنین در مورد ss. ممکن است به راز تثلیث پرداخته شود که از آن جمله می توان به ص. 20. اما آنها به ویژه به مردم عادی ناآگاه خواهند آموخت که تثلیث مقدس را نمی توان نقاشی کرد یا شکل داد، و به قدری که اگر نقاشی شود، آن تصویر باید برخی از ویژگی های آن را بیان کند، همانطور که در صفحه بیان شده است. 277.

به آنها یاد می دهم که هر چه دستور دادم رعایت کنند. در اینجا ضرورت و امکان شریعت الهی مطرح می شود که در ص. 267

در همان یکشنبه

پس رحم کن لوقا 6، 36. برای اینکه مسیح ما را ببخشد، ابتدا باید کسانی را که توسط آنها آسیب دیده ایم ببخشیم. توضیح آن درخواست را بنگرید: قرض ما را ببخشید. 408

بده و به تو داده خواهد شد. در اینجا، از ارتباط با نزدیکان، ممکن است منابع این زندگی را که در ص. 405. یا از صدقه، ص. 370

منافقین تیر اول را انداختند. در مورد منافقین که خداوند دعایشان را رد می کند، شما ص. 369.

در جشن Corpus Chrlstl.

زیرا گوشت من واقعاً غذاست. I. 6, 56. در مورد آیین عشای ربانی ص. 160

یکشنبه دوم بعد از فنت.

مردی غذا درست کرد. لوقا 14، 16. نام شام، که در پایان روز گرفته می‌شود، برای ما بر جلال آسمانی دلالت دارد که این پدر خانواده در پایان زندگی به سعادتمندان خواهد داد. در این استدلال ببینید چه چیزی در p قرار داده شده است. 100. یا به نام شام با پولس، اول قرن. 11، 20. بدن مسیح در آیین محراب درک می شود، که در آن به ص. 160

و همه با هم شروع به عذرخواهی کردند. از آنجایی که همه این بهانه‌ها از هوس شیطانی ناشی می‌شوند، بنابراین باید در اینجا در برابر هوس‌های نادرست از ص. 346. اگر بدبختی های ما جلوی چشمان ما باشد، ما که چیزهایی را که برای ما مفید است را رد می کنیم، اما خود را به چیزهای زیانبار اضافه می کنیم، همانطور که آنها کردند، ص. 360. 392.

من یک مزرعه خریدم. به مغرورها و جاه طلبان بنگرید که با این تعیین شده اند که ص. 351. 365.

پنج تا خوب خریدم رجوع کنید به آوروس ص. 332

من زن گرفتم در اینجا شهوت مورد منفور است و خودداری و پاکدامنی قابل ستایش است که به ما دسترسی آسان به ملکوت بهشت را می دهد. 321

یکشنبه 3 بعد از پنت.

شادی در بهشت بر یک گناهکار خواهد بود. لوقا 15، 7. در میان بقیه چیزهایی که باید گناهکار را به انجام توبه برانگیزد، شادی بهشتی است که آنها به دلیل تبدیل گناهکار از آن لذت می برند. p lura شما 430 .195 .86 .p

یکشنبه 4 بعد از پنت.

وقتی جمعیت برای شنیدن این کلمه هجوم آوردند. لوقا 5، 1. به توصیه به دقت به کلام خدا گوش فرا دهید، ص. 7. و آموزه انجیل چگونه باید برای گرفتن هر یک ارائه شود. 10. و این را باید بخصوص در ایام اعیاد شنید، ص. 299.

وقتی سوار کشتی شد، مال سایمون چی بود؟ مسیح بدون هیچ یک از حواریون به کشتی پطرس وارد شد تا با این عمل نشان دهد که پطرس همراه با جانشینانش رئیس و رئیس شبانان کلیسا است. ص را ببینید. 78. 248.

از من برو، پروردگارا اجازه دهید کسانی که با پیروی از این نمونه و سنتوریون به سیناکس مقدس نزدیک می شوند، تصدیق کنند که بیش از همه شایسته حضور چنین مهمانی نیستند. ببینید در مورد آماده سازی عشای ربانی چه گفته شده است. 184

پنجمین یکشنبه پس از پنطیکاست

به پیشینیان گفته شد: قتل مکن. مت. 5، 33. این قسمت این حکم دکالوگ را توضیح خواهد داد، همانطور که در ص. 311. من به شما می گویم: هر که عصبانی می شود این کلمات را توضیح دهید: ص. 314

در قدیم می گفتند: فریب نمی خوری. این حکم توضیح داده شده است که از آن داریم، ص. 318

Doininica VI. بعد از پنت

برای جمعیت متاسفم. مرقس 8، 2. کشیش قادر خواهد بود آن چیزها را در مورد مکاشفه خدا در مورد انسانها بیان کند، ص. 374

اگر آنها را رها کنم به سرعت شکست خواهند خورد. در اینجا باید به ضعف مردانی بپردازیم که بدون یاری خداوند نمی توانند هیچ کار پسندیده ای را در نزد خداوند بنا کنند. 392. یکشنبه هفتم بعد از پنت.

مراقب پیامبران دروغین باشید. مت. 7، 15. در اینجا غار دم توسط بدعت گذاران رسوب می کند. اما چه کسی را باید بدعت گذار دانست، شما باید p. 77. اما چگونه اینها، اگر در کلیسا نباشند، می توانند توسط آن مجازات شوند، شما همانجا دارید. و ص 82. و این انبیای دروغین از چه هنرهایی برای نشر عقاید ناپسند خود استفاده می کنند، شما ص. 8.

او در آتش انداخته خواهد شد. بر این آتش جهنمی، ص. 66.

او که به وصیت پدرم عمل می کند. این جمله، گویی کوتاهترین روش است، تعلیم که چگونه می توانیم به ملکوت آسمان برسیم. بنابراین، هر کسی که مایل به بدست آوردن آن است، باید این دیدگاه را در نظر داشته باشیم، رجوع کنید به ص. 394. و سپس در جایی که درخواست سوم "تعطیل شود اراده تو چنانکه در آسمان و زمین است" توضیح داده شده است.

یکشنبه 8 بعد از پنت.

هزینه سرپرستی خود را بپردازید. لوقا 16، 2. در مورد گزارشی که باید هنگام خروج هر یک از زندگی ارائه شود، به ص. 63.

با مادرت دوست شو به همین دلیل ثروتمندان از اموال خدا پر می شوند تا آن را به فقرا عطا کنند، ص. 408. در اینجا می توان کشیش را به صدقه خود توصیه کرد. 332. این فقره شفاعت اولیای الهی را نیز می کند که ص. 274. دوملنیکا نهم. بعد از پنت

بر او گریه کرد. لوقا 19، 41. مسیح گریه می کند تا به ما بیاموزد که گریه کنیم. چگونه اشک در توبه ستمکاران استفاده می شود و با چه جدیت باید آنها را تهیه کرد، رجوع کنید به ص. 2 06. جایی که به تخلف رسیدگی می شود.

چون اگر می دانستی این بزرگترین بدبختی کشور ماست. برای تشخیص بدبختی خود، به ص. 391.

زیرا روزها بر تو خواهند آمد و تو را احاطه خواهند کرد. اورشلیم به عنوان نمونه ای از آن مردی است که مزین به فواید بسیار از جانب خداوند، از آنها برای نابودی خود سوء استفاده می کند، رجوع کنید به ص. 422. اولین یکشنبه پس از پنطیکاست

این را با خود دعا کرد. لوقا 18، 11. دعا باید با چه فضیلت های همراه باشد تا خدا را خشنود سازد و او را برکت دهد، به ص. 367

خدایا به من گناهکار رحم کن. این مثال از توبه کننده واقعی، از جمله در ص. 417. چرا با این و با مثال دیگران که در آنجا برگزار می شوند و ص. 209. مؤمنان به سوی توبه واقعی سوق داده می شوند. همچنین نمونه ای از کسانی است که وقتی گناه می کنند به درگاه خدا دعا می کنند و مستجاب می شوند، ص 138. 358. سرانجام، در اینجا نشان داده می شود که چقدر باید در دعا به خدا متواضعانه نزدیک شویم، ص. 366

هر که خود را بالا ببرد، فروتن خواهد شد. مثال فروتنی مسیح بیشترین وزن را برای سرکوب غرور ما دارد، ص. 39.

یکشنبه 11 بعد از پنت.

و به او التماس کردند. مرقس 7، 32. با پیروی از مثال کسانی که مسیح را قطع می کنند، همانطور که کر و لال برای شفا نزد او آورده شد، به ما توصیه می شود که برای دیگران دعا کنیم. اما این که چگونه باید انجام شود و برای چه کسی دعا کنید، شما باید ص. 361

انگشتانش را در گوش او گذاشت. به دنبال الگوی مسیح، گوش ها، چشم ها، سینه و شانه های کودکان به درستی با علامت صلیب در هنگام غسل تعمید مشخص می شود. در مورد این مراسم و سایر مراسم غسل تعمید و اهمیت آنها، به ص. 145

به آسمان نگاه کرد، آهی کشید. از آنجایی که خداوند همه جا هست، بهتر است چشم خود را به بهشت معطوف کنیم تا به هر چیز دیگری، و چرا می گویند در آسمان است، ص. 378. بعلاوه، از آنجا که حروف مقدس اغلب برای ناشنوایان و نابینایان و کسانی که با تمام اعضای بدن گرفته شده اند، مورد توجه قرار می گیرند، همانطور که داریم، ص. 411. در اینجا، کاهن می تواند در مورد بدی هایی که گناه می آورد، همانطور که در همان جا گفته شد، بحث کند.

یکشنبه 12 بعد از پنت.

یهوه خداي خود را دوست بدار. لوقا 10، 27. پيشنهادي که در ابتداي توضيح دکالوگ ص. 265. تا دستور دوم. رجوع کنید به دام. 17 ص. پنت.

مردی از اورشلیم به اریحا می آمد. دکترها با نام این مردانی که به شدت توسط دزدان مجروح شده اند، ماهیت انسان پس از سقوط آدم را درک می کنند که چه کسی، چه تعداد، چه و چه نوع زخمی دریافت کرده است. 3 0. 385. 391. 401.

سامری در حال ریختن نفت قبل از. در اینجا کشیش از مقدسات صحبت می کند که از سامری ما، یعنی الف

آن‌ها را مسیح به‌عنوان علاج طبیعت انسان، که با سقوط آدم به وجود آمد، تأسیس کرد، همانطور که در ص. 112.

مراقب آن باش به نژاد بشر و کلیسا که توسط مسیح به یک مرد متعهد شده است توجه کنید، در مورد آن به ص. 78. 248. به نظر می رسد کدام یک از این موارد بعدی بوده است؟ از این قسمت که می گوید بعدی در ص توضیح داده شده است. 336

دوملینکا سیزدهم. بعد از پنت

عیسی معلم به ما رحم کرده است. لوقا 17، 13. در مورد نام عیسی به ص. 29.

برو خودت را به کشیش ها نشان بده. رجوع کنید به دام. II. بعد از اپیف همچنین ص. 212. جایی که این قطعه نقل شده است. اینکه چگونه به فضل پشیمانی گناهان آمرزیده می شود، از این آیه ثابت می شود. 209. که اما برای داشتن ص بهتر نیاز به اقرار دارد. 210

دومینیک چهاردهم. بعد از فنت

برای روح خود نگران نباشید. مت. 6، 25. تا جایی که نگرانی بی حد و حصر برای انباشت ثروت و سایر شهوات مانع رستگاری روح می شود، رجوع کنید به ص. 348. و شما یک وسیله مجدد از این بیماری ص. 351

پدرت می‌دونه حتی اگر خدا خواسته ها و نیازهای ما را بداند، چرا باید او را نماز بخوانیم، ص. 356

ابتدا پادشاهی خدا را بجویید. در مورد مواردی که درخواست می شود و به چه ترتیبی داریم پ. 360. 379. علاوه بر این، در اینجا درخواست دوم نماز یکشنبه به طور کامل توضیح داده می شود، همانطور که ما ص. 383.

و همه این چیزها به شما اضافه خواهد شد. تا آنجا که ادعاهای زمانی مطرح می شود، ص. 400

دومینیک چهارم بعد از فنت.

و او که مرده بود نشست. لوقا 7، 15. اگر این مرده و برخی دیگر زنده شدند، چگونه می توان فهمید که مسیح قبل از هر چیز قیام کرد، به ص. 53. هنر. نماد رستاخیز جسم، ص. 91. دومینیک XYI. بعد از پنت

اگر اجازه مراقبت در روز سبت باشد. لوقا 14، 3. در مورد تقدیس روزهای اعیاد، و اینکه از آنها خودداری کنید و چه باید کرد، باید ص. 293.

وقتی دعوت شدی اینجا مکانی است برای تشویق همه مسیحیان که یکی را بر دیگری ترجیح ندهند، همانطور که در ص. 377. و نه جاه طلب و طمع شرافت هستند، همانطور که ص. 39.

یکشنبه 17 بعد از پنت.

یهوه خدای خود را دوست بدار. مت. 22، 37. ر.ک. دام. XII. بعد از پنت

نظر شما در مورد مسیح چیست؟ چگونه مسیح پسر داوود است، ص. 29. چگونه نیز او پسر داوود به دلیل الوهیت نیست، شما باید ص. 32.

دوملینکا هجدهم. بعد از پنت

و عیسی یکی از آنها را دید. مت. 9، 2. بنگرید که چقدر خدا توسط ایمان دیگری تحت تأثیر قرار می گیرد تا هدیه ای را به دیگری بدهد، نه تنها ناخواسته، بلکه حتی به آن فکر هم نمی شود. از این روست که در غسل تعمید، نوزادان شریک بازسازی می شوند، نه به این دلیل که به معراج ذهن خود باور دارند، بلکه به این دلیل که با ایمان فرزندخوانده یا والدینشان تقویت می شوند، اگر به کلیسای کاتولیک وفادار بوده اند، اگر نه کمتر، ص. 135. و از پدرخوانده ها، ص. 131

گناهان شما آمرزیده شده است. از این قسمت ثابت می شود که مسیح انسانی قبل از هر چیز قدرت بخشش گناهان را داشته است. 89. بعلاوه، در حالی که کشیش که دارای صلاحیت عادی یا تفویض شده است، گناهان توبه کننده را به نحو مقتضی می بخشد، تا آنجا که در بخش مقدس باشد، کمتر از این فلج نیست. روی صورت ابطال شما p. 200. اینجا فحش می دهد. در مورد کفر ما p. 291. بر سوگند ص. 284

یکشنبه 19 بعد از پنت.

با همسرش ازدواج کرد. مت. 22، 2. برای دلایلی که زن و مرد باید با هم متحد شوند، به ص. 255. و چه عروس هایی بیشتر جست و جو می شود ص. 256. و در مورد وظایف متقابل زن و مرد، ص. 261. و اینکه به خاطر دعا با خدا در اوقات معینی از ازدواج خودداری کنند، ص. 264. نیز در فضیلت سه گانه نکاح، ص. 260

آنها کسانی را که تحت تأثیر توهین قرار گرفته بودند، کشتند. در مورد توهین ها، تحقیرها، زمزمه ها و سایر شرارت هایی که توسط همسایه مجروح می شود، به ص. 338

نداشتن لباس عروس این جامه با جامه یا کفن سفیدی که به غسل تعمید داده می شود، دلالت دارد که از آن ص. 149. به تاریکی بیرون افکن. در مورد حکم و مجازات محکومین ص. 66.

Domlnica 20 بعد از پنت.

حاکمی بود که پسرش بیمار بود. I. 4, 16. این همه بدبختی و ناملایمات از کجاست و چه و چند تا از اینها ص. 385. 401. کجا پناه بردن به بدی ها و چیزهای ناگوار ص. 426. 428. در اینجا می توان آخرین درخواست نماز یکشنبه را توضیح داد: «ولی ما را از شر رهایی بخش،» ص. 427

یکشنبه 21 بعد از پنت.

بدهی خود را بپردازید. مت. 18، 28. استرداد توبه‌کننده قبل از تبرئه لازم است، زیرا «گناه آمرزیده نمی‌شود.

پس، مگر آن که برگرفته شده، اعاده شود.» به گفته آگوستوس. رجوع کنید به ص 327 همچنین در مورد دزدی، غارت، ربا و سایر غصبات مال، ص 328 اگر نمی بخشید. در اینجا درخواست نماز یکشنبه توضیح داده شده است: «قرض ما را ببخش» ص 408

Domlnica 22 بعد از فنت.

استاد می دانیم که راست می گویید. مت. 22، 16. بدترین نوع رضایت، که برای مصیبت و هلاکت همسایه به کار می رود. در چاپلوسی شما 339 .p. در مورد دروغ رجوع کنید به ص. 337

چیزهایی را که از آن قیصر است به قیصر بده. رجوع کنید به شاهزادگان و مافوقان منصوب در قدرت، ص. 307. یکشنبه 23 بعد از پنت.

ببین شاهزاده آمد. مت. 9، 18. در اینجا تفاوت بین کافران و مسیحیان برای رهایی از بیماری ها وجود دارد، که ص. 429. و چگونه در موآبیان توسل به خدا وجود دارد، ص. 429.

دخترم همین الان فوت کرد در اینجا در مورد مرگ و جدیدترین مسائلی که غالباً در مورد آنها مقرر شده است که با مردم برخورد شود، ص. 65. 229.

اگر فقط به دامن دست بزنم. در اینجا کشیش یا بقایای قدیسان، عبادت و تکریم آنها از ص. 275 و هنگامی که عیسی به خانه آمد در اینجا دلیل کمک به مردگان از طریق توده های قربانی و دعا است که در مورد آن ص. 194. 362

یکشنبه 24 بعد از پنت.

آنگاه که زشتی را دیدی. مت. 24، 15. در اینجا باید به نشانه های قبل از قیامت پرداخت که از آن جمله، ص. 65

اما دعا کن، بگذار شکست بخورد. این قطعه برای اثبات این مطلب معرفی شده است که می توان از خدا چیزهای زمانی را خواست، ص. 400. از این رو کشیشان نیز می توانند در این موضوع اقدام کنند، که در مورد آن ص. 356. تحت درمان است.

اما به خاطر منتخبان آنها کوتاه خواهند شد. در اینجا می توان در مورد قدرت شیاطین صحبت کرد که تا آنجا که می توانند و تا زمانی که می خواهند نمی توانند انسان ها را وسوسه کنند، همانطور که در صفحه بیان شده است. 421

# شاخص تعلیم و تربیت

کتاب چاپ شده اصرار دارد.  مدتها پیش کیو جی مانز در رگنسبورگ.

Verlagsanstalt vorm. 6. ج، مانز در رجنسورگ.

## قوانین و احکام

شورای جهانی مقدس ترنت تحت رهبری پل سوم. 3 جولای و پیوس چهارم.
مهم ترین پاپ ها اوم اضافات و اطلاعات گسترده. که در یک پیوست
احکام و قوانین شورای واتیکان الف. 1 .ss) نه Pius P. P. IX در 8 دسامبر
1869 افتتاح شد. با اجازه عالی ترین اسقف اعظم بامبرگ. 1 M. 50 Pf.

## قوانین و احکام

seta c rPoisoa n IcVt.i Pooenctuifmiecniibcuis Cmoancxiilimii s t r idCeuntmi n i a

dsduibt a Pmaeunltoi s I IIe.t. Jiunldiioc i bIuIIs. خلاصه کردن trident spectantibus
Auch unter dem Titel: Beschliisse und Glaubensregeln des hocheiligen allgemeinen
Concils zu Trient unter den Papsten Paul III. ، ژولیوس سوم و پیوس چهارم. Mit Sach-
register und Bullen, welche das concil betreffen. Latinisch und Deutsch. (
Herausgegeben von Dr. V. Loch.) - 2 M.

## احکام و قوانین

شورای مقدس و جهانی واتیکان الف. اس اس D. N. Pius P. IX. افتتاحیه در 8
دسامبر 1869. 45 Pf.

## احکام و قوانین

شورای مقدس و جهانی واتیکان الف. اس اس D. N. Pius IX در 8 دسامبر 1869 افتتاح شد.
Auch unter dem Titel: Beschluse und Glaubensregeln des hochheiligen und
allgemeinen Vaticani-sacmh e n8. C Doenccielmsb,e re ro '1f8f6n9et. vMoint
SGeeinneerh m iHegiulniggk e idte s d eHmo c hPwaipisrtde. HCuaspi t eIlX-.
Vicars des Erzbistums Bamberg. 90 Pf.

## P. J. P. Gury S. J.

مورد وجدان در مسائل اصلی الهیات اخلاقی، چاپ اول در آلمان. من 50 Pf .M. >

%' ' -: ' '

Catechism n. د B eschluse des Concils von Trient fiir die Pfarrer auf Befehl des Papstes
Pius V. und Clemens XIII. herausgegeben Uebersetzt nach der zu Rom i. جی دی H. 1855
ver- 6h'offcehnwt.l ic Ohtredni n aAruisagteasb e .B a mMbietr g .S a ch Srteegriesotteyrp.

. - AMuistg a Gbee.n e h m1i g Mu. n g80 Pdfe.s

f